

نفیس ترین و مجرب ترین اوراد، اذکار
و دستور العمل های معنوی

کلیدهای اسرار

ویژه نامه مجله شمیم وحی
بهار ۱۳۹۲



اذکار و دستور العمل های شگفت از معصومین و عرفا

دستور العمل های بی نظیر برای تشریف به محضر امام عصر (عج)

خواص و اعداد ابجد اسماء الله

مجموعه نفیس و کامل ادعیه السر (اهدایی خداوند به پیامبر (ص))

عجائب و غرائب

متن کامل فالنامه شیخ بهایی

نقد و بررسی عرفان های کاذب و فرقه های نوظهور

و ده ها موضوع متنوع
و جذاب دیگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
(جز تو معبودی نیست، پاک و منزهی تو - از این که به
من ستم کنی - من از ستمکاران بودم.)
(سوره انبیاء، بخشی از آیه ۸۷)

در این مجموعه می خوانید:

- سخن اول -- برخی از ادعیه ی رزق و روزی - چند تذکره دلسوزانه -- برخی از دعا های قرض و بدهکاری -
واینک... چند پرسش و پاسخ - کلید ها و راز هایی از عرش (سخنان شکوهمند خداوند با پیامبرش در شب معراج) -
اذکار، توصیه ها و دستور العمل های ناب -- محافظت از اموال و پیداشدن گمشده -- محافظت در برابر دشمنان --
توانگری -- شگردهای محافظت در برابر چشم زخم -- رفع سستی و تنبلی -- خرید و فروش و برکت در اموال --
یادگیری و حافظه -- بستن زبان بدگویان -- دور کردن کسی از خود -- دعای رقعۃ الجیب -- دعای ور -- حرز
عقد اللسان امام سجاد (ع) -- دعای عظیم الشان چشم نظر -- تعویض دفع وحشت -- دعای محافظت صبح و شام --
دستور العمل حضرت ولی عصر (عج) برای مشکلات -- ادعیه ی طولانی شدن عمر -- کلید فتوحات -- دیدن عجائب -
باطل السحر شیخ بهائی -- دعای برکت موم غسل -- از عجائب سوره ی جن -- دستور العمل های بخت گشایی --

مزایای نگهداری کبوتر و مرغ در خانه -- بیداری بین الطلوعین و تعقیبات نماز صبح، کلید رزق و روزی -- برخی از تعقیبات نماز صبح -- ساعت غفلت و فضیلت نماز صبح

- ساعت غفلت و فضیلت نماز غُفیله -- تعویذ عافیت از سحر -- دعای لیلۃ المبیت برای امان از ترس و وحشت -- برخی از دعاها ی عافیت و تندرستی -- توصیه به قرائت آیه سُخره -- داروی چشم زخم -- کلمات فرج -- دعای ایمنی از سوء قصد -- دعای رفع ترس و وحشت -- فضیلت سجده ی شکر -- دعای یامن تحل -- دعای سریع الاجابة -- دعای هر دلسوخته و گرفتار -- دعای حضرت زهرا (س) برای پیشامدهای بزرگ -- نوشتن نامه برای حاجت رزق و روزی -- تعویذ دفع ترس در خواب -- بیدار شدن در ساعت خاص -- دعای سفر -- دعای اهل بیت معمور -- اذکار و دستور العملهای شگفت از معصومین (ع)، عرفا و بزرگان -- دستور العملهای ناب از معصومین (ع) -- دستور العملهای ناب از عرفا و بزرگان -- سفارشها و دستور العمل های آیت الله قاضی -- سفارشها و دستور العمل های آیت الله سید عبدالکریم کشمیری -- عدد و خواص سوره های قرآن -- آثار برخی از اذکار و اواراد -- ذکر یونسیه -- شفا و تندرستی با هفت سلام قرآنی -- کلمات قصار و نصایح آیت الله کشمیری -- استخاره ای خاص -- با اهل ذکر در گیر نشوید -- ذکر به اندازه -- پاسخ به یک پرسش -- فضائل و خواص دعای یستشیر -- سفارشهای آیت الله کشمیری درباره ی ختم برخی از سوره ها و آیات -- سفارشها و دستور العملهای آیت الله بهجت -- دستور العمل شیخ حسنعلی نخودکی به امام خمینی (ره) -- دستور العملهای بی نظیر برای تشریف به محضر امام عصر (عج) -- دستور العملهای بی نظیر برای تشریف به محضر امام عصر (عج) -- تلاوت سوره ی اسراء در شب جمعه -- نوشتاری از دکتر آقا تهرانی -- وصال در پرتو قرآن -- توصیه ی آیت الله بهجت -- مداومت بردعای عهد -- مداومت بر زیارت آل یاسین -- مداومت بر زیارت عاشورا، نماز شب و زیارت جامعه ی کبیره -- توصیه شیخ حسنعلی نخودکی -- توصیه میرزا جواد آقا تبریزی -- توصیه های شیخ رجبعلی خیاط -- برتر از ملاقات --

نکته ها و آداب سیر و سلوک

- شروط و آداب سالک -- آداب محاوره -- مقامات شیخ و صفات او -- شرائط مرید -- شرائط و آداب ذکر -- دعاها ی هفتاد بند استغفار حضرت علی (ع) -- چهل ختم ادریسیه -- ختم کلیه ی آیات سوره ی مبارکه ی یاسین -- طرز تهیه ی آب شفا بخش -- (آب نیسان ماه رومی) -- ختم دعای چهل کلید حضرت زهرا (س) -- برخی از خواص بی نظیر اسماء الله -- عجائب و غرائب -- صدپند جاودانه ی قابوس -- دریچه ای به دانش معصومین (ع) -- چگونه اسم اعظم متناسب با خود داشته باشیم؟ -- راهنمای جامع استخاره -- قیافه شناسی -- تعبیر جهش اعضا و پیش بینی حوادث بر این اساس -- فالنامه ی شیخ بهائی -- دانستنی هایی پیرامون

فرشتگان—گلچینی از کتا"هدیه های معنوی"—مجموعه ی کامل ادعیه السر—آشنایی بافوائد و فضیلت برخی ادعیه و زیارات دیگر—فضیلت زیارت عاشورا—فضیلت و آداب ختم حدیث کساء—فوائددعای عشرات—آثارو برکات دعای مجیر—دعایی جهت حفظ از شرجن—فضائل دعای جوشن کبیرو دستورخواندن آن—دعای عظیم نبوی جهت حل تمام مشکلات—دعای استغفارتوبه ی نصح—اثارختم دعای احتجاب از آیت الله کشمیری—این اذکارگنجینه ی کلماتند—دعای سریع الاجابه دیگر—دعای قدح—فوائدوآثار شگرف حرزمام جواد(ع)—دعای پیامبر(ص)جهت خلاصی از مشکلات—دعایی ارزشمندازامیرالمؤمنین علی(ع)—دعای مظلوم علیه ظالم—دعای حضرت ابراهیم(ع)جهت خلاصی از آتش—دعای شش قفل—دعای معراج—دعای عکاشه—طریقه ی ختم نادعلی کبیر—دعای هفت هیکل—دعای ام الصببان—نقدوبررسی عرفان های کاذب و فرقه های نوظهور

سخن اول

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که ویژه نامه ی کلید های اسرار مورد استقبال و لطف و تشویق مخاطبان و هموطنان گرامی قرار گرفت. استقبال بی نظیری که ما را بر آن داشت مجموعه ی جدید را با همان سبک و سیاق و البته در دو برابر حجم قبلی و محتوایی کامل تر تقدیم کنیم تا به خواست و اصرار و نیاز شما عزیزان در این زمینه پاسخی شایسته داده باشیم.

تردید نیست که متون دعا، اذکار و اوراد به عنوان وسیله ای موثر و قابل اعتماد برای راز و نیاز با معبود و استغاثه به درگاه خداوند و توسل به محضر اهل بیت (ع) مورد اهتمام و توجه مومنین بوده و اثرات شگرفی هم در برآوردن حاجات و رفع مشکلات جامعه ی اسلامی بر جای می گذارد.

تلاش ما در این مجموعه آن بوده که در قالب مطالب، مقالات و عناوینی خاص، از منابع معتبر و مجرب، دستورالعمل ها و نکته های ناب را گزینش و در اختیار شما عزیزان قرار دهیم تا بتوان برای حل مشکلات و رسیدن به خواسته ها و چاره جوئی مسائل پیش رو از آن کمک گرفت.

ضمن این که توجه شما را به مطالعه ی توصیه ها و نکته های آغازین کتاب جلب نموده و می خواهیم که این توصیه ها را چند بار به دقت مطالعه بفرمایید، از درگاه خداوند متعال خواهانیم که این تلاش اندک را به لطف و کرم خود بپذیرد و نیز دعای خیر شما عزیزان نصیب ما گردد. ان شاء الله. و در آخر از دوست عزیزم و استاد گرامی جناب آقای حمید آذر(مدیر سایت www.inapply.com) که در جهت همکاری و راهنمایی در راستای جمع آوری مطالب این کتاب ما را یاری نموده اند کمال تشکر را رادم.

محمد رضا صادقی سوادکوهی

چند تذکر دلسوزانه

در این بخش به کسانی که می خواهند از روش های معنوی برای حل مشکلات خود بهره ببرند و به ادعیه و اذکار، اعتقاد و اعتماد دارند چند تذکر و نکته یادآوری می گردد تا هم در استفاده از مطالب، آموزه ها و روش های این مجموعه، مورد عنایت قرار دهند هم در تمامی مراحل زندگی ایشان:

1. تفاوت دعا با سحر و جادو

اول این که باید بین دعا و سحر و جادو تفاوت قائل شد آنچه جادوگران انجام می دهند این است که با یک سری از اعمال شیطانی و گمراه کننده و از طریق طلسم ها، به تسخیر اجنه و شیاطین پرداخته و مدعی هستند از طریق نیروهای ماورائی، خواسته های شما را عملی می سازند. اینان یا گروهی شیاد و کلاهبردار هستند که هیچ قدرتی ندارند و یا افرادی هستند که با زیر پا گذاشتن اصول اولیه شرع مقدس اسلام و از طریق روش های حرام، هم خود به تسخیر اجنه و شیاطین درآمدند و هم اینکه توانستند اجنه و شیاطین را تسخیر نمایند لذا هر آن چه اینان برای شما انجام دهند، چون خارج از مسیر شرع انور اسلام است، بنابر نظر کلیه علماء و فقهای دین، حرام شرعی بوده و هرگز برای شما عاقبت به خیری نخواهد آورد. این که از طریق طلسم و جادو، دختر معصومی را بی اراده کنند و به عقد شما درآورند (جلب محبت) و یا به زور انواع جادو ها، مرد یا زنی را مجبور کند شرائطی که قلباً رضایت ندارد، بپذیرد و یا با سحر، افرادی را بی اراده کنند که هر چه مثلاً شما بگوئید انجام بدهند، این عمل دست بردن در حقوق و اختیارات افراد محسوب شده و حق الناس است و هیچ فقیهی چنین روشهایی را برای کسی مباح و جایز نخواهد شمرد. دوم حتی در مورد مسائل حلال، کسی حق ندارد از طریق سحر و طلسم عمل نماید، اگر زن یا مردی برای افزایش محبت همسر شرعی و قانونی خود هم دست به این کار بزند و به جادوگر و ساحر و رمال مراجعه نماید نیز گناه کبیره ای انجام داده است که هرگز جای بخشودن نمی گذارد. در روایت صحیح آمده است که زنی به پیامبر عرض کرد: من شوهری دارم که بامن بد رفتاری می کند، من با سحر نظرش را به سوی خودم معطوف کردم، آیا عمل من ناپسند است یا خیر؟ در پاسخ، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اف لک، کدرت البحار و کدرت الطین و ... اف بر تو باد، دریاها را مکدر کردی و زمین را مکدر کردی، اخیار زمین و آسمان به تو لعنت می

کنند زن که این حرف را شنید از آن پس برای استغفار از این گناه کبیره روزها را روزه گرفت و تمام شب ها را عبادت می کرد و توبه کرد و لباسهای مویی پوشید و سرش را هم تراشیده بود ، این خبر به پیامبر رسید فرمودند از او قبول نمی شود . علت اینکه گناهش آمرزیده نمی شود این است که این حق الناس است و باید شوهرش را راضی نماید . (من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 282)

این در حالی است که دعا ، آن روی سکه است یعنی یک سری اوراد و اذکار و ادعیه از طریق معصومین – علیهم السلام – یا اولیاء الهی و برخی عرفای واصل و عامل که همگان به صحت و درستی عمل و اعتقاد آنها گواهی می دهند ، ارائه می شود که مشتاقان و نیازمندان می توانند با عمل به آنها ، به حل و رفع مسائل خود بپردازند . مسلم است که بسیاری از اذکار ، اسماء الله الحسنى ، آیات الهی و اوراد وجود دارند که خواص و مزایای ویژه ای داشته و از نظر ساختار روحانی و ماورائی ، دارای موکلین و همراهانی هستند که اگر آن اذکار به صورت صحیح گفته شوند ، در عمل ، به کمک گوینده و ذاکر می شتابند ، لذا بین این عمل (ذکر) و نوشتن ادعیه صحیح و متوسل شدن به انواع طلسمات و جادو ها باید تفاوت قائل شد.

2. عارف، دکان باز نمی کند

به یاد داشته باشیم که انسان عارف و صاحب بصیرت و برخوردار از نفس مطمئنه هرگز خود را در معرض امتحان و یا تایید من و شما قرار نمی دهد. او هرگز کرامات و مکاشفات و قدرت معنوی خود را بازاری نمی کند ، یقین داشته باشید که یک انسان با کرامت که از طریق ریاضت های شرعی و کشتن نفس به رتبه ای از سیر و سلوک رسیده که چشمان حقیقت بینی دارد . هرگز برای خوشامد ما حرفی نمی زند و بازار گرمی نمی کند و اصولاً درب منزل خود را به روی کسی نمی گشاید تا از او اسرار بپرسند ، لذا آنهايي که هر از چند گاهی در گوشه و کنار شهرها و روستاهایمان می بینیم که مویی بلند می کنند و هوهو یی می کنند و برای خود بساط و بازاری به راه انداخته اند و مریدانی دور خود جمع کرده اند که برای آنها تبلیغ نمایند تا خبرشان به گوش ما برسد که اگر مشکلی داشتیم به نزد ایشان برویم و دستی از روی مهر بر سر ما بکشند و مبالغی از ما طلب نمایند ، مشتی شیاد و کلاهبردار هستند که خوب می دانند چگونه به قلب من و شما وارد شوند و جیب خود را پر بکنند .

هرگز دور و بر چنین افرادی نگردید . اینان اگر خیلی هنر داشتند مشکل خود را حل می کردند که به این چند ده هزار تومانی که از ما می گیرند محتاج نباشند.

3. حرام بودن سحر و جادو و احضار جن

بسیاری از هموطنان شاید شنیده باشند که نظام ما با رمالان و افراد جن گیر برخورد قانونی می کند اما هنوز نمی دانند که کار این گروه، شرعاً نیز حرام است. مرحوم صاحب جواهر که فقهای اخیر رساله عملیه خود را به تأسی از نظریات ایشان پایه گذاری می نمایند فرمودند: (حرام است و از محرمات است تعلیم گرفتن و یاد دادن سحر یا مقداری از آن را عملی کردن و تعلیم دادن). امام خمینی (ره) هم فرمودند: (عمل سحر، تعلیم دادن و فرا گرفتن و کسب به آن حرام است) ... (جواهر الکلام ج 22 ص 75 و تحریر الوسیله ج 1 ص 498).

ارتباط با اجنه نیز شدیداً مورد نهی بوده و رفتن به نزد کاهن، پیشگو و فال گیر نزد اسلام حرام شمرده شده است. و پول دادن و پول گرفتن برای احضار جن و کف بینی و آئینه بینی و انواع طلسم ها و سحر ها نیز حرام گردیده است. پس شما خوانندگان عزیزی که تا اکنون نمی دانستید، اکنون بدانید که در اسلام هیچ مجوزی شرعی به کسی داده نشده که برای ما فال بگیرد یا جن و روح احضار کند و راز گذشته و آینده بگوید حتی در مواردی که ضرر کرده ایم باید به شرائط تن بدهیم، فرض اگر تمام سرمایه مان را آمدند جمع کردند و بردند باید خود را سرزنش کنیم که احتیاطات امنیتی را لحاظ نکردیم نه این که چراغ به دست دنبال جن گیر و رمال و آئینه بین بگردیم که آن فرد بیاید سارق را به ما معرفی کند. بسیاری از آنها دروغ می گویند فرض که یکی راست بگوید و جن داشته باشد و به شما اطلاع دهد، این جا، دو امر خطرناک اتفاق افتاده است: اول اینکه شما با این عمل به فعل حرامی افتادید و با تصدیق یک رمال و بعداً تبلیغ او عملاً مبلغ روشی نادرست او خواهید شد. دوم اینکه حس انتقام شما را به سمت آن سارق یا سارقین خواهد کشاند و چه بسا جنایتها، قتل و حوادث دلخراش بعداً گریبان گیر طرفین گردد. بنده ی خوب خدا، اگر قرار بود من و شما اموری که از دید ما مخفی نگه داشته شده است را بدانیم که آن خدای حکیم و مهربان آن قدرت را به ما می داد، وقتی او اراده می کند که ما ندانیم سارق و دزد مال ما چه کسی است پس حتماً حکمت و مصلحتی داشته است. بردن مال ما دردش و ناراحتی اش بیشتر است یا دانستن نام دزد و تعقیب کردن او و فکر انتقام گرفتن و درگیری و قتل و جنایت های بعدی؟ کمی اندیشه لازم است که هرگز به دنبال چنین افرادی راه نیافتیم که مثلاً چیزهایی را که ما نمی دانیم برای ما علنی کنند. این یکی از همان مصادیق «میوه ممنوعه» است که نباید به سمت آن برویم. جد بزرگ ما به حرف خدا گوش نکرد و خواست بداند که مزه آن میوه درختی که خدا او را از خوردنش منع نموده است چیست و رفت و به شیطان گوش داد و میوه را خورد و شد آن چه نباید می شد و از بار آن گناه است که ما فرزندان آدم همچنان در رنج و تعب هستیم، پس چرا ما آن تجربه را تکرار کنیم و میوه های ممنوعه دیگر را بخوریم و به دنبال کشف چیزهایی باشیم که دستور داده شده و مصلحت دانسته شده که «ندانیم».

4. باید کینه ها را زدود

علم و روان شناسی و سایر علوم مرتبط با سلامتی بشر ثابت کرده اند که خشم، قهر و انتقام جوئی، بزرگترین آفت و بلای سلامتی است. شما خواننده محترم، اگر قصد دارید زندگی آرام و سالمی داشته باشید، خشم ها، کینه ها و انتقام جوئی ها را بی خیال شوید و به دور اندازید. قلب های نازنین شما باید مملو از عشق به هموعان، خویشان و فرزندان شما باشد که انرژی های شما را برای زندگی و بودن در کنار عزیزانتان افزایش دهد، دشمنان شما و آنهایی که به شما بدی کردند چه ارزشی دارند که در قلب خود آنها را محکم و دو دستی نگه می دارید و حاضر نیستید رهایشان کنید؟ باور کنید کینه و نفرت از دشمنان و کسانی که به شما ستم کرده اند آنقدر حجیم و فضاگیر هستند که تمامی قلب شما را اشغال می کنند و جایی برای عشق و دوست داشتن عزیزانتان باقی نمی گذارند. دیگران اگر به شما بد کردند بهتر است شما بخشیدن را بیاموزید و آنها را ببخشید، اگر واقعاً نمی توانید ببخشید، یک راه میان بُر وجود دارد، آنها را به خداوند بزرگ واگذار کنید. مگر نه این است که ما همواره به خداوند ایمان و اعتماد داریم و مطمئن هستیم که او بر خلاف مصلحت ما عمل نمی کند و بیشتر از پدر و مادر، دوستان دارد، پس بیایید کینه ها و نفرت ها را رها کنید و فهرست ستم کنندگان به خود را به خداوند تحویل دهید و از او بخواهید هر طور خودش می خواهد میان شما قضاوت و عمل نماید. با این کار قلب خود را از کینه ها و نفرت ها خارج ساخته و به خود کمک خواهید کرد تا دعاهاى شما در حق دوستانتان مستجاب شود. قلبی که از سیاهی نفرت و کینه پاک شده باشد می تواند نور الهی را جذب نماید و دعای صاحبان چنین قلب هایی مستجاب تر خواهد بود.

5. دعا و ذکر، شان بالایی دارد

دعاها و ذکرها، اهمیت و شأن والایی دارند. هرگز برای کارهای کوچک و بی ارزش روزانه، اذکار عظیم الشان را استفاده نکنید. علم و آگاهی خود را در مورد خواص و فوائد هر ذکر و یا هر اسمی از اسماء الله بالا ببرید. اگر خواستید به صورت عادی دعایی یا توسلی داشته باشید، مفاتیح الجنان و صحیفه سجاده نیازهای شما را برآورده می سازند اما اگر حاجاتی دارید که می خواهید با ذکر گفتن برای رسیدن به حاجات خود تلاش کنید باید مطالعه بیشتری داشته و کتاب هایی که در مورد خواص آیات قرآن، اسماء الله الحسنى و انواع ذکرها و ختم ها نوشته شده را مطالعه نمایید.

6. اهمیت عدد در ذکر

توجه داشته باشید که عدد در ذکر اهمیت خاصی دارد. هرگز عدد ذکر را (حتی به اندازه 1 عدد) کم یا زیاد نکنید مثلاً اگر گفته شده برای فلان حاجت 786 بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بر آب بدمید و ... این برای آن است که عدد این آیه 786 است پس اگر شما کم و زیاد کنید هرگز به مقصود نمی رسید. البته ثواب می برید که آیه ای از قرآن را تلاوت نمودید اما برای رسیدن به حاجت خود، این ذکر کمکی به شما نمی کند. این امر حکم گاوصندوق را دارد که رمز آن را باید درست وارد کنید تا درب گاوصندوق باز شود. اینجا نیز همین است. کم و زیاد شدن (حتی سهواً) تعداد یک ذکر باعث می شود گاوصندوق باز نشود و از داخل آن، پاکتی که حاوی حاجت و خواسته شماست به دست نیاید.

7. سعی نکنید دیگران را از هم جدا کنید

هرگز برای جدایی و تفرقه کسی عمل نکنید، چون دارای عواقب می باشد مثلاً اگر برای تفرقه بخواهید عمل کنید و عمل شما به ناحق باشد هرگز نمی توانید از نتایج رقت باری که برای شما و خانواده تان به عمل می آورد در امان باشید. هر چند سحر و طلسم ها به دست دیگری انجام می شود اما شما به عنوان عامل و دستور دهنده در معرض خطر هستید، ادعیه و اذکار مربوط به جدایی و تفرقه هم اثرات روانی بعضاً خطرناکی دارند. حتماً مراقب خود و خانواده گرامی تان باشید و به فکر این اذکار هم نباشید. در بدترین شرایط هم اگر باشید فقط بگوئید: (وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد) و این آیه را هر روز ورد خود قرار دهید و با این آیه کارهای خود را به خدا واگذار کنید هم رهایی خود را از او بخواهید و هم انتقام از دشمنان و ستمگران را با این آیه از او طلب کنید.

8. احتیاط در استفاده از ادعیه دفع دشمن

نکته مهم دیگر این که سعی کنید حتی اذکار و یا روش هایی که در کتب مختلف برای هلاک دشمن و یا آوارگی او آمده و یا داخل در سحر و طلسم هم نمی باشند را هم استفاده نکنید چون گاهی ما در قضاوت های خود دچار اشتباه می شویم و همیشه حقیقت آن طور نیست که ما می پنداریم. گاهی خیال می کنیم که فلانی به ما ستم بزرگی کرده و زندگی ما را به تباهی کشانده یا در موقعیت کاری، احساس می کنیم کسی در حال خالی کردن زیر پای ماست در حالی که شاید واقعاً چنین نباشد. ما یک سری از شواهد ظاهری را می بینیم و خیال می کنیم که

داوری ما صحیح است در حالی که در بسیاری از اوقات بعداً می فهمیم که نوع قضاوت ما نسبت به برخی از افراد اطرافمان، اشتباه و ناجوانمردانه بوده است.

به همین خاطر است که شما را شدیداً از پرداختن به اذکار مربوطه بر حذر داشته و هشدار می دهیم چون اگر به اندازه یک درصد هم احتمال این باشد که شما در قضاوت خود اشتباه کرده باشید، عوارض آن صد در صد به خودتان بر می گردد. اگر سر سوزن هم احساس می کنید شاید فلانی دشمن شما نیست یا فلانی واقعاً کاری نکرده و ستمی انجام نداده و یا گناهش در حدی نیست که این همه عصبانیت و انتقام جوئی را به دنبال داشته باشد، از آن ذکر هلاک کننده پرهیز کنید چرا که در این صورت این فقط شما هستید که باید عوارض آن ذکر را بپردازید. به او آسیب نخواهد رسید چون او ستم نکرده و باور شما نادرست بوده است. حتی اگر واقعاً کسی به ما ستم کرده بالاخره برادر یا خواهر ایمانی ماست، چرا باید برای یک مسلمان، آوارگی و مرگ و نابودی اش را از خداوند بخواهیم. مگر نه این که دوست داریم در برترین درجات بهشت و در کنار بهترین بندگان خدا، ما را جای دهند؟ با کدام خصیصه و ویژگی باید قابلیت چنین مقامی را داشته باشیم؟ مگر نه این که پیامبر اسلام (ص) پیامبر رحمت بود و محبت، چه ها که بر سر مبارکش نیاوردند مشرکان مکه و یهودیان و ... آیا او نفرین می کرد یا از خداوند برای هدایتشان دعا می فرمود؟ توصیه اکید آن است برای آن که روحی نورانی و مقامی محمود در نزد پروردگار شامل حال ما بشود، از بدخواهی حتی برای دشمنان خود بپرهیزیم. برای آنهایی که به ما ستم می کنند از خداوند طلب هدایت کنیم و اگر نتوانستیم، لاقلاً آنها را به خدا واگذار کنیم و از اقدام شخصی و نفرین و دعای هلاک کننده استفاده نکنیم چون به هر حال انسان ممکن الخطا هست، هم او شاید روزی پی به اشتباه خود ببرد و از ما عذر بخواهد و راه جبران طلب نماید و هم این که شاید ما در پیش بینی و قضاوت خود اشتباه کرده باشیم و او آنقدر که تصور می کردیم، مقصر و ستم گر نبوده و عوارض نفرین به خودمان برگردد.

9. آینده، قطعاً قابل پیش بینی نیست

یکی از مواردی که عموم افراد به ویژه بانوان همواره پی گیر آن هستند، بحث طالع بینی و فال است که جا دارد به طور اختصاصی به آن پرداخته شود (که در این مقال نمی گنجد). ما دوست داریم یکی را پیدا کنیم که از گذشته و آینده ما خبر دهد و سرشار از اشتیاق می شویم اگر در بین جملات فلان فال گیر، چند تا جمله پیدا شود که با اتفاقات زندگی مان جور درآید.

در همین نوشتار اشاره شد که اصولاً قرار نیست و مصلحت خداوند بر این نیست که ما دنبال سرنوشت آینده خود بگردیم و دنیا را پشت سر بگذاریم تا فال گیر و پیشگو پیدا کنیم که از عاقبت ما خبر دهند چون عاقبت ما حاصل عمل ماست، حاصل گذشته ما و نحوه استفاده ما از تجربیات گذشته و مجموعه افکار و ذهنیات ما و عملکرد آینده ما به عنوان یک موجود مختار و صاحب اراده، قابل پیش بینی نیست لذا هیچ کس نمیتواند حوادث آینده را آنطور که با واقعیت محض برابر باشد، پیشگویی کند.

10. طالع بینی ها اعتبار ندارند

اینکه در افواه عمومی رایج است که طالع فلانی با فلانی جور در می آید یا نه و مواردی از این دست، چندان معتبر نیست و اساساً لازم نیست شما به دنبال این باشید که در هر کاری (مثل ازدواج، شراکت، دوستی و ...) طالع خود و آن فرد را پیدا کنید و بررسی کنید که جور در می آید یا نه. متأسفانه برخی از فال گیر ها از این نقطه ضعف و کنجکاوی برخی از هموطنان گرامی سوء استفاده نموده و به بهانه های مختلف تلاش می کنند کلاهبرداری و اخاذی نمایند. روزی از آنها می خواهند چون طالع شما با فلانی جور در نمی آید بروید طلاق بگیرید. یک روز می گویند بروید اسم خود را عوض کنید، بعد می گویند بروید طلاق بگیرید و با اسم جدید با همسرتان ازدواج کنید و با این شگردها برای خود و عاقدین آشنای خود رزق و روزی تقسیم می نمایند در حالی که نمی دانند قاسم الارزاق حقیقی خداوند است و اوست که می تواند به بندگان روزی بابرکت عطا کند. متأسفانه حساسیت و خرافاتی بودن این دست از هموطنان عزیز ما باعث رونق این قشر از شیادان شده و به انحاء مختلف زندگی خانوادگی شما را تحت تأثیر سوء قرار می دهند.

11. نوشتن ادعیه، آدابی دارد

برای نوشتن ادعیه، اگر آداب و شرائط ویژه ای ذکر شده باشد، سعی کنید اگر مطلع به آن شرائط نیستید و عمل به آنها برایتان مقدور نیست از نوشتن دعا صرف نظر کنید. به هر حال هر کاری، مقدمه ای دارد و شرائطی و خیلی از ما، به شرائط نوشتن دعا مطلع نیستیم و نمی توانیم آن طور که باید و موثر باشد، بنویسیم. پس بهتر است که در این موارد از اذکار استفاده کنید به همان اندازه که ادعیه نوشتنی و همراه داشتنی در مورد چشم زخم یا باطل السحر یا ... داریم به همان اندازه ذکر و عبارات خواندنی هم داریم و اینطور نیست که مثلاً فقط دعایی که نوشته شود و همراه باشد لزوماً از اذکار موثر تر هستند تنها فرقی در این است که ما عادت

داریم چیزی را بنویسند و بدهند تا همراه مان باشد و حوصله چندانی نداریم که برای رفع گرفتاری های خود ، وقت بگذاریم و ذکر بگوئیم .

البته برخی از دعاهایی که شرائط خاصی برای نوشتن آنها ذکر نشده را می توانید بنویسید و از آنها استفاده نمائید .

12. برای ذکر، باید شرائطش را مد نظر داشت

- برای ذکر گفتن باید شرائط خاصی را در نظر داشته باشید . اگر فرضاً از روی عادت هر روز ذکری را تکرار می کنید یقیناً اثر نمی دهد بلکه ذکری موثر است که شرایط زیر را دارا باشد :
- الف -** ذاکر ، طاهر و پاکیزه باشد یعنی با لباس و بدن آلوده نمی شود ذکر گفت نه فقط نباید لباس نجس باشد که حتی با لباس پاک اما کثیف هم نباید شروع به ذکر کرد .
- ب -** ذکر بهتر است در ساعتی خاص در همه روز ها باشد .
- ج -** ذکر باید پشت سر هم و بلافاصله باشد و ذاکر اجازه ندارد بین رقم های اذکار ، به امور دیگر مشغول شود مگر اذکاری که تعداد شان از حد معمول ، بسیار بیشتر باشد و برآوردن احتیاجات جسمی و نیز ادای فریضه نماز به قطع موقت آن موکول باشد .
- د -** ذکر باید با وضو همراه باشد حتی برای برخی اذکار ، غسل هم شرط شده اما من حیث المجموع برای سایر اذکار ، وضو ضرورت دارد .
- ه -** ذکر باید رو به قبله باشد .
- و -** ذکر باید حتی الامکان در محلی خلوت و یا مسجد و یا در محل اقامه نماز هر فرد در منزلش باشد .
- ز -** ذکر در حالت نشسته دو زانو بهترین حالت است . البته برای برخی اذکار ، سجده ملاک است (مثلاً گفته شده فلان ذکر را به تعداد فلان عدد در سجده بگوئید) .
- ح -** ذاکر هنگام ادای کلمات ذکر باید توجهش به خداوند باشد . ذکری که فقط از روی عادت و لقلقه زبان باشد اثری ندارد . ذکر واقعی آن است که ذاکر در طول آن به خداوند و مفهوم آن ذکری که می گوید بیاندیشد .
- ط -** ذاکر نباید در ایام ذکر، خود را به گناه کبیره آلوده نماید.
- ی -** در ایام ذکر، باید برخی غذاها مثل گوشت و پیاز را کمتر مصرف نمود.

ضمناً لازم به ذکر است بهترین وقت برای ادعیه و اذکار صبح موقع قبل از طلوع آفتاب و عصر لحظات قبل از غروب آفتاب ، وقت نماز مغرب و ظهر (موقع زوال آفتاب) می باشد .
در روایات اسلامی به فضیلت وقت زوال ساعتی قبل از اذان ظهر ، اشارات فراوانی شده و از آن به عنوان زمان استجاب دعا یاد شده است . لذا توصیه می گردد که اذکار مهم را به وقت نماز ظهر و ساعتی قبل از آن اختصاص دهید .

13. خود را از چشم مردمان درامان بدرید

مادران کتاب به کرات درباره چشم بدو ادعیه و اذکار مربوط به رهایی از این پدیده ی شوم بحث کردیم، نکته ای که باید نسبت به آن هشدار داد این است که برخلاف تصور بسیاری از عزیزان درباره خرافی بودن عقیده به چشم نظر، این رویداد در احادیث و روایات مورد تایید قرار گرفته و شواهدی از آن در کتاب آمده است، لذا بهتر آن است که هموطنان عزیز دو توصیه اساسی ما را در این رابطه مدنظر خویش قرار دهند تا از هرگونه گزند و آسیب درامان بمانند.
اول: استفاده از اذکار و اوراد و آیات و سوره هایی مثل چهار قل، آیه الکرسی، و ان یکاد، ادعیه تعویذ و... که به فراوانی در این مجموعه ذکر شده اند . این اذکار از آنجا مهم و حیاتی هستند که اثر چشم مربوط به اراده و مشیت الهی است و سنت الهی برای این قرار گرفته که چشم بد، اثر سویی کند. از سویی همین سنت الهی حاکی است که با یک سری از اذکار و اوراد می توان به راحتی از آفت چشم نظر دور ماند، خاصیت این اذکار و موکلینی از فرشتگان که ماموران الهی این اذکار هستند به گونه ای است که با گفتن آن اذکار یا خواندن آیات و سوره ها ، عمل مراقبت از ذاکر مورد دستور الهی قرار می گیرد و فرد در حصن حصین الهی قرار می گیرد.

دوم: اینکه حتی الامکان از جلوه گری و عیان ساختن نعمتها و امکانات خود بپرهیزید، چه لزومی دارد همسایه شما بداند که چند دستگاه ساختمان دارید. اگر وضع مالی خوبی دارید و برای هر کدام از اعضاء خانواده اتومبیلی تهیه کردید به یاد داشته باشید که چشمان بد و حسودی در اطراف شما هست که نعمتهای شما را رصد می کند. خانمی که از مچ دست تا آرنج خود را از انواع طلاها و دستبندها پرمی کند به یادش باشد که در اطرافش چشمانی حسود و یا حتی چشمان دوستانی غیر حسود، اما صاحب نیروی به اصطلاح «شورچشمی» او را می بینند. به خاطر داشته باشیم که از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «اگر قبرها شکافته شود خواهید دید اکثر مردگان شما از چشم زدن مرده اند، زیرا «چشم حق است.»»

(بحار الانوار، ج 95 ص 127)

پس شایسته است که بکوشیم نعمت ها و امکانات خیره کننده زندگی خود را از انظار پنهان کنیم این امر علاوه بر این که از نظر خوردن جلوگیری می کند از عواقب خطرناکی چون سرقت، گروگان گیری از شما به خاطر مطالبه وجه، طلا یا اموال، اقدام به قتل برای تصاحب اموال و... نیز شمارا در امان می دارد.

مخصوصا باید توجه نمود که صفت زشت «چشم وهم چشمی» که برخی از بانوان به آن مبتلا هستند نیز جزء علل چشم خوردن می باشد. ما شما را به پنهان کردن مزایا و امکانات خود توصیه می کنیم چرا که چشم وهم چشمی ها و وام گرفتن ها برای خرید و سائل، موجب می شود که دیگران شمارا به خاطر داشته هایتان چشم بزنند. آنها حسابگر نیستند که محاسبه کنند چقدر داشتید و چقدر وام گرفتند برای تهیه فلان وسیله بلکه عین آن وسیله را می بینند. یا اگر دو پسر در حال دامادی دارید مراسم عروسی آنها را در یک روز نگیرید که از خطر در امان نخواهند بود، حتی به قیمت هزینه بیشتر هم باشد مراسم آنها را جدا گانه بگیرید.

نیز غیر از وسائل، زیبایی های ظاهری و صورت و اندام فرد نیز گاهی موجب چشم خوردن او می باشد. گاهی یکی از موی بلند کسی تعریف و تمجید می کند. یا در جمعی زنانه شاید کسی از زیبایی فردی تعریف کند یا از برخی ویژگی های زنانه او و این ها هم موجب می شود فرد نظر بخورد. ای بسا یک وزنه بردار یا کشتی گیر ویایک هنرمند و بازیگر برجسته هم در معرض چشم بد باشد. لذا توصیه ها به همه آن است که دور خود هاله و یاپوششی نامرئی از ادعیه و اذکار قرار دهند و او را دی را بخوانند تا چشم نخورند و مهم تر آنکه از هر گونه عملی که به جلب نظر حسودان و شور چشمان منتهی می گردد بپرهیزند.

14. بی جهت پای اجنه را به منازل خود باز نکنید

متأسفانه برخی از عزیزان عادت دارند با هر اتفاق کوچکی به چندین دعانویس و فالگیر و رمال مراجعه کنند، غافل از اینکه مراجعه به افرادی که با اجنه در ارتباط هستند یا طلسمات را می نویسند این احتمال را به وجود می آورد که پای اجنه در زندگی این عزیزان باز شود. شاید او طلسمی بدهد و یا حرکتی بخواهد صورت دهد که مستلزم بردن نوشته ای به منزل شما است. خب، این طلسمات، موکلینی از شیاطین و اجنه دارند که در حقیقت کارگزاران این رمالان هستند و شما که از همه جا بی خبر هستید ناخواسته پای این موکلین را به محل زندگی خود باز می کنید و ای بسا که این اجنه و شیاطین پس از ورود به حریم شما دیگر تمایلی به خروج نداشته باشند که در آن صورت عواقب خطرناکی، ساکنان منزل را تهدید می نماید، لذا برادرانه توصیه می کنم هرگز و هرگز مشتری چنین دکان هایی نشوید، اگر مشکل شما با اذکار و شرائطی که در این کتاب و برخی کتابهای

موجود حل نشده، برگردید انسان صاحب نفس و بصیر و عارفی را پیدا کنید که برای حل مشکل شما دعا کند نه این که باهر مشکل کوچکی، به هر کسی مراجعه و اسباب زحمات بیشتر خود و خانواده عزیزتان را فراهم آورید.

15. مراقب فرزندان خود باشید

کسانی که از خدا و رسولش روی برگرداندند و به دنبال سحر و جادو می روند، معمولاً کینه ای دیرینه دارند و بیشتر همت آنها این است که به فرزندان شما (و مخصوصاً دختران) آسیب برسانند. براین اساس ضرورت دارد که مراقب سلامت و روحیات فرزندان خود باشید و برای سلامتی آنها و اثر نکردن سحرها، ادعیه خاصی که در این مجموعه آمده را بخوانید تا خداوند از آنها مراقبت نماید. چون برای دختران احتمال سحر برای بستن بخت آنها وجود دارد توصیه می شود به آنها بیاموزید که:

- 1- نزد دیگران، موها و زیبائی خود را که اسباب رشک و حسادت دیگران شود نمایان نسازند.
 - 2- مراقب باشند موی آنها به دست کسی نیفتد، در آرایشگاه ها مراقب باشند یا شانه خود را به کسی ندهند و از شانه کسی استفاده نکنند تا موی آنها جهت سحر و جادو در اختیار جادوگران قرار نگیرد.
 - 3- در حمام منزل حتی الامکان در گوشه ای از سقف یا بالای درب، حرز یا سوره ای از قرآن به صورتی قرار داده شود که موجب هتک حرمت نشود. این کار باعث می شود که اجنه و شیاطین نتوانند وارد حمام شوند و آنها را ببینند و احیاناً به فکر بستن بخت آنها بیفتند.
- نکته قابل یادآوری آن است که گاهی بسته شدن بخت دختران به دست دیگران است و گاهی خود اجنه که در منزل رفت و آمد می کنند بخاطر علاقه ای که به فردی پیدا می کنند بخت او را می بندند تا از دواج نکنند و در اختیار کسی قرار نگیرند و یا این اجنه از بس شرارت دارند و به هردلیلی با صاحب خانه بد هستند و کینه دارند فرزندان او را سحر می کنند تا انتقام خود را از صاحب خانه بگیرند. لذا نصب و استفاده از تابلوها و حرزهای حاوی آیه الکرسی، چهار قل، و ان یکاد و نادعلی می تواند از میزان حضور و عملکرد اجنه در خانه های شما بکاهد.

16. اگر دعایتان مستجاب نشد مدعی نشوید

اگر دعای من مستجاب نشد، حق ندارم در اثر بخش بودن اذکار و ادعیه شک کنم و یا ایمان خود را ضعیف کنم و بگویم که حالا دیدید هر چه دعا کردم مشکل حل نشد، پس همه چیز دروغ و سرکاری است و خداوند ما را فراموش کرده است. حتی برخی پا را فراتر گذاشته و می گویند خدا دیگر به ما نگاه نمی کند و دارد از ما انتقام می گیرد، کلمات و عباراتی که حتی نوشتن آن العیاذ بالله، معصیت دارد تا چه رسد به این که کسی معتقد به آن باشد.

اگر فرضاً دعای من مستجاب نشد باید اندیشه کنم که چه چیز باعث شد دعا و ذکر من که به آن مشغول بودم اثری بر جای نگذاشت.

اول این که باید بدانم آیا همه شرائط دعا، وجود داشت؟ آیا واقعاً از خدا خواستم حاجت خود را و فقط لقلقه زبان نبود؟ آیا هم زمان با خواهش از خدا، از بنده ی خدا قطع امید کرده بودم؟

آیا دعا را در وقت مناسب و در شرائط مناسب خواندم؟ آیا قبل از دعا، گناه و معصیت کبیره ای بود که از آن توبه نکرده ام؟ آیا عاق والدین نبودم؟ آیا دین حق مردم برگردن من نبود؟ آیا دعای من موجب نادیده گرفتن حق همسر یا فرزندانم نبود؟

دوم اینکه آیا دعایی که کردم واقعاً به صلاح من بود؟ آیا اگر حاجتم برآورده می شد، مصلحت و خیر دنیا و آخرتم را به همراه داشت؟ آیا اگر خداوند خواسته ام را برآورده می کرد، از او دور نمی شدم؟ و ده ها پرسش دیگر.

عزیزان، اگر دعاها و مناجات شما جواب نداد، آسیب شناسی کنید، کاغذ و قلمی بردارید و نکته به نکته، همه را یادداشت کنید و ببینید اشکال کار کجاست، شاید هم زمان با خدا، چشم امیدی به مخلوق هم داشتیم. شاید دعا را با دقت و حوصله نخواندیم. شاید آداب آن را رعایت نکردیم. شاید حق آن کسی در گردن ما بود که مانع شد. شاید گناه کبیره ای بود که توبه نکردیم و همان مانع اجابت دعا شد (و به همین دلیل است که قبل از دعا، استغفار را توصیه فرمودند تا اول، شرط توبه عملی شده باشد و استغفار را کلید استجاب دعاها دانستند)، شاید پدر و مادر (چه زنده چه فوت شده) از ما ناراضی باشند یا به هر دلیلی امکان استجاب مهیا نبود و حتی همه این مقدمات موجود بود اما دعای ما مصلحت و خیر ما نبود. به هر حال باید که همه جوانب را بسنجیم و بی خود، خداوند و کارگزاران پاک او را مورد بدگمانی خود قرار ندهیم که العیاذ بالله.

17. در جلسات و محافل مراقب باشید

یکی از مشکلاتی که دامنگیر خیلی از افراد است، غیبت و سخن چینی است که غالباً در مجامع چند نفره بیشتر عیان می شود. افراد در جلسات، خواسته یا ناخواسته مبتلا به غیبت و افترا و سخن چینی می شوند و شروع می کنند به پشت سر هم حرف زدن، حتی گاهی تصور می کنند آنچه می گویند صفت و یا واقعیتی است آن فرد نیز بدان آگاه است و یا گاه می گویند ما در مقابل اونیز این حرفها را می زنیم. خب این افعال، از گناهان کبیره است که حق انسانی را برگردن ما می گذارد و چه بسا که همین حرف ها مانع اجابت دعاها و تاثیر اذکار و اوراد ما شوند. مخصوصاً عزیزی که به محافل و جلسات مذهبی و زیارت عاشورا و ختم انعام و... می روند بیشتر باید مراقب باشند که شیطان برای بی اثر کردن این گردهم آمدن ها، عمل غیبت و سخن چینی و خدای ناخواسته تهمت و افترا را موجه جلوه می نماید تا

دامنگیر و مانع استجاب دعاهايمان شود. اگر می خواهيم ادعیه جمعی و جلسات ما، پر برکت و دارای نتیجه باشد باید مراقب گفتار و پندار خود باشیم و نسبت به دیگران ستمی روا نداریم.

18. در خانه، عود و اسفند بسوزانید

از سفارش های مکرر معصومین (ع) به ما، سوزاندن اسفند در خانه می باشد چرا که با هر اسفند، فرشته ای همراه است که می تواند با سوزاندن اسفند آزاد شود و تسبیح خدا گوید و در فضای منزل ما انرژی مثبت ایجاد نماید و اجنه و شیاطین را دور سازد. این اسفند سوزاندن، علاوه بر آن موجب رهایی از چشم نظر بوده و از دیدگاه علم پزشکی هم فوائد و آثار فراوانی برای آن از جمله تخلیه از انرژی های منفی فضای زندگی و پاکیزه نمودن آن از انواع میکروب ها کشف شده است.

سوزاندن عود هم از جمله سفارش هایی است که به آن توصیه شده ایم. بوی مطلوب دل انگیز عود باعث می شود که فرشتگان الهی جلب شده و فضای زندگی ما همراه با حضور ملائک شود (مشروط بر آن که آن را با گناهان و معاصی کبیره آلوده نسازیم و ملائک را با تعفن ناشی از آلودگی های اخلاقی خود فراری ندهیم) برای ذکر گفتن، سوزاندن عود تاثیر فراوانی دارد که موجب می شود موکلین اسماء الهی و اذکار احضار شوند و ذکر، اثرات خود را به خوبی بگذارد. لذا وقتی که ذکر می گوئید، حتی الامکان در محل ذکر خود عود بسوزانید.

19. از جمله علت های گره خوردن کارها و گشایش نداشتن

گاهی اتفاق می افتد که امور زندگی ما و از جمله در بخش مالی و شغلی گره می خورد و به اصطلاح فاقد گشایش است. این موضوع می تواند به دو دلیل باشد. اولین دلیل به خودمان بر می گردد و این که شاید جزء عوارض اعمال و رفتار ما باشد. گاهی ناخواسته تصمیم و یا برنامه غلطی را اجرا می کنیم و بعدا متوجه می شویم که بدون تحقیق و بررسی کامل همه جوانب آن موضوع اقدام کرده ایم و مسلم است که عواقب آن که از جمله اشکال در روند درآمد و منافع است دامنگیر ما می شود. گاهی هم گناهان و معاصی کبیره ای که انجام داده ایم مانع رسیدن روزی به ما می شود. در بسیاری از احادیث به عواقب و نتایج برخی گناهان در بستن روزنه ی رزق و برکت اشاره شده است و در نزد بزرگان ثابت است که عمده ترین دلیل گشایش نداشتن در کارها، گناهان کبیره اند (مانند غیبت، پایمال کردن حق الناس، خوردن مال یتیم، عاق والدین، زنا و...) و لذا بهترین راه برای باز شدن مسیر رزق و روزی از نظر معصومین (ع) و عرفای عامل، استغفار از گناهان و توبه حقیقی است و برای همین است که گفته شده «استغفار کنید تا روزی شما افزایش یابد» لذا توصیه می شود در این شرایط بد ابتدا یک بررسی دقیق و همه جانبه صورت

دهیم و محاسبه دقیقی از اعمال و رفتار و حتی افکار و نیت های خود داشته باشیم که ببینیم چه گناهی کردیم که روزی ما مسدود شد یا حتی چه نیّات و برنامه هائی برای آینده داریم که این نیت ها مغایر با رضای خداوند است و خداوند به خاطر آن بر روزی ما سخت گرفت.

گاهی فردی قصد دارد که با پولدار شدن کسانی را اجیر کند و از دیگران انتقام بگیرد یا به دیگران تفاخر نموده و خود را برتر نشان دهد. لذا همین نیت ها هم سبب می شود که خداوند دریچه رزق او را ببندد تا متوجه اشتباه خود در نیت گردد.

البته در برخی موارد، سخت شدن اوضاع معیشت ربطی به گناهان یا مقاصد ما ندارد و دلیلی خارج از اراده و توان ما دارد و آن این است که مشیت خداوند بر این قرار گرفته که ما در چنین شرائطی قرار گیریم. این که چرا مشیت خداوند در این موضوع قرار گرفته امری نیست که بتوانیم به درستی به علت آن پی ببریم چرا که جزء علوم الهی است. شاید خداوند بخواهد امتحان و ابتلائی به وجود آورد تا پله ای باشد برای ترقی و شاید هم به دلیل نبودن ظرفیت هایی در ذات ماست که ما نمی دانیم اما خدا می داند که اگر فرض ثروتمند شویم طغیان کنیم و از راه او برگردیم یا به بندگان جفا کنیم به هر حال ما مأمور به دانستن این مشیت ها نیستیم ولی در رابطه با بخش اول، ما وظیفه داریم بررسی کنیم و ببینیم که کجای کار ما عیب دارد که نتوانستیم به درجه مورد نظر خود از نظر مالی برسیم و برکت و رزق خود را با کدام گناه مسدود کردیم و ای بسا که خداوند بعد از گناهان، روزی ما را قطع می کند تا ما به تکاپو افتاده و علت را پیدا کنیم و با پیدا کردن علت، به استغفار و توبه پردازیم که همین سخت گرفتن او بر نعمت، خود موجب توفیق توبه می گردد و می توان در این قضیه هم لطف و محبت عمیم خداوند را به بندگان گناهکارش دانست که چطور آن ها را به مسیر توبه هدایت می سازد. «الحمد لله رب العالمین»

20. ذکر گفتن نباید منجر به تضییع حقوق دیگران شود

نکته مهم دیگر که باید مورد اشاره قرار گردد این است که اصولا اعمال مستحبی که ذکر و اوراد از جمله آن هاست نباید هیچ منعی برای حقوق دیگران ایجاد نماید. اگر مرد بخواهد شبانه روز به ذکر پردازد و از کسب روزی حلال برای معاش خانواده اش باز بماند و بدین صورت ظلمی بر فرزندان و همسرش وارد نماید این ذکر و عبادت او اثری ندارد و بر عکس، او را از مسیر، دورتر می کند. یا فرزندی آنقدر بخواهد درگیر ذکر شود که نتواند و فرصت نکند اوامر والدین را اجرا نماید. چنین ذکری بی تاثیر است.

مادری که آن قدر به عبادت و ذکر می پردازد که از فرزند خردسال خود غافل می شود، در حقیقت به حقوق او بی اعتنائی کرده است و یا زنی که وقت و بی وقت مشغول ذکر و یا حضور در جلسات مختلف می گردد و از وظیفه

شوهر داری باز می ماند و به خواسته های مشروع همسر خود تن نمی دهد تا مبدا در ذکر او خللی وارد شود او درحقیقت به شوهرش ظلم می کند و حق او را نادیده می گیرد و نباید انتظار داشته باشد که خداوند بر ذکر او و عبادتش، اثری همراه سازد. آری، ذکر باید در زمان و وقتی گفته شود که آن زمان، اختصاصاً مال خود فرد است و او از استراحت و سایر کارهای خود بزند تا به ذکر خود برسد اما اگر در وقتی باشد که آن وقت متعلق به شوهر، پدر، مادر یا فرزند باشد، بدون رضایت آن ها، این ذکر اثری ندارد اما اگر رضایت طرف مقابل را جلب نماید، تردیدی نیست که منتهی به اثر خواهد بود. ان شاء الله

و اینک چند پرسش و پاسخ

سحر و جادو به چه معناست؟

برای سحر تعریف دقیق و واضحی ارائه نشده است اما در تعریف های موجود، ضمن این که سحر را اخراج باطل به صورت حق و نیز فریب و نیرنگ و حيله دانسته اند به 3 ویژگی در تعریف سحر اشاره شده است:

- 1- خدعه و خیالات بدون حقیقت و واقعیت، همانند شعبده و تردستی
- 2- جلب شیطان ها از راه های خاص و کمک گرفتن از آن ها
- 3- اسم است برای فعلی که گمان می کنند ماهیت و شکل اشخاص و موجودات تغییر یافته است مثلاً انسانی را به صورت حیوانی در می آورند در صورتی که این خیال و پندرای بیش نیست و واقعیت ندارد.

آیا می شود از طریق سحر و جادو کسی را به تسخیر در آورد؟

بله، امکان تسخیر افراد وجود دارد.

اصولاً یکی از اهداف ساحران و نیز کسانی که مشتری های دائمی جادوگران هستند، همین مسأله است. مثلاً پسری و دختری به هم علاقه ای طبیعی دارند ولی یکی از آن ها برای آن که طرف مقابل شیفته و دلبسته گردد از طریق سحر و جادو، آن چنان در قلب او شیدایی و از خود بی خود شدن ایجاد می کند که طرف مقابل چشم و گوش بسته به ازدواج تن می دهد یا خانواده ای با ازدواج دخترشان با پسری مخالف است و خانواده پسر از طریق سحر و جادو زبان خانواده دختر را می بندند. در کتاب های مربوطه، روش ها و طلسم هایی ذکر شده که می توان از طریق مهر و محبت، تسخیرات، زبان بندها و ... افراد را به اطاعت محض از خود واداشت.

هر کس که با الفبای کار ساحران و جادوگران آشنا باشد می تواند تأیید نماید که تسخیر دیگران از این طریق بسیار امکان پذیر و شدنی است اما به هر حال، حرام بوده و از نظر فقها موجب حق الناس است زیرا باعث سلب اختیار و اراده آدمی شده و انسان را به کارهایی وادار می کند که در حالت عادی و طبیعی هرگز انجام نمی دهد.

این امر از طریق اجنه و شیاطین صورت گرفته و آن ها با ورود به خواطر انسان و نیز ذهن و اندیشه او به وسوسه گری و ایجاد وهم و خیال (در تایید کسی که قصد تسخیر ایشان را دارد) پرداخته و وانمود می کنند که اطاعت و حرف شنوی از این فرد درست و منطقی است. نیز اجنه و شیاطین این مهارت و توانایی را دارند که شرایط زیبا و دلپذیری را در نگاه و نظر بیننده ایجاد نمایند و او را به اشتباه وادارند تا کاری که مطابق نظر آنان است انجام دهد.

اما نکته ای که در این رابطه باید اشاره شود این است که سحر هر قدر قوی هم باشد قابلیت ابطال نیز دارد. علماء عامل و عرفای حقیقی که به واسطه زهد حقیقی و ریاضیت های پسندیده نفسانی به درجه ای رسیدند که خداوند به آن ها قدرت تسلط بر موجودات و تصرف در عالم را می دهد می توانند به یک اشاره، بند از دست و پای مسحور بگشایند و آزادش کنند. البته کسانی هم هستند که از طریق همان سحر و جادو برای باز کردن فرد سحر شده تلاش می نمایند که در برخی از روایات استفاده از سحر برای باز کردن، جایز دانسته و در برخی روایات نیز مطلقاً حرام شمرده شده است لذا بهتر آن است از طریق عرفای حقیقی و اساتید الهی و یا توسل و اذکار وارد شده در خصوص ابطال سحر وارد شد.

اگر جادوگری بد است و حرام، پس چرا خداوند اجازه چنین کاری را می دهد و آن را باطل

نمی کند؟

این ها جزء قوانینی است که مصلحت را پروردگار عالم می داند و این که حکمتش چیست که خداوند عملاً دست ساحران را باز نموده و مشیت خود را بر این قرار داده که عمل سحر آن ها کارگر افتد جزء علومی است که در اختیار خداوند است اما می توان با مقایسه این عمل با برخی کارها گفت که این هم از شئون اختیارات انسان است. خداوند فرمود «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ أَمَّا شَاكِرًا وَ أَمَّا كَفُورًا» یعنی ما راه راست را نشان دادیم خواه شکرگزار باشید و به آن راه بروید خواه کفر نعمت (هدایت) نمایید. اینجا نیز همین است، خداوند راه را نشان داد. انسان را از عواقب اخروی عمل سحر آگاه ساخت ولی چون قدرت اراده و اختیار نیز به او داد لذا مسیر را باز گذاشت که ببیند این بنده چه می کند. مثلاً قتل عمد و قتل نفس حرام است ولی آیا کسی، کسی را به قتل نمی رساند؟

شاید بگویید این که خداوند برای فاعل حرام و گناه (مثل ساحر یا قاتل) راه را نشان داده و حالا اوست که انتخاب کند به کدام مسیر برود، درست، ولی گناه مسحور یا مقتول چیست که باید به نتیجه عمل ساحر و قاتل جان یا حیثیت یا زندگی خود را از دست بدهد و فرصت کمال، توبه و یا رسیدگی به خانواده اش سلب شود؟ در این جا باید گفت این مسائل هم جزء قوانین و امتحانات الهی و مشیت هایی است که حکمتش را خود او می داند اما آن چه باید به آن اشاره کرد این است که خداوند به احدی ظلم روا نمی دارد و اگر از باب جادو و یا قتل هر عملی که به واسطه آزاد بودن مسیرش و مانع نشدن اراده الهی واقع شود، ضرر و آسیبی به انسان مظلوم وارد شود خداوند به لطف و محبت بی کران خود برای جبران آن آسیب درهای رحمت و مغفرت خود را گشوده و نیک می داند که چگونه آسیب وارد شده به بندگان را جبران نماید و کمکشان نماید، خواه با آمرزش و غفران خود، خواه به وسیله قرب و نزدیکی به خود، خواه با انتقام از ظالمان و تسویه حساب سنگین در دادگاه آخرت یا هر نوع محبت و لطفی که به بندگان خود روا می دارد به هر حال این ها نیز جزء بلايا و خطرات و مصائبی است که گزند آن ها به نوع بشر جزء مشیت و از امتحان های اسرارگونه الهی است.

اگر سحر و جادو واقعیت دارد و بر زندگی ما تأثیر می گذارد پس باید چه کنیم و چگونه از

آسیب های آن در امان بمانیم؟ آیا باید دست روی دست بگذاریم تا هر بلایی خواستند سر ما

بیاورند؟

خیر، چون تأثیر سحر به اراده خداوند است لذا ما می توانیم با یک سری از اعمال و ادعیه جلوی اثربخشی آن را بگیریم. این باور که سحر، مطلقاً کارگر می افتد امری است نادرست چون فعل و انفعالات آن در اختیار خداوند است و انسان همان طور که به استناد احادیث و روایات می تواند مشیت هایی چون مرگ را هم تغییر دهد (با صدقه و دعا) می تواند جلوی اثر پذیری سحر را نیز بگیرد. به دیگر سخن، خداوند رأساً برای ابطال سحر و جلوگیری از جادوی ساحران کاری نمی کند و طرف کسی را نمی گیرد اما اگر خود ما برای رهایی از عمل ساحران به استغاده، توکل، دعا و انفاق و صدقه پردازیم یقیناً خداوند عالم براساس قاعده لطف و محبت خود، ما را در برابر این عمل ساحران بیمه نموده و به واسطه آثار دعا و استعاذه ها، آثار سحر را زایل می کند. پس توصیه میشود در کتب ادعیه، اعمال و اذکار مربوط به ابطال سحر را پیدا نموده و به آن ها عمل نمایید تا از گزند سحر در امان بمانید.

آیا همه کارهای خارق العاده ای که می بینیم سحر است؟

خیر، بسیاری از چیزها، سحر نیست بلکه نوعی چشم بندی و سرعت عمل است و افراد آن قدر سریع انجام می دهند که ما متوجه زمان نمی شویم. برخی از کارها نیز حاصل آشنایی افراد با آثار فیزیکی اجسام است. مثلاً کسی از مایع یا روغن های مخصوص استفاده نماید و بر دست خود بمالد و دستش را بر آتش قرار دهد و نسوزد خب این سحر و جادوگری نیست بلکه خاصیت آن مایع یا روغن است. یا همان داستان معروف ساحران دوره حضرت موسی (ع) آنها جیوه را برای متحرک به نظر رسیدن ریسمان ها و طناب ها استفاده می کردند و مردم گمان می کردند که طناب ها حرکت می کنند یا چشم آن ها (مانند سراب) اشتباه می دید که انگار آن طناب ها در حال حرکت هستند ناگهان طناب ها و عصاهایشان به خاطر ساحران، چنان به نظر می رسید که دارند حرکت می کنند

البته اشتباه نکنید، خود ساحر و جادوگر، توانایی خاصی ندارد. او تنها کار مهمی که انجام می دهد این است که شیاطین و جن های شرور را به کار می گمارد (با یک سری حرام ها حتی ریاضت ها و چله نشینی ها که این نوع ریاضت ها هم شدیداً توسط علماء و عرفای اسلامی نهی شده است) و لذا کارهای عجیب و غریبی هم می بینیم توسط شیاطین و اجنه صورت می گیرد چون آن ها موجوداتی نامرئی و مجرد (موجوداتی که جسم نیستند و به آسانی می توانند حرکت نمایند) هستند و می توانند بدون این که کسی آن ها را ببیند و متوجه شود داخل منزل مورد نظر ساحر شوند و از آنجا برای ساحر خبر آورند یا سحری که مدنظر است را انجام دهند و البته این یک نوع معامله حرامی است. بین ساحر و شیاطین و اجنه چرا که آنها بدون تقاضای افعال حرام و گناه، سفارشی را انجام نمی دهند. به همین خاطر است که افراد رمال و ساحر عموماً دارای زندی نکبت بار و فلاکت باری بوده و به خاطر ارتکاب به انواع گناهان کبیره و اعمال نامشروعی که انجام آن ها شرط همکاری اجنه شرور و شیاطین است، حتی ظاهری چندش آور و پلید دارند. در حالی که انسان های ملکوتی و عارف که با ریاضت های سلوکی و ذکر حق و بی توجه شدن به مظاهر دنیا به درجه ای از عرفان می رسند که نورانیت خاصی در چهره داشته و خداوند به آن ها قدرت تسلط بر موجودات را نیز می بخشد (نه با سحر و جادوگری) که با ولایتی که خداوند به آن ها می دهد می توانند گره از سحرها و جادوها بکشایند. لذا اگر کسی احساس کرد که خودش به گناه آلوده است و یا دید که اذکار و ادعیه ای که می خواند سحرش را باطل نکرد، هرگز به دنبال جادوگر دیگری نرود بلکه بگردد و به دنبال انسان عارف و صاحب کرامت و از او بخواهد که با مقام و رتبه ای که نزد حق تعالی دارد برای رفع مشکلش دعایی بفرماید.

آیا چشم زخمی هم نوعی سحر است؟

اثر چشم زخم با اثر سحر شباهت های فراوانی دارد و به همین خاطر است که در متون ادعیه، دستورالعمل های رفع سحر و چشم زخم و نیز دفع آزار و اذیت اجنه و شیاطین به صورت هم زمان و هماهنگ ذکر شده اند اما این که واقعاً چشم زخم نوعی سحر است نمی توان نظر مثبت داد چون سحر عملی ارادی و عامدانه است که فرد ساحر با کمک اجنه شرور و شیاطین انجام می دهد و تلاش دارد موقعیت و نتیجه ای را نصیب سحر شونده نماید اما چشم زخم غیر عمدی است و جزء خاصیت طبیعی چشم برخی افراد است که اگر در چیزی یا شخصی موفقیتی را ببینند که مورد تحسین آن ها باشد به خاطر فعل و انفعالاتی که از تعجب و شگفتی و تحسین او (که البته علم هنوز اثبات نکرده این فعل و انفعالات چگونه منتج به ضرر می گردد و عمل می کند) ناشی می شود، آن چیز یا آن شخصی را با نقصان و آسیب مواجه نماید. به همین خاطر است که فقها گفته اند اگر کسی با سحر یا مانند آن کسی را به قتل برساند باید قصاص شود ولی اگر چشم کردن دلیل قتل کسی باشد نمی توان چشم کننده را قصاص نمود چون او در این امر اختیاری نداشته و مجبور بوده است و نقشی ایفا ننموده است.

آیا زن می تواند شوهر بد اخلاق خود را سحر نماید؟

مرحوم شیخ صدوق در مورد سحر روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) نقل کرده که وی از جعفر و از پدر و آبائش و آن ها از پیامبر (ص) روایت کرده اند که پیامبر (ص) در پاسخ زنی که از پیامبر سوال کرد «من شوهری دارم که با من بد رفتاری می کند من با سحر نظرش را به سوی خودم معطوف نموده ام آیا عمل من ناپسند است یا خیر؟» پیامبر (ص) فرمودند: اف بر تو دریاها را مکدر کردی و زمین را مکدر کردی، اخیار زمین و آسمان به تو لعنت می کنند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3 ص 282). لذا می توان دریافت که زن یا شوهر برای خوش اخلاق کردن همسر خود نمی توانند دست به سحر بزنند. علت این است که این حق الناس است شاید همسرش راضی نباشد.

حکم دفع سحر با سحر چیست؟ آیا می شود به وسیله سحر، سحری را از بین بُرد؟

برخی علماء با استناد به روایتی از امام صادق (ع) که به ساحری که از او درباره شغل و اجرتی که از سحر می گیرد، سؤال نمود، فرموده بود: «سحر از این باز کن ولی کار مردم را مبیند. معتقدند دفع سحر به وسیله سحر جایز است ولی نتیجه ای که از اقوال علماء به دست می آید این است که دفع سحر با سحر تنها در صورت

ضرورت جایز است نه هر جا. حتی این جوایز را هم خیلی از فقها قائل نیستند و دفع سحر به وسیله سحر را به هر نحوی حرام می دانند.

حکم دعانویسی چیست؟ آیا ما می توانیم برای حل مشکلات خود به

دعانویس ها مراجعه کنیم؟

دعانویسی یکی از کارهایی است که صدها سال سابقه دارد اما همواره مورد بحث و توجه بوده است. از سویی چون گاهی دعانویسی با سحر و جادو و انواع گناهان و امور نکبت بار مثل احظار جن و فالگیری و احضار روح همراه می گردد، علماء دین در این رابطه، حساسیت ها، نقدها و حرف های جدی دارند. در زمان معاصر، اکثر علما دعانویسی را اگر صرفاً با دلیل و در کتب معتبر از ائمه معصومین (ع) نقل شده باشد بدون اشکال می دانند اما فال گیری و جن گیری و کف بینی را جایز نمی دانند و از مراجعه به این گونه افراد، بر حذر می دارند.

از سوئی هر چند اجرت گرفتن به خاطر نوشتن دعای معتبر و صحیح اشکالی ندارد اما پسندیده نیست که کسی شغل خود را صرفاً دعانویسی قرار دهد.

نکته مهمی که در این رابطه ضرورت دارد یادآوری شود آن است که مراجعه به این گونه افراد خالی از خطر و دغدغه نیست. باید به خاطر داشت که بسیاری از شیادان و کلاهبرداران حرفه ای در قالب دعانویس و عارف ساختگی، در کمین جوانان به ویژه دختران و زنان هستند و این مراجعه ها، آفات و خطرات فراوانی می تواند به همراه داشته باشد. بهتر است که از منابع اصیل دینی همچون «صحیفه سجادیه» و «مفاتیح الجنان» دعاها را مورد نیاز خود را پیدا کنیم و بخوانیم و از خداوند بزرگ برای حل مشکلات کمک بگیریم که این، بهترین، مؤثرترین و قابل اعتمادترین و در عین حال سریع ترین راه برای حل مشکلات می باشد.

*** در این بخش به چند مورد از نظرات مراجع تقلید در این رابطه اشاره می شود:**

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

«نوشتن دعاها را که از حضرت معصومین (علیهم السلام) رسیده در کتب معتبر موجود است، اشکالی ندارد ولی دعانویسی حرفه ای که شغل افراد سودجوست، صحیح نیست و غالب کتاب هایی که به آن استناد می کنند اعتباری ندارد.»

آیت الله العظمی صانعی گلپایگانی:

«نوشتن دعاهایی که با دلیل معتبر از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده و اجرت گرفتن در مقابل آن، اشکال ندارد ولی مراجعه به فالگیرها یا دعانویسانی که به صورت های مختلف از منابعی که اعتبار شرعی ندارد نقل می کنند یا می نویسند جایز نیست و پول گرفتن این گونه اکل مال به باطل و حرام است.»

آیت الله العظمی علوی گرگانی :

«دعانویسی از نظر شرعی اشکال ندارد ولی فال گیری و جن گیری مورد تأیید نیست ولی دعانویسی که فعلاً در مملکت ما رواج دارد و بیشتر افراد کلاهبردار به این امر مشغول هستند جایز نیست زیرا بسیاری از آن ها معلومات کافی در این امر ندارند و گرفتن چنین پول هایی هم خالی از شبهه نیست و ما نباید خودمان را در معرض سوء استفاده این گونه افراد قرار دهیم.»

آیت الله العظمی محمدعلی سیستانی :

مراجعه به دعانویس اشکالی ندارد ولی سحر و جادو جایز نیست.

شرایط اصلی استجابت دعا چیست؟

مرحوم علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبایی مفسر بزرگ قرن، در این رابطه پاسخ هایی دارند که به صورت خلاصه و به سبک زیر تنظیم و ارائه می گردد.

از آیات «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (مرا بخوانید تا دعایتان را اجابت کنم غافر / 60 «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» هر گاه بندگان من از تو درباره من بپرسند - بگو من نزدیکم و دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم. - بقره / 186 بر می آید که در استجابت دعا و قبولی آن دو قید و شرط وجود دارد:

1- اول این که شخص، حقیقتاً دعا کند و راستی بخواند. خواستن و طلبی که راستی باشد و لقلقه زبان نباشد. نیز در خواستن او، استهزاء و یا بی توجهی نباشد.

2- دوم این که خواسته خود را فقط از خدا بخواند و از اسباب و علل خارجی سلب اعتماد نموده باشد. یعنی ذره ای در دل خود امید نداشته باشد که در حل مشکل او، از اسباب و ابزارهای خارجی، مستقلاً کاری بر بیاید و مانند بیماری که دستش از معالجه و درمان کوتاه شده و قلبش از علل مادی و طبیعی مأیوس شده و واقعاً مضطر و درمانده است دعا نماید که این دعا البته طبق وعده الهی حتماً بر آورده خواهد شد؟ البته این سخن علامه (ره) به این مفهوم نیست که وقتی دعا می کنیم دیگر نباید دنبال بقیه مراحل و اسباب و وسائط دیگر

برویم بلکه منظور آن است که برای ابزار و کسانی که واسط حل مشکلات ما هستند، مستقل از اراده خداوند، اراده ای را

تصور نکنیم و معتقد نباشیم. اگر قرار باشد دیگران گرهی از کار بگشایند این لطف و اراده و مشیت خداوند است که خواسته ما به دست آن ها محقق شود نه این که آنها رأساً توان حل مشکل ما را داشته باشند.

اصطلاح «قمر در عقرب» یعنی چه؟ آیا صحت دارد که باید در این روزها از کارهای مهم پرهیز نمود؟

«قمر در عقرب» از اصطلاحات مربوط به علم نجوم است و به این معناست که (برای کسی در روی زمین قرار دارد) کره ماه برابر صورت فلکی «عقرب» واقع شده است. چون مردم از قدیم به تأثیرات ستارگان (نجوم) و اجرام آسمانی بر زندگی خود پی برده بودند، در برخی از اقوام، آن قدر به این امور توجه شده که آن ها به سوی خرافات کشیده شدند و همه کارهای خود را بر مبنای علم نجوم تنظیم می کردند. اسلام، بسیاری از خرافات مربوط به ستاره شناسی را تعطیل کرد و مسلمانان را از افتادن در آن ها بر حذر داشت اما در مواردی چون دخالت اجرام آسمانی در برخی از امور زندگی انسان، با احتیاط، آن را پذیرفته اما باید توجه نمود که در این گونه امور نیز باید به مقداری که شرع بیان کرده، اکتفا شود. در روایتی امام صادق (ع) می فرمایند: «هرکس در هنگامی که قمر در عقرب باشد، مسافرت یا ازدواج نماید، خیری نمی بیند.»

می دانیم که این گونه روایات در مقام بیان علت تامه نیست بلکه در مقام اقتضای امکان و احتمال است، لذا فقهاء، سفر و اجرای صیغه ازدواج را در هنگامی که قمر (ماه) در برج عقرب باشد حمل بر کراهت کرده اند. بنابراین، با توجه به مطالب مذکور، می توان چنین نتیجه گرفت که موضوع قمر در عقرب امری است که بر طبق آن فتوا داده شده ولی باید در نظر داشت که فتوا ویژه مواردی است که در روایات ذکر شده (سفر و ازدواج) و علاوه بر این حکمی که به آن داده شده کراهت است نه حرمت.

اخیراً کتاب های زیادی در رابطه با کرامت بزرگان و علماء چاپ شده است. آیا می توانیم به مطالب این گونه کتاب ها اعتماد کنیم؟

در این مورد به ذکر چند نکته می پردازیم:

1- بزرگان و عرفای ما همواره توصیه می کردند که حکایت و داستانی از آن ها در محافل عمومی نقل نشود. هر چند بسیار محتاط و مواظب بودند تا کرامات و حرکات فوق العاده آنها به چشم دیگران نیاید و مریدان و حتی خانواده شان متوجه این امور نشوند اما به هر حال برخی از این کرامات، توسط دیگران دیده می شد که ایشان قول و عهد می گرفتند که لااقل تا موقعی که زنده هستند این اتفاقات عجیب را کسی افشا نکند. این هم به خاطر آن بود که نمی خواستند به خاطر نقل این کرامات شیطان طمع نماید که آن عارف یا عالم بر خود ببالد یا حدیث نفس کند که مثلاً به جایی رسیده است. عرفای واقعی ما عموماً این گونه بوده اند و دوست نداشتند کسی خبری از آن ها نقل نماید.

2- مشکلی که در نقل این گونه کرامات وجود دارد به کسانی بر می گردد که نقل می کنند. گاهی اوقات شاگردان عارف بزرگی چون آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبایی یا «آیت الله عبدالکریم کشمیری» یا «علامه طباطبایی» از آنها چنین نقل می کنند که البته قابل اعتماد و صحیح است. و منطبق بر واقعیت اما گاهی این کرامات توسط افراد عادی نقل می گردد و چون عموم در اینگونه موارد، اصل ماجرا را کم یا زیاد نموده و گاهی اگر کرامتی مربوط به آن ها شود مثلاً به دست عارفی، شفا یابند یا به دعای کسی خداوند به آن ها فرزند عطا کند (تملق و اغراق هم تا حدودی به اصل داستان راه پیدا می کند، چندان قابل اعتنا نخواهند بود. لذا اگر کسی بخواهد کرامات و یا مقام معنوی استاتید عرفان را بداند بهتر است به آن چه شاگردان ایشان و یا علماء نقل نموده اند توجه نماید.

3- متأسفانه در خصوص شرح حال عرفای معاصر به خاطر ورود ناشرانی که بعضاً به فکر فروش بیشتر بوده و دقت را فدای سود می کنند، نوعی سر در گمی و کلافگی وجود دارد و اغلب نویسندگان این گونه کتاب ها به جمع آوری کرامات و مواعظ و رویدادهای زندگی این عرفا از کتابها و منابع دیگر پرداخته و فقط قالب آن را تغییر داده اند تا به خوانندگان بیشتری دسترسی یابند، لذا کتاب های مشابه فراوانی در بازار وجود دارد در حالی که باید نظارتی باشد و شرح حال زندگی و حالات و کرامات این بزرگان توسط اساتید برجسته اخلاق و عرفان، کنترل شود تا از درج مطالب غیر واقعی و بعضاً سبک که در برخی از این کتاب ها وجود دارد جلوگیری به عمل آید.

4- «بازاری» کردن کرامات و مکاشفات عرفا هر چند شاید برای برخی ناشران، فایده مادی خوبی داشته باشد و به بخشی از نیازهای افرادی که تشنه فرصت و خواهان خوشه چینی از خرمن فضائل ایشان می باشند، پاسخ دهد اما در دراز مدت شأن و منزلت رفیع عرفان اسلامی و جایگاه عرفای بزرگ ما را تنزل می دهد گروهی بر

این عقیده می‌شوند که این حرفها اصلاً وجود خارجی نداشته و مشتی ادعای تو خالی است و گروهی هم ساده‌انگارانه تصور می‌کنند که این، مقامی است که آن‌ها نیز می‌توانند به راحتی به آن دست یابند. دشمن هم بدش نمی‌آید که در جریان این جبهه فرهنگی و نرم که علیه ما به راه انداخته، با دست خود، باورها و اعتقاداتمان را این گونه ضعیف و سست کنیم، لذا بهتر آن است که اینگونه کتاب‌ها با نظارت بیشتر عرضه شود.

5- نکته آخر این که بسیاری از اذکار و اورادی که از عرفا در کتاب‌ها نقل شده، اذکاری است که آن‌ها به خاطر شرائطی خاص و با اصرار برخی شاگردان و خواص خود، معرفی می‌کردند و عمومی کردن برخی از این اذکار و مردم عادی را سرگرم آن‌ها کردن شاید چندان اثری نداشته باشد چون برای هر ذکر یا وردی، شرایط معنوی و روحی ویژه‌ای نیاز است که آن عارف با در نظر گرفتن آن فرد، نسخه‌ای به او می‌داد و جمع این نسخه‌ها در یک کتاب و ارائه همه آن‌ها به مردم به صورت یک جا به هیچ وجه نمی‌تواند منطقی و مؤثر باشد.

در شرایطی که علم و دانش به اوج شکوفایی خود نزدیک می‌شود، چه توجیهی وجود دارد که برای درمان بیماری‌ها و مشکلات جسمی و روحی، همچنان به «دعا و نیایش» متوسل شویم؟

هر چند روایات گوناگونی از ائمه معصومین (علیهم السلام) در خصوص نقش دعا و نیایش در بهبود و درمان بیماری به ما رسیده و ما نیازی به اثبات این امر نداریم اما علم روان‌شناسی و پژوهش‌ها و تحقیق‌های علمی جدید ثابت کرده است که دعا و نیایش موجب تقویت روحیه و در نتیجه افزایش مقاومت و بالا رفتن سیستم دفاعی بدن در برابر بیماری‌های می‌شود.

امروزه دانشمندان فارغ از جنبه دینی به تاثیرات شگرف دعا توجه نموده و از نظر تجربی ثابت کرده اند که دعا و نیایش در زندگی انسان نقش موثری دارد و سلامتی را به انسان باز می‌گرداند.

مطالعاتی که در زمینه دعا درمانی از راه دور بر روی افراد مبتلا به بیماری‌های قلبی، فشار خون، سرطان و ... انجام گرفته نیز نشان دهنده تاثیرات مثبت دعا در سلامتی این افراد است. مطالعات همچنین حاکی از تاثیر دعا بر رشد میکرو ارگانیسم‌ها می‌باشد.¹

از طرفی تنها در کشور ما همه ساله دهها و بلکه صدها مورد درمان شگفت انگیز بیماری‌های صعب‌العلاج به وسیله دعا و توسل به ائمه اطهار (ع) اتفاق می‌افتد که به خوبی می‌تواند دلیلی بر تاثیر فوق‌العاده دعا و نیایش در بازیابی سلامتی باشد.

در ذیل به چند نمونه از نظرات دانشمندان و پزشکان و نتایج بررسی‌های علمی در رابطه با نقش دعا، نیایش و نماز در درمان بیماری‌ها اشاره می‌کنیم:

__ دیل کارنگی روان شناس و دانشمند معروف امریکایی معتقد است که نماز و دعا وسیله غلبه بر تشویش و نگرانی است. او در کتاب «آیین زندگی» می نویسد:

« امروز جدیدترین علم پزشکی یعنی روان پزشکی ، همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند زیرا پزشکان روحی ، دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم ، نگرانی، تشویش ، هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از بیماری ها و ناخوشی های ماست ، بر طرف می سازد. امروز روان شناسان، نیز مبلغان متجدد و برای نجات از آتش دوزخ همین دنیا ، یعنی زخم معده ، آنژین ، دوماترین، اختلالات عصبی و جنون ، گرویدن به دین را توصیه می کنند. مع الاصف ما فقط هنگامی که تمام درها به رویمان بسته و آخرین نیرویمان تمام می شود متوجه خدا می شویم . ولی چرا تا آن زمان صبر کنیم ؟ چرا هر روز تجدید قوا نکنیم ؟ من هرگاه به نیایش می پردازم حس می کنم که اعصابم آرامش یافته و در سکون و ثبات بی نظیری فروخته است.»

- « ... با تکرار نماز اثر گذاری آن در ترشح « آنکفالین » از هیپوفیز و فضای بین بطن سه و چهار مغز انسان ، مکرر می شود . در نتیجه ترشح آن به صورت شرطی انجام می شود یعنی با برپایی نماز آن ترشح مغزی انجام می شود (لازم به ذکر است ترشح آنکفالین که در فعال سازی سیستم ایمنی بدن دخالت دارد ، از طریق تحریک سلول های سیستم تنفسی صورت می گیرد که نماز و تحریک آنها تاثیر مستقیم دارد. بنابر این نماز در تقویت سیستم دفاعی بدن موثر است و نه تنها در سلامت روان بلکه در سلامت جسم به طور مشخص و موثر است.»

__ « ویلیام جیمز » می گوید : « چنانچه حقایق و واقعیت های پزشکی را قبول داشته باشیم پزشکانی چند اظهار داشته اند که در بسیاری از موارد ، دعا در بهبودی حال بیمار، موثر بوده است ، بنابر این باید دعا را در معالجه بیماران ، یکی از وسائل موثر دانست.»

__ دکتر سعید میر رکنی روانشناس و متخصص ارولوژی می گوید: « نگرش های دینی در ادیان مختلف حاکی از این است که پس از انجام دعا ، سیستم ایمنی شناسی عصبی و روانی انسان ها تحت تاثیر قرار می گیرد. تحقیقات نشان داده است که دینداران واقعی به لحاظ سلامت جسمانی سالم تر و از طول عمر بیشتری هم برخوردارند ...

انسان زمانی که نیرویی بالاتر از قدرت فانی خود احساس می کند با امید بیشتری به زندگی ادامه می دهد بنابراین بیشتر بیماری های جسمانی و روانی ناشی از ناامید بودن است.»¹

__ دکتر فرانک لایباخ (پزشک آلمانی) می گوید:

«دعا و عمل در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند. زیرا هر یک به تنهایی ضعیف اند. معتقدترین مردان و زنان در عمل و دعا هر دو نیرومند هستند و بهترین جراح آن کسی است که بهترین عملش وقتی صورت گیرد که دعا و کار را با هم توأم نماید.»

__ دکتر فدایی روان شناس و مدیر گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی می گوید:

«پژوهش های علمی هم حاکی از آن است که فرد با قرائت قرآن و گوش دادن به آیات الهی به آرامش و امنیت دست می یابد. ضمن اینکه فقط محتوا و مفاهیم قرآن بلکه موسیقی روحانی پنهان در قرائت قرآن نیز اثر شفابخش بر روان و جسم انسان دارد و باعث رفع تنش و افسردگی، کاهش درد و تسریع در بهبود زخم های پس از عمل جراحی می شود.»

(این چند پرسش و پاسخ عیناً از کتاب «پاسخ به پرسش های روز» نوشته محمد رضا صادقی سوادکوهی - انتشارات نگاران نور قم - اخذ شده است.)

کلیدها و رازهایی از عرش

سخنان شکوهمند خداوند با پیامبرش در شب معراج:

پیامبر(ص) در شب معراج از خداوند سؤال می کند: «خداوند! کدامین عمل، از سایر اعمال برتر است.»

خداوند متعال می فرماید: «هیچ چیز نزد من از توکل بر من و رضایت به آنچه قسمت کرده ام برتر نیست.»

«ای محمد! محبت من را شامل حال آنانکه همدیگر را به خاطر من دوست دارند، نموده ام، محبت من شامل آنانکه بخاطر من به همدیگر مهربان هستند خواهد شد، محبت من شامل حال آنانکه به خاطر من پیوند دوستی دارند می شود، محبت من بر آنانکه توکل بر من می کنند، واجب است، برای محبت من حدود و انتهایی نیست. آنان کسانی هستند که به بندگان خدا به گونه ای نگاه می کنند که من به آنها نظر می کنم و حاجات و نیازمندی هایشان را از مردم نمی خواهند. شکم هایشان از نعمت های حلال سنگین و پر نمی گردد اما از حرامش، هیئات..

دل خوشی آنان در دنیا سه چیز است: یاد خدا، محبت خدا، رضایت و خشنودی خدا، ای محمد! اگر دوست داری از

پارسا ترین مردم باشی به دنیا بی رغبت باش و به آخرت تمایل داشته باش.»

پیامبر اکرم(ص) از خداوند سؤال می کند: «خداوند! چگونه به زهد دست یابم؟»

«اگر می خواهی وابسته به دنیا نباشی، باید از «خوردنی ها»، «نوشیدنی ها» و «پوشیدنی ها» کم به مقدار نیاز استفاده و برای روز مبادا نگه نداری و پیوسته به یاد من باش.»

پیامبر (ص) سؤال کرد: «چه کنم که همیشه به یاد تو باشم»

خداوند در جوابش فرمود: «از مردمی که تورا از یاد خدا باز می دارند اعراض کن و چشم از ترشی ها و شیرینی های دنیا فرو بند، و این مقدار به این خوراکی های دنیایی فانی و وابسته مباش، هم شکمت را از دنیا خالی بدار و هم خانه ات را»

ای محمد! مانند کودکان و خردسالان مباش که چون چشمشان به سبز و زردی بیفتد و یا چیزی به آنها بخشیده شود، فریفته می شوند.

ای محمد! به عزت و جلال سوگند، هر بنده ای که چهار خصلت را در خود پدید آورد، او را وارد بهشت می سازم: 1. زبان خود را از بیان آنچه که برای او لازم و مفید نیست حفظ نماید. 2. دل خود را از وسوسه نگاه داشته و اجازه ورود وسوسه های شیطانی را به قلب خویش ندهد. 3. متوجه باشد که من ناظر و مراقب بر همه اعمال و کارهای او می باشم. 4. گرسنگی را موجب چشم روشنی خود بداند.

ای محمد! ای کاش می دانستی که گرسنگی و سکوت چقدر شیرین اند و آثار این دو چقدر زیاد است.»

حضرت عرض می کند: پروردگارا، میراث و اثر گرسنگی و سکوت چیست؟

خداوند فرمود: «حکمت، حفظ قلب، تقرب به سوی من، حزن و اندوه دائم، سبکباری در بین مردم، قول به حق، نیاندیشیدن به اینکه آیا روزگار اوبه سختی می گذرد یا آسانی.

ای محمد! آیا می دانی که چه وقت بنده ام به من تقرب پیدا می کند؟»

حضرت عرض کرد: نمی دانم.

خداوند فرمود: «آن هنگام که بنده ام در حال گرسنگی و یاد حال سجده باشد، به من نزدیک می شود.

ای محمد! از سه دسته از بندگانم در شگفتم: دسته اول: بنده ای که به نماز می ایستد و می داند دستان خود را به سمت چه کسی بلند کرده و در برابر چه کسی ایستاده، و در چه عین حال خواب آلوده است! و در شگفتم از بنده ای که غذای امروزش فراهم است و کوشش می کند، برای فردای خود غذا ذخیره کند.

و در شگفتم از بنده ای که نمی داند من از او راضی یا خشمناکم، و در عین حال همواره شاد و خندان است.»

ای محمد! در بهشت قصری است که از لؤلؤ و دُر و مرواید ساخته شده و آنها روی هم انباشته شده اند و شکستگی و گرهی ندارد. در این قصر خاصان درگاه من به سر می برند و هر روز هفتاد بار به آنها می نگرم و با ایشان سخن می گویم و به

وسعت و گستره ملکشان هفتاد برابر می افزایم و آنگاه که اهل بهشت از طعام و شراب بهشتی لذت می برند، آنان از یاد، سخن و کلام من لذت می برند.»

پیامبر گرامی سؤال کرد: علامت و نشانه آنها چیست؟

خدای متعال در جواب می فرماید: «آنان زندانیانی هستند که زبانهای خود را از پر حرفی و شکم خود را از پر خوری زندانی و حبس کرده اند.

ای محمد؛ محبت خدایی، همان محبت به فقرا و همنشینی با آنان است.»

پیامبر سؤال کرد: فقرا کیانند؟

فرمود: «آنانکه به کم و اندک راضی وقانعند و بر گرسنگی صابر و شکبیا و بر خوشی شاکرند، از گرسنگی و تشنگی شکایت نمی کنند و هرگز دروغ نمی گویند و بر آنچه به دست می آورند شادمان نمی شوند.»

ای محمد؛ محبت به من، محبت به فقراست. پس همنشین و هم مجلس فقرا باش و از ثروتمندان و اغنیا و همنشینی با آنان دوری کن که فقرا دوستان من هستند.

ای محمد؛ زینت خود را در لباس زیبا و غذای خوب و بستر نرم قرار نده، زیرا نفس جایگاه هرگونه شری است و دوست همه بدی هاست. تو او را به اطاعت خدا می خوانی و او تو را به معصیت خدا می کشاند و در اطاعت پروردگارت تو مخالفت می کند و در آنچه خدا ناخوشایند است، اطاعت می کند و هنگام سیری طغیان و هنگام گرسنگی شکایت می کند، هنگام فقر غضبناک است و هنگام بی نیازی فخر می فروشد.

در هنگام پیری و بزرگسالی فراموش کار و در هنگام امنیت و خاطر آسودگی، غفلت می ورزد. نفس رفیق و قرین شیطان است، مثل او مثل شتر مرغ است که زیاد می خورد، ولی اگر باری بر او نهند پرواز نمی کند و نیز همانند خر هرزه است که رنگش زیباست و مزه اش تلخ است.

ای محمد؛ دنیا و اهل آنرا دشمن بدار و آخرت و اهل آخرت را دوست بدار.»

پیامبر از ویژگی های اهل دنیا و اهل آخرت سؤال می کند.

خداوند می فرماید: «اهل دنیا کسی است که پر خور و پر خنده و پر خواب و پر غضب است، از ویژگی های اهل دنیا این است که کم راضی و خرسند می شوند و از کسی که به حقش بدی کرده عذر خواهی نمی کنند و اگر کسی از آنها عذر خواهی کند نمی پذیرند. هنگام عبادت کسل و هنگام معصیت، شجاع و قهرمان است. مرگش نزدیک است و آرزوهای دور و دراز دارد و خود محاسبه نمکند. کم نفع می رساند و فراوان سخن می گوید، خوف اواز مقام الهی اندک است و هنگام رسیدن به طعام بسیار شادمان است. اهل دنیا نه به هنگام آسایش شکر می کنند و نه در بلا صابرند. کارهای مردم نزد آنان اندک است و خود را به چیزی که انجام نداده اند می ستایند، و چیزی را ادعا می

کنند که در وجودشان نیست و از آرزوهایشان سخن می گویند و همواره بدیهای مردم را بازگو می کنند و خوبیهایشان را مخفی می دارند. پیامبر عرض می کند: خداوند! آیا اهل دنیا همه عیب دارند؟

ای احمد؛ عیوب اهل دنیا فراوان است، از جمله، آنان جاهل و احمقند. در برابر معلم و استاد خویش تواضع ندارند. خود گمان می کنند در زمره عاقلانند؛ ولی در نظر عارفان احمق هایی بیش نیستند.

ای احمد؛ چهره های اهل آخرت و خیر، با نجابت و حیایشان فراوان است. حماقتشان کم است و نفعشان زیاد و فریب و مکرشان اندک است. مردم از دستشان در آسایش و امنیتند و خود در سختی ورنج، و سنجیده سخن می گویند. به محاسبه نفس خود می پردازند و نفس خود را به زحمت می اندازند. چشمانشان به خواب می رود، ولی دلشان بیدار است. چشمشان گریان و دلشان همواره به یاد خداست. آنگاه که مردم از غافلان محسوب می گردند، آنان از ذاکران شمرده می شوند.

در آغاز نعمت، حمد و در پایان آن شکر خدا را بجا می آورند، دعای آنان بالا می رود و سخن آنان پذیرفته می شود و ملائکه از آنان خشنودند. و دعای آنان در زیر حجاب ها دور می زند، خداوند دوست می دارد کلام آنان را بشنود همانطور که، مادر طفل خود را دوست می دارد.

اهل آخرت به اندازه یک چشم به هم زدن نیز از یاد خدا غافل نیستند. خواهان پر خوری و پر گویی و اسراف در لباس نیستند. مردم در نظر آنان مردگانند و خدا در نظرشان حی و کریم، کسانی را که به آنها پشت کرده اند از روی بزرگواری به سوی خود می خوانند و کسانی را که به آنان روی آورده اند، از روی لطف می پذیرند، دنیا و آخرت در نظر آنان یکسان است.

مردم در عمرشان یکبار می میرند، ولی اهل آخرت، در اثر مبارزه با نفس و مخالفت با هوی و هوس و مجاهده با شیطان که در درون آنهاست روزی هفتاد بار می میرند.

آنقدر ضعیف و لاغرند که اگر بادی بوزد آنها را تکان می دهد اما وقتی در برابر من به عبادت می ایستند، چونان سدی آهنین خسته نمی شوند و هیچ چیز آنها را از جای خود تکان نمی دهد. لحظه ای دلشان به آفریده ای مشغول نمی گردد. به عزت و جلال به آنها حیات طیب و نیکو می بخشم. هنگام جداسدن روح از بدنشان، فرشته مرگ را پیش آنها نمی فرستم، بلکه خود عهده دار قبض روحشان می گردم. و همه درهای آسمان را در برابر روح آنها می گشایم. و تمام حجاب ها و پرده ها از بین من و آنها کنار می رود. فرمان میدهم بهشتها به خود زینت گیرند و حواریان خود را برای هم آغوشی بیاریند و به فرشتگان فرمان می دهم بر بهشتیان درود و سلام بفرستند. به درختان فرمان می دهم به بار بنشینند و به میوه های بهشت که فرو ریزند. فرمان می دهم بادی از طرف عرش ورزیدن گیرد و کوههای کافور و مشک خوشبو را به حرکت آورد، تا بدان آتشی برافروخته گردند. آنگاه او را وارد بهشت می کنند و بین من و او پرده ای وجود ندارد و من هنگام

قبض روحش به او می گویم: مبارک و میمون باد ورودت بر ما! با کرامت به سوی ما! با ویشارت باد تو را رحمت و رضوان خداوند و بهشتهایی که دارای نعمتهای پایدار، برای مؤمنان است و در آن جاودانه خواهند بود، همانا نزد خدا پاداشی بس عظیم است. ای احمد؛ سیمای زاهدان از شب زنده داری و روزه گرفتن زرد گشته است و زبانشان از زیادی ذکر خدا خسته شده است. از سکوت فراوان، قلبهایشان در سینه ها مجروح گردیده است و تمام قدرت و توان خویش را بکار می گیرند، نه از ترس آتش جهنم و یا شوق بهشت، بلکه وقتی به ملکوت، آسمانها و زمین می نگرند، تنها خداوند را سزاوار و شایسته عبادت می یابند. ای احمد؛ بر تو باد که سکوت پیشه سازی همانا بهترین و آبادترین انجمن ها قلبهای صالحان و ساکتان است و خراب ترین آنها، قلب های یاهو گویان است.

ای احمد؛ عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن طلب مال حلال است. پس اگر خوردنی و آشامیدنی خود را پاک و پاکیزه نمایی، همواره تحت حفاظت و در کنف عنایت خواهی من بود.

«پروردگارا، شروع و آغاز عبادت به چیست؟»

خداوند می فرماید: «شروع و آغاز عبادت به سکوت و روزه است.»

پیامبر عرض کرد: «خداوند! میراث وره آورد روزه چیست؟»

خدا فرمود: «میراث روزه، حکمت است و میراث حکمت، معرفت و میراث معرفت، یقین است. پس هرگاه بنده ام به مقام یقین رسید، اهمیت نمی دهد که زندگی او به سختی گذشت یا به آسانی.

هرگاه بنده مرگش فرارسد، فرشتگان با پیمانهای او از آب کوثر و پیمانهای او از شراب در دست، بر بالین او حاضر می شوند و روح او را سیراب می سازند تا سكرات و سختی مرگ بر او اثر نگذارد.

او را بشارت بزرگی مژده می دهند و به او می گویند: تو پاک هستی و منزلگاه تو نیز پاک است. تو بر عزیز کریم که دوست و نزدیک به توست، وارد می شوی، پس روح او از دست فرشتگان پرواز می کند و در کمتر از یک چشم بر هم زدن به سوی خدا صعود می کند. بین او و خداوند متعال همه حجاب ها و پرده ها بر طرف می گردد. خداوند مشتاق اوست و آن روح، کنار چشمه ای نزدیک عرش می نشیند.

خداوند با او هم سخن می شود به او می گوید: چگونه دنیا را ترک کردی؟

می گوید: خداوند! به عزت و جلالت سوگند که به دنیا علم و آگاهی ندارم و از روزی که تو مرا خلق کردی، از مقام تو ترسان بودم.

خداوند فرمود: راست گفتی ای بنده من، تو با جسد خود در دنیا بودی، ولی روح تو نزد من بود و آشکارا و نهانت را می دانم، هرچه می خواهی از من طلب کن تا به تو عطا کنم و از من تمنا کن تا به تو کرم کنم. این بهشت من است پس اندرون آن جای گزین و این جوار رحمت من است پس در آن اقامت کن.

خداوند! تو خود را به من شناساندی و با شناخت تو از همه خلقت بی نیاز شدم. قسم به عزت و جلالت اگر رضای تو در آن باشد که قطعه قطعه شوم و هفتاد بار به فجیع ترین وضع کشته شوم، در نزد من رضای تو از هر چیزی بهتر است. چگونه به خود مغرور شوم؟ و حال اینکه اگر گرفتار کریمانه تو نبودم من ذلیل می بودم، و اگر کمک نمی کردی من شکست خورده بودم، و اگر تقویت نمی کردی ضعیف می بودم و اگر به یاد خود مرا زنده نگه نمی داشتی، من مرده بودم، خدایا اگر پرده پوشی تو نبود اولین بار که گناه می کردم، رسوا می شدم.

خدایا! چگونه رضای تو را نطلبم در حالی که تو عقل مرا کامل ساختی تا تورا شناختم و نیز حق را از باطل و امر را از نهی و نور را از ظلمت و علم را از جهالت باز شناختم.

قسم به عزت و جلالم که هیچگاه بین من و تو حجابی نیست، آری من با دوستان خود چنین رفتار می کنم.

«ای احمد! آیا می دانی کدامین زندگی گوارا تر و کدامین حیات پایدار تر است؟»

پیامبر عرض می کند: پروردگارا! نمی دانم.

فرمود: «کسی زندگی گوارا دارد که از یاد من غافل نیست، نعمتهای مرا فراموش نمی کند و به حق من جاهل نیست و شب و روزی رضای مرا می طلبد.

اما حیات باقی کسی دارد که به گونه ای برای خود عمل می کند که دنیا برای او حقیر و در چشمش بی ارزش می شود و آخرت نزد او عظمت می یابد و خواست مرا برخواست و هوای خود ترجیح می دهد و رضای مرا زندگی می گزیند و حق عظمت مرا بزرگ می شمارد و فراموش نمی کند که من ناظر بر اعمال او هستم و در شب و روز مواظب است که گناهی از او صادر نگردد.

قلب خویش را آنچه من دوست ندارم پاک می کند. و شیطان و وسوسه هایش را دشمن می دارد و برای ابلیس هیچ سلطه ای بر قلب و راه نفوذی بر اندیشه خود نمی گذارد.

پس وقتی چنین کرد، در قلب او محبتی جای می دهد تا آنجا که قلبش را برای خویش قرار می دهد و فراغت و مشغولیت و کوشش و سخن گفتن او را از نعمتهایی قرار میدهم که به دوستان خود ارزانی می دارم.

چشم دل و گوش قلبش را می گشایم تا دل بشنود و با قلب خود به جلال و عظمت من بنگرد. دنیا را بر او تنگ می گردانم و لذت های آن را بر او مبغوض می سازم، همواره او را از دنیا و آنچه در اوست بر حذر می دارم، چنانکه همواره چوپان، گوسفندان خود را از چراگاه های مرگ آفرین باز می دارد.

پس وقتی چنین شد، از مردم فرار می کند و از خانه فانی دنیا به خانه باقی آخرت و از خانه شیطان به خانه خدا منتقل می گردد.

ای احمد! من او را به هیبت و شکوه زینت می بخشم و این، زندگی گوارا و حیات جاودانه است و مقام کسانی که راضی به رضای خدایند.

هرکس به خواست و رضای من عمل کند، سه خلعت به او عطا می کنم، به او سپاسگزاری را می آموزم که با جهل همراه نمی گردد، به او ذکری عطا می کنم که با فراموشی همراه نمی گردد و محبت به او می دهم که با داشتن آن هیچ محبتی را بر محبت من ترجیح ندهد.

وقتی که او مرا دوست داشت، من نیز او را دوست می دارم و چشم دلش را برای نظاره به جلال می گشایم و بندگان خاص و بر گزیده ام را از او پنهان نمی کنم در تاریکی شب و روشنی روز با او مناجات می کنم، تا از سخن گفتن با مردم اجتناب جسته از همنشینی با آنها گریزان گردد.

ای احمد؛ همت خود را به یک چیز متوجه ساز و بابت را یکسان قرار بده. بدنت را زنده بدار و هرگز غافل مباش کسی که از من غافل گردد، برای من مهم نیست که به کدام وادی هلاکت در افتد. ای احمد؛ عقل خود را به کار انداز قبل از اینکه از دستت برود پس کسی که از عقل خود استفاده برد، خطا و طغیان نمی کند.

ای احمد؛ آیا می دانی چرا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم؟

جواب داد: نمی دانم ای پروردگارم.

خداوند فرمود: به واسطه یقین و خوش خلقی و سخاوت نفس و مدارا کردن و با رحمت با مردم، تو را برتری بخشیدم. و همچنین اوتاد و بزرگان روی زمین اگر چنین نباشند به آن مقام رفیع دست نمی یابند.

ای احمد؛ هرگاه بنده من شکمش گرسنه باشد و زبانش را حفظ کند، به او حکمت می آموزم، اگرچه کافر باشد که در این صورت آن حکمت دلیلی و حجتی علیه او خواهد بود و اگر مؤمن باشد، حکمت او نور و برهان و شفا و رحمت است.

پس مؤمن با حکمت می داند آنچه را نمی دانست و می بیند چیزی را که نمی دید، پس اولین چیزی که به او می نمایانم عیبهای خود اوست تا به عیبهای دیگران نپردازد و به او دقایق و حقایق علم را نشان می دهم تا شیطان بر او مسلط نشود.

ای احمد؛ هیچ عبادتی نزد من محبوبتر از روزه و سکوت نیست، کسی که روزه بگیرد، ولی زبان خود را حفظ نکند، به مانند کسی است که به نماز بایستد و حمد و سوره و ذکرهای نماز را نخواند که در این صورت من فقط به او

پاداش قیام می دهم، نه پاداش عبادت کنندگان را.

ای احمد؛ آیا می دانی که چه وقت بنده من عابد می شود؟

پیامبر عرض کرد: خیر مولای من.

خداوند فرمود: هرگاه هفت ویژگی و خصلت در او جمع شود، تقوایی که او را از حرام حفظ کند، سکوتی است که او را لغو باز دارد، ترسی است که روز به روز برگریه او می افزاید، حیاتی است که موجب می گردد در خلوت نیز از من شرم و حیا کند، به اندازه نیاز و ضرورت غذا تناول کند، با دنیا بغض و دشمنی ورزد، چون من با آن بغض و دشمنی می ورزم و اختیار و نیکان را دوست بدارد چون من آنان را دوست دارم.

ای احمد؛ چنان نیست که هر کس گفت خدا را دوست می دارم، دوستدار من است، مگر اینکه به اندکی غذا اکتفا کند و به مختصر لباسی قناعت جوید و خوابش به سجده باشد و قیام نماز را طول دهد و به سکوت روی آورد.

دوستدار من کسی است که بر من توکل نماید و زیاد بگوید و کم بخندد و با هوای خود مخالفت کند و مسجد را چون خانه خود برگزیند و علم را همراه خود وزهد را همنشین و علما را محبوب و فقرا را رفیق خود قرار دهد.

دوستدار من کسی است که رضای من را طلب کند و از گنه کاران فرار کند و دوستدار من همواره به ذکر من مشغول است و فراوان تسبیح می گوید و به عهد خود صادق است و به وعده خود وفا می کند.

دوستدار من قلبش پاک و در نماز برافروخته است و در انجام واجبات سخت کوشاست. و به ثوابهایی که نزد من است، چشم دوخته باشد و از عذاب من ترسان و همواره همنشین و همراه دوستان من باشد.

ای احمد؛ اگر بنده ای به اندازه اهل آسمان وزمین نماز بخواند و روزه بگیرد و همانند فرشتگان از خوردن غذا دوری گزیند و لباس های برهنگان را بپوشد؛ ولی در قلب او ذره ای از حب دنیا یا ریا و سمعه و یا ریاست و زینت دنیوی باشد او را به جوار خوش راه نمی دهم و محبت خود را از دلش خارج می کنم.

ای محمد؛ بر تو باد سلام، محبت و رحمت من؛ و ستایش، خدای جهانیان را سزد.

اذکار، توصیه ها و دستورالعمل های ناب

محافظت از اموال و پیدا شدن گمشده

* به تجربه رسیده است که هر کس این اوراد را بنویسد و در متاع (کالا و اموال) خویش نهد (قرار دهد)، از تلف شدن محفوظ باشد: یا حی یا قیوم یا ذالجلال و الاکرام صلّ علی محمد و آل محمد و احفظنی و مالی بحق محمد و آل محمد یا حی یا قیوم.

(مجمع الدعوات، ص 205)

* گویند خواندن این دعا، 116 مرتبه به جهت ردّ ضالّه (پیدا شدن گمشده)، از مجربات است، چنان که مرحوم حاجی ابراهیم کرباسی (اعلی الله مقامه) تجربه فرموده بودند در باب قباله‌ای که از ایشان، گم شده بود:

يا رَاَدَّ الشَّمْسُ لِعَلِّيَّ بنِ ابيطالب عليه السلام اَرُدِدْ عَلَيَّ ضَالَّتِي

(نیز 14 مرتبه قبل از جستجوی شیء گم شده، گفتن این ذکر و فرستادن صلوات، قبل و بعد از آن، تجربه شده است).
(شفابخانه معنوی، ص 27 (متن پاورقی))

* تلاوت «آیه الكرسي» (از الله لا اله الا هو الحي القيوم) تا (و هو العلي العظيم)، برای محافظت از اموال در برابر سرقت و نابودی و آتش سوزی، مشهور است و آن قدر در میان عرفا و راویان احادیث معتبر است که نیازی به ذکر سند ندارد.

* گویند جهت دزدیده شده و مالی که گم شده، هفت یا هفتاد مرتبه این ذکر را بخوانند
بی شک (به لطف و خواست خداوند) پیدا شود:

أَصْبَحْتُ فِي جَوَارِ اللَّهِ، أَمْسَيْتُ فِي أَمَانِ اللَّهِ.

(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 147)

محافظت در برابر دشمنان

* گویند از حضرت رضا (ع) روایت است که هر که در وقت وضو ساختن، هنگام شستن هر عضوی، 3 بار گوید «یا قادر»، بر دشمنانش پیروز گردد.
(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 143)

* گویند شیخ شرف الدین بونی گفته است: «هر که ترسان بود از ممری (گذرگاه، راه)، در آن حال بگوید: کهیحص

(کاف، هاء، یاء، عین، صاد) حمعسق (حاء، میم، عین، سین، قاف) وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ

الْعَلِيم، از آن چه می ترسد، ایمن شود». این معنا به کرات و مراتب، آزموده شده و مجرب و صحیح است.

(شفابخانه معنوی، ص 88-89)

* گویند جهت دفع اشرار و اعداء و ستمگر، حروف و آیات زیر را نوشته با خود، نگاه دارند. بسیار مجرب است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين فسيكفيهم الله و هو السميع العليم ك ك ل ل ل ل ص
ص ص و و و و و و ي ي ف ف ع ع ح ح ط ط فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

(شفاخانه معنوی، ص 149)

* برای مطالب مهم و دفع دشمن، گفتن 111 بار ذکر «يا قَاهِرَ الْعَدُوِّ» فوراً تأثیر می بخشد.

(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 151)

* مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می گوید: هر کس را مطلب مهمی است مانند دفع دشمن و غیر آن، این شعر را صدر
بار بخواند. بی شک به مقصود خویش خواهد رسید. بسیاری از بزرگان با همین عمل به حاجات خویش رسیده اند.

يا قَاهِرَ الْعَدُوِّ يا وَاِلٰى الْوَلِيِّ يا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ يا مُرْتَضٰى عَلٰى

(دو هزار دستورالعمل مجرب، ص 45 نقل از گوهر شب چراغ ج 1 ص 151)

* اگر کسی دچار دشمنی یا ظالمی شده و یا اراذل او را تسخیر کرده اند، یک هفته، روزی هزار بار بگوید «إِنَّا

كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» به اذن خداوند شرّ ظالم و اراذل از او دفع

می شود.

(دو هزار دستورالعمل مجرب ص 246)

* برای متفرق ساختن جمع دشمنان و کسانی که نسبت به شما توطئه چینی می کنند، 70 بار دعای زیر مفید است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اللَّهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ وَ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَ قَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ وَ خَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ وَ
بَدِّلْ أَحْوَالَهُمْ وَ قَرِّبْ أَجَالَهُمْ وَ قَطِّعْ أَعْمَارَهُمْ وَ اشْغَلْهُمْ بِأَبْدَانِهِمْ وَ خُذْهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ يا قَهَّارُ
يا قَهَّارُ يا قَهَّارُ يا جَبَّارُ يا جَبَّارُ يا جَبَّارُ.

(دو هزار دستورالعمل مجرب ص 255)

* راوی گویند: در خدمت امام صادق (ع) بودم، شخصی عرض کرد پادشاه مرا اذیت می کند و من از او و اتباع (وابستگان) او خوف دارم. حضرت فرمودند اگر چنین است در اطراف خود، شهری و قلعه ای بنا کن.

عرض کرد چگونه بنا کنم؟ فرمود: هر گاه از منزل خود بیرون روی، سوره توحید را بخوان و به شش طرف خود بدم. به این ترتیب: اول از پیش رو، بعد از جانب راست، سپس از طرف پشت سر، بعد از جانب چپ، بعد از آن از بالای سر و بعد، زیر پای خود، تا برای تو مانند قلعه باشد که تو را در این روز از ضرر پادشاه و شیطان، محافظت کند.

(ختوم و اذکار ج 1 ص 194)

* در کتاب کافی مذکور است که امام زین العابدین (ع) فرمود باک ندارم از این که جمع شود بر من جن و انس و من، این کلمات را خوانده باشم و آن، این است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ
نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ أَتَجَأُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ
الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مَا تَحْتِي وَ مَا قَبْلِي وَ
ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

(مجمع الدعوات ص 153 و حاشیه مفاتیح الجنان، ص 710)

* در مهج الدعوات از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرموده تعویذی است به جهت شیطان مارد و سلطان جابر و سوختن و غرق شدن و فرود آمدن سقف و دزدان ضرر رساننده و قاطعان طریق و حکایتی از یکی از راویان حدیث نقل شده که این دعا چگونه توانسته مغازه اش را از شر سرقت در امان دارد:

اللَّهُمَّ أَحْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ أَعِدْنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ
وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا وَ لَا تُهْلِكْنَا وَ أَنْتَ الرَّجَاءُ رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا
شُكْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَةٍ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيٍّ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي يَا
ذَالمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُضِي أَبَدًا وَ يَا ذَاالنِّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ وَ أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَاءِ وَ الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَايَ وَ عَلَى
آخِرَتِي بِتَقْوَايَ وَ احْفَظْنِي فِيمَا رَغِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتُهُ يَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ

الْمَغْفِرَةِ وَ لَا تَضِرُّهُ الْمَعْصِيَةُ أَسَاءُ لَكَ فَرَجًا عَاجِلًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ
الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ عَلَى الْعَافِيَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(مجمع الدعوات، ص 188 - 191)

ختم عجیب ادريسيه برای عزیز شدن نزد مردم

از مرحوم شیخ بهایی نقل است: هر کس این اذکار را بخواند دعای او مستجاب می شود. اگر کسی این اسماء را بخواند، هر قدر نزد مردم بی ارزش و بی قدر باشد، محترم و مکرم می گردد و خدای تعالی چندان نعمت ظاهری و باطنی به او عنایت فرماید که از حساب آن عاجز می ماند:

يَا حَمِيدِ الْفِعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ.

(چهل طلوع، سید حسین رضوی حائری ص 63-64 نقل از مهج الدعوات سید ابن طاووس)

توانگری

* گفته شد: هر کس در شب جمعه، هفت بار این دعا را بخواند و هفتاد بار صلوات بفرستد خداوند تعالی او را غنی گرداند:

إِلَهِي بِحُرْمَةِ طه وَ مَنْ تَلَاهَا وَ بِحُرْمَةِ يس وَ مَنْ قَرَأَهَا وَ بِحُرْمَةِ كَعْبَةَ وَ مَنْ بَنَاهَا وَ بِحُرْمَةِ الْعَصْرِ وَ مَنْ صَلَّاهَا
بَلَغَ نَفْسِي إِلَى مَنَاهَا.

(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 115)

* از مصباح کفعمی نقل است که چون کسی سوره «حجر» را بنویسد و در جیب خود یا بازوی خود جای دهد بیع و کسب و رزق او بسیار شود و همچنین سوره القارعه (چنین خاصیتی دارد).
(مجمع الدعوات کبیر، ص 212)

* جهت فتوحات بی اندازه و بر آمدن جمیع مطالب، تا 15 روز، هر روز، 15 مرتبه رباعی زیر را به خضوع و خشوع بخوانند (به عدد اسم یا مفتاح الابواب)

ای شیر خدا، امیر حیدر، فتحی / ای قلعه گشای دَرِ خیبر، فتحی
درهای امید بر رُخِ بسته شده / ای صاحب ذوالفقار و قنبر، فتحی
(مجمع الدعوات کبیر، ص 222)

* برای گشایش کارها، این رباعی ابوسعید ابوالخیر را ورد خود نمایید:

ای آن که به مُلک خویش، پاینده تویی
در ظلمت شب، صُبْحِ نماینده تویی
کارِ من بیچاره، قوی بسته شده
بگشای خدایا که گشاینده تویی
(مجمع الدعوات کبیر، ص 221 - 222)

* گویند به جهت توانگری، چهل شب این دعا را بخوانند، موثر خواهد بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا غَنِيُّ يَا حَمِيدُ يَا رَحِيمُ يَا وَدُودُ يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ أَغْنِنِي بِخَلَالِكَ عَنْ
حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(شفابخانه معنوی، ص 172)

* گویند روایت است آن که هر کس در روز جمعه میان دو نماز، این آیه مبارکه را در یک سطر بنویسد و با خود در
کیسه ای (یا کیف پول) نگاه دارد، هرگز آن کیسه (کیف) از زر (پول)، خالی نباشد و دولت و گشایش بر وی رو آورد و
نعمت و روزی او فراوان گردد و به تجربه رسیده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ.

(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 18)

* اگر کسی قرض بسیار داشته باشد و از اداء آن عاجز باشد به این اسماء بسیار مداومت نماید و ورد خود سازد خداوند
وسیله سازد که اعتبار یابد و معتمد گردد و از قرض به زودی خلاص شود و آن اسم، این است:

«يَا مَنَّانَ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ كُلَّ الْخَلَائِقِ مِنْهُ»

و هم چنین آورده اند که اگر کسی بگوید:

«يَا حَمِيدُ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلْفِهِ بِلُطْفِهِ»

چندان مال و نعمت یابد که جمیع خلق به او محتاج شوند و از او منت پذیرند و ستوده خدا و خلق خدا گردد و در میان خلق، عزیز و مکرم گردد، باید که در خواندن، تقصیر نکند و ملول نشود و ترک نکند.
(مجمع الدعوات کبیر، ص 210-211)

گشایش در امور

مرحوم عبدالمطلب در کتاب کلیات مجمع الدعوات (ص 219 و 220) می گوید:
برای گشایش در امور بسیار بگویید:

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَدْرِ كُنِي يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أَدْرِ كُنِي يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَدْرِ كُنِي

ذکری برای بر آمدن حاجت

می گویند چنانچه به دنبال حاجتی هستید ، روزی 10 مرتبه بگویید: « يَا كَيْكَايِل ». برآورده می شود. ان شالله تعالی.
(دوهزار دستور العمل مجرب، ص 68)

آشتی دادن

استاد سید عباس کاشانی فرماید: برای آشتی دادن این آیه را 3 مرتبه بخواند و بر روی کسی که قهر کرده باشد بدمد .
البته آشتی خواهد کرد و عذر خواهد طلبید و این از مجربات است.

و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(انعام، 115)

(مخازن، ص 466)

شگردهای محافظت در برابر چشم زخم

* برای اثر نکردن چشم بد، آیه الكرسي، چهار قُل (سوره های ناس، فلق، توحید و کافرون) دعای وَ ان یکاد (وَ انْ یکادُ الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین) بسیار مفید است.

* علاوه بر خواندن ادعیه و سوره های فوق، نوشتن و به همراه داشتن آنها نیز برای محافظت در برابر چشم زخم، فوق العاده مفید است.

* هر صبح هنگام خارج شدن از منزل، تلاوت مُعوذتین (سوره های فلق و ناس) و دمیدن به سر و صورت برای رهایی از آثار چشم بد مفید است و توصیه شده است.

* نیز گفته شد هر کس بخواهد از چشم نظر در امان بماند دستها را در مقابل صورت گرفته و سوره های حمد و توحید و معوذتین را خوانده و در پیش سر بکشد.
* این دعا را بخوانند و بنویسند همراه داشته باشند:

اللَّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَاسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ لَيْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ رَدَّ الْعَيْنِ وَ عَيْنَ الْعَايِنِ فِي كَيْدِهِ وَ سِحْرِهِ وَ مَالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ.

(مفتاح الجنان، ص 1136)

* از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند که هر کس چیزی ببیند که او را به شگفتی درآورد و گمان چشم زدن به آن داشته باشد وقتی آن را مشاهده کرد بگوید: **الله ماشاء الله لا قوة الا بالله** که ان شاء الله ضرری متوجه او نمی گردد. نیز گفته شد 3 بار بگوید: **ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم**.

(مفتاح الجنان، ص 1151)

* صدقه، قربانی و عقیقه فرزندان نیز برای در امان ماندن از چشم زخم مفید است.

* دود دادن اسفند و گندُر

* پنهان کردن نعمت ها و علوم از چشم دیگران و تلاش برای اینکه صاحبان چشم‌های شوم، نتوانند نعمت‌ها و خوبی و آسایش ما را ملاحظه نمایند.

* در دست کردن انگشترهای حرزدار و نگین‌های عقیق و یاقوت

درمان مشروب خواری

اگر کسی مشروب خوار باشد و نتواند آن را ترک کند، مؤمنی این آیات را بر ظرفی پاک و پاکیزه که هنوز مصرف نشده باشد، با نیتی خالص و توجه به خدا و معنی آن بنویسد و سپس آن نوشته‌ها را شسته و آب آن را به شراب خوار دهد، (به گونه ای که نداند)، محبت مشروب از دل او بیرون رود و در تمام مدت عمر به سمت آن نرود.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ يا ايُّها المَدِّتَرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَ رَبُّكَ فَكَبِّرْ وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَ الرَّجْزَ فَاهْجُرْ وَ لَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرْ وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ.

(خواص الآيات، ص 190)

از خواص سوره یاسین

گویند اگر کسی سوره مبارکه یس را بنویسد و در موم بگیرد و بر بازوی راست بندد، عجائب ببیند. ان شاء الله تعالی (گوهر شب چراغ، ج 1 ص 172)

باز کردن قفل ها

گویند اسم مادر حضرت موسی که با آن قفل ها و قید را باز می کنند این است:

طَيْسُومٍ أَيْوَمٍ قَيَّوَمٍ دَيْمُومٍ دَيَّوَمٍ

(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 64)

رفع سستی و تنبلی

* امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس سوره مبارکه «عنکبوت» را بنویسد و بشوید و آن آب را بخورد یا بخوراند، تنبلی و کاهلی از او دور خواهد شد.
(خواص الآيات، ص 100)

* ذکر شده، کسی که در کار دین و دنیا تنبلی می کند، این آیه شریفه را در ظرفی (با آب سیب و زعفران) نوشته و بعد با گلاب آن را شسته و تا سه شب هر شب مقداری از آن را بخورد، ان شاء الله نشاط در کار دین و دنیا پیدا می کند:

«وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ وَ مِنْ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ النُّجُومِ»

(خواص الآيات ص 127)

خرید و فروش و برکت اموال

* برای فروش اجناس، این جدول را نوشته و در کالا قرار دهد. (در موقع نوشتن این جدول، از کلمه ی «حمید» شروع کند).

دیان 8	حمید 1	باسط 6
الله 3	سود 5	دلیل 7
حکم 4	حکیم 9	موجد 2

(دو هزار دستورالعمل مجرب، ص 606)

* آیه زیر را نوشته در میان متاع (کالا) گذارد، مشتری از غیب پیدا شود:

يا بنی اسرائیل اذکروا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ اَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِکُمْ وَ اِتَیْ فَاَرْهَبُوْنَ وَ اٰمِنُوا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا اَوَّلَ کَافِرٍ بِهٖ وَ لَا تَشْتَرُوا بِاِیَاتِي ثَمَنًا قَلِيْلًا وَ اِیَاتِي فَاتَّقُوْنَ وَ مَنْ اَوْفٰی بِعَهْدِهٖ مِنْ اللّٰهِ.

(مجمع الدعوات کبیر، ص 200)

* گویند چون در وقت خرید و فروش، آیه «قَالُوا اِدْعُ لَنَا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنَا مَا هِیَ اِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَیْنَا وَ اِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ» را بخواند در آن معامله ضرر نبیند و نیز این دعا را بخواند:

یا مُخَيِّرَ یا مُخْتَارَ یا مَنْ الْخَیْرِ بِیَدِهٖ یا خَیْرَ دَلِیْلِ یا دَلِیْلَ الْخَیْرِ یا مُرْشِدُ یا هَادِی
(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 16)

* گویند یکی از خواص آیه الكرسي آن است که هر گاه بنویسند و بر آستانه بالای خانه یا دکان بیاویزند موجب غنا و برکت و دولت خواهد بود و همچنین خواندن آن در هنگام بیرون رفتن از خانه، موجب حفظ از آفات و غنای بعد از مراجعت است و نیز خواندن آن باعث حصول اطلاع بر اسرار قرآن شریف است و خواندن آن تا ده روز و روزی 10 مرتبه، موجب دولت خواهد بود. ان شاء الله تعالی
(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 54)

* گویند بر متاع (کالای) خود بنویسید: «بِرَّکَ لَنَا» البته نفعی عظیم یابی.
نیز بر کالای کاسد (مانده و به فروش نرفته) بنویس و بخوان:

«قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَّشَاءُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَاءُ وَ اللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (آل عمران/ 73 و 74) و آیه ی «فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِکُمُ الَّذِي بَا يِعْتُمُ بِهِ وَ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»
(توبه/ 111)

به حد کافی مجرب و آزموده است.

(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 251 نقل از جناب الخلود)

یادگیری و حافظه

* گویند اسم مبارک «المُقِیت» را اگر هفت نوبت بر آب باران بخوانند و به طفل دهند خوش خوی خوش ذهن می گردد و هر چه بشنود، یاد گیرد. ان شاء الله
(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 143)

* گویند هر کس این حروف را بر پشت کتاب خود نویسد، مشکلات آن کتاب، بر او آسان گردد. (ان شاء الله)

م لوح معاده الاله

(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 257)

* گویند اگر خواهی هر چه بشنوی، یاد بگیری، این اسم را بنویس پشت دست چپ خود و به زبان بلیس:

الله موامه با سهلیم سعیرا سما عیر عمیر

(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 75)

* گویند به جهت افزایش حافظه، بر تخم مرغ نوشته تناول نمایند:

«وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ»

(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 181)

* گویند هر که در بامداد (صبحگاهان)، این دعا را نوشته و بیاشامد، هر چه را بشنود، فراموش نکند (ان شاء الله)

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ وَأَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَأُطْلِقْ بِهِ لِسَانِي بِقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(گوهر شب چراغ، ج 1 ص 155)

بستن زبان بدگویان

* برای بستن زبان بدگویان، مداومت بر آیات زیر در منابع مختلف توصیه شده است:

- آیه 7 سوره بقره: **خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ ...**
- آیه 18 سوره بقره: **صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ.**
- آیه 171 سوره بقره: **صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.**
- آیه 46 سوره اسراء: **وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً ...**
- آیه 9 سوره یس: **وَجَعَلْنَا مَن بَيْنَ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ ...**
- آیه 65 سوره یس: **الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ ...**

* امام صادق (ع) فرمود: اگر سوره «زخرف» را بنویسد و به آب بشوید و آن آب را به زن سلیطه و بد زبان بدهند، آن زن شیرین زبان و شیرین سخن می گردد.
(شفا و درمان در قرآن ص 106 نق از خواص الآیات ص 117)

* اگر کسی با ایمان، آیه 148 سوره نساء را با نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بخواند پیش کسی که پرگو باشد و مُعْجَب به سخن خود (کسی که از حرف خودش خیلی راضی و خشنود باشد)، خاموش گردد و سخن کمتر کند:
لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا.
(خواص الآیات، ص 46)

* برای بستن زبان دشمن، بعد از 3 روز روزه گرفتن، آیه زیر را نوشته در میان شیشه قرار داده و در زمینی دفن کند زبان دشمنش بسته می گردد و اگر بخواهد باز کند باید آیه را بیرون آورد:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

نیز بسیار مجرب است این آیه را بخواند و بر او بدمد:

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ تَكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (یس/65)

(سرالمکتوم، نقل از گنجهای معنوی، ص 213)

دور کردن کسی از خود

* مشهور است که برای دور ساختن کسی از خود، به نیت دور شدن او، 161 بار سوره «کافرون» قرائت شود.

* گویند اگر خواهی کسی را از خود دور بگردانی، 9 مرتبه « انا اعطیناک الکوثر » را بخوان و به جانب (طرف) او بدم (فوت کن)، به اختیار خود برود. (ان شاء الله)
(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 37)

* هر که 3 مرتبه یا هفت مرتبه، این دعا را به نیت حرکت کسی از جای خود بخواند، موثر خواهد بود. ان شاء الله تعالی:

إِعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مَنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَأَعْصِمْنِي مِنْ ذَالِكِ.
(گوهر شب چراغ، ج 2 ص 16)

* امام صادق (ع) فرمود: «هر کس سوره «بروج» را برای دفع بدگویان 3 مرتبه بخواند، آن بدگو را از خودش دفع می کند. نیز فرمودند: اگر کسی سوره «هُمَزَه» را برای از بین بردن بدگویان 21 بار بخواند، بدگو را از خودش دور می کند و همین طور اگر این سوره را بنویسد و با خود داشته باشد، بدگویان را از خودش دفع می کند.
(شفا و درمان در قرآن ص 106 – 107 نقل از خواص الآیات ص 149 و 163)

رقعه الجیب

این تعویذ، دعایی است که در یقه پیراهن حضرت امام رضا (ع) بوده و از آن حضرت نقل است که فرمود: این رقعہ ای است که ما هیچ گاه آن را از خود جدا نمی کنیم هر کس این تعویذ را در جیب خود داشته باشد از هر دشمنی و شیطانی محفوظ است. (عیون اخبار الرضا (ع) ج 2 ص 138) خواندن آن در مقابل ظالم و ستمگر نیز مفید است.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ بسم الله انی اعوذُ بالرحمن منك ان کنتَ تقیاً أو غیر تقیاً اُخذتُ بالله السميع البصیر علی سمعک و بصرک لا سلطانَ لکَ علیّ و لا علی سمعی و لا علی بصری و لا علی شعری و لا علی بشری و لا علی لحمی و لا علی مالی و لا علی اهلی و لا علی ما رزقنی

رَبِّي سَتَرَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَسْتِرَ النَّبُوَّةَ الَّذِي اسْتَتَرَ بِهِ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ سُلْطَانِ الْفِرَاعَةِ جَبْرَائِيلَ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلَ عَنْ يَسَارِي وَإِسْرَافِيلَ مِنْ وَرَائِي وَ مُحَمَّدٌ (ص) أَمَامِي وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُ مِنِّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جُهْلَهُ أَنْتَ أَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَ يَسْتَخِفَّنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ.

دعای نجات بخش و عظیم از علی بن ابی طالب (ع)

به اسناد طولانی و پیوسته آمده است که در سالی حاجیان به تشنگی گرفتار شدند تا حدی که هلاکت و نابودی ایشان نزدیک بود. یکی از این ها تا حد مرگ در مکانی نشست و خواب او را فرا گرفت. مولا علی (ع) را در خواب دید. به او فرمود: «چرا از کلمه نجات بخش غافل شده ای؟ به ایشان عرض کردم کلمه نجات بخش چیست؟ فرمودند:

إِلَهِي أَدِمْ مُلْكِكَ عَلَى مُلْكِكَ بِطُفِكَ الْخَفِيِّ

مرد گوید بیدار شدم و آن کلمه دعا را خواندم. در آن هنگام ابری پدید گشت و بر مردم بارید.

(ختوم و اذکار، ج 1، ص 283)

و نیز گفته اند این دعا در محل خلوت و با قدرت و صدای بلند گفته شود.

دعای حضرت فاطمه (س) برای تب نکردن (دعای نور)

اگر بخواهی که هرگز تب نکنی در هر صبح و شام دعاء حضرت فاطمه (ع) را بخوان که مشهور به دعای نور است، و بزرگی گفته است که از جمله مجربات است. و آن این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ النَّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورَ النَّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّورَ مِنَ النَّورِ وَ أَنْزَلَ النَّورَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رِقٍّ مَنشُورٍ، بِقَدْرِ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيٍّ مُحَبُّورٍ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ الْعِزُّ مَذْكُورٌ، وَ الْفَخْرُ مَشْهُورٌ، وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

حرز امام سجاد (ع) در عقد اللسان (بستن زبان ها)

سید بن طاووس در مهج الدعوات از امام سجاد (ع) روایت کرده که هر که این حرز را در هر صبح و شام بخواند زبان دشمنان بسته می شود. در روایتی دیگر آمده که:

« هر که این دعا را بخواند پروا ندارم اگر تمام جن و انس بر او جمع شوند به او ضرری نتوانند رسانند. »

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ سَدَدَتْ أَفْوَاهُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّحَرَةِ وَالأَبَالِسَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَالسَّلَاطِينِ وَمَنْ يَلُودُ بِهِمْ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَعَزُّ وَبِاللَّهِ الْكَبِيرِ الْكَابِرِ بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ الْمَكْنُونِ
الْمَحْزُونِ الَّذِي أَقَامَ بِهِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَوَقَعَ
الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ وَغَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ
الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ وَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا وَجَعَلْنَا عَلَى
قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتَ بِكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ
نُفُورًا وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا مِنَ
بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ
تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ
بَيْنَهُمْ أَنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

هشدار: برای بستن زبان بدگویان و بدخواهان بهترین وسیله، همان دستورات و فرمایشاتی است که از جانب معصومین علیهم السلام وارد شده است و دارای سند و منبع معتبر و قابل ملاحظه باشد ولی پناه بردن به برخی اوراق که از جانب معصومین (ع) وارد نشده و یا طلسم هایی که از جانب برخی از دعاگران تجویز شده و ریشه حدیثی و روایی ندارند خطرناک بوده و گاهی اثرات معکوس داشته و صدمات فراوانی به طرفین وارد می کند.

حرز عظیم الشان برای در امان ماندن از چشم زخم

این دعا شامل آیه الكرسی، و ان یکاد، سوره های چهار قل و دعای چشم نظر مورد توصیه پیامبر (ص) می باشد. (نوشته شود و همراه باشد).

«بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات والارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يوده حفظهما وهو العلي العظيم».

«بسم الله الرحمن الرحيم و ان يكاد الذين كفر و اليزلقونك بابصارهم لما سمعو الذكر و يقولون انه لمجنون و ما هو الا ذكر للعالمين».

«بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنه و الناس».

«بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من شر النفاثات في العقد و من شر حاسدا اذا حسد».

«بسم الله الرحمن الرحيم. قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم ولي دين».

«بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اعيد (اسم خودتان را بنویس) بکلمات الله التامات و اسمائه الحسنی کلها عامه من شر السامه الهامه و من شر کل عین لامة و من شر حاسد اذا حسد – اللهم رب مطر حابس وحجر يابس و ليل دامس و رطب و يا بس ردالعين و عين العاين في كيده و سحره و ماله فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك خاسئا و هو حسير. بسم الله العظيم الشان القوى السلطان الشديد الاركان حبس حابس و حجر يابس و شهاب قابس و ليل دامس و ماء قارس في عين العاين و في احب خلق الله اليه و في كبده و كليتيه فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا و هو حسير».

تعویذ دفع وحشت

بر گردن بیاویزد یا موقع خواب زیر سر بگذارد و یا در جیب بگذارد

(شامل آیه الكرسي، دعای محافظت امام سجاد (ع) (حاشیه ی مفاتیح الجنان، ص 710) و دعای رقعة الجيب امام رضا (ع) (از مهج الدعوات سيد ابن طاووس))

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنه و لا نوم له ما فى السموات و ما فى الارض من ذا الذى يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم و ما خلفهم و لا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات و الارض و لا يوده حفظهما و هو العلى العظيم. بسم الله وبالله ومن الله و الى الله و فى سبيل الله و على مله رسول الله اللهم اليك اسلمت نفسى و اليك و جهت وجهى اليك الجات ظهري و اليك فوضت امرى اللهم احفظنى بحفظ الايمان من بين يدى و من خلفى و عن يمينى و عن شمالى و من فوقى و ما تحتى و ما قلبى و ادفع عنى بحولك و قوتك فانه لا حول و لا قوه الا بالله... فالله خير حافظا و هو ارحم الرحمين... بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله انى اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا او غير تقى اخذت بالله السميع البصير على سمعك و بصرك لا سلطان لك على و لا على سمعى و لا بصرى و لا على شعرى و لا على بشرى و لا على لحمى و لا على دمي و لا على مخى و لا على عصبى و لا على عظامى و لا على مالى و لا على اهلى و لا على ما رزقنى ربى ستتر بينى و بينك بستر النبوه الذى استتر به انبياء الله من سلطان فراعنه جبرئيل عن يمينى و ميكائيل عن يسارى و اسرافيل من ورائى و محمد (ص) امامى و الله مطلع على يمنعك منى و يمنع الشيطان منى اللهم لا يغلب جهلهاناتك ان يستفزنى و يستخفنى اللهم اليك التجات اللهم اليك التجات اللهم اليك التجات».

دعایی مجرب برای محافظت (دعای صبح و شام)

رسول گرامی اسلام فرمودند: هرکس این دعا را در هر صبح و شام بخواند موکل فرماید حق تعالی به او چهار فرشته را که او را حفظ کنند از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرفش و در امان خداوند عزوجل است و اگر سعی کنند خلایق از جن و انس که به او ضرر برسانند نتوانند.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ بسم الله خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دِينِي وَعَقْلِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَضَاءِ السَّوِّءِ وَمِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ. إِنْ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

(باقیات الصالحات حاج شیخ عباس قمی)

دستور العمل حضرت ولی عصر (عج) برای مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» سید علی خان نقل شده است که مردی طلبکاران زیادی داشت و از نظر مالی در مضیقه بود. از این وضع به شدت غمگین بود، ناگاه در جیب خود این دعا را یافت و در خواب حضرت صاحب الزمان (عج) را زیارت کرد و حضرت به او دستور داد تا آن دعا را بخواند. او دعا را خواند و مشکلی حل شد و به هر کسی سفارش کرد، مشکل او نیز بر طرف گردید. دعا این است:

سه مرتبه در سحرگاه و سه مرتبه در صبحگاه و سه مرتبه در اول شب بخوان:

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تُقَوِّي بِهِ قُوَى الْكَلِّيَّةِ وَالْجُزْئِيَّةِ حَتَّى أَقْهَرَ عِبَادِي نَفْسِي كُلُّ نَفْسٍ قَاهِرَةٌ فَتَنْقَبِضَ لِي إِشَارَةٌ رَقَائِقُهَا انْقِبَاضًا تَسْقُطُ بِهِ قُؤَاهَا حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا قَهَّارُ أَسْأَلُكَ بِمَا أُوَدِّعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعَلْتَ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ أَنْ تُودِعَنِي

هَذَا السِّرُّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ حَتَّى الْيَنِّ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ وَ أُذِلَّ بِهِ كُلَّ مَنِيْعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ».

هروقت مشکل شدید تر شد، بعد از دعای مذکور این عبارت را 30 مرتبه بخوان :

« يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ اللَّطْفَ بِمَا جَرَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ ».

برای طولانی شدن عمر

* در «بلد الامین» از حضرت امیرالمومنین (ع) روایت کرده است که حضرت رسول (ص) فرمود: هر که خواهد که خدا در اجل او تاخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگ های بد او را نگاه دارد، باید که هر بامداد و شامگاه بر این دعا مداومت نماید»

سه مرتبه بگوید:

« سُبْحَانَ اللَّهِ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْكُرْسِيِّ ».

و سه مرتبه بگوید:

« الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْكُرْسِيِّ ».

و سه مرتبه بگوید:

« لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْكُرْسِيِّ ».

و سه مرتبه بگوید:

« اللَّهُ أَكْبَرُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْكُرْسِيِّ ».

* جمیل بن درّاج می گوید:

مردی به خدمت امام صادق (ع) وارد شد و عرض کرد: ای آقای من، سنم زیاد شده و بستگانم مرده اند و می ترسم که مرگ مرا دریابد، و کسی ندارم که با او انس بگیرم و همنشین شوم. حضرت فرمود: از برادران مومنت کسانی هستند که از لحاظ نسبی و سببی به تو نزدیک ترند، و انس تو به آنان از انس تو به بستگانت بهتر است، با وجود این بر تو باد که این دعا را بخوانی، و در تعقیب هر نماز واجب بگو:

« اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اِنَّ الصّٰدِقَ (ع) (در جایی دیگر آمده است: اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُوْلَكَ الصّٰدِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَالَ: اِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتَ فِي شَيْءٍ اَنَا فاعَلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوْحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ (اَنَا) اُكْرَهُ مَسَائِنَتَهُ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ لِرُوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ، وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي اَحَدٍ مِّنْ اَحِبَّتِي.»

سپس اگر خواستی دوستان را یکایک نام می بری. (یا به صورت جداگانه، یا مجموعاً) آن مرد می گوید: به خدا سوگند، آن قدر زنده ماندم تا این که از زندگانی خسته و رنجور شدم. ابو محمد هارون بن موسی - رحمه الله - می گوید: محمد بن حسن بن شمون بصری پیوسته این دعا را می خواند، تا این که صد و بیست و هشت سال همراه با آسایش زندگانی کرد، تا این که از زندگانی خسته شد و این دعا را ترک کرد و از این دنیا رفت.

* مرحوم نائینی در کتاب گوهر شب چراغ آورده است که هر کس این دعا را بعد از نماز عشاء بخواند خداوند او را تا پانزده سال زنده بدارد قطعاً. و آن دعا این است:

يَا اَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيْمٍ وَ يَا اَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيْمٍ وَ يَا اَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيْزٍ اَغْنِنَا بِرَحْمَتِكَ وَ جُوْدِكَ وَ كَرَمِكَ وَ مَدَّةَ عُمْرِنَا مُدَّةً فِي عَافِيَةٍ.

(رهنمای گرفتاران، ص 264)

کلید فتوحات و گشایش ها

این دعا برای فتوحات و گشایش ها و خبرهای خوش موثر است و چنانچه این دعا در خانه یا محل کار نوشته شود و در آن جا بیاویزند منفعت های زیاد دارد و موجب برکت و نعمت است.

بسم الله الرحمن الرحيم. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ يَا قَرِيْبَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجِ يَا رَبَّ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجِ يَا اِلَهَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجِ عَجِّلِ الْفَتْحَ وَ الْفَرَجَ سَهْلَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا فَتَّاحَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا مِفْتَاحَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا فَارِجَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا غَافِرَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا رَازِقَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا خَالِقَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا صَابِرَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ يَا سَاتِرَ الْفَتْحِ وَ الْفَرَجَ وَاجِعِلْ لَنَا مِنْ اُمُوْرِنَا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

(مجمع الدعوات، ص 201 - 200)

هر کس بخواهد خداوند به او دولت و ثروت عنایت فرماید و گشایش های زیاد و فتوحات غیبی به او برسد، این دعا را ورد خود سازد.

دیدن عجائب

مرحوم سید اجل سید علی خان کبیر شیرازی در کتاب «کلم الطیب» می گوید: هر کس بخواهد عجائب بر او ظاهر شود و گردنکشان در مقابلش به خضوع افتند این دعا را بنویسد و بر خود بیاویزد:

اللَّهُمَّ أَنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ غَمَرَاتٌ وَلَا فِي الشَّجَرِ وَرَقَاتٌ وَلَا فِي
الْأَجْسَامِ حَرَكَاتٌ وَلَا فِي الْعُيُونِ لَحْظَاتٌ وَلَا فِي النُّفُوسِ خَطَرَاتٌ إِلَّا وَهِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَ لَكَ
شَاهِدَاتٌ وَ عَلَيْكَ دَالَاتٌ وَ فِي مُلْكِكَ مُتَحَيِّرَاتٌ فَبِالْقُدْرَةِ الَّتِي سَخَّرْتَ بِهَا أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ سَخَّرْ لِي قُلُوبَ الْمَخْلُوقَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ أَجْمَعِينَ

سپس فرموده است که لازم است بر قرائت آن پس از نماز نیز مداومت داشته باشید که مجرب است.
(رهنمای گرفتاران، ص 260)

نماز مضطر و کن فیکون

برای حاجات مهم و بزرگ، 4 رکعت نماز بخوانند. در رکعت اول بعد از حمد 25 بار بگویند:

أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

و در رکعت دوم پس از حمد 25 بار بگویند:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِنَاكَ لَهُ وَ نَجِّنَا مِنْ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

و در رکعت سوم پس از حمد 25 بار بگویند:

حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

و در رکعت چهارم، 25 بار بگویند:

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و پس از سلام 25 بار صلوات بفرستد و حاجت بطلبد، ان شاءالله برآورده شود.

(ختوم و اذکار، ج 1، ص 230)

باطل السحر قوی از شیخ بهائی

در کتاب سر المستتر آمده است که جهت دفع هر نوع سحر، آیه 33 سوره الرحمن (یا معشر الجن والانس) را بر ظرف آبی بخوانند و آن آب را در اطراف خانه و محل کسب و یا بر سر سحر شده بریزند (مگر در حمام و یا توالت) که به طور عجیبی سحر از بین می رود. (ان شالله)

نجات از درماندگی

اگر کسی در کاری درمانده باشد که هیچ کسی به فریاد او نرسد و یا در دست ظالمی گرفتار شده باشد، هر روز 99 مرتبه این کلمات را بخواند، خدای مهربان به فریاد او می رسد:

«یا غیاثی عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَ مُجِیبی عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ.»

(رهنمای گرفتاران، ص 259)

برآورده شدن حاجات مهم

هر کس در حال بیرون رفتن از خانه، این کلمات را بخواند، مهمات او میسر می شود. (حاجات مهم او برآورده شود):

بسم الله الرحمن الرحيم؛ حَسْبِيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ اُمُورٍ كُلِّهَا وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ

(کلیات ختم و اذکار، ص 52)

برآمدن حاجات و نیازها

گفته می شود برای برآمده شدن حاجات و نیازها دوازده هزار مرتبه در یک مجلس آیه زیر قرائت شود، ان شا الله در همان هفته به مراد می رسید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ

(مجمع الدعوات کبیر، ص 224)

دعای موم غسل

به جهت فتح مهمات و گشایش کارها در کتاب «روضه الاذکار» نقل نموده که این دعا را بنویسید و در موم غسل بگیرید و با خود داشته باشید (توجه داشته باشید که کلمات دعا وصل به موم باشد و کاغذ به سمت موم تا شود و سمت نوشته شده به موم غسل بچسبید)، آن شال الله 3 هفته نمی شود که خداوند متعال شما را توانگر می سازد و نخواهید فهمید این برکت از کجا آمده است و چندان برکت روی دهد که عدد آن را نخواهید دانست:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ يا الله الرقيب الرؤوف الرحمن الرحيم يا اله الحي القيوم يا مسبب
الاسباب يا مفتح الابواب افتح علي صاحب كتابي هذا العبد الضعيف ابواب فضلك و ابواب
رحمتك و ابواب رزقك و ابواب خيرك و ابواب كرامتك و ابواب نعمتك و ابواب سعادتك و
ابواب سلامتك و ابواب عظمتك و ابواب رفعتك و ابواب بركاتك و ابواب مننك و ابواب
احسانك و ابواب مرضاتك و ابواب عنايتك و ابواب الغنى و ابواب الجنة اللهم تكفلت برزقي و
رزقي كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط المستقيم و انت افضل من اعطى و احسن ما
ارعى اللهم اني اسألك بمحمد و اله تفضل بي و بجميع المؤمنين و المؤمنات و المسلمين
والمسلمات برحمتك يا ارحم الراحمين.

(مجمع الدعوات، ص 214-215)

ذکر عظیم الشان حل مشکلات

مرحوم سید علی خان مدنی (ره) می گوید: در اخبار آمده است که رسول اکرم (ص)
می فرمایند: «هر کس مشکلی داشته باشد صد مرتبه بگوید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهَا عَافِيَةً وَ عَافِيَةً فِيهَا خَيْرَ

اگر آسمان بر زمین ساقط شود، باز هم مشکل او را خداوند حل خواهد نمود.»

(کلم الطیب، ص 26)

ازعجائب سوره «جن»

در روایتی آمده: امام صادق (ع) فرمودند: هرکس سوره جن را بسیار قرائت کند در زندگی دنیایی از چشم زخم جن و انس و از شر تسخیر کنندگان و دمیدن سحر کردن و کید آنها آسیبی به او نمی رسد.

(مکارم الأخلاق، ص 365)

و در کتاب «المصباح ص 613» آمده که آن حضرت فرمودند هرکس سوره جن را بنویسد و آب آن را بیاشامد هرچیزی را که می شنود می فهمد و درک می کند و در مناظره پیروز می گردد و در جایی که خوانده شود بر جنیان غلبه گردد. (نقل از کلید های رستگاری، ص 468_469)

چند دعا و دستورالعمل برای ازدواج دختر

* قرائت سوره یس:

ابوالحسن مرتضوی اصفهانی نقل کرد که کسی که می خواهد ازدواج کند پنج مرتبه سوره یاسین را در یک مجلس با طهارت بخواند، به شرطی این که در بین قرائت سخن نگوید و این مجرب است. (تحفه الرضویه، ص 201)

* آیه «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»: را بر آن دختر به کرات بخوانند. گفته شد عده ای تجربه کرده اند.

(تحفه الرضویه، ص 201)

* سوره طه را بی آن که به هنگام قرائت سخن گوید، سه مرتبه بخواند. این عمل را هفت مرتبه پشت سرهم در یک زمان و درین مکان انجام دهد.

(تحفه الرضویه، ص 201)

* در «خواص الآیات» آمده است که هر که این آیه و دعای ذیل را بنویسد و از گردن دختران بی شوهر بیاویزد فوری ازدواج می کند

«وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» اللَّهُمَّ بِحَقِّ قَوْلِكَ هَذَا، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ أَنْ تَرْزُقَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ زَوْجًا مُوَافِقًا غَيْرَ مُخَالَفٍ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَجْمَعِينَ

(مجمع الدعوات، ص 164)

* شیخ کفعمی گفته هر که سوره احزاب را در پوست آهوپی بنویسد و در کیسه ای نهاده و در خانه اش قرار دهد دخترش سریع ازدواج کند.
(مصباح کفعمی، ص 609)

مزایای نگهداری کبوتر و مرغ در خانه

یکی از توصیه های مؤکد امیر مؤمنان علی (ع) برای دور کردن شیاطین واجنه از محیط سکونت نگه داشتن کبوتر و مرغ می باشد.

* شیخ صدوق (ره) می گوید: مردی از وحشت و تنهایی به پیامبر خدا (ص) شکوه کرد. حضرت دستور داد که یک جفت کبوتر در خانه اش نگه داری کند. وی می فرماید: امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: براستی که به هم خوردن بال های کبوتر شیطان را می راند.
(من لا یحضره الفقیه، ج 3 ص 350)

* رسول گرامی می فرماید: در خانه هایتان مرغان خانگی نگهداری کنید تا شیطان به آنها مشغول شود و به کودکان شما نپردازد.
(طب الأئمه، ص 112)

* امام رضا (ع) فرمودند: شایسته نیست که خانه های شما از چیزی که موجب آبادی خانه است خالی باشد. گربه، کبوتر، خروس، اگر با خروس مرغی (انیسی) باشد بهتر است اگر نه کسی نمی تواند، اشکالی ندارد.

(طب الأئمه).

* امام صادق (ع) هم فرمودند: کبوتر از پرندگان پیامبران است که آنها در خانه هایشان نگهداری می کردند و هر خانه ای که کبوتر نداشته باشد آفتی از جن به آنان می رسد، کم خردان جن در خانه سرگرم می شوند، آنان با کبوترها سرگرم می شوند و مردم را رها می سازند.
(وسائل الشیعه، ج 11)

* در حدیث است که محمد بن کرامه می گوید: در خانه امام کاظم (ع) یک جفت کبوتر دیدم که کبوتر نر، سبز و کبوتر ماده، سیاه بود، دیدم آن حضرت از کنار سفره برای آن دو نان خرد می کند و می فرماید: آن دو کبوتر از شب پرمی زنند و با

من مأنوسند، هر حرکتی که از شب انجام می دهند، خداوند به وسیله آن دو ارواحی را که وارد خانه می شوند برای آسیب زدن، دفع می کند.
(مستدرک الوسائل، ج 8 ص 283)

بیداری بین الطلوعین و تعقیبات نماز صبح، کلید رزق و روزی

شیخ حرعاملی در «وسائل الشیعه» ج 6 ص 458، روایاتی را در فضیلت نماز صبح نقل کرده که اینک، برخی از آنها را مورد اشاره قرار می دهیم.

* شیخ صدوق با سند خود از عمیر بن مأمون عطاری نقل می کند که گویند: امام حسن بن علی (ع) را دیدم که پس از ادای نماز صبح در مصلاهی خود می نشیند تا آفتاب بدمد، و از حضرتش شنیدم که می فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: هر کس نماز صبح را بخواند آنگاه در مصلاهی خود بنشیند تا طلوع آفتاب به ذکر خدا مشغول شود خداوند او را از آتش دوزخ باز می دارند، حضرتش سه بار این جمله را تکرار فرمود:

از مولای حضرت امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: نشستن بعد از نماز صبح برای تعقیب و دعا تا طلوع آفتاب در طلب رزق و روزی رساتر از سفر کردن در روی زمین (برای تجارت) است.

* عبدالله بن ابی یعفور گویند: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت گردم روایت شده: رزق و روزی به چیزی همانند تعقیب بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب نازل نشده (آیا چنین است) فرمود: آری (چنین است)...

حماد بن عثمان گویند: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: نشستن پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب (در جایگاه خود برای دعا) در طلب رزق و روزی نافذتر از سوار شدن بر کشتی و مسافرت دریایی (برای تجارت) است.
(وسائل الشیعه، ج 6، ص 459)

* در روایتی دیگری از پیشوای ششم امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: کسی که نماز صبح را بخواند آن گاه تا طلوع آفتاب (در مصلاهی خود) بنشیند موفق تر و پیروزمند تر از کسی است که در طلب رزق و روزی یک ماه روی زمین مسافرت کند.

* علی (ع) همواره می فرمود:

والله ان ذکر الله بعد صلاة الغداة الى طلوع الشمس أسرع في طلب الرزق من الضرب بالسيف في الارض.

به خدا سوگند! به راستی که مشغول شدن به ذکر خدا پس از نماز صبح تا طلوع، در طلب رزق و روزی سریع تر از شمشیر زدن در روی زمین است.

* حضرت امام صادق (ع) فرمود:

خواب بامدادان شوم است، رزق و روزی را برمی گرداند، رنگ چهره را زرد، زشت و دگرگون می سازد. و آن خواب هر فرد شومی است. به راستی که خداوند رزق و روزی فرزندان آدم را در ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند پس مبدا در آن ساعت بخوابید.

* در عیون اخبار الرضا (ع) آمده: رجاء بن ابی ضحاک گوید: امام رضا (ع) همواره بامدادان، نماز صبح را می خواند، پس از پایان نماز در مصلاهی خود می نشست و تا طلوع آفتاب خدا را تسبیح، تحمید، تکبیر و تهلیل می گفت. و بر پیامبر خدا درود می فرستاد.

(عیون اخبار الرضا، ج 1 ص 194)

برخی از تعقیبات نماز صبح

1. قرائت ده مرتبه سوره قدر

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس سوره قدر را هفت مرتبه بس از طلوع فجر بخواند هفتاد صف از فرشتگان به هفتاد گونه درود، به او درود می فرستند و با هفتاد نوع رحمت به او رحمت می فرستند.

(مستدرک الوسائل، ج 5 ص 92)

2. قرائت سوره توحید، 11 مرتبه

از امیر مؤمنان علی (ع) نقل است که فرمود: هر کس بعد از نماز صبح، 11 مرتبه سوره توحید را بخواند، در آن روز به گناهی آلوده نشود گرچه این برخلاف میل شیطان است.

(وسائل الشیعه، ج 6 ص 480)

3. استغفار، هفتاد مرتبه توبه

امام باقر (ع) فرمود: کسی که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار نماید خداوند او را می آمرزد، گرچه در آن روز بیش از هفتاد گناه مرتکب شود و همدکس بیش از هفتاد مرتبه گناه مرتکب شود خیری در او نیست. در روایت دیگری آمده است گرچه بیش از هفتاد گناه مرتکب شود.

(وسائل الشیعه، ج 6 ص 480)

معمر بن خلاد از امام رضا (ع) نقل کرد که فرمود: «شایسته است انسان پس از نماز صبح بعد از تعقیبات آن پنجاه آیه قرآن تلاوت کند.

(وسائل الشیعه، ج 4 ص 849)

5. خواندن برخی از دعا‌های وارده از جانب معصومین (ع)

* دعایی برای عافیت از کوری و دیوانگی که به توصیه پیامبر (ص) ده مرتبه خوانده شود:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(روضه الواعظین. ص 475)

* تسبیح و تهلیل و تکبیر خداوند مانند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(مستدرک الوسائل. ج 58 ص 88)

* و نیز پیامبر فرمود: هر کس نماز صبح را بخواند و بیش از آنکه از حال نماز خارج شود، ده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و همین سان پس از نماز مغرب بگوید: هیچ بنه ای خدا را با عملی برتر از عمل او ملاقات نمی کند مگر اینکه همانند عمل او را انجام دهد.

(وسائل الشیعه. ج 6 ص 477)

* دعایی برای آمرزش که از پیامبر (ص) نقل شده پس از نماز صبح قرائت شود:

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ

(فلاح السائل ص 409)

* دعای صباح منقول از حضرت علی (ع) در «جلد 84 بحار الأنوار ص 339»

* دعای منقول از امام علی (ع) که «در مسند زید بن علی ص 160» از آن حضرت نقل شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ اللَّهُمَّ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَعَلَى لِسَانِي نُورًا، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا، وَمِنْ خَلْفِي نُورًا، وَمِنْ فَوْقِي نُورًا، وَمِنْ تَحْتِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا، وَعَنْ شِمَالِي نُورًا، اللَّهُمَّ أَعْظِمْ لِي النُّورَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاجْعَلْ لِي نُورًا أَمْشَى بِهِ فِي النَّاسِ، وَلَا تَحْرِمْنِي نُورِي يَوْمَ أَلْقَاكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

* دعای حاجت نقل از امام باقر (ع) «درج 92 بحار الأنوار ص 293» که پس از هر نماز صبح پس از تشهد، سه مرتبه باید گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَعْطِنِي فِيمَا تَرِزُقُنِي الْعَافِيَةَ.

* دعای برای پرداخت بدهی:

عبدالله بن سنان گوید: به مولایم امام صادق (ع) شکوه کردم. امام صادق (ع) فرمود: آیا دوست داری دایمی برای تو یاد دهم که هرگاه بخوانی خداوند بدهی تو را ادا کند و حال تو را بهبود بخشد؟
عرض کردم چقدر به این دعا نیازمندم. حضرت این دعا را به او آموخت و فرمود پس از نماز صبح بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ، وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَالسَّقَمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ.

(مستدرک الوسائل ج 5 ص 87)

* دعا جهت دفع بلا و گرفتاری:

شیخ مفید از محمد بن مسلم نقل کرده که گوید: امام صادق (ع) فرمود هر کس از بعد نماز صبح پیش از آن که سخنی بگوید بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و این ذکر را هفت مرتبه تکرار کند خداوند هفتاد نوع از انواع بلاها را از وی دفع می کند که آسان ترین آنها بیماری جذام و پیری است.

* ابو بصیر گوید: امام صادق (ع) فرمود: هر که بعد از نماز صبح و نماز مغرب هفت مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

خداوند هفتاد نوع از انواع بلاها را از وی دفع می کند که آسان ترین آنها بیماری ریح، پیری و جنون است و اگر شقی و بدبخت باشد از دفتر شقاوت پاک و جزو سعادت‌مندان نوشته می شود.

(مستدرک الوسائل، ج 5 ص 90)

* دعا برای بهبودی از بیماری:

شیخ بزرگوار کفعمی در دو کتاب «الجنة الواقية» و «البلد الامين» می نویسد:

در برخی از کتاب های اصحابمان دیدم که نقل شده: امام صادق (ع) فرمود: هر که بیماری داشته باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

آنگاه دستش را بر محل درد بکشد إن شاء الله تعالی بهبود می یابد.

(مستدرک الوسائل، ج 5 ص 91)

* استعاذه و پناه بردن به اهل بیت (ع)

* دعا برای دفع مکروه در همان روز:

حماد بن عثمان گوید: از مولایم امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

در آن روز چیزی مکروه و ناپسندی نمی بیند.

(وسائل الشیعه، ج 6 ص 478)

* دعای عهد که در مفاتیح الجنان آمده است:

سید بن طاووس در «مصباح الزائر» (ص 235) می نویسد:

در دوران غیبت امام زمان (ع) به قرائت دعای عهد امر شده ایم. امام صادق (ع) می فرمایند: «هر که باین دعا، چهل صبح به درگاه خدا دعا کند، از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن بزرگوار بمیرد، خداوند (به هنگام ظهور) او را از قبرش بیرون خواهد کرد و در ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه از او محو می نماید...»

* دعایی جامع برای دنیا و آخرت و آسانی کارها:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

این دعا از امام کاظم (ع) در (اصول کافی ج 5 ص 315) نقل شده است.

برای گشایش کار

برای گشایش کار این دعا را نوشته و 99 بار بخواند:

مِنْ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الرَّبِّ الْجَلِيلِ رَبِّ اِنِّیْ مَسْتَنِیَ الضُّرِّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ

سپس نوشته را در آب جاری بیندازد.

در نسخه ای دیگر آمده است که هنگام انداختن کاغذ به آب بگوید:

اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ اِلِهِ الطَّاهِرِیْنَ اِفْتَحْ عَلَیْ اَبْوَابَ فَضْلِكَ وَ جُودِكَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِیْنَ

(مجمع الدعوات کبیر، ص 216)

ساعت «غفلت» و فضیلت نماز «غفیله»

* امام باقر (ع) فرمودند: ابلیس لشکریان شبانه خود را از هنگام غروب آفتاب تا هنگام شفق و لشکریان روزانه خود را از هنگام طلوع فجر تا هنگام طلوع آفتاب پخش می نماید.

آن گاه، یاد آور شدند که رسول اکرم (ص) می فرمود: «اکثر و اذکر الله فی هاتین السّاعتین، فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ» خداوند را در این دو هنگام بسیار یاد کنید چرا که آن دو هنگام، هنگام غفلت و بی خبری است.

(من لا یحضره الفقیه، ج 501)

* اسماعیل بن ابی زیاد می گوید: امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش نقل می کند که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: در ساعت غفلت_ گرچه دو رکعت_ نماز بخوانید چرا که همین دو رکعت، شمارا به خانه کرامت و بعثت وارد می نماید. گفته شد: ای رسول خدا! ساعت غفلت کدام ساعت است؟ فرمود: بین نماز مغرب و عشاء است.

(فلاح السائل، ص 430)

* نماز غفیله:

از حضرت امام صادق(ع) نقل شده وایشان فرمودند: هر که بین نماز مغرب وعشاء دو رکعت نماز بخواند... (نحوه خواندن نماز)...

و حاجت خود را از خدا بخواهد، خداوند آن چه را که خواسته عطا می فرماید. (نحوه خواندن نماز غفیله را در مفاتیح الجنان مطالعه فرمایید)
(فلاح السائل، ص 43)

دعا برای آمرزش گناهان

قطب راوندی در «دعوات» خود (ص 15) می نویسد: امیرمؤمنان علی(ع) به براء بن عازب فرمود: آیا تو راه عملی راهنمایی کنم که هرگاه انجام دهی ولیّ و دوست حقیقی خدا شوی؟ گفتم اری. حضرتش فرمود: بعد هر نماز ده مرتبه «سبحان الله» ده مرتبه «الحمد لله» و ده مرتبه «الله اکبر» می گویی، سپس ده مرتبه «لا إله إلا الله» می گویی. این عمل هزار بلای دنیایی را از تو باز می دارد که آسان ترین آن ها، بازگشت و خارج شدن از دین است و هزار منزلت را برای تودر جهان آخرت ذخیره می کند که کمترین آنها، همسایگی با پیامبرت حضرت محمد(ص) است.

دعا برای آمرزش گناهان

امام ابو جعفر(ع) فرمود: هر که بعد از نماز واجبش، پیش از آنکه از حال نماز خارج شود، سه مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

خداوند گناهان او را می آمرزد، گرچه همانند کف دریا باشد.

(کافی: ج 2 ص 521)

دعای شیعیان در حق اهل بیت(ع)

در کتاب «جمال الصالحین» از مولایمان امام صادق(ع) روایت شده که حضرتش فرمود: از جمله حقوق مانسبت به شیعیان ما این است که بعد از هر نمازی واجب، دست بر محاسن خود بگیرند و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ، عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ، احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، اَنْتَقِمْ لَابْنِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

(مکیال المکارم: ج 2 ص 9)

دعایی برای طلب رزق و روزی

در روایتی آمده: امام رضا(ع) فرمود: به جهت طلب رزق و روزی بعد هر نماز واجب بگوید:

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ، وَلِكُلِّ صَامِتٍ مِنْكَ عِلْمٌ بَاطِنٌ مُحِيطٌ، أَسْأَلُكَ بِمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةِ، وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةِ، وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَسُلْطَانِكَ الْقَاهِرِ، تَمْلِكُكَ الدَّائِمِ، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ، وَلَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي وَأَعْطِنِي فِيمَا تَرْزُقُنِي الْعَافِيَةَ مِنْ فَضْلِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(البلد الأمين: ص 30)

دعا برای طلب خیر و دفع شر

در روایتی آمده: امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: هر که به هنگام شب سه مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُنَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ.

هیچ خیری را در آن شب از دست نمی دهد و همه شرها از او دور می گردند. و هر که همانند این دعا را به هنگام صبح بخواند، هیچ خیری را در آن روز از دست نمی دهد و همه شرها از او دور می گردند.

(روضه الواعظین: ص 328)

تعویذ عافیت از سحر

در دعاهای رازگونه و سری که از مولایمان امام باقر (ع) از امیرمؤمنان (ع) از پیامبر خدا نقل شده، آمده: ای محمد! سحر، همواره از قدیم بوده و آن آسیبی نمی رساند، مگر به اجازه من. پس هر که دوست دارد از عافیت شدگان من از سحر باشد، بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ مُوسَى وَخَاصَّةً بِكَلَامِهِ، وَهَازِمَ مَنْ كَادَهُ بِسِحْرِهِ بِعَصَاهُ، وَمُعِيدَهَا بَعْدَ الْعُودِ نُعْبَانًا، وَمُلْقِفَهَا إِنَّكَ أَهْلُ الْأَفْكَ، وَمُفْسِدَ عَمَلِ السَّاحِرِينَ، وَمَبْطِلَ كَيْدِ أَهْلِ الْفَسَادِ، مَنْ كَادَنِي بِسِحْرِ أَوْ بَضَرٍ غَامِداً أَوْ غَيْرِ غَامِدٍ، أَعْلَمُهُ أَوْ لَا أَعْلَمُهُ وَأَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ عَمَلَهُ حَتَّى تُرْجِعَهُ عَنِّي غَيْرَ نَافِذٍ وَلَا ضَارٍّ لِي، وَلَا شَامِتٍ بِي، إِنِّي أَذْرَأُ بِعَظَمَتِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَاءِ، فَكُنْ لِي مِنْهُمْ مُدَافِعاً أَحْسَنَ مُدَافِعَةً وَأَتَمِّمَهَا يَا كَرِيمُ.

چراکه هرگاه این دعا را بخواند، هرگز سحر جانی و انسی به او آسیب نمی رساند.

(بحار الانوار: ج 92 ص 319)

دعایلیله المبیت (برای امان از ترس و وحشت)

در کتاب «فلاح السائل» آمده:

از جمله دعاهای مهم به هنگام صبح وشام، دعایی است که مولایمان امیرمؤمنان علی(ع) به هنگام خوابیدن در بستر پیامبر خدا(ص) خواند، آن بزرگوار در بستر حضرتش خوابید تا با خون دل و تمام وجودش از او محافظت کند. در روایتی آمده است: هنگامی که مولایمان امام صادق(ع) طبق خواسته منصور-وارد عراق شد، مردم گرد حضرتش جمع شدند و گفتند: مولای ما تربت قبر حسین (ص) شفا بخش هر دردی است، آیا موجب امان از هر ترس و بیم و وحشت نیز هست؟

فرمود: آری، یکی از شما خواست از هر ترسی ایمن باشد، بایستی تسبیحی از تربت آن حضرت را گرفته و سه بار دعای «لیله المبیت» علی(ع) در بستر پیامبر خدا را بخواند. و آن دعا به این صورت است:

« اَمْسَيْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَ جَوَارِكَ الْمُنِيِّعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ، مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أَوَّالِي مَنْ وَالُوا وَأَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا وَأَعَالِي مَنْ عَادَوْا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْزِزْنِي اللّٰهُمَّ بِهِمْ مَنْ شَرٌّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَزَنْتُ الْأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ. »

سپس تسبیح را بوسیده و بر دیدگانش بگذارد و بگوید:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَوَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

آنگاه آن را در دو طرف پیشانی خود بگذارد. اگر این دستور را صبح انجام دهد، پیوسته تا شب در امان خدا خواهد بود و اگر شبانگاه انجام دهد، پیوسته تا صبح در امان خواهد بود.

(فلاح السائل: ص 392)

برخی از ادعیه رزق و روزی

* اسماعیل بن عبدالخالق گوید: یکی از اصحاب پیامبر (ص) چند روزی از دیدار حضرتش بازماند، سپس خدمتش شرفیاب شد و پیامبر خدا (ص) فرمود: چه چیزی تورا از دیدار مابادداشت؟
عرض کرد: بیماری و فقر.

فرمود: آیا دعایی به تو بیاموزم که خداوند به وسیله آن بیماری و فقر را از تو دور کند؟

گفت: آری، ای رسول خدا!

فرمود: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

راوی گوید: دیری نپایید که آن مرد خدمت پیامبر خدا (ص) شرفیاب شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! به راستی که خداوند بیماری و ناداری را از من زدود.

(کافی: ج 2 ص 550)

* احمد بن عامر گوید: امام رضا (ع)، از پدران گرامش (ع) نقل می کند که پیامبر خدا (ص) فرمود:

هر که هر روز صد مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ ثروت به او روی آورد و فقر و ناداری از او دور گردد و دروازه دوزخ بر او بسته و دروازه بهشت بر او گشوده شود.

(امالی شیخ طوسی: ص 279)

* زید شحام گوید: امام باقر (ع) فرمود: برای طلب روزی در سجده نماز واجب دعا کن و بگو:

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ أَرْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

(کافی: ج 2 ص 551)

* معاویه بن عمار گوید: از امام صادق (ع) درخواست نمودم که دعای رزق و روزی برای من بیاموزد. حضرتش دعایی آموخت که جالب تر از آن دعا برای روزی نیافتم. فرمود: بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا بَلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبًّا صَبًّا هَنِيئًا مَرِيئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ: (وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ)، فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ يَدِكَ الْمَلَأِي أَسْأَلُ.

راوی می گوید: ما این دعا را در موارد بسیاری تجربه کردیم و آن گونه بود که این عمار گفته است.
(عده الداعی، ص 53)

* ابوبصیر گوید: به امام صادق (ع) در مورد حاجت و نیازی شکوه کردم و از حضرتش درخواست کردم که دعایی در طلب رزق و روزی برای من بیاموزد. حضرتش دعایی برای من آموخت که از هنگامی که آن را خواندم دیگر محتاج کسی نشدم. فرمود: بعد از نماز شب در حال سجده بگو:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ، وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ مُرْتَجَى ارْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، وَسَبِّ لِي رِزْقًا مِنْ قَبْلِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
(کافی، ج 2، ص 5519)

* سید بن طاووس در کتاب «المجتبی» در فصل «دعای مجرب در وسعت رزق» می نویسد: در تاریخ علی بن رنجب، معروف به ابن ساعی، که دانشمندی یگانه در علوم خود بود دیدم که در خصوص سال 621 هجری نوشته بود: نقل شده که احمد بن محمد قادسی، فقیرانه در حالی که هیچ سرمایه ای دنیوی نداشت، وارد بغداد شد. زمانی بدین منوال زندگی کرد، ولی عرصه بر او تنگ گشت، دعایی به او ملهم شد. او همواره آن دعا را می خواند. به آن مواظبت می نمود. در نتیجه خداوند روزی را بر او میسر و اسباب آن را آسان کرد. به گونه ای که او به مال و دارایی دست یافت و ثروتمند شد و صاحب ملک و املاک گشت.

علی بن انجب گوید: من در مورد آن دعا از او پرسیدم. گفت: این دعا بود:

اللَّهُمَّ يَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ، يَا سَبَبَ كُلِّ ذِي سَبَبٍ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، وَاعْفِرْ لِي يَا حَلِيمُ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَاسْمَعْ دُعَائِي، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، فَقِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَائِلُكَ بِبَابِكَ، وَاقِفٌ بِفِنَائِكَ، أَرْجُو مِنْكَ وَأَطْلُبُ

مَا عِنْدَكَ، وَأَسْتَفْتِحُ مِنْ خَزَائِنِكَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، جُدْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ تَكْرَّمْ (عَلَيَّ) مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتُبْ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي تَوْبَةً نَصُوحاً، فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، (وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ كَثِيراً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(المجتبی من دعاء المجتبی، ص 110-111)

* ابراهیم بن صالح از مردی از جعفریان نقل می کند و می گوید: در مدینه فردی به نام قمقام در کنار ما زندگی می کرد، او برای خود شغلی داشت، روزی نزد ابا الحسن (ع) آمد و از شغل و حرفه خود شکوه کرد و گفت: به هر کاری دست می زنم نتیجه نمی دهد. ابوالحسن (ع) فرمود: در آخرین دعای خود در نماز صبح ده مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

ابا قمقام گوید: من به این دعا ملازمت نمودم، به خدا سوگند! اندکی نگذشت که گروهی از بادیه نشینان نزد من آمدند و گفتند: مردی از خویشان تو فوت کرده که جز تو وارثی برای شناسایی نشده است. من به بادیه رفتم و میراث او را دریافت نمودم اینک بی نیازم.

(کافی، ج 5 ص 316)

* عالم جلیل القدر، سید علی طاووس در «مهج الدعوات» می نویسد: امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: هر که رزقش اندک و به دست آوردن آن دشوار است و راه های درآمد زندگیش بسته شود، این دعا در پوست آهو، یا تکه ای پوست برای او نوشته شود و بر او آویخته گردد، یا لباسی که همواره می پوشد و از تنش در نمی آورد، قرار دهد، خداوند روزی او را گسترش می دهد و درهای درآمدها را از جایی که گمان نمی کند، بر او می گشاید.

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِفُلَانٍ ابْنِ فُلَانٍ بِالْجُهْدِ، وَلَا صَبْرَ لَهُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لَهُ عَلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَحْظُرْ عَلَى فُلَانٍ بَنِ فُلَانٍ، وَلَا تُقْتَرْ عَلَيْهِ سِعَةٌ مَا عِنْدَكَ، وَلَا تَحْرِمْهُ فَضْلَكَ وَلَا تَحْرِمْهُ مِنْ جَزِيلٍ قَسَمِكَ، وَلَا تَكِلْهُ إِلَى خَلْقِكَ، وَلَا إِلَى نَفْسِهِ فَيَعْجَزَ عَنْهَا، وَيَضْعَفَ عَنِ الْقِيَامِ فِيمَا يُصْلِحُهُ وَ يُصْلِحَ مَا قَبْلَهُ، بَلْ تَفَرِّدْ بِلَمِّ شَعْنِهِ وَ تَوَلَّ كِفَايَتَهُ، وَانْظُرْ إِلَيْهِ فِي جَمِيعِ أَمُورِهِ، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ لَمْ يَنْفَعُوهُ، وَإِنْ أَلْجَأْتَهُ إِلَى أَقْرَبَائِهِ حَرَمُوهُ، وَإِنْ أَعْطُوهُ أَعْطَوْا قَلِيلاً نَكِداً، وَإِنْ مَنَعُوهُ مَنَعُوا كَثِيراً، وَإِنْ بَخِلُوا فَهُمْ لِلْبُخْلِ أَهْلٌ، اللَّهُمَّ أَغْنِ فُلَانَ بَنَ فُلَانٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تُخْلِهِ مِنْهُ، فَإِنَّهُ مُضْطَرٌّ إِلَيْكَ، فَقِيرٌ إِلَى مَا فِي يَدَيْكَ، وَأَنْتَ بِهِ خَيْرٌ عَلَيَّ (وَمَنْ

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ).

(مهج الدعوات، ص 126)

نماز برای جلب رزق و روزی

سید بزرگوار سیدعلی بن طاووس در «فلاح السائل» می نویسد: احمد بن محمد بن سعید گوید: قاسم بن حاتم و جعفر بن عبدالله محمدی به من گفتند: محمد بن ابی عمیر به ما گفت: هر چه پیش از دفن کتاب هایم و پس از آن، روایت کرده ام، به شما اجازه می دهم که از آنها نفل نمایید. ابن عمیر افزود: هشام بن سالم گفت: امام صادق (ع) فرمود: دو رکعت نماز مرا بعد از نماز عشاء رها نکنید چرا که آن دو رکعت جلب کننده روزی است، در رکعت اول، سوره حمد، آیه الكرسی و «قل یا أيها الکافرون» و در رکعت دوم، سوره حمد و سیزده مرتبه «قل هو الله أحد» را می خوانی، وقتی سلام دادی، دست هایت را بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ، وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، وَلَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الدُّهُورُ، وَلَا تُبْلِيهِ الْأَزْمِنَةُ، وَلَا تُحِيلُهُ الْأُمُورُ، يَا مَنْ لَا يَذُوقُ الْمَوْتَ، وَلَا يَخَافُ الْفُوتَ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ، وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَافْعَلْ

بی کذا و کذا

و حاجت خود را می خواهی.

حضرتش فرمود: هر که این نماز را بخواند، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا می کند.

(مستدرک الوسائل، ج 6 ص 305)

نیز محدث عالی مقام میرزای نوری می نویسد: نماز رزق و روزی در دو رکعت است: در هر رکعت بعد از سوره حمد، 15 مرتبه سوره قریش را می خواند و پس از سلام، ده مرتبه بر پیامبر خدا (ص) صلوات می فرستد و سجده می کند و ده مرتبه می گوید:

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ خَلْقِكَ.

(مستدرک الوسائل، ج 6 ص 306)

برخی از دعا های قرض و بدهکاری

* دعای سر:

این دعا، از دعا های سرّاست که خدای تبارک و تعالی در شب معراج به پیامبرش (ص) تعلیم فرمود. محدث عالی مقام میرزای نوری (ره) گوید: از جمله دعا ها، دعای سرّ است که به سند معروفش از پیامبر خدا (ص) نقل شده که حضرتش فرمود: شب معراج خداوند متعال فرمود:

یا محمد! و من ملأه همّ دین من أمتک، فلینزل بی، ولیقل:

ای محمد! هر که راز امت تو اندوه بدهکاری فرا گرفت و به او چیره شد، به سوی من فرود آید و بگوید:

يَا مُبْتَلَى الْفَرِيقَيْنِ أَهْلَ الْفَقْرِ وَأَهْلَ الْغِنَى، وَجَازِيَهُمْ بِالصَّبْرِ فِي الَّذِي ابْتَلَاهُمْ بِهِ، وَيَا مُزَيْنَ حُبِّ الْمَالِ عِنْدَ عِبَادِهِ، وَمُلْهِمَ الْأَنْفُسِ الشَّحَّ وَالسَّخَاءَ، وَفَاطِرَ الْخَلْقِ عَلَى الْفَظَاطَةِ وَاللَّيْنِ، غَمَمَنِي دَيْنُ قُلَانِ بْنِ قُلَانٍ (نام طلبکار را بگو) وَفَضَحَنِي بِمَنِّهِ عَلَيَّ بِهِ، وَأَعْيَانِي بَابُ طَلْبَتِهِ إِلَّا مِنْكَ، يَا خَيْرَ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ، يَا مَفْرَجَ الْإِهَاقِ، فَرِّجْ هَمِّي وَأَهَاقِي فِي الَّذِي لَزَمَنِي مِنْ دَيْنِ قُلَانٍ، (بِتَيْسِيرِكَ لِي) مِنْ رِزْقِكَ، فَاقْضِهِ يَا قَدِيرٌ، وَلَا تُهَمِّنِي بِتَأْخِيرِ أَدَائِهِ، وَلَا بِتَضْيِيقِهِ عَلَيَّ، وَيَسِّرْ لِي أَدَاءَهُ، فَإِنِّي بِهِ مُسْتَرْقٍ فَافْكُكْ رِقِّي، مِنْ سَعَتِكَ الَّتِي لَا تَبِيدُ وَلَا تَغِيضُ أَبَدًا.

هرگاه چنین گوید، صاحب قرض را از او بر می گردانم و از عوض او، بدهکاریش را ادا می کنم.

(مستدرک الوسائل: ج 13 ص 289)

* دعایی که پیامبر خدا (ص) به امیرمؤمنان علی (ع) تعلیم فرمود:

شیخ صدوق (ره) در «امالی» می نویسد: جابر گوید: امام باقر، از پدرش، او از جدش از علی (ع) نقل می کند که حضرتش فرمود: از بدهکاری که داشتم به رسول خدا (ص) شکوه کردم. فرمود: ای علی! بگو:

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ.

اگر بدهکاری تو همانند کوه صبیر_ که بزرگترین کوه یمن است_ باشد، خداوند بدهکاری تو را ادا می کند.

(مستدرک الوسائل: ج 13 ص 287)

* دعای مستجاب پیامبر (ص):

دو دعای مستجابی است که پیامبر خدا (ص) به اهل بیت (ع) یادگار گذاشته است. یکی به هنگام مشکلات و سختی ها، دیگری برای حوائج و پرداخت بدهی ها

شیخ ابراهیم کفعمی در «جَنَّةُ الْوَاقِیَةِ» می نویسد: امام صادق (ع) فرمود: هر پیامبری در خاندانش دعای مستجابی به یادگار گذاشته، پیامبر ما نیز برای ما دو دعای مستجاب به یادگار گذاشته است: یکی که در مشکلات و سختی هاست، که این دعاست:

يَا دَائِمًا لَمْ يَزَلْ، إِلَهِي إِلَهَ آبَائِي، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

دومی برای حوایج و پرداخت بدهی های ماست، این دعاست:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. (به جای کذا و کذا حاجت خود را بگویید).

(مستدرک الوسائل: ج 13 ص 289)

* دعای که پیامبر به معاذ بن جبل آموخت:

قطب راوندی (ره) در «لب اللباب» می نویسد: معاذ بن جبل گوید: پیامبر خدا (ص) این آیه _ یعنی آیه الملك _ را به من آموخت که:

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

و فرمود: هر مسلمانی که در روی زمین زندگی می کند، این دعا را بخواند، در حالی که اندوهگین و گرفتار باشد، یا بدهی داشته باشد، خداوند اندوه او را می گشاید، و غم و غصه اش را می زداید و بدهکاری او را می پردازد. آنگاه بعد از این آیه بگوید:

يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، تُعْطِي مِنْهُمَا مَا تَشَاءُ، وَتَمْنَعُ مِنْهُمَا مَا تَشَاءُ، اقْضِ عَنِّي دَيْنِي، وَفَرِّجْ هَمِّي.

اگر بدهی تو به اندازه کره ی زمین طلا باشد، خداوند از جانب تو می پردازد.

(مستدرک الوسائل: ج 13 ص 289)

* دعای که عیسی پیامبر (ع) به مردی آموخت:

در کتاب «نثر الالکی» آمده: مردی از بدهی خود به عیسی (ع) شکوه کرد. حضرت به او فرمود: بگو:

اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَمُنْفِسَ الْغَمِّ، وَمُذْهِبَ الْأَحْزَانِ، وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَرَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، أَنْتَ رَحْمَانِي وَرَحْمَانُ كُلِّ شَيْءٍ، فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَتَقْضِي بِهَا عَنِّي الدَّيْنَ.

اگر بدهی تو به اندازه کره ی زمین طلا باشد، خداوند به احسانش از جانب تو می پردازد.
(مستدرک الوسائل: ج 13 ص 289)

* دعایی که امام صادق (ع) به عبدالله بن سنان آموخت:

عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق (ع) (از بدهی هایی داشتم) شکایت کردم.
فرمود: آیا دعایی را برای تو بیاموزم که هرگاه بخوانی خداوند بدهی تو را ادا نماید و حالت را خوش و زندگیت را رونق دهد؟
عرض کردم: چقدر به این دعا نیازمندم. حضرتش این دعا را آموخت که بعد از نماز صبح بگو:
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ، وَمِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ
وَالسَّقَمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ.

(تفسیر عیاشی: ج 2 ص 320)

* دعایی برای دریافت طلب:

در روایتی آمده مردی به امام کاظم (ع) از بدهیش شکایت کرد. حضرت فرمود: نماز زیاد بخوان، و هرگاه از گروهی طلب داشتی که گرفتنش برای تو سخت و مشکل باشد، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ لِحَظَّتِكَ تُيسِّرُ عَلَى غُرَمَائِي بِهَا الْقَضَاءَ، وَتُيسِّرُ لِي بِهَا مِنْهُمْ الْإِقْتِضَاءَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

هرگاه بدهی داشتی بگو:

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ فَضْلِ مَنْ سِوَاكَ.

چراکه ما از پیامبر خدا (ص) روایت می کنیم که حضرتش در روایتی فرمود: اگر بدهی توهمانند کوه صبیر - کوهی بزرگی در یمن - باشد، ادا می گردد.

(کافی: ج 2 ص 554)

* دعایی از امام کاظم (ع):

حسن بن فضل طبرسی در «مکارم الأخلاق» می نویسد: حسن بن خالد سیصد هزار درهم بدهکار شدم، در حالی که چهارصد هزار درهم، طلبکار بودم، ولی طلبکارانم فرصت نمی دادند تا طلبم را بستانم و بدهی خود را بپردازم. از این رو، هنگام مراسم حج فرارسید، من پنهانی از بغداد خارج شدم می خواستم خدمت امام کاظم (ع) برسم، ولی نتوانستم، تا این که طی نامه ای شرح حال خود را به حضرتش بیان کردم. حضرتش در حاشیه نامه ام مرقوم فرموده بود: بعد هر نماز بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِي بَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَرْضَى عَنِّي بَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي بَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

این دعا را بعد از هر نماز واجب، سه مرتبه تکرار کن، چرا که حاجت تو برآورده می شود.

حسن بن خالد گوید: من بر این دعا مداومت نمودم و آن را ادامه دادم، هنوز چهار ماه نگذشته بود که بدهی ام را پرداخت کردم و طلبم وصول شد و یکصد هزار درهم نیز برای من اضافه ماند.

(مستدرک الوسائل، ج 13 ص 287)

* قرائت سوره ی طلاق و عادیات:

سید هبت الله راوندی در «مجموع الرائق» در خواص آیات قرآن می نویسد:

هر که سوره طلاق را بر بیمار بخواند، دردش تسکین می یابد، و اگر به بدهکار بخواند، از بدهی رهایی می یابد و خواندن سوره عادیات به کسی که می ترسد، موجب ایمنی او می گردد... و اگر برای بدهکار خوانده شود، موجب ادای بدهی اوست. شهید

در مجموع خود می نویسد: امام صادق (ع) فرمود: من آدمی قراءتها، قضی دینه من حیث لا یحتسب

هر که به خواندن سوره عادیات مداومت کند، بدهی او از جایی که گمان نمی کرد، پرداخت می شود.

(مستدرک الوسائل، ج 13 ص 289)

برخی از دعا های عافیت و تندرستی

* عالم جلیل القدر شیخ کفعمی در «بلد الامین» می نویسد: در کتاب های اصحابمان دیدم که از امام صادق (ع) نقل شده

که حضرتش فرمود: هر که دردی داشته باشد، بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

آنگاه دستش را به جایی که درد می کند، بکشد، إن شاء الله تعالی بهبود می یابد.

* مسعده بن صدقه گوید: امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) باین دعا افسون می کرد که دست خود را بر جای درد می گذاری و می گویی:

أَيُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ، وَقُرْ بِوَقَارِ اللَّهِ، وَأَنْحِزْ بِحَاجِزِ اللَّهِ، وَاهْدَأْ بِهَدَاءِ اللَّهِ، أَعِذْكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَاذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلَائِكَتَهُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلَازِلِ.

این دعا را هفت مرتبه _دسته کم سه مرتبه_ تکرار می کنی.

(کافی، ج 2 ص 567)

* ابراهیم بن عبدالحمید گوید: مردی نقل می کند و می گوید: خدمت امام صادق (ع) شرفیاب شدم و از دردی که داشتم به حضرتش شکوه کردم. امام صادق (ع) فرمود: بگو:

بِسْمِ اللَّهِ، اِنْكَاهُ دَسْتِ بَرَجَائِ دَرْدِ بَكْشِ وَ هَفْتِ مَرْتَبَةِ بَكُو:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَإِعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي.

راوی گوید: من این کار را انجام دادم، خداوند متعال آن درد را از من زدود.

(کافی: ج 2 ص 566)

دعای مادر در حق فرزند بیمار

* در روایتی آمده: اسماعیل بن الأرقط _که مادرش اُم سلمه، دختر امام صادق (ع) است_ می گوید: در ماه مبارک رمضان به بیماری سختی مبتلا شدم، به گونه ای که بنی هاشم شبانه دور جنازه من اجتماع کردند و می دیدند که من مرده ام، مادرم بی تاب می کرد. دائی امام صادق (ع) به او فرمود: بالای پشت بام برو وزیر آسمان قرار گیر و دو رکعت نماز بخوان و هرگاه سلام نماز را دادی بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً، اللَّهُمَّ وَإِنِّي إِسْتَوْهَبُكَ مُبْتَدِئاً فَأَعْرِئِيهِ.

مادرم دستور آن حضرت را انجام داد و دعا کرد. من خوب شدم و نشستم. خانواده ام برای سحری حلیم خوردند، من هم با آنها سحری خوردم.

(کافی، ج 3 ص 487)

* در روایت ابن سبور از الأرقط _که فرزند خواهر امام صادق (ع) بود_ آمده است: ارقط گوید: به بیماری سختی مبتلا شدم، مادرم را به حضور دائی فرستادم. حضرتش آمد درحالی که مادرم _که همان اُم سلمه، دختر محمد بن علی (ع) است_ بیرون خانه بودی می گفت: وای جوانم!

دائی این صحنه را دید، به او فرمود: چادرت را سر کن، هنگام پشت بام برو، سپس مقنعه از سر بردار و موهایت را به طرف آسمان آشکار کن، انگاه بگو:

أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً أَنْتَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ.

آنگاه سربه سجده بگذار که هنوز سراز سجده برنداشتی، فرزندت بهبود می یابد. اواز فرمایش امام صادق (ع) اطاعت کرد و آن را بکار بر بست. من همان ساعت از بستر بیماری برخاستم و به همراه دائمی به مسجد رفتم.

(طب الأئمه، ص 122)

دعایی برای شفای بیمار

عالم بزرگوار شیخ طبرسی در «مکارم الأخلاق» می نویسد: امام صادق (ع) می فرماید: دست خود را به سر بیمار بگذار، آنگاه بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَالِي اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ، مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ، نُوحٌ نَجِيُّ اللَّهِ، عِيسَى رُوحُ اللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرِّيحِ وَالْأَرْوَاحِ وَالْأَوْجَاعِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَزَائِمُ مِنَ اللَّهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ لَا يَقْرَبُهُ إِلَّا كُلُّ مُسْلِمٍ، وَأَعِينْهُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا الَّتِي سَأَلَ بِهَا آدَمُ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، إِلَّا أَنْزَجَرْتَ أَيْتَهَا الْأَرْوَاحُ وَالْأَوْجَاعُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

آنگاه آیه الکرسی، سوره حمد، معوذتین، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و ده آیه از آغاز سوره یس را بخوان، سپس بگو: اللَّهُمَّ اشْفِهِ

بِشِفَائِكَ، وَدَاوِهِ بِدَوَائِكَ، وَعَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ.

و خدا را به حق محمد و خاندان او (ص) فرا می خوانی.

(مکارم الأخلاق، ص 390-391)

دعای بیمار برای خود

عالم بزرگوار شیخ طبرسی در «مکارم الأخلاق» می نویسد: مستحب است بیمار این دعا را (جهت بهبودی خودش) تکرار کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مَبَارَكًا فِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، كَبِيرَاءُ رَبَّنَا وَجَلَّالُهُ وَ قُدْرَتُهُ بِكُلِّ مَكَانٍ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ أَمْرَضْتَنِي لِقَبْضِ رُوحِي فِي مَرْضِي هَذَا فَاجْعَلْ

رُوحِي فِي أَرْوَاحٍ مَنْ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْكَ الْحُسْنَى، وَبَاعِدْنِي مِنَ النَّارِ كَمَا بَاعَدْتَ أَوْلِيَائَكَ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْكَ الْحُسْنَى.

(مكارم الاخلاق، ص 387)

دعای مکروب و دردمند

محمّد بن مسلم گوید: یکی از فرزندان امام باقر (ع) بیمار بود، حضرت به بالین او آمد اورا بوسید، آنگاه فرمود: فرزندم! حالت چطور است؟ گفت: درد دارم، فرمود: وقتی نماز ظهر را خواندی ده مرتبه بگو: **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ**. چراکه هر مکروب و دردمندی چنین گوید، خداوند می فرماید: **بلی بنده ام! حاجت تو چیست؟** در روایتی دیگر امام صادق (ع) می فرماید: دعای مکروب و دردمند به هنگامه شب این گونه است:

يَأْمُرُ الشِّفَاءَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمَذْهَبَ الدَّاءِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَنْزَلَ عَلَى شِفَاءٍ لِكُلِّ مَا بِي مِنَ الدَّاءِ
(طب الأئمة: ص 121)

استشفای با قرآن

* قرائت صد آیه از قرآن:

در روایتی آمده: ابی الحسن (ع) فرمود:

إذا خفت أمراً فاقراء آية من القرآن من حيث شئت، ثم قل: «اللهم ادفع عني البلاء» ثلاث مرات.

هرگاه از چیزی بیم داشتی، صد آیه از قرآن از هر جا که خواستی بخوان، آنگاه سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي الْبَلَاءَ.

* در روایتی دیگری آمده: امام صادق (ع) فرمود: « هر که صدآیه از قرآن_هرآیه ای که بخواند_بخواند، آنگاه هفت مرتبه بگوید: **يَا الله**، اگر بر سنگ های سفت و سخت بخواند، می شکافد.

دعای مادر در حق فرزند بیمارش

علامه مجلس در «بحار الأنوار» از سید بن طاووس در کتاب «الأمان من أخطار الأسفار» نقل می کند که فصل سوم آن، در مورد درمان بیماری ها است. وی می نویسد: ما این دعا را تجربه کرده و به نهایت آرمان ها و آرزوها رسیده ایم که برای درمان بیماری ها در کاغذی این گونه بنویسد:

[illegible]

الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(بحار الأنوار، ج 92 ص 67)

توصیه به قرائت آیه «سُخْره»

در کتاب «غنیة الداعی» نوشته علی ابن محمد بن عبدالصمد، آمده: پیامبر خدا (ص) فرمود: ای علی! هر که از شیطان یا ساحری بترسد، بایستی بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف، آیه 54)

(بحار الانوار، ج 92، ص 132)

داروی چشم زخم

* در «جامع الأخبار» آمده: در روایتی نقل شده: اسماء بنت عمیس به پیامبر خدا (ص) عرض کرد: ای پیامبر خدا! فرزندان جعفر را چشم زخم می زنند، آیا آنها را با دعا و تعویذی افسون کنم؟ فرمود: آری، اگر چیزی از قدر الهی پیشی گیرد، همان چشم زخم است. حسن گوید: داروی چشم زخم این است که انسان این آیه را بخواند:

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»

(جامع الأخبار، ص 183)

* عالم بزرگوار کفعمی در «جنّة الأمان» می نویسد: عبدالکریم بن محمد بن مظفر سمعانی در کتابش

می نویسد: جبرئیل بر پیامبر خدا (ص) فرود آمد، دید حضرتش غمگین است، از غم و اندوهش پرسید.

پاسخ داد: حسن و حسین (ع) را چشم زده اند.

عرض کرد: ای محمد! چشم زخم حق است و حقیقت دارد. باین تعویذ آن را تعویذ کن:

اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، وَالْوَجْهَ الْكَرِيمِ، يَا ذَا الْكَلِمَاتِ النَّامَاتِ، وَالِدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ أَنْفُسِ الْجِنَّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ. (به جای حسن (ع) و حسین (ع) نام فرد را بنویس)

باز در آن کتاب می نویسد: در دست نوشت مؤیدالدین ابن علقمی برای کسی که چشم زخم خورده، این گونه آمده:

بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الشَّانِ الْقَوِيِّ السُّلْطَانِ الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ حَبَسُ حَابِسٌ، وَحَجَرُ يَابِسٌ، وَشِهَابٌ قَابِسٌ، وَلَيْلٌ دَامِسٌ، وَمَاءٌ قَارِسٌ فِي عَيْنِ الْعَائِنِ، وَفِي أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيْهِ، وَفِي كَبِدِهِ وَكُلِّيَّتَيْهِ، «فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ».

(بحار الانوار: ج 92 ص 132_133)

* در روایتی دیگری امام صادق (ع) فرمود: هر که در مورد چیزی از برادر مؤمنش در شگفت شد، بر او تکبیر گوید، چرا که چشم زخم، حق است و حقیقت دارد. در عبارت دیگر حضرتش فرمود:

من أعجبه من أخيه شيء فليبارك عليه فإن العين حق. هر که در مورد چیزی از برادرش در شگفت باشد، بر او بارک الله گوید، چرا که چشم زخم واقعیت دارد.

در روایتی آمده: پیامبر خدا (ص) فرمود:

أن العين ليدخل الرجل القبر، والجمل القدر. به راستی که چشم زخم، مرد را به گور و شتر رابه دیگ می فرستد.

در روایتی دیگری می خوانیم: صفوان جمال گوید: امام صادق (ع) فرمود: اگر قبرها نبش گردد، می بیند که بیشتر مردگانتان به وسیله چشم زخم مرده اند، چشم زخم، واقعیت دارد.

هان که پیامبر خدا (ص) فرمود: چشم زخم واقعیت دارد، پس هر که در مورد چیزی از برادرش در شگفت شد، خدا را در این مورد یاد آورد، چرا که اگر خدا را یاد آورد، آسیبی به او نمی رسد.

(طب الاثمه: ص 121)

* شیخ بزرگوار حسن بن فضل طبرسی گوید: برای کسی که چشم زخم خورده، سوره حمد را بخواند و بنویسد:

بِسْمِ اللَّهِ أَعِذْ فَلَانِ بْنِ فَلَانَةَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذُرْ أَوْبَرًا، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ نَازِرَةٍ، وَأَذْنِ سَامِعَةٍ، وَلِسَانِ نَاطِقٍ، إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ، وَخِيَلِهِ وَرَجَلِهِ، (وَقَالَ: يَا بَنِي لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ)

* در کتاب «طب الاثمه» در مورد چشم زخم آمده:

سوره حمد و معوذتین، «قل هو الله أحد»، آیه الكرسي و دعای ذیل را خوانده یا نوشته شود و از گردن شخص آویزان گردد:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ

أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ عِيسَى، عَبَسَ عَابَسٌ، وَحَجَرَ يَابَسٌ، وَمَاءَ فَارِسٍ، وَشِهَابٌ قَابَسٌ مِنْ نَفْسِ نَافِسٍ، وَعَيْنِ الْعَايِنِ رَدَدْتُ عَيْنَ الْعَايِنِ عَلَيْهِ، وَعَلَى أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيْهِ فِي كِبَدِهِ وَكُلِّيَّتِهِ دَمٌ رَقِيقٌ، وَشَحْمٌ وَسِيقٌ، وَعَظْمٌ ذَقِيقٌ، فِي مَالِهِ يَلِيقٌ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ، وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ، وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ، وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ، وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ، وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

(طب الأئمة: ص 140)

* در روایتی آمده: معمر بن خلاد گوید: در خراسان متصدی کارهای امام رضا (ع) بودم، حضرتش دستور داد که برایش عطر تهیه کنم، وقتی تهیه کردم باشگفتگی به من نگریست و فرمود: ای معمر! چشم زخم واقعیت دارد، بر کاغذی الحمد لله، و «قل هو الله أحد» و معوذتین و آیه الكرسي را بنویس آن را جلد قاروره و شیشه قرار ده.
(مکارم الأخلاق: ص 443)

حرز «شب کلاه» برای سردرد

* در کتاب «مکارم الأخلاق» آمده: نجاشی، پادشاه حبشه سردردی داشت، او طی نامه ای بیماری خود را به پیامبر خدا (ص) نوشت. پیامبر خدا (ص) این حرز را برای او نوشت. نجاشی این حرز را در شب کلاه خود دوخت و به سرش گذاشت و سردردش آرام گرفت. آن حرز این بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، (شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة وأولو العلم قائماً بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم) الله نور و حكمه، وعزّه وقوه، وبرهان وقدره، وسلطان ورحمه، يامن لا ينالم، لا إله إلا الله ابراهيم خليل الله، لا إله إلا موسى كليم الله، لا إله إلا الله عيسى روح الله و كلمته، لا إله إلا الله محمد رسول الله وصفيه وصفوته، صلى الله عليه وآله و عليهم أجمعين، اسكن سكنتك بما سكن له ما في السماوات والأرض، وبمن يسكن له في الليل والنهار، وهو السميع العليم (فسخرنا له الريح تجري بأمره رخاء حيث أصاب والشياطين كل بناء وغواص) (ألا ألي الله تصير الأمور).

* در «بحار الأنور» آمده: برای بهبودی سردرد دعای ذیل در پوست نازکی نوشته شود و با نخ به سر بسته شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «الم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * نَزَلَ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ مَوْعِدًا لَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ * إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ»، وَاخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا.

(بحار الأنوار: ج 92 ص 49)

کلمات فرج برای هر گرفتاری وسختی

* عبد الله بن جعفر گوید: علی بی ابی طالب (ع)، کلمات فرج را برای من تلقین کرد و به من خبر داد که پیامبر خدا (ص) آنها را به حضرتش تلقین کرده و دستور داده که هرگاه گرفتار شود، یا سختی پیش آید بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَبَارَكَ اللَّهُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

(مکارم الاخلاق: ص 351)

* از جمله دعاهاى فرج این دعاست:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي.

(مهج الدعوات: ص 51)

دعایی برای ایمنی از سوء قصد

در روایتی آمده: شعیری گوید: امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود: هر که از سوء قصد فردی بهراسد و بخواهد خدا بین او مانع گردد، باید هنگامی که او را دید بگوید:

أَعُوذُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَقُوَّتِهِمْ وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.

آنگاه بخواند آنچه را که خدا به پیامبر (ص) فرمود:

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»

خداوند کید هر کید کننده، مکر هر مکر کننده و حسادت هر حسد ورزنده را از او دور گرداند. این گفتار حتماً باید به صورت آن فرد خوانده شود، چرا که خداوند به حول خودش، از شر او کفایت می کند.

(طب الاثمه: ص 122_123)

دعایی برای رفع ترس و وحشت

* این منذر گویند در حضور امام صادق (ع) سخن از وحشت به میان آورم، حضرتش فرمود: آیا چیزی به شما بگویم که هرگاه آن را بخوانید شب و روز، ترس و وحشت نداشته باشید (این دعا را بخوانید):

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَإِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَفِي جِوَارِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي أَمَانِكَ وَفِي مَنْعِكَ.

راوی گویند: به ما گفته شد که مردی سی سال این دعا را می خواند، شبی آن ترک کرد، هممان شب عقرب او را گزید.

(کافی: ج 2 ص 568)

* در روایت دیگری حلبی گویند به امام صادق (ع) عرض کردم: هرگاه تنها هستم، ترس و وحشتی مرا فرا می گیرد، وقتی با مردم هستم، چیزی احساس نمی کنم. امام صادق (ع) فرمود: دست بر دلت بگذار و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ.

آن گاه دست خود را به دلت بکش و هفت مرتبه بگو:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي.

حلبی گویند: این عمل را انجام دادم و خداوند وحشت را از من زدود و تبدیل به انس و ایمنی کرد.

(طب الاثمه: ص 117)

* در روایتی دیگر آمده که آن حضرت فرمود: هر که به تنهایی در خانه و اتاقی بخوابد، آیه الکرسی را بخواند و بگوید:

اللَّهُمَّ اِنْسُ وَخَشْتِي، وَ اَمِنْ رَوْعَتِي، وَ اَعِزِّي عَلَى وَحْدَتِي.

(کافی: ج 2 ص 573)

آیاتی برای دفع شر و محفوظ ماندن

در «مصابح» کفعمی و غیر آن آمده: آیات مبارکه ای از قرآن کریم است که برای دفع شر خوانده می شود. کفعمی گویند: هر که این آیات را بخواند، یا همراه خود داشته باشد همواره در حفظ و پناه خدا خواهد بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» «إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ» «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» «وَحَفَظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ» «وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ» «إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» «إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَ يُعِيدُ، وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ، فَعَالٌ لَّمَّا يُرِيدُ، هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ، فِرْعَوْنُ وَثَمُودُ، بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ، وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ، بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ، فِي لَوْحٍ مَّحٍ»

فضیلت سجده شکر

* آیت الله سید کاظم یزدی در «عروة الوثقی» می نویسد: بعد از هر نماز -چه واجب چه مستحب- مستحب است انسان سجده شکر به جا آورد.

علامه حلی در «تذکره» می نویسد: سجده شکر طبق مذهب علما و دانشمندان ما -برخلاف اهل سنت- بعد از هر نماز، انجام می شود.

روایات بسیاری بیانگر انجام سجده شکر هستند. در روایت صحیح مرازم می خوانیم: امام صادق (ع) می فرماید: سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است، چرا که به آن نماز خود را به پایان می رسانی و خشنودی پرورگارت را فراهم می نمایی و فرشتگان از تو خوششان می آید. برآستی هرگاه بنده ای نماز بگذارد، آنگاه سجده شکر را به جای آورد، پروردگار متعال پرده میان بنده و فرشتگان را برمی دارد و به فرشتگان می فرماید: ای فرشتگان من! به بنده ام بنگرید که نماز واجب خود را انجام داد و عهد مرا به پایان رساند. آنگاه به جهت سپاسگزاری از نعمتی که به او ارزانی داشته ام، در برابر من سربه سجده گذاشت. فرشتگان! چه چیزی برای او در درگاه من است؟

فرشتگان گویند: ای پروردگار ما! رحمت و مهرورزی تو.

پروردگار متعال می فرماید: دیگر چه؟

می گویند: ای پروردگار ما! بهشت تو.

می فرماید: دیگر چه؟

می گویند: ای پروردگار ما! کفایت امور مهم او.

مفرماید: دیگر چه؟

امام صادق (ع) فرمود: چیزی از خیر و نیکی نمی ماند، مگر آنکه فرشتگان بازگو می کنند.

خدای مهربان می فرماید: فرشتگانم! دیگر چه؟

می گویند: پروردگار! ما دیگر نمی دانیم.

خدای مهربان می فرماید: از او سپاسگزاری می کنم، آن سان که اواز من سپاسگزاری کرد و از فضل خود به او روی می آورم و چه خود را به او نشان می دهم.

در «تهذیب الاحکام» آمده: و رحمتی را به او نشان می دهم.

در روایتی: ابوبصیر گوید: امام صادق (ع) فرمود: اقرب ما یكون العبد إلی الله وهو ساجد، فادع الله و اسأله الرزق.

«نزدیکترین موقع بنده به سوی خدا، در حال سجده است. پس خدا را (در آن حال) بخوان و از او رزق و روزی بخواه.»

(کهنی: ج 3 ص 324)

* ساییدن گونه ها بر خاک در سجده شکر:

علامه حلی در «منتهی المطلب» می نویسد:

مستحب است انسان در سجده شکر گونه های خود را بر خاک بساید، یعنی بعد از سجده، گونه راست و چپ خود را بر خاک بساید. همه دانشمندان ما بر این امر نظر داده اند، ولی علمای اهل سنت این موضوع را معتبر ندانسته اند.

دلیل ما این است که چنین موقعیتی جای فروتنی و تذلل است و آنچه گفتیم بیانگر این مطلب است. پس چنین عملی مطلوب است.

مؤید ما، روایت مؤثقی است که اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

كان موسى بن عمران (ع) إذا صلى لم ينفثل حتى يلمص خده الأيمن بالأرض، وخده الأيسر بالأرض.

موسی بن عمران همواره و هرگاه نماز می خواند، از حال نماز خارج نمی شد مگر این گونه راست و چپ خود را بر زمین می چسباند.

اسحاق - که همان ابن عمار بن موسی سابطی است - گوید: پدرانم را دیدم که این گونه عمل می کردند

در روایتی آمده: امام محمد باقر (ع) فرمود:

خداوند به موسی (ع) وحی فرمود: آیا می دانی چرا تو را به عنوان کلیم خود از میان مردم برگزیدم؟ موسی (ع) عرض کرد: نه، پروردگارم!

فرمود: ای موسی! من درون و برون بندگانم را بررسی کردم، بین آنان کسی را نسبت به خودم از تو ذلیل تر و با فروتنی تر نیافتم، ای موسی! تو هر گاه نماز می خوانی گونه های خود را بر خاک می گذاری.

(مکارم الاخلاق: ص 286)

دعای ایمنی (دعای یام تَحَلُّ)

در «صحیفه سجادیّه» امام زین العابدین آمده: از جمله دعاهاى آن حضرت این بود که هرگاه برای حضرتش کار دشوار یا سختی پیش می آمد، به هنگام گرفتاری این دعا را می خواند:

يَا مَنْ تَحَلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَأْمَنُ يُفْتَأُ بِهِ الشَّدَائِدُ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ
ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْإِسْبَابُ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ
الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ، وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ
لِلْمُهِّمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَ قَدْ
نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ وَ أَلَمَ بِي مَا قَدْ بَهْظَنِي حَمْلُهُ، وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ
وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا
مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَلِمَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ
بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيَمَا شَكَوْتُ، وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ
فِيَمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِئًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا، وَلَا
تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ
دُرْعًا، وَامْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ
فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَأَنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

يَا مَنْ تَحَلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَأْمَنُ يُفْتَأُ بِهِ الشَّدَائِدُ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ
ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْإِسْبَابُ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ
الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ، وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ
لِلْمُهِّمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَ قَدْ
نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ وَ أَلَمَ بِي مَا قَدْ بَهْظَنِي حَمْلُهُ، وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ
وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا

مُيسِّرَ لِمَا عَسَرْتُ، وَلِمَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِئِئاً، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحَيّاً، وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَفَدِّ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعاً، وَامْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمّاً، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَأَنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (صحیفه سجادیه: ص 54)

دعای سریع الاجابه

معاویه بن عمار گوید: امام صادق (ع) پیش از این که من سخنی بگویم فرمود: ای معاویه! یا نمی دانی که مردی خدمت امیرمؤمنان علی (ع) آمد و از تأخیر استجابت دعايش به آن حضرت شکوه کرد؟
فرمود: چرا دعای سریع الاجابه را خواندی؟
آن مرد گفت: کدام دعا است؟ فرمود بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ، النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ، الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ، وَنُورٌ فِي نُورٍ، وَنُورٌ عَلَى نُورٍ، وَنُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ يُضِيئُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ، وَيُكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ، وَكُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَكُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، لَا تَقَرُّ بِهِ أَرْضٌ، وَلَا تَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ، وَيَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ، وَيَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ وَبَغْيُ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ وَيَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ، وَيَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلِكُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ، وَهُوَ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُّ الْأَجَلُّ النُّورُ الْأَكْبَرُ، الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. (به جای کذا و کذا حاجت بخواید.)

(کافی: ج 2 ص 582)

دعای هر دلسوخته و گرفتار

ابن عباس گوید: علی بن ابی طالب (ع) به پیامبر خدا (ص) رو آورد و از حضرتش چیزی پرسید.
پیامبر خدا فرمود:

ای علی! سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت: نزد من چیز اندک و زیادی نیست، ولی چیزی را به تو می آموزم که دوستم جبرئیل برای من آورد و گفت: ای محمد! این هدیه ای از جانب خداوند متعال است، خدا به وسیله آن تو را گرمی داشته، پیش از تو به هیچ پیامبری نداده و آن نوزده حرف است، هر دل سوخته، گرفتار، افسرده و غمگین آن را بخواند، و به هنگام سرقت و آتش سوزی خوانده می شود، هر بنده ای که از سلطان بترسد این را بخواند، خداوند گشایش برای آنها قرار می دهد، و آن نوزده حرف است، چهار حرف از آن بر پیشانی اسرافیل، چهار حرف بر پیشانی میکائیل، چهار حرف بر پیرامون عرش الهی، چهار حرف بر پیشانی جبرئیل و سه حرف بر هر جاکه خدا خواسته، نوشته شده است.
علی بن ابی طالب (ع) عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه بخوانیم. فرمود: بگو:

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَيَا سِنْدَ مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ، وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَيَا
غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، وَيَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، وَيَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، وَيَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، وَيَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ، وَيَا مَنْقِذَ
الْعَرَقَى، وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ
اللَّيْلِ، وَنُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ، وَشُعَاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِيُّ الْمَاءِ، وَخَفِيفُ الشَّجَرِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ - آنگاه می گوئی: اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي - کذا و کذا.

تو از جایگاهت بر نمی خیزی، تا این که دعایت مستجاب گردد.

احمد بن عبد الله گوید: ابو صالح گفت: این دعا را به کم خردان تعلیم ندهید.

(خصال: ص 510)

دعایی برای دفع غم و اندوه

* در روایتی آمده: پیامبر خدا (ص) فرمود: هر که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ
قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

إِوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَتُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي.

خداوند غم و اندوه او را می برد و به شادی تبدیل می کند.

(بحار الانوار: ج 92 ص 193)

* در «دعوات» راوندی آمده:

رسول خدا (ص) فرمود:

هر که اندوهگین شود، یا گرفتار گردد، یا بلا و غمی به او برسد، بگوید:

اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ.

(دعوات راوندی: ص 50_51)

دعای پیامبر در جنگ احزاب (آسان شدن کارها)

در روایتی آمده: این دعا را امام صادق (ع) پیش از آنکه نزد منصور دوانیقی برود، خواند، منصور تصمیم به قتل حضرتش گرفته بود تا جایی که یک وجب از شمشیرش را از غلاف بیرون آورده بود، آنگاه پس از لحظاتی جوشش منصور آرامش پیدا کرد و آن حضرت را آزاد کرد و اختیار داد که نزد او بماند، یا به مدینه جدش باز گردد.

هنگامی که حضرتش از نزد منصور بیرون آمد، ربیع پرسید: در صحن قصر با حرکت لبانت چه خواندی؟

امام فرمود: آنچه می خواندم دعای رسول خدا (ص) در جنگ احزاب بود، پدرم از جدش از امیر مؤمنان علی (ع) برای من نقل کرد که حضرت فرمود: به هنگام جنگ احزاب مدینه همانند گیاه اکلیل از لشکریان مشرک پر بود.

پیامبر خدا (ص) این دعا را خواند و امیر مؤمنان علی (ع) همواره هنگامی که کار سخت حضرتش را غمگین می ساخت می خواند:

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَاعْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى رَبِّ لَا أَهْلِكُ وَأَنْتَ الرَّجَاءُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعَزُّ وَأَكْبَرُ، مِمَّا أَخَافُ وَأُحْذَرُ، بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَتَوَجَّهُ، يَا كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَمُوسَى فِرْعَوْنَ، اكْفِنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ.

اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الْمَانِعُ مِنَ الْمَمْنُوعِينَ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي مُدْقَطً، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

(بحار الانوار: ج 91 ص 291_292)

دعای حضرت زهرا برای پیشامدهای بزرگ

* در روایتی آمده: امام زین العابدین (ع) فرمود:

روزی که پدرم کشته شد، در حالی که خون از زخم هایش می جوشید مرا به سینه خود چسبانید و گفت: دعایی از من حفظ کن که فاطمه (س) به من آموخت این دعا را از پیامبر خدا (ص) تعلیم داده بود که برای حاجت و کارهای مهم و به هنگام غم و اندوه، یا پیشامد بزرگ و ناگوار خوانده شد.

فرمود بخوان:

بِحَقِّ يَاسِينَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِحَقِّ طَهٍ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنْفَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

حضرت فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود: جبرئیل به من گفت: آیا به تو کلماتی را که موسی (ع) به هنگام شکافتن دریا خواند را بیاموزم؟

عرض کردم: آری.

فرمود بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَبِكَ الْمُسْتَعَاثُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(مهج الدعوات: ص 54)

* در روایت آمده: پیامبر خدا (ص) به علی مرتضی (ع) فرمود:

هرگاه در گرفتاری و وضع ناگواری قرار گرفتی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.

براستی که خدای سبحان بلا را از تو دور می کند.

(بحار الانوار: ج 92 ص 194)

* بُکیر در روایت دیگری می گوید: از امیرمؤمنان علی (ع) شنیدم که می فرمود:

پیامبر خدا(ص) به من فرمودنای علی! آیا کلماتی به تو بیاموزم؟ هرگاه در وضع ناگوار، یا بلایی قرار گرفتی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

براستی که خدای متعال به وسیله این دعا انواع بلاهایی را که بخواهد، از تو دور می کند.

(کافی: ج 2 ص 573)

دعای برای ایمنی از بلا و شکست دادن دشمنان و مخالفان

این دعای امیر مؤمنان علی(ع) است که هرگاه این دعا را می خواند، بالشکری روبه رو می شد آن را شکست می داد و با هر جنگجویی رزم می کرد براو پیروز می شد، و این دعا ایمنی از بلاست که چنین است:

(اللَّهُمَّ) بِكَ أَسَاوِرُ، وَ بِكَ أَحَاوِلُ، وَ بِكَ أَجَاوِرُ، وَ بِكَ أَصُولُ، وَ بِكَ أَتَنْصِرُ، وَ بِكَ أَمُوتُ، وَ بِكَ أَحْيَا، أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَ سَتَرْتَنِي عَنِ الْعِبَادِ بِلُطْفٍ مَا خَوَّلْتَنِي وَأَغْنَيْتَنِي، أَذَا هَوَيْتُ رَدَدْتَنِي، وَ أَذَا عَثَرْتُ قَوْمَتَنِي، وَإِذَا مَرَضْتُ شَفَيْتَنِي، وَإِذَا دَعَوْتُ أَجَبْتَنِي، يَا سَيِّدِي ارْضَ عَنِّي فَقَدْ أَرْضَيْتَنِي.

این دعای شریف از باب الحوائج امام موسی بن جعفر(ع) از جدّ بزرگوارش امیرمؤمنان علی(ع) نقل شده که به برکت این دعا خداوند متعال او را از شرّ هارون الرشید، آنگاه که بر قتل و آسیب او تصمیم گرفت، نجات پیدا کرد.

(عیون أخبار الرضا ج 2 ص 75)

دعای برای رهایی از زندان و تنگنا

سیدبن طاووس در کتاب «مهیج الدعوات» دعای ارزشمندی از سرورمان فاطمه زهرا(س) در آزادی از زندان و تنگنا نقل کرده، می گویند: در روایتی آمده:

مردی به مدت طولانی در شام زندان بود، در زندان براوسخت می گرفتند، در عالم خواب دیدگویی حضرت زهرا(س) نزد او آمد و به او فرمود: این دعا را بخوان!

آنگاه دعایی به آموخت. او آن دعا را خواند و از زندان آزاد شد و به خانه اش بازگشت. دعا بدین قرار است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلَاهُ، وَ بِحَقِّ الْوَحْيِ وَ مَنْ أَوْحَاهُ، وَ بِحَقِّ النَّبِيِّ وَ مَنْ نَبَّاهُ، وَ بِحَقِّ الْبَيْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَمُوتِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ آتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا

بَشَاهَدَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

(مهج الدعوات: ص 142)

آیات شش گانه برای غم واندوه و بدهی و زندان

کفعمی در کتاب «الجنة الواقية» می نویسد:

صاحب کتاب «الدلائل» می نویسد: محمد بن علی شریف علوی گرفتار غم اندوه شد، دارایی و آبرویش رفت و بیم و هراس از پادشاه در دلش جای گرفت، شبی پیامبر خدا (ص) را در خواب دید و از حالش شکوه کرد.

پیامبر خدا (ص) فرمود: این آیات شش گانه را با پاسخ هایشان در هر سختی بخوان، چرا که خداوند متعال برای تو جای خروجی قرار می دهد، و دارایی و آبرویت را بر می گرداند، از پادشاه ایمنی می بخشد و کارهای دو جهان تورا کفایت می کن، هیچ غمگینی آنها را نمی خواند مگر این که خداوند بدهی او را می پردازد و هیچ زندانی آنها را نمی خواند، مگر این که خداوند وسیله آزادی او فراهم می سازد.

علوی می گوید: از خواب بیدار شدم، بعد نماز آن دعا را خواندم، ناگاه فرستاده پادشاه مرا خواست و پیغام او را گفت (که پادشاه می گوید: تو) مراد از خواب ترسندی و گمان میکنم بر من دعا کرده ای. به خدا سوگند! از من بیم و هراس به تو نخواه رسی. آنگاه آنچه از من گرفته بودند، برگرداند و از مال خود نیز بر آنها بیفزود. آیه ها از این قرار است:

آیه یکم: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

پاسخ آن: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخِرُونَ»

آیه دوم: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»

پاسخ آن: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلِ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»

آیه سوم: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

پاسخ آن: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»

آیه چهارم: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

پاسخ آن: «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ»

آیه پنجم: «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»
پاسخ آن: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَ حَاقَ بِالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ»

آیه ششم: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»
پاسخ آن: «أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»

روش نوشتن نامه برای حاجت مهم و کمی رزق و روزی
علامه مجلسی از کتاب «بلد الامین» این گونه نقل می کند: امام صادق (ع) فرمود:
إذا كان لك حاجة إلى الله تعالى أو خفت شيئا فاكذب في بياض بعد البسمة.
هرگاه حاجتی به سوی خدای متعال داشتی، یا از چیزی ترسیدی در کاغذ سفیدی پس از «بسم الله الرحمن الرحيم» بنویس:

اللهم انی أتوجه إلیک بأحبّ الأسماء إلیک، وأعظمها لیدیک، وأتقرب وأتوسّل إلیک، بمن أوجبّت حقّه علیک، بمحمّد وعلی وفاطمه والحسن والحسین والأئمة - حاجت خود را نام ببر - اکفنی کذا وکذا.

آنگاه کاغذ را می پیچی و در درون گل قرار می دهی و در آب روان، یا چاه می اندازی که خداوند متعال در کار تو گشایش قرار خواهد داد.

آنگاه ادامه می دهد: در روایتی آمده: امام صادق (ع) فرمود:

هر که رزق و روزی اش اندک گردد، یا در زندگی او در تنگنا قرار گیرد، یا حاجت مهم دنیایی یا آخرتی داشته باشد، بایستی در کاغذ سفید بنویسد و آن را به هنگام طلوع آفتاب در آب روان بیندازد. اسامی بایستی در یک سطر باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم، الملك الحق المبين، من العبد الذليل، إلى المولى الجليل، سلام علی محمد وعلی فاطمه والحسن والحسين وعلی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد وعلی والحسن

والقائم سیّدنا ومولانا صلوات الله علیهم أجمعین، رب مسنی الضرو والخوف، فاکشف ضری، وآمن خوفي، بحق محمد وآل محمد، وأسألك بكل نبی ووصی وصديق وشهید، أن تصلى علی محمد و آل محمد، یا أرحم الراحمین، اشفعوا لی ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله، فإن لکم عند الله لشأناً من الشأن، فقد مسنی الضر یا ساداتی والله أرحم الراحمین، فافعل بی یا رب کذا وکذا.

آنگاه می افزاید: از جمله رقعہ ها، این است که متن ذیل بر کاغذ نوشته شود و به آب انداخته شود:

بسم الله الرحمن الرحيم، من العبد الذلیل إلى المولی الجلیل، رب إنی مسنی الضرو أنت أرحم الراحمین، بحق محمد وآله، صلی علی محمد وآله و اکشف همی وفرج عنی غمی، برحمتک یا أرحم الراحمین.

(بحار الانوار: ج 99 ص 235)

نماز و دعا برای برطرف شدن گرفتاری

محدث ارجمند، شیخ کلینی در کتاب «کافی» می نویسد:

ابوحمره گوید: از علی بن الحسین (ع) شنیدم که به فرزندش می فرمود: ای پسر! اگر برای هر کدام از شما مصیبتی رسید، یا امر ناگواری رخ داد، باید وضوی کاملی بسازد، و آنگاه دو یا چهار رکعت نماز بخواند و در آخرش (در سجده یا بعد از نماز) بگوید:

یا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، و یا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى، و شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ، و عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، و یا دَافِعَ ما يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، و یا خَلِيلَ إِبْرَاهِيمَ، و یا نَجِيَّ مُوسَى، و یا مُصْطَفِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَذْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ، وَضَعَفَتْ قُوَّتُهُ، دُعَاءَ الْغَرِيقِ الْغَرِيبِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِهِ ما هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

زیرا هر که این دعا را بخواند، خداوند گرفتاریش را بر طرف می سازد.

(اصول کافی: ج 2 ص 560)

نماز حاجت در مسجد کوفه

در روایتی آمده: علی بن حسن بن علی بن فضال گوید: اصحاب ما به نام عبدالرحمان بن ابراهیم گویند: صباح حذاء به من گفت: امام صادق (ع) فرمود:

هر که حاجتی داشته باشد به مسجد کوفه برود، وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، یک مرتبه سوره حمد و هفت سوره با معوذتین بخواند که عبارت اند از: سوره های ناس، فلق، توحید، کافرون، نصر، اعلی و قدر. وقتی نماز به پایان رسید و تشهد و سلام داد، از خدا حاجت خود را بخواند که ان شاء الله به یاری خدا، بر آورده خواهد شد. علی بن حسن فضال گویند: این شیخ به من گفت: من این دستور را انجام دادم از خدا خواستم که روزی مرا توسعه دهد، اکنون از جانب خدا همه نعمت ها را دارم، سپس بار دیگر انجام دادم، تا خداوند به من حج روزی کند، روزی کرد. من این عمل را به یکی از اصحابمان که تنگدست و روزیش اندک بود یاد دادم و خداوند در روزی او وسعت داد. (وسائل الشیعه: ج 8 ص 134)

تعویض برای کسی که در خواب بترسد

در کتاب «مکارم الأخلاق» آمده:

هر که در خواب بترسد و وحشت نماید، بایستی هنگام خوابیدن سوره های معوذتین (فلق و ناس) و آیه الكرسي را بخواند. وی می گویند: و هرگاه در شب بترسی، ده مرتبه بگو:

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ عِقَابِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضَرُنِي.
چرا که پیامبر خدا (ص) به این عمل دستور می داد و سوره های معوذتین و آیه الكرسي، آیه «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّاسَ أَمْنَهُ مِنْهُ» و آیه «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا» را بخوان.

(مکارم الأخلاق: ص 289)

دعایی برای بیدار شدن در ساعتی خاص

در روایتی آمده: امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود: هر که می خواهد در ساعتی از شب بیدار گردد، به هنگام خواب بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكًا، وَلَا تَنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، أَقُومُ سَاعَهُ كَذَا وَكَذَا.

چرا که خداوند فرشته ای به او می گمارد، تا در آن ساعت او را بیدار کند.

* در روایتی دیگری آمده: امام صادق (ع) فرمود: هر بنده ای که به هنگام خواب آخرین آیه از سوره کهف را بخواند، در آن ساعتی که می خواهد، بیدار می شود. آیه شریفه چنین است:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

(مکارم الأخلاق: ص 291)

دعایی ارزشمند برای سفر

عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی در «جنّة الواقیه» بعد از بیان دعایی که در «کافی» و «محاسن» از امام باقر نقل شده می نویسد: آنگاه بگو:

مَوْلَايَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ الْأَمَالُ إِلَّا فِيكَ، أَسْأَلُكَ إِلَهِي بِحَقِّ وَاجِبٍ عَلَيْكَ، مَمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي.

سپس دعای سفر را بخوان و سه مرتبه بگو:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أُمَامِي، وَعَلِيٌّ وَرَائِي، وَفَاطِمَةُ فَوْقَ رَأْسِي، وَالْحَسَنُ عَنْ يَمِينِي، وَالْحُسَيْنُ عَنْ يَسَارِي، وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ، حَوْلِي.

إِلَهِي مَا خَلَقْتَ خَلْقًا خَيْرًا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَدَعَوَاتِي بِهِمْ مُسْتَجَابَةً، وَخَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً، وَذُنُوبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَأَفَاتِي بِهِمْ مَدْفُوعَةً، وَأَعْدَائِي بِهِمْ مَقْهُورَةً، وَأَرْزَاقِي بِهِمْ مَبْسُوطَةً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

آنگاه کلمات فرج را می خوانی.

و در حاشیه این کتاب می نویسد: این دعای سفر ارزشمند و عظیم الشأن است که مسافربه وسیله آن ایمن می گردد. (مستدرک الوسائل: ج 8 ص 128)

دعای معروف "اهل بیت معمور"

عالم بزرگوار شیخ صدوق در کتاب «توحید» خود می نویسد: عمر بن شعیب، از پدرش از جدش نقل می کند که می گوید: پیامبر خدا فرمود: روزی جبرئیل باین دعا از آسمان فرود آمد و در حالی که می خندید و مژده می داد، گفت: سلام بر ای تو محمد!

حضرتش پاسخ داد: سلام بر تو ای جبرئیل!

جبرئیل عرض کرد: خدای متعال هدیه ای به تو فرستاد است.

حضرت فرمود: ای جبرئیل! آن هدیه چیست؟

جبرئیل عرض کرد: سخنانی از گنج های عرش است که خداوند تو را به وسیله آن گرمی داشته است.

حضرت فرمود: ای جبرئیل! آن سخنان کدامند؟

جبرئیل گفت: بگو:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّنَا وَيَا سَيِّدَنَا وَيَا مُوَلَّانَا وَيَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِنِي بِالنَّارِ.

رسول خدا فرمود: ای جبرئیل! پاداش این سخنان چیست؟

عرض کرد: هیاهات، هیاهات؛ علم و دانش (هیچ فردی) به آن نرسد. اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین تا روز رستاخیز

گردد هم آیند نمی توانند پاداش یک جز آن را توصیف کنند. هنگامی که بنده ای بگوید:

(يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ)

خداوند او را در دنیا به مهر و رحمت خود بیوشاند و حال او را در جهان آخرت نیکو گرداند و در دنیا و آخرت هزار پرده از

گناهان او بپوشاند.

و هنگامی بگوید:

(يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ)

خداوند در روز رستاخیز از او حساب رسی ننماید و پرده (آبروی) او را در روزی که پرده ها دریده شود، ندرد.

و چون بگوید (يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ) خداوند گناهان او را بیامرزد، گرچه گناهای هم چون کف دریا باشد.

و چون بگوید: (يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ) خداوند از او در گذرد، حتی اگر گناه دزدی، می خواری، و خودبینی های دنیایی و گناهان

کبیره باشد.

و چون بگوید: «يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ» خداوند برای او هفتاد در از مهر و رحمت بگشاید. پس اودر رحمت خدای عزوجل فرو رود

تا از دنیا برود.

و هر گاه بگوید: «يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ» خداوند دست رحمت خود را بر او بگشاید.

و آنگاه بگوید: «يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى» خداوند پاداش هر مصیبت زده، تندرست، بیمار و هر گزند

رسیده و بیچاره و فقیر و ناداری را تا روز رستاخیز به او عطا فرماید.

و چون گوید: «يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ» خدا او را به گرمی داشت پیامبران گرمی میدارد.

و هنگامی که بگوید: «يَا عَظِيمُ الْمَنِّ» خداوند روز رستاخیز آرزوی او را آرزوی همه ی افریدگار را به او عطا کند. و چون بگوید: «يَا مَبْتَدِئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا» خداوند پاداش او را به مقدار هر که نعمت هایش را سپاس گزاری کرده قرار می دهد.

و چون بگوید: «يَا رَبَّنَا وَيَا سَيِّدَنَا وَيَا مَوْلَانَا» خداوند می فرماید: ای فرشتگان من! شاهد باشید که من او را آمرزیده ام و به شمار هر چه در بهشت، دوزخ، آسمان های هفت گانه و زمین های هفتگانه، آفتاب ماه، ستارگان و قطره های باران ها و انواع افریدگان کوه ها، سنگریزه ها و خاک آن عرش، کرسی آفریده ام، پاداش می دهم. و چون گوید: «يَا مَوْلَانَا» خداوند دل او را از ایمان لبریز کند.

و آنگاه بگوید: «يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا» خداوند در روز رستاخیز خواهش او و همانند خواهش همه افریدگان رابه او عطا می کند. و چون بگوید: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ» خداوند جبار می فرماید: بنده ام از من خواهش کرد که او را از آتش دوزخ آزاد کنم. ای فرشتگان من! گواه باشید که من او را، پدر، مادر، برادران، خواهران، خاندان، فرزندان و همسایگانش را از آتش دوزخ آزاد کردم و شفاعت او را در حق هزار فرد از افرادی که آتش دوزخ برلی آنها حتمی شده بود، پذیرفتم و او را از آتش پناه دادم.

از این روای محمد! این سخنان را به پرهیزکاران پیاموز و به منافقان میاموز، چرا که این دعای مستجاب است هر که آن را بخواند، پذیرفته می شود و این دعا، همان دعای اهل بیت معمور است که هرگاه در گرداگرد آن طواف کنند و به دور آن بگردند، این دعا را می خوانند.

شایان یاد آوری است که در «بلد الامین» و «جنبه الواقیه» بعد از: «يَا سَيِّدَاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتَانَا» این گونه آمده:

أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَيُّمَةِ الْهَادِيَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.

این دعا، به دعای اهل بیت معمور نامیده شده و دعای جلیل الشأن عظیم القدر می باشد.

اذکار و دستور العمل هایی شگفت از معصومین (ع)، عرفا و بزرگان

دستور العمل های ناب از معصومین (ع)

* ذکر ایمنی از مکر و حيله

«دعای حجاب» امام صادق (ع) برای محفوظ ماندن از مکر و حيله و اندیشه های نامناسب انسان های پلید بسیار مفید و مجرب است و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفْرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي بِهِ تَحْيِي وَ تُمِيتُ وَ تَرْزُقُ وَ تُعْطِي وَ تَمْنَعُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنَا بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَأَعْمِ عَنَّا عَيْنَهُ وَ اصْمُمْ عَنَّا سَمْعَهُ وَ اشْغَلْ عَنَّا قَلْبَهُ وَ اغْلِلْ عَنَّا يَدَهُ وَ اصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ وَ خُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

(نامه برنامه ها، استاد حسن زاده آملی، ص 7)

* دعا به جهت دفع دشمن

از حضرت سیدالساچیدن (ع) مروی است که به جهت دفع دشمن، بعد از نماز صبح بلافاصله بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ وَ أَعْدَائِي أَقْوِيَاءُ وَ أَنْتَ الْأَقْوَى وَ قِنِي شَرَّهُمْ وَ اكْفِنِي أَمْرَهُمْ وَ أَعِنِّي عَلَيْهِمْ بِخَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا قَوِيٌّ.

با خواندن این ذکر، دشمن مقهور می شود.

* ذکر غلبه بر دشمن

امام رضا (ع) فرموده اند: پیامبر خدا (ص) فرمودند: هر کس خواهد او را بیشتر از مجاهدین در ملاً اعلی ثنا گویند، پس هر روز این دعا را بخواند. اگر حاجتی داشته باشد، برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد، بر او غلبه گردد و اگر قرض و دینی داشته باشد، ادا شود و اگر غمی و همی داشته باشد، زایل و برطرف گردد. این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او ثبت گردد.

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (مفاتیح الجنان، ادعیه هر روز).

* کیفیت نفرین علیه دشمن

از امام رضا (ع) روایت شده است که هرگاه یکی از شما خواست علیه دشمنش دعا کند، بگوید:

اللَّهُمَّ اطْرُقْهُ بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَلَى لَهَا وَ أَبْجِ حَرِيمَةَ.

(بحار الانوار، ج 95، ص 222)

* طریقه مخفی ماندن از دید دشمنان

مرحوم مجلسی میگوید: امام رضا فرمودند: هر کس این سه آیه را بخواند، از چشم دشمنان خویش مخفی خواهد گشت و او را نخواهند دید.

آن سه آیه این است:

«أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَغَلَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»

«أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا»

(بحار الانوار، ج 92 ص 284)

* ذکر برای دفع دشمن

آقا سید هاشم حداد می فرمودند: مرحوم آقای قاضی فرمودند:

قرائت «کهیص حم عسق، وَعَنْتِ الْوُجُوهَ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» برای دفع دشمن مفید است.

(اسوه عارفان، ص 105)

* دعا برای دور شدن شر مزاحم در زندگی

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه از شر کسی ترسان و بیمناک بودی، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا يَكْفِي مِنْكَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَكَفِّنِي شَرَّ (نام فرد شرور در اینجا آورده شود)

بار خدایا، هیچ کس شر تو را باز نمی گرداند و تو شر همگان را باز می گردانی، خدایا، شر فلان کس را از من بازگردان.

(اصول کافی، ج 2 ص 557)

* دعای امام جواد (ع) برای آزادی شدن زندانی

علی بن مهزیار می گوید: محمد بن حمزه غنوی به من نوشت واز من خواست که به حضرت جواد (ع) نامه بنویسم که دعایی به او بیاموزد که با آن وسیله، گشایشی برایم حاصل گردد (واز زندانی که در آن گرفتار شده بود، خلاص گردد) پس آن حضرت (ع) به من نوشت: اما آنچه محمد بن حمزه در خواست کرده که دعایی بیاموزد که با آن فرج و گشایش یابد، پس به او بگو که ملازم این دعا باشد و همیشه بگوید:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ.

(کافی، ج 4 ص 345)

* ختم صلوات حضرت زهرا(ع) و آزادی از زندان

یکی از خطباء و سخنوران اهل بیت عصمت و طهارت(ع) با توجه به مشکلی که برایشان ایجاد می شود، دچار گرفتاری شده و به هشت سال حبس محکوم می گردد. او پس از آنکه یک سال واندی از زمان حبس را سپری می کند، به ناگاه ذکری که علامه طباطبایی به او تعلیم داده را به خاطر می آورد و این ذکر را که در حقیقت، ختم صلوات صدیقه طاهره(س) است شروع می کند و وقتی این صلوات به پایان می رسد، خبر آزادی او نیز از بلندگوی زندان اعلام می کنند و اینگونه با توسل به ساحت مقدس بی بی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا(س) از گرفتاری و زندان نجات پیدا می کند. صلوات یاد شده مطابق دستور علامه طباطبایی اینگونه می باشد: 530 مرتبه بر حضرت زهرا(س) به این شکل خوانده شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

و عدد 530 به حساب حروف ابجد، کامل با شماره حروف فاطمه منطبق است:

ف=80+الف=1+ط=9+م=40+ت=400 که مجموعاً میشود 530.

(کرامات و عنایات حضرت زهرا. ص 269)

* آیات ایمنی بخش از دزد و آتش سوزی

اگر بر مکانی یا متاعی که از دزد یا آتش گرفتن بترسید، این دو آیه را با آیه الكرسي بر حلقه های در و بر قفل آن بخوانید، انشاءالله از دزد و آتش گرفتن حفظ بماند:

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافِتْ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا.

(ختوم و اذکار ج 2 ص 336).

* ذکر بلا گردان

پیامبر خدا(ص) فرمودند: هر کس، هنگام بامداد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا بَضْرُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

تا هنگام شب، هیچ بلایی به او نرسد و هر کس به هنگام شب آن را بگوید، تا وقت بامداد، هیچ بلایی به او نرسد.

(شفا بخش و مشکل گشا. ص 77)

* چنین کسی از بلاها محفوظ است

پیامبر خدا(ص) فرمودند: هرگاه کسی از خانه بیرون بیاید و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ» ملائکه به او می گویند: در سلامت هستی.

وقتی بگوید: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ملائکه به او گویند: کارهایت ساخته شد.

و وقتی بگوید: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» ملائکه به او گویند: از بلاها، محفوظ و در امان ماندی.

(حلیله المتقین، ص 273)

* ذکر حفاظت از بلایا

از پیامبر خدا (ص) روایت شده است که: کسی که هر روز صبح، هفت بار این ذکر را بخواند، خداوند عزوجل در آن روز، او را از بلایا حفظ می کند:

قَالَ اللَّهُ خَيْرَ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

(بحار الانوار، ج 86 ص 298)

* ذکر مجرب برای رهایی از بلاها و سختی ها

مرحوم عارف کامل سید علی آقا شوشتری فرمودند: حضرت صدیقه طاهره (س) این ختم را تعلیم فرمودند و بسیار مجرب است، چون به شدت و بلیه ای مبتلا شدی، با حضور قلب، 1001 مرتبه آیه کریمه «رَبِّ اَنِّی مَسْنِی الضُّرِّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ» را با خضوع و خشوع و تضرع بخوان، نجات خواهی یافت.

(هزارو یک تحفه، ص 405)

* دعای مظلوم علیه ظالم

مردی خدمت امام صادق (ع) آمد و شکایت کرد از شخصی که به او ظلم کرده بود، حضرت (ع) فرمودند: چرا دعای مظلوم علیه ظالم را که پیامبر خدا (ص) به امیرالمؤمنین امام علی (ع) تعلیم فرمودند نمی خوانی؛ زیرا مظلومی این دعا را نمی خواند، مگر آنکه خداوند او را یاری می دهد و از شر ظالم و ستمگر کفایت می فرماید.

و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ طُمِّهِ بِالْبَلَاءِ طُمًّا وَ غَمِّهِ بِالْبَلَاءِ وَ قَمِّهِ بِالْأَذَى قَمًّا وَ أَرْمِهِ بِیَوْمٍ لَا مَعَادَلَهُ وَ سَاعَهُ لَا مَرَدَّ لَهَا وَ أَبْحِ حَرِیمَهُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ قِنِ شَرَّهُ وَ اكْفِنِی أَمْرَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی كَيْدَهُ وَ اَحْرِجْ قَلْبَهُ وَ سُدِّ فَاهُ عَنِّی وَ خَشَعْتَ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تُسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا وَ عَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَیُّومِ وَ قَدْ حَمَلَ ظُلْمًا إِخْسَتُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ.

(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 196)

* خانواده خود را با گفتن این ذکر، تعویذ کنید

از حضرت امیر مؤمنان نقل شده است که: غمی به پیامبر خدا (ص) عارض شد، جبریل خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: ای محمد، این چه غمی است که در روی شما می بینم؟

پیامبر خدا (ص) فرمودند: حسن و حسین چشم زخم خورده اند.

جبریل عرض کرد: چشم زخم حق است، چرا با این کلمات آن دو را تعویذ نمی کنی؟

پیامبر خدا(ص) فرمودند: کدام کلمات ای جبریل؟

جبریل عرض کرد بگو:

اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَالْمَتَى الْقَدِيمِ وَالْوَجْهَ الْكَرِيمِ، يَا ذَا الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالِدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (به جای این دو اسم، اسم مریض را ببر) مِنْ أَنْفُسِ الْجِنَّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ.

حضرت این دعا را خواندند، سپس هر دو بر خاستند و به راه افتادند. پیامبر خدا(ص) به اصحاب خود فرمودند: زن ها و بچه هایتان را با این تعویذ، پناه دهید.

(ختوم واذکار، ج2 ص275)

* طریقه بطلان سحر و دفع چشم زخم

شخصی از حضرت آیت الله العظمی بهجت پرسید: کسی که سحر شده باشد یا دچار چشم زخم شده باشد، برای بطلان سحر و دفع چشم زخم باید چه کند؟

ایشان فرمودند: موارد زیر را رعایت و عمل کنید:

1. همیشه قرآن کوچکی همراه داشته باشید.
 2. «معوذتین» را بخوانید و تکرار کنید.
 3. «آیه الکرسی» را بخوانید و تکرار کنید.
 4. «چهار قل» را بخوانید و تکرار کنید؛ مخصوصاً وقت خواب.
 5. در مواقع اذان صبح، با صدای نسبتاً بلند اذان بگویید.
 6. روزی 50 آیه از قرآن کریم با صدای نسبتاً بلند بخوانید.
- (پرسش های شما و پاسخ های آیت الله بهجت، ص102)

* طریقه دفع شر شیاطین و جادوگران

از پیامبر خدا(ص) روایت شده است که: برای دفع شیاطین و جادوگران، آیه سُخره را بخوانند:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

(حلیه المتقین، ص320)

* دعای ایمنی از شر حاسران

مرحوم شیخ حر عاملی می گویند: خداوند متعال در شب معراج به پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که می خواهد از اهل سلامت باشد و از سحر مصون بماند و سحر هیچ ساحری در او اثر نکند، خواه ساحر جنی باشد یا انسی، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ مُوسَى وَ خَاصَّةً بِكَلَامِهِ وَ هَازِمَ مَنْ كَادَهُ بِسِحْرِهِ بِعَصَاهُ وَ مُعِيدَهَا بَعْدَ الْعَوْدِ تُعْبَانًا وَ تَلَقُّهَا إِفْكَ أَهْلِ الْإِفْكِ وَ مُفْسِدُ عَمَلِ السَّاحِرِينَ وَ مُبْطِلَ كَيْدِ أَهْلِ الْفِسَادِ مَنْ كَادَنِي بِسِحْرٍ أَوْ بَضْرٍّ أَعْلَمَهُ أَوْ لَا أَعْلَمَهُ أَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَوَاتِ عَمَلَهُ حَتَّى تُرْجِعَهُ عَنِّي غَيْرَ نَافِذٍ وَ لَا ضَارٍّ وَ لَا شَامِتٍ، إِنِّي أَدْرُ أَعْظَمَتِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَادِ فَكُنْ لِي مِنْهُمْ مُدَافِعًا أَحْسَنَ مُدَافِعَةٍ وَ أَتَمَّهَا يَا كَرِيمُ.

این دعا مجرب است.

(مخزن تعویذات، ص 45)

* تعویذی که باطل کننده سحر است

محمد بن مسلم می گویند: این تعویذ را امام صادق (ع) برای شاگردان خویش املاء فرمودند و نیز فرمودند: از گذشتگان به ارث رسیده و باطل کننده سحر است.

آن را بر کاغذی نوشته و بر گردن سحر شده آویزان کنند:

قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ وَ أَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ.

(بحار الانوار، ج 95، ص 127)

* چنین کسی به دعای ابطال سحر نیاز ندارد

مرحوم کوهستانی می فرمودند: اگر انسان، تعقیبات نمازهای روزانه را مرتب بخواند، همه چیز در آنها است و نیاز به دعاهای ابطال سحر ندارد.

(بر قله پارسایی، ص 306)

* دستور العمل نیل به حاجات

جناب آقای سید عباس کاشانی فرموده اند: در حدیث نبوی آمده است که برای نیل به حاجات خود، قبل از عزم و اراده به سوی آن، این کریمه را چهارده بار بخواند:

«وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئْسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

آنگاه فرموده اند که: به تجربه رسیده است که قرائت این کریمه، چنانچه قول صادق صادق القول است، قاری آن به تحصیل خواسته مشروع و خیر و صواب، نایل می نماید.

(آب حیات، ص 227)

* دعای اجابت دعا

سید بن طاووس در کتاب «فلاح السائل» روایت کرده است که: امام صادق (ع) فرمودند: کسی که دوست دارد دعایش بر نگیرد و اجابت شود، این دعا را قبل از هر دعایی که می کند بخواند:

مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجَّهْتُ إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَبَّدْتُ لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطَّفْتُ لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَذَلَّلْتُ لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتَنْصَاراً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرَّعاً إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِعَانَةً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 62)

* این ذکر را قبل از بیان هر حاجت بر زبان آور

محمد بن فضیل نامه ای خدمت امام جواد (ع) نوشت واز آن حضرت خواست تا دعایی به او بیاموزد، امام (ع) ذکرى نوشتند و فرمودند: این را قبل از هر در خواست هر حاجتی از خداوند، به زبان بیاور. و ذکر چنین است:

«اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا شَرِيكَ بِهِ شَيْئاً.»

(باقیات صالحات، ص 566)

* دستورالعمل برای آمدن خواستگار

در «جَنَّةُ الْوَاقِيَةِ» و در کتاب «الخواص» آمده است که: امام صادق (ع) فرمودند: اگر دختری در خانه مانده باشد و کسی به خواستگاری او نیامد، سوره مبارکه احزاب را بر پوست آهو یا پاره ای کاغذ بنویسد و در کوزه کوچکی قرار دهند و آن کوزه را در خانه ای که در آن دختر زندگی می کند، قرار دهند؛ پس خواستگاران آن دختر زیاد می شوند.

در کتاب «جَنَّةُ الْإِمَانِ» آمده که این کار برای سریع آمدن خواستگار نیز مفید است.

(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 190)

* دعا برای طلب مال و فرزند

امام سجاد (ع) فرمودند: هر کس این دعا را زیاد بخواند، هر چه از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت که بخواهد، خداوند به او عطا می فرماید:

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَ يَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ وَاجْعَلْهُ سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، إِنَّكَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»

و برای فرزنددار شدن، هفتاد مرتبه این دعا را بخواند.

(حلیة المتقين. ص 102)

* صاحب فرزند پسر شدن

از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که فرمودند:

هرگاه زنی باردار شد و چهارماه براو گذشت، روی او را به سوی قبله کن، و «آیة الکرسی» بخوان و دست بر پهلوی او بزن

و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا»

یعنی «خدایا، من این فرزندم را محمد نام کردم»

چون چنین کند، خداوند آن فرزند را پسر گرداند، پس اگر او را محمد نام کند، مبارک باشد و اگر نام نکند، خدا اگر خواهد، از او بگیرد و اگر بخاهد به او ببخشد.

(مفاتیح الجنان. ص 967)

* برای فرزنددار شدن این دو آیه را بخوان

امام صادق (ع) فرمودند:

برای فرزند دار شدن در سجده، این دو آیه خوانده شود:

«رَبِّ هَبْ لِي مِّنْ لَّدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»

(حلیة المتقين. ص 101)

* دستورالعمل امام هادی (ع) برای فرزند دار شدن

علی بن محمد صیمری می گوید: با دختر جعفر کاتب ازدواج کردم و چنان به او علاقه مند گردیدم که کسی را مانند او

دوست نداشتم، اما بچه دار نمی شدیم. نزد امام هادی (ع) رفتم و جریان را خدمت آن حضرت (ع) عرض کردم.

حضرت امام هادی (ع) تبسمی نمودند و فرمودند: انگشتی را که نگین آن فیروزه باشد بگیر و بر نگین آن بنویس:

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»

علی صیمری می گوید: فرمایش امام (ع) را انجام دادیم، یک سال بر ما نگذشت که خداوند فرزندی پسر به ما روزی داد.

(بحار الانوار. ج 95 ص 343)

* دستورالعمل برای کاهش گریه کودک

از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که آن حضرت (ع) فرمودند:

هر کس سوره مبارکه ابراهیم را بر قطعه ای از حریر سفید بنویسد، مشروط بر اینکه با طهارت باشد و بر طفلی که گریه می

کند ببندد، گریه او بر طرف می شود و از چشم زخم محفوظ می ماند و به سهولت از شیر گرفته می شود.

(مفاتیح الحاجات. ص 174)

* اثر یک آیه بر آرام شدن کودک

امام علی(ع) فرمودند: اگر کودکی زیاد گریه می کند و به خواب نمی رود، این آیه را بر او بخوانند، از گریه بازایستد و آرام گیرد:

«فَضْرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا»

(منهاج العارفين، ص 240)

* اثر سوره ناس و فلق

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند:

هر کس سوره ناس و فلق را بنویسد و بر گردن کودکان ببندد، از دیو و پری و همه جنبدگان و از بیماری که به آن «ام الصبیان» گویند محفوظ می ماند.

(مفاتیح الحاجات، ص 174)

* تأثیر سوره رعد بر آرامش کودک

امام صادق(ع) فرمودند: سوره رعد را بنویسد و آن را بر گهواره ی کودک ببندید، ترک گریه کردن می کند.

(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 175)

* تأثیر صلوات برای پیدا کردن گمشده

پیامبر خدا(ص) فرمودند: هنگامی که چیزی را گم کردید، بر من صلوات بفرستید؛ زیرا موجب به یاد آمدن چیزی خواهد شد.

(جلاء الافهام، ص 255)

* ذکر یافتن چیزهای گمشده

جناب آقای رضوی می گویند: بعضی از علماء گفته اند: کسی که چیزی از او گم شده است سه مرتبه بگوید:

«أُصْبَحْتُ فِي جَوَارِ اللَّهِ وَ أَمْسَيْتُ فِي أَمَانِ اللَّهِ»

حتماً به آن شیء گمشده خواهد رسید و بعضی آن را مجرب دانسته اند و بعضی دیگر می گویند: هفتاد مرتبه صبح بگوید:

«أُصْبَحْتُ فِي جَوَارِ اللَّهِ» و هفتاد مرتبه در شب بگوید: «أَمْسَيْتُ فِي جَوَارِ اللَّهِ»

(التحفة الرضویة، ص 295)

* دعای امام رضا(ع) برای یافتن گمشده

از حضرت امام رضا(ع) روایت شده: هرگاه متاع و یا حیوانی از تو گم شد، آیه شریفه ی «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ» را تا آخر

بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّالَّةِ، وَ تُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَ تَرُدُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي وَ رُدِّ ضَالَّتِي.»

(مستدرک، ج 8 ص 25)

* دعای تقویت حافظه

پیامبر خدا(ص) این دعا را برای حافظه به امیر مؤمنان علی(ع) تعلیم فرمودند که خوب است بعد از نماز های واجب خوانده شود:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلِكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُوراً وَبَصِراً وَفَهْماً وَعِلْماً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
(مفاتیح الجنان، ص 34)

* آثار مداومت بر زیارت عاشورا

شیخ جعفر آقا مجتهدی می فرمودند: مداومت بر زیارت عاشورا آثار شگرفی دارد و آدمی را در حصن حصین خود، از خطرات احتمالی در امان نگاه می دارد.
(در محضر لاهوتیان، ج 1 ص 439)

* ذکرهای دور کننده مرگ های ناگوار

پیامبر خدا(ص) فرمودند: پس از فراغت از نماز واجب بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» که این ذکر مرگ ناگوار و بلایی را که آن روز از آسمان بر بنده می رسد، می رانند، و باقیات اینها هستند.
(مرگ سخت و ناگهانی.)

* بر عمر همچنین کسی یازده سال افزوده شود

مرحوم ملا محمد باقر فشارکی در رساله ای که در اعمال ماه رجب و شعبان و رمضان تألیف فرموده، از بعضی کتب نقل می کند که هر کس در روز جمعه آخر ماه رجب این دعا را بخواند، یازده سال بر عمر او اضافه می شود:
يَا أَجَلَ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ، يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ، وَيَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ، أَغْنِنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ بِفَضْلِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ مَدَّ عَمَرَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ عُمْراً بِالْعَافِيَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.
(گنج های معنوی، ص 84)

* این دستور، از اسرار عجیبه مجرب است

شیخ بهایی در کتاب «مفتاح الفلاح» از کتاب «کافی شیخ کلینی» نقل کرده که از امام صادق روایت شده است که فرمودند: هر کس هنگام خوابیدن، آیه آخر سوره کهف را بخواند، هر ساعتی که بخواهد بیدار شود و نیت داشته باشد، بیدار می شود.

شیخ فرموده که این، از اسرار عجیبه مجرب است که شکی در آن نیست.

قُلْ إِنَّمَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

* ذکر بیدار شدن از خواب

امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: کسی که دوست دارد شب بیدار شود، پس در هنگام خوابیدن بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلَنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَانْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْجِبَ لِي وَ أَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَ اسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(صحیفه الکاظمیه، ص 65)

* دعا برای رفع بی خوابی

امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: حضرت فاطمه زهرا (س) از بی خوابی نزد پیامبر خدا (ص) شکایت کرد، پیامبر خدا (ص) نیز فرمودند: دخترم، این دعا را خوان.

و دعا این است:

يَا مُشَبَّعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ، وَيَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ، وَيَا سَاكِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَشِ يَا مُنَوِّمَ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ وَ أَذِّنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا.

(بحار الانوار، ج 76 ص 213)

* دعا برای خوابیدن در تنهایی

از معصوم (ع) روایت شده که فرمود: هر کس تنها در خانه ای شب را به سر ببرد، باید آیه الكرسي را بخواند و بگوید:

اللَّهُمَّ آئِسْ وَحَشْتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ أَعْنِي عَلَى وَحْدَتِي.

بارخدا یا، هراسم را آرام کن و ترسم را به آسایش مبدل نما و در تنهایی کمکم کن.

(اصول کافی، ص 573)

* تأثیر خواندن آیه الكرسي هنگام خارج شدن از خانه

پیامبر خدا (ص) به امام علی (ع) فرمودند: یا علی، زمانی که برای حاجتی از منزل خارج شدی، «آیه الكرسي» را بخوان؛ به درستی که حاجت برآورده می شود. خواندن آیه الكرسي علاوه بر برآورده شدن حاجات، سبب حفاظت جان و مال انسان نیز می گردد.

(بحار الانوار، ج 95 ص 159)

* ذکر برای ندیدن چیزهای ناراحت کننده

امیر مؤمنان امام علی (ع) فرمودند: هر کس بیرون آمدن از خانه، انگشترش را به باطن کف دستش برگرداند و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخواند، سپس بگوید: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِيَتِهِمْ» در آن روز، چیزی که باعث ناراحتی اش شود نمی بیند.

(مکارم الأخلاق، ص 325)

* تأثیر قرائت سوره توحید هنگام خروج از خانه

امام صادق (ع) فرمودند: هنگامی که کسی از منزلش خارج می شود، ده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، پیوسته در حفظ و نگهداری خدای عزوجل باشد تا به منزل برگردد.

(اصول کافی، ج 4 ص 537)

* اثر ذکر «لا حَوْلَ وَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» برای توفیق حج

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که هزار مرتبه «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گوید، خداوند توفیق به جای آوردن اعمال حج را روزی او می کند؛ پس اگر مرگش نزدیک شده باشد، آن را به تأخیر انداخته تا اینکه به حج برود.

(بحار الانوار، ج 99 ص 27)

* توفیق یافتن به حج با گفتن ذکر «ما شاء الله»

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که در یک مجلس، هزار مرتبه بگوید: «ما شاء الله» خداوند بلافاصله او را به حج موفق می دارد.

(بحار الانوار، ج 99 ص 27)

* دوازده آیه الکرسی برابر با دوازده لشکر

در کتاب «جواهر المکنونة» و «شرح من لا یحضره الفقیه» آمده است که: دوازده مرتبه «آیه الکرسی» خواندن در سفر و حضر مانند این است دوازده لشکر مجهز برای حفاظت از هر حادثه از جانب خداوند گماشته شده است.

(گل های ارغوان، ج 1 ص 82)

* اثر ده بار سوره توحید

امام صادق فرمودند: وقتی کسی از منزل خارج می شود، ده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، پیوسته در حفظ خدای عزوجل باشد و در نگهداری او، تابه منزل بازگردد.

(اصول کافی، ج 4 ص 537)

* بر ملا نشدن گناهان

حاج شیخ حسنعلی نخودکی می گویند: پیامبر خدا (ص) می فرمایند: هر کس بخواد که خداوند او را به کارهای زشت و ناپسند موفق ندارد و نامه معاصیش را بر ملا نسازد، پس از هر نماز، این ذکر را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أُبَلِّغَ رَحْمَتَكَ، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ يَبْلُغَنِي لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(معراج السعادة، ص 684).

* بر چنین کسی تا یک سال گناهی نوشته نشود

از امام صادق (ع) روایت شده است که: هر کس در روز جمعه، بعد از نماز صبح بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

تا یک سال هیچ گناهی بر او نوشته نمی شود

(بحار الانوار، ج 89 ص 354)

*** صلوات بنیات گناه را ویران می کند**

شیخ الصدوق از امام رضا(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: کسی که توانایی کاری که کفاره گناهانش گردد ندارد، باید بر محمد و آل محمد(ص) زیاد صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات بنیان گناه را ویران می سازد و آن را نابود می کند.

(بحار الانوار، ج 94 ص 47)

*** ذکر برای عاقبت به خیر شدن**

پیامبر خدا فرمودند: هنگامی که از نماز فارغ شدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَ سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي فَقَدْ رَهَقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا فَأَسْأَلُكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلُ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْرًا.

همانا با گفتن این ذکر، خداوند عزوجل امر تو را آسان کرده، سینه ات را می گشاید و به تو شهادت به لا اله الا الله را در وقت جان دادن تلقین می کند.

(عیون، ص 59)

*** هنگام احساس ترس بگویید**

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند: هرگاه در خود احساس خوف و ترس کردی، بگویند:

يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَشِ الْأَرْضِ، أَكْفَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

(مفاتیح الجنان، ص 12)

*** ذکر دست یافتن به گنجی از علم**

در «مصباح کفعمی» آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: هر کس به مدت دوماه پی در پی، هر روز چهار صد بار این ذکر را بگوید، گنجی از علم یا گنجی از مال به او داده می شود:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَ جُرْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

(مصباح کفعمی، ص 63)

*** حل مشکلات علمی**

مرحوم آیت الله العظمی آقای اراکی می فرمودند: من هرگاه مشکلی پیدا میکنم، یک دور تسبیح صلوات می فرستم و ثواب آن را نثار چهارده معصوم می کنم؛ آنگاه مشکل من به آسانی حل می شود؛ البته این کار را بیشتر در مورد مشکلات علمی انجام می دهم.

(روزنه هایی از عالم غیب، ص 58)

* سلامتی چشم

حضرت آیت الله العظمی بهجت می فرمودند: برای سلامتی چشم، بعد از نمازها، آیه الكرسي خوانده شود، و پس از خواندن آن دست ها را بر روی چشم ها گذاشته و بگوید:

اللَّهُمَّ احْفَظْ حَدَقَتِي بِحَقِّ حَدَقَتِي عَلَىٰ بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛

یعنی خدایا به حق دو حدقه چشم حضرت علی (ع) دو حدقه چشم مرا حفظ کن
البته آیه الكرسي برای تمام خطرهای نافع می باشد و بعد از نمازهای یومیه خیلی فواید دارد.
(هزار و یک تحفه، ص 144)

* دعای هنگام درد دندان

ابا بصیر می گویند: به امام محمد باقر (ع) عرض کردم: دندان دردی دارم که شب ها خواب را از سرم بیرون می کند.
امام (ع) فرمودند: ای ابا بصیر، زمانی که درد را احساس کردی، دستت را بر آن موضع بگذار و سوره حمد و توحید را بخوان و سپس بگو:

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ.

درد ساکن می شود و برنمی گردد.

(بحار الانوار، ج 95 ص 92)

* درمان سردرد

داود رقی می گویند: امام موسی کاظم (ع) عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، سردردی دارم که پیوسته مرا اذیت می کند و چه بسا که شب ها در اثر درد، آن خوابم نمی برد و مرا از انجام نماز شب باز می دارد.
امام (ع) فرمودند: ای داود، هرگاه احساس دردی کردی، دست خود را بر روی موضع درد بکش و این دعا را بخوان، به درستی که بعد از آن، احساس درد نخواهی کرد:

أَعُوذُ بِاللَّهِ وَ أَعِيذُ نَفْسِي مِنْ جَمِيعِ مَا إِعْتَرَانِي، بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ كَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ، أَعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّهُ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ إِلَّا أَجْرْتَنِي مِنْ شَكَاةٍ هَذِهِ.

(صحیفه الکاظمیه، ص 375)

* از عمر بن حنظله نقل شده: به حضرت امام صادق (ع) از سردرد شکایت کردم، حضرت (ع) فرمودند: دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه را بخوان:

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَا يَتَّعَوْنَ إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا.
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا.
(عين الحيات، ج 2 ص 245)

* دستورالعملی برای درمان سردرد

مردی به امام صادق (ع) از سردرد شکایت کرد، حضرت (ع) فرمودند: دستت را بر موضع درد بگذار و «آیه الكرسي» و «فاتحه الكتاب» را بخوان و عد بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَجَلٌ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِرْقٍ نَعَارٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ.

(مکارم الأخلاق، ج 2 ص 201)

* تعویذی برای دردمندان

امام علی (ع) فرمودند: کسی که به جسمش دردی رسیده باشد، خودش را تعویذ کند و بگوید:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، أَعِيدُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ، أَعِيدُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي إِسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفَاءٌ.

زمانی که این دعا را بخواند، نه درد به او ضرری می رساند و نه بیماری.

(بحار الانوار، ج 95 ص 53)

* دعای رفع سختی ها و مشکلات

شخصی خدمت پیامبر خدا (ص) عرض کرد: ای پیامبر خدا، من مردی ثروتمند و سالم در میان مردم عزیز بودم. شادمان زندگی می کردم، اما اکنون فقیر و بیمار و نزد مردم، خوار و ذلیل شده ام و اندوه جهان بر دل من هجوم آورده است. تمام روز در تلاش معاش زندگی و کفاف، رنج می برم، لیکن چیزی فراهم نمی توانم بکنم؛ گویی که نام من از دیوان روزی و روزی خوران حذف شده است.

پیامبر خدا (ص) فرمودند: ای مرد، شاید اعمالی مرتکب می شوی که موجب غم و اندوه است؟ شاید نشسته عمامه می پیچی یا ایستاده شلوار می پوشی؟ شاید ناخن هایت را با دندان می گیری یا صورت خود را با لباس پاک می کنی؟ شاید در آب

راکد بول می کنی یا به رو می خوابی؟ سپس پیامبر (ص) به آن شخص توصیه کرد که: تقوا و پارسایی را پیشه خود ساز و دل از شوائب پاک کن و با این دعا، از خدای تعالی رفع سختی و مشکل خود را بخواه؛ که آن دعای فرج است:

إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفَ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَيْكَ وَ مَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمِعَتْ إِلَّا إِلَيْكَ، فَإِلَيْكَ الرَّجَاءُ وَ إِلَيْكَ الْمُرْتَجَى، يَا أكرمَ مَقْصُودٍ وَ يَا أجودَ مَسْئُولٍ، هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلَجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ إِحْمِلْهَا عَلَيَّ ظَهْرِي وَ مَا أَجِدُ بِي إِلَّا إِلَيْكَ شَافِعاً سِوَى مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ رَجَاءِ الطَّالِبُونَ وَ لَجَأُ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَ أَمَلٌ مَا لَدَيْهِ الرَّاعِبُونَ، يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَ جَعَلَ مَا إِمْتَنَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِهِ بِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلَيَّ عَقْلِي سَبِيلاً وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَيَّ عَمَلِي دَلِيلاً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(نشان از بی نشانها، ص 381)

* دعای هنگام مواجهه با غم ها و سختی ها

از امام زین العابدین (ع) روایت شده است که پدرم امام حسین (ع) در روز عاشورا در حالی که خون ها از بدن او می جوشید، مرا در آغوش گرفت و فرمود: فرزندم، این دعا را از من حفظ کن؛ که مادرم فاطمه زهرا (س) آن را به من آموخت و او را از پیامبر خدا (ص) و او از جبرئیل، فرا گرفته و در هر حاجت و امر مهم و غم ها و پیش آمدها و معصیت های شدید این دعا را بخوان:

بِحَقِّ يَس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَ بِحَقِّ طِه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ، يَا مُنْقَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا

شخص دعا کننده به جای گفتن کذا و کذا، باید حاجت خویش را از خداوند طلب کند.

(بحار الانوار، ج 92، ص 196)

* ذکر دفع سختی ها و گرفتاری ها

مرحوم سید علی خان مدنی می گوید: این دعا از امام صادق (ع) است و مجرب نیز می باشد. حضرت (ع) فرمودند: برای دفع سختی ها و گرفتاری ها و بلا ها ده مرتبه بگوید:

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

سپس ده مرتبه بگوید:

حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ، حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ.

(کلم الطیب، ص 32)

* رفع گرفتاری و مشکلات

مرحوم کوهستانی برای رفع گرفتاری و مشکلات، به یکی از دوستان خویش فرموده بود: این ذکر را هفتاد مرتبه و حداقل هفت مرتبه بخوان که بسیار مجرب است:

يَا مُسَبِّبُ سَبَبٍ، يَا مُفَرِّجُ فَرْجٍ، يَا مُفَتِّحُ فَتْحٍ، يَا مُدَبِّرُ دَبْرِ، يَا مُسَهِّلُ سَهْلٍ، يَا مُيَسِّرُ يَسَرٍ، يَا مُتَمِّمُ تَمِّمٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

بر قله پارسایی، ص 280)

* راه بیرون آمدن از بن بست ها و گرفتاری ها

مرحوم سید علی آقای قاضی در پاسخ یکی از شاگردان خویش برای رفع اضطرار و گرفتاری دنیوی و اخروی و بیرون آمدن از بن بست فرمودند:

پنج مرتبه صلوات بفرست و آیه الكرسي را نیز بخوان، سپس بدون آنکه بر زبان جاری کنی، در دلت بسیار بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرِجَةِ الْحَصِينَةِ الَّتِي تُجْعَلُ فِيهَا تَشَاءُ.

تا آنکه در کارت گشایش یابد.

(معاد شناسی، ج 7 ص 237)

* قرائت سوره یس و رفع گرفتاری

یکی از معتمدین اهل علم، قضیه ای در مورد خاصیت سوره مبارکه «یس» نقل کرده است که: شخصی از بندگان خدا در شهر یزد، گرفتاری سختی داشت. خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه مشرف می شود، ولی آن بزرگوار را نمی شناسد، حضرت (ع) به او فرموده بودند: «سوره یس را بخوان، چون به کلمه مبین که در شش مورد آمده رسیدی، حاجت خود را نیت کن و بعد از قرائت سوره، نیز حاجت خود را در خواست کن، تا خداوند دعای تو را مستجاب گرداند.»

او می گوید: «من به سوره یس نگاه کردم، دیدم کلمه مبین در هفت مورد ذکر شده، تعجب کردم، اما با تأمل دقت کرده فهمیدم در شش مورد بدون الف و لام است (مبین) و در یک مورد با الف و لام (المبین) سپس گفت: سوره را همان طوری که حضرت فرموده بودند، خواندم و خداوند دعایم را مستجاب کرد.»

(صحیفه مهدیه، ص 412)

* ذکر برای رسیدن یاری از سوی امام زمان (عج)

روایت شده است: هر مومنی که امری از امور دنیوی یا اخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود، و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الزمان (عج) به او برسد:

«یا فارسَ الحِجَازِ ادرکنی، یا ابا صالحَ المَهدیَّ ادرکنی، یا اباالقاسمِ ادرکنی ادرکنی وَلَا تَدْعَنی، فَإِنِّی عاجِزٌ ذَلیلٌ»

(منتخب الختوم، ص 196)

* فواید و آثار صلوات

حضرت آیت الله العظمی بهجت می فرمودند: صلوات، ذکر شریف و بزرگی است. در بعضی روایات آمده است که انبیای به امت خود می گفتند:

«ذکری به شما می آموزیم که حق ندارید آن را در هر جا بگویید، اگر در جایی مضطر شدید و مسائل شدیدی برایتان پیش آمد، آن وقت اجازه دارید آن دعا را بخوانید، آن دعا یکی از اسرار الهی است، باید دست هر کسی نیفتد.» آنگاه ذکر با عظمت و شریف صلوات را به آنها می آموختند.

در روایت است که رسولان قوم بنی اسرائیل، فرستادن صلوات را به آنها سفارش می کردند؛ اما متأسفانه ما از این موهبت الهی که به این صورت در اختیارمان است بی بهره ایم. گاهی اوقات با فکر کوچک و ناقص خودمان صحبت می کنیم یا دعایی می کنیم، اما وقتی می بینیم دعايمان مستجاب نمی شود، اعتراض می کنیم و می گوییم: چرا دعایی که با صلوات بود اجابت نشد؟

(پرده نشین، ص 172)

* ذکر برای رفع سختی و گرفتاری

در روایت دیگر آمده است که هر کس گرفتار سختی و مصیبتی شد، هفتاد مرتبه بگوید:

یا الله یا مُحَمَّدٌ، یا عَلِیُّ، یا فَاطِمَةُ، یا صَاحِبَ الزَّمانِ ادرکنی وَلَا تُهْلِکَنی.

(منهاج العارفين، ص 483)

* دعای نصرت بر دشمن

از رسول اکرم روایت شده که حضرت (ص) فرمودند:

زمانی که سختی و اندوهی یا ترس از سلطانی به شما روی آورد، یا اراده حاجتی کردید، به این دعا، دعا کنید؛ قسم به آن خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، نخواندم آن را در صورتی، مگر اینکه بر او نصرت یافتم و نخواندم آن را بر دشمنی، مگر اینکه بر او ظفر یافتم و چیزی دوست داشتنی ترو نزدیک تر از آن، پیش من نیست و دعا این است:

«یا عالِمَ الغُیوبِ وَ السِّرِّائِرِ، یا مُطاعُ یا عزیزُ یا عَلیم، یا هازِمَ الأحزابِ لِأَحْمَدٍ، یا کائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوسى، یا مُنْجِی عِسی مِن أیدی الظَّلَمَةِ، یا مُخَلِّصَ نُوحٍ مِنَ الغَرَقِ، یا قَصِدَ کُلِّ خَیْرٍ، یا ذَا الجَلالِ وَ الإِکرامِ، یا خالِقَ الخَیْرِ، یا أَهْلَ

الْخَيْرِ، رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي كَذَا وَكَذَا، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّجْ عَنِّي، أَغْنِنِي وَاسْتَجِبْ لِي وَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(بحار الانوار، ج 95 ص 282)

* اگر کسی بر تو غلبه کرد این ذکر را بگو

از پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی (ص) نقل شده است که:

اگر کسی بر تو غلبه کند، پیوسته بخوان: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» که به برکت این ذکر، تو غالب خواهی شد. (مخزن تعویذات، ص 27)

دعا به جهت بیماری فرزند

دعا به جهت فرزند که بیمار باشد: مادر بر بالای بام رود و مقنعه از سر بردارد و موی سر به آسمان گشوده و بگوید:

اللهم أنت أعطيتنيّه وأنت وهبتنيّه فاجعل هبتك اليوم جديدةً إنك قادر مقتدر.

وهرگاه زن عربی نداند بهتر آن است که بعد از دعا ترجمه آن را به زبانی که داند نیز بگوید که فرزندش شفا یابد. ان شا الله تعالی

(خزائن، ص 229)

دعای توسل به امام کاظم (ع)

دعا توسل به حضرت کاظم (ع) به جهت جمیع دردها خصوصاً درد چشم مجربست بگوید:

اللهم بحق وليك موسى بن جعفر كاظم (ع) إلا سلمتني جوانحي ما ظهر منها وما بطن، يا جواد يا كريم وصلي على محمد وآل أجمعين.

(خزائن، ص 229)

دعای قلنسوه برای بیمار

سه دفعه بر بیمار خوانند این است:

بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الملك الحق المبين، شهد الله لا إله إلا هو الملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط، لا إله إلا هو العزيز الحكيم، إن الدين عند الله الإسلام نور وحكمة وسلطان و هيبه ورحمة وحول و قوة وبرهان وقدره وقيوم لا يناله، لا إله إلا الله نوح نجى الله، لا إله إلا الله ابراهيم خليل الله، لا إله إلا الله موسى كليم الله، لا إله إلا الله عيسى روح الله وكلمته، لا إله إلا الله محمد رسول و حبيبه لا إله إلا الله على ولي الله اسكن أيها

المرض باذن الله الذي سكن له ما في السماوات وما في الأرض وهو العزيز الحكيم صلى الله على محمد وآل طاهرين.

(خزائن، ص ۲۲۹، ۲۳۰)

در هنگام ناامیدی

هنگامی که امیدت به تمام وسائل لوازم قطع شد بر درب مسجدی با نیت ورو به قبله بگو:

يا من علمه لا يحتاج إلى مثال، ويا من جوده لا يحتاج إلى سؤال إن العرب إذا وقف على ابوابهم أجابوا و أنت يا سيدي رب العرب والعجم وأنا واقف على باب بيت من بيوتك أغثنى يا مغيث ثلاثاً لهذه رجوت. (این دعا را سه بار بگویند)

(خزائن نراقی، ص 423)

برای حصول رویای صاقه

یا علی یا ایلیا یا ابالحسن یا ابا تراب حل مشکل سرور دین شافع یوم الحساب

مداومت بر این کلمات بعد از نماز مغرب و عشاء پانصد مرتبه منشأ حصول رؤیای صادقانه ووصول سیر به مفاتیح شارقه است و مشخص است که وجود شرائط در همه حال ضرور است.

(خزائن، ص 472)

دستورالعمل های ناب از عرفا و بزرگان

* جبران کوتاهی در حق والدین

ممکن است افراد نسبت به پدر و مادر خویش کوتاهی کرده و آنها را از دنیا رفته باشند، این عدم رضایت، برای بسیاری از فرزندان، خصوصاً زمانی که به گذشته خویش باز می گردند، فوق العاده دردناک است. اینها ناراحت هستند که چرا در زمان جوانی، آن طور که شایسته بود با پدر و مادر خویش، خوش رفتاری و سلوک نکردند و حقوق آنها را ضایع نمودند. برای این دسته از افراد، روایاتی در کتب حدیثی و روایتی ذکر شده، به عنوان نمونه، به روایتی جالب در این زمینه اشاره کنیم: از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که:

«هرکس در شب پنج شنبه، میان نماز شام و خفتن، دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره «حمد»، یکبار، «آیه الكرسي» و سوره های «کافرون» و «توحید» و «فلق» و «ناس» هر کدام پنج بار، و بعد از سلام نماز، پانزده نوبت استغفار و طلب آمرزش کند و ثواب آنرا به والدین خود ببخشد، به درستی که حق والدین را ادا کرده است.»

* رفع اضطراب

«مرحوم حجه السلام والمسلمین حاج شیخ صدرالدین حائری» گفت: در زندان بودم، می خواستم بخوابم که قضیه ای پیش آمد و باعث اضطراب من شد. ناگاه دیدم که علامه طباطبایی حاضر شد و به من فرمود: دست روی قلب خود بگذار و آیه 35 سوره نور را بخوان.

من متوجه خود شدم و آیه نور را خواندم و قلبم آرام گرفت و دیدم که کسی آنجا نیست.

(ذکرهای شگفت انگیز معصومین، ص 38)

* نفی خواطر

شخصی خدمت «حضرت آیت الله بهجت» رسید و عرض کرد: «برای نفی خواطر (پاکیزه کردن دل و ذهن از هر چیز جز خدا) چه کنیم؟ آقا فرمودند: خودش را انجام دهید؛ یعنی استغفار کنید و صلوات بفرستید که ضد آن خواطر هستند.» (نفس مطمئنه، ص 56)

* دعا برای رفع وسوسه

شخصی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: گاهی تصورات کفرآمیزی در دلم خطوط می کند، برای رهایی از آن چه کنم؟ حضرت فرمود: هرگاه این حالت برایت پیش آمد بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

راوی گوید: از آن پس هرگاه وسوسه ای در دلم ایجاد می شد، این ذکر را می گفتم و آن وسوسه بر طرف می شد. رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) فرمودند: خواندن سوره ناس، وسواس را منع می کند. (دعاهای مشکل گشا، ص 18)

* رفع اضطراب و دغدغه فکری

حضرت آقای قاضی برای رفع اضطراب و دغدغه های فکری و ناراحتی های روحی، خواندن ذکر زیر را سفارش کردند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَحْضُرُونَنِي، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

* حصول رؤیای صادقه

«علامه حسن زاده آملی» می گویند: قبل از خواب سوره «وَالضُّحَى» و «أَلَمْ نَشْرَحْ» را بخوان و نیز اذکار مأثوره را قرائت کن؛ این عمل موجب حصول رؤیای صادقه خواهد شد.

(1001 کلمه، نکته 10)

* دعا با اسم اعظم

علامه حسن زاده آملی می فرمایند: هرگاه بخواهی خدا را به اسم اعظم وی بخوانی، شش آیه اول سوره مبارکه حدید از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تا «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و سه آیه آخر سوره حشر از آیه 22 «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

هُوَ...» تا آخر سوره بخوان، و پس از آن بگوای کسی که چنانی بامن چنین کن! (یعنی حاجت خود را بخواه) که سوگند به خدا، بر شقی بخوانی، سعید می گردد.»

(نور علی نور، ص 30)

* خواندن اسم اعظم در جنگ

امیر المؤمنان (ع) فرمود: حضرت خضر را شب پیش از جنگ بدر، در خواب دیدم و به او گفتم: چیزی به من بیاموز تا بر دشمنان خود فایز آیم!

او گفت: این را بر زبان جاری ساز: «يَا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ»

پس چون صبح شد، خوابم را برای رسول خدا (ص) باز گفتم. ایشان فرمود:

«ای علی، تو اسم اعظم را آموخته ای، پس در روز جنگ بدر همین جمله بر زبانم جاری بود.»

(رساله اللقاء الله، ص 124)

* اسم اعظم در کلام امام سجاد (ع)

«مرحوم طبرسی» می گوید: از امام سجاد (ع) نقل شده است که فرمودند: من بعد از هر نمازی، به مدت یک سال، از خداوند متعال در خواست اسم اعظم کردم تا اینکه یک روز بعد از نماز صبح، چشمانم به خواب رفت، در حالی که نشسته بودم، ناگهان دیدم شخصی در مقابل من ایستاده و به من می گوید: آیا از خدا درخواست اسم اعظم نمودی؟ گفتم: بلی.

گفت بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِ اللَّهِِ اللَّهِِ اللَّهِِ اللَّهِِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.»

سپس امام سجاد (ع) می فرمایند: قسم به خدا، هیچ در خواستی با این ذکر نکردم، مگر آنکه اثر اجابت آن را دیدم.

(مکارم الأخلاق، ص 325)

* اسم اعظم در سوره فاتحه متفرق است

آیت الله العظمی بهجت می فرمودند: «روایت دارد که اسم اعظم در سوره فاتحه متفرق می باشد. اگر کسی فاتحه را به این نیت بخواند، مثل این است که اسم اعظم را هم می داند. کسی که حاجت داشته باشد؛ واسم اعظم را قصد بکند، می تواند همین فاتحه که این آثار دارد، بخواند. این به خاطر جمعیت آن است که تلخیص تمام قرآن است. در روایت آمده است که: «كُلُّ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ» این سبب می شود از برای ازدیاد دین، که مرده را زنده کند.

(صدای سخن عشق، ص 31)

* اسم اعظم در کلام امیر المؤمنین علی (ع)

«برابن عازب» می گوید: بر امیر مؤمنان وارد شدم و آن حضرت را به خدا سوگند دادم که مرا به اعظم اسمایی که خداوند رحمان، جبرئیل را به ارسال آن مخصوص داشت و او، رسول خدا (ص) را و آن حضرت شما را مخصوص گردان.»

حضرت (ع) فرمودند: اگر سؤال تو نمی بود، من اراده داشتم که آن را تا لحد نهاده شدم، پوشیده دارم. هرگاه خواهی خدا را به «اسم اعظم» وی بخوانی، شش آیه اول (سوره) حدید بعد از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تا «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و آیات آخر (سوره حشر) از «هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» تا آخر سوره را بخوان و پس از آن بگو: ای کسی که چنانی، بامن چنین کن! که سوگند به خداوند، اگر بر شقی بخوانی، سعید می گردد.

براء گفت: قسم به خدا، من آن را برای دنیا نمی خوانم.

امام (ع) فرمودند: «همین صواب است. رسول خدا (ص) مرا هم این چنین وصیت فرمود، جز اینکه مرا امر کرد که خدا را بدان کارهای بزرگ و دشوار روزگار بخوانم.»

(رساله نور علی نور، ص 29)

* رفع گرفتاری در شغل

«ابراهیم بن صالح» از مردی از جعفری ها نقل می کند که گفت: در مدینه کسی بود که کنیه اش «ابوالقمام» بود و پیشه وری می کرد. او خدمت امام موسی کاظم (ع) رسید و از حرفه اش شکایت کرده، به آن حضرت خبر داد که به هر کار و حاجتی روی می آورد، بر آورده نمی شود. امام موسی کاظم (ع) به او فرمودند: بعد از نماز صبح در آخر دعایت ده مرتبه بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ».

(صحیفه کاظمیه، ص 411)

* ذکر رسیدن یاری از جانب خدا در آغاز کارها

پیامبر خدا (ص) فرمودند: جبرئیل به من گفت: آیا کلماتی را به تو بیاموزم که موسی آنها را گفت و دریا برایش شکافته شد.

گفتم: آری. جبرئیل گفت بگو:

«اللَّهُمَّ لَكَ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ بِكَ الْمُسْتَغَاثُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

بدون شک، هر کس در آغاز کارش، این ذکر را بگوید، از جانب خداوند کمک به او می رسد.

(مشکل گشای معنوی، ص 33)

* قسم دادن به نام حضرت زهرا (س) و گشایش در کار

در «خزائن نراقی» ص 36 آمده است که هرگاه حاجتی داشتی این دعا را در کاغذی سفید، بعد از نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بنویس، سپس آن را لابه لای گل پیچیده، در آب جاری یا در بیابان بینداز؛ به درستی که این عمل، باعث گشایش و فرج در کارت خواهد شد و این دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَأَتَقَرَّبُ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَتُوجَّبَتْ حَقُّهُ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلَى وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ وَ تُسَمِّيهِمْ بِأَسْمَائِهِمُ الشَّرِيفَةِ إِكْفَنِي...» ودر این جا حاجت خویش را بنویس.

(خزائن نراقی، 368)

* تأثیر سوره یاسین در گشایش کار

شخصی از مریدان «حاج شیخ حسنعلی اصفهانی» می گوید: به خدمت شیخ عرض کردم: دستوری مرحمت فرمایید که توفیق تهجد یابم و گشایش در کارم حاصل شود!

حاج شیخ فرمودند: هر صبح از تلاوت قرآن، مخصوصاً سوره یاسین غفلت منما! انشاء الله توفیق رفیق تو خواهد گشت! به شهر خود بازگشتم، وهر بامداد، در حین راه رفتن به قرائت سوره یاسین مداومت می کردم، اما نتیجه به دست نیامد. سال دیگر به مشهد مشرف شدم به فکر رسید که به خدمت ایشان بروم واز عدم حصول نتیجه او را آگاه کنم. با این فکر به منزل حاج شیخ آمدم، دیدم که جماعتی در اتاق هستند ودر بسته است وایشان مشغول موعظه می باشند، با خود گفتم: اگر در این حال به اتاق بروم، ممکن است که جایی برای نشستن من نباشد و دیگر آنکه شاید سخن حضرت شیخ به سبب ورود من قطع شود!

از این رو بود که پشت در نشستم و به سخنان ایشان گوش دادم تا مجلس تمام شود و به حضورشان مشرف شوم. در همین زمان ناگهان شنیدم که مرحوم حاج شیخ موضوع فرمایشات خود را تغییر دادن و فرمودن: برخی از من دعای توفیق سحری و گشایش امور می خواهند، دستور می دهم که قرآن را تلاوت کنند، لیکن به جای آنکه رو به قبله و در حال توجه به قرائت قرآن بپردازند، در حال راه رفتن، سوره یاسین را می خوانند و بعد به قصد گله می آیند که دستور من حاصلی نگرفته اند...! اینکه شرط انصاف نیست. خوب است بروند وهر بامداد رو به قبله با توجه و تدبیر و نه لقلقه زبان به تلاوت کلام الله بپردازند. آنگاه اگر مقصودشان حاصل نشد، گله مند گردند.

ایشان پس از گفتن این سخنان، باز به موضوع اصلی سخن خود پرداختند.

(تهذیب اخلاق، ص 222)

* ذکر گشایش امر و زیاد شدن روزی

«حضرت آیت الله شبیری زنجانی» فرمودند: مرحوم پدرم آیت الله سید احمد زنجانی نزد مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رفتند واز مطالبه تعلیم علم کیمیا کرده بودند، ایشان از تعلیم آن خود داری کرده و سپس فرمودند: به جای آن بهتر است برای گشایش امر و زیاد شدن روزی بعد از نماز، سه بار سوره توحید و سه بار صلوات و سه بار این آیات را خوانده شود:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»

(روزنه های از عالم غیب، ص 392)

* ذکر ازدیاد روزی

امام صادق (ع) به «ابن طیار» دعایی برای ازدیاد روزی تعلیم فرمودند. حضرت (ع) فرمودند: قبل از خروج از منزل برای کسب و کار، دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخوان و بعد از نماز بگو:

«تَوَجَّهْتُ بِمَا حَوْلَ مِنِّي وَ لَا قُوَّةَ، وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ، فَأَنْتَ حَوْلِي وَ مِنِكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً كَثِيراً طَيِّباً وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ»

ابن طیار می گوید من این عمل را برای مدتی انجام دادم بعد از مدتی، آنچنان روزی من زیاد شد که بر اسب های فراوانی سوار شده و غلامان و منازل فراوانی خریداری کردم.

(اصول کافی، ص 474)

* طریقه یافتن شغل

مرحوم سقزاده می گوید: در «الدر النظیم» می نویسد: هرکس بیکار و شغل ندارد، سوره یوسف را بنویسد و هنگام شب از خانه خارج گشته و در شکاف دیواری پنهان کند و موقع برگشتن به پشت سر خود نگاه نکند، بعد از سه روز، او را برای شغلی دعوت می کنند و مشغول به کار خواهد شد. کراراً تجربه شده است.

(سر المستتر، ص 173)

* تأثیر ذکر استغفار در گشایش کاسبی

فردی که دچار مشکلات شده و همه چیز خود را در مسیر کاسبی از دست داده بود از آیت الله العظمی بهجت استمداد می طلبد و از او می خواهد تا برایش دعا کند ایشان نیز به او می فرمایند: «ذکر شریف استغفار را زیاد تکرار کن و خسته نشوید، خداوند به شما توفیق خواهد داد.

(نکته های ناب، ص 28)

* ذکر سهولت در کارها

امام صادق (ع) فرموده اند: برای سهولت در کارها و خلاصی از دشواری ها و حوادث، صد مرتبه این دعا را بخواند و باخود داشته باشد، موثر است و آزموده شده.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَهْلاً بِفَضْلِكَ يَا عَزِيزُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» این ذکر مجرب است.

(کشکول سیاح، ج 2 ص 397)

* بهبود شغل و در آمد

شخصی از آیت الله العظمی بهجت پرسید: دست بر هر شغلی که میزنم، ناکام می شوم، برای بهبودی درآمد و زیاد شدن روزی چه کنم؟

ایشان فرمودند: زیاد استغفار کنید و اگر نتیجه ندیدید، بدانید یا کم استغفار کرده اید یا با اعتقاد کامل نگفته اید. در روایات با هر سه لفظ آمده است که اگر کسی ملازم استغفار باشد، یا پیوسته استغفار کرد یا زیاد استغفار کرد، خداوند او را از هر هم و غمی رها می کند و از تنگنایی راه برون رفت برای وی قرار میدهد و از جایی که گمان نمی کند روزی اش را می دهد.

(نفس مطمئنه، ص 54)

* ذکر یافتن شغل

از حضرت آیت الله العظمی بهجت پرسیدند: برای پیدا کردن شغل چه دعایی خوب است؟ ایشان فرمودند: بعد از نماز صبح، این دعا را زیاد تکرار کنید و قبل و بعد از آن صلوات بفرستید تا انشاءالله فرج حاصل گردد:

«اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»

(پرسش های شما و پاسخ های آیت الله بهجت، ص 93)

* کیفیت صلوات حضرت فاطمه زهرا (س) برای وسعت رزق

برای وسعت رزق، هر روز 430 مرتبه خوانده شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آبِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

مرحوم لواءسلنی به آخر آن اضافه کرده است: «وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ» و سپس فرمودند: اگر روزی 70 مرتبه خوانده شود، برای رفع گرفتاری ها و وسعت رزق و روزی مجرب است.

(رهنمای گرفتاران، ص 268)

* بهترین دعا برای گشایش رزق و روزی

روزی معاویه بن عمار از امام صادق (ع) درخواست کرد که دعایی برای رزق و روزی با او بیاموزد، امام صادق (ع) در پاسخ درخواست، دعایی زیر را به او آموخت. معاویه بعد از آنکه مدتی این دعا را خواند گت: هیچ چیز را همچون این دعا برای گشایش روزی سودمند نیافتم. و دعا این است:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلالاً طَيِّباً بِلَاغاً لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ صَبّاً هَنِيئاً مَرِيئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا مَنٍّْ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَ أَسْأَلُ»

(باقیات صالحات، ص 596)

* رسیدن روزی از جایی که گمان نداری

روایت شده است که: هر کس در وقت صبح، قبل از تکلم سه بار آیه زیر را بخواند، روزی او از جایی که گمان نمی کند می رسد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»

(الصحيفة المهدية، ص 333)

* اثر ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تأثیری شگفت در برآورده شدن حاجات و باز شدن روزی دارد. این ذکر دارای خاصیت های زیادی است و درباره روزی و تأثیر این ذکر، به روایتی اشاره می کنیم که امام صادق (ع) فرمودند: تعجب می کنم از کسی که مال و متاع دنیایی می خواهد و به این کلمه

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ پناه نمی برد.

و همچنین امام صادق (ع) فرمودند: هر کس روزی صد بار این ذکر را به زبان آورد، حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور می کند؛ که کمترین آنها فقر و غم است. و نیز فرمودند: هر کس صد مرتبه این ذکر را بگوید فقر او را در نمی یابد.

(باقیات صالحات، ص 333)

* نجات از سختی ها و گشایش روزی

مرحوم نخودکی برای رفع بلا و گشایش روزی سفارش می فرمودند که بعد از نماز، سه مرتبه سوره توحید بخوانید و سه مرتبه صلوات بفرستد و سپس سه مرتبه دو آیه شریفه سوره طلاق را بخوانید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

یعنی: و هر کس خدا ترس شود، خدا راه بیرون شدن از گناهان و بلا و حوادث سخت عالم را بر او می گشاید و از آنجایی که گمان نبرد به او روزی عطا می کند و هر که در هر امر، بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد.

(سوره طلاق، آیات 2_3)

* آیات گره گشای رزق و روزی

خطیب توانا جناب آقای صدیقی می گویند: از مرحوم سید احمد خمینی شنیدم که فرمود: روزی در خدمت پدرم به حرم امام رضا (ع) مشرف می شدیم، در بین راه مرحوم نخودکی را دیدم، به پدرم گفتم ایشان جناب نخودکی است.

پدرم گفت: خوب است ذکر از ایشان یاد گرفته و به کار ببندیم.

همین که نزدیک مرحوم نخودکی شدیم، بدون آنکه صحبتی شده باشد، ایشان فوراً فرمودند: برای رزق و روزی این آیات را بعد از نمازها سه مرتبه بخوانید مجرب است:

وَمَنْ يَتَّقَ اللَّهَ يَجْعَلْ لِّشَيْءٍ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ لَّا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.

(آب حیات. ص 9)

* دستور العمل حضرت حجت برای ازدیاد رزق

ملا محمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه برای او گشایش نمی شد، تا این که شبی در عالم خواب، خدمت حضرت حجت (ع) رسید و عرض حال کرد. حضرت حجت (ع) فرمودند: به نزد سید محمد سلطان آبادی برو به دستور العمل آن عمل کن:

اول آنکه بعد از فجر، دست بر سینه گذاشته، هفتاد مرتبه بگو: «یا فَتَّاحُ»

دوم آنکه مواظبت کن خواندن دعای:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا

سوم آنکه بعد از هر نماز صبح این جملات را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرَهُ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

(گنج های معنوی. ص 143)

* دستور العمل رسیدن به توانگری و غنی

پیامبر خدا (ص) فرمودند: بسیار یاد کردن خدا و بر من صلوات فرستادن، موجب برطرف شدن فقر می شود. همچنین حضرت در پاسخ کسی که نزدش از فقر شکایت کرده بود، فرمودند: وقتی داخل خانه خود شدی، سلام کن؛ خواه کسی در خانه باشد خواه نباشد، و بر من سلام و صلوات بفرست؛ و بعد از آن سوره «اخلاص» را بخوان. آن مرد به این دستور پیامبر خدا (ص) عمل کرد و چند روزی نگذشته بود که آثار توانگری و غنی را مشاهده کرد؛ به طوری که به دیگران نیز کمک می کرد.

(جلاء الافهام، ص 252)

* چهار ذکر را بگویند تا نعمت ها دور نشوند

امام علی (ع) می فرمایند: پیامبر خدا (ص) فرمودند: کسی که صبح کند و چهار چیز را بگوید، می ترسم که نعمت از او دور شود:

اول اینکه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْنِي غَمِيانَ الْقَلْبِ»

دوم بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ»

سوم بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ»

چهارم بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ عُيُوبِي وَ لَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ»

(الدعوات، ص 81)

* ذکر ثروتمند شدن تا هفت نسل

از پیامبر اکرم خدا (ص) روایت شده است که هر کس می خواهد رزق و روزی او زیاد شود و به آسانی به او برسد، باید هر صبح و هر شب، سه مرتبه این دعا را بخواند، و گفته شده: این دعا به حدی نتیجه می دهد که فرزندان شخص دعا کننده هم تا هفت بطن، محتاج نمی گردند، بعون الله تعالی.

و دعا این است:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، أَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا وَاسِعًا خَلَالًا طَيِّبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 87)

* ذکرى که از اسرار پنهانی است

به خط عالم ربانی سید مرتضی کشمیری نوشته شده است که: برای پولدار شدن فرموده بودند: هر روز هفت مرتبه دعای زیر را بخواند، بسیار مجرب است و از اسرار پنهان است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقْوَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي ذَلِيلٌ فَأَعِزَّنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ فَأَغْنِنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(تحفه رضوی، ص 38)

* تأثیر قرائت سوره واقعه در شب

علامه حسن زاده می فرمایند: از «ابن مسعود» نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) شنیدم که: هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند، هیچ گاه محتاج نمی شود.

(پندهای حکیمانه 3.ص 67)

* دستورالعمل امام هشتم (ع) برای رفع فقر

جناب آقای سید عباس کاشانی می گوید: پدر بزرگوارم از مرحوم علامه زین العابدین گلپایگانی نقل می کرد که ایشان در عالم خواب، مشرف به حضور امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) گشته و از ایشان برای معشیت نسخه ای نموده بودند. حضرت (ع) فرموده بودند: هر روز صبح، بعد از نماز صبح 110 مرتبه بخوان:

«اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»

پدرم می فرمود: براین دعا مواظبت کردم و اثرات عجیبی در روزی ام دیدم.

(مخازن. ج 1 ص 185)

* طریقه توسعه رزق و روزی

برای توسعه رزق و روزی و امر معشیت و رسیدن به ثروت و توانگری، نزدیک صبح برخیزد و دو رکعت نماز حاجت به جای آورد: در رکعت اول بعد از خواندن سوره «حمد»، هفده مرتبه سوره «کافرون» و در رکعت دوم هفده مرتبه سوره «توحید» را در رکوع هر دو رکعت، هفده مرتبه ذکر رکوع و در سجود هفده مرتبه ذکر سجود و بعد از نماز هفده مرتبه آیه الکرسی را بخواند که انشاءالله مجرب است و گفته اند که: این عمل از گنج های مخفی است، به هر کسی نیاموزید.

(گلزار اکبری. ص 228)

* هر کس این کلمات را صد بار بخواند، ثروتمند می شود

مرحوم نایینی می گوید: هر کس این کلمات را صد مرتبه بخواند، ثروتمند می گردد و مجرب است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ يَا ذَا الْمَعْرِفِ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَحْسِنَ إِلَيْنَا يَا إِحْسَانَكَ الْقَدِيمَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(گوهر شب چراغ. ج 21 ص 52)

* اثر صد بار ذکر «یا مُحْسِن» در ثروتمند شدن

از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که: هر کس در شبانه روز صد مرتبه بگوید: «یا مُحْسِن» ثروتمند خواهد شد. این ذکر به تجربه ثابت شده است.

(ختوم و اذکار، ص 124)

* دعا برای به دست آوردن مال بسیار

پیامبر خدا (ص) هر کس در دو ماه پیاپی، هر روز چهار صد مرتبه این دعا را بخواند، خدا علم بسیار او را کرامت فرماید:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»
(درمان با دعا، ص 68)

* ادای قرض و رفع سختی با صلوات خاصه حضرت زهرا (س)

جناب آقای رضوی می گویند: صلوات حضرت فاطمه (س) دعایی است مجرب برای پرداخت قرض ها و رفع سختی های زندگی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

این ذکر را 430 مرتبه و به گفته بعضی از علماء 70 مرتبه بخواند تا حاجتش بر آورده شود. عده ای گفته اند: «430 مرتبه در طی چند روز بخواند، و در آخر دعا «وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ» نیز بگوید.»
(تحفه رضوی، ص 41)

* دعای ادای دین

از امام جواد (ع) روایت شده است که شخصی نزد امام رضا آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا، فرزندان زیادی دارم و دینی بر گردن دارم و دچار مشکلی شده ام، دعایی به من بیاموز که هرگاه خداوند را به آن دعا بخوانم، خداوند روزی به من عنایت فرماید.

امام رضا (ع) فرمودند: ای بنده خدا، وضو بگیر و آن را زیبا به عمل آور، سپس دو رکعت نماز به جا آور که رکوع و سجده ی آن را کامل انجام دهی سپس بگو:

«يَا مَاجِدُ يَا كَرِيمُ، يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحاً يَسِيراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً، أَلَمْ بِهِ شَعْتِي وَ أَقْضِي بِهِ دِينِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي»
(صحیفه الرضا، ع) ص 135)

* تأثیر دعای توسل به امام جواد (ع) برای ادای قرض

برای ادای قرض و رسیدن به نعمت های پی در پی، خواندن دعای توسل به مولایمان امام جواد (ع) بسیار مجرب است و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَّا جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَسْعِكَ وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ أَغْنَى بِخِلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ جَعَلْتَ حَالِي إِلَيْكَ إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ»
(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 84)

* ذکرى که سبب رفع تمامی گرفتاری ها می گردد

امام موسی بن جعفر (ع) از پدران گرامی اش روایت می کند که پیامبر خدا (ص) به امام علی (ع) فرمودند: یا علی، هرگاه سختی و ناگواری به تو روی آورد، بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْعَمِّ»
(صحیفه کاظمیه، ص 289)

از علامه مجلسی نقل گردیده که سنت است بعد از نماز واجب، این دعا را بخوانند و سید بن طاووس می فرماید که این از مستحبات یقینی است؛ پس مداومت نمایند به این دعا؛ که تمامی گرفتاری ها و سختی ها را بر طرف می سازد و این است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»
(کلیات مفاتیح الحاجات، ص 72)

سفارش ها و دستورالعمل های آیت الله سید علی آقا قاضی

1. همواره به تسبیح حضرت فاطمه (ع) بعد از نماز ها و نیز خواندن آیه الکرسی و سوره «یس» بعد از نماز صبح و سوره «واقع» در شب ها سفارش می نمودند .

2. مواظبت بر نوافل شب و گفتن 70 مرتبه استغفار بعد از نماز عصر از دیگر سفارش های ایشان بود .

3. خواندن ذکر زیر را بعد از نماز صبح و مغرب ده مرتبه سفارش می نمودند .

« لا اله الا الله وحده لا شریک له ؛ له الحمد و له الملك و هو علی کل شیء قدير ؛ اعوذ بالله من همزات الشیاطین و اعوذ بک ربی ان یحضرون ؛ ان الله هو السميع العليم »
(اسوره عارفان : ص 129)

4. خواندن نوافل که 51 رکعت است ؛ پس اگر نتوانستید 44 رکعت و در صورت اشتغالات دنیوی حداقل نماز توابع را بخوانید (نماز اهل توبه که هشت رکعت هنگام زوال است) .

5. قرائت قرآن در شب با صدای رسا ؛ اگر یک جزء خوانده شود ؛ بهتر است .

6. دعای فرج امام زمان (ع) در همه حال به خصوص در قنوت نماز وتر .

7. قرائت زیارت جامعه کبیره در روزهای جمعه .

8. زیارت اهل قبور .

9. خواندن صد مرتبه سوره قدر در شب و روز جمعه .

10. خواندن «مسبحات» قبل از خوابیدن .

علامه طباطبایی فرموده اند:

«... سوره های مسَبَّحات که با یَسْبَح و سُبْح شروع می شود پنج عدد است: سوره حدید؛ حشر؛ صف؛ جمعه و تغابن و سوره اعلی که با «سَبَّح» به فعل امر شروع می شود؛ جز مسَبَّحات نیست؛ گرچه در روایتی وارد شده است ولیکن در روایت معتبره مسَبَّحات را همان پنج سوره تعیین کرده است.»

سفارش ها و دستورالعمل های آیت الله سید عبدالکریم کشمیری

نکته های اخلاقی و معنوی حاضر حاصل تجارت عملی و دستورات و سفارش های عرفانی آیت الله کشمیری (ره) است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان در این جا ذکر می شود.

1. قرائت ذکر یونسیه (آیه شریفه ی: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»)
2. قرائت سوره «انا فتحنا لک فتحنا مبینا» برای رفع حجاب ها؛ بسیار خوب است.
3. ادعیه و اذکار ماثوره همه خوبند؛ ولیکن در دعاها از دعای یستشیر در صبح و شب و در اذکار از ذکر «یا حی؛ یا قیوم» استفاده بیشتری می برده ام.
4. تلاوت 400 مرتبه آیه نور «الله نور السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِ كَمَشَاك»
5. قرائت یک حمد و یازده سوره توحید و هدیه آن به ارواح مومنین بسیار مفید است.
6. در زمان هجوم گرفتاری ها و مشکلات؛ قرائت سوره و یا ذکری به نیت هدیه به امام جواد (ع) موثر و مجرب است.
7. اثر دعاها و یا اذکار زمانی ظاهر می گردد که یک سال کامل از استمرار آن بگذرد.
8. بهترین حالت برای سالک حالت سجده است. یا اذکاری همچون ذکر یونسیه و یا ذکر امام کاظم (ع) «فلیحسن العفو من عندک» که هیچ عملی همچون سجده برای شیاطین سخت و ناراحت کننده نیست.
9. مداومت بر قرائت سوره توحید باعث ازدیاد یقین می گردد.
10. برای حدیث نفس ذکر تهلیل «لا اله الا الله» بسیار موثر است.
11. در میان ادعیه وارده؛ قرائت دعای احتجاب: «یا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه..» برای نورانیت قلب موثر و مجرب است.
12. قرائت 21 مرتبه آیه الکرسی در روز برای تقویت حافظه بسیار موثر است و مراد از آیه الکرسی سه آیه از سوره بقره است نه تنها یک آیه که برخی می گویند.
13. یک بار از مرحوم آقای قاضی درخواست کیمیا و راهنمایی رسیده بدان را کردم؛ ایشان فرمود: این ذکر را بسیار بگو: «اللهم اغْنِنی بحلالک عن حرامک و بِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِوَاک» که این خود کیمیاست.

* عدد و خواص سوره های قرآن

* آیت الله کشمیری در باره سوره توحید « قل هو الله احد » می فرمود:

در تمام ماه رجب هزار مرتبه سوره توحید وارد شده است و برای همه چیز خوب است که تقریباً روزی 333 مرتبه می شود.

استاد موقع ورود به خانه ؛ ابن سوره را می خواند و می فرمود: فقر از خانه بیرون می رود.

* درباره سوره قدر « انا انزلناه فی لیلة القدر » می فرمود:

خواندن این سوره مخصوصاً در شب های ماه رمضان ؛ شبی 1000 مرتبه بسیار خوب است و اگر کسی از شب اول ماه رمضان تا شب بیست و سوم هر شبی 1000 مرتبه بخواند در خواب یا بیداری آینده آن کس را به او نشان می دهند ؛ خودم هم چند سال انجام دادم.

صد مرتبه سوره قدر ؛ در عصر جمعه برای رزق حلال مفید است و طبق روایت از 100 رحمت ؛ عصر جمعه 99 تای آن برای خواننده آن است . بعضی به جای هزار مرتبه سوره قدر در شب های ماه رمضان صد مرتبه سوره دخان می خوانند.

* درباره سوره حشر می فرمود:

سوره حشر مخصوصاً چهار آیه آخر آن دارای امتیازات بسیار است : از جمله یک روش خواندن آن به این طریق است که یک اربعین از روز اول یک مرتبه ؛ روز دوم دو مرتبه ؛ تا روز چهارم چهار مرتبه و برای مرتبه دیگر به عکس اول شروع می شود تا اربعین دوم تمام شود . این ختم برای استجابت دعا خوب است.

* درباره سوره فتح « انا فتحنا لك فتحا مبینا » می فرمود:

برای سالک خواندن این سوره ؛ به جهت رفع حجب و گشایش قلب لازم است.

* درباره سوره النجم « و النجم اذا هوی * ما ضلّ صاحبکم و ما غوی » می فرمود: برای امراض صعب العلاج هر روز خوانده شود و به امام زین العابدین (ع) تقدیم گردد.

* درباره سوره یس می فرمود: در شب نیمه شعبان ؛ سه بار این سوره خوانده شود: یکی به نیت سلامتی ؛ دیگر به نیت رزق ؛ خواندن این دو سوره موثر است.

* درباره سوره الذریات می فرمود: برای توسعه رزق ؛ خواندنش موثر است.

* در باره سوره انشراح می فرمود: برای کسانی که سینه شان تنگ و مغموم است ؛ خواندنش خوب است و سینه را باز می کند و مرحوم آقا سید هاشم حداد این مطلب را گفته اند و تجربه هم نشان داده است .

* درباره سوره العادیات می فرمود:

روزی 110 مرتبه خوانده شود؛ روزی حلال فراوانی به انسان خواهد رسید.

* درباره سوره حمد می فرمود: برای قضای حوائج به مدت خاص روزی 149 مرتبه مجرب است.

* درباره سوره نور می فرمودند: برای روشنایی دل و قلب ؛ صبح یک مرتبه ؛ ظهر یک مرتبه ؛ شب یک مرتبه خوانده شود و تقدیم به امیرالمومنین (ع) شود.

* آثار و خواص اذکار و اوراد

آیت الله کشمیری (رح) معمولا به سه ذکر نسبت به درخواست کننده ها ؛ توجه تام داشتند:

« یا حی یا قیوم »، « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » و « ذکر یونسیه »

* می فرمود: « یا مفتاح الابواب یا مقلب القلوب والبصار یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب واقض حاجتی واکف مهمتی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلى الله على محمد وآله اجمعین »
100 مرتبه برای قضای حوائج موثر است . (شروع روز چهارشنبه تا جمعه هفته آینده ده روز ؛ هر روز 100 مرتبه .)

* ذکر « یا حی یا قیوم برحمتک استغیث » برای روحانیت و معنویت مفید است.

* هزار مرتبه « اللهم العن معاویه بن ابی سفیان » برای قضای حوائج موثر می باشد.

* 1400 صلوات نذر موسی بن جعفر (ع) برای حوائج.

* « استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذوالجلال والاکرام و اتوبُ إلیه » (روایت در کافی از امام باقر (ع) بعد از نماز واجب پیش از آن که پاهای خود را بگرداند سه مرتبه این دعا را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند کف دریا باشد سه مرتبه بعد از هر نماز برای نورانیت دل مفید است.
(مفاتیح الجنان)

* « الله الصمد » برای قوی شدن اراده به عدد کثیر ؛ اما « الله لا اله الا هو الحی القیوم » روزی 1001 مرتبه؛ بعد از نماز صبح برای نورانیت قلب مفید می باشد.

* « لا حول ولا قوة الا بالله » روی صد مرتبه برای دور نمودن هفتاد نوع بلا که کمترین آن غم و اندوه موثر است. بر گفتن ذکر « لا اله الا الله » برای نفی خواطر خوب است.

* 70 مرتبه « استغفار » بعد از نماز عصر برای روشنایی دل ؛ خوب است .

صد مرتبه « استغفار » هنگام خوابیدن ؛ برای آمرزش گناهان موثر است .

مرحوم سید علی آقا قاضی (ره) همواره به این دو استغفار سفارش می کردند.

* ذکر یونسیه

ذکر یونسیه مراد آیه 87 سوره انبیا است: « لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین » سلسله عرفای قرن اخیر؛ از آیه الله سید علی شوشتری؛ ملا حسینقلی همدانی؛ سید احمد کربلائی و سید علی آقا قاضی تا آیت الله کشمیری؛ همگی اتفاق و تاکید بر این ذکر در سجده داشتند.

* آیت الله کشمیری در آثار این ذکر می فرمود:

1. برای دیدن حالات برزخی موثر است و در نجف برایم کراراً اتفاق می افتاد .
2. برای تقویت نفس و قلب بسیار خوب است .
3. چیزی بهتر از ذکر یونسیه برای پیشرفت راه ندارم .
4. برای رفع حجب و نورانیت موثر است .
5. استجابت دعا و نجات مومنین ؛ از طرف خدا شامل گوینده آن می شود . آخوند ملا حسینقلی همدانی فرموده بود: هر قدر در هر وقت بتوانید این ذکر را بگویید و مرحوم شیخ محمد بهاری در تذکره المتقین فرموده بود: « سالک در اواسط کارش این ذکر را بگوید ». (عددش به ایچد 2374 می شود)
- * آیت الله کشمیری از قول مرحوم سید هاشم حداد نقل کرد که ذکر یونسیه برای معرفت نفس و معرفت رب موثر است و خودش به ذکر یونسیه مشغول بود.
- * شفا و تندرستی با هفت سلام قرآنی

از جمله مطالبی که آیت الله کشمیری برای شفای مریض می فرمود ؛ این بود: که هفت سلام قرآنی با زعفران بر کاسه مثلاً چینی نوشته شود و بعد شسته شده و آب آن را مریض بدهند که نافع است.

1. « سلام قولاً من ربّ رحیم » (سوره یس: آیه 58)
2. « سلام هی حتی مطلع الفجر » (سوره قدر: آیه 5)
3. « سلام علی نوح فی العالمین » (سوره صافات آیه 79)
4. « سلام علی ابراهیم » (سوره صافات: آیه 109)
5. « سلام علی موسی و هارون » (سوره صافات آیه 120)
6. « سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین » (سوره زمر: آیه 73)
7. « سلام علی آل یاسین » (سوره صافات آیه 30)

از قول مرحوم آقای سید هاشم حداد این سلام ها به همین شکل برای تقویت حافظه نقل شده است.

(عارف فی الرحاب القدسیه: ص 217)

* آیه الکرسی و معوذتین

در مراجعات به محضر آیت الله کشمیری؛ بعضی شکایت از اذیت شیاطین و وسوسه در خیال و نفس می کردند؛ ایشان می فرمود: آیه الکرسی و سوره « قل اعوذ برب الناس » و سوره « قل اعوذ برب الفلق » تکرار شود؛ خواندنش برای دفع شیاطین خوب است.

کلمات قصار و نصایح آیت الله سید عبدالکریم کشمیری

1. مکاشفات از صفای باطن برمی خیزد.
2. اگر کسی واقعا حقائق را دید؛ به مطالب صوری دل نمی بندد.
3. حالات اگر ملکه نشوند؛ به اندک غفلی از بین می روند.
4. داشتن استاد برای سالک ضروری است.
5. کسی که هم خدا و هم خرما را بخواهد ترقی نمی کند.
6. بهترین طریق مجاهدت نفسانی آن است که با ذکر دائم و مراقبه همراه باشد.
7. مراقبه نفس از واجبات است.
8. با تنبلی کسی به جایی نمی رسد.
9. علما شخص متلون را نمی پذیرند.
10. توسلات و ادعیه؛ زاد همیشگی سالکان است.
11. رعایت اغذیه روحانی همیشگی است و تاثیر آن همیشگی.
12. تا نفس مطمئنه نشود؛ می ترسد.
13. صحو بهتر از سُکر است.
14. جای ظهور الهام؛ قلب و صدر است.
15. سعید در کنون ذاتش سعید است نه بعداً.
16. ذکر قلبی توجه و اثرش بهتر از ذکر لفظی است.
17. همه اذکار؛ تُروک در اعمال آن دخیل است.
18. با تخلیه و تجلیه هم می آید.

19. بیداری سحر افضل از بیداری بین الطلوعین است .
20. سُر ؛ آخرین مرحله معنوی نفس انسانی است .
21. خلاصه سلوک؛ در ترک ماسوی الله است .
22. با زحمت و استقامت می توان به مقامی رسید.
23. ما باید لیاقت پیدا کنیم تا به مقامی برسیم .
24. نفی خواطر با مراقبه موثرتر است .
25. خوب درس دادن معیار نیست ؛ تدریس با تهذیب معیار خوبی نزد خداست .
26. شرف اهل علم ؛ فقر است .
27. شیطان از سجده خوشش نمی آید ؛ سالک لازم است سجده را ترک ننماید .
28. از اعمالی که جنبه تسخیر جن و امثال اینها را دارد ؛ پرهیز باید کرد .
29. دوری از غذاهای لذیذ برای تهذیب نفس بهتر است .
30. از علمی که غرور بیاورد دوری باید کرد .
31. حکمت ؛ معرفت به حقایق اشیاست .
32. مراقبه کامل و ریاضات مشروعه موجب ظهور معاینات و مکاشفات می شود .
33. وقتی عبد فانی فی الله می شود که کارهایش برای خدا شود و خودیت خود را نبیند .
34. ادمان ذکر یونسئیه موجب باز شدن چشم برزخی می شود .
35. کنه حق تعالی ادراک نمی شود نه در دنیا و نه در آخرت .
36. وجود مرض و فقر از حق است ؛ اما ماهیتش که اسباب باشد از بنده است .
37. برای سالک مبتدی ترک هر چیزی که جنبه صفات بهیمی داشته باشد ضروری است .
38. اذکار و ادعیه با شرائط تاثیر دارد ولکن مراقبه از شرایط لازم سلوک است که حرف اول را می زند .
39. مومنی که مخلص باشد با صفت استقامت ؛ ملائکه بر او نازل می شوند .
40. هم ملک و هم جنّ مومن ؛ مومنین را برای نماز شب بیدار می کنند .
41. راه برای همگان باز است و راهگشایی با ذکر یونسئیه بهتر است .
42. قلب وقتی روشن شد کشف برایش حاصل می شود به نحو لزوم و التزام .
43. سالک به همت و نفس مردان خدا راه می رود تا به مقصد برسد.
44. نفی خواطر با ذکر و فکر باشد تا شیطان نفوذ نکند .

45. عَمَّامه گذاشتن شرط دارد و آن این که دائم انسان در حضور خدا باشد و غفلت نکند .
46. بزرگان اخلاق و عرفان همه رفتند ؛ شما زحمت بکشید و جای آنها را پر کنید .
47. هر گاه یکی از استخوانهای تقوا (عارفی) بمیرد ؛ معمولاً بعدش بلا می آید .
48. آنهایی که من دیدم الان دیگر نیستند .
49. اگر کسی دل به دنیا و (ادعای عرفان نمود) او عارف حقیقی نیست .
50. یک علت غفلت اهل دانش ؛ نبود استاد اخلاقی است .
51. افراط و زیاده روی در مصرف سهم امام سبب ابتلائات می شود .
52. زهد در علمای گذشته بیشتر بوده است .
53. مصرف اول سهم امام ؛ فقرای اهل شیعه است و برای غیر تجویز نمی گردد .
54. در حوزه ها باید استاد ولایت مطلقه که خود طعم آن را چشیده باشند زیاد شوند و تدریس کنند.
55. داشتن تقوا موثر در فوق العادگی انسان است نه دانستن علوم غریبه .
56. حزن فرع و شعبه ای از تفکر اشد.
57. امامان مقام جمع الجمعی و ولایت مطلقه را دارند و غیر ایشان ندارند.
58. با خدا دوست شوید (یا خیر حبیب و محبوب) و توجه به خدا داشته باشید .
59. ذبح (قربانی) برای همه چیز خوب است .
60. وجود همه تابع و اشعه وجود حقیقی حق تعالی است که در غایت خفاست .
61. تهلیل (لا اله الا الله) برای درمان حدیث نفس خوب است .
62. اولیاء خدا در بهشت عند ملوک مقتدر هستند ؛ به بهشت خاص نه بهشت عمومی .
63. برای تمرکز قوای فکری ؛ بستن چشم خوب است ؛ چه آنکه چشم باز است (ذهن) مشغول می گردد.
64. مومن (کامل) اگر در جایی باشد صد هزار خانه اطراف در رحمت و آسایش هستند .
65. نجف همه جایش منور است ؛ گفتن یا الله یا هو هم در نجف عظمتی دارد .
66. ملکوت هر چیزی روحانیت و باطن آن چیز است .
67. اگر صفتی یا حالی ملکه شده باشد می ماند .
68. قرآن زیاد خواندن ؛ نماز شب و امثال اینها مقام می آورد .
69. اگر کسی به مطالب دنیوی دل بست عارف حقیقی نیست .
70. چون عبد غفلت نکند به مجاورت حق می رسد .

71. آنجا (افراد در بهشت برزخی) به حقایق ملکوتی متنعم هستند .
72. با آمدن مرگ؛ همه رعایت‌های جسمانی پایان می پذیرد.
73. با خدا رفیق شوید ؛ نه او رفیق بلکه شفیق هم می باشد .
74. همه استعداد دارند ؛ لکن توفیق الهی باید شامل حال شود .
75. برای ورود به وادی سلوک بدون استاد نمی شود .
76. نجف و مسجد کوفه روح و ریحان بود .
77. ختم ذکر یونسیه؛ ختم همه عرفاء است .
78. درون صفت رضا ؛ تسلیم خوابیده است .
79. خوب است هر روز ساعتی با حضرت بقیةالله ارتباطی (از ذکر ؛ دعا و توسل) داشته باشد .
80. در حضور خدا باشید .
81. اول نجف بعد قم خوب است . تهران بخاطر بچه ها میل دارم ولی مردم (اصیل) شان خوبند .
82. (مهرماه 1375) اهل نجف با اهل علم خوب تا نکردند که کارشان به اینجا رسید .
83. غذای طلبگی موضوعیت دارد ؛ جوریکه بهترین آبگوشت در خانه درست کنند ؛ مانند غذای طلبگی حجره نمی شود .
84. این هائی که چشم به اشیاء مردم از قبیل انگشتر و تسبیح و دیگر لوازم دارند ؛ آدمهای خوبی نیستند و این کار بسیار بدی است .
85. دارنده اسم اعظم در مقامی است که توجه می کند و اثر می نماید.
86. برای راه گشایی ذکر یونسیه نافع است .
87. بهترین یاد خداوند ؛ قرآن خواندن است .
88. ترک واجب و عمل به محرم از کمال هر چیزی می کاهد .
89. هر چه انسان از اهل منصب دور باشد بهتر است .
90. ذکر را با طرب باید گفت نه به کسالت .
91. رابطه شاگرد با استاد مثل عبد در برابر مولا باشد .
92. زن و بچه که ملاصدرا نمی شوند که هر چه گفته می شود تفهیم شوند .
93. به ذکر و ریاضت ؛ انسان نورانیت پیدا می کند .
94. خیلی مهم است که به نفس بهاء داده نشود .

95. جزئی اخبار (غیر سلوکی ؛ برای سالک) هم بسیار است .

96. با اهل ذکر و نروید و درگیر نشوید که اثر وضعی دارد .

97. نباید از دستور استاد بیشتر ذکر گفت .

98. آن هائی که زحمت می کشند و ثمره خوبی نمی یابند برای این است که شرایط در آنها جمع نیست .

* استخاره ای خاص

در سال 1367 فرمودند : هر گاه انسان سه مرتبه صلوات بفرستد ؛ و صد مرتبه «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِی عَافِيهِ» بگوید؛ بعد یک قبضه تسبیح را بگیرد؛ یکی بیاید بسیار خوب ؛ دو تا میانه مایل به بدی ؛ سه تا زحمت دارد و عاقبتش خوب و چهار تا بسیار بد است . این استخاره رد خور ندارد و (برای اهلش) به دل الهام شود.

* با اهل ذکر درگیر نشوید

در سال 1367 فرمودند: با اهل ذکر که یاد خدا می کنند حتی از مذاهب دیگر و نروید و درگیر نشوید که اثر وضعی دارد.

فرمود: من (در جوانی) به مسجد سهله رفتم ؛ دیدم مرادی با مریدانش ذکر می گویند با حالتی مخصوص که به صورت ظاهر زبینه نبود . با بزرگ آنان برخورد کردم و گفتم : زبینه نیست به این حالت (گردشی و دوری) ذکر می گوئید .

این واقعه سبب شد که مدت های بسیار زیاد موفق به رفتن مسجد سهله نشدم ؛ تا اینکه بزرگ آنان و من آشتی کردیم . چهار روز پس از این قضیه موفق به رفتن مسجد سهله شدم.

* ذکر به اندازه

سیره استاد بر این بود که هر چه استاد طریق گفت به همان اندازه باید ذکر گفت . از پیش خود وبا خواندن از کتابی ؛ نباید اذکار را گفت.

ظرف و مظروف چون تطابق نداشته باشند عوارض پیدا می کند . می فرمودند : فلان اهل دانش در نجف اشرف عدد ذکر محبت را بیشتر گفته بود و ستون (مسجد یا تکیه ای را) می بوسید . فلان عوام ذکر در این باره می خواند و دیدند الاغی را می بوسید .

فرمودند نباید از دستور استاد بیشتر گفت و تجاوز کرد (که افراد ناقابل و بی ظرفیت برای آنان مشکل ایجاد می شود) .

* تسبیحات اربعه

جناب استاد می فرمود: تسبیحات اربعه یعنی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بعد از هر نماز 30 مرتبه برای نورانیت قلب خوب است و مرحوم سید علی آقا قاضی به آن امر می کردند. از امام رضا (ع) روایت است کسی تسبیح تربت امام حسین را داشته باشد و آنرا بگرداند و تسبیحات اربعه را بگوید؛ برای هر یک دانه؛ خداوند برای گوینده آن 6000 حسنه بنویسد و 6000 گناه را محو کند و 6000 شفاعت درجه او را بلند کند.

(مفاتیح الجنان ص 830)

پس سزاوار است سالکین الی الله با تسبیح تربت مخصوصا قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب صد مرتبه تسبیحات اربعه را با توجه بگویند تا مصداق این آیه « و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها » تسبیح خدا قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب کن. (طه: 130) بشوند.

* پاسخ به یک پرسش (از کتاب «روح و ریحان» سید علی اکبر صداقت)

دوستی از اهل سلوک گفته بود: چرا بعضی از اذکار که در کتاب ها ذکر می شود؛ بعضی ها عمل می کنند و نتیجه نمی گیرند و بعد هم ناراحت می شوند؟

حقیر گفتم: اذکار و اوراد بمنزله دوا هستند که طبیب حاذق به بیماران روحی و به حاجتمندان به تناسب می دهد و به خاطرهمین نکته اجازه استاد عامل لازم است.

برنیامدن حاجت دلیل غلط بودن در نوشتار کتابی نیست بلکه مشکل از حاجتمندان است که با ده ها معایب نفسانی و عدم درک حکمت الهی وبا عجله می خواهند جواب بگیرند و بقول استاد (عبدالکریم کشمیری) پرونده قبلی آنها که خراب است را مطالعه نمی کنند؛ بعد ناراحت می شوند که چرا خواندیم و نشد!! برای نمونه در کتاب محجة البیضاء فیض آمده است که:

1- بنی اسرائیل هفت سال در خشکسالی به صحرا می رفتند و دعای باران می خواندند و نتیجه نمی گرفتند. خدا به پیامبرشان وحی فرمود که: تا حقوق به ظلم گرفته را به صاحبانشان رد نکنند؛ دعایشان را اجابت نمی کنم.

2- در میان قومی از بنی اسرائیل قحطی شدیدی پدید آمد. هر چه دعا می کردند به اجابت نمی رسید. خداوند به پیامبرشان وحی فرمود با آنان بگو: چون شکم هایتان از حرام پر شده؛ بدنهایتان نجس و دستهایتان به خون بی گناهان آلوده است دعای شما را خدا مستجاب نمی کند. پس صرف خواندن ذکر و دعا از کتابی؛ دلیل بر قطعی بودن استجاب نیست.

البته اساتید ما می فرمودند: سه چیز برای همگان نافع و اجازه لازم ندارد و عوارض هم ندارد :
اول استغفار ؛ دوم صلوات و سوم صدقه دادن است.

فضائل و خواص دعای یستشیر

از امیرالمومنین (ع) مروی است که دعای یستشیر را پیامبر (ص) به من آموخت و امر کرد که آن را در همه حال در سختی و راحتی حفظش کنم و به خلفاء بعد از خودم تعلیم نمایم و فرمود : از خودت در مدت عمرت جدا مکن ؛ تا زمان ملاقات خدا ؛ بدرستی که این دعا گنجی است از گنجهای عرش .

عرض کردم : یا رسول الله چگونه بخوانم؟ فرمود : در صبح و شام این دعا را بخوان . ابی بن کعب انصاری از پیامبر (ص) ثواب این دعا را طلب نمود . حضرت فرمود : ای ابی ؛ ساکت باش که از کثرت ثواب آن همه علماء از حیرت مبهوت و زبانشان زبانشان از کثرت و زیادت ثواب این دعا نزد خداوند عزّ و جل برای صاحب این دعا بند می آید.

ابن کعب گفت: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد ما را از ثواب این دعا ؛ آگاه فرما . پیغمبر (ص) تبسم کرد و فرمود : همانا انسان بر آنچه منع شود حریص تر است ؛ سپس فرمود : شما را به برخی از ثوابهای این دعا آگاه می کنم:

اول: کسی که این دعا را بخواند خیر و برکت از فرق سرش تا زمین از آسمان بر او می بارد و او را آرامش و رحمت می پوشاند و برای این دعا انتهائی جز عرش خدا نیست . زمزمه ای حول عرش دارد همچون زمزمه زنبور عسل و خداوند بر خواننده این دعا به نظر رحمت می نگرد .

دوم اینکه: هر کس سه نوبت این دعا را بخواند خداوند هر حاجت خیری که داشته باشد در دنیا و آخرت برآورده گرداند.

سوم: خدای تبارک و تعالی او را از عذاب قبر برهاند .

چهارم: تنگی سینه او را برطرف فرموده و به او شرح صدر عطا فرماید .

پنجم: چون روز قیامت فرا رسد ؛ خواننده این دعا سوار بر شتری تندرو و سفید مزین و آراسته به مروارید نزد حق برخیزد و خداوند می فرماید همه کرامتها را به او بدهید و گوید بنده ام در هر جای بهشت که خواهی ساکن شو و آنقدر کرامت و فضیلت به او عطا کند که هیچ چشمی ندیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است و هیچ زبانی گویای وصف آن نتواند بود .

سلمان فارسی عرض کرد : فدایت شوم یا رسول الله از ثواب این دعا بیشتر بفرمائید ! حضرت فرمود :

ششم: به خدائی که مرا به نبوت مبعوث کرد اگر این دعا بر مجنون خوانده شود همان ساعت از آن حالت باز آید .

هفتم: اگر زنی زایمان بر او مشکل شده باشد و این دعا بر او خوانده شود خدا زایمان او را آسان و فرزند را در طرفه العینی متولد گرداند.

هشتم: اگر بر شخصی که عاق والدین شده بخواند همانا خداوند آن را اصلاح کند .

نهم: هر بنده ای که چهل شب جمعه این دعا را بخواند خداوند عز و جل آنچه از گناهان بین او و خدا و بندگان است را بیامرزد .

دهم: هر کس این دعا را بخواند خداوند هم و غمها و دردهای دنیا را از دلش بیرون کند .

یازدهم: هر کس در هنگام خواب بخواند و بخوابد حتی اگر خوب نخوانده باشد ولی بامید ثواب باشد؛ خدا به هر حرفی از این دعا هزار فرشته کروی که رویهای ایشان نورانی تر باشد از آفتاب و ماه شب چهارده، بر او بفرستد.

سلمان عرض کرد: آیا خدا این همه ثواب به بنده اش عطا خواهد کرد ؟

حضرت فرمود: از این ثوابها مردم را مطلع مکن تا بزرگتر از آنچه بتو گفتم بگویم . سلمان عرض کرد : یا رسول الله چرا به کتمان آن ثوابها امر می فرمائید؟

فرمود : می ترسم مردم اعمال نیکو را ترک کنند و تکیه براین ثوابها نمایند .

سلمان عرض کرد : آن ثواب بزرگتر را بفرمائید. حضرت فرمود :

دوازدهم: هر گنهکاری که مرتکب کبائر شده باشد و قبل از مردن این دعا را بخواند ؛ شب بمیرد یا روز ؛ همچون شهید از دنیا رفته و اگر موفق به توبه نشده باشد خدا به کرم و عفو او را بیامرزد.

(مهج الدعوات ص 122)

خوانندگان استبعاد نکنند. روزی دوبار؛ یکبار صبح و یکبار شب با توجه (دعا تند تند و با عجله خوانده نشود و با اخلاص و حال و با عنایت و توجه به ترجمه و معانی دعا ؛ تا امتیازات دعا هم داده شود.)

این دعا را کسی بخواند خوب است و خداوند این همه اجر و ثواب دهد !! این دعا یادگار جدّ و پدر جناب استاد عبدالکریم کشمیری بود؛ که خود می خواندند و دوستانشان را امر به خواندن می کردند.

(روح و ریحان، ص 127)

سفارش های آیت الله کشمیری درباره ی ختم برخی سوره ها و آیات

عدد و خواص سوره ها

* خواندن 1000 مرتبه سوره ی توحید در هر روز برای نورانیت ؛ روحانیت قلب ؛ آسان شدن امور و رزق بسیار نافع است و در روایت از پیامبر (ص) نقل شده است که کسی که 1000 بار بخواند خود را از خدا خریده واز بندگان خالص الهی شود .

(بحارالانوار ج 92 ص 356)

* بی عدد کسی سوره ی توحید را بخواند و مداومت کند طی الارض به او داده می شود . همیشه خواندنش یقین انسان را زیاد می کند .

* تلاوت سوره ی قدر خصوصا در شب های ماه رمضان؛ شبی 1000 مرتبه بسیار خوب است و اگر کسی از شب اول ماه رمضان تا شب بیست و سوم هر شبی هزار مرتبه بخواند در خواب یا بیداری آینده آن کس را به او نشان می دهند ؛ خودم هم چند سال انجام دادم.

* مرحوم آیت الله خوئی به دستور مرحوم سید علی آقای قاضی (ق.س) آن را قبل از مرجعیت می خواندند و آینده خود را در عالم خواب دیدند که به مرجعیت می رسند و در کنار انبوهی از بیت المال می شنوند منادی در گلدسته و مأذنه صدا می زند : آقا ابوالقاسم خوئی وفات یافت !!
* خواندن این سوره برای رویت ملائکه خوبست .

* 100 مرتبه عصر جمعه برای رزق حلال مفید است و طبق روایت از 100 رحمت عصر جمعه 99 تای آن برای خواننده آن است . (سوره ی قدر)

* بعضی به جای هزار انا انزلناه در شب های ماه رمضان صد مرتبه سوره حم دخان می خوانند.
خواندن صد مرتبه این سوره شب جمعه و عصر جمعه از مرحوم سید علی آقا قاضی به ما رسیده است.
* درباره سوره حشر می فرمودند :

سوره حشر مخصوصا چهار آیه آخر آن دارای امتیازات بسیار است : از جمله یک روش خواندن آن به این طریق است که یک اربعین از روز اول یک مرتبه ؛ روز دوم دو مرتبه ؛ تا روز چهارم چهار مرتبه و برای مرتبه دیگر به عکس اول شروع می شود تا اربعین دوم تمام شود . برای استجابت دعا خوب است . چون چهار آیه آخر سوره حشر دارای اسم اعظم است .

* درباره سوره فتح « انا فتحنا مبینا » می فرموده اند :

برای سالک خواندن این سوره ؛ به جهت رفع حجب و گشایش قلب لازم است .

* درباره سوره والنجم (والنجم ذا هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی) می فرمودند: برای امراض صعب العلاج هر روز خوانده شود و به امام زین العابدین (ع) تقدیم گردد.

* درباره ی سوره یس می فرمودند:

سوره یس قلب قرآن شد به خاطر چهارده معصوم است که این طور وارد شده یس (صلی الله علی محمد و آل محمد) والقرآن الحکیم .

در شب نیمه شعبان ؛ سه بار این سوره خوانده شود ؛ یکی به نیت سلامتی ؛ دیگر به نیت رزق و سومی برای طول عمر .

نوعی خواندن این سوره این است که از یک تا چهل هم خوانده می شود و برای حوائج دنیوی تقدیم به امام جواد (ع) روزی یک بار .

به قصد فرزند و حامله شدن و ذریه، خواندنش خوب است و لازم نیست به کسی این سوره را هدیه کند .
نسخه ای دارم که هفت بار سوره یس خوانده می شود و هر یک را به یک سلطان معنوی مانند او یس قرن و ... هدیه می کنند و در هر دفعه به لفظ مبین می رسند ؛ حاجت را از خاطر می گذرانند.

* درباره ی سوره بقره و آل عمران می فرمودند: برای رزق ؛ خواندنش اثر دارد .

* درباره سوره والذریات می فرمودند: برای رزق ؛ خواندنش موثر است و شنیدم به بعضی ها دستوری می دادند که این سوره را برای تنگی روزی بخوانند.

* درباره سوره انشراح می فرمودند: برای کسانی که قبض دارند و سینه شان تنگ و مغموم است ؛ خواندنش خوب است و سینه را فتح و باز می کند و مرحوم آقا سید هاشم حداد این مطلب را گفته اند و تجربه هم نشان داده است.

* درباره سوره زلزال می فرمودند ؛ یک اربعین برای مشاهدات و تقویت باطن کنار جوی آب به عدد خواندنش نیک است (لکن برای بعضی مسائل چوب و عوارض دارد).

* درباره سوره والعدایات می فرمودند :

روزی 110 مرتبه خوانده شود روزی حلال فراوانی خواهد آمد و ربطش به امیر المؤمنین (ع) است.

* درباره سوره نور می فرمودند ؛ برای روشنائی دل و قلب ؛ صبح یک مرتبه ؛ ظهر یک مرتبه ؛ شب یک مرتبه خوانده شود و تقدیم به امیرالمومنین (ع) شود . به اضافه (یانور) به عدد مضبوط .

* درباره سوره های ششگانه ؛ یعنی مسبحات ست ؛ سوره حدید ؛ حشر ؛ صف ؛ جمعه ؛ تغابن ؛ اعلی می فرمودند که مرحوم سید علی آقا قاضی ؛ خود شبها قبل از خواب می خواند ؛ چه آنکه روایت دارد پیامبر هم

قبل از خواب می خواندند و می فرمودند در این سوره ها آیه ای است که بهتر از هزار آیه است. « (ان رسول الله کان یقرالمسبحات قبل ان یرقد و قال ان فیهن آیه افضل من الف آیه. »
و امام باقر (ع) فرمود: کسی که قبل از خواب بخواند نمی میرد تا آنکه حضرت قائم (ع) را درک می کند و اگر بمیرد در جوار پیامبر می باشد.

(رساله نور علی نور ص 132 - اصول کافی ج 2 ص 454)

* سوره جن با عدد مخصوص و زمان معین برای تسخیر است و سلطان دارد و کسی دنبال تسخیر نرود.
خواص برخی آیات

* استاد درباره خواص بعضی آیات می فرمودند: « آیه الكرسي سه آیه است » روزی 21 مرتبه برای حافظه خوب است.

* آیه « الیس الله بکاف عبده » (زمر: 36) با عدد مضبوط و ملازمت به شرایط آن برای محتاج نشدن به خلق.
* آیه « أزفت الأزفة لیس لها من دون الله کاشفه » (نجم : 58) یا عدد کثیر ؛ برای مکاشفات موثر و مفید است.

* آیه « قال الذی عنده علم من الكتاب.. تا غنی کریم » (نمل 40) یک اربعین به عدد مضبوط؛ ریاضت اصف برخیا است برای اسم اعظم . (این ذکر را وقتی استاد به ایران آمدند و علامه طباطبایی به ملاقات ایشان آمدند دو چیز به استاد هدیه دادند یکی همین ذکر است.)

* آیه « و عنده مفاتح الغیب... تا.. کتاب مبین » (انعام: 59) از پنج شنبه تا پنج شنبه ؛ شبی 1000 مرتبه به اضافه « یا حی یا قیوم » در هر روز به عدد خاص برای نورانیت قلب .

* شش آیه اول سوره حدید « سبح لله ما فی السموات و الارض ... تا ... علیم بذات الصدور » و چهار آیه آخر سوره حشر، « لو انزلنا هذا القرآن ... تا ... و هو العزیز الحکیم » برای قضاء حوائج موثر است . آیه نور « الله نور السموات و الارض... تا ... بکل شیء علیم » (سوره مبارکه نور : 35)

* برای دیدن امام زمان (ع) یک اربعین به عدد نور ؛ بین اذان صبح تا طلوع آفتاب . نوع دیگر از اول ماه تا پانزدهم ؛ بین الطلوعین به عددی خاص و از پانزدهم تا آخر ماه به همان عدد لا اله الا الله .

« آیه نور » به عدد 256 مرتبه ؛ برای معنویت و رزق مخصوصا بعد از نماز عشاء آیه « سلام قولا من رب رحیم » (یس : 58)

* به عدد جمع آیه به ابجد کبیر ؛ برای اسم اعظم آیه « بسم الله الرحمن الرحیم » برای قضاء حوائج در یک هفته بعد از نماز عشاء به عدد ابجد خودش به اضافه 132 صلوات در مجلس واحد .

* در بسم الله خیلی چیزهاست و مداومت بر آن انسان را مستجاب الدعوه می کند . در ایام خاص به عدد 19000 مرتبه برای اطلاع بر وقایع و آینده .

سفارش ها و دستورالعمل های آیت الله بهجت

* دستورهایی برای شفا از بیماری

1. مقدار کمی از خاک پاک مدفن سیدالشهدا (ع) را در آب زمزم مخلوط کرده و 70 مرتبه سوره « حمد » بر آن بخوانید و در نوبت های متعدد ؛ هر روز به بیمار بخورانید ؛ تا زمانی که شفا یابد .

2. به فقیران « متعدد » صدقه بدهید ؛ گرچه صدقه ای که به هر کدام می دهید ؛ کم باشد .

3. روزی هفت مرتبه سوره « حمد » را به نیت شفای او بخوانید .

4. هر کس نزد بیمار می رود ؛ برای شفایش سوره « حمد » بخواند .

5. بیمار را به مشاهد مشرفه (مزار معصومان (ص) و...) ببرید .

6. در حضور بیمار ؛ مرثیه بخوانید ؛ به طوری که او منقلب و متاثر شود .

7. حدیث کساء را « مکررا » برای شفای او بخوانید . (و هنگام خواندن در مجلسی که این حدیث را می خوانید ؛ عود روشن کنید)

8. گوسفند نذر فقیران کنید .

9. بیمار پس از نماز صبح ؛ دو رکعت نماز حاجت خواند ؛ پس از آن سه بار بگوید :

« اللَّهُ إِشْفِنِي بِشَفَائِكَ وَ دَوَانِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي بِعَافِيَّتِكَ مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ » خداوند! مرا با شفای خود ؛ شفا ده و با داروی خود ؛ درمان کن و از گرفتاری ات ؛ نجات و رهایی بخش! چرا که من بنده تو و فرزند بنده توام!

و پس از آن ؛ یک بار هم بگوید :

« بحرمه الامام الكاظم (ع) » به حرمت و آبرو و مقام امام کاظم (ع)

* باطل کننده های سحر

کسی که سحر شده (یا چشم خورده یا احتمال آن ها را می دهد) این هفت دستور را عمل کند:

1. هنگام اذان در جایی که زندگی می کند ؛ با صدای بلند و آشکار اذان بگوید .

2. پس از نماز صبح ؛ 50 آیه از قرآن را با صدای آشکار تلاوت کند .

3. دو سوره فلق و ناس را بسیار بخواند .

4. پیش از خواب ؛ « چهار قل » (یعنی سوره های کافرون ؛ توحید ؛ فلق و ناس) را بخواند .

5. همراه خود ؛ قرآن داشته باشد.

6. آیه الكرسي را فراوان بخواند و آن را نوشته ؛ در خانه نصب کند .

7. حرز امام جواد (ع) را همراه داشته باشد (مثلاً در انگشتی)

* برای یافتن هر چه که گم شده یا دزدیده شده باشد ؛ این ذکر را تا زمانی که یافته شود – بسیار بخوانید:

« أَصْبَحْتُ فِي أَمَانِ اللَّهِ؛ أَمْسَيْتُ فِي جِوَارِ اللَّهِ » در پناه خدا صبح کردم ؛ در پناه خدا وارد شب شدم.

* فراوان شدن روزی

کسی که می خواهد روزی اش فراوان شود ؛ این ذکر را بسیار بگوید و در آغاز و پایان آن؛ یک صلوات هم بفرستد (مثلاً اگر می خواهد 110 بار بگوید ؛ یک صلوات بفرستد ؛ سپس این ذکر را 110 بار بگوید و در پی آن صلواتی دیگر بفرستد):

« اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ » خدایا ! مرا به وسیله حلالیت از حرام خویش بی نیاز کن و با فضل و بخشش خودت از هر چه غیر خودت است ؛ بی نیازم ساز!

* اهلیت فرزند

پدر برای اهلیت فرزند خود چهار رکعت نماز کند به این صورت که در رکعت اول بعد از حمد 10 مرتبه این آیه را بخواند:

« رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ آرِنَا مَنَاسِكَكَ وَ تُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ » (سوره بقره: آیه 128)

و در رکعت دوم بعد از حمد 10 مرتبه این آیه را بخواند:

« رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَا * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ » (سوره ابراهیم: آیات 40-41)

و در رکعت سوم بعد از حمد 10 مرتبه این آیه را بخواند:

« رَبَّنَاهِبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ عَيْنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا » (سوره فرقان: آیه 74)

و در رکعت چهارم بعد از حمد 10 مرتبه این آیه را بخواند:

« رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ شَكَرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ اِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ » (سوره احقاف آیه 15)

و بعد از نماز 10 مرتبه بگوید:

«ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرّة أعین و اجعلنا للمتقین إماما» (سوره فرقان: آیه 74)

* نماز جعفر به جای نوافل

پرسش: آیا می توان نماز جعفر طیار را به عنوان نافله شب خواند ؟

پاسخ: بله ؛ در روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که می توانی نماز جعفر را از نافله های شب (یا روز) قرار دهی.

(الهدایة: ص 154)

* سرشار شدن روزی

پرسش: دست به هر شغلی می زنم؛ ناکام می شوم ؛ برای بهبود درآمد و زیاد شدن روزی چه کنم؟

پاسخ: زیاد استغفار کنید و اگر نتیجه ندیدید؛ بدانید یا کم استغفار کرده اید یا با اعتقاد کامل «استغفرالله» نگفته اید.

در روایات با هر سه لفظ آمده است که اگر کسی «ملازم» استغفارشد یا «پیوسته» استغفار کرد؛ خداوند او را از هر هم و غمی رها می کند و از هر تنگنایی ؛ راه برون رفت برای وی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی کرد ؛ روزی اش می دهد .

* نجات بی گناه از زندان

پرسش: بی گناهی به زندان افتاده است ؛ چه کاری انجام دهد؟

پاسخ: هر صبح و شام سه بار بگوید: «اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی دَرَعِکَ الْحَصِیْنَةِ الَّتِی تَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ تُرِیدُ»
«خدا! مرا در زره و دژ بی گزند خود - که هر کس را بخواهی ؛ در آن قرار می دهی - قرار بده».

(الکافی: ج2 ص 534)

* نفی خواطر

پرسش: برای نفی خواطر پاکیزه کردن دل و ذهن از هر چه جز خدا چه کنیم ؟

پاسخ: ضدش را انجام دهید؛ استغفار کنید و صلوات بفرستید که ضد آن خواطر هستند.

* چگونه دعا کنیم؟

چگونه می شود کاری بدون مقدمات و شرایط انجام گیرد؟ اگر می خواهید دعا کنید و واقعا دعا و خواستن از خدا باشد ؛ دعا تشریفاتی دارد.

جهت دعا این امور لازم است:

1. ثنا و تعظیم و تمجید ساحت مقدس حضرت حق

2. اقرار به گناهان و اظهار ندامت از آن ؛ که تقریباً به منزله توبه یا ملازم آن است .

3. صلوات بر محمد و آل محمد (ع) که وسیله و واسطه فیض هستند .

4. بکاء و گریه و اگر نشد تباهی ؛ ولو خیلی مختصر .

و بعد از این ها درخواست حاجت که در این صورت ؛ برآورده شدن حاجت قطعی است .

البته اگر این مطالب (یعنی ثنا و تعظیم و تمجید ...) در سجده باشد ؛ مناسب تر است.

* ازدواج دختران

برای دخترانی که خواستگار برای آن ها می آید ؛ ولی این خواستگاری ها به نتیجه ای نمی رسد حضرت عالی

چه دعایی را توصیه می کنید؟

به مدت پنج هفته؛ شب های جمعه عبايي بر سر دختر قرار دهند و حدیث کساء را بخوانند؛ ان شاءالله تعالی

رفع می شود .

* سه سفارش مهم

آیت الله بهجت فرمودند :

حاج آقا منیر اصفهانی می گوید: در سامرا نزد آخوند ملا فتحعلی (سلطان آبادی) رفتم. ایشان نامه ای را که

علمای اصفهان به میرزای شیرازی نوشته بودند و در جیب من بود؛ خواند! به ایشان گفتم: شما به من

سفارشی بفرمایید. گفت: شما (خودتان) علامه اید! اصرار کردم. فرمود: خیلی خوب! سه چیز را ملتزم شوید؛

1. زیارت عاشورا

2. نماز اول ماه

3. هر شب نماز لیلة الدفن بخوانید و هدیه کنید برای همه کسانی که از دنیا رفته اند.

نقل شده که شخصی؛ مرده ای را خواب می بیند که به او می گوید : نمازی که ملا فتحعلی برای من خواند ؛

مشکلم را حل کرد خواب بیننده ؛ ملا فتحعلی را نمی شناخته است . تحقیق می کند. معلوم می شود که

مطلب ؛ همان طور است.

* حل مشکلات پیچیده با نماز جعفر طیار

از آیت الله بهجت پرسیدند : برای حل مشکلات پیچیده چه کنیم؟ فرمودند: مداومت بر نماز جعفر طیار

داشته باشید؛ خداوند شما را موفق می کند.

(مسیح پارسایی ص 129)

دستور العمل پیچیده با نماز جعفر طیار

امام خمینی (ره) در جوانی ؛ همراه با سید محمد صادق لواسانی در مشهد با شیخ حسنعلی نخودکی ؛ دیداری داشته اند و ایشان به وی دستور العملی داده که بعد از هر نماز واجب ؛ سه بار سوره توحید بخواند و سه بار صلوات بفرستد و سه بار آیه « وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا »

(سوره طلاق آیه 2)

استجابت دعا

شیخ حسنعلی نخودکی می گوید : از امیر المومنین (ع) روایت شده است که فرمود : هر زمان که تو را به خداوند حاجتی باشد ؛ در آغاز دعای خود برای رسول خدا صلوات و رحمت مسالت کن و پس از آن حاجت بخواه که خداوند کریم تر و بخشاینده تر از آن است که یک دعا و خواهش را اجابت فرماید و حاجت دیگر را روا نکند.

(نشان از بی نشان ها ص 364)

برطرف شدن گرفتاری ها

مرحوم آیت الله آخوند همدانی می فرماید : برای برطرف شدن گرفتاری ها و ناملایمات و حوادث ناگوار و برآورده شدن حوائج توسل به حضرت زهرا (ع) پیدا کنید و 530 مرتبه این دعا را بخوانید.

« اللَّهُمَّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا بَعْدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ »

(همچو سلمان ص 122)

رسیدن به حوائج

آیت الله بهاء الدینی می فرمودند : ما تجربه زیادی به دست آورده ایم و وجدان نموده ایم که برای رهایی از مشکلات ؛ راه هایی هست که بهترین آن ها که خود ما حس کرده ایم و به کمک آن ها به حاجت هایمان رسیده ایم ؛ چهار چیز است ؛ نذر کردن گوسفند برای فقرا ؛ خواندن حدیث کساء به طور پی در پی، دادن صدقه و ختم صلوات (چهارده هزار صلوات).

(آیت بصیرت : ص 68)

رهای از خطرات احتمالی

شیخ جعفر مجتهدی مداومت بر زیارت عاشورا آثار شگفتی دارد و آدمی را در حصن حصین خود از خطرات احتمالی در امان نگاه می دارد .

(در محضر لاهوتیان ج 1 پ ص 439)

صالح شدن اولاد

آیت الله میانجی می فرمودند: در قنوت نماز صبح این آیه را که در آخر سوره فرقان آمده است بخوان ؛ تا خداوند اولاد و فرزندان تو را صالح نماید ؛ و آن دعا اینست:

« رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ عَيْنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا »

(سوره پارسایان: ص 53)

رفع مهمات

ملا حسن فیض کاشانی (رح) در « اللئالی المخزونه » نقل می نماید که هر کس را حاجت مهمی پیش آید از برای رفع آن مهم و حصول آن مطلب بدین طریق کند : اول بخواند:

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ »

پس سه مرتبه سوره « توحید » را بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند:

« اللَّهُمَّ كَمَا جَمَعْتَ بَيْنَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ وَأَفْعَالِكَ فَاجْمَعْ بَيْنَ حَاجَتِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ ».

پس بقیه سوره حمد را بخواند:

« اهدنا الصراط المستقیم * صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین »

(الئالی مخزونه ص 57)

در امان بودن از آفات و بلاها

علامه حسن زاده از قول بزرگان فرموده اند : هر که بعد از نماز صبح و مغرب هفت بار « بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم » و سی مرتبه « سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر » بگوید ؛ از جمیع آفات و بلاها در امان خدای تعالی است.

(تازیانه سلوک ص 17)

وسعت رزق

فیض کاشانی نقل کرده است که هر کس در اول وقت هر روز 308 مرتبه « الرزاق » بگوید ؛ البته روزی او را واسع گردد .

(مفاتیح الجنان ص 81)

طولانی شدن عمرو دفع مرگ ناگهانی

فیض کاشانی نقل می کند: جهت طول عمر و دفع مرگ مفاجات (ناگهانی) و توسعه معاش بعد از هر نماز 18 مرتبه ذکر «یا حی» را مداومت کند.

(کلیات مفاتیح الحاجات: ص 26)

دعای رفع ترس در خواب

امام باقر (ع) فرمود: هر کس در خواب بترسد؛ در وقت خوابیدن سوره های «ناس» و «فلق» و آیه الكرسي را بخواند.

(حلیة المتقین ص 132)

دستورالعمل های بی نظیر برای تشرّف به محضر امام عصر (عج الله)
تلاوت سوره اسراء در شبهای جمعه

امام صادق (س): «من قر سورة بنی اسرائیل فی کل لیلة الجمعة لم یمت حتی یدرک القائم فیکون من صحابه: (حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج 7 ص 410) هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه قرائت نماید؛ نمیرد تا آن که قائم (ع) را درک نماید و از یاوران آن حضرت باشد».

فرازی از نوشتار دکتر مرتضی اقاتهرانی

...آری؛ به شهادت این روایت شریف؛ قرائت همراه با تدبّر سوره اسراء در شب های جمعه و تمسّک به دستورالعمل های ویژه آیات آن؛ می تواند راهگشای سیر و سلوکی عارفانه به سوی حضرت دوست و برترین ولی خاص او گردد ... آیات 78 تا 81 این سوره در بر دارنده راهکارهایی عملی برای رسیدن به ولایت و ملاقات امام زمان (ع) است؛ به ویژه آیه 80 این سوره که تعداد قابل توجهی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط؛ از طریق مداومت بر این ذکر خدمت امام زمان (ع) تشرّف پیدا کرده اند؛ هر چند برخی از ایشان به هنگام تشرّف امام را نشناخته اند ... این آیه نورانی؛ در بردارنده تقاضای ارتباط خاص ولایی با حضرت مولاست تا آن حضرت به اذن و مشیت الهی خود ولایت و نصر ما را بر عهده گیرد ... دستورالعمل های عرفانی دو آیه قبل نیز گویا در حکم مقدمه لازم برای نیل به ولایت خاص مولاست: 1. دستور به نماز اول وقت 2. تاکید بر شب زنده داری و نماز شب.

(ر ک: آقا تهرانی ؛ سودای روی دوست ص 57 – 62)

وصال در پرتو قرآن

برای تشریف به محضر امام زمان (ع) در حال بیداری آیه 80 سوره اسراء را شبی 100 مرتبه تا 40 شب قرائت نمایید : « قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً » ؛ بگو : پروردگارا! مرا همراه صداقت و راستی (به آستان ولایت) وارد و با صداقت و راستی از آن خارج گردان ! و از جانب خود سلطان و حجتی یاری بخش برایم قرار ده !

(شیخ رجبعلی خیاط)

تلاوت سوره های مسبحات پیش از خواب

(فاقرووا ما تیسّر من القرآن (مَزْمَل (73) 20) هر آنچه می توانید ؛ قرآن بخوانید !)

امام صادق (ص) : « من قر المسبّحات کلهّا قبل ان ینام لم یمت حتّی یدرک القائم و ان کان فی جوار محمّد النّبی » (کلینی ؛ الکافی ج 2 ص 630)

هر کس قبل از آن که بخوابد ؛ سوره های مسبّحات (حدید ؛ حشر ؛ صف ؛ جمعه ؛ تغابن) را قرائت کند ؛ نمی میرد مگر آن که قائم (ع) را درک می کند و اگر بمیرد در همسایگی محمد پیامبر خدا (ص) خواهد بود.

توصیه ای از حضرت آیت الله بهجت

جوانی از حضرت آیت الله بهجت تقاضا کرده است که این حقیر مشتاق زیارت امام عصر (س) می باشم . از حضرت عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید تا به این سعادت نایل شوم . آن بزرگوار در پاسخ فرموده اند : (زیاد صلوات اهدای وجود مقدسش نمایید ؛ مقرون با دعای تعجیل فرجش و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش).

(ساعی ؛ به سوی محبوب ص 58)

مداومت بردعای عهد (دعای نور)

امام صادق (ع) : «من دعا الی الله تعالی اربعین صباحا بهذا العهد کان من انصار قائمنا؛ فان مات قبله خرجه الله من قبره و عطاہ بكل کلمة الف حسنة و محی عنه ألف سیئة و هو اللهم رب النورالعظیم ...» (علامه مجلسی بحارالانوار ج 53 ص 95) هر کس چهل صبح خدا را با این عهد بخواند ؛ از انصار قائم ما خواهد بود و

اگر قبل از ظهور او بمیرد؛ خداوند او را از قبرش زنده بیرون خواهد آورد (تا در رکاب مولایش خدمت نماید) و در برابر هر کلمه 1000 حسنه بر او بنویسد و 1000 گناه از او محو نماید و آن عهد این است: ...

آیت الله موسوی اصفهانی در کتاب نورانی «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (س)» که آن را به دستور مستقیم امام زمان (ع) و با نامگذاری آن حضرت نگاشته است؛ در مجموعه 102 فایده و نتیجه را ویژه دعاکنندگان در حق امام زمان (ع) و طلب کنندگان تعجیل فرجش بر می شمارد.

در این میان؛ یکی از بهترین ادعیه ای که شایسته است در دوران غیبت؛ سرود و ترنم صبگاهی شیعیان گردد؛ دعای نور یا دعای عهد است که در بر دارنده معارفی بس عظیم است. در عظمت و فضیلت این دعا همین بس که مداومت کننده بر آن تا 40 روز به مقام «یاوران قائم» و در شمار «رجعت کنندگان پس از ظهور» قرار می گیرد و به ازای هر کلمه 1000 حسنه برای او نوشته و 1000 سیئه از پرونده اعمالش محو و پاک می گردد. خداوند توفیق انس روزانه با این دعای پر عظمت را به همه پر عظمت را به همه ما عنایت فرماید.

مداومت بر زیارت آل یاسین

امام زمان (ع): «... السلام علينا و علی عباد الله الصالحین؛ اذا اردتم التوجه بنا الی الله تعالی و الینا فقولوا کما قال الله تعالی: سلام علی آل یاسین...» (علامه مجلسی؛ بحارالانوار ج 53 ص 171) سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند! هر گاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما اهل بیت علیهم السلام توجه و تقرب پیدا کنید؛ پس بگویید همان گونه که خداوند متعال فرموده است: سلام بر شما خاندان پیامبر!...

امام زمان (ع) در توقیع شریف خویش به محمد حمیری؛ برای توجه و تقرب شیعیان به خداوند و اهل بیت علیهم السلام؛ زیارت آل یاسین را توصیه فرموده اند بدین سان «زیارت آل یاسین» دستورالعملی ویژه از ناحیه مولایمان حضرت ولی عصر (ع) برای برقراری ارتباط قلبی با آن حضرت است که می بایست در دستور کار شیعیان و محبان آن حضرت قرار گیرد: «سلام بر تو ای درگاه خدا و ای محافظ دین خدا! ... سلام بر تو قنوت تو! سلام ما بر رکوع و بر سجود تو! سلام ما بر تهلیل و تکبیر تو! سلام ما بر ستایش و استغفار تو!»

(فرازهایی از زیارت آل یاسین؛ مفاتیح الجنان؛ زیارت حضرت صاحب الامر (ع))

مداومت بر زیارت عاشورا؛ نافله و زیارت جامعه

در بخش فضیلت زیارت عاشورا خواهد آمد که امام زمان (ع) خطاب به سید احمد موسوی رشتی رضوان الله تعالی علیه که از قافله اش عقب مانده و راه را گم کرده بود؛ به زبان فارسی فرمود: «عاشورا را بخوان تا راه

را پیدا کنی! ... شما چرا نافله نمی خوانید ؟ نافله! نافله! شما چرا عاشورا نمی خوانید ؟! عاشورا!
عاشورا! شما چرا جامعه نمی خوانید ؟ جامعه! جامعه! جامعه!

توصیه جناب شیخ حسنعلی نخودکی برای توفیق در

سیروسلوک معنوی و تقرب به ساحت امام زمان(ع)

1. پرهیز شدید از گناه : « اگر در این راه تقوا (پرهیز از گناه) نباشد ؛ ریاضات و مجاهدات را هرگز اثری نیست و جز خسران و دوری از درگاه حق تعالی ثمری نخواهد داشت. »

2. نماز اول وقت : « سفارش می کنم که نمازهای یومیه خویش را در اول وقت آنها به جای آوری. اگر آدمی ؛ یک اربعین به ریاضت پردازد ؛ اما یک نماز صبح از او قضا شود ؛ نتیجه آن اربعین؛ هباء منثورا (گرد و غبار هوا) خواهد گردید »

3. خدمت به خلق خدا : « در انجام حوایج مردم؛ هر قدر که می توانی ؛ بکوش و هرگز میندیش که فلان کار بزرگ از من ساخته نیست ؛ زیرا اگر بنده خدا در راه حق گامی بردارد ؛ خداوند نیز او را یاری خواهد کرد . بیهوده تصور مکن که خدمت به خلق ؛ تو را از ریاضیت و عبادت و تحصیل علم باز می دارد ! تنها تکلیف و ریاضت تو ؛ خدمت به خلق خداست. »

4. احترام و خدمت به سادات : « سادات را بسیار گرمی و محترم شمار! و هر چه داری ؛ در راه ایشان صرف و خرج کن ! از فقر و درویشی در این راه پروا منما ! که اگر تهیدست گشتی ؛ دیگر تو را وظیفه ای نیست. »

5. تحصیل علم و معرفت : « به آن مقدار تحصیل کن که از قید تقلید و ارهی ! »

توصیه های میرزا جواد آقا تبریزی برای ارتباط و دیدار با امام زمان(ع)

آن عارف واصل ؛ برای ارتباط و دیدار با امام زمان (ع) بیش از هر چیز بر چهار امر تاکید می ورزید :

هدیه کردن سه سوره توحید (قل هو الله احد) پس از هر نماز واجب به ساحت امام زمان (ع)، خواندن دعای (اللهم عرفنی نفسک...) پس از هر نماز واجب و خواندن دعای عهد در هر صبحگاه پس از نماز صبح و خواندن آن (دعای عهد) در ماه رمضان پیش از افطار.

(ر.ک: ملکی تبریزی ؛ المراقبات)

* توسل مداوم به ساحت اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان (ع)

و استمداد و استعانت از آن حضرت

آن جناب در کتاب المراقبات چنین توصیه فرموده است : ((اهل بیت علیهم السلام ؛ همگی وسیله برآوردن حوایج بندگان خدا هستند ؛ اما توسل به هر کدام از آن بزرگواران آثار و برکاتی ویژه را در پی خواهد داشت :

1. توسل به رسول خدا و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام برای طلب توفیق در طاعت و عبادت و کسب رضای حق ؛
2. توسل به امیر المومنین علی (ع) برای ایمن ماندن از شر ستمگران و انتقام از دشمنان ؛
3. توسل به امام سجاد (ع) برای ایمن ماندن از وسوسه شیاطین و ایمنی از شر سلاطین ؛
4. توسل به امام باقر و امام صادق علیهما السلام برای توفیق در امور اخروی و معنوی و علمی ؛
5. توسل به امام کاظم (ع) برای سلامتی و عافیت و شفای دردها و بیماری ها ؛
6. توسل به امام رضا (ع) برای سلامت ماندن در مسافرت (و سیر و سلوک معنوی)
7. توسل به امام جواد (ع) برای توسعه روزی و بی نیازی از آنچه در دست مردم است ؛
8. توسل به امام هادی (ع) برای توفیق یافتن بر نوافل (مستحبات) و نیکی کردن به مردم و اطاعت از خداوند؛
9. توسل به امام حسن عسگری (ع) برای توفیق در امور اخروی ؛
10. توسل به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه برای برآورده شدن هر گونه نیاز و حاجتی (چه دنیوی و چه اخروی ؛ چه مادی و چه معنوی)

(ر.ک: ملکی تبریزی ؛ المراقبات)

* توصیه های جناب شیخ رجبعلی خیاط برای ارتباط و دیدار با امام عصر (ارواحنا فداه)

جناب شیخ برای رسیدن به توفیق دیدار با امام زمان (ع) بر سه امر تاکید می ورزید:

1. اختصاص همیشگی شیخ این بود : « کوشش کن که قلب تو فقط برای خدا باشد . وقتی قلب تو برای خدا شد ؛ خدا در آن جا است . وقتی خدا در قلب تو باشد ؛ همه چیز در آن جا حاضر و ظاهر خواهد شد و چون

خدا آن جا است ؛ ارواح تمام انبیا و اولیا آن جا است (امام زمان (ع) آن جا است) اراده کنی مکه و مدینه و... همه نزد تو هستند ... پس کوشش کن قلبت فقط برای خدا باشد!

2. دعا برای تعجیل فرج و کار برای امام زمان (ع)

جناب شیخ می فرمود: « اغلب مردم اظهار می کنند که امام زمان (ع) را از خویشتن نیز بیشتر دوست دارند ؛ حال آنکه این گونه نیست ؛ زیرا اگر او را از خود بیشتر دوست داشته باشیم ؛ باید برای او کار کنیم ؛ نه برای خود همه دعا کنید که خداوند موانع ظهور آن حضرت را برطرف کند و دل شما را با آن وجود مبارک یکی کند! »

جناب شیخ خود همیشه متوجه آن حضرت بود و ذکر صلوات را هیچگاه بدون « و عجل فرجهم » نمی گفت و جلسات ایشان بدون یاد و تجلیل فرج آن حضرت برگزار نمی شد.

3. انس با قرآن و قرائت آیه 80 سوره اسراء شبی 100 مرتبه تا چهل شب

جناب شیخ بر تلاوت قرآن ؛ به ویژه تلاوت سوره صافات در صبحگاهان و تلاوت سوره حشر در شبانگاهان ؛ تاکید می ورزید و تلاوت این دو سوره را در صبح و شام برای یافتن به صفای باطن مفید می دانست. آن بزرگوار ؛ برای تشرف به محضر حضرت ولی عصر (ع) قرائت کریمه (رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا) را تا 40 شب ؛ شبی 100 مرتبه ؛ توصیه می فرمود . یکی از شاگردان شیخ به نزد شیخ می آید و عرض می نماید : « این دستور العمل را انجام دادم ؛ ولی موفق نشدم! » جناب شیخ توجهی می کند و می فرماید : « هنگامی که در مسجد نماز می خواندید ؛ سیدی به شما فرمود : « انگشتر به دست چپ کردن کراهت دارد » و شما گفتید : کل مکروه جائز » هم ایشان امام زمان (ع) بودند. »

دو نفر مغازه دار عهده دار زندگی خانواده سیدی می شوند . یکی از آن دو ؛ برای تشرف به محضر امام زمان (ع) ذکر سفارش شده شیخ را شروع می کند . پیش از شب چهارم ؛ یکی از فرزندان سید نزد او می آید و یک قالب صابون می خواهد . مغازه دار می گوید : « مادرت هم فقط ما را شناخته است . فلانی هم هست . می توانید از او بگیرید. » این شخص می گوید: « شب که خوابیدم ؛ ناگهان متوجه شدم از بیرون حیاط مرا صدا می زنند ... در منزل را که گشودم ؛ دیدم سیدی روی خود را پوشانده است و می گوید : « ما خود می توانیم بچه هایمان را اداره کنیم ؛ ولی می خواهیم شما به جایی برسید! » »

برتر از ملاقات

حضرت آیت الله العظمی بهجت: «لازم نیست انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر (ع) تشریف حاصل کند؛ بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز؛ سپس توسل به ائمه علیهم السلام برای ما بهتر از تشریف باشد؛ زیرا هر جا که باشیم؛ آن حضرت می بیند و می شنود».

(رخشاد 600 نکته در محضر بهجت ص 187 نکته 277)

از جمله خطر ها و آسیب هایی که در عصر غیبت برای منتظران اتفاق می افتد؛ «ملاقات گرایی» است؛ بدین معنا که شخص از وظایف واجب خویش غافل شود؛ مهم ترین وظیفه خویش را دیدار امام زمان (ع) بپندارد و دیگران را تنها به تلاش برای دیدار به عنوان برترین وظیفه؛ فراخواند و ساده ترین خواب یا اتفاقی را ملاقات بینگارد. پیامد های این آسیب؛ یاس و ناامیدی بر اثر عدم توفیق دیدار؛ رویکرد به شیادان و مدعیان دروغین ملاقات و دور ماندن از انجام وظایف اصلی منتظران است.

مهم ترین راه درمان این آسیب؛ رویکرد به منابع و معارف ناب دین و بررسی احوال و سیره تشریف یافتگان راستین می باشد تا بدانیم وظیفه اصلی منتظران بیش از هر چیزی ایمان؛ تقوا؛ تزکیه نفس؛ خودسازی؛ انجام تکالیف فردی و اجتماعی و انتظار حقیقی به همراه ورع و محاسن اخلاق می باشد؛ تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.

(ر.ک: فصلنامه تخصصی انتظار موعود؛ ش 15 مقاله اندیشه مهدویت و آسیب ها)

نکته ها و آداب سیر و سلوک

(از خزائن ملا احمد نراقی)

شروط و آداب سالک

* بدان که از برای سالک شروط بسیار است از آن جمله چند شرط ذکر می شود:

1. آن که ملتفت به شبهات سرّاً و علانیه نشود و در امور کائنات واحکام شرعیات و تقدیرات قضاء به «لم» و «لا» و «لعل» و «عسی» مشغول نگردد بلکه بر جاده شرع مستقیم باشد.
 2. اینکه پیوسته با طهارت باشد قال عزوجل: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**.
 3. اینکه خلوت اختیار کند و از جمیع شواغل عزلت جسته در خانه تاریک نشیند.
 4. آنکه پیوسته ساکت باشد إلا از ذکر.
 5. آنکه از مطعوم و ملبوس شبهه ناک احتراز کند.
 6. آنکه از اکل و شرب اعتدال نماید بلکه تقلیل کند سیما به روزه.
 7. آنکه خواب بسیار کم کند و تا به حد ضرورت نرسد نخوابد قال الله تعالی: **«كَانُوا قِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ»**.
 8. دوام ذکر با حضور قلب، به حیثیتی که جمله بدن و اعضاء به آن مستغرق باشد و افضل **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»** است.
 9. نفی خواطر و این دشوارترین عقبه ها است بر سالک.
 10. تخلیق به اخلاق حمیده و انخلاع از صفات ذمیمه.
 11. ربط قلب به شیخ همچنان که بعضی گفته اند.
- * از برای سالک آدابی چند است:
1. آنکه تا تواند در سؤال از حق تعالی خطاب به امر و نهی نکند بلکه طریق ادب ملاحظه کند چنانچه گوید خداوند اگر من گناهکارم تو آمرزنده ای و به فلان چیز محتاجم و تو لجه ی رحمتی، یا فلان چیز خائفم و تو مالجاً و مأمنی و امثال این.
 2. آنکه رسول را به ظاهر و باطن خود مطلع داند و از مخالفت او حذر کند.
 3. آن که در متابعت سنت او غایت مبذول دارد.
 4. هر که به او نسبت دارد به صورت همچو سادات یا به معنی چون علماء همه از برای محبت او دوست دارد و تعظیم و احترام ایشان واجب داند.
 5. آنکه تا تواند رو به قبله نشیند خصوص در خلوت.
 6. آنکه پیوسته بهیئت تشهد نشیند و با خود چنان تصور کند که بر بساط ری العزّه در حضور او نشسته است و رسول (ص) آنجا حاضر است تا به قید وقار و احترام مقید بود.

آداب محاوره

آداب محاوره از جمله لوازم است مر کسانى را که با مردم معاشرت مى نمایند و آن بسیار است از جمله:

چون به مجلس بزرگى حاضر شود و به دو زانوى ادب نشیند و از زانو به زانو نگردد چه آن دلالت بر عدم ثبات و قلت مبالات مى کند، و اگر بزرگى با او سخن گوید به غیر او ملتفت نشود، و اگر بزرگى او را به فضیلتى تحسین کند و بر فقدان بر خود تأسف نماید به آن نازش و افتخار نکند بلکه به وجهى عذر آن خواهد که بر خاطرش فوت آن آسان شود، و در محاورت به ألفاظى که سامع بر آنها تطیر نماید احتراز کند؛ و از نقل چیزى که صدق او معلوم نباشد در نزد بزرگان، همچنین از اراجیف احتراز نماید و از کذب و لاف و گزاف خصوص نزد بزرگان و از راستى که دروغ نماید و از کثرت مزاح و هزل دورى کند، و از خبث و معایب کسان احتراز نماید، و پیوسته نیکوگو باشد تا پیش همه کس محبوب باشد، و اگر کسى حکایتى یا سخنى بگوید بگذارد تا او حدیث را تمام کند و اگر او مطلع باشد و وقوف آن از آن سخن بیشتر باشد آنها راظهار نکند، تا گوینده منفعل نشود و با جهال و سفله مجادله و مناظره نکند، و تا سامع راغب در استماع حدیث و سخن نبیند شروع در سخن نکند، و از کثرت مکالمه مجانبت لازم شمرد؛ و آنچه از غیر او پرسند او جواب نگوید، و اگر کسى به جواب مشغول شود و او بهتر قادر باشد صبر کند تا سخن او تمام شود پس خود بر وجهى که جواب اول مطعون نشود تقریر کند، و اگر سخن از او پوشیده دارند استراق سمع نکند، و در مجالس اکابر با کسى سر نگوید، و در نوشته کسان نظر نکند مگر به اذن ایشان، و به اطراف خانه و سقف و دیوار مکرر نظر نیندازد، و از چیزى که شأن او نیست سؤال نکند، و اگر دو نفر باهم سخنى گویند بی جهت از آن استفسار نکند، و در نزد بزرگان در دعا و تملّق مبالغه و افراط نکند که آن علامت ضعف نفس است، و آنچه خواهد بگوید اول در خاطر مقرر گرداند و به اطراف آن برخورد و در اثناء سخن به دست و چشم و ابرو اشارت نکند، و حرکات و افعال و اقوال کسى را محاکمات یعنى تقلید نکند و تا تواند سخن چنان گوید که از میزان شرع و عقل خارج نیفتد و اندیشه نکند، که اگر من به خلاف خواهش مستمع سخن گویم او را خوش نیاید چه مستمع اگر دانا و خردمند بود از سخن پسندیده نرنجد، و در حضرت سلاطین و حکام بسیار دعوای فضل و دانش نکند، و در الزام ایشان نکوشد و از کثرت مجالست و محاورت با ایشان گستاخ نگردد، و بر معاشرت مبادرت ننماید چه مؤاخذه ایشان سخت و تمهید معذرت دشوار باشد، و تا ممکن باشد سخنى که بر خاطر بعضى از مستمعان گران باشد نگوید.

در مقامات شیخ و صفات او

بعضى عرفا در مقامات شیخ و صفات او گفته قال الله سبحانه «فوجد اعبداً من عبادنا آتیناه رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علماً» از اینجا پنج رکن مقام رکنیت دست مى آید:

اول. عبدیت حق که در بند هیچ چیز به جز خدا نباشد تا درهمی باقی ما عبد است آن را، هرچه در بند آنی بنده آنی.

دوم. استحقاق قبول حقایق از حضرت بی واسطه «آئیناه رحمۀ من عندنا» و آن میسر نشود تا به کلی از حجاب بشری و روحانی خلاصی نیابد.

سیم. آنکه خصوصیت دریافت رحمت خاص از مقام عبدیت.

چهارم. تعلّم علم از حضرت بی واسطه.

پنجم. تعلّم علم لدنی بی واسطه و مراد از علم لدنی علم به ذات و صفات حضرت است بی واسطه و سائط

* و علاوه بر این پنج ارکان بیست صفت دیگر باید در او وجود داشته باشد:

1. آنکه به قدر حاجت از علم شریف با خبر باشد.

2. آنکه اعتقاد اها بدعت را نداشته باشد.

3. عقل معاش.

4. سخاوت تا مرید را تواند از مایحتاج فارغ دارد.

5. شجاعت تا از ملامت خلق و زبان ایشان نیندیشد.

6. عفت تا محل تهمت نشود.

7. علوّ همت که به دنیا و اهل دنیا التفات نکند إلا به قدر ضرورت همچو التفات مردم به مستراح اگرچه او را

مضر نباشد و اگر بی اختیار دنیا رو به او آورد ایثار کند، و در جمع مال و ضیاع و عقار نکوشد و طمع در مال مرید نکند.

8. شفقت بر مرید و سایر ناس و باید از احوال دنیوی مرید غافل نباشد.

9. حلم به هر حرکت زود خشم نبود، مرید را نرنجاند مگر به قدر ضرورت.

10. عفو اگر از مریدی حرکتی ناپسند بیند عفو را کار فرماید و به نصیحت مشفقانه معلّجه نماید.

11. حسن خلق و خوشخوئی.

12. ایثار.

13. کرم.

14. توکل.

15. تسلیم.

16. رضا به قضاء.

17. وقار.

18. طمأنینه در امور.

19. ثبات قدم و عزیمت.

20. هیبت.

مخفی نماند که به جز معصوم را کسی چه می تواند دانست که پنج رکن اول از برای او حاصل است خصوص مبتدی، و منتهی خود چه احتیاج به شیخ و مرشد دارد پس باید شیخ و مرشد را از ائمه معصومین گرفت.

شرایط مرید

مرید را نیز بیست شرط است:

1. توبه نصوص از جملگی امور مخالف شرع.
2. زهد از دنیا به کلی.
3. تجرید و قطع جمله تعلقات سببی و نسبی به أحسن الوجوه.
4. اعتقاد پاک.
5. تقوی و احتیاط در لقمه و لباس نه آنقدر که به وسواس افتد.
6. صبر در تحت تصرفات اوامر و نواهی و تجرع کاسات نامرادی.
7. مجاهدت و با نفس رفق و مدارا نکند إلا به قدر ضرورت.
8. شجاعت و مردانه بودن.
9. بذل و باید گاهی از سروجان بر خیزد.
10. فتوت و جوانمردی و حق هرکسی را در جای خود به قدر وسع به عمل آورد.
11. صدق.
12. علم فرائض و سنن به قدر ضرورت.
13. نیاز.
14. عیار پیشگی چه در این راه کارهایی خطرناک پیش آید باید لایبالی وار خود را در اندازد و عاقبت اندیشی نکند.

15. ملامت و قلندری صفت نه آنکه امر خلاف شرع کند و پندارد ملامت است حاشا این راه شیطان است بلکه به ابن معنی که در قید مدح و ذم ورد و قبول و نام ننگ نباشد و همه نزد او یکسان باشد به دوستی و دشمنی خلائق فربه و لاغر نشود.

16. عقل.

17. ادب سیما در حضور شیخ و راه انبساط و مزایح بر خود بسته دارد و آنچه گوید به اطمینان و وقار گوید و عذرها به طریق احسن جوید.

18. حسن خلق پیوسته گشاده طبع و خوشخوئی کند و از تکبر و تفاخر و عجب و دعوی و طلب جاه دور باشد و بار خود را بر یاران ننهد بلکه بارکش باشد و از مخالفت دور، و نصیحت گو شنو باشد، ورا نازعات و معارضات و مجادلات و خصومات بسته دارد و به نظر حرمت به یاران نگیرد.

19. تسلیم سیما به ظاهر و باطن تصرفات شیخ.

20. تفویض و اگر هزار بار خطاب رسد که مطلب نیایی دست بر ندارد.

شرایط و آداب ذکر

برای شرایط و آداب ذکر اموری گفته اند:

1. صدق ارادت.

2. ورد طلب و داعیه سلوک.

3. انس با ذکر و استیحاخ از خلق «قل الله ثم درهم فی خوضهم یلعبون».

4. توبه نصوح از محرمات.

5. اهتمام در عدم غفلت از ذکر یک نفس یعنی دوام ذکر و فکر.

6. دوام وضو.

7. طهارت از نجاسات و مظالم و محرمات شرعیه از ابریشم خالص و نحو آن و واز رعونت.

8. آن که مربع نشیند و دست راست را بر بالای ران چپ و به دست چپ ساق دست راست را بدارد و دل حاضر دارد و چشم برهم نهد و به تعظیم تمام شروع در ذکر کند و اگر ابتداء به ذکر «لا إله إلا الله» کند بهتر است و کیفیت آن را چنین گفته اند لا إله إلا الله از ناف بر آورد وزیر پستان ببرد و از آنجا «لا إله إلا الله» را به زیر پستان چپ برده برگرداند به زیر پستان راست به شرطی که زبان حرکت ننماید، و هر وقت که در دل نظر کند

و چیزی را که بیند که به آن پیوند دارد او را در نظر آورد و دل بامبدء داده به ولایت ولی و مرشد متوسل شده، استمداد کند و به نفی «لا اله» آن پیوند باطل کند و هیچ چیز نمی خواهم و هیچ مطلوب ندارم.

پس به تدریج محبت آن چیز باطل می شود و تصرف «إلا الله» محبت حق قائم مقام محبت او می گردد و مداومت نمودن بر این ترتیب به تدریج دل را از همه مألوفات فارغ می دارد.

9. مراقبه دل خویش و پیوسته دل خویش را با دل شیخ دارد و از آن مدد طلبد چه اول سالک به واسطه حجب متوجه و پیوند حضرت نتواند شد که او از عالم غیب است و چون صورت شیخ از عالم شهود است و توجه آن به دل شیخ آسان دست بدهد و پیوسته همت شیخ را دلیل و بدرقه خود شناسد و چون خوفی یا آفتی پدید آید در حال پناه به ولایت شیخ آورد و در را اندرون از دل شیخ مدد طلبد.

10. دوام سکوت زیاده بر قدر ضرورت سخن نگوید.

11. ترک اعتراض بر خدا در جمیع واردات و همچنین ترک اعتراضات بر شیخ تا مردود شیخ نشود که دیگر مقبول هیچ شیخی نگردد.

12. تقلیل طعام نه بقدری که ضعف آورد بلکه بقدری که همیشه سبک باشد و طعام او را با ذکر و حضور دل خورد و لقمه را کوچک بردارد و خوب بجاید و از قدر حاجت زیادتیر نخورد و چون از منزل بیرون رود نگاه به اطراف و جوانب نکند.

و مخفی نماند که در همه آنچه مذکور شد اگر مراد از شیخ یکی از ائمه باشد خوب است و إلا فلا.

دعای 70 بند استغفار حضرت علی (ع)

دعای 70 بند استغفار حضرت علی (ع)

علامه نوری در «دار السلام» می نویسد: حضرت امام رضا (ع) از پدران بزرگوارش (ع) از ابا عبد الله الحسین (ع) نقل کرده است که فرمود: روزی نزد امیر المومنین (ع) نشستیم بودم، عربی وارد شد و عرض کرد: یا امیر المومنین، من مردی عیالمند و فقیر هستم، و مالی که مرا کفایت کند ندارم. حضرت فرمود: ای برادر عرب! چرا استغفار نمی کنی تا حالت نیکو گردد؟ عرض کرد: من زیاد استغفار میکنم، اما تغییری در وضعم پیدا نمی شود. امیر المومنین (ع) فرمود: ای برادر عرب، خداوند می فرماید: «إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»

«و به درگاه خدای خود توبه کنید و آمرزش طلبید که او خدایی بسیار آمرزنده است تا خدا باران فراوانی بر شما فرو فرستد و شما را با ثروت و اولاد مدد فرماید، و باغ ها و نهرهای جاری به شما عطا کند» (یعنی استغفار تو ناقص است، زیرا

چون به گناه بودن بعضی از اعمال آگاه نیستی خود بخود از آنها استغفار نمی کنی و نتیجه نمی گیری، پس من به تو استغفاری یاد می دهم که در وقت خواب بخوانی، تا خداوند بزرگ به تو وسعت رزق دهد. پس دعا را نوشته به اعرابی داده و فرمودند:

شب قبل از خوابیدن، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر اشک جاری نشد تباهی کن. امام حسین (ع) فرمود: سال بعد اعرابی آمده و عرض کرد: یا امیرالمومنین! خداوند به من نعمتهای زیادی عطا فرمود، بطوری که آنقدر شتران و گوسفندانم زیاد شده که محلی برای جان دادن آنها نمی یابم. امیرالمومنین فرمود: ای برادر عرب! قسم به حق آن کسی که محمد (ص) رابه نبوت فرستاد، هیچ بنده ای نیست که با این دعا استغفار کند، مگر اینکه خدای تعالی به برکت خواندن آن، گناهانش را آمرزیده و حوائج مشرعی را بر آورد و مال و اولادش را زیاد کند. و متن استغفار این است.

1. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُنِي عَلَيْكَ بِمَعُونَتِكَ عَلَى مَا نِلْتُ بِهِ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، وَأَقْرُوكَ عَلَى نَفْسِي بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَالْمَسْتُوجِبُ لَهُ، فِي قَدْرِ فَسَادِ نَيْتِي وَضَعْفِ يَقِينِي، اللَّهُمَّ نِعْمَ الْإِلَهُ أَنْتَ وَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ، وَبِئْسَ الْمَرْبُوبُ أَنَا، وَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ، وَبِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا، وَنِعْمَ الْمَالِكُ أَنْتَ، وَبِئْسَ الْمَمْلُوكُ أَنَا، فَكَمْ قَدْ أَذْنَبْتُ فَعَفَوْتَ عَن ذَنْبِي، وَكَمْ قَدْ أَجْرَمْتُ فَصَفَحْتَ عَن جُرْمِي، وَكَمْ قَدْ أَخْطَأْتُ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي وَكَمْ قَدْ تَعَمَّدْتُ فَتَجَاوَزْتَ عَنِّي، وَكَمْ قَدْ عَثَرْتُ فَأَقْلَنْتَنِي عَثَرَتِي وَلَمْ تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّتِي، فَأَنَا الظَّالِمُ لِنَفْسِي، الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، قَبِيحُ الْغَاثِرِ الذُّنُوبِ، أَسْتَغْفِرُكَ لِدَنْبِي وَأَسْتَغْفِرُكَ لِعَثَرَتِي، فَأَحْسِنْ إِجَابَتِي، فَإِنَّكَ أَهْلُ الْإِجَابَةِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

2. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ بَدَنِي عَلَيْهِ بِعَافِيَّتِكَ أَوْ نَالَتَهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، أَوْ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِتَوْسِعَةِ رِزْقِكَ، أَوْ احْتَجَبْتُ فِيهِ مِنَ النَّاسِ بِسِتْرِكَ، أَوْ اتَّكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَنْتِكَ، وَوَقَعْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ عَلَى فِيهِ بِحِلْمِكَ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرَمِ عَفْوِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ

3. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى غَضَبِكَ، أَوْ يُدْنِي مِن سَخَطِكَ، أَوْ يَمِيلُ بِي إِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ، أَوْ يَنَانِي عَمَّا دَعَوْتَنِي إِلَيْهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

4. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَمَلْتُ إِلَيْهِ إِحْدًا مِنْ خَلْقِكَ بِغَوَايَتِي أَوْ خَدَعْتُهُ بِحِيلَتِي، فَعَلَّمْتُهُ مِنْهُ مَا جَهَلَ، وَعَمَّمْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ مَا عَلَّمَ، وَلَقَيْتُكَ غَدًا بِأَوْزَارِي وَأَوْزَارِ مَعَ أَوْزَارِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

5. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْغَى وَيُضِلُّ عَنِ الرُّشْدِ، وَيَقِلُّ الرِّزْقَ، وَيَمْخُو الْبَرَكَهَ (وَيَمْحَقُ التَّلِيدَ)، وَيُخْمِلُ الذِّكْرَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

6. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَتَعَبْتُ فِيهِ جَوَارِحِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَقَدْ اسْتَتَرْتُ مِنْ عِبَادِكَ بِسِتْرِي وَلَا سِتْرَ إِلَّا مَا سَتَرْتَنِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

7. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَصَدَنِي فِيهِ أَعْدَائِي لِهَيْتِكِي، فَصَرَفَتْ كَيْدَهُمْ عَنِّي، وَلَمْ تُعِنِّهُمْ عَلَى فُضِيحَتِي، كَأَنِّي لَكَ وَلِيٌّ فَتَصَرَّنِي، وَإِلَى مَتَى يَا رَبُّ أَعْصِي قُتْمِهِلْنِي، وَطَالَ مَا عَصَيْتُكَ فَلَمْ تَوَاخِذْنِي، وَسَأَلْتُكَ عَلَى سُوءِ فِعْلِي فَأَعْطَيْتَنِي، فَأَيُّ شُكْرِ يَقُومُ عِنْدَكَ بِنِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

8. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ تَوْبَتِي، ثُمَّ وَاجَهْتُ بِتَكْرُمٍ قَسَمِي بِكَ وَ أَشْهَدْتُ عَلَى نَفْسِي بِذَلِكَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عِبَادِكَ أَنِّي غَيْرُ عَائِدٍ إِلَى مَعْصِيَتِكَ، فَلَمَّا قَصَدَنِي بِكَيْدِهِ الشَّيْطَانُ وَمَالَ بِي إِلَيْهِ الْخَذْلَانَ، وَدَعَتْنِي نَفْسِي إِلَى الْعِصْيَانِ، اسْتَتَرْتُ حَيَاءً مِنْ عِبَادِكَ جُرْأَةً مِنِّي عَلَيْكَ، وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَكُنُّنِي مِنْكَ سِتْرٌ وَلَا بَابٌ وَلَا يَحْجُبُ نَظْرَكَ إِلَيَّ حِجَابٌ، فَخَالَفْتُكَ فِي الْمَعْصِيَةِ إِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ، ثُمَّ كَشَفْتُ السِّتْرَ عَنِّي، وَسَاوَيْتُ أَوْلِيَاءَكَ كَأَنِّي لَمْ أَزَلْ لَكَ طَائِعًا وَإِلَى أَمْرِكَ مُسَارِعًا، وَمِنْ وَعِيدِكَ فَارِعًا، فَلَبَّسْتُ عَلَى عِبَادِكَ وَلَا يَعْرِفُ بِسِيرَتِي غَيْرُكَ، فَلَمْ تَسْمِنِي بِغَيْرِ سِمَتِهِمْ بَلْ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِثْلَ نِعْمِهِمْ، ثُمَّ فَضَّلْتَنِي فِي ذَلِكَ عَلَيْهِمْ حَتَّى كَأَنِّي عِنْدَكَ فِي دَرَجَتِهِمْ، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا بِحِلْمِكَ وَفَضْلِ نِعَمَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَوْلَايَ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ كَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَفْضَحَنِي بِهِ فِي الْقِيَامَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

9. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَهَرْتُ لَهُ لَيْلِي فِي التَّائِي لِاتِّبَانِهِ وَالتَّخَلُّصِ إِلَى وَجُودِهِ حَتَّى إِذَا أَصْبَحْتُ تَخَطَّاتُ إِلَيْكَ بِحُلِيِّهِ الصَّالِحِينَ، وَأَنَا مُضْمِرٌ خِلَافَ رِضَاكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

10. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ظَلَمْتُ بِسَبَبِهِ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ أَوْ نَصَرْتُ بِهِ عَدُوًّا مِنْ أَعْدَائِكَ، أَوْ تَكَلَّمْتُ فِيهِ بِغَيْرِ مَحَبَّتِكَ، أَوْ نَهَضْتُ فِيهِ إِلَى غَيْرِ طَاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

11. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ، فَخَالَفْتُكَ إِلَيْهِ، أَوْ حَذَرْتَنِي إِيَّاهُ، فَأَقَمْتُ عَلَيْهِ، أَوْ قَبَحْتَهُ لِي فَرَزَيْتَهُ لِنَفْسِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

12. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَسِيتُهُ فَأَحْصَيْتُهُ، وَتَهَاوَنْتُ بِهِ فَأَثَبْتَهُ، وَجَاهَرْتُ بِهِ فَسَتَرْتَهُ عَلَيَّ، وَلَوْ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ لَغَفَرْتَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

13. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَقَّعْتُ فِيهِ قَبْلَ انْقِضَائِهِ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ، فَأَمَهَلْتَنِي وَادَلَيْتَ عَلَيَّ سِتْرًا، فَلَمْ آلُ فِي هَتِكِهِ عَنِّي جُهْدًا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

14. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَصْرِفُ عَنِّي رَحْمَتَكَ، أَوْ يُحِلُّ بِي نَقِمَتَكَ، أَوْ يُحَرِّمُنِي كَرَامَتَكَ أَوْ يُزِيلُ عَنِّي نِعْمَتَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

15. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ الْفَنَاءَ، أَوْ يُحِلُّ الْبَلَاءَ، أَوْ يُشْمِتُ الْأَعْدَاءَ، أَوْ يَكْشِفُ الْغِطَاءَ، أَوْ يَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

16. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَيَّرْتُ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ قَبَحْتُهُ مِنْ فِعْلِ أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ، ثُمَّ تَفَحَّمْتُ عَلَيْهِ وَانْتَهَكْتُهُ، جُرْءًا مِنِّي عَلَى مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

17. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَاقْدَمْتُ عَلَى فِعْلِهِ فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ، وَرَهْبْتُكَ وَأَنَا فِيهِ، ثُمَّ اسْتَقَلْتُكَ مِنْهُ وَعُدْتُ إِلَيْهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

18. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَزَّكَ عَلَيَّ، وَوَجَبَ فِي فِعْلِي بِسَبَبِ عَهْدٍ عَاهَدْتُكَ عَلَيْهِ أَوْ عَقْدٍ عَقَدْتُهُ لَكَ، أَوْ ذِمَّةٍ آلَيْتُ بِهَا مِنْ أَجْلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ، لِرَغْبَتِي فِيهِ، بَلْ اسْتَزَلَّنِي عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ الْبَطَرُ، وَاسْتَخَطَّنِي عَنْ رِعَايَتِهِ الْأَشْرُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

19. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لِحِقْنِي بِسَبَبِ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّش، فَقَوِّيتُ بِهَا عَلَى مَغْصِيَّتِكَ، وَخَالَفْتُ بِهَا أَمْرَكَ، وَقَدَّمْتُ بِهَا عَلَى وَعِيدِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

20. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيهِ شَهْوَتِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَآثَرْتُ فِيهِ مَحَبَّتِي عَلَى أَمْرِكَ، وَأَرْضَيْتُ نَفْسِي فِيهِ بِسَخَطِكَ، إِذْ رَهَّبْتَنِي مِنْهُ بِنَهْيِكَ، وَقَدَّمْتُ إِلَيْهِ بِإِعْذَارِكَ، وَاحْتَجَجْتُ عَلَى فِيهِ بِوَعِيدِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

21. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسِي، أَوْ نَسِيْتُهُ أَوْ ذَكَرْتُهُ أَوْ تَعَمَّدْتُهُ أَوْ أَخْطَأْتُ فِيهَا لَا أَشْكُ أَنَّكَ سَائِلِي عَنْهُ، وَأَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ بِهِ لَدَيْكَ، وَإِنْ كُنْتُ قَدْ تَسِيْتُهُ أَوْ غَفَلْتُ عَنْهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

22. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَاجَهْتُكَ بِهِ وَ قَدْ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ تَرَانِي عَلَيْهِ، وَغَفِلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ، وَانْسَيْتُ أَنْ أَسْتَغْفِرَكَ لَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

23. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَلَّا تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ وَ رَجَوْتُكَ لِمَغْفِرَتِهِ فَأَقْدَمْتُ عَلَيْهِ وَ قَدْ عَوَّلْتُ نَفْسِي عَلَى مَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ أَنْ لَا تَفْضَحَنِي بَعْدَ أَنْ سَتَرْتَهُ عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

24. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَوْجَبْتُ مِنْكَ بِهِ رَدَّ الدُّعَاءِ وَ حِرْمَانَ الْإِجَابَةِ وَ خَيْبَةَ الطَّمَعِ وَانْفِسَاخَ الرَّجَاءِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

25. اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْحَسْرَةَ، وَ يُوْرِثُ النَّدَامَةَ، وَ يَحْبِسُ الرِّزْقَ، وَ يَرُدُّ الدُّعَاءَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

26. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ الْأَسْقَامَ وَالْفَنَاءَ، وَ يُوجِبُ النَّقَمَ وَالْبَلَاءَ، وَ يَبْكُونُ فِي الْقِيَامَةِ حَسْرَةً وَ نَدَامَةً، وَ فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

27. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحَتْهُ بِلِسَانِي أَوْ أَضْمَرَهُ جَنَانِي أَوْ هَشَّتْ إِلَيْهِ نَفْسِي أَوْ آتَيْتُهُ بِفَعَالِي، أَوْ كَتَبَتْهُ بِيَدِي، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

28. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَلَوْتُ بِهِ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، وَ أَرَخَيْتَ عَلَيَّ فِيهِ الْأُسْتَارَ حَيْثُ لَا يَرَانِي إِلَّا أَنْتَ يَا جَبَّارُ، فَأَرْتَابْتُ فِيهِ نَفْسِي، وَ مَيَّزْتُ بَيْنَ تَرْكِهِ الْخَوْفِكَ وَ انْتِهَائِهِ كِهَ لِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، فَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي الْإِقْدَامَ عَلَيْهِ، فَوَاقَعْتُهُ وَ أَنَا عَارِفٌ بِمَعْصِيَتِي فِيهِ لَكَ، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

29. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَقْلَلْتُهُ أَوْ اسْتَكْثَرْتُهُ أَوْ اسْتَعْظَمْتُهُ أَوْ اسْتَصْغَرْتُهُ، أَوْ وَرَطِنِي جَهْلِي فِيهِ، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

30. اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَالَأْتُ فِيهِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ أَسَأْتُ بِسَبَبِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَرَتِيكَ، أَوْ زَيَّنْتُهُ لِي نَفْسِي أَوْ أَشَرْتُ بِهِ إِلَى غَيْرِي أَوْ دَلَلْتُ عَلَيْهِ سِوَايَ أَوْ عَصَرْتُ عَلَيْهِ بِعَمْدِي، أَوْ أَقَمْتُ عَلَيْهِ بِجَهْلِي، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

31. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ فِيهِ أَمَانَتِي، أَوْ بَخَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِي، أَوْ أَخْطَأْتُ بِهِ عَلَى بَدَنِي، أَوْ آثَرْتُ فِيهِ شَهْوَاتِي، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَذَاتِي، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي، أَوْ اسْتَعْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَابَعَنِي، أَوْ كَاثَرْتُ فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي، أَوْ قَهَرْتُ عَلَيْهِ مَنْ غَالَبَنِي، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَتِي أَوْ اسْتَزَلَّنِي إِلَيْهِ مِيلِي، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

32. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَعْنْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَةٍ تُدْنِي مِنْ غَضَبِكَ أَوْ اسْتَظْهَرْتُ بِنَيْلِهِ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ، أَوْ اسْتَمَلْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَى مَعْصِيَتِكَ، أَوْ رَأَيْتُ فِيهِ عِبَادَكَ، أَوْ لَبَسْتُ عَلَيْهِمْ بِفَعَالِي، فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

33. اللَّهُمَّ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَجَبٍ كَانَ مِنِّي بِنَفْسِي، أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ خِيَلَاءٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ أَشْرٍ أَوْ بَطَرٍ حَمِيَّةٍ أَوْ عَصَبِيَّةٍ أَوْ رِضَى أَوْ سَخَطٍ أَوْ سَخَاءٍ أَوْ شَحٍّ أَوْ ظُلْمٍ أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرَقَةٍ أَوْ كَذِبٍ أَوْ نَمِيمَةٍ أَوْ لَعِبٍ أَوْ نَوْعٍ مِمَّا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ، وَيَكُونُ فِي اجْتِرَاحِهِ الْعَطَبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

34. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ فِي عِلْمِكَ أَنِّي فَاعِلُهُ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَرْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

35. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهَبْتُ فِيهِ سِوَاكَ، أَوْ عَادَيْتُ فِيهِ أَوْلِيَاءَكَ، أَوْ وَالَيْتُ فِيهِ أَعْدَاءَكَ، أَوْ خَذَلْتُ فِيهِ أَحِبَّاءَكَ، أَوْ تَعَرَّضْتُ فِيهِ لِشَيْءٍ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

36. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ثُبْتُ إِلَيْكَ سِنَهُ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَ نَقَضْتُ الْعَهْدَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ جَرَاءً مِنِّي إِلَيْكَ لِمَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ وَ عَفْوِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

37. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَانِي مِنْ عَذَابِكَ أَوْ نَأْنِي عَنْ ثَوَابِكَ، أَوْ حَجَبَ عَنِّي رَحْمَتَكَ، أَوْ كَدَّرَ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

38. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَلَلْتُ بِهِ عَقْدًا شَدَدْتَهُ، أَوْ حَرَمْتُ بِهِ نَفْسِي خَيْرًا وَعَدْتَنِي بِهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

39. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ارْتَكَبْتُهُ بِشُمُولِ عَافِيَتِكَ، أَوْ تَمَكَّنْتُ مِنْهُ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ أَوْ قَوَّبْتُ عَلَيْهِ بِسَابِغِ رِزْقِكَ، أَوْ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ، فَخَالَطَنِي فِيهِ وَ شَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لَكَ، أَوْ وَجَبَ عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ بِهِ سِوَاكَ فَكَثِيرٌ مَا يَكُونُ كَذَلِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

40. اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَعَتْنِي الرُّخْصَةُ، فَخَلَّلْتُهُ لِنَفْسِي وَ هُوَ فِيمَا عِنْدَكَ مُحَرَّمٌ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

41. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَفِيَ عَن خَلْقِكَ وَلَمْ يَعِزُبْ عَنْكَ. فَاسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ، فَأَقْلَتَنِي، ثُمَّ عُدتُ فِيهِ فَسَتَرْتَهُ عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

42. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَطَوْتُ إِلَيْهِ بِرِجْلِي، أَوْ مَدَدْتُ إِلَيْهِ يَدِي، أَوْ تَأَمَّلْتُه بَصَرِي، أَوْ أَصْغَيْتُ إِلَيْهِ بِسَمْعِي، أَوْ نَطَقَ بِهِ لِسَانِي، أَوْ أَنْفَقْتُ فِيهِ مَا رَزَقْتَنِي، ثُمَّ اسْتَرْزَقْتُكَ عَلَى عِصْيَانِي، فَارَزَقْتَنِي، ثُمَّ اسْتَعَنْتُ بِرِزْقِكَ عَلَى مَعْصِيَّتِكَ، فَسَتَرْتَ عَلَيَّ، ثُمَّ سَأَلْتُكَ الزِّيَادَةَ، فَلَمْ تُخَيِّبْنِي وَ جَاهَرْتُكَ فِيهِ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، فَلَا أَزَالُ مُصِرًّا عَلَى مَعْصِيَّتِكَ وَ لَا تَزَالُ عَائِدًا عَلَيَّ بِحِلْمِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

43. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوجِبُ عَلَيَّ صَغِيرُهُ أَلِيمَ عَذَابِكَ، وَيُحِلُّ بِي كَبِيرُهُ شَدِيدَ عِقَابِكَ، وَ فِي إِتْيَانِهِ تَعْجِيلُ نِقْمَتِكَ، وَ فِي الْإِصْرَارِ عَلَيْهِ زَوَالُ نِعْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

44. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ سِوَاكَ وَ لَا عَلِمَهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَ لَا يُنْجِنِي مِنْهُ إِلَّا حِلْمُكَ، وَ لَا يَسَعُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

45. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُزِيلُ النِّعَمَ أَوْ يُحِلُّ النِّقَمَ، أَوْ يُعَجِّلُ الْعَذَابَ، أَوْ يُكَثِّرُ النَّدَمَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

46. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَمْحَقُ الْحَسَنَاتِ وَ يُضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ وَ يُعَجِّلُ النِّقَمَاتِ وَ يُغْضِبُكَ يَا رَبَّ السَّمَوَاتِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

47. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَنْتَ أَحَقُّ بِمَعْرِفَتِهِ إِذْ كُنْتَ أَوْلَى بِسِتْرَتِهِ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفَرَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

48. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَجَهَّمْتُ فِيهِ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِكَ مُسَاعِدَةً فِيهِ لِأَعْدَائِكَ، أَوْ مَيْلًا مَعَ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

49. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَلْبَسَنِي كِبَرَةً وَ انْهَمَا كِي فِيهِ ذِلَّةً، أَوْ آيَسَنِي مِنْ وَجُودِ رَحْمَتِكَ، أَوْ قَصَرَ بِي الْيَأْسُ عَنِ الرَّجْوِ إِلَى طَاعَتِكَ، لِمَعْرِفَتِي بِعَظِيمِ جُرْمِي وَسُوءِ ظَنِّي بِنَفْسِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

50. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أُرَدَّنِي الْهَلَكَةَ لَوْ لَا رَحْمَتِكَ، وَ أَحَلَّنِي دَارَ الْبَوَارِ لَوْ لَا تَعَمُّدِكَ، وَ سَلَكَ بِي سَبِيلَ الْغَيِّ لَوْلَا رُشْدُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

51. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَلْهَانِي عَمَّا هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ أَوْ أَمَرْتَنِي بِهِ، أَوْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ أَوْ ذَلَّلْتَنِي عَلَيْهِ فِيمَا فِيهِ الْحِظُّ لِبُلُوغِ رِضَاكَ، وَ إِثَارِ مَحَبَّتِكَ وَالْقُرْبِ مِنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

52. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَرُدُّ عَنْكَ دُعَائِي أَوْ يَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي أَوْ يُطِيلُ فِي سَخَطِكَ عَنَائِي أَوْ يُقْصِرُ عِنْدَكَ أَمْلِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

53. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يُشْعِلُ الْكَرْبَ وَ يُرْضِي الشَّيْطَانَ وَ يُسْخِطُ الرَّحْمَنَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

54. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْيَأْسَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ الْقُنُوطَ مِنْ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْحَرِمَانَ مِنْ سَعَةِ مَا عِنْدَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

55. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَقَّتْ نَفْسِي عَلَيْهِ إِجْلَالًا لَكَ فَأَظْهَرْتُ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَبِلْتَ، وَ سَأَلْتُكَ الْعَفْوَ فَعَفَوْتَ، ثُمَّ مَالَ بِي الْهَوَى إِلَى مُعَاوَذَتِهِ طَمَعًا فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ كَرِيمِ عَفْوِكَ نَاسِيًا لَوَعِيدِكَ رَاجِيًا لَجَمِيلِ وَعْدِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

56. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوجِبُ سَوَادَ الْوُجُوهِ يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ أَوْلِيَائِكَ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ اَعْدَائِكَ، إِذْ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ فَقِيلَ لَهُمْ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مُقْلِيلَهَا، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

57. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ وَ يُطِيلُ الْفِكْرَ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يَجْلِبُ الْعُسْرَ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

58. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُدْنِي الْأَجَالَ، وَيَقْطَعُ الْأَمَالَ وَ يَبْتَرُ الْأَعْمَارَ، فَهَتْ بِهِ أَوْ صَمَتْ عَنْهُ حَيَاءٌ مِنْكَ عِنْدَ ذِكْرِهِ، أَوْ أَكْنَنْتُهُ فِي صَدْرِي، أَوْ عَلِمْتُهُ مِنِّي، فَأَنْتَ تَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

59. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَكُونُ فِي اجْتِرَاحِهِ قَطْعُ الرِّزْقِ وَ رَدُّ الدُّعَاءِ، وَ تَوَاتُرُ الْبَلَاءِ وَ وُزُودُ الْهُمُومِ، وَ تَضَاعُفُ الْعُمُومِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

60. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُبْغِضُنِي إِلَى عِبَادِكَ وَ يُنْفِرُ عَنِّي أَوْلِيَائِكَ، أَوْ يُوحِشُ مِنِّي أَهْلَ طَاعَتِكَ، لِوَحْشَةِ الْمَعَاصِي وَ رُكُوبِ الْخُوبِ، وَ كَاتِبَةِ الذُّنُوبِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

61. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَلَّسْتُ بِهِ مِنِّي مَا أَظْهَرْتَهُ، أَوْ كَشَفْتَ عَنِّي بِهِ مَا سَتَرْتَهُ، أَوْ قَبَحْتُ بِهِ مِنِّي مَا زَيَّنْتَهُ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

62. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَا يُنَالُ بِهِ عَهْدُكَ وَ لَا يُؤْمَنُ مَعَهُ غَضَبُكَ وَ لَا تَنْزِلُ مَعَهُ رَحْمَتُكَ وَ لَا تَدُومُ مَعَهُ نِعْمَتُكَ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

63. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَخْفَيْتَ لَهُ ضَوْءَ النَّهَارِ مِنْ عِبَادِكَ، وَ بَارَزْتُ بِهِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ جُرْأَةً مِنِّي عَلَيْكَ، عَلَى أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ السِّرَّ عِنْدَكَ غَلَابِيَّةٌ وَ أَنَّ الْخُفْيَةَ عِنْدَكَ بَارِزَةٌ وَ أَنَّهُ لَنْ يَمْنَعَنِي مِنْكَ مَانِعٌ، وَ لَا يَنْفَعَنِي

عِنْدَكَ نَافِعٌ مِنْ مَالٍ وَ بَيْنِينَ إِلَّا أَنْ آتَيْتَكَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

64. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ النَّسيَانَ لِذِكْرِكَ، وَ يُعَقِّبُ الْغَفْلَةَ عَنْ تَحْذِيرِكَ أَوْ يُمَادِي فِي الْأَمْنِ مِنْ مَكْرِكَ أَوْ يُطْمَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِكَ أَوْ يُؤَيِّسُ مِنْ خَيْرٍ مِنْ عِنْدِكَ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

65. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَحِقَنِي بِسَبَبِ عَتَبِي عَلَيْكَ فِي احْتِبَاسِ الرِّزْقِ عَنِّي وَ إِعْرَاضِي وَ عَنكَ وَ مِيلِي إِلَى عِبَادِكَ بِالِاسْتِكَانَةِ لَهُمْ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْهِمْ، وَ قَدْ قَلَّكَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ. فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

66. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَزَمَنِي بِسَبَبِ كُرْبَةٍ اسْتَعْنْتُ عِنْدَهَا بِغَيْرِكَ، أَوْ اسْتَبَدَدْتُ بِأَحَدٍ فِيهَا ذُنُوكَ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

67. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ حَمَلَنِي عَلَى الْخَوْفِ مِنْ غَيْرِكَ أَوْ دَعَانِي إِلَى التَّوَاضُّعِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتِمَالَنِي إِلَيْهِ الطَّمَعُ فِيمَا عِنْدَهُ، أَوْ زَيْنَ لِي طَاعَتَهُ فِي مَعْصِيَتِكَ إِسْتِجْرَارًا لِمَا فِي يَدِهِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِحَاجَتِي إِلَيْكَ، لَا غِنَا لِي عَنْكَ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

68. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحْتَهُ بِلِسَانِي أَوْ هَشَّتْ إِلَيْهِ نَفْسِي، أَوْ حَسَنَتُهُ بِفَعَالِي، أَوْ حَثَّتْ إِلَيْهِ بِمَقَالِي وَ هُوَ عِنْدَكَ قَبِيحٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

69. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَثَّلْتُهُ فِي نَفْسِي إِسْتِقْلَالًا لَهُ وَ صَوَّرْتُ لِي اسْتِصْغَارَهُ وَ هَوَّيْتُ عَلَى الْإِسْتِخْفَافِ بِهِ حَتَّى أَوْرَطْتَنِي فِيهِ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

70. اللَّهُمَّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عِلْمُكَ فِيَّ وَ عَلَيَّ إِلَى آخِرِ عُمُرِي بِجَمِيعِ ذُنُوبِي لِأَوَّلِهَا وَ آخِرِهَا عَمْدِهَا وَ خَطَايَاهَا وَ قَلِيلِهَا وَ كَثِيرِهَا وَ دَقِيقِهَا وَ جَلِيلِهَا وَقَدِيمِهَا وَ حَدِيثِهَا وَ سِرِّهَا وَ عَلَانِيَتِهَا وَ جَمِيعِ مَا أَنَا مُذْنِبُهُ أَنْ وَ

أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ مَا أَحْصَيْتَ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ قَبْلِي، فَإِنَّ لِعِبَادِكَ عَلَيَّ حَقُّوفاً أَنَا مُرْتَهَنٌ بِهَا تَغْفِرُهَا لِي، كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

چهل ختم ادريسيه

سید بن طاووس در مهج الدعوات از حسن بصری نقل می کند که می گوید:

زمانی که خداوند ادريس پیامبر(ص) را به سوی قومش فرستاد، این اسماء را به ایشان وحی فرمود و به اودستور داد که این کلمات درونش پنهانی بخواند و برای قومش آشکار نکند. ادريس پیامبر(ع) آن کلمات را خواندند، خداوند جایگاهش را بالا برد، آنگاه خداوند متعال آن کلمات را به حضرت موسی(ع) آموخت، سپس به رسول خدا(ص) محمد بن عبدالله آموخت که آن حضرت در جنگ احزاب آن دعا را خواندند.

حسن بصری می گوید: من درحالی که از حجاج مخفی شده بودم، خداوند را با این کلمات خواندم، خداوند مانع ایشان شد، شش بار بر من داخل شدند، خداوند را با این کلمات خواندم، خداوند متعال چشمان ایشان را گرفت.

حسن بصری می گوید: برای آمرزش همه گناهان خداوند را با این کلمات بخوان، آنگاه حوائج دنیوی و آخروی خودت را نام ببر، انشاءالله آنچه که خواستید، عطا میکند. این کلمات چهل اسم اند که به عدد روزی های توبه می باشد. شیخ طوسی و کفعمی این اسماء را در داخل اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان ذکر نموده اند.

حسن بصری می گوید: ادريس

1. اثر این اسم ان است که هرکس قصد رفتن به حضور سلاطین را دارد و آن سلطان با او خوب معامله نمی کند، این اسم را هفتاد مرتبه بخواند محبتش در قلب سلطان قرار می گیرد، و اگر مداومت بر این اسم کند، قلبش به درجه ای از نورانی می رسد که حل مشکلات برایش آسان می گردند و شرک از قلبش بیرون می رود و وجاهت و مرتبه او نزد مردم زیاد می گردد.

در روز چهارشنبه چهل ودو بار بخواند هر حاجتی را از خدا طلب کند روا بشود.

«سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ»

2. اگر در نظر مخلوق پست و حقیر نماید و تهی دست باشد مدت بیست روز هر روزی بیست و پنج مرتبه بخواند توانگر و بی نیاز گردد. «يَا إِلَهَ الْإِلَهِ الرَّفِيعِ فِي جَلَالِهِ»

3. روز جمعه در وقت نماز، اول غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد و به مسجد رود چون از نماز جمعه فارغ شود دویست مرتبه به هر حاجتی که بخواند روا گردد. «یا الله المَحْمُودُ کُلُّ فَعاله»

4. اگر بخواهد عاطفه و محبت کسی را بر انگیزاند و از ستمگری آن شخص کاسته شود این اسم را به نام مادرش با مشک و زعفران نوشته در جایگاه او دفن کند و جهت محبت و دوستی سه روز روزه بگیرد و این اسم را هر روز 500 مرتبه بخواند. «یا رحمن کُلُّ شئی وَ راحمه»

5. اگر کسی سخت مریض باشد در کاسه چینی نویسد و با نبات حل کند و بخورد شفا یابد. «یا حیَّ لا حیَّ فی دیمومیه مُلکِه وَ بقاءِه»

6. اگر کسی کم حافظه باشد مدت چهل روز و هر روز 21 و یا 24 مرتبه بخواند قوه حافظه او زیاد و قلبش نورانی می گردد و اگر چیزی را گم کرده، در روز شنبه 120 مرتبه این اسم را بخواند در خواب محلش را نشان می دهند. «یا قیوم فلا یفوت شئی من علمِه وَ لا یؤدّه»

7. اگر کسی بخواهد از زیر سلطه اشخاص فاسق و فاجر دور شود و راحت گردد به خواندن این اسم مداومت نماید «یا واحد الباقی، اَوَّلَ کُلِّ شیئی وَ آخره»

8. هر که بخواهد در هر امری ثبات قدم باشد مدت سه روز روزه بگیرد و هر روز با وضو سیصد مرتبه این اسم را بخواند. «یا دائم بلا فناء وَ لا زوالَ لِمُلکِه وَ بقاءِه»

9. اگر بین زوج و زوجه خصومت باشد، این اسم را بر ظرف چینی با مشک و زعفران بنویسد، سپس آن ظرف را بشوید و آبش را بخورد خصومت از بینشان می رود «یا صمد من غیر شبیه وَ لا شئی کَمِثلِه»

10. اگر کسی بخواهد زبان بد گوینان خود را ببندد در لوح سربی نقش کرده در زمین نمناکی دفن نماید «یا باری فلا شیئی کفوهُ وَ لا مدانی لوصفِه»

11. اگر کسی از دشمنی بترسد هفت روز روزه بگیرد و در این مدت ترک حیوانی کند و هر روزی هزار مرتبه بخواند که دشمنش مقهور می شود و اگر قرضی دارد اداء می شود «یا کبیر اَنْتَ الذی لا تهتدی العقولُ لوصفِ عَظَمَتِه»

12. برای کسیکه سحر و جادو کرده باشند و متحیر شود در لوح هفت جوش نقش کرده و با خود نگاه دارد ایمن گردد و اگر کسی این اسم را همراه داشته باشد از جذام و برص در امان خواهد بود. «یا بَارِءَ النَّفُوسِ بِلا مِثَالٍ خِلا مِنْ غَیره»

13. جهت تسخیر هفت روز روزه بگیرد که آخرش روز چهارشنبه باشد و هر روز غسل کند و لباس طاهر بپوشد، و این اسم را (1051) مرتبه بخواند. «یا زَاکِی الطَّاهِرِ مِنْ کُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ»

14. اگر با مقامی یا با هر کسی امید خیر و جوهری داشته باشد و بخواهد زودتر به مطلوب خود برسد این اسم را در پوست آهو نوشته در خانه مطلوب مدفون سازد. «یا کَافِی المَوْسِعِ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَا یا فَضْلَهُ»

15. هرگاه کسی در دست ظالمی گرفتار باشد با طهارت با این اسم مداومت نماید خلاص شود. «یا نَقِیًّا مِنْ کُلِّ جَوْرِ وَ لَمْ یَرْضِهِ وَ لَمْ یُخَالِطْهُ فَعَالُهُ»

16. اگر بر قلب نور چشم و ناامیدی لز دید آن بسیار بخواند نور در دیده هایش زیادتر می گردد و همچنین اگر زبان و دستش از کار افتاده باشد «یا حَنَّانُ أَنْتَ الَّذِی وَسَعَتْ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا».

17. اگر کسی در فقر و تنگدستی باشد، این اسم را زیاد بخواند از فقر نجات پیدا می کند. «یا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ کُلَّ الْخَلِیقِ مَنَّةً»

18. اگر کسی چیزی به کسی سپارد این اسم را بر پارچه حریری نوشته در روی آن امانت نهد تا تلف نشود و ضایع نگردد. «یا دِیَانَ الْعِبَادِ فَکُلُّ یَقُومُ خَاضِعاً لِهَیْبَتِهِ وَ رَغَبَتِهِ»

19. برای اطلاع از حال غایب به نیت آن پنج هزار بار بخواند انشاءالله آن غایب بر می گردد «یا خَالِقَ مَنْ فِی السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِیْنَ وَ کُلِّ اِلَیهِ مَعَادَهُ»

20. اگر کسی بخواهد محبت کسی را برای خود جلب کند این اسم را با مشک و زعفران نوشته و در آب روان اندازد و به نیت اسم خودش و اسم مادرش و اسم شخص مطلوب و اسم مادرش هزار مرتبه بخواند انشاءالله دوستدارش می گردد «یا رَحِیمَ کُلِّ صَرِیخٍ وَ مَکْرُوبٍ وَ غِیَاثَهُ وَ مَعَادَهُ»

21. هرکس این اسم را دوازده روز و هر روز هزار مرتبه بخواند عجایب زیادی برایش مکشوف می گردد و در نزد بزرگان مقبول اقول می شود «یا تام (بار) فَلَا تَصِفُ إِلَّا لَسُنَّ كُنْهَ جَلَالِهِ وَ مَلِكِهِ وَعِزَّهُ»

22. اگر کسی این اسم را هر روز نود مرتبه بخواند امور مخفی زیادی برایش کشف می شود. «یا مُبْدِئُ الْبَدَا یا لَمْ یَبْغِ فِی انْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ»

23. اگر کسی در هر روز هزار مرتبه این اسماء را بخواند صاحب سلطه و محبت می شود و در بین مردم عزیز می گردد. «یا عَلَّامُ الْغُیُوبِ فَلَا یَفُوتُ شَیْءٌ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا یُؤَدُّهُ مِنْ شَیْءٍ حَفَظَهُ»

24. هر که زیاد مداومت نماید در هر شغل و مقامی که هست ترقی نماید و مقبول اقول می گردد. «یا حَلِیمَ ذَا الْاِنَاةِ فَلَا یُعَادِلُهُ شَیْئٌ مِنْ خَلْقِهِ»

25. اگر کسی از وطنش هجرت کرده، این اسم را 99 مرتبه بخواند به وطنش باز می گردد. «یا مُعِیدُ مَا اَفْنَاءَ اِذَا بَرَزَ الْخَلَایِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ»

26. مداومت کننده به این اسم عزت و شکوت نصیبش شود. «یا حَمِیدُ الْفِعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِیعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ»

27. اگر دو لشکر با هم به جنگ بیفتد این اسم را بخوانند تبدیل به صلح می شود، و نیز انسان در نزد مردم عزیز می شود. «یا عَزِیزُ الْمَنِیعِ الْغَالِبِ عَلٰی اَمْرِهِ فَلَا شَیْئٌ یُعَادِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ»

28. اگر چیزی گم کرده و یا امانتی نزد کسی گذاشته و بر نمی گرداند این اسم را 200 مرتبه بخواند آن امانت را بر می گرداند. و اگر انسانی گرفتار شده باشد این اسم را بر کاسه چینی با مشک و زعفران بنویسد و از آن طرف بیاشامد حل می گردد. «یا قَاهِرَ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیدِ اَنْتَ الَّذِی لَا یُطَاقُ اِنْتِقَامُهُ»

29. برای دوستی و مقهوری خصم و عقداللسان و عقد النوم در یک مجلس با توجه بخواند بلکه به هر کار بزرگی بخواند عجایب بی شمار ببیند. «یا قَرِیبَ الْمُتَعَالٰی فَوْقَ کُلِّ شَیْئٍ عُلُوَّ اَرْتِفَاعِهِ»

30. اگر کسی بخواهد خوشبخت و کامروا گردد یک عدد دل گوسفند بگیرد و هفتصد بار این اسم را بر او بخواند و اسم نوشته در جوف آن دل قرار دهد در آستانه مسجدی در زیر سقف پنهان کند. «یا مُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ سُلْطَانِهِ»

31. جهت غلبه بر دشمن روز یکشنبه روزه بگیرد سپس غسل کند و لباس طاهر بپوشد و به مکانی برود که غیر از او کسی نباشد و این اسم را هزار و هفتصد مرتبه بخواند بر دشمن غلبه می کند.
«یا نُورُ كُلِّ شَيْئٍ وَ هُدَاهُ أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ الظُّلُمَاتِ الْكَلِمَاتِ بِنُورِهِ»

32. اگر دولت یا عزت کسی را بخواهد یک ماه تمام این اسم را بخواند. «یا عَالِی السَّامِخِ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عَلُوُّ ارْتِفَاعِهِ»

33. مداومت بر این اسم کارهای صعب و لا ینحل را آسان و به صلاح مبدل گرداند یک عدد دل بزند را بگیرد و هفتصد مرتبه بخواند «یا قُدُّوسَ الطَّاهِرِ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ فَلَا شَيْءَ یُعَادِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ»

34. مداومت این اسم باعث تقرب در درگاه خدای متعال است و موجب استحکام در اعمال دینی و دنیوی می شود. «یا مُبْدِئَ الْبَرِّایَا وَ مُعِیدَهَا بَعْدَ فَنَاءِهَا بِقُدْرَتِهِ»

35. کسی که بیماری شدید دارد و در حال احتضار است، و یا کسی که محکوم به اعدام شده سه مرتبه بخواند «یا جَلِيلَ الْمُتَكَبِّرِ عَلٰی كُلِّ شَيْئٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَ الصَّدَقُ وَعْدُهُ»

36. اگر در خواندن این اسم عجایی مشاهده کرد افشاء نکند و به مقامات بالا می رسد «یا مَحْمُودٌ فَلَا تَبْلُغُ الْاَوْهَامَ کَنَّهُ ثَنَائِهِ وَ مَجْدِهِ وَ حَمْدِهِ»

37. جهت آمرزش گناهان بخواند «یا کریمَ الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْئٍ عَدْلُهُ»

38. جهت ادای دیون و بدهکاری بخواند «یا عَظِیمَ ذی الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَ ذی الْعِزِّ وَ الْمَجْدِ وَ الْکِبَرِیَاءِ فَلَا یَذُلُّ عِزُّهُ»

39. جهت رسیدن به امور دنیایی یا دیگر بخواند «یا عَجِیبَ فَلَا تَنْطِقُ الْاَلْسُنُ بِکُلِّ آلَائِهِ وَ ثَنَائِهِ»

40. جهت عزت و کرامت بخواند «یا غیاثی عِنْدَ كُلِّ کُرْبَةٍ وَ مَعَاذِ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَ مَجِیْبِی عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّی عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِیْمَانًا وَ اَمْنًا مِنْ عُقُوبَاتِ الدِّنِّیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ اَسْئَلُکَ اَنْ تَصْرِفَ مِنْیْ اَبْصَارَ الظُّلْمَةِ الْمُرِیْدِیْنَ بِیَ السَّوْءِ وَ اَنْ تَصْرِفَ قُلُوبَهُمْ عَنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ هَذَا الدَّعَاءِ مِنْیْ وَ مِنْکَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نَعْمَ الْوَكِیْلُ نَعْمَ الْمَوْلٰی وَ نَعْمَ النَّصِیْرُ»

ختم کلیه آیات سوره مبارکه یاسین

(نقل از ختوم و اذکار)

سوره «یس» 83 آیه است تام و غیر تام با شرائط از آن ها استفاده کنید.

1- جهت آمزش و شفاعت 142 بار فقط کلمه «یس» خوانده شود.

2- جهت زیادی نعمت هر روز صد بار «وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ»

3- به دیوانه و مصروع 131 بار آیه «اِنَّکَ لَهٗ مِنْ الْمُرْسَلِیْنَ» را بدمد انشاءالله صحت یابد.

4- جهت دوستی با خدای تعالی بعد از نماز صبح صد بار « عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ » بخواند.

5- جهت تسخیر ملوک بعد از نماز صبح (40 روز) «تَنْزِیْلَ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ»

6- جهت خوف از دشمن بخواند و با خود دارد «لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّا اُنْذِرَ اَبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُوْنَ»

7- جهت تنهایی و خوف صد بار «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی اَکْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ».

8- جهت تسخیر نقش انگشتر کند «اِنَّا جَعَلْنَا فِیْ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهٰی اِلٰی الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ».

9- جهت دفع اعداء بر فلفل سفید بخواند و به آتش افکند «وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

فَاَغْشٰیْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُوْنَ»

- 10- جهت فتح بر نخ کبود بخواند و در قبرستان دفن کند «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ».
- 11- جهت بستن زبان بر خاک قبر کهنه بخواند و گل کند «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ قَبْشِرُهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ».
- 12- جهت عزت در نظر امراء و ملوک به مشک و زعفران نوشته و با خود دارد «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ».
- 13- جهت گشایش بخت بر کاغذ نویسد و به گلاب بشوید و بخورد «وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ».
- 14- جهت شفای آبله یا برص به مشک و زعفران نبشته با خود دارد «قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ».
- 15- جهت مرض خناق (خفگی) به مشک و زعفران نبشته با خود دارد «قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ».
- 16- جهت رفع خصومت بنویسد و با خود دارد «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ».
- 17- جهت رفع رام کردن سرکش بر کاغذ بنویسد و بر او بندد «إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَنَمَسِّنَّكُمْ مِمَّا عَذَابَ إِلِيمٍ».
- 18- جهت عسر ولادت به گلاب نبشته و بخورد «قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أِنْ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ».
- 19- جهت پسر شدن زنی که فرزندش نشود با مشک و زعفران نوشته با خود دارد «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَن لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ».

- 20- به جهت دفع زنان به نام آن زن نویسد با خود دارد «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ وَهُمْ مُهْتَدُونَ».
- 21- جهت رفع بیماری نبشته به آب اندازد و سه روز ناشتا آبش را بخورد
«أَتَخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُون».
- 22- جهت رفع چله زنان بشوید در آبش غسل کند «إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُبِينٍ».
- 23- جهت دفع تب بر نخی بخواند و به گردن ببندد «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُون».
- 24- بنویسد و بر کعب پا بندد مانده نمی شود «قِيلَ الدُّخْلُ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ».
- 25- جهت درد کمر به مشک و زعفران نوشته با خود دارد «بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ».
- 26- جهت قبض و سستی کمر بنویسد و به بام افکند «وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ».
- 27- جهت دفع بیخوابی اطفال بنویسد زیر گهواره نهد «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَبِيحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ».
- 28- جهت دفع مضرات اعداء به مشک و زعفران نویسد با خود دارد «يَا حَسْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».
- 29- جهت تقهر خصم نوشته با خود دارد «أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ».
- 30- جهت جن زده بنویسد و با خود دارد «وَأِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ».

31- جهت دفع برص و جذام به مشک و زعفران نبشته با خود دارد «وَ آيَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ».

32- جهت عقداللسان نبشته زیر سنگ گران نهد «وَ جَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ وَ فَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَ مَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ».

33- جهت رفع فشار قبر در جامه میت نویسند «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ».

34- جهت رام شدن خلائق در خلوت سی بار هر روز بخواند «وَ آيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ».

35- جهت خواری خصم در برابر او به این ترتیب بخواند «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ».

36- جهت رفع جنون بنویسد و برگردن مجنون آویزد «وَ الْقَمَرُ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ».

37- شب جمعه هفت بار بخواند حاجت روا شود «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ».

38- جهت آسان گذشتن از صراط مداومت کند «وَ آيَةُ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ».

39- سه شب هر شبی سی بار بخواند پیغمبر را به خواب ببیند (نه در رختخواب و فراش غصبی) «وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ».

40- هر که هر روز صد بار بخواند با ایمان کامل از دنیا می رود «وَ إِنْ نَشَأْغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يُنْقَذُونَ».

41- هر که هر روز مداومت کند رستگار و بهشتی است «إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ».

- 42- مداوت بر آن موجب صلاحیت کارها است «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».
- 43- هر که ورد خود کند محتاج نشود «وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ».
- 44- هر که ورد خود کند سوال قبر بر او آسان شود «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».
- 45- هر که با خود دارد از غرق شدن حفظ ماند «وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ».
- 46- هر که با خود دارد از سنگ باران ایمن است «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ».
- 47- جهت کشف اسرار عجیبه بخواند «فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ».
- 48- هر کس هفت بار صلوات فرستد بعد آن را بخواند مرادش برآید «وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاتِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ».
- 49- در نشادر بخواند و به آتش اندازد زبان خلق بر او بسته شود «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».
- 50- جهت ضرر خصم که از او دفع شود ورد خود سازد «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ مَحْضَرُونَ».
- 51- مداومت آن موجب عدالت است «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».
- 52- در مربع نوپس با خود دارد گزنده ای او را نگزد «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ».
- 53- هر که با خود دارد محتاج و به ظالم گرفتار نشود «هُمْ وَ أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ».
- 54- هر که با خود دارد در عمر و مال او برکت آید «لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدَّعُونَ».

55- هر که ورد خود سازد از ثواب شهداء بهره مند گردد و در عمرش برکت یابد «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». هر که آن را از چهار شنبه پانزده روز روزی 818 بار بخواند به حاجت رسد و برای حاجتی در یک مجلس با وضو و توجه 1479 بار بخواند به حاجت رسد.

56- هر که مداومت کند مثل آن است که هزار ختم قرآن کرده باشد «وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ».

57- در مربع نبشته با خود دارد در چشم مردم عزیز و مکرم آید «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ».

58- هر که بخواند همزاد از او بترسد «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ».

59- هر که مداومت کند رستگار و بهشتی گردد «وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ».

60- اگر بر کفن میت نویسد از عذاب و تاریکی قبر ایمن گردد «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (واجعلنی روضة من ریاض الجنة)

61- جهت ایمنی از مضرات دنیا بخواند «اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ».

62- جهت اسهال بخواند و بخورد «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

63- سینه پهلوی بنویسد و بر پهلوی بندد «وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ».

64- جهت وسوسه شیطان روزی سه بار بخواند «وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ». و اگر کسی بسیار قی می کند یا قولنج باشد این آیه و آیه بعدی را بنویسد و بشوید و بخورد و شفا یابد.

- 65- جهت رفع فقر هر بامداد بخواند «وَمَنْ نَعَمَّرَهُ نُكَّسَهُ فِي الْخَلْقِ أَقْلًا يَعْقِلُونَ».
- 66- جهت درد چشم هفتاد بار بخواند و بر چشم دمد «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشَّعَرَ وَ مَا يَنْبَغِي الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ».
- 67- جهت سنگ مثانه و به مشک و زعفران نویسد و بخورد «لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ».
- 68- جهت ورم سه بار نوشته بشوید آبش را بخورد «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ».
- 69- جهت افزونی شیر زنان و حیوانات نوشته و به آنها ببندد «وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ».
- 70- جهت دفع گریه اطفال نوشته بر ایشان بندد «وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبُ أَقْلًا يَشْكُرُونَ».
- 71- جهت مرض آبله به ظرفی نوشته آبش را به آكله بپاشد «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ».
- 72- بر کفن میت نویسند از عذاب قبر ایمن گردد «لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ».
- 73- جهت طلب فرزند بر پوست آهو مربع نویسد و با خود دارد «فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ».
- 74- جهت دفع غش بر کرباس سیاه نویسد با خود دارد «أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ». از حضرت امیرالمومنین روایت شده است جهت درد دندان این آیه را تا آخر یس «بَاوَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» بنویسد و بر خود آویزد.
- 75- جهت دفع بیهوشی و صداع هفتاد بار بخواند و با خود دارد «وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ».
- 76- جهت چشم زخم نوشته با خود دارد «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ».

77- جهت دفع دشمن بر کلوخ پاک نبشته در آب اندازد «الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ».

78- جهت پنهان شدن از دشمن در راه رفتن بخواند دشمن او را نه بینید «أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ».

79- جهت باد سرخ بر کاغذ بنویسد بر آن موضع ببندد «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

80- جهت بر آمدن حوائج بخواند «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

طرز تهیه آب شفا بخش (آب باران ماه نیشان رومی)

سید جلیل علی بن طاووس (ره) روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله داخل شد و برایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که می خواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج به دوائی اطبا نبوده باشم پس حضرت امیر المومنین (ع) و سلمان و دیگران سوال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول (ص) به حضرت امیر المومنین (ع) خطاب نمود و فرمود که در ماه نیشان رومی آب باران می گیری و سوره فاتحه الكتاب و آیه الكرسي و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر یک را هفتاد بار می خوانی و به روایت دیگر سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را نیز هفتاد مرتبه می خوانی و هفتاد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ هفتاد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می گویی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می فرستی و هفت روز در بامداد و آخر شب از آن آب می آشامی به حق آن خداوندی که مرا به راستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می کنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بردارد از کسی که این آب را میاشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوان های او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید و به حق پرودگاری که مرا به حق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیشان را به آن نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب بیاشامد فرزند از او به وجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر از آن آب بیاشامند مقصود ایشان به عمل آید چنان چه حق تعالی می فرماید يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ أَوْيُؤْثِرُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا یعنی حق تعالی می بخشد هر که را

خواهد دختران و هرکه را خواهد پسران یا جفت می گرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را به ایشان عطا می کند و هرکه را خواهد عقیم و بی فرزند گرداند. پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد به قدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشم های خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشم های خود را از آن آب بشوید به اذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن از آن آب بُن دندان ها را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بن دندان ها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا به سبب خوردن طعام و آشامیدن آب به هم نرساند و از بادهای قولنج غیر آن متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم به هم نرساند و از کام آزار نکشد و درد دندان به هم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج به حجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رُعاف و قیّ نجات یابد و کور و لال و کر و ز مین گیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه های جنیان و شیاطین متاذی نگردد. پس حضرت رسول (ص) فرمود که جبرئیل گفت هرکه از این آب بیاشامد و به جمیع دردهایی که در مردم می باشد مبتلا باشد موجب شفای از جمیع آن ها گردد پس جبرئیل گفت به حق خداوند که تو را به راستی فرستاده هرکه این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینایی و به او عطا کند از کرامت ها آن چه به احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت به او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگویی ایشان نجات یابد و موجب شفا جمیع امراض گردد و مولف گوید که این روایت مشهور به عبدالله بن عمر منتهی می شود و به این سبب سندش ضعیف است و فقیر به خط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده بود با همین خواص و سوره ها اما آیات و اذکار را به این روش روایت کره است که می خوانی بر آب نیسان فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل أعوذ بربّ الفلق و قل أعوذ بربّ الناس و قل هو الله أحد اهر یک را هفتاد مرتبه و می گویی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هشتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد، از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شده در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقاً مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنان چه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمومنین (ع) منقول است که بیاشامید آب آسمانی را که پاک کننده بدن شماها است و دردها را دفع می کند حق تعالی می فرماید: وَ يُنَزِّلُ عَلَیْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَ یُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْسَ الشَّیْطَانِ وَلَیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَ یُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ یعنی می فرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آن که پاک گرداند شما را به آن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دل های شما را محکم گرداند و ثابت گرداند به آن قدم های شما را و در عمل

نیسان بهتر آن است که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آن که می خوانند فایده اش عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این سال ها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریباً داخل نیشان ماه رومی می شوند و ماه نیشان سی روز است.

ختم دعای چهل کلید از حضرت زهرا (ع)

از فضه خاتون روایت شده که روز جمعه برخاتون خود حضرت زهرا (ع) وارد شدم. دیدم ظرف آبی در دست دارد و دعایی می خواند و می دمد. عرض کردم: فدایت شوم سبب خواندن و دمیدن دعا چیست؟ فرمود: این دعا چهل کلید است هر که این دعا را در روز جمعه بخواند و غسل کند و آب پاکی آورد و این دعا را بخواند و بر آن بدمد و بخورد بخت پنجاه ساله اش باز می شود و اگر در بین زن و شوهر الفتی نباشد و این دعا را بر آب بخواند و آن را در طعام ریزد و آن را بخواند به قدرت حق تعالی به محبت یوسف و زلیخا رسد و جهت جادو آن راه گلاب و زعفران و نبات بخواند و بخورد و با آبی که این دعا را خوانده غسل کند به فرمان حق تعالی بازگردد و اگر کسی نزد سلاطین رود و این دعا را بر گلاب بخواند و بر روی خود مالد با حرمت گردد و اگر در آبش غسل کند حق تعالی او را از جمیع بلیات حفظ کند و از مکر مکاران و سحر ساحران و شر جمیع خلقان در امان خدا باشد و این دعا این است:

- 1- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ مُبِيناً (سوره فتح، آیه 1).
- 2- سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (سوره زمر، آیه 73).
- 3- لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ (سوره توبه، آیه 128).
- 4- رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (سوره ال عمران، آیه 191).
- 5- وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّنْ نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (سوره انعام، آیه 83).
- 6- وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (سوره اسراء، آیه 81).
- 7- وَتَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُو شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (سوره اسراء، آیه 82).
- 8- قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ
- 9- وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا
- 10- فَجَعَلْنَاهُمْ إِلَّا خُسْرِينَ (سوره انبياء، آیه 69-70).
- 11- فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (سوره انبياء، آیه 87).
- 12- وَلَا تَمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوَافِرِ (سوره ممتحنه، آیه 10).
- 13- وَ أَلْقَى السَّحْرَ سَاجِدِينَ. (سوره اعراف، آیه 120).
- 14- وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (سوره بقره، آیه 165).

- 15- بَيْنَاهَا بَيْنَ آدَمَ وَحَوَّاءَ وَبَيْنَ يَوْسُفَ وَزُلَيْخَا وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَى الْمَرْتَضَى.
- 16- وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
- 17- وَبِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بَرَهَانَ يَا رِضْوَانَ يَا سُلْطَانَ
يَا غَفْرَانَ
- 18- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- 19- إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ
- 20- وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا.
- 21- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (سوره نصر، آیه 3-1)
- 22- نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (سوره صف، آیه 13)
- 23- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (صف، آیه 14 و سوره های متعدد دیگر قرآن)
- 24- قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه 4-1)
- 25- لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (سوره شوری، آیه 11)
- 26- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (سوره فلق، آیه 3-1)
- 27- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (سوره ناس، آیه 1)
- 28- قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ (سوره رعد، آیه 43)
- 29- قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء، آیه 81)
- 30- قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَرَبُّنَا (سبأ، آیه 26)
- 31- ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (سبأ، آیه 26)
- 32- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (ملک، آیه 28)
- 33- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (ملک، آیه 30)
- 34- قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْإِبْرَاهِيمَ (انبیاء، آیه 69)
- 35- قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ قُلْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (بقره، آیه 65 و سوره اعراف، آیه 166)
- 36- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ (انعام، آیه 11)
- 37- ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (انعام، آیه 11)
- 38- قُلْ مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (انبیاء، آیه 42)
- 39- قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (كهف، آیه 103)

40- قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ (همان، آیه 110). سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. (سوره صافات، آیه 110)

برخی از خواص بی نظیر « اسماء الله »

« نقل از خواص و مفاهیم اسماء الله الحسنى ملاحبیب الله شریف کاشانی »

* در برخی روایات معتبر نقل شده است که هر کسی از روی اخلاص ؛ ده مرتبه بگوید « یا الله در خواستش رد نشود ؛ پاسخش گویند (ص 33)

* اگر کسی در یک جلسه دوازده رتبه بگوید « یا الله یا هو » خداوند متعال ؛ جن و انس و پرندگان و وحوش را طوری مسخر می فرماید که از آن شخص اطاعت کنند . (ص 36)

* هر کس تا 70 روز و هر روزی 15404 بار بگوید «الاول الاخر الظاهر الباطن» اسرار پوشیده مردم بر او نمایان شود و به ظاهر و باطن هر موجودی بینا و دانا شود . (ص 53-54)

* اگر کسی تا 15 روز و هر روز 1780 مرتبه آیه « و اقْرَضِ امْرِئَ اللَّهِ اَنْ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ » را بخواند ؛ هر مطلبی داشته باشد ؛ برآورده می شود و اگر نشد تا چهل روز بخواند که مجرب است. (ص 61)

* هر کسی در محاق ماه در آخر شب بگوید « یا قَاهِرُ یا قَهَّارُ یا ذَالْبَطْشِ الشَّدِيدِ اَنْتَ الَّذِی لَا یُطَاقُ اَنْتِقَامَهُ » پس بردشمن نفرین کند به زودی آن دشمن مقهور شود و از شر او ایمن شود. (ص 69)

* اگر کسی بخواهد کسی دیگر را مطیع خود سازد « هفتاد بار بگوید : « وَ عَفَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَى الْقَیُّومِ » (ص 102)

* اگر کسی در یک مجلس 1001 بار بگوید « اَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ » دشمن او هلاک شود و زبان دشمنان بسته می گردد. (ص 121)

* خواندن اسم شریف « الحق » تا 108 مرتبه برای احقاق حق مفید است. (ص 123)

* خواندن اسم « الحسیب » یا 80 مرتبه برای دفع شر سخن چنان و حاسدان نافع است و برای دفع شر دشمن قوی نیز مجرب است. (ص 125)

* اگر کسی در روز جمعه پس از نماز 200 مرتبه بگوید « یا الله المحمود فی کلِّ فعاله » هر حاجتی که از خدا می خواهد ؛ روا گردد. (ص 129)

* اگر کسی 60 روز و هر روز 432 بار بگوید « وَلِیِّ حَمِیدٌ » تمام خلائق دوستدار او شوند و مقبول همه دلها حتی سلاطین گردد و همیشه مسرور و خرم باشد و مشهور آفاق گردد. (ص 130)

* هر کسی اسم « الخالق » را تا 5107 بار بگوید بلافاصله پس از اتمام آن دعایش مستجاب شود و هر چه اراده کند برایش ظاهر گردد . ان شاء الله . (ص 147)

* اگر کسی به قصد مراجعت غایبی ؛ 5 هزار بگوید « يَا خَالِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ كُلِّ إِلَهٍ مَعَاذُهُ » آن غائب در آمدن (و برگشتن) بی قرار شود . (ص 148)

* بسیار گفتن ذکر شریف « الرزاق » در شب نیمه شعبان توسعه رزق اثری عظیم دارد . (ص 150)

* برای دفع فقر و فاقه پیش از نماز صبح در چهار زاویه خانه و در هر زاویه ؛ ده بار بگوید « الرزاق » به نحوی که از سمت راست قبله شروع کند بسیار مجرب است . (ص 151)

* برای اینکه شخصی را مسخرخود گرداند ؛ و روز جمعه پس از نماز ؛ اسم « الرَّؤُف » را در بیست مرتبه بر آب یا شیرینی بخواند و آن را به آن شخص بخورد مقصود حاصل گردد . (ص 156)

* اگر کسی اسم « السلام » را 318 مرتبه بر شیرینی بخواند و به دشمن بخورد مهربان گردد (ص 160)

* برای در امان ماندن از وسواس ؛ 120 مرتبه ذکر « المومن » مفید است . (ص 162)

* در بعضی کتب است که هر که طالب اسرار باطن است ؛ روزی یک بار غسل کند تا چهل روز ؛ روزی 1040 مرتبه اسم « الْمُهْمِيمِن » را پس از غسل بخواند بر قلوب خلائق مطلع شود . ان شاءالله (ص 165)

* بعضی گفته اند هر کسی روزی 41 مرتبه بگوید « العزیز » دولتی عظیم یابد (توانگر شود) (ص 167)

* اگر کسی در هر روز 11 بار ذکر « المغنی » را بخواند خداوند فقر او را تبدیل به غنا می نماید و سختی های او را به آسانی تبدیل نماید و چیزی از خدا نخواهد مگر آنکه به او عطا شود . (ص 199)

* اگر کسی در کاری مانده یا در دست ظالمی گرفتار باشد که هیچ کسی به فریاد او نرسد و هیچ راه نجاتی نداشته باشد 99 مرتبه بگوید : « يَا عِيَاتِيْ عِنْدَ كُلِّ كَرْبَةٍ وَمَعَادِيْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَمَجِيبِيْ عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَمَانًا مِنْ عِقَابَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ » (ص 201)

* اگر کسی را نزد سلطان یا بزرگی حاجت باشد خواسته ای از بزرگان یا روسا داشته باشد ؛ سوره مبارکه فاطر را تا آخر سوره ؛ 75 مرتبه بخواند . حاجت او روا شود . ان شاءالله (ص 204)

* اگر کسی طالب خلوت است و می خواهد که عوام به سمت او هجوم نبرند و انقطاع الی الله برایش حاصل شود 284 مرتبه بگوید « الفرد » (ص 206)

* اگر کسی اسم « الولی » را به کوزه ای آب نویسد آن را از آب پر کند و بر چهار خُد خانه و بام آن بپاشد ؛ آن خانه از درد ایمن گردد و نیز از صاعقه و سیل و زلزله نیز در امان ماند . (ص 238)

* اگر کسی بر ذکر « نعم لمؤلی و نعم النصر » مداومت کند در همه حرکات و سکنات بر دشمنان خود پیروز گردد و هر حاجتی از خدا بخواهد برآورده شود و در یک مجلس 2060 مرتبه گفتن « رَبِّ اَنِّیْ مُغْلُوْبٌ فَانْتَصِرْ » مجرب است. (ص 267)

گنجینه ای از اسرار اسماء الله

نقل از «بحر الغرائب» شیخ محمد هروی

* بعضی از بزرگان گفته اند که هر که در یک مجلس ، دوازده هزار نوبت بگوید « یا الله یا هو » جن و انس و وحوش و طیور با او انس گیرند و در آن صحرا مطیع او گردند و جمیع مخلوقات و خواص اشیاء و علوم مخفیات (پنهانی) بر وی مکشوف گردد. (ص 88)

* جمعی فرموده اند که در شرح یکی از بزرگان یافتیم که هر که را کاری صعب (دشوار) واقع شود و امر مشکلی که بیم کشتن بود ؛ جهت دفع آن بلیّه یا فتح کارها به یک مجلس ؛ هزار بار سوره اخلاص بخواند ؛ نجات یابد. (ص 96)

* یکی از بزرگان صاحب ورد و این اسماء « یا الله یا هو » چنین فرموده اند که هر که خواهد صاحب صدق و یقین گردد و از عالم غیب انواع فتوحات ظاهری و باطنی متواتر به وی نازل گردد ؛ هر روز پس از فراغ فرایض صبح (اتمام نماز و مستحبات صبح) هزار بار این اسماء را به این نوع بخواند « یا اللّهُ یا هُوَ » (ص 100)

* بزرگی فرموده که هر که نیم شب با طهارت کامل روی به آسمان کند و نود و نه (99) بار این اسم را بگوید مستجاب الدعوه گردد و چشمه های معرفت از دل وی سر بزند و از علوم لدنی با نصیب گردد . (ص 100)

* بزرگی فرموده که هر که هر روز صد بار بخواند « هو الله الَّذی اَلا له الا هُوَ » و بدین (ذکر) مداومت کند . حق تعالی او را از اهل یقین گرداند و به مقام اهل تحقیق و درجات اهل توحید برسد و آنچه خواهد براو کشف شود. (ص 102)

* حضرت سلطان اولیاء و برهان اتقیاء ؛ تاج الاصفیا سلطان علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در شرح اسماء چنین فرموده که هر که بعد از هر نماز ؛ دویست و نود و هشت (298) بار بگوید « الرَّحْمَن » ؛ جمله مخلوقات او را دوست دوست دارند و دشمنان بروی مهربان گردند. (ص 104)

* دو نفر از اکابر فرموده اند که هر که چهل شبانه روز ؛ هر شبانه روزی پنج هزار و پانصد نوبت این اسم بخواند « الرَّحْمَنُ الرَّحِیْمُ » ؛ جمیع مخلوقات از پرنده و غیره بر او انس گیرند و حکام و سلاطین ؛ مطیع و فرمان بردار وی گردند و مقاصد اهل عالم از او کفایت شود . اما چون مراد حاصل شود نباید که دست از دعوت بردارد (دست از ذکر گفتن نکشد) و اگر بدان عدد نتواند خواند ؛ بعد از دعوت به آن قدر که میسر گردد بخواند . (ص 108)

* بزرگان گفته اند هر که در حین خوف و فرو ماندگی و اضطراب و غم و حزن و شدت و گرفتاری در امور دنیا به قرض یا حبس و غیره بدین اسماء « اَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ » مداومت نماید ؛ کسانِ قاهر و شدید (افراد سخت گیرنده و او) رحیم و مهربان او گردند ؛ نه شبانه روز ؛ هر شبانه روز 557 مرتبه (ص 109)

* هر کسی به دعوت (ذکر) اسم « یا مَلِک » مداومت نماید و شرائط را به جای آورد و هر شبانه روز نه هزار بار تکرار کند به مرتبه سلطنت و پادشاهی رسد و این ؛ نسبت به همت قاری (گوینده ذکر و ورد) است ؛ کسی باشد که پادشاهی در عالم معنی خواهد و کسی باشد که در عالم صورت (ظاهر) (ص 111)

* امام هشتم (ع) فرمودند که هر که یکصد وسی و یک نوبت بر سر بیمار ؛ « السلام : مبارک اسم خواند به نسبت صحت ؛ آن بیمار از رنج خلاص شود و اگر سیصد و هجده نوبت بر شربتی خواند و به دشمن بدهد تا بخورد ؛ مهربان گردد . (ص 113)

* اگر کسی بعد از نماز صبح ؛ پیش از سخن گفتن ؛ دو نوبت ؛ این آیه « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا أَعْنَتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ » را بخواند و باد بر دو کف خود دمد (کف دست خود را فوت کند) و بر روی تمامی اعضاء بمالد در آن روز هیچ بلائی به وی نرسد . (ص 121)

* حضرت امام رضا (ع) فرمودند : هر که هر جمعه ؛ صد بار بگوید این اسم « الباقی » حق تعالی در قبر ؛ او را تنها نگذارد و مونس فرستد . (ص 125)

* حضرت امام رضا (ع) فرمودند هر زن عقیم که طالب فرزند باشد باید که هفت روز ؛ روزه بدارد و در وقت افطار (هر روز 2) بیت و یک نوبت به صدق دل بخواند ذکر « المصّور » را و بر آب دهد و بیان حق تعالی او را ولدی (فرزندی) صالح کرامت فرماید . (ص 126)

* از امام رضا (ع) نقل است که میان فرض و سنت نماز جمعه (بین نماز جمعه و نماز عصر) به هر نسبت قهر دشمن ؛ صد بار بخواند « القهار »؛ خصمان (دشمنان) وی مقهور شوند و صفای باطن ؛ او را حاصل آید . (ص 129)

* اهل تحقیق گویند هر که ورد سازد و هر روز هزار و سی و پنج بار گوید « یا وهّاب یا الطّول »؛ روزی بر وی فراخ گردد (گشاده روزی شود) و اگر مداومت نماید به این اسم ؛ از جایی که گمان نداشته باشد روزی او برسد . (ص 130)

* اهل طریقت گویند هر که چهار طرف خانه خود در هر رکنی صدبار بگوید « یارزاق »؛ فقر و درویشی را راه در آن خانه نباشد و این ؛ مناسب کسانی است که تنک روزی و درویش حال باشند . (ص 133)

* امام رضا (ع) فرموده اند هر که را دشمنی قوی باشد و از او می ترسد ؛ این اسم را سه شب هر شب به شب او ؛ هزار بار بخواند ؛ البته آن دشمن ؛ دوست گردد و یا هلاک شود یا آواره گردد . (ص 137)

* اهل طریقت گویند هر که را خصمی قوی باشد جابر و قهار و ظالم و خائف (ترسان) باشد ؛ وضو ساز در دو رکعت نماز بگذارد و سر به سجده نهد و هفتاد و پنج نوبت (پس از مسلم نماز)؛ اسم « المَدِل » را به تضرع تمام بخواند و از

حق جل جلاله بخواهد خدای تعالی او را ایمن گرداند و خصم او را ذلیل و از مرتبه ای که باشد معزول گرداند (از مقام خود برکنار سازد) (ص 149)

* اهل تحقیق گویند هر که شب جمعه اسم « لعدل » را بر بیت و یک پاره نان حلال نویسد و بخورد؛ خداوند او را از گناه باز دارد و خلائق را مسخر او گرداند (ص 159)

* امام رضا (ع) فرمودند « هر که برای فرو کشتن آتش غضب پادشاه؛ صد بار بگوید «الحلیم»؛ خشم سلطان به حلم مبدل گردد و اگر در وقت آب دادن کشت و جهت برکت : باعث این اسم در کاغذ بنویسد و بر آن آب بشوید؛ آب به هر زمین که داده ؛ در آن ؛ برکت زیادت شود و از حاصل؛ متمتع و برخورد ارگردد و آن مزرعه؛ از آفت سالم ماند.» (ص 165)

* حضرت امام رضا (ع) می فرماید اگر دفع غم و کدورت را خواهد ؛ چهل نوبت « الشکور » بخواند و بر آب بدمد و بیاشامد ؛ غمهای او دفع گردد و بزرگان گویند هر که را معیشت تنگ شده باشد و روزگار به دشواری گذراند ؛ باید که به ذکر این اسم مداومت کند تا معیشت وی گشاده گردد. (ص 171)

* هر که از جهت دفع دشمنی قوی ورد کند ؛ هر روز هشتاد نوبت بگوید و از روز پنج شنبه شروع کند از شر او خلاص شود . (ص 182)

* شیخ ابوسعید گوید که هر که در آخر هر دعائی بیست و شش بار بگوید « یا سَرِیعُ یا مُجِیبُ » به زودی دعا ی او اجابت گردد. (ص 191)

* به فرموده امام رضا (ع) هر کس که شهوتش را بسته باشند ؛ هر روز ؛ هر روز پانصد بار بگوید «الباعثُ». (ص 200)
* آورده اند که در جمیع مهمات و مشکلات ؛ شصت و شش بار « الوکیل » گفته شود. (ص 204)

* اگر کسی زن سلیطه ای داشته باشد ؛ اسم مبارک « الولی » را در حضور او آهسته؛ بسیار بخواند؛ خداوند او را خوش اخلاق گرداند . اگر کسی پس از هر نماز؛ چهل و شش نوبت بخواند؛ حق تعالی همه خلق را با او دوست و مهربان گرداند. (ص 211)

* برای درازی عمرو عاصی شدن مرادها و آرزوها وغالب شدن بر دشمنان و تصرف در دل ها ؛ بنا به توصیه امام رضا (ع) مداومت بر ذکر دو اسم « الحی » و « القيوم » بسیار موثر است. (ص 225)

* امام رضا (ع) فرمودند هر که در وقت وضو ساختن ؛ بر هر عضوی ؛ سه بار « القادر » بگوید ؛ بر خصمان (دشمنان) غالب آید (پیروز شده) اگر چه ضعیف بود. (ص 236)

* یکی از اکابر فرموده هر که در محل قتال و جدال با خصم (یا در مناظره و مباحثه و داوری) ؛ به ذکر اسم « القادر » مداومت نماید؛ غالب گردد بر خصمان (ص 236)

* امام رضا (ع) فرمودند: هر که را عمر؛ به آخر رسیده باشد و اعمال خیر نداشته باشد به اسم «الموخر» مداومت نماید. عمر او دراز گردد و عمل او مقبول گردد و یقین او به حق تعالی زیاده گردد و در آن متمکن بماند «ان شاء الله» (ص 241)

* گفتن ذکر «الظاهر» پس از طلوع آفتاب به تعداد هزار بار به فرموده امام رضا (ع) موجب محافظت از «نابینایی» است. (ص 245)

* امام رضا (ع) فرمودند «هر کس بر جفای خصم صبر نتواند کرد؛ این رسم «الْمُنْتَقِم» ورد نماید؛ هر جمعه ششصد و شصت و یک نوبت بخواند. چون سه جمعه بگذرد؛ خصم راضی یا مقهور گردد» (ص 255-256)

* شیخ مقرب فرموده هر که در سجده؛ بیست و یکبار بگوید «یا ذا الجلال الاکرام» هر حاجت که خواهد؛ روا گردد و کامروا گردد. (ص 261)

* اگر میان دو نفر از دوستان یا میان زن و شوهر؛ عداوت باشد که سبب تفرقه شود؛ این اسم را بخوانند «یا جامع» به نسبت جمعیت هر کدام خواهند. خاصه وقتی که در جامه (لباس) خواب در آیند. (ص 265)

* حضرت رضا (ع) فرمودند هر محنت زده و از خلق؛ نا امید گشته که هر روز ده هزار بار بگوید «الْمُغْنِي»؛ به زودی او را خدای تعالی؛ توانگر گرداند و اگر میسر شود که به عدد مذکور (ده هزار بار) در یک مجلسی با آداب بخواند. چون فارغ شود غنی گردد و او را به عالمیان هیچ احتیاجی نباشد. (ص 269)

* امام رضا (ع) فرمودند: هر که را جفتی ناسازگار باشد به هنگام خواب این نام «المالغ» بسیار گوید. سازگار شود. (ص 276)

* بزرگی فرموده هر کس هر شب؛ صد بار اسم «الضار» را بخواند از خواری و مذلت ایمن گردد و به دولت و سعادت برسد. (ص 277)

* هر کس جاه و مقام و موقعیتی دارد طبق سفارش امام رضا (ع) هر شب جمعه و هر شب ایام البیض (شب های سیزدهم؛ چهاردهم؛ شانزدهم هر ماه قمری اسم «الضار» را صد بار بگوید تا در آن دولت؛ پایدار بماند. (ص 278)

* گفته اند: هر که را مهمی پیش آید و در آن مضطرب گردد این اسم «یا قریب الفرج» را ده هزار بار بگوید؛ مجرب است و اگر ده هزار بار نتواند؛ پس از نماز بامداد صبح هزار بار بخواند همین خاصیت را دارد. (ص 296)

* دو نکته برای ورد ساختن اسماء الله

در این جا؛ ضرورت دارد که دو نکته ظریف را در خصوص استفاده از اسماء الله به عنوان ورد و ذکر یاد آور شویم:

* کسی که بنا دارد؛ اسماء الله را ورد خود کند باید که دست کم چهل روز رعایت تقوا نماید و از غذا و لباس حلال بهره مند شود؛ به زیارت برود؛ فحش نگوید و بد زبانی نکند؛ در میان مردم؛ زیاد حاضر نباشد و حرف از دنیا نزند؛ تا تواند

صدقه بدهد ؛ اگر میسر بود ؛ هر روز غسل کند و دائم با وضو باشد ؛ از عطر و لباس های خوشبو استفاده نماید ؛ در ایام شریف ؛ روزه بدارد ؛ زیاد به دیدار والدین برود ؛ حق الناس از گردن خود خارج نماید و گناه و معصیت نکند.

* باید که به الزامات هر ذکر پای بند بود. مثلاً شرط گفتن ذکر « السبوح القدوس » کم خوردن و کم خوابیدن و اجتناب از خلق است ؛ شرط ذکر « الصبور » آن است که ذاکره کارهای روزمره ؛ شتاب نکند و هر بلا و شدت و سختی که به وی رسیده را از خدا بداند ؛ شرط ذکر « الستار » آن است که بر بندگان خدا رحم آورد و گناهان و عیوب آنها را بپوشاند تا خداوند به او رحم کند و یا شرط ذکر « الغفور » این است که فرد ؛ خودش ؛ اشتباهات و ستم دیگران را نسبت به خود ببخشد تا خدا گناهانش را بپارزد . در سایر ذکرها هم باید به همین صورت به معانی الفاظ و نتایج مطلوب آن ذکر توجه شود.

فواید برخی از اذکار مهم

* فوائد و خواص بسم الله الرحمن الرحيم

* رسول خدا(ص) فرمود : « اولین چیزی که قلم به نگارش در آورد « بسم الله الرحمن الرحيم » بود ؛ پس آن گاه که شما چیزی می نویسید در آغاز آن « بسم الله » را بنویسد که « بسم الله » آغاز و کلید هر کتابی است که از آسمان نازل شده است».

(تفسیر البصائر : ج 1 ص 230)

* امیر مومنان (ع) فرمود : « پیامبر اکرم (ص) از خدای عزوجل برای برای من نقل کرد که هر کارمهم که با نام خدا آغاز نگردد ؛ ناقص و ناتمام خواهد ماند».

(تفسیر البصائر : ج 1 ص 225)

* رسول خدا (ص) فرمود: « هنگامی که بنده بگوید: « بسم الله الرحمن الرحيم » خداوند متعال می فرماید: بنده ام با نام من آغاز کرد و بر من سزاوار است که کارهایش را به پایان رسانم و به احوال او ؛ برکت دهم».

(تفسیر نورالثقلین : ج 1 ص 5)

* عبدالله بن یحیی از امیر مومنان (ع) پرسید : تفسیر « بسم الله الرحمن الرحيم » چیست؟ حضرت فرمود : همانا بنده هنگامی که می خواهد چیزی بخواند یا کاری انجام دهد ؛ پس بگوید : « بسم الله الرحمن الرحيم » یعنی به یاری این نام مقدس این کار را شروع می کنم ؛ پس هر کاری که انجام می دهد اگر با « بسم الله الرحمن الرحيم » آغاز کند ؛ در آن کار برایش برکت خواهد بود.

(البرهان : ج 1 ص 46)

* استغفرالله

* رسول خدا (ص) فرمود: « هر کس پیوسته استغفار کند خداوند برای هر غم او ؛ گشایشی نماید و از هر تنگنایی راه خروجی برای او گذارد و از جایی که فکرش نرسد ؛ روزیش رساند.»

(خواص الایات : ص 3)

* امام صادق (ع) از پدر گرامیش و ایشان از رسول خدا (ص) نقل نمود که آن حضرت فرمود:
« خوشا به حال کسی که روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی یک استغفرالله » باشد.

(شفاعت و مشکل گشا: ص 81)

* امام صادق (ع) فرمود: « هر کس هنگام خواب یکصد مرتبه استغفار کند . به خواب رود در حالی که گناهانش هرچه هست ؛ بریزد ؛ مانند برگی که از درخت می ریزد و صبح کند در حالی که از گناه پاک شده باشد.»

(همان : ص 365)

* رسول خدا (ص) فرمود: «برای هر دردی درمانی است و درمان گناهان استغفار می باشد.»

(همان : ص 364)

* امام باقر (ع) فرمود: هر کس بعد از نماز واجب ؛ پیش از آن که پاهای خود را بگرداند ؛ سه مرتبه این دعا را بخواند . خدا گناهان او را بیامرزد ؛ اگر چه به اندازه کف دریا باشد و آن دعا این است:

« استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السموات و الارض ذوالجلال والاکرام و اَسْأَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ »

* امام صادق (ع) فرمود: اگر مومنی در یک روز چهل گناه کبیره بکند ؛ پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند ؛ خداوند گناهان او را می آمرزد: « استغفرالله الذی لا اله هو الحی القيوم بدیع السموات و الارض؛

ذوالجلال و الاکرام و اَسْأَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ ».

(همان)

* جابر جعفری گوید: امام باقر (ع) فرمود: « هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه « استغفرالله » بگوید؛ خداوند او را بیامرزد ؛ هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه کرده باشد و هر کس بیش از هفتاد هزار گناه از او سر یزند ؛ خیری در او نخواهد بود.»

(ثواب الاعمال : ص 367)

* رسول خدا (ص) فرمود: « هر کس به او بدبختی یا فشار و ناراحتی برسد ؛ سی هزار مرتبه بگوید: « استغفرالله ربی و اتوب الیه » خداوند برای او گشایش حاصل فرماید.»

* امام صادق (ع) فرمود: هر کس در دو ماه پی در پی هر روز 400 مرتبه این دعا را بخواند ؛ خدا به او علم بسیار کرامت می فرماید ؛ و دعا این است:

« أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ».

(مفاتیح الجنان : حاشیه)

* مرحوم سید علی آقا قاضی (رحمه الله) برای روشنایی قلب ؛ هفتاد مرتبه استغفار بعد از نماز ظهر و عصر را تجویز می کرد .

(اذکار نافعه : ص 34)

* امیر مومنان (ع) فرمود : « در شگفتم از کسی که ناامید می گردد در حالی که به همراه خود استغفار دارد ». و نیز آن حضرت فرمود : « استغفار روزی را زیاد می کند » .
(بحارالانوار : ج 93؛ ص 277)

* لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

* رسول خدا (ص) فرمود « ذکر « لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ » گنجی از گنج های بهشت است ؛ و آن شفای درد می باشد که کمترین آن ها ؛ هم است » .
(همان)

* امام کاظم (ع) فرمود : « گفتن : « لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ » بلاهای گوناگون را دفع می کند » .
(همان ص 79)

* امام صادق (ع) فرمود : « چون غم های پی در پی به تو روی آورد ؛ بگو :
« لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ » » .

* رسول خدا (ع) فرمود : « اگر کسی هنگامی که از منزل خارج می شود ؛ بگوید « بسم الله » دو ملک گویند: هدایت شدی و اگر گوید : « لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ » می گویند: نگه داشته شدی و اگر بگوید « تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ » می گویند: کفایت شدی ؛ پس شیطان می گوید : برای من چه راهی است به بنده ای که هدایت شده ؛ نگه داشته شده و کفایت گشته است » .

(ثواب الاعمال : ص 25)

* رسول خدا (ع) فرمود : « ای علی ! هرگاه در مصیبتی واقع شدی ؛ بگو این ذکر را که خداوند عز و جل از تو آن چه بخواهد از انواع بلا را دفع می کند و آن ذکر این است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

(مفاتیح الجنان : حاشیه)

* شیخ عباس قمی (رح) در باقیات الصالحات از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: هر کس هر روز ده مرتبه این ذکر را بگوید؛ از مرض فلج رهایی پیدا می کند و آن ذکر این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم».

(همان)

* امام صادق (ع) فرمود: «هر کس بعد از نماز صبح و مغرب هفت مرتبه این ذکر را بگوید اگر شقی بوده باشد؛ پروردگار عالم او را از دیوان اشقیا محو و در دیوان نیکان می نویسد و ذکر این است: بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة

الا بالله العلي العظيم»

(همان)

* رسول خدا (ص) فرمود: هنگامی که در ورطه ای گرفتار شدی این دعا را بخوان که پروردگار عالم تو را به سبب این دعا از بلا خارج می کند و دعا این است:

«لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اياك نعبد و اياك نستعين»

(مکارم اخلاق ص 352)

* امام صادق (ع) فرمود: «هر کس هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید؛ حق تعالی هفتاد نوع بلا را از دور می گرداند که کمترین آن ها هم و غم می باشد و آن ذکر این است:

لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»

(مفاتیح الجنان: حاشیه)

عجائب و غرائب

*** حل معمای گل وپوچ (برای یافتن انگشتر که در کدام دست است)**

اگر کسی انگشتری یا چیز دیگری در یک دست بگیرد و خواهی بدانی که در کدام دست است او را امر کن که از برای دستی که انگشتر دارد یک عدد زوجی بگیرد واز برای دست خالی یک عدد فردی، پس آنرا امر کن که ضرب کند عدد دست راست را در عدد زوجی و حاصل را با عدد دست چپ جمع کند، پس مجموع اگر فرد باشد انگشتر در دست راستش است و اگر زوج باشد در دست چپ است.

(خزائن.ص32)

*** معالجه کسی که اورا سگ بگزد**

هرگاه سگی کسی را بگزد و نداند که آن سگ دیوانه بوده است یا نه، قدری خمیر بر همان موضع که سگ گزیده باشد بمالد، اگر سگان دیگر آن خمیر را بخورند، آن سگ دیوانه (هار) نبوده است، و اگر نخورند دیوانه بوده است و اگر آن خمیر را به خروس دهند، بخورد و بمیرد، دیوانه بوده.

(خزائن.ص174)

*** فایده آب پیاز**

اگر از آب پیاز بر کاغذ چیزی نویسند ظاهر نباشد چون نزدیک آتش برند خطی سبز ظاهر شود

(خزائن.ص266)

*** فایده نوشتن بسم الله در سردر منزل**

کفعمی در «مصباح» گوید: در مفاتیح الغیب است که کسی که لفظ یسم الله را بر خارج درب خانه اش بنویسد از هلاکت ایمنی یابد هر چند کافر باشد.

(خزائن.ص386)

*** مرحوم آیت الله کوهستانی (ره) در کلامی عجیب می فرماید:**

«در گذشته فکر می کردم با استفاده از آیات «سوره نور» چراغی سازم که همیشه روشن باشد و نیازی به سوخت نداشته باشد!! و همچنین می خواستم ماشین سواری درست کنم که بدون سوخت حرکت کند!! ولی استخاره کردم و مصلحت ندیدم... و نیز در فکر بودم با استفاده «از آیه نور» چیزی درست کنم که وقتی بیرون می روم به چراغ احتیاجی نداشته باشم!!

(برقله پارسائی ص 305)

* مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری می فرمود: «هرکسی بدون عدد» خداوند برخواندن سوره «توحید» داشته باشد، «طی الارض» به اوداده خواهد شد.

(روح وریحان ص 78)

* مرحوم «ابن العلم» می گوید: مرحوم کفعمی از امام صادق (ع) نقل کرده که اگر سوره «فاتحه الكتاب» را 40 مرتبه (در برخی منابع 80 مرتبه) بر مرده بخوانند، زنده گردد (از بس سوره ی حمد با فضیلت است). مرحوم ابن العلم می گوید: این حدیث به تجربه رسیده و داستان هائی نیز در این باب نقل شده است.

(کشکول ابن العلم ص 345 و 344)

* مرحوم محدث نوری می گوید: پیامبر اکرم (ص) می فرماید: هرکس 100 مرتبه سوره حمد را بر مرده ای بخواند و لو آنکه روح از جسد خارج شده باشد، خداوند متعال آن را برمی گرداند.

(مستدرک الوسائل ص 430 و 229)

* هروی می گوید: اگر کسی سوره «اذا جاء ونصر الله وافتح» را هر روز 41 مرتبه بخواند، از عالم غیب فتحی و گشایشی برای او خواهد شد.

* اگر کسی آیه الكرسي را در روز جمعه پس از نماز عصر در مکانی خلوت، هفتاد مرتبه بخواند، در قلب او کیفیتی پیدا میشود که به واسطه آن هر دعایی که بخواند مستجاب خواهد بود (ان شاء الله)

(مخزن تعویذات عهلیه ص 87)

* جناب آقای مقدم می گوید: اگر می خواهی به ثروتی دست یابی که قابل جمع کردن نباشی از روز جمعه تا 41 روز و هر روز 41 مرتبه این ذکر را تکرار کن.

« يا مَفْتَحُ فَتَحْ يا مُفَرِّجُ فَرِّجْ يا مُسَبِّبُ سَبَبْ يا مَيَسِّرُ يَسِّرْ يا مُسَهِّلُ سَهِّلْ يا مُتَمِّمُ تَمِّمْ وَ حَسْبُنَا اللهُ نَعْمَ الْوَكِيلُ »

«

این ذکر را باید با حضور قلب و دوری از گناهان به جای آورد و نباید فاصله ای در بین ایام ختم صورت گیرد.

(ختوم اذکار ص 133)

صد پند جاودانه از پندنامه قابوس بن وشمگیر

امیر عنصر کیکاوس بن اسکندر و قابوس بن وشمگیر در پند نامه ای که به جهت فرزند خود مسعود گیلانشاه نوشته نصایح بی شمار در آنجا ذکر نموده مختصری از آن یعنی چند نصیحت که فائده آن اتم است ذکر می شود.

1. چون گفתי بنده ام در بند بندگی باید بودن، و چون گفתי او خداوند است در حکم خدا باید بود.
2. ای فرزند بدان نماز و روزه خاص خدای است در آن تقصیر مکن که چون در خاص خدای تقصیری کنی از عام همه جهان بازمانی، زنهاری ای پسر که در نماز مستی و استهزاء نکنی برنامای رکوع و سجود و مطایبه کردن هلاک دین و دنیا بود.

3. با مادر و پدر چنان باش که از فرزندان خویش طمع داری که با تو باشند.
4. منگر به حال کسی که حال او از حال تو بهتر باشد، بنگر به حال کسی که حال او از حال تو کمتر بود تا دائم از خدای تعالی خوشنود باشی.

5. سخن ناپسندیده مگو، و کسی را که پند نشنود پند مده، و بر ملا کس را پند مده.
6. تا بتوانی از کسی نیکوئی دریغ مدار که یک روز نیکو بر دهد.
7. اگر غم و شادیت بود غم و شادی خویش پیش مردم اظهار مکن و دلتنگ مشو که این فعل کودکان باشد.
8. اگر کسی با تو ستیزه کند به خاموشی آن ستیزه را بنشان و جواب احمق خاموشی است.
9. پیران قبیله خویشتن را حرمت کن.
10. کاهلی فساد تن بود زنهاری کاهلی مکن.

11. اگر تن تو را فرمانبرداری نکند به ستم تن خویش را فرمانبردار کن، و به قهر آن را به طاعت درآور.
12. از گفتار و کردار به اصلاح شرم مدار که بسیار مردم بود که شرمگینی از غرض های خویش باز ماند.
13. به تیزی و تندى عادت مکن و از حلم خالی مباش ولیکن چنان نرم نباش که به خوردند.
14. با همه گروه موافق باش و از دوست و دشمن مراد تو حاصل گردد.
15. چون ترا شغلی پیش آید هرچند ترا کفایت آن باشد مستبد بر رأی خود مباش که هر مستبد به رای بود پشیمان شود، و از مشورت کردن عیب مدار با پیران عاقل و دوستان مشفق.

16. ای پسر در سخن راستگو باش و در رگو مباش، و خود را به راستگوئی معروف کن.
17. زنهاری آنچه به دروغ ماند نگوئی که دروغی که به راست ماند بهتر است از راستی که به دروغ ماند.
18. چنانچه سخنی دانی که موافق مذهب عامه ناس نباشد مگوی که موجب غوغای عامه بود.
19. چنانچه عیب دوستی یا عیب شخص محتشم ترا معلوم شود زنهاری مگوئی.

20. پیش مردمان ناکس راز مگوی که اگر سخن نیکوئی بود گمان زشت برند.
21. در دانستن رازی که بدو نیک تو تعلق ندارد سعی مکن.
22. هرچه بگوئی نا اندیشیده مگوی تا بر گفتار پشیمان نشوی.
23. سر سخن مباش که سخن سرد تخمی است که از آن دشمنی روید.
24. بسیار دان و کم گو باش، و نه کم دان و بسیار گوی که بسیار گوی اگرچه خردمند باشد مردم آن را بی خرد دانند.
25. با هر که سخن گوئی نگر که سخن ترا خریدار هست یا نه اگر مشتری یابی بفروش واگر نه بگذار.
26. زنهار دوست خود مخوان کسی که دشمن دوستان تو باشد.
27. بپرهیز از نادانی که خود را دانا شمرد.
28. اگر خواهی راز ترا دشمن نداند با دوست مگوئی.
29. هر که نسبت به تو زشتی گوید معذورتر از آن دار که کسی آن سخن به تو رساند.
30. اگر خواهی مردم نکوگوی تو باشند زنهار نکوگوی مردم باش.
31. اگر خواهی بر دلت جراحتی نباشد که به هیچ مرهم به نشود با هیچ نادانی مناظره مکن.
32. شب طعام خوردن سخت زیان کار است که آدمی دایم به تُخَمَه است.
33. چون مهمان کنی در خوبی و بدی خوردنیها از مهمان عذر مخواه که این طبع بازاریاست، هر ساعت مگو که فلان چیز بخور خوبست یا چرا نمی خوری یا من نتوانستم سزای تو کنم این ها سخن محتمشان نباشد سخن کسانی است که یک بار مهمان کنند.
34. چاکران مهمان را نکو دار نام نیک ایشان بیرون برند.
35. اگر چاکران تو خطائی کنند در پیش مهمان با ایشان جنگ مکن و مؤاخذه مکن.
36. مهمان هر کس مشو که حشمت را زیان دارد.
37. با چاکران میزبان مگوی که ای فلان این طبق را فلان جای نه، و بنان و کاسه دیگر کسی تکلیف مکن، خلاصه مهمان فضول نباش.
38. از مزاح ناخوش و فحش شرم دار و مکن.
39. زنهار با کمتر از خویش مزاح مگوی و مکن تا حشمت خویش در سر آن کار نکنی، بدان که خوار کننده همه قدرها مزاح است، آنچه گوئی شنوی.
40. با هیچ کس جنگ مکن که جنگ نه کار محتمشان است بلکه شغل زنان است با کودکان.
41. طریقه محتمشان چنین است که در تابستان نیم روز قیلوله کنند و اگر خواب نیاید در خلوت خانه خود باشند تا گرما شکسته بود.

42. چون بر اسب نشینی بر اسب کوچک منشین که مرد اگر چه بزرگ منظر باشد بر اسب کوچک حقیر نماید، و اگر چه حقیر بود بر اسب بزرگ به شکوه نماید.
43. از مرگ مترس و بدان که تا تن خود را بخورد سگان ندهی خود را به نام شیران نتوان کرد، هر که بزاید روزی بمیرد.
44. مال را نگاه دار که چیزی به دشمن بگذاری به که از دوستان خواهی، چیزی اگر چه کم بود نگاهداشتی آن واجب دان، که هر که چیز کم نگاه نتواند داشت بسیار را هم نگاه ندارد.
45. امانت نگاهداری مکن زنهار که سعی عبث به تو ماند، هر گاه رد کنی خائن و تبه روزگار خواهی بود، و چنانچه رد کنی کاری نکرده باشی مال مردم را داده باشی و اصلاً صاحب آن ممنون نباشد و چنانچه تلف شود بد نام شوی.
46. تا توانی سوگند مخور.
47. در معادله از مماسکه سعی در قیمت کوتاهی مکن که آن نیمی از تجارت است.
48. صبور باش که صبوری دوم عاقلی است.
49. در خانه خریدن اول همسایه را ملاحظه کن.
50. سعی کن تا خانه در جایی خری که توانگرترین همسایگاه باشی، و فقیرتر بلکه مساوی نباشی.
51. همسایگان را هدیه فرست و طعام ده تا محتشم ترین ایشان باشی.
52. طفلان همسایگان را بنواز.
53. بام خود را از بام همسایه بلندتر کن تا مردمان را در تو دیدار نباشد.
54. زنی که محتشم تر از تو باشد مخواه.
55. هیچ بزرگی را در خانه خود در برابر زن راه مده اگر چه پیر و سیاه باشد.
56. با فرزندان و برادران خود هیوب باش تا ترا خوار ندارند و از تو ترسان باشند.
57. فرزندان را پیشه بیاموز که آن عیب نیست بلکه هنر است هر چند از محتشمان باشند.
58. هر چه داری اول خرج دختر کن و شغل وی بساز و وی را در گردن کسی بند تا از غم او برهی، اما دختر دوشیزه را شوی دوشیزه گزین.
59. داماد باید که از تو فروتر بود هم به نعمت و هم به حشمت تا اوبه تو فخر کند نه تو به او.
60. دوستی که از تو بدون حجت پرگله شود به دوستی آن اعتماد مکن.
61. با نیکان و بدان دوستی کن که با نیکان بدل با بدان به زبان.
62. به دوستی کسی که به دشمن تو دوست باشد زنهار هزار زنهار اعتماد مکن.
63. اگر ترا دشمنی باشد دلتنگ مشو که هر که را دشمن نباشد بی قدر و بها باشد.
64. خویشتن را به دشمن بزرگ نما اگر چه افتاده باشی، جسارت را کاربر و خود را از افتادگان منمای.
65. بیشتر از دشمن خانگی و همسایگان و خویشان حذر کن.

66. با هیچ کس یک دل دوستی مکن ولیک دوستی مجازی کن.
67. از سفیهان و جنگجویان و اوباش یعنی کسانی که از سخن بد گفتن مضایقه ندارند بردبار باش ولیکن با گردنکشان گردنکش باش.
68. با دوست و دشمن آهستگی و چرب گوی، و هرچه گوئی از نیک و بد همان را چشم دار.
69. هرچه نخواهی بشنوی مردمان را مشنواں البته.
70. هرچه پیش مردمان نتوانی گفتن از پس مردم گوی.
71. بر ناکرده لاف مزین و چون کنم مگوی و چون کردم گوی.
72. زبان خویش را بر کسی بسته دار که اگر خواهد زبان خویش بر تو تواند گشاد.
73. از اژدهای هفت سر مترس و از مردم سخن چین بترس.
74. هیچ کسی را بی قدر ستایش مکن که اگر وقتی بیاید نکوهیده ندانی.
75. هر که دانی به کار تو آید از اعراض و خشم خویش مترسان، و اگر گناهی کند در گذران.
76. هر سخن را که شنیدی انگشت در آن مپیچ.
77. زود بهر چیز خشمناک مشو و در وقت خشم خشم فروبر.
78. اگر جائی باید ترا عفو و عذر خواست ننگ مدار.
79. ای پسر اگر واعظ شوی بر سر منبر باک مدار و چنان دان که مجلسیان تو بهائمند تا به سخن در نمانی و اگر به سخن احياناً درمانی باک مدار و به صلوات و تهلیل و أمثال آن بگذران و به زودی به سخن دیگر رو، و به سر منبر ترش رو مباش.
80. ای پسر اگر قاضی و مفتی شوی باید در مجلس حکم هیوب باشی و بی خنده و ترش رو، و اندک گوی باش و بسیار شنو.
81. اگر تاجر شوی معامله با گروهی کن که زیر دست تو باشند، و اگر با قوی تر از خود معامله کنی با کسی کن که صاحب مروت و دیانت باشد.
82. تا توانی بنسیه معامله مکن، نقد کم نفع به از نسیه بسیار سود است.
83. بهترین متاع های تجارت آن بود که به من و سنگ خرنده و به مثقال و درم فروشند.
84. تاجر باید چیزی که تغییر در آن به هم رسد و مردنی و شکستنی باشد نخرد.
85. تاجر باید به هر شهر رود خبر اراجیف ندهد و در خبر خوش مطلقاً تقصیر نکند، و خبر مردن احدی را بدون ضرورت نگوید.
86. در سفر باید مکاری را از خود خوشنود نگاه دارد.
87. در شهری که وارد شد با سه طایفه آشنائی کند؛ توانگران با مروت، جوانمردان عیار پیشه، راه بانان و یوم شناسان.
88. اگر لابدی معامله بنسیه کنی با چند طایفه مکن: کم چیز و نوکیسه و کودک و قاضی و مفتی و شیخ الاسلام.
89. هیچ نوشته را بر خود حجت مساز یعنی چیزی منویس که روزی بر تو حجت شود.

90. زود به زود با اهل حساب خود محاسبه کن.
91. ای فرزند اکتفا به دوستان مکن و پیوسته دوستان نوگیر، اما دوستان کهن را از دست مده.
92. اگر دهقان باشی نگذار هرچه کاری که از وقت بگذرد و اگر ده روز پیش از وقت کاری بهتر از آن است که ده روز از پس از وقت.
93. چونزراعت کنی تدبیر سال دیگر امسال کن.
94. اگر کاسب باشی زود کار باش و به اندک سود قناعت کن تا یک باره ده یازده کنی دوباره ده نیم توان کرد، و مردم را بلجاج و مکاره مگریزان.
95. ای فرزند اگر مقرب پادشاه باشی بدون ضرورت سخن بر خلاف مراد پادشاه مگوی و با او لجاج مکن او را جز نیکویی میاموز.
96. در پیش پادشاه عیب کسی مگوی که تو را بد نفس شناسد.
97. از آن سفره که نان خوری بدگویی مکن.
98. جوانمرد باش واصل جوانمردی سه چیز است: هرچه بگویی بکنی، خلاف راست نگوئی، شکیب و صبر را کاربندی.
99. زنهار که مال خود را ضایع نگذاری اگر چه پوست خربزه باشد که گاه است تو را بکار آید، و اگر چه زیادتی شربت آب یا برگ درختان باشد.
100. قانع باش و قناعت پیشه کن که اصل همه پندها این است و سایر فرزند و الله علم.

دریچه ای به دانش معصومین (ع)

از کتاب علل الشرائع شیخ صدوق ، جلد اول

* باب دهم: سر نامیده شدن جناب آدم به آدم

از حضرت ابی عبدالله نقل شده که آن حضرت فرمودند: به خاطر این آدم را آدم نامیدند که آزادیم آفریده شده است. مصنف این کتاب علیه الرحمه می گوید: نام زمین چهارم ادیم بوده و جناب آدم از آن آفریده و به همین جهت گفته شده که آدم ازادیم الارض خلق گردیده .

* باب یازدهم: سر نامیده شدن انسان به انسان

علی بن احمد بن محمد می گوید: محمد بن ابی عبدالله کوفی از معاویه بن حکیم ، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب از حضرت ابی عبدالله نقل کرده که آن حضرت فرمودند: بخاطر این انسان رات انسان نامیده اند که نیشان و فراموشی دارد ، خداوند عزوجل می فرماید: (ما قبلًا) با آدم عهدی بستیم ، پس او آن را فراموش کرد)

* باب شانزدهم: سر نامیدن نساء (زنان) به نساء

پدرم می فرماید: سعد بن عبدالله ، از احمد بن محمد خالد ، از پدرش ، از محمد بن نسان، از اسماعیل بن جابر و عبدالکریم بن عمرو، از عبدالحمید بن ابی الدیلم، از حضرت ابی عبدالله در ضمن حدیث طولانی فرمودند: نساء (زنان) را از این جهت نساء خوانده اند که برای آدم مونسی غیر از حواء نبود. مترجم گوید: از فرموده امام استفاده می شود که ماده کلمه نساء بمعنای انس می باشد.

* باب بیستم: سر نامیدن نوح را به نوح

از حضرت ابی عبدالله امام صادق (ع) نقل است که آن جناب فرمودند: اسم نوح عبدالغفار بود و از این جهت به نوح نامیده شد که بر نفس خویش نوحه وزاری می نمود . نیز ایشان فرمودند: اسم نوح عبدالملک بود و از این جهت او را نوح خواندند که پانصد سال گریست.

* باب سی و هفتم: سر نامیدن ذوالقرنین به ذوالقرنین

پدرم رحمه الله علیه فرمودند: محمد بن یحیی عطار، از حسین بن حسن بن ابان ، از محمد بن اورمه، از قاسم بن عروه ، از برید عجلی ، از اصبع بن نباته ، وی می گوید:

در حالی که امیرالمومنین علیه بر منبر بودند ابن کواء در مقابل آن حضرت ایستاد و عرض کرد: یا امیرالمومنین از ذوالقرنین به من خبر ده آیا پیغمبر بود یا سلطان؟ و نیز به من خبر ده که فرق او از طلا بود یا نقره؟

حضرت به او فرمودند: ذوالقرنین نه پیامبر بود و نه سلطان و دو فرقش نه از طلا بود نه از نقره بلکه او بنده ای بود که حق تعالی را دوست می داشت و خدای عزوجل نیز او را دوست می داشت، برای خدا خیر خواهی کرد و خدای عزوجل نیز خیر خواهی او را نمود .

و اما سر این که به او ذوالقرنین گفتند این است که وی قوم خود را به حق عزوجل دعوت نمود ولی آنها بر فرقش کوبیده و او را زدند ، پس برای زمانی از ایشان غایب شد و سپس بسوی ایشان بازگشت و دوباره آنها را دعوت کرد و آنها این بار بفرق دیگرش کوبیده و بدین وسیله او را مضروب ساختند . سپس امیر المومنین فرمودند: و در میان شما مثل او می باشد .

* باب چهل و پنجم: سر این که یعقوب بوی یوسف را از فاصله ده روز سیر یافت

از حضرت ابی عبدالله امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت فرمودند: پیراهنی که از بهشت بر ابراهیم نازل شد در فی از نقره بود و هر گاه حضرت آن را می پوشید بر اندام مبارکش گشاد و بزرگ بود . باری هنگامی که کاروان بیرون آمد و یعقوب

در رمله ویوسف در مصر بود جناب یعقوب فرمودند از بوی یوسف ، بوی بهشت بود یعنی : هنگامی که کاروانیان پیراهن را بطرف یعقوب می آوردند حضرتش فرمودند : من بوی بهشت را استشمام می کنم چه آن که آن پیراهن از بهشت بود.

*** باب پنجاه و هفتم: سُر نامیده شدن کوهی که جناب موسی هنگام سخن گفتن با خدا به آن می رفت به**

طور سینا

از عبدالله بن عباس نقل شده که کوهی که موسی بر آن رفت به خاطر این به طور سینا نامیده شد که بر آن درخت زیتون بود و هر کوهی که بر آن گیاه و درخت قابل استفاده ای روییده باشد طور سینا و طور سنین نامیده می شود و کوهی را که گیاه و درخت قابل استفاده ای بر آن روییده نشده باشد طور گفته نه طور سیناونه طور سنین .

*** باب شصت و هفتم: سُر نامیده شدن اسماعیل بن حزقیل به صادق الوند**

از حضرت ابی الحسن الرضا نقل شده که آن جناب فرمودند : آیا می دانی چرا اسماعیل را صادق الوعد می نامند؟ عرض کردم : نمی دانم .

حضرت فرمودند : زیرا با مردی وعده گذاشته بود لذا یکسال در وعده گاه به انتظار آن مرد نشست.

*** باب هفتاد و سوم: سُر این که کودکان را بخاطر گریه نمودن نمی توان زد**

نافع از ابن نقل کرده که وی گفت: رسول خدا فرمودند :

« کودکان را به خاطر گریه کردن نزنید زیرا گریه آنها در چهار ماه اوّل شهادت به توحید و این که معبودی نیست مگر خداوند یگانه بوده و چهار ماه دوّم صلوات بر نبی اکرم (ع) است و چهار ماه بعد دعاء برای پدر و مادرش می باشد. »

*** باب هشتاد و هفتم: اسرار آفرینش اعضاء و جوارح در انسان**

ابوالعباس طالقانی با اسنادش نقل نموده که حضرت امام صادق (ع) روزی به مجلس منصور وارد شدند و در آنجا مردی از اهل هند بود که کتابهای طبّی را می خواند ، حضرت به خاطر خواندن وی سکوت کرده و چیزی نفرمودند ، خواندن هندی که تمام شد به امام (ع) عرض کرد :

ای ابوعبدالله از آنچه با من هست طالب چیزی هستی (یعنی می خواهی از علم طب به شما تعلیم کنم)؟

حضرت فرمودند : خیر، زیرا با من چیزی هست بهتر از آنچه با تو می باشد .

عرضه داشت : آن چه می باشد؟ حضرت فرمودند: طبیعت حار و گرم را با ماکولات و مشروبات بارد و سرد و بالعکس طبیعت سرد را با حار و گرم مداوانموده و نیز مزاج های مرطوبی را با ماکولات و مشروبات خشک و بالعکس امزجه خشک را با ادویه رطوبی

معالجه کرده و در عین حال شفا را از خدای

عزّوجلّ خواستار بوده و فرموده رسول خدا (ع) را به کار گرفته که فرمودند :

معده مرکز و جایگاه بیماری است و پرهیز و مراقبت دار و محسوب می شود و بدن را با آنچه عادت کرده مراعات و مراقبت می کنم .

هندی گفت: طب فقط همین است و چیز دیگری نیست.

امام(ع) فرمودند: آیا می پنداری این دستورات را از کتب طب برداشته و استفاده کرده ام؟

مرد هندی عرض کرد: بلی

امام(ع) فرمودند: این طور نیست به خدا سوگند این دستورات را فقط از خداوند سبحان گرفته ام.

پس حضرت به وی فرمودند: من به علم طب آگاه تر هستم یا تو؟

هندی عرض کرد: بپرسید.

امام(ع) فرمودند: چرا درسچند استخوان بود هوبا هم پیوند خورده اند و علتش چیست که سرازیک استخوان تشکیل شده است؟

هندی عرض داشت: نمی دانم.

امام(ع) فرمودند: برای چه مو بالای سرقرار داده شده است؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا پیشانی از مو خالی است؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه ابروها بالای چشمان می باشند؟

هندی عرض کرد: نمی دانم؟

حضرت فرمودند: چرا هیئت چشم هاهمچون بادام وبه شکل آن می باشد؟

هندی عرض کرد: نمی دانم؟

حضرت فرمودند: برای چه بینی بین دو چشم واقع شده؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه منفذ بینی در قسمت پائین قرار داده شده؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه لب وشارب(بیل) بالای دهان قرار داده شد؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه دندان های جلو تیز و دندان های عقب(دندان آسیا) عریض وپهن و دندان نیش دراز می باشد؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه مردان ریش دارند؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه درکف دستها مو نیست؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: برای چه ناخن و موی روح ندارد؟

هندی عرض کرد: نمی دانم؟

حضرت فرمودند: چرا قلب شکل دانه صنوبر می باشد؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا ریه و شش دو قطعه بوده و حرکتش سیری نبوده بلکه در جان خودش می باشد؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا کبد و جگر منحنی شکل است؟

هندی عرض کردند: نمی دانم؟

حضرت فرمودند: چرا کلیه به شکل دانه لوبیا است؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا در وقت حرکت مفصل زانوبه طرف عقب می رود؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا وسط قدم پا به زمین نرسیده و جلو و قسمت مؤخرش تنها روی زمین گذارده می شود؟

هندی عرض کردند: نمی دانم.

حضرت فرمودند: من جواب این سوالات را می دانم.

هندی عرض کردند: جواب ها را بیان فرمائید.

حضرت فرمودند: این که سر از یک استخوان درست نشده بلکه از چند تکه استخوان که به هم پیوند شده اند تشکیل یافته جهتش آن است که چون سر مجوف و توخالی است لذا اگر از استخوان یک تکه درست می شد شکستن و شکافته شدنش به مراتب سهل تر و زودتر صورت می گرفت تا حالا که از چند تکه تشکیل شده است و اما این که مو بالای سر قرار داده شده جهتش آن است که روغن وقتی به موی رسد و به وسیله آن به مغز خواهد رسید و چون موها توخالی و مجوف می باشند از سر آنها بخار داخل مغز خارج می شوند و نیز حرارت و سرمایی که بر مغز وارد می شوند به وسیله همین موها بیرون می روند و اما جهت خالی بودن پیشانی از مو آن است که نور از طریق آن به چشم ها می رسد و لازمه آن این است که مصب نور مو نداشته باشد.

و حق تبارک و تعالی در پیشانی خطوط و شیارها را به خاطر این قرار داد که عرق های سرازیر از طرف سر به جانب چشم را حبس نموده و به مقداری که انسان آنها را از خود دور می کند مهارشان نمایند همچون نهرهای روی زمین که آب ها را حبس و نگاهداری می کنند.

وابروها رابه خاطر آن بالای چشم ها آفرید تا از ورود نور زائد بر مقدار حاجت بر چشم جلوگیری نمایند و شاهد این گفتار آن است که وقتی نور زائدی به چشم ها متوجه شده و موجب ایداء و آزاری گردد انسان دست خود را بالای دو چشم به حالت سایبان قرار داده تا فقط از مقدار مورد حاجت و کفایت آن بهره ببرد.

و بینی را به خاطر آن بین دو چشم قرار داده تا نور به واسطه آن به دو قسمت مساوی تقسیم شده و هر کدام به نحو تساوی به چشم ها وارد شوند.

و چشم را به این جهت به شکل بادام آفرید تا میلی که حامل دواء و دارو است در آن جریان و حرکت پیدا کند و بیماری از آن خارج گردد چه آن که اگر به شکل مربع با دایره می بود هرگز میل در آن جریان پیدا نمی کرد و دارو به چشم نمی رسید در نتیجه بیماری از آن خارج نمی شد.

و منفذ بینی را به خاطر آن در قسمت پائین قرارداد تا بیماری های سرازیر از مغز در آن جریان پیدا نموده و به سهولت خارج شده و از طرفی بویها در آن متصاعد شده و به مشام برسند در حالی که اگر منفذ بینی در بالا بود نه بیماری ناشی از مغز خارج می گشت و نه بویها به مشام می رسیدند.

و شراب (سبیل) و لب را بالای دهان به خاطر این جهت آفرید تا ارجاس و آلودگی هایی که از مغز سرازیر شده و از منافذ بینی خارج می گردند وارد دهان نشده تا مزه و طعم غذا و شراب را بر انسان دگرگون نمایند.

و برای مردان ریش گذارد تا به واسطه اش مرد از زن ممتاز شده و برای این منظور نیازی به نظر کردن به عورت نباشد. و دندان های جلو را به خاطر آن تیز قرارداد که به واسطه آن شخص بتواند گاز بگیرد چنانچه پهن بودن دندان های عقب به این جهت است که شخص بتواند با آنها اشیاء را خرد و نرم کرده و غذا را نیک بجود و دراز بودن دندان نیش علتش آن است که این دندان از سائر دندان ها قوی تر و ثابت تر بوده لاجرم اتصال و اعتماد آنها بر این دندان موجب حفاظت و استحکام آنها بوده نظیر استوانه و تیر که در ساختمان ها بکار گذاشته تا موجب محفوظ ماندن آجرها و خشت ها گردد. و دو کف دست را از مو خالی قرار داده زیرا لمس کردن اشیاء با آنها صورت می گیرد لذا اگر در آنها مو روییده باشد انسان نمی تواند نرمی و زبری اشیاء را بالمس کردن درک کند.

و مو و ناخن را از روح و داشتن حیات خالی قرار داد زیرا درازی و بلندی آنها در انسان چرکی و آلودگی به حساب آمده و موجب قبح منظر می شوند چنانچه کوتاهی آنها حسن و جمال محسوب می گردد از این رو انسان ملزم است آنها را کوتاه کرده و از بلند شدن جلوگیری کند.

حال اگر در آنها روح و حیات باشد کوتاه کردنشان موجب درد و الم خواهد بود از این رو خداوند مئان آنها را فاقد روح و حیات قرار داده.

و اما این که چرا قلب به شکل دانه صنوبر یعنی کاج می باشد سر آن است که قلب و ارونه قرار گرفته و حق عزوجل سر آن را باریک نموده تا در ریه و شش داخل گشته و به خنکی ریه آن نیز خنک شده و بدین ترتیب مغز از سوخته شدن در اثر

حرارت و گرمی قلب مصون می ماند و شش را دو قطعه نمود تا با حرکت آن برودت و خنکی به تمام منافذ و مساقطش برسد.

و کبد را منحنی آفرید به خاطر آن که تمامش بر روی معده قرار گرفته و آن را سنگین نموده و فشار به آن دهد تا از بخار در معده هست بیرون رود .

و کلیه را به خاطر به شکل دانه لوبیا آفرید که منی نقطه به نقطه از روی آن رد می شود لذا اگر به شکل مربع یا دایره می بود نقطه اول ، نقطه دوم را حبس می کرد و منی جریان پیدا نمی نمود در نتیجه خروج و حرکتش موجب التذاذ انسان نمی گشت چه آن که منی از ستون فقرات پشت فرو ریخته و به طرف کلیه حرکت می کند و نحوه حرکتش همچون حرکت کرم بوده که هر گاه قسمت مقدم بدنش قبض و جمع شود مؤخرش منبسط و باز می گردد و به عکس اگر قسمت اخیر بدنش قبض و جمع گردد مقدم آن منبسط و باز می شود منی نیز از طرف ستون فقرات به جانب کلیه پرتاب شده و اولاً و ثانیاً جریان پیدا می کند یعنی ابتداء قسمت مقدم رشته منی منبسط شده و به طرف جلو کشیده می شود بعد قسمت مؤخر این رشته منبسط می گردد نظیر گلوله ای که از کمان پرتاب شده و مسافتی را طی می کند

و اما این که در وقت حرکت مفصل زانو به عقب داده می شود جهتش آن است که انسان در وقت حرکت و راه رفتن قسمت بالای بدنش به طرف جلو میل پیدامی کند لاجرم لازم است قسمت پائین بدن که مفصل زانومی باشد به طرف عقب مایل شود تا بدین ترتیب تعادل در حرکت پیدا گردد پرواضح است اگر مفصل زانو نیز به طرف جلومیل پیدا کند به طور حتم انسان در موقع راه رفتن به زمین خورده و می افتد.

و اما این که قدم های پا را چرا این طور قرارداده که جلو و پاشنه اش روی زمین واقع شده و قسمت وسط آن از زمین بالا می ایستد؟ جهتش این است که اگر تمام اجزاء قدم و همه کف پا روی زمین واقع شود مانند سنگ آسیا سنگین شده به طوری که حمل و نقلش بدون وسیله امکان ندارد و چون سنگ آسیا بر سرگردی خود قرار گیرد کودک نیز آن را به سهولت حرکت می دهد و اگر به روی زمین افتاد مرد بزرگ به سختی آن را جابجا کرده و حرکتش می دهد.

هندی عرض داشت: این علم را از کجا تحصیل نموده اید؟

حضرت فرمودند: از پدرانم و ایشان از رسول خدا اخذ کرده و آن حضرت از جبرئیل و جبرئیل از پروردگار عالمیان جل و جلاله که تمام اجساد و ارواح را خلق کرده اخذ نموده است.

هندی عرضه داشت: راست فرمودید و من شهادت می دهم که عبودی غیر از معبود یگانه وجود نداشته و نیز شهادت می دهم که محمد (ع) رسول خدا و بنده او بوده و توداناترین اهل زمان خود می باشی.

* باب صد و یکم: سر نامیدن پیامبران اولوالعزم به این نام

از حضرت ابی جعفر نقل شده که آن جناب در ذیل فرموده خداوند: (ما با آدم عهدی بستیم و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم « ولقد عهدنا الی ادم من قبل فَنسی ولم تجد له عَزماً » فرمودند:

خداوند متعال با آدم راجع به حضرت محمد وائمه بعد از آن حضرت (ع) عهدهی بست ولی آدم آن عهد را ترک نمود و عزمی از خودشان نشان نداد که دلالت کند بر این که اقرار دارد محمد و آل محمد آن طوری که هستند می باشند و اساساً اوالوالعزم به کسانی گفته می شود که راجع به مقام پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت صلوات الله (ع) اجمعین و حضرت مهدی و سیره آن جناب و این که این حضرات اولیاء مطلق حق تعالی هستند با آنها عهد بسته شده و التزام داده اند که به این مقام اقرار کرده و عزمشان را استوار نمایند.

*** باب صد و بیست و پنجم: سرائین که رسول خدا کینه امیرالمومنین (ع) را بوتراب قرار داد.**

حدیث (1)

از سلیمان بن مهران از عبا یه ابن ربیع وی می گویند: به عبدالله بن عباس گفتیم: چرا رسول خدا (ع) کینه علی (ع) را بوتراب قرار داد؟ ابن عباس گفت: زیرا امیرالمومنین صاحب زمین و حجت خدا بعد از رسول الله (ع) بر اهل زمین بوده و به وجود حضرتش زمین باقی است و آرامش آن منتهی به آن جناب می شود، از رسول خدا (ع) شنیدم که فرمودند: روز قیامت وقتی کفار ثواب و قرب و کرامتی را که حق تبارک و تعالی برای شیعیان امیرالمومنین (ع) آماده نموده ملاحظه کردند می گویند: کاش ما خاک بودیم یعنی کاش شیعه علی بودیم و به همین معنا اشاره است آیه شریفه و یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً»

حدیث (4)

از مجاهد، از ابن عمرو می گویند: نبی اکرم (ع) در نخلستان های مدینه از علی (ع) تفحص و جستجو مینمود و من نیز همراهش بودم که به باغی رسیدیم، پیامبر چشمشان به امیرالمومنین (ع) افتاد که در زمین مشغول کار بودند و سروروی آن جناب غبار آلود بود و نبی اکرم فرمودند: من مردم را سرزنش نمی کنم اگر کینه تو را بوتراب صدا بزنند. راوی می گویند: صورت علی (ع) دگرگون و رنگ چهره اش تغییر کرده و بسیار در رنج بود پیامبر اکرم (ع) فرمودند آیا تو را خشنود و خرسند بکنم؟ علی (ع) عرضه داشت: آری یا رسول الله.

حضرت دست امیرالمومنین (ع) را گرفت و فرمودند: تو برادر و وزیر و خلیفه من در بین اهلیم بوده دین من را تو اداء کرده و ذمه ام را تو اجراء می نمایی، کسی که در زمان حیات من تو را دوست بدارد اهل بهشت است و آن که بعد از من تو را بخواهد خداوند متعال امنیت و ایمان به او می دهد و آن کس که تو را ندیده بعد از تو دوست بدارد خداوند امنیت و ایمان به او داده و در روز قیامت در امان خودش وی را قرار می دهد و کسی که بمیرد و تو را دشمن بدارد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته ولی به آنچه در اسلام عمل کرده مورد محاسبه قرار می گیرد.

* باب صد و بیست و نهم: سَرّ این که علی بن ابی طالب به امیرالمومنین وشمشیر آن جناب به ذوالفقار موسوم شده و علت نامیده شدن قائم به قائم و مهدی به مهدی

ابوحزمه ثابت بن دینار ثمالی گوید: از حضرت ابو جعفر محمد بن علی الباقر سوال نموده و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (ع) برای چه علی (ع) به امیرالمومنین موسوم گردیده و این اسمی است که احدی قبل از آن حضرت به آن نامیده نشده و برای احدی بعد از آن جناب جایز نیست موسوم به آن گردد.

حضرت فرمودند: زیرا حضرتش سلام الله علیه طعام و خواربار علم بود که از او دیگران تغذیه می کردند و احدی غیر از آن حضرت این طور نبود.

عرض کردم: چرا شمشیرش را ذوالفقار می نامند؟

حضرت فرمودند: زیرا احدی را با آن ضربه نمی زد مگر آن که در این دنیا او را از اهل و فرزند و در آخرت از بهشت مایوس و ممنوع می نمود.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا، مگر شما همگی قائم به حق نیستید؟
فرمودند: آری

عرض کردم: پس چرا خصوص حضرت قائم (ع) را به این نام خوانده اید؟

فرمودند: هنگامی که جدّم امام حسین (ع) کشته شد فرشتگان گریستند و ضجّه زده و به درگاه الهی نالیده و گفتند: ای خداوای سرور ما! یا از کسی که برگزیده و فرزند برگزیده و بهترین خلق تو را کشته غافل هستی؟

خدای عزّوجلّ به ایشان وحی نمود: ای ملائکه من آرام باشید قسم به عزّت و جلال خودم از قاتلین او انتقام خواهم گرفت اگر چه در زمان بعد باشد، سپس ائمه ای که از فرزندان امام حسین هستند را به ایشان نشان داد، آنها مسرور و خوشحال شدند در بین فرزندان حضرت یکی از آنها ایستاده و نماز

می خواند، حقّ تعالی فرمود: باین قائم از قاتلین انتقام خواهم گرفت.

* باب دویست و پنجاه و پنجم: سَرّ آب پاشیدن بر روی قبر

از حضرت امام صادق (ع) پرسیده شد: سَرّ پاشیدن آب بر روی قبر چیست؟

حضرت فرمودند: تا مادامی که خاک فبرتازه و مرطوب است عذاب از صاحب قبر برداشته می شود.

از کتاب علل الشرائع شیخ صدوق، جلد دوم

* باب دوم: سَرّ این که حق عزّوجلّ نماز را واجب فرمود

حدیث (1)

از محمد بن اسماعیل برقی، از علی بن عباس، از محمد بن عبدالعزیز از هشام بن الحکم نقل است که وی می گویند: راجع به علت وجوب نماز از حضرت امام صادق (ع) سوال کرده و محضرش عرض کردم: باین که عبادت مردم را از برآوردن نیازمندیهایشان مشغول نموده و بدنهایشان را به رنج می اندازد چطور حق تعالی آن را برایشان واجب کرده؟ حضرت فرمودند: در آن اسرار و علیی است و توضیح آن این است که:

اگر مردم به حال خود واگذارده شده و هیچ تنبیه و تذکیری از ناحیه نبی اکرم (ع) متوجه ایشان نمی شد و کتاب خدا سرفه در دستشان باقی می ماند حالشان همچون حال مردمان اول می گشت چه آنکه آنها اگر چه دین را اخذ نموده و کتب را وضع و جعل کرده و مردمانی را هم به کیش و آیین خود فراخوانده و احیاناً با آنها به مقاتله نیز پرداختند ولی پس از رفتن از این دنیا اسمشان از یاد هارفت و امرشان مندرس و کهنه گردید گویا اصلاً ایشان در این دنیا نبوده اند و خداوند تبارک و تعالی اراده کرد دین و آئین را امر محمد فراموش نشود و بدین جهت بر امتش نماز را فرض و واجب قرار داد در این نماز هر روزه مردم پنج بار با صدای بلند اسم نامی پیامبر را برده و بانجام افعال نماز خدا را عبادت کرده و او یاری می نمایند و بدین ترتیب از آن حضرت غافل نشده و فراموشش نمی کنند و در نتیجه ذکرش مندرس و کهنه نمی گردد.

حدیث (2)

امام رضا (ع) در جواب سؤالاتی که کتباً از ایشان شده بودند مرقوم فرمودند: علت و سبب واجب شدن نماز اموری است: اقرار به ربوبیت حق عزوجل و خلع انداد و اضداد از او، ایستادن در مقابل جبار جل جلاله با حالتی خوار و نیازمندانه، خضوع و اعتراف به گناه و درخواست عفو از آنها، گذاردن صورت در هر روز پنج بار روی خاک به خاطر تعظیم و بزرگداشت حق عزوجل، متذکر خدا بودن و فراموش کردن او، خاشع و خاضع بودن در مقابل حضرتش و راغب و طالب بودن در زیادهای دین و دنیا و انزجار از غیر خدا، مداومت بر ذکر حق عزوجل در شب و روز تا بدین ترتیب بنده سید و سرور و مدبر و خالق خود را فراموش نکند تا به طغیان او منتهی گردد و در این به یاد بودن بنده پروردگار خود را فائده ای که هست آن است که از معاصی منجر گردیده و باعث می شود از انواع فسادکناره بگیرد.

* باب یازدهم: سر رخصت در جمع نمودن بین دو نماز

حدیث (1)

حضرت ابی عبدالله (ع) نقل است که فرمودند: رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را بدون هیچ سببی در یکجا خواندند و عمر که باجرات ترین افراد بر پیامبر اکرم (ص) بود به حضرت عرض کرد: آیا درباره نماز حکمی نازل شده؟ حضرت فرمودند: خیر منتهی خواستم بر امتم توسعه بدهم.

حدیث (2)

عبدالملک القمی می گویند: محضر امام صادق عرضه داشتم: آیا بدون هیچ علت و سببی می توانم بین دو نماز جمع کنم؟ حضرت فرمودند: رسول خدا (ع) این کار را کردند و قصدشان تخفیف بر امت بود.

* باب سی و چهارم: سرمستحب بودن خواندن نماز صبح با طلوع فجر

از اسحاق بن عمار نقل شده که وی گفت: محضر ابی عبدالله (ع) عرض کردم: خبر دهید به ما از افضل اوقات در نماز صبح؟ حضرت فرمودند: افضل اوقات نماز صبح با طلوع فجر است.

زیرا حق تعالی می فرماید: «ان قرآن الفجر کان مشهودا» یعنی نماز صبح را ملائکه شب و فرشتگان روز حاضر می باشند پس وقتی بنده نماز صبح را با طلوع فجر خوانده دوبار برایش ثبت می شود یکبار فرشتگان شب آن را ثبت نموده و بار دیگر فرشتگان روز ثبتش می کنند.

باب سی ونهم: سراین که مستحب است سجده را طولانی کنند.

حدیث (1)

حضرت ابو عبدالله امام صادق (ع) فرمودند: ای ابا محمد، بر تو باد به طولانی کردن سجده زیرا این از سنت های توبه کنندگان می باشد.

حدیث (2)

از حضرت ابی عبدالله نقل کرده که آن جناب فرمودند: پدرم از جدّم، از آباء گرامش (ع) نقل کردند که رسول خدا فرمودند: سجود را طولانی کنید زیرا هیچ عملی سخت تر بر ابلیس نیست از این که ببینید فرزند آدم در حال سجده است چه آنکه خودش مامور به سجده شد ولی عصیان کرد حال می بیند که این بنده امر به سجده شده و در آوردنش امتثال می کند.

*** باب پنجاهم: سر این که در هنگام دعاء دودست را به طرف آسمان بلند می کنند باین که حق عزوجل در هر مکانی می باشد.**

حضرت ابی عبدالله (ع) نقل شده که آن جناب فرمودند: پدرم از پدرش از پدران گرامش (ع) نقل کرده اند که امیرالمومنین (ع) فرمودند: هرگاه یکی از شما نمازش تمام شد دودستش را به طرف آسمان بلند کند و دعاء نماید.

ابن سبا عرض کرد: یا امیرالمومنین آیا خدا در همه مکانها نیست؟

امیرالمومنین (ع) فرمودند: آری

عرضه داشت: پس چرا دستها را به طرف آسمان بلند کنیم؟

حضرت فرمودند: مگر این آیه را نخوانده ای؟ *وفی السماء رزقکم وما توعدون.*

(روزی شما با همه وعده ها که به شما داده اند در آسمان می باشد) پس روزی را طلب نمی کنند مگر از مکان و جایگاه روزی و جایگاه روزی و آنچه حق تعالی وعده اش را داده است آسمان می باشد.

*** باب پنجاه و دوم: سر این که شارب الخمر وقتی خمر آشامیدن نمازش تا چهل روز مقبول نیست.**

نبی اکرم فرمودند: کسی که خمر بیاشامد تا چهل روز نمازش مقبول نیست، آیا این روایت صحیح است؟

حضرت فرمودند: راویان این حدیث راست گفته و حدیث را صحیح نقل کرده اند. عرض کردم: چرا نمازش تا چهل روز مقبول نیست نه کمتر از آن نه بیشتر؟ حضرت فرمودند: برای این که حق تعالی خلقت انسان را مقدر و معین فرموده با این بیان: نطفه را بعد از چهل روز ایجاد کرده پس آن را به مرحله بعدی منتقل نموده و پس از چهل روز مضغه اش مینماید و همچنین تا مرحله بعدی منتقل نموده و پس از خورد بقایای آن شراب چهل روز در مثانه اش میماند همان طوری که غذا و ماکولات و مشروبات دیگر نیز ذرات و بقایای آنها تا چهل روز در مثانه می ماند لاجرم تا وقتی که این بقایا در مثانه او هست نماز نباید مقبول درگاه الهی واقع شود. البته این بدان معنا نیست که کسی شراب خمر کرده چهل روز نماز نخواند چون در اینصورت علاوه بر گناه شرب خمر، گناه ترک صلوۀ نیز به پرونده اش اضافه می شود. وظیفه شرعی ایجاب می کند که چنین فردی نمازش را بخواند و آنرا ترک نکند تا مشمول احکام و عواقب ترک صلوۀ نشود.

*** باب صد و سی و نهم: سَر نامیده شدن بیت الله الحرام به این نام**

حدیث (1)

از ابی عبدالله سوال شد: چرا بیت الله الحرام به این نام موسوم گردیده؟ حضرت فرمودند: زیرا بر مشرکین حرام است در آن داخل شوند.

*** باب دویست و چهل و پنجم: سراین که گاو چشم برهم می نهد و سرش را به آسمان بلند نمی کند.**

حدیث (1)

حضرت علی بن ابی طالب فرمودند: مردی از اهل شام راجع به مسائلی از من سوال نمود و در ضمن سوالاتش پرسیدند: چرا گاو چشم هایش را برهم می نهد و سربه آسمان بلند نمی کند؟ حضرت فرمودند: به جهت شرم از خدای پراهنگامی که قوم موسی گوساله پرستیدند این حیوان سرش را بزیر افکند.

حدیث (2)

رسول خدا فرمودند: گاو را اکرام کنید زیرا بزرگ و سرور چهارپایان است، این حیوان از شرم و حیا نسبت به خداوند متعال از زمانی که گوساله پرستیده شد سر به آسمان بلند نکرد.

*** باب دویست و نود و پنجم: سرمکروه بودن سیروپیا و تره**

حدیث (1)

از حضرت ابی جعفر (ع) راجع به سید پرسشی شد.

حضرت فرمودند: رسول خدا (ص) به خاطر بویش از آن نهی نموده و فرمودند: کسی که این گیاه بدبوی را تناول کند به مسجد ما نزدیک نشود ولی اگر آن را خورد ولی به مسجد نیاید اشکالی ندارد.

حدیث (2)

راجع به خوردن پیاز وتره از حضرت ابی عبدالله پرسیده شد. حضرت فرمودند: این دورا چه پخته و چه خام بخورند اشکالی ندارد منتهی اگر بود از اینها رامشخص خورد به مسجد نرود زیرا بوی آن هم نشینان شخص در مسجد را اذیت می کند.

حدیث (3)

رسول خدا فرمودند: هرکسی این سبزی را خورد به مسجد نرود و نفرمودند که حرام است.

*** باب سیصد و چهاردهم: سر مکروه بودن پاره ای از حرفه ها**

از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق رسیدم و عرضه داشتم خداوند فرزندی به من عطاء فرموده.

حضرت فرمودند: آیا نامش را محمد گذاشتن؟

عرض کردم: چرا او را به این نام موسوم کردم.

حضرت فرمودند: محمد را زن و دشنامش نده خداوند او را در هنگام حیات نورچشمیت و بعد از مماتت خلف و جانشین صالحی قرار داده است.

عرضه داشتم: فدایت شوم، او را به چه شغل و حرفه ای مشغول نمایم؟

حضرت فرمودند: از پنج حرفه بازش داروبه هر شغل دیگری که مشغولش نمودی اشکالی ندارد.

اورا به زرگر مسپار و به این حرفه سرگرمش مکن زیرا زرگرا زبا سالم نمی ماند و نیز او را نزد کفن فروش مگذار زیرا از مبتلا شدن مردم به مرض وبا و مردن آنها مسرور می شود و همچنین وی را به طعام فروش مسپار چه آنکه این گروه از سوداگران از احتکار سالم نیستند و به سلاح نیز او را تسلیم مکن

زیرا مهربانی از ایشان سلب شده و قساوت قلب دارند و بالاخره او را نزد برده فروش مگذار زیرا رسول خدا فرمودند: بدترین مردم کسانی هستند که مردم را می فروشند.

*** باب سیصد و سی و هشتم: سر این که ساحر مسلمانان را می کشد ولی ساحر کفار را نمی کشند.**

از جعفر بن محمد از پدر بزرگوارشان نقل شده که آن جناب فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند:

ساحر مسلمانان را باید کشت ولی ساحر کفار را نباید کشت.

محضر مبارکش عرض شد: یا رسول الله چرا ساحر کفار را نباید کشت؟

حضرت فرمودند: زیرا شرکی که دارد بزرگتر از ساحر بودنش می باشد در حالی که به خاطر شرکش او را نمی کشند چه آنکه سحر و مشرک در او با هم قرین می باشند.

واز معصوم مروی است که توبه ساحر آن است که مشکلات را باز کند و عقد نکرده و گره نزند.

* باب سیصد و چهل و پنجم: سر بدتر بودن غیبت از عمل فحشاء و زنا

از حضرت نبی اکرم نقل شده که آن حضرت فرمودند: غیبت بدتر از زنا است. محضر مبارکش عرض شد، یا رسول الله برای چه غیبت از زنا شدیدتر است؟ حضرت فرمودند: زیرا صاحب زنا توبه می کند و خداوند توبه اش را می پذیرد ولی صاحب غیبت توبه می نماید و خداوند توبه اش را نمی پذیرد تا وقتی که شخص غیبت شده او را حلال کند.

چگونه اسم اعظم متناسب با عدد خود داشته باشیم؟

در کتاب «غم عشق» آمده است:

«یکی از بزرگان را در قم زیارت کردم. ایشان فرمودند: هر مومنی اسم اعظم خاص خودش را باید شناسایی کند و در شدائد و مشکلات از معنویت آن استفاده نماید. کیفیت شناخت آن بدین ترتیب است: اول باید «ابجد کبیر» معادل عدد نام خود را استخراج کنید و سپس اسمی از اسماء الله عز و جل را پیدا کنید که هم نام عدد خودتان باشد. سپس با استاد خود مشورت کنید. مواظب باشید از اسماء جلالیه نباشد که سبب بروز مشکل گردد.

کیفیت استمداد از اسم اعظم خاص معادل نام خود به این ترتیب است که یک مرتبه به تعداد عدد معادل اسم اعظم خاص؛ اسم مبارک را تلاوت نموده و سپس عرض حاجت نمایید.

جدول ابجد کبیر

علم ابجد از علوم سری انبیاء (ع) است و به این صورت است که برای هر حرف؛ عددی؛ مشخص شده است و مجمع اعداد مربوط به حروف هر کلمه؛ عدد آن کلمه محسوب می شود. این جدول به شرح زیر می باشد. ابجد؛ هوز؛ حطی؛ کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضطغ.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10

ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق
20	30	40	50	60	70	80	90	100

ر	ش	ت	ث	خ	د	ض	ظ	غ
200	300	400	500	600	700	800	900	1000

مثلا برای استخراج عدد اسم « رضا » به شرح زیر عمل می کنیم :

$$200=$$

$$800=ض \quad 1001=1+800+200= \text{پس، عدد رضا}$$

$$1=$$

پس کسی که نامش رضا ست عدد مخصوص برای کلیه اذکارش 1001 می باشد و اسم اعظمی از خداوند که با او هم عدد هست نیز اسم مبارک « رضا » و « من جعل الشمس والقمر » می باشد .

مثالی دیگر :

$$1093=1+800+200+4+40+8+40=م+ح+م+د+ر+ض=$$

لذا عدد ویژه اذکار و اوراد برای کسی که اسمش محمدرضا هست ، «1093» می باشد که با اسم مبارک « خیر مونس وانیس » از اسمای خداوند، هم عدد است و به اصطلاح ، اسم اعظم اختصاصی کسی که اسمش محمد رضا ست ، « خیر مونس وانیس » می باشد .

در زیر جدول برخی از اسماء الهی را با ذکر عدد آنها به نقل از کتاب سرالمستتر حجت الاسلام والمسلمین سقازاده (واعظ) تهرانی و «غم عشق» عبدالقائم شوشتری تقدیم شما عزیزان می کنیم:

* تذکرات

1- ما حق نداریم از پیش خود برای خداوند اسم انتخاب کنیم بلکه اسماء الله باید از جانب خود خداوند و معصومین (ع) معرفی شده باشند.

2- اگر اسم اعظم هم عدد با اسم شما در این جدول پیدا نشد از ترکیب دو اسم از اسماء الله که مجموع عدد آن دو اسم برابر با عدد اسم شماست بهره ببرید.

3- چون ابتدای ذکر غالبا از حرف ندای « یا » استفاده می کنیم و عدد کلمه « یا » 11 می باشد لذا می توانید به عدد خود 11 تا بیافزایید و به جای تکرار خالی اسم خداوند ، حرف « یا » را هم بیاورید . مثلا هر چند عدد اسم محمدرضا 1093 است ولی موقع ذکر گفتن از عدد 1104 استفاده می شود بگوید « یا خیر مونس وانیس » اسم محمد رضا = اسم مبارک خیر مونس وانیس از اسماء الله $1093=1093+1093=1104$ (یا...) = 1104 (یا خیر مونس وانیس)

11	هو

12	احد
4	وهاب
14	واهب
14	واجد
14	جواد
14	اجود
17	بادی
18	حی
19	واحد
19	وهوب
20	بدوح
20	ودود
29	هادی
22	حبیب
23	طیب

28	وحید
31	دوائی
34	اجل
36	اله
37	زکی
37	اول
38	ازل
42	طالب
43	جلی
46	ولی
46	الهی

والی	47
حم	48
ماجد	48
امجد	48
محب	50

ن	50
مجدد	51
ادوم	51
حامد	53
موجد	53
مودد	54
دائم	55
مجیب	55
مبدئی	56
مجید	57
موجود	59
ماحی	59
رب اللیل والنهار	59
مودود	60
مجزی	60
مجازی	61
واجب الوجود	62
حمید	62
باطن	62
دیان	65

66	الله
66	وکیل
66	ماهی
66	واهب الهدیا
67	محیط

68	محبی
68	حکم
69	حاکم
69	طس
70	یس
71	الم
71	حاسب
72	باسط
73	جلیل
74	دلیل
74	سید

مبدل	76
سبوح	76
مزکی	77
اعز	78
حکیم	78
حامل	79
لايزال	79
محال	79
حسیب	80
ملی	80
سیداه	80
کاین	81
مولاه	82
جمیل	82

ملجای	84

محول	84
مُحمد	84
داعی	85
مولی	86
بدیع	86
مطلوب	87
الهنا	87
حلیم	88
ملک	90
مالک	90
ملاک	91
کامل	91
مُحمد	92
اول بلابدایة	92
عزیز	94
مهلک	95
وفی	96
وافی	97
خفی	98
محمود	98
مانح	99
مناح	99
المآت	
ق	100

ملیک	100
امین	101
صباح	101
صاحب	101
مُهون	101
مُبین	102
منزه	102
منجی	102
انیس المسؤ حشین	102
هازم الاحزاب	103
عدل	104
جاعل	104
مسبب	104
عادل	105
مزین	107

مسدد	108
حق	108
اله الالهه	108
طسم	109
سماح	109
سامح	109
حنان	109
لااله الا هو	110
على	110
مسبح	110

سابق	163
قدوس	164
اول الاولين	165
لااله الا الله	165

مفهم	165
عطوف	165
قسط	170
قدوس	170
منیع	170
معین	170
سامع	171
مقلب	172
احب من کل حبیب	173
اجود من کل جواد	173
جزیل العطیه	175
موسع	176
واصف	177
وصاف	177
اله الناس	178
مطلق	179
صفی	180
سمیع	180
فعال	181
مقدم	184
من یهدی ولا یتهدی	185

من هوالمجيب	187
دائم البقاء	190
معين	190
حبيب القلوب	191
كهيعص	195
صادق	195
جميل العطاء	195
اله الاعين	198
معطف	199
حبيب من لاحبيب له	200
منعم	200
قاسم	201
نافع	201
معافي	201
مسبب الاسباب	201
طبيب من لطبيب له	202
رب	202
بر	202

بار	203
مقدس	204
رجاء	205
دائم اللطف	205
وفى العهد	206
جبار	206
جابر	206

دهر	209
مُسِط	209
منجز الوعد	211
صانع	211
مالک الملک	212
بارى	213
لطيف بعباده	213
نعم اللطيف	213
طاهر	215

216	دیان یژم الدین
218	حی قبل کل حی
218	مالک الملوک
218	بدیع اسماء
218	مالک الملوک
220	دیهار
220	ملقن
220	صاحب کل نجوی
221	دائم بلافناء
222	موصوف
224	رجائی
225	دیهور
226	موفق
228	قائم بلازوال
229	احکم الحاکمین
229	طالب کل طالب

231	الر
231	قاصم
232	كبير
233	قديم الى الابد
234	مبدع البدايع
237	قديم لا يبلى
240	مقصود
240	كهف اللاجين
241	آمر
242	مالك يؤم الدين
245	مراد
246	نعم المجيب
246	موفى العهد
249	راحم
250	نعم الموجود
252	فالق الحب
253	مجير
253	ربنا
254	مُرِيد
254	مُروح
254	مُطهر
256	نور
257	انوار
257	نعم الوكيل

258	رحیم

258	برهان
258	سامع النداء
259	واسع العطاء
259	ماکر
261	اکرم
264	مُدْرک
265	نعم الدلیل
266	مجیب من لا مجیب له
270	کریم
271	المر
271	نعم الحسیب
274	ولی المؤمنین
274	من لا ملجاء الا الیه

حمیدالفعال	274
مزين القلوب	276
مالک کل مملوک	277
من لا يزول ملكه ابدا	277
نعمالمولی	277
حم عسق	278
من لا يحصى الآئه	282
من هو العليم	282
فرد	284
فارج	284
معبود بكل مكان	285
جميل الفعال	286

سمیع الدعاء	287
رؤف	287

288	قیوم لاینال
290	فاطر
291	نامر
293	صابر
293	جبار
294	باقی لایفنی
294	فرید
295	جمیل
296	منور
298	صبور
299	محب المحسنین
299	من له لایزول
300	مکرم
300	منیر
300	مبدیءالبرایا
301	اعدل العادلین
302	بصیر
303	اقرب
303	من هو حکمه لطیف
304	دلیل من لا دلیل له
304	سرمد
305	قدیم الاحسان
305	قادر

305	رب العزة
306	قاهر
306	قهار
306	صادق الوعد
308	رازق
308	رزاق
308	من له الجنة المأوى
308	من له يدوم الاملكه
310	شاهد
310	ميسر
311	حسن النعماء
312	راقب
312	قريب
313	نعم المعبود
314	قدير
316	من له حدله ولا مكان

318	شدید
319	شهید
322	من هو القیم
323	مفرج
323	جامع کل مجموع
324	من سألہ و لا یسأل
325	من یعطى و لا یعطى
326	ملجأ العاصین
328	مفرج

332	مبصر
334	انیس الاصفیاء
336	مصور
338	من لا ملک الاملکہ
339	من ملکہ قدیم

339	من قوله حق
339	ناصر
340	مکفر
341	مقلب القلوب
342	مقرب
342	مرقب
342	من هوفى حکمه حکيم
344	مقدر
344	فالق الاصباح
346	هاشم
347	من له الملك و الجلال
350	من هو ملکه قديم
350	محب المقسطين
350	نصير
351	رافع
351	محق الآمال
353	قاسم بالقسط
353	من هو حکمه لطف
355	فالق الحب و النوى
356	من هولمن دعاه مجيب

359	من ليس لملكه زوال
360	فارح الهم
360	رفيع
361	نعم المعين
	جليس من لا جليس له
365	من له القوة و الجلال
369	من احسانه قديم
369	من وعده صدق
369	من هو عادل في حكمه
370	لطيف الصنع
372	ملك لا يرام
373	اقوى من كل قوى
374	ربالعلام
375	جامع الكبرياء
376	رزاق كل حي
377	من لا تعدنعمائه
380	من هواحسانه قديم
384	من هو العلى الاعلى
386	من هو ملكه قديم

388	من جعل الليل لباسا
389	كافى الامور
389	الطف من كل لطيف
390	رفيق
390	من هوالرحيم
391	شافى

396	معروف
398	انيس من لا انيس له
400	كهف الراجين
401	شفائى
401	كاشف
402	من هوالكريم
403	من هومحيط فى علمه
404	من امره حكم

409	تواب
410	باسط الرزاق
410	مقدر الاجال
412	من وفقني و هداني
414	قاهر الاعداء
418	من له الاسماء الحسنی
421	ناصر الاولیاء
433	اسمع السامعین
433	هو الفارق
434	محب اصابرین
435	حبیب الفقراء
436	من لا معقب لحكمه
438	مدبر الاحوال و الآمال
439	رب الارباب
440	باری النفوس
441	تام
442	سریع الحساب

443	من دبر بعلمه
450	جبار
450	فکاک الرقاب
452	من ليس كفو ولا عدیل
456	مروج المحزونین
458	مدبر الاحوال و الزمان
459	مهتدی
460	شفیع
461	راحم المساکین
462	من هوفی سلطانه قوی
464	باسط الیدین بالرحمة
465	کاشف البلاء
465	فارج کل مهموم
465	منور القلوب
465	شدید القوی
466	انیس المریدین
470	من هوفی احسانه قدیم
472	من لا شبیه له
475	من لا یقلب القلوب الا هو
476	من هو فی ملکه مقیم
474	ملتجاء
475	من هوفی حکمه مقیم
476	فعال لما یرید

479	کریم الصفح
479	کاشف البلیه

480	واقف الاسرار
481	کاشف البلوی
481	اصدق الصادقین
482	مطلق الاساری
482	دائم المعروف
483	میسرالاعمال
484	رافع السماء
485	متطول
488	ممتاز
489	فاتح
490	فتاح
490	کنز الفقراء

شفیق	493
اسرع الحاسبین	496
من لا معین له	499
کاشف الاحزان	500
من هوفى سلطانه قديم	500
مطلق کل اسیر	500
متین	505
حی لایموت	505
معدن الجود والکرم	505
منتهی	502
منشی السحاب	503
نعم القریب	506
من لیس له کفل ولا عدیل	

حاشر	509

510	من هوفى البرعبیده
510	تقى
512	مبدء كلشىء ومحو له
512	بشير
512	لطيف لمن يشاء
513	متحمل
514	رشيد
515	مستجيب
517	صانع كل مصنوع
518	من يسمع نداء السائلين
520	مشفق
520	مُتمم
521	شاکر
522	شديد العقاب
522	حبيب التوابين
524	مدبر الامور
526	شکور
526	حایل بین المرء وقلبه
528	من فى البحر سبيله
527	من هو لا يدركه الافهام
528	مفتح
530	حى لا يحتاج الى الحى
530	متکلم
534	الرعد

535	من هولطيف في صنعه
538	عالم السروالنجوى
539	رحيم الرحماء
541	نعم النصير
542	مبشر
544	مُرشد
545	نور الانوار
546	جابر كل كبير
546	رب النون والقلم
547	محيى الاموات
548	محشر
550	مقيت
551	متعالى
551	ناشر
551	من هو علا كل شيء

محدث	551
مشیب	552
رازق البریا	552
من جعل الاشياء أزواجاً	556
مولج الليل والنهار	557
رب الحل والحرام	557
نور كل نور	562
مدرك الهاربين	563
جار من لاجار له	564
من هوامات واحیی	565

حبيب الاتقياء	566
مشكور	566
حسن التجاوز	566

567	من جعل السماء
567	من یری ولا یری
567	مجیب الدعوات
567	من له علوفوق کل عال
569	من هو کلشیء هالک الا وجهه
569	رزاق المقلین
570	منزل الآیات
571	سیدالسادات
571	من الکبریاء ردائه
571	مفتح الابواب
572	قابل التواب
573	باعث
578	مبدل السیئات
579	رب الجنه والنار
580	مرسل الرياح
581	متقدم
582	دائم لایفوت
582	من تجاوز بحکمه
583	رب الحبوب والثمار
586	حرز من لاحرز له
588	میسرالامور
589	ارحم الراحمین

590	جزیل الثواب
593	من له القدرة والكمال
596	مونس كل فقير
596	ولى الحسنات
596	قريب الرحمة
600	ماحى السيئات
602	فارج كل مكروب
605	من هو عالم بكل شيء
606	وتر
609	قرة عيون العابدين
609	من هو قادر بلامعين
610	من يحب التوابين
611	مستأنس
613	من تعالى جده
613	اكرم الاكرمين
617	من احاط بكل شيء علمه
621	من فى كل شيء دلائله
621	مستعان

قاصم کل جبار	621
بديع السموات	624
منزل السرور	624
من يقلب الليل و النهار	626
كافي المهمات	628
دافع البليات	629
منتقم	630

من يفعل ما يشاء	633
شريف الجزاء	633
محب المتوكلين	637
نور بعد كل نور	638
من لم يلدولم يولدولم يكن له كفواً احد	639
مرتب	642
من هو المقدس	647

648	ارحم من كل رحيم
648	من كل يؤم هوفى شأن
648	رازق الارزاق
653	مُرتجى
654	راحم من لا راحم له
654	متطهر
658	مُعطى السئولات
661	ستار
661	ساتر
662	متكبر
662	راحم الفقراء
670	خليل
671	اکرم من كل كريم
671	نورعلى كل نور
673	من جعل الليل اوتادا
677	والى المتقين
677	ولى المتقين
686	من لاشريك له

رب القفار والبلاد	688
واقف الاسرار	680
مستحسن	681
خفی	690
يامن يعزلمن يشاء	691
منان الحسنات	693
نو رقبل كل نور	694
قاهر كل جبار عنيد	696
كافي المتوكلين	698
سامع الاصوات	700
مكرم	700
مستتر	700
اقدرا القادرين	701
راتق	701
انت له المجيد الحميد	703
قادر كل مقدور	705
منجى من ال آفات	706
وارث	707
اهل اثناء والحمد	708
رب العزة	710
رازق كل مرزوق	711

713	من لا یصرف القلوب الا هو
714	من عنده ام الكتاب
719	کاشف کل مکروب
722	شافی اصدور

731	خالق
731	خلاق
731	حی لیس کمثله حی
733	بازل
734	من لا یتوکل الا الیه
734	متقرر
734	من له العزة والجلال
735	البصر منکل بصیر
736	من لا مثل له
738	من لا یخفی عباده اياته
741	من یرجع الامر کل الیه

مقتدر	744
نور فوق کل نور	748
راحت القلوب	748
رازق المرزوقین	752
ذوالابديه	755
اقرب من کل قریب	755
مکسر	760
مخلص	760
مطلع علی السرائر	761
من بیده السفم والشفاء	767
من تقدس اسماءه	767
من لا تعدنعماءه	768
کافی من استکفاه	768
مذل	770

771	من عطاؤه شریف
771	بلاذل
777	ناصر کل منصور
778	من لیس اخدمثله
778	راحت القلوب
780	منتصر
780	ساتر العیوب
781	منزل البرکات
782	ذوالطول
790	ذوالازلیه
795	محب المتطهرین
796	من بابہ مفتوح للطالبین
797	اله الخلق
798	مأوی کل خائف
800	مذل
800	من لاحد لملکه ولا منتهی
801	آخر
804	من له السموات العلی
805	ذوالحلم
806	ذوالجود والحاء
807	متمم النور
812	خبیر
813	من اعتصم العبد علیه هداه
819	من تبارک اسمہ
820	باعث الارواح

معاذی	821
من جعل القمر نورا	821
دلیل المتحیرین	823
نعم المولی و نعم النصیر	824
رب التحيه والسلام	824
اله الملائكة الصافون	826
من جعل النهار مرصادا	826
ذوالامان	829
من يعلم المراد المریدین	830
ذوالبهاء والمجد	830
من له الآيات الكبرى	831
ذوالعلوی	833
ذوالاناثیر	834
ناصر من له ناصر له	838

838	ساتر کل معیوب
841	ذو تالبقاء
842	کثیر العطایاء
845	من یحق الحق بکلماته
846	مؤخر
848	کثیر النوال
849	کثیر الوفا
850	احد بلاضد
851	ارفع من کل رفیع
853	ذو الصفۃ العالیۃ
856	مقدر الآیات

857	ذو الاحسان
867	ذو الوهب والعطاء
868	من له المثل الاعلی
869	من لها الصفات العلیا

869	من قدر بحمله
874	امان الخائفين
876	باعث السرايا
877	من هو قادر على كل شيء
878	من يقبل التوبة عن عباده
881	باعث البرايا
881	فاخر
881	مقدر الاقوات
884	رب الهيبة والانتقام
872	كثير القوة
873	ذو السلامه
878	من لا توفيق الا غيره
889	من جعل الشمس سراجا
891	منتهى كل شكوى
892	من جعل النهار معاشا
897	ذو الحول والمحال
900	مسخر
902	ثابت
903	قابض
905	آخر بلائهايه
907	ذو الجود والاحسان

908	ذوالهیمبة القارحه
908	سرور العارفين
910	ذوالحكمة والبيان
910	ذوالعزة الدائمة
911	قاضى
914	من هورب الشعري
917	كثير العفو
919	رحمن كلشىء وراحمه
920	من فى الجبال خزائنه
920	ذوالعزة والجلال
921	كثير النعم
922	مونسى عند كربتى
922	من فى الجنة رحمته
925	رب بيت الحرام
929	ذوالول والقوة
933	ذوالمجد والسناء
935	قابض الجود
936	من هو كبير المتعال

936	رفیق من لاریق له
939	ذوالقوة الدائمہ
941	ذوالعهد والوفا
942	احسن الخالقین
942	مثبت
942	ذوالعطاء والنوال
944	معقق الرقاب

945	ذوالمن والعطاء
948	ذوالاراده
950	مفضل
953	قمراریاح بارادته
954	خیرالحامدین
957	ذوالامن والامان
958	من هواضل واهدی
958	رب الابرار والفجار

ذوالعزّة والبقاء	960
نذیر	960
مذکر	960
خالق الانس والجان	964
مذکور	966
من هواضحک وابکی	969
ذوالحجّة القاطعه	969
خیر الحاکمین	970
خالق الارواح	978
قاضی کل حاجته	978
هادی المضلین	981
من لا شریک له و لا وزیر	981
ذوالحکمة الواسعه	983
من الی عبادة اقرب الیهم من حبل الوريد	983
ذوالمن والسلطان	984
کاشفی عندبلیئتی	987
حافظ	989

993	ذوالانام والمجد
995	قديم الخير
997	من لا يخلف الميعاد
998	حفيظ
999	رفيع الدرجات
1000	مغنى
1001	ضار
1001	من جعل الشمس والقمر
1010	من استأنس المريدون
1010	ذوالجلال والكرام
1018	خالق النور
1020	ذوافرج
1020	عظيم
1020	ذوالسلطان المنين
1020	رب البوادي والصحارى والعقار
1025	من هو بحوائج عباده خبير
1026	من استقر باسمه الجميل
1026	انيس المستوحشين
1028	خير المنزلين
1032	رب الانهار والاشجار
1032	راحم الضعفاء
1033	غالب
1034	من استسلم كلشىء

ذوالبطش	1043
قاضی المنايا	1044

من ذكره حیات	1044
ذوالحجۃ والبرهان	1048
ذوالشهادة	1048
مرضی	1050
قاضی الحق	1050
ذوالمعارج	1051
اشفع من كل شفيع	1051
كاشف الكربات	1055
ذوالصفة العاليه	1059
اله الاولين والآخرين	1062
من يعرف سرائر المجين	1062
ذوالكرم والآلاء	1067
من لا تدركه الابصار	1075

ذوالکرم والطول	1079
من ذل کلشیء لوحدانیة	1079
باعث من فی القبور	1092
ذوالمشیة	1092
قدیم الفضل	1095
من لیس کمثله شیء	1096
مغنی	1104
رب العرش الکریم	1104
انیس الضعفا	1104
ظاهر	1106
قوی لا یضعف	1107
عون الضعفاء	1109

خالق السماء والبروج	1112
ظہیر	1115

1115	من هو عصمته للخائفين
1129	مكفر الذنوب
1132	راحم المذنبين
1134	من فضله لطيف
1153	معين الضعفا
1162	خير الماكرين
1164	ناظر
1168	فاطر
1173	ذوالقدره الكامله
1174	عالم الغيب
1177	مراد المشتاقين
1190	علام الغيوب
1207	عظيم العفو
1209	خير الرازقين
1236	معين كل مظلوم
1247	خير اناصرين
1263	عالم الخفيات
1281	غافر
1286	غفور
1320	مغفر
1361	ساتر العورات
1369	داعى الى الخيرات
1382	مقيل العثرات

ذوالبطش الشدید	1397
ذوالعرش المجید	1399
عظیم الشأن	1402
غنی عن العالمین	1412
ناصر المظلومین	1448
مخرج الحی من المیت	1463
مخرج المیت من الحی	1463
کاشف الغم	1473
حافض	1481
واسع المغفره	1493
عالم الغیب والشهادة	1536
مضاعف الحسنات	1541
مغیت	1550
خالق کل مخلوق	1557
عالم السرو الخفیات	1560
علیم بذات الصدور	1584

عظیم البرکات	1687
مونسی عندالغریہ	1723
فاتح الخیرات	1731
قیوم الارض والسموات	1731
جبارالسموات ولارض	1782
نورالسموات والارض	1742
رب العرش العظیم	1753
قاهر غیر مقهور	1867
غنی لا یفتقر	1881

فاطرالسموات ولارضین	1926
ذوالفضل والکرم	1954
غافر الذنب	1604

2070	یرزق من یشاء بغير حساب
2261	اغنى من كل غنى
2182	خير الغافرين
2254	رب المشارق والمغرب
2332	غافر الخطيئات
2616	مغيث كل مظلوم
2699	ذو الفضل العظيم
3311	غاذى الصغير والكبير
3612	غياث المستغيثين

یا الله	66
یا رحمن	298
یا رحیم	258
یا کریم	270
یا مقیم	190
یا عظیم	1020
یا قدیم	154
یا علیم	150
یا حلیم	88
یا حکیم	78
یا لاله الا انت	550
یا رب	202
یا سید السادات	571
یا مجیب الدعوات	576
یا رافع الدرجات	990
یا ولی الحسنات	596
یا غافر الخطیئات	4333
یا معطی المسئلات	692
یا قابل التوبات	973
یا سامع الاصوات	700

1263	یاعالم الخفیات
629	یادافع البلیات
2182	یاخیر الغفرین
1390	یاخیر الفاتحین

1242	یاخیر الناصرین
970	یاخیر الحاکمین
1209	یاخیر الرازقین
1608	یاخیر الوارثین
954	یاخیر الحامدین
1822	یاخیر الذاکرین
1028	یاخیر المنزلین
1059	یاخیر المحسنین
744	یا من له العزة والجماد

936	يامن هوالكبير المتعال
347	يامن له الملك والجلال
988	يامن هوالكبير المتعال
1165	يامنشىء الحساب الثقال
529	يامن هوشديدالمحال
543	يامن هوسريع الحساب
623	يامن هوشديدالعقاب
877	يامن عنده حسن الثواب
714	يامن عنده ام الكتاب
109	ياحنان
141	يامنان
65	ياديان
258	يابرهان
150	ياسلطان
1057	يارضوان

یاغفران	1331
یا سبحان	121
یا مستعان	621
یا ذل من وال بیان	922
یا من تواضع کل شیء لعظمته	3173
یا من استسلم کل شیء لقدرته	1553
یا من خضع کل شیء لعزته	1693
یا مخضع کل شیء لهیبه	2273
یا غفر المذنبین	2164
یا مجیب دعوة المضطربین	1657
یا ذا الجود والاحسان	902
یا ذا الفضل والامتنان	2221
یا ذا الأمن والأمان	952
یا ذا القدس والسبحان	1024
یا ذا الحکمة والبیان	1300
یا ذا الرحمة والرضوان	2474
یا ذا الحجۃ والبرهان	1438
یا ذا العظمة والسلطان	2329
یا ذا الرأفة والمستعان	207
یا ذا العفو والغفران	2256
یا من هورب کل شیء	663
یا من هواله کل شیء	498
یا من هو خالق کل شیء	1193
یا من هو صانع کل شیء	673

594	یامن هو قبل کل شیء
538	یامن هو بعد کل شیء
648	یامن هو فوق کل شیء
605	یامن هو عالم بکل شیء
878	یامن هو قادر علی کل شیء
740	یامن هو یبقی ویفنی کل شیء
137	یامؤمن
145	یامهمین
116	یامکون
220	یاملقن
102	یامبین
101	یامهون
1190	یاعلام الغیوب

یاغفار الذنوب	2070
یاستار العیوب	780
یاکاشف الکروب	660
یا مقلب القلوب	341
یاطیب القلوب	192
یا منور القلوب	465
یا انیس القلوب	290
یا مفرج الهموم	445
یا منفس الغموم	1347
یا جلیل	73
یا جمیل	83

یا وکیل	66
یا کفیل	140

یادلیل	74
یاقبیل	142
یامُدیَل	84
یامُنیل	130
یامُقیل	180
یامُحیل	88
یادلِل المتحیرین	823
یاغیاث المستغیثین	1361
یا صریخ المستصرخین	2381
یا جار المستحبرین	1008
یا امان الخائفین	865
یا عون المؤمنین	354
یا راحم المساکین	821
یا ملجأ العاصین	326
یا رافع	351
یا صانع	211
یا نافع	201
یا سامع	171
یا جامع	114
یا شافع	451
یا واسع	137
یا مُوسع	176

517	یاصانع کل مصنوع
1557	یاخالق کل مخلوق
711	یارازق کل مرزوق
277	یامالک کل مملوک
719	یاکاشف کل مکروب
465	یافارج کل مهموم
593	یاراحم کل مرحوم
1767	یاناصر کل مخذول
839	یاساثر کل معیوب
383	یاملجأکل مطرود
1322	یاعدتی عندشدتی
891	یارجائی عند مصیبتی
1014	یامونسی عند وحشتی
1847	یاصاحبی عندغربتی
550	یاولی عندنعمتی
2277	یاغیائی عندکربتی
836	یادلیلی عندحیرتی

یاغنائی عندافتقاری	1987
یاملجای عنداضطراری	1429
یامعینی عندمفزعی	511
یامن انقادکل شیءمن خشیتہ	2012
یامن تشققت الجبال من مخافته	2673
یامن قامت السموات بأمره	1417
یامن استقرت الأرضون یاذنه	3097

یامن یسبح الرعدبحمده	534
یامن لا یعتدی علی اهل مملکتہ	1256
یاغافر الخطایا	1933
یاکاشف البلیا	476
یامنتهی الرجایا	751
یامجزل العطايا	202
یاواهب الهدایا	66

553	یارازق البرایا
1044	یاقاضی المنایا
534	یاسامع الشکایا
818	یاباعث البرایا
482	یامطلق الأساری
1373	یاذا الحمد والثناء
1658	یاذا الفخر والبهاء
928	یاذا المجد والسناء
936	یاذا العهد والوفاء
1927	یاذا العفو والرضاء
940	یاذا المن والعطاء
1871	یاذا الفصل والقضاء
950	یاذا العز والبقاء
1443	یاذا الجود والسخاء
963	یاذا الآلاء والنعماء
161	یامانع
155	یادافع

یاممكن	150
یامزین	107
یامعلن	190
یامقسم	250
یامن هوفی ملکه مقیم	476
یامن هوفی سلطنه قدیم	460
یامن هوفی جلاله عظیم	1280
یامن هوعلی عبادہ رحیم	551
یامن هو بکل شیء علیم	614
یامن هو بمن عصاه حلیم	447
یامن هو بمن رجاه کریم	672
یامن هو فی صنعہ حکیم	484
یامن هو فی صنعہ حکیم	793
یامن هو فی لطفہ قدیم	469
یامن هولایرجی الافضلہ	1291
یامن هو لایسئل الاعفوه	415
یامن لاینظرالابرہ	1520
یامن لا یخاف الاعدلہ	953
یامن لا یدوم الاملکہ	308
یامن لاسلطان الاسلطانہ	458
یامن وسعت کل شیء رجمتہ	1640
یامن سبقت رحمتہ غضبہ	1312

554	يامن احاط بكل شيء علمه
778	يامن ليس احد مثل

www.inapply.com

360	يامن فارج الهم
1472	ياكاشف الغم

یاغفر الذنب	2067
یاقابل التوب	572
یاخالق الخلق	1492
یاصادق الوعد	306
یاموفی العهد	246
یاعالم السر	432
یاخالق الحب	252
یارازق الانام	431
یاعلی	110
یاوفی	96
یاغنی	1060
یاملی	80
یاحفی	98
یارضی	1010
یازکی	37
یابدی	16
یاقوی	116
یاولی	46
یامن اظهر الجمیل	1310
یامن سَتَرَ القبیح	901
یامن لویؤخذ بالجریرة	2324
یامن لم یهتک السر	1286

1207	یا عظیم العفو
566	یا حسن التجاوز
1888	یا واسع المغفرة
858	یا باسط الیدین بالرحمة
220	یا صاحب کل نجوی
336	یا منتهی کل شکوی
2786	یا ذا النعمة السابقة
1948	یا ذا الرحمة الواسعة
1948	یا ذا النعمة السابقة
2646	یا ذا الحکمة البالغة
1958	یا ذا القدرة الكاملة
1754	یا ذا الحجة القاطعة
2930	یا ذا الکرامة الظاهرة
1686	یا ذا العزة الدائمة
2169	یا ذا القوة المینة
2743	یا ذا القوة المنیعة

یابدیع السموات	624
یا جاعل الظلمات	1506
یاراحم العبرات	953
یامقیل العثرات	1372
یاساتر العورات	1369
یامحیی الاموات	527
یامنزل الایات	570
یامضعف الحسنات	1540

یامحی السيئات	562
یا شدید الانتقامات	940
یامصور	336
یامقدر	334
یامدبر	246

یَا مُطَهِّر	254
یَا مُنَوِّر	296
یَا مُیَسِّر	310
یَا مُبَشِّر	542
یَا مُنْذِر	990
یَا مُقَدِّم	184
یَا مُؤَخِّر	847
یَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ	925
یَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ	1017
یَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ	549
یَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ	721
یَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ	1123
یَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	620
یَا رَبَّ الْحُلِّ وَالْحَرَامِ	557
یَا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ	1497
یَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ	1219
یَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ	755
یَا حَكِمَ الْحَاكِمِينَ	229
یَا عَدَلَ الْعَادِلِينَ	301

یا اصدق الصادقین	481
یا طهر الطاهرین	521
یا احسن الخالقین	941
یا اسرع الحاسبین	493
یا اسمع السامعین	433
یا بصر الناظرین	1535
یا شفیع الشافعیین	511
یا اکرم الاکرمین	613
یا عماد من لا عماد له	386
یا سند من لا سند له	384
یا ذخر من له ذخر له	3156
یا حرز من له حرز له	586
یا غیاث من لا غیاث له	3178
یا فخر من له فخر له	1916
یا عز من لا عز له	310
یا معین من لا معین له	496
یا انیس من لا انیس له	398
یا امان من لا امان له	340
یا عاصم	201

یا قائم	142
یا دائم	46
یا راحم	249
یا سالم	131
یا حاکم	69

یا عالم	141
یا قاسم	111
یا قابض	813
یا باسط	72
یا عاصم من استعصمه	957
یا راحم من استرحمه	1053
یا غفر من استغفره	3117
یا ناصر من استنصره	1237

یا حافظ من استحفظه	2533
یا مکرم من استکرمه	1116
یا مرشد من اسر شده	1604
یا صریخ من استصرخه	2346
یا معین من استعانه	847
یا معیث من استغاثه	3607
یا عزیز آلا یضام	977
یا لطیف لا یرام	412
یا قوما لا ینام	289
لادائما لایفوت	574
یا حیا لا یموت	506
یا ملکا لایزول	175
یا باقی لایفنی	295
یا عالما لایجهل	221
یا صمدا لا یطعم	295
یا قویا لا یضعف	1208

یا احد	13
یا واحد	29
یا شاهد	310
یا ماجد	48
یا حامد	53
یا راشد	505
یا باعث	573
یا وارث	707
یا ضار	1001
یا نافع	201
یا اعظم من کل عظیم	971
یا اکرم من کل کریم	671
یا رحیم من کل رحیم	647
یا علم من کل علیم	431
یا حکم من کل حکیم	287
یا قدم من کل قدیم	439
یا کبر من کل کبیر	595
یا لطف من کل لطیف	389
یا جل من کل جلیل	247
یا عزیز من کل عزیز	312
یا کریم الصفح	479
یا عظیم المن	1141
یا کثیر الخیر	1571

یا قدیم الفضل	1095

یا دائم اللطف	166
یا لطیف الصنع	370
یا منفس الكرب	483
یا کاشف الضر	1432
یا مالک الملک	212
یا قاضی الحق	1050
یا من هو فی عهده وفی	371
یا من هو فی وفائه قوی	400
یا من هو فی قوته علی	812
یا من هوفی علوه قریب	614
یا من هو فی قربہ لطیف	549
یا من هوفی لطفه شریف	878
یا من فی شرفه عزیز	870
یا من هوفی عزه عظیم	1293

یا من هوفی عظمتہ مجید	1663
یا من هو فی مجده حمید	305
یا کافی	111
یا شافی	391
یا وافی	97
یا معافی	201
یا هادی	20
یا داعی	85
یا قاضی	911
یا راضی	1011

یا عالی	111
یا باقی	113
یا من کل شیء خاضع له	1957
یا من کل شیء خاشع له	1457
یا من کل شیء کائن له	558
یا من کل شیء موجود به	517
یا من کل شیء منیب الیه	599
یا من کل شیء خائف منه	1228
یا من کل شیء قائم به	600
من کل شیء صائر الیه	789
یا من کل شیء یسبح بحمده	590

553	يامن كل شىء هالك الا وجهه
519	يا من لامفر الا اليه
396	يا من مفزع الا اليه
433	يا من لا مقصد الا اليه
388	يا ممن لا منجمنه اليه
1411	يا من لا يرغب الا اليه
747	يا من لا حول و لا قوة الا به
751	يامن لا يستعان الا به
734	يامن لا يتوكل الا عليه
387	يامن لا يرجى الا هو
250	يامن لا يعبد الا هو
1154	يا خير المرهوبين
2158	يا خير المرغوبين

یاخیر المظلومین	988
یاخیر المسئولین	1008
یاخیر المقصودین	1105
یاخیر المذکورین	1867
یاخیر المشکورین	1467
یا خیر المحبوبین	959
یاخیر المدعویین	1021
یاخیر المستأنسین	1512
یاغافر	1281
یاساثر	661
یاقادر	305
یاقاهر	306
یافاطر	290
یاکاسر	281
یاجابر	206
یاذاکر	921
یاناظر	1151
یاناصر	791
یامن خلقفسوی	346
یامن قدر فهدی	493
یامن یکشف البلوی	579
یامن یسمع النجوی	370
یامن ینقذ الغرقی	2291
یامن ینجی الهلکی	259

1571	يامن يَشْفى المرضى
958	يامن اضحك وابكى
567	يامن امات واحيي
2476	يامن خلق الزوجين الذكر والانثى
767	يامن فى البر والبحر سبيله
810	يامن فى الآفاق آياته
886	يامن فى الآيات برهانه
1401	يامن فى الممات قدرته
1196	يامن فى القبور عبرته
857	يامن فى القيامة ملكه
704	يامن فى الحساب هيبتة
1196	يامن فى الميزان قضائه
1258	يامن فى الجنة ثوابه

640	يامن فى النار عقابه
1122	يامن اليه يهرب الخانقون
1182	يامن اليه يفزع المذنبون
529	يامن اليه يقصد المنيبون
1452	يامن اليه يرغب الزاهدون
925	يامن اليه يلجأ المتحIRON
1019	يامن به يستأنس المريدون
1524	يامن به يفتخر المحبون
1168	يامن فى عفوه يطمع الخاطئون
541	يامن اليه يسكن الموقنون
1254	يامن عليه يتوكل المتوكلون

22	ياحبيب
23	ياطبيب

یا قریب	312
یارقیب	312
یا حسیب	80
یا مهیب	57
یا مئیب	552
یا مجیب	55
یا خبیر	812
یا بصیر	302
یا قرب من کل قریب	755
یا احب من کل حبیب	173
یا بصر من کل بصیر	735
یا خبر من کل خبیر	1755
یا اشرف من کل شریف	1311
یا رفیع من کل رفیع	851
یا قوی من کل قوی	373
یا غنی من کل غنی	2261
یا جود من کل جواد	168
یا راف من کل رؤوف	715
یا غالباً غیر مغلوب	3322
یا صانعا غیر مصنوع	1678
یا خالقا غیر مخلوق	2718
یا مالکا غیر مملوک	1438

یا قاهر غیر مقهور	1868
یارافعا غیر مرفوع	1958
یا حافظا غیر محفوظ	3234
یا ناصراً غیر منصور	1938
یا شهداً غیر غائب	2525
یا قریباً غیر بعید	1609
یا نورالنور	543
یا منورالنور	583
یا خالق النور	1018
یا مدبر النور	533
یا مقدرالنور	631
یا نور کل نور	562
یا نوراً بعد کل نور	695
یا نوراً قبل کل نور	639
یا نوراً بعد کل نور	748

1232	یانورا لیس کمثله نور
766	یامن عطاءه شریف
404	یامن فعله لطیف
404	یامن لطفه مقیم
369	یامن احسانه قدیم
339	یامن قوله حق
369	یامن وعده صدق
1161	یامن عفوه فضل
972	یامن عذابہ عدل

1059	یامن ذکره حلو
1160	یامن فضله عمیم
135	یامسهل

240	يامفضل
76	يامبدل
800	يامذل
127	يامنزل
126	يامنول
950	يامفضل
107	يامجزل
115	ياممهل
113	يامجمل
567	يامن یری و لا یری
1607	يامن یخلق و لا یخلق
187	يامن یهدی و لا یهدی
203	يامن یحیی و لا یحیی
329	يامن یسئل و لا یسئل
385	يامن یطعم و لا یطعم
649	يامن یجیر و لا یجار علیه
2082	يامن یقضى و لا یقضى علیه
398	يامن یحکم و لا یحکم علیه
641	يامن لم یلدولم یولدولم یکن له کفواً احد
271	یانعم الحسیب
214	یانعم الطیب

503	یا نعم الرقیب
503	یا نعم القریب
246	یا نعم المحیب
213	یا نعم الحیب
331	یا نعم الکفیل
257	یا نعم الوکیل
277	یا نعم المولی
541	یا نعم الصیر
908	یا سرور العارفین
241	یا منی المحبین
466	یا انیس المریدین
522	یا حبیب التوابعین
569	یا رازق المقلین
1088	یا رجاء المذنبین
998	یا قرء عین العابدین
709	یا منفس عن المکروبین
1660	یا مفرج عن المغمومین
1062	یا اله الاولین والآخرین
253	یا تربنا

یا الهنا	87
یا سیدنا	125
یا مولانا	137
یا ناصرنا	392
یا حافظنا	968

یا دلینا	145
یا معیننا	221
یا حبیبنا	73
یا طبیبنا	74
یا رب النبیین والابرار	796
یا رب الصدیقین والخیار	1346
یا رب الجنة و النار	974

یارب الصغار والكبار	1784
یارب الحبوب و الثمار	1029
یارب الانهار و الاشجار	1031
یارب الصحارى و القفار	960
یارب البرارى و البحار	894
یارب الليل و النهار	596
یارب الاعلان و الاسرار	884
يامن نفذى كل شىء امره	1617
يامن لحق بكل شىء علمه	736
يامن بلغت الى كل شىء قدرته	2633
يامن لا تحصى العباد نعمه	902
يامن لا تبلغ الخلائق شكره	2841
يامن لا تدرك الافهام جلاله	972
يامن لا تنال الاوهام كنهه	767
يامن العظمه والكبرياء روائه	1885
يامن لا ترد العباد قضائه	1740
يامن لا ملك الا ملكه	338

320	يامن لآعطاءُألعطاءه
868	يامن له المثلالاعلى
869	يامن له الصفات العليا
1441	يامن له الآخرة والاولى
697	يامن له الجنة المأوى
811	يامن له الايات الكبرى
418	يامن له الاسماء الحسنی
1163	يامن له الحكم والقضاء
1088	يامن له الهواء والفضاء
1473	يامن له اعرش والثرى
804	يامن له السموات العلى
156	ياغفو
1286	ياغفور
298	صبور
526	ياشكور
293	يارؤوف
165	ياعطوف
137	يامسئول
20	ياودود
76	ياسبوح
170	ياقدوس
1728	يامن فى السماء عظمته
1629	يامن فى الارض آياته

617	يامن في كل شيء دلائله

504	يامن في البحار عجائبه
911	يامن في الجبال خزائنه
1506	يامن يبدأ الخلق ثم يعيده
746	يامن اليه يرجع الامر كله
1771	يامن اظهر في كل شيء لطفه
1305	يامن احسن كل شيء خلقه
2422	يامن تصرف في الخلائق قدرته
200	يا حبيب من لا حبيب له
202	يا طبيب من لا طبيب له
266	يا مجيب من لا مجيب له
1136	يا شفيق من لا شفيق له
936	يا رفيق من لا رفيق له

3256	يامغيث من لا مغيث له
304	يا دليل من لا دليل له
398	يا انيس من لا انيس له
654	يا راحم من لا راحم له
358	يا صاحب من لا صاحب له
764	يا كافي من استكفاه
586	يا هادي من استهداه
668	يا كالي من استكلاه
1108	يا راعي من استرعاه
1328	يا شافي من استشفاه
2368	يا قاضي من استقضاه
2707	يامغني من استغناه

779	ياموفى من استوفاه
819	يا مقوى من استقواه
639	ياولى من استولاه
731	يا خالق
308	يارازق
160	يا ناطق
195	يا صادق
211	يافالق
381	يفارق
581	يا فاتق
701	ياراتق
163	يا سابق
201	ياسامق
626	يامن يقلب الاليل و النهار
1890	يامن جعل الظلمات والانوار
2232	يامن خلق الظل و الحرور
1728	يامن سخر الشمس والقمر
1772	يامن قدر الخير والشر
1218	يامن خلق الموت والحيواء
1164	يامن له الخلق والامر
2449	يامن لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
966	يامن ليس له شريك فى الملك
1172	يامن لم يكن له ولى من الذل
830	يامن لم يعلم مراد المردين

1912	يامن يعلم ضمير الصامتين
534	يامن يسمع انين الواهين
1107	يامن يرى بكاء الخائفين
392	يامن يملك حوائج السائلين
1697	يامن يقبل عذر التائبين
672	يامن لا يصلح عمل المفسدين
1464	يامن لا يضيع اجر المحسنين
907	يامن لا يبعد عن قلوب العارفين
119	يا اجود الاجودين
181	يا دائم البقاء
278	يا سامع الدعاء
249	يا واسع العطاء
1923	يا غافر الخطاء
219	يا بديع السماء
183	يا حسن البلاء
666	يا جميل الثناء

یا قدیم السناء	297
یا کثیر الوفاء	829
یا شریف الجزاء	633
یا ستار	661
یا غفار	1281
یا قهار	306
یا جبار	206
یا صبار	293

یا بار	203
یا مختار	1241
یا فتاح	489
یا نفاع	139

یا مرتاح	649
یا من خلقتی و سوانی	1013
یا من رزقنی وربانی	726
یا من اطعمنی و سقانی	497
یا من قربنی و ادنانی	574
یا من عصمنی و کفانی	517
یا من حفظنی و کلانی	1255
یا من اعزنی و اغنانی	1346
یا من وقفنی و هدانی	412
یا من آنسنی و آوانی	335
یا من اماتنی و احیانی	678
یا من یحق الحق بکلماته	845
یا من یقبل التوبه عن عباده	1273
یا من یحول بین المرء و قلبه	611
یا من لا تنفع الشفاعه الا باینه	2393
یا من هو اعلم بمن ضل سبيله	1364
یا من لا معقب لحكمه	436
یا من لا راد لقضائه	1263
یا من انقاد كل شيء لامره	883
یا من السموات مطويات بيمينه	1211

1882	يامن يرسل الرياح بشرابين يدى رحمته
1276	يامن جعل الارض مهارة
673	يامن جعل الجبال اوتاداً
889	يامن جعل الشمس سراجا
821	يامن جعل القمر نورا
388	يامن جعل الاليل لباسا
792	يامن جعل النهار معاشا
784	يامن جعل انوم سباتا
381	يامن جعل السماء بناء
556	يامن جعل الاشياء ازواجاً
811	يامن جعل النار مرصادا
180	ياسميع
460	ياشفيح
360	يارفيح
170	يامنيح
340	يا سريح
86	يابديح
232	ياكبير
314	ياقدير
812	ياخبير

یامجیر	253
یا حیّ قبل کلّ حی	219
یا حیّ بعد کلّ حی	163
یا حیّ الذی لیس کمثله حی	1472

یا حیّ الذی لا یشارکه حی	1344
یا حیّ الذی لا یحتاج الی حی	1271
یا حیّ الذی یمیت کلّ حی	1287
یا حیّ الذی یرزق کلّ حی	1343
یا حیّالم یرث الحیوة من حی	1362
یا حیّ الذی یحیی الموتی	1304

یا حی یا قیوم لاتأخذه سنة و لا نوم	2554
یامن له ذکر لا ینسی	1206
یامن له نور لا یطغی	521
یامن له نعم لا تعد	790
یامن له ملک لا یزول	299
یامن له ثناء لا یحصى	825
یامن له جلال لا یکیف	340
یامن له کمال لا یدرک	481
یامن له قضاء لا یرد	1272
یامن له صفات لا تبدل	1163
یامن له نعوت لا تغیر	2292
لارب العالمین	434
یا مالک یوم الدین	242
باغایة الطالبین	1544
یاظهر اللاحین	1229
یا مدرک البهارین	563
یامن یحب الصابین	494
یامن یحب التوابین	610

855	يامن يحب التهرين
359	يامن يحب المحسنين
784	يامن هو اعلم بالمهتدين
790	يا شفيق
390	يارفيق
998	يا حفيظ
67	يامحيط
550	يامقيت
1550	يا مغيث
274	يا معز
770	يامذل
57	يا مبدئ
124	يا معيد
951	يامن هو احد بلا ضد
472	يامن هو فرد بلا ند
350	يامن هو صمد بلا عيب
850	يامن هو وتر بلا كيف
1133	يامن هو قاض بلا حيف
752	يامن هو رب بلا وزير
958	يامن هو عزيز بلا ذل
1584	يامن هو غني بلا فقر
524	يامن هو ملك بلا عزل

673	يامن هو موصوف بلا شبيه
2636	يامن ذكره شرف للذاكرين

1542	يامن شكره فوز للشاكرين
397	يامن حمده عزل للحامدين
1278	يامن طاعته نجاه للمطيعين
796	يامن بابه مفتوح للطالبين
1234	يامن سبيله واضح للمنيبين
2056	يامن آياته برهان للناظرين
2898	يامن كتابه تذكرة للمتقين
1017	يامن رزقه عموم للطائعين والعاصين
1394	يامن رحمته قريب من المحسنين
819	يامن تبارك اسمه
613	يامن تعالى جده
1377	يامن لا اله غيره
680	يامن جل ثنائه

یا من تقدست اسمائه	1162
یا منیدوم بقائه	259
یا من العظمه بهائه	1545
یا من الکبرياء ردائه	566
یا من لا تحصی آلائه	667
یا من لا تعد نعمائه	762
یا معین	170
یا امین	101
یا مبین	102
یا متین	500
یا مکن	120

514	یارشید
62	یا حمید
57	یا مجید
318	یا شدید
319	یا شهید
1390	یا ذا العرش المجید
977	یا ذا القول السدید
1457	یا ذا الفعل الرشید
1392	یا ذا البطش الشدید
939	یا ذا الوعد والوعید
271	یا من هو الولی الحمید
577	یا من هو فعال لما یرید
1699	یا من هو قریب غیر بعید
891	یا من هو علی کل شیء شهید
1266	یا من هو لیس بظلام للعبید
919	یا من لا شریک له و لا وزیر
1670	یا من لا شبیه له و لا نظیر
1870	یا خالق الشمس و القمر المنیر
1606	یا مغنی البائس الفقیر
1789	یا رازق الطفل الصغیر
1453	یا راحم الشیخ الکبیر
1568	یا جابر العظم الکسیر
2057	یا عصمه الخائف المستجیر
1299	یا من هو بعباده خبیر بصیر

891	یا من هو علی کل شیء قدیر
942	یا ذا الجود و النعم
1939	یا ذا الفضل و الکرم
1013	یا خالق اللوح و القلم
1331	یا باری الذروالنسم
1022	یا ذا البأس و انقم
568	یا ملهم العرب و العجم
1540	یا کاشف الضر و الالم
554	یا عالم السر و الهمم
730	یا رب البیت الحرام
1369	یا من خلق الاشیاء من العدم

یا فاعل	181
یا جاعل	104
یا قابل	133
یا کامل	91
یا فاصل	201
یا واصل	127
یا عادل	105
یا غالب	1033
یا طالب	42
یا واهب	14
یا من انعم بطوطه	303
یا من اکرم بجوده	371
یا من جاد بلطفه	224

یا من تعزز بقدرته	1281
یا من قدر بحکمته	869
یا من حکم بتدبیره	781
یا من دبر بعلمه	443

592	يامن تجاوز بحلمه
355	يامن دنى فى علوه
346	يامن علا فى دنوه
1183	يامن يخلق ما يشاء
633	يامن يفعل ما يشاء
521	يامن يهدى من يشاء
1332	يامن يضل من يشاء
1274	يامن يعذب من يشاء
1782	يامن يغفر لمن يشاء
579	يامن يعز من يشاء
1232	يامن يذل من يشاء
1120	يامن يصور فى الارحام من يشاء
2442	يامن يختص برحمته من يشاء
2449	يامن لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
889	يامن جعل لكل شىء قدرا
828	يامن لا يشرك فى حكمه احداً
1007	يامن جعل الملائكة احداً
508	يامن جعل فى السماء بروجا
1727	يامن جعل الارض قراراً
1486	يامن خلق من الماء بشراً

630	یا من جعل لکل شیء اَمداً
613	یا من احاط بکل شیء علما
639	یا من احصى کل شیء عددا
37	یا اول
801	یا اخر
1106	یا ظاهر
62	یا باطن
202	یا بر
108	یا حق
284	یا فرد
606	یا وتر
53	یا صمد
250	یا سرمد
1556	یا خیر معروف عرف
1109	یا افضل معبود عبد
1120	یا اجل مشکور شکر
1967	یا اعزم مذکور ذکر
261	یا اعلی محمود حمد

یا اقدم موجود طلب	245
یا ارفع موصوف و صف	749
یا اکبر مقصود قصد	657
یا اکرم مسئول سئل	489
یا اشرف محبوب علم	779
یا حبیب الباکین	136

یا اکبر مقصود قصد	657
یا اکرم مسئول سئل	489
یا اشرف محبوب علم	779
یا حبیب الباکین	136
یا سید المتوکلین	661
یا هادی المضلین	981
یا ولی المؤمنین	273
یا انیس الذاکرین	1133

یا مفرع الملهوفین	449
یا منجی الصادقین	389
یا اقدر القادرین	701
یا علم العالمین	373
یا اله الخلق اجمعین	971
یا من علا فقهر	576
یا من ملک فقدر	564
یا من بطن فخبیر	1033
یا من بطن فشکر	766
یا من عصی فغفر	1620
یا من لا تحویه الفکر	881
یا من لا یدرکه بصر	652
یا من لا یخفی علیه اثر	1637
یا رازق البشر	841
یا مقدر کل قدر	698
یا حافظ	989

یا باری	214
یا ذاری	912
یا باذخ	1303
یا فارج	284
یا فاتح	489
یا کاشف	401
یا ضامن	891
یا آمر	241
یا ناهی	66
یا من لا یعلم الغیب الا هو	1357
یا من لا یصرف السوء الا هو	624
یا من لا یخلق الخلق الا هو	904
یا من لا یغفر الذنب الا هو	2237
یا من لا یتیم النعمۃ الا هو	1205
یا من لا یقلب القلوب الا هو	475
یا من لا یدبر الامر الا هو	652
یا من لا ینزل الغیث الا هو	1802
یا من لا یبسط الرزق الا هو	583
یا من لا یحیی الموتی الا هو	689
یا معین الضعفاء	1153
یا صاحب الغرباء	1336
یا ناصر الاولیاء	331

یا قاهر الاعداء	414
یا رافع السماء	484

یا انیس الاصفیاء	335
یا حبیب الاتقیاء	556
یا کنز الفقراء	490
یا اله الاغنیاء	1130
یا اکرم الکرماء	554
یا کافیا من کل شیء	563
یا قائما علی کل شیء	614
یا من لا شبهه شیء	754
یا من لا یزید فی ملکه شیء	648
یا من لا یشفی علیه شیء	1247
یا من لا ینقض من خزائنه شیء	1436

یا من لیس کمثله شیء	1096
یا من لایغرب عن علمه شیء	786
یا من هو خبیر بکل شیء	1276
یا من مسعت رحمته کل شیء	1620
یا مکرم	300
یا مطعم	159
یا منعم	200
یا معطی	129
یا مفنی	1100
یا مقنی	200
یا مغنی	180
یا محیی	68
یا مرضی	1050

یا منجی	103
یا اول کل شیء و آخره	1210
یا اله کل شیء و ملیکه	508
یا رب کل شیء و صانع	785
یا باریء کل شیء و خالق	1317
یا قابض کل شیء و باسطه	1347
یا مبدء کل شیء و معیده	553
یا منشیء کل شیء و مقدره	1117
یا مکنون کل شیء و محوله	572
یا محیی کل شیء و ممیته	930
یا خالق کل شیء و وارثه	1810
یا خیر ذاکرو مذکور	2703
یا خیر شاکرو مشکور	1903
یا خیر حامد و محمود	967
یا خیر شاهد و مشهود	1481
یا خیر داع و مدعو	1011
یا خیر مجیب و مجاب	917
یا خیر مونس و انیس	1093
یا خیر صاحب و جلیس	1023
یا خیر مقصود و مطلوب	1143
یا خیر حبیب و محبوب	896
یا من هو لمن دعاه مجیب	356
یا من هو لمن اطاعه حبیب	329
یا من هو الی من احبه قریب	560

1953	یا من هو بمن استحفظه رقیب
672	یا من هو بمن رجاه کریم
447	یا من هو بمن عصاه حلیم
1864	یا من هو فی عظمتہ رحیم
1684	یا من هو فی حکمتہ عظیم
470	یا من هو فی احسانہ قدیم
554	یا من هو بمن اراده علیم
104	یا مسبب
1242	یا مرغب
172	یا مقلب
212	یا معقب
642	یا مرتب
648	یا مخوف
948	یا محذر
960	یا مذکر

یا مسخر	900
یا مغیر	1250
یا من علمه سابق	398
یا من وعده صادق	280
یا من لطفه ظاهر	1320
یا من امره غالب	1369
یا من کتابه محکم	626
یا من قضاؤه کائن	1075
یا من قرآنه مجید	503

یا من ملکه قدیم	339
یا من فضله عمیم	1165
یا من عرشه عظیم	1685
یا من لا یشغله سمع عن سمع	1926

776	يامن لا يمنعه فعل عن فعل
603	يامن لا يلهيه قول عن قول
1491	يامن لا يغلظه سؤال عن سؤال
891	يامن لا يحجبه شيء عن شيء
586	يامن لا يبرمه الحال الملحین
2102	يامن هو غاية مراد المريدين
1133	يامن هو منتهی همم العارفين
780	يامن هو منتهی طلب الطالبين
2558	يامن هو لا يخفى عليه ذره في العالمين
233	يا حليماً لا يجعل
688	يا جواداً لا يبخل
947	يا صادقاً لا يخلف
93	يا وهاباً لا يمل
1380	يا قاهراً لا يلغب
1238	يا عظيماً لا يوصف
244	يا عدلاً لا يحيف
1882	يا غنياً لا يفتقر
1564	يا كبيراً لا يصغر
2311	يا حافظاً لا يغفل

راهنمای جامع استخاره

تعريف استخاره

استخاره در لغت عبارت است از «بهترین خواستن» ، «طلب خير کردن» ، «نيکویی جستن» و «خير خواستن از خداوند متعال» (لغت نامه دهخدا)

اگر انسان در مورد کارهایی که در پیش رو دارد ، پس از تحقیق و مشورت با عقلا و کارشناسان ، نتوانست به نتیجه مطلوب برسد و تصمیم گیری نماید و هم چنان مردد باشد ، بهترین راه آن است که به وسیله قرآن کریم با خداوند

مشورت نماید چرا که پیامبر اسلام (ص) به امام علی بن ابیطالب (ع) فرمود که: «یا علی تیرش به خطا نمی رود هر کس که در کاری از خدا طلب خیر نماید و پشیمان نمی شود هر کس که در کاری مشورت کند.»

از طرفی استخاره کردن از امور مستحب شناخته شده و امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند عزیز و بزرگوار در حدیث قدسی می فرمایند، از شقاوت و بدبختی بنده من آن است که کارهایش را انجام می دهد ولی از من طلب خیر نمی کند».

مراحل استخاره

اول باید وضو گرفت و سپس یک مرتبه حمد و 3 مرتبه سوره مبارکه توحید را خواند و آن گاه 3 (و بهتر است 7 بار) صلوات بر محمد و آل محمد (ص) فرستاد (صلوات کامل یعنی تا وعجل فرجهم)، سپس یکی از دعاهای استخاره وارد شده در مفاتیح الجنان و یا صحیفه سجادیه را خواند و یا حتی به فارسی گفت: «ای خداوند دانای نهان و آشکار، ای خداوند آگاه از عاقبت هر کار، به حق محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آنچه که خیر است در این کار، مرا راهنمایی کن و به پیروزی بشارتم ده»

سپس با نیت خالص، قرآن کریم را گشوده آیه اول صفحه سمت راست را جواب خود دانست. اگر آیه رحمت و بشارت و بهشت است، آن کار خیلی خوب است و اگر آیه عذاب و دوزخ و وعده جهنم است، بد است و اگر نه آیه رحمت است و نه آیه عذاب، وسط است و می توان آن کار را انجام داد یا انجام نداد.

چند دعای مختصر استخاره

* 3 بار «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ»

* یا صاحب الزمان ادر کنی ولا تهلک کنی

* یا ذلیل المتحیرین

* اللهم انی تَقَالْتُ بکتابک و توکلْتُ علیک فَأَرِنی مِنْ کِتَابِکَ مَا هُوَ مکتوم مِنْ سِرِّکَ الْمَکْنُونِ فی غَیْبِکَ

نکته ها

* شیخ مفید می فرماید: سزاوار نیست استخاره در امری که حق تعالی از آن نهی کرده است و برای انجام فعل واجب نیز ضرورت ندارد بلکه استخاره در امور مباح است و یا در میان دو امر سنت (مستحب) که هر دو را با هم به عمل نتوانند آورد، مانند جهاد مستحب و حج مستحب یا مردد باشد میان زیارت دو امام معصوم یا صله دو برادر مومن

(مفاتیح الغیب ص 70 و 71)

* باید که به پاسخ استخاره وفادار ماند.

* اگر برای امری استخاره کردید، مجدداً با آن نیت نباید استخاره نکنید مگر این که زمان بگذرد و برخی شرایط تغییر نماید.

- * قبل از استخاره ، بهتر است که برای سلامتی امام عصر (عج) صدقه داده شود .
- * نباید در جزئی ترین مسائل زندگی به استخاره متوسل شد و باید که استخاره برای امور مهم و حساس ، انجام شود .
- * قرآن برای استخاره کردن است و مشورت با خداوند برای انتخاب راه درست ، لذا از «تفأل» زدن به قرآن برای کارها باید پرهیز نمود .
- * هنگام استخاره ، باید خاضعانه ، رو به قبله نشست و از خداوند طلب نمایان کردن راه درست را نمود .
- * پس از گشودن قرآن باید در معنا و مفهوم آیه اول صفحه ی راست آن دقت نمود و سعی کرد به بهترین نحو ، از ترجمه و تفسیر بهره برد تا دقیقاً مشخص شود جواب چیست .
- * برای استخاره کردن، خود فرد سزاوارتر است و بهتر است فرد برای خودش ، استخاره کند ولی لازم است راهنمایی ها و آموزش های لازم داده شود .
- * باید که از نتیجه استخاره راضی بود و هنگام استخاره ، گرایش قلبی خود را صاف نمود تا برای ما تفاوتی نکند که دستور چه باشد.

ساعات استخاره

توضیح: استخاره کردن دارای آداب ویژه ای است که از جمله آن می توان به ساعات نیک و بد آن اشاره نمود ، یعنی در ساعاتی که استخاره بد است بهتر است که صرف نظر نموده و صبر کرد و آن گاه در ساعت با فضیلت استخاره نمود . ضمناً ساعات با فضیلت استخاره در هر روز هفته نسبت به بقیه روزها متفاوت است . (خزائن الاسرار)

شنبه	نیک است تا چاشت. پس بد است تا زوال . پس نیک است تا عصر. پس بد است تا خفتن.
یکشنبه	نیک است تا ظهر. بد است تا عصر. پس نیک است تا مغرب
دوشنبه	نیک است تا طلوع آفتاب . پس بد است تا چاشت. پس نیکو است تا ظهر. پس بد است تا عصر. پس نیک است تا خفتن.
سه شنبه	بد است تا چاشت پس نیک است تا ظهر. پس بد است تا عصر. پس نیک است تا خفتن.
چهارشنبه	نیک است تا ظهر. بد است تا عصر. پس نیک است تا هنگام عشاء
پنجشنبه	نیک است تا طلوع آفتاب. پس بد است تا ظهر. پس نیک است تا وقت عشاء
جمعه	نیک است تا طلوع آفتاب. بد است تا زوال. پس نیک است تا عصر. بد است تا مغرب. پس نیک است تا وقت خواب.

جدول دقیق صفحات فرد برای استخاره

در این بخش جدول دقیق و کامل آیات اول صفحات فرد (سمت راست) قرآن مصحف « عثمان طه » که غالبا در دسترس بوده واکثر مردم در دهه های اخیر از این نوع مصحف استفاده می نمایند ،
می آیدبه این امید که این خدمت ناچیز بتواند راهنمایی مختصری برای شما عزیزان در رابطه با استخاره تلقی شود . (ان شاء الله)

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
1	بسیار خوب	آینده درخشانی در انتظار است.	29	خوب	
3	بسیار بد	سرانجام توأم با عذاب	31	خوب	موانع را اول برطرف کن
5	بسیار خوب	دنبال کار را بگیر که منافع دنیوی و اخروی دارد	33	بسیار بد	نعمتی را از دست خواهی داد
7	خوب	مسائل شرعی و احکام مراعات گردد. البته خطر وجود دارد	35	وسط	
9	وسط	مراقب باشی تا اختلاف ایجاد نشود	37	وسط	مشکلات زیادی دارد
11	بد	نیاز به دقت و تحقیق زیاد دارد	39	بسیار خوب	
713	بد	نفرت و تهمت در پی خواهد داشت	41	بد	تعهدی بسته می شود که به آن عمل نمی شود
15	بد	با افرادی پرا دعوایی فکر بر خور می کنید	43	بسیار خوب	
17	بد	منصرف شو، خداوند راه بهتری بر می گزیند	45	بسیار خوب	مال فراوانی حاصل می شود.
19	بد		47	بسیار بد	
21	بد	مورد مواخذه دیگران قرار می گیری	49	خوب	دقت شود اسناد و مدارک را کامل کنید
23	بسیار بد	برخی مطالب هنوز بر شما مخفی است.	51	بسیار بد	
25	خوب	اگر همه جوانب را مواظب باشید و غفلت نکنید خوب است	53	بد	حرف شما را به مسخره می گیرند
27	بد		55	بسیار خوب	

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
57	بسیار خوب		89	بسیار بد	
59	بسیار بد	به شمداروغ وافترا می بندند	91	وسط	صرفا اگر بر خدا توکل کنی و کمک مردم را نخواهی، می توانی اقدام کنی
61	بسیار خوب		93	بسیار بد	
63	بد		95	خوب	اگر از دستورات خدا و ناطاعت شود خوب است و گرنه بد است.
65	بسیار بد	سرانجام آن نابودی و هلاکت است	97	بد	
67	بسیار خوب		99	خوب	خیر دنیا و آخرت در آن است
69	بسیار بد		101	وسط	بهتر است اقدام نکنی (میانه بد است)
71	وسط	بیشتر مشورت کنید	103	بسیار بد	
73	بسیار خوب		105	بسیار بد	توان انجام این کار را ندارید
75	بد		107	بسیار بد	انجام ندهید مگر اینکه واقعا مجبور شوید
77	وسط	ترک آن بهتر است	109	بسیار بد	
79	خوب		111	بسیار بد	

81	بد		113	بسیار بد	باعث خفت و خواری است.
83	وسط	به حرام می افتید مواظب باشید	115	بسیار بد	
85	بسیار بد	کاسه ای زیر نیم کاسه است	117	بسیار بد	
87	بسیار بد	با افرادی بی ایمان برخورد می کنید	119	بسیار خوب	اشتباهات گذشته شما هم جبران می شود

صفحه	خوب / بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب / بد	توضیحات ضروری
121	بد		153	بد	
123	بد	کاری شیطانی و کثیف است.	155	بسیار بد	ضرر مادی و معنوی دارد
125	بد		157	خوب	
127	بسیار خوب		159	خوب	
129	وسط	خیلی خوب نیست و نتیجه ای ندارد.	161	بد	دچار تهمت و مشکل می شوید
131	بد		163	وسط	اگر بار عایت تقوا باشد خوب است.
133	وسط	بارفع موانع حرکت کنید. اگر موانع باقی است انجام ندهید.	165	بسیار خوب	
135	بد	امکان نابودی وجود دارد	167	بد	با مردم جاهل طرف می شوید
137	بد	امکان سرگردانی وجود دارد.	169	بسیار بد	
139	بد		171	بسیار خوب	کار را بصورت تدریجی انجام دهید
141	بسیار خوب	بر خدا توکل کن	173	خوب	
143	خوب		175	وسط	فرق ندارد انجام بدهی یا ترکش کنی
145	خوب		177	بسیار خوب	

147	وسط	اگر بشود پرمفعت است ولی ظاهرا به مقصود نمی رسی	179	خوب	
149	وسط	اگر همراه با مراعات قوانین الهی باشد خوب است.	181	بسیار بد	عاقبت خوشی ندارد
151	بسیار خوب		183	وسط	صبر و تحمل می خواهد

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
185	خوب	ولی سخت است مواظب باشید فریب نخورید	217	بد	
187	بسیار بد		219	خوب	با افراد عاقل مشورت کن
189	بسیار بد	اگر بخواهید انجام دهید آزادید ولی باید توان و تحمل سختی ها را داشته باشید	221	وسط	اقدام کردن بهتر از ترک کردن است
191	بسیار خوب		223	بد	
193	بد		225	بد	سودی ندارد.
195	وسط	اگر اقدام کنید سخت است اگر توان تحمل مشکلات را ندارید منصرف شوید.	227	بسیار بد	
197	بد		229	بسیار بد	دچار خسارت می شوید
199	بد	منافع ندارد	231	بد	
201	بد		233	بسیار بد	نمی توانید کاری از پیش ببرید
203	بسیار خوب	زود اقدام کنید	235	بسیار بد	

205	بسیار خوب		237	بد	در چاه می افتی
207	خوب	ولی بسیار سخت است.	241	بد	فقط افرادی خاص می توانند پیروزشوند
209	بد		243	خوب	
211	بد	اگرچه ممکن است موقتاً نجات یابید ولی به خواسته خود نمی رسید	245	وسط	لطفی ندارد. ترک کنید.
213	بد		247	وسط	
215	بد	عاقبت آن پشیمانی است		بسیار خوب	

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
249	خوب	اقدام کنید هر چند بیشتر افراد با شما مخالف باشند	281	خوب	به شرطی که اشتباهات گذشته را اصلاح کنید.
251	بد		283	وسط	امید موفقیت در صورت توکل و پرهیزکاری وجود دارد.
253	بسیار خوب	پشتکار و توکل و تحمل لازم است.	285	وسط	گفتار خوب را فراموش نکن، سعی کن انجام دهی.
255	وسط	با مخالفت روبرو می شوید	287	بد	مجادله و دعوا وجود دارد.
257	وسط		289	بسیار بد	سرمایه ات از دست می رود
259	بسیار خوب		291	خوب	
261	بسیار بد		293	بسیار خوب	
263	خوب	ترس و هراس نداشته باشید	295	خوب	از مردم کافرو فاسدکناره گیری کن تا نتیجه گیری
265	بسیار خوب	حتی تدریجی هم اقدام نکنید	297	بد	
267	بسیار بد		299	خوب	

269	بسیار خوب		301	خوب	رنج وسختی ومشكلات فراوانی همراه دارد.
271	خوب	از دیگران تقلید نکنید آنان نیز به هدف نمیرسند	303	بسیار خوب	
273	بسیار بد	با این کار، حق را رها خواهی کرد.	305	خوب	
275	بسیار بد		307	بسیار خوب	منافع دنیوی واخروی دارد
277	بسیار بد		309	بسیار خوب	
279	بد		311	بسیار بد	سرانجام بدی دارد

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
313	بسیار خوب		345	وسط	اول مطمئن شوید وقتش فرارسید بعد اقدام کنید.
315	خوب	اگر ترک کنید هم خوب است.	347	بسیار بد	
317	خوب	هراس نداشته باشید.	349	بسیار بد	
319	وسط		351	وسط	البته بهتر است اقدام نکنید.
321	بسیار بد		353	وسط	
323	بسیار بد		355	بسیار خوب	
325	بد	مورد تمسخر و ریشخند قرار می گیرید.	357	خوب	
327	وسط	بهتر است انجام ندهید.	359	خوب	اول با افراد خبره وآگاه مشورت کن
329	بسیار خوب		361	بسیار بد	
331	بسیار خوب	از نعمتهای الهی بهره مند میشوی	363	خوب	
333	نسبتا خوب		365	بسیار خوب	
335	خوب		367	وسط	البته زحمت شما مؤثر نخواهد شد
	خوب	سختی دارد ولی موفق می شوی البته می توانی منصرف شوی	369	بد	به خواسته نمی رسی
339	وسط		371	بسیار خوب	نتیجه بخش است

341	بد		373	بسیار بد	بامخالفت روبرومی شوید
343	خوب	اگر اقدام نکنید هم خوب است چون آنچه می خواهی کاملاً حاصل نمی شود	373	بسیار بد	

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
377	بسیار خوب		409	بد	
379	وسط	اگر چه مشکلاتی دارد ولی عاقبت خوب است	411	بسیار خوب	
381	بسیار بد		413	بسیار خوب	دقت شود که به گمراهی کشیده نشوی
383	خوب	فقط بر خدانوکل کن	415	خوب	البته با مخالفت مواجه می شوید
385	خوب		417	بسیار بد	
387	خوب		419	بد	البته اگر همه مقدمات فراهم شد، اقدام شود اشکالی ندارد
389	بسیار خوب	هر چند سختی های زیادی دارد ولی به نتیجه می رسی	421	بسیار خوب	

391	وسط	423	بد	کاردست دیگری است، اقدام نکن، موجب سرگردانی است
393	بسیار بد	425	وسط	
395	بد	427	وسط	مال زیاد حاصل می شود ولی موجب نابودی است
397	بسیار خوب	429	بسیار بد	
399	وسط	431	خوب	از کمک دیگری استفاده کن و مقدمات را اول فراهم نما
401	بسیار بد	433	بد	
403	بسیار بد	435	بد	
405	خوب	437	بد	فعلا انجام نده، شریک و طرف خود را عوض کن
407	وسط	439	بد	

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
441	بد	هر قدر زحمت بکشی نتیجه ندارد	473	بسیار بد	
443	خوب		475	وسط	با تدبیر در کار و عقل و دقت خوب است
445	بسیار خوب		477	خوب	
447		کسی شمارا یاری نمی کند	479	بد	عاقبت خوشی ندارد
449	بد		481	بسیار خوب	
451	خوب		483	بسیار خوب	

453	بد		485	بد	کاررضایت توبیهوده است
455	بد		487	خوب	صبر و تحمل لازم است
457	بد	موجب هلاکت و نابودی است	489	خوب	
459	بسیار بد	به تدریج عمل کنید	491	بد	
461	خوب		493	بسیار بد	پی در پی دچار گرفتاری می شوید
463	وسط	اگر خوب عمل کنی نتیجه می گیری و اگر بد عمل کنی نتیجه نمی گیری	495	بسیار بد	پی در پی دچار گرفتاری می شوید
465	وسط	بهتر است انجام ندهی	497	بد	
467	بسیار خوب		499	بسیار خوب	برکت و روزی دارد
469	وسط	اگر به طرف خود ظلم نکنی خوب است زود باید حسابرسی کنی	501	بد	خیال است
471	بسیار بد		503	بد	پشیمانی و حسرت و گرفتاری دارد

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
505	بسیار بد		533	بسیار بد	

507	وسط	اولش خوب نیست ولی با سعی و تلاش نتیجه می گیری	535	بسیار خوب	سودونفع دارد
509	بسیار بد		537	خوب	البته اگر توان کافی نداری اقدام نکنید
511	بسیار خوب		539	بسیار خوب	
513	بد	اگر با فرمانبرداری باشد و کاملاً مسائل شرعی لحاظ شود اشکال ندارد	541	وسط	باید تحمل و مقاومت کنی
515	بسیار خوب		543	وسط	باید که دستورات خداوند را لحاظ کنی
517	بد		545	خوب	
519	بد	وسوه شیطان در این کار وجود دارد	547	بسیار خوب	
521	بد		549	بسیار بد	آینده ای تاریک و خسارت بار دارد
523	بسیار بد		551	خوب	البته دقت شود که اول مقدمات فراهم گردد.
525	بد	صدمه و ملامت و بدگویی وجود دارد.	553	بسیار خوب	
527	بد		555	بسیار بد	سرانجام بدی دارد
529	بد		557	بسیار بد	
531	وسط	اگر تقوا و توکل باشد خوب است ولی رنج و سختی دارد	559	خوب	اول سختی دارد ولی البته با تحمل و توکل، آسانی دارد

صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری	صفحه	خوب بد	توضیحات ضروری
561	بسیار خوب	از اشتباهات گذشته درس بگیرید	591	بد	رسوایی و ناراحتی به همراه دارد
563	خوب		593	خوب	نابودی و هلاکت به همراه دارد
565	بسیار بد	اگر انجام دهید رزق و روزی شما کم می شود	595	خوب	متوجه باش که دچار گناه نشوی ک در این صورت ضرر می کنی
567	بسیار بد		597	وسط	بستگی به کار خوب و اعمال شایسته ات دارد
569	بسیار بد	پشیمان می شوی	599	وسط	
571	بسیار خوب		601	بسیار بد	عذاب دارد و نتیجه مطلوب حاصل نمی شوی
573	وسط	باید که فعالیت و تلاش کنی که موفق شوی	603	بسیار بد	بهره ای از این مال و مقام نداری
575	بسیار خوب				
577	بسیار بد	بهره ای نمی بری			
579	بسیار خوب				
581	بد	زحمتهای زیادی دارد و آزار می بینید			
583	بسیار خوب				
585	وسط				
587	وسط	فریب می خوری، مواظب باش که خوب یابد بودن به عملکرد شما بستگی دارد			
589	خوب				

قیافه شناسی

فلاسفه ارجمند و حکماء دانشمند ، جوارح انسان را برای دریافت کردن اخلاق حسنه و صفات سیئه مقرر کردند و تجربه نمودند که هر عضو از اعضاء بدن و ظاهر انسانی دلیل است بر صفات بطون و معانی سعادت و صداقت . نقل است مردی در روشنایی چراغ مطالعه می کرد و در کتاب خواند سر کوچک و ریش دراز نشانه حماقت است چون ریش خود را دید خیلی زیاد است و از اندازه بیرون است فوراً چراغ را پیش کشید و یک قبضه از ریش بماند و به این خیال این کار را کرد چون شعله گرفت تمام ریشش سوخت لهذا مرتکب شدن به این امر دلیل حماقت بود.

سر

سر بزرگ دلیل بر عقل و سخاوت است و خردی و کوچکی و ناهمواری سر نشان حماقت و جهالت است .

پیشانی

ناصیه ی پنهان نشانه بد نفسی و تکبر و گزاف است . و (ناصیه ی متوسط نشانه صدق و محبت و مدیر است و ناصیه ی تنگ دلیل نادانی و جبن و عسرت و افلاس است و شکن پهن و شفتین و ناصیه ی بلند دلیل غصه و غمناکی است و بعضی گفته اند خطوط شکن دلیل است بر زیادی عمر یعنی یک خط جبین نشانی ده سال و دو خط نشانه بیست سال است و هکذا قیاس کن) .

مژه

مژه بسیار بزرگ و دراز و کشیده و پر مو نشانه زشتی و تند خویی و غرور و جهالت است مژه کنجان دلیل الفت و مهربانی و مردان را الفت بسیار به سوی زنان و زنان را به سوی مردان است . مژه متوسط و سیاه نشانه فهم و دیانت و سخاوت و لطافت مزاج و ابروی بلند نشانی ابلهی و غرور است.

چشم

چشم سیاه و بزرگ دلیل بر سستی و کاهلی است و چشم خرد و کوچک دلیل سبک سری و هم کم فهمی و چشم متوسط نشانه وفا و حیاء و مایل به جانب اندرون نشانه تکبر و بدی و خیانت و بلند شده از روی نشانی و بی حیایی و رنج است زود زود چشم زدن دلیل مکر و حيله و دزدیست و سرخی زیاد بی درد کثرت عمر و شجاعت است و چشم ارزق بدترین چشم هاست دلیل بخل و بی حیایی و بی همتی است، موی چشم ارزق موی میگون رنگ زرد این چنین کس با کسی نیکو نکرد، و چشم سبز و خرد و لرزان دلیل بر مکر و حيله و بسیار دارد و گول نشان نحوست و مائل به درازی نشان نیک بختی است و مبارکی است و دراز اخلاق جميله است .

گوش

گوش بزرگ نشانه خوبی و قوت حافظه و طول عمر و تند خویی در بعضی اوقات است و گوش خرد نشان جهالت و نادانی است و متوسط نشان دانایی و نیک بختی است . گوش پر گوشت هم دلیل دولت است .

بینی

بینی باریک سبک عقل است و پهن و فراخی سوراخ دلیل غلبه شهوت و غضبناکی است. به طرف چپ خمیده نشان نفاق و شرارت است و بزرگ و دراز و نوک خمیده مانند نوک طوطی دلیل دولت و گشادگی رزق است و متوسط در بلندی و پستی و فراخی و تنگی دلیل صحت حواس باطن کمی پست نشانی افلاس است.

لب ها

درازی لب نشان حماقت و غلظت طبیعت و کینه ورزیست و لب باریک نشانی فهم لطافت مزاح و سرخی لب نشان نیک بختی و خوش اصلی است . سبزی و سیاهی لب ها بر بد نفسی و بد اصلی است و سفیدی لب ها دلیل مرض است .

دهان

گشاده دهان دلیل بر شجاعت و دهان تنگ دلیل هراس است . فراخی دهان برای زنان نشانی کثرت خواهش مباشرت است .

دندان ها

دندان بزرگ و کنجان دلیل شرارت و خردمترق دلیل صحت بدن است و دندان کج و ناهموار دلیل مکر و حيله و خیانت و مترق ناهموار و متوسط در بزرگی و کوچکی نشان بختی و امانت و عدالت است و تعداد دندان 30 تا 32 نشانی دولت و فراخی روزی و کمتر از 30 دلیل بر افلاس است .

کام و زبان

کام و زبان سرخ دلیل بر نیک بختی و سیاه و زرد نشانی نحوست و زشتی و بدخویی است.

گردن

گردن کوتاه نشانی مکر و خیانت و گردن دراز و بلند دلیل جبن و حماقت است و خطوطی که میان گردن باشد دلیل درازی عمر و هنرمندی است سه خط، نشانی دولت است.

چهره

چهره فرد به دلیل کاهلی و جهل و نسیان و سخت مزاجی و خشک و کم گوشت نشانی خبائت باطن است و متوسط دلیل نیک خویی و زردی رنگ چهره نشانی بدی مرض باطن است .

ریش

ریش کوسه دلیل بزرگی بر زیرکی و دانایی است و گول نشانی وقار و تمکینی و دراز نشانی حماقت و پرموئی دلیل عبادت است

کتف

لاغری کتفین دلیل بد سیرتی و پرموئی نشانه بی دولتی است و صاف و متوسط دلیل عقل و دولتمندی و سعادت و لطف فراخی.

بغل و بازو

بازوی دراز بغل پر گوشت نشانی نیک بختی و فراخی رزق و بازوی خرد و بغل خشک نشانی بی دولتی است.

سینه

سینه گشاده و پرگوشت نشانی نیک بختی و سینه تنگ و صاف علامت نحوست و بدبختی است .

پشت

پشت پهن دلیل بر قوت و غضب و تکبر و پشت کج نشانه بداخلاقی و پشت دراز نحوست. پشت متوسط دلیل سعادت.

رنگ

رنگ سرخ آتشین دلیل زود رنجی است و درکار کردن است. رنگ سبز دلیل بدی باطن . رنگ سرخ و سفید دلیل اخلاق مبارک . رنگ سرخ مایل به سیاهی دلیل بر بداخلاقی است. گندم گون دلیل بر اخلاق حسنه و عقل و دانایی و ادراک و نیک بختی است .

نرمی بدن

نرمی بدن نشان قوت فهم و لطافت طبیعت و سختی بدن دلیل بر قوت بدن و قوت طبیعت و وسعت فهم و پوست نرم باریک نشانی مبارکی و نیکی است.

نرمی موی

موی سخت دلیل شجاعت و استقلال و موی بسیار نرم دلیل ترسیدن است و کثرت موی بر سینه دلیل اجتماعی بودن است و کمی موی دلیلی لطافت و دانایی است و موی بی رنگ دلیل بر حماقت و موی میگون دلیل شجاعت و متوسط به سیاهی و سختی و نرمی موی دلیل عقل و اعتدال .

آواز

آواز بلند و بزرگ دلیل بر جهالت و نرم و باریک ، دلیل اخلاق نیک و آواز غشه دلیل بر تکبر و غرور است و آواز ناخوش دلیل حماقت و بد اصل و سخن آهسته سخن تیز گفتن دلیل بر بد خلقی است و سخن در حالت دست زدن گفتند دلیل دانایی است .

خنده

خنده به قهقهه ، دلیل بر سفاقت و بیحیایی است و تبسم ، دلیل حیا و وقار و تمکین و خوش اخلاقی است .

قد

قد طویل دلیل بر سادگی و قد قصیر (کوتاه) دلیل برفتنه انگیزی است و قد دوتا دلیل بر کینه و عداوت . قدمیانه ، دلیل حکمت و دانایی است و حکما گفته اند که قد احسن آن است که به حساب انگشتان یکصد و بیست باشد و از این مقدار برقدری کم و بیش باشد نهایت بداست.

رفتار

کسی در رفتن او کجی باشد دلیل است براین که بد گوینده بزرگان باشد و آنکه در راه رفتن سرین را حرکت دهد دلیل بیماری آتیه است و تیزوتند رفتن دلیل قهر و غضب و جهالت است و به آهستگی راه رفتن دلیل غمناکی است و رفتار متوسط تیز و نرمی دلیل ظاهری و باطنی است و به وقت رفتن هردو پا را بر زمین با زور زدن نشانی بدبختی است.

کف دست

کف دست پرگوشت دولت و خوبی و پاکیزگی طبیعت و زردی کف دست دلیل فسق و فجور است و سفید و سیاه، دلیل بر بدبختی است و خطوط اکثر و اندک بر هر دو کف دست زبوند و به درجه اوسط دلیل سعادت مندی است.

انگشتان

انگشتان دراز دلیل طول عمر است و باریک و نرم و دلیل نیک بختی است و فربه سخت و کج دلیل بدبختی است و در وقت پیوست کردن انگشتان سوراخ ظاهر گردد بی دولتی است چون سوراخ ظاهر نگردد دلیل دولت است

ناخن

ناخن های سرخ رنگ دلیل علم و عقل و دانایی و فراخ دستی، زرد و سیاه دلیل پریشانی و افلاس و بدبختی است.

کعب

کعبین پرگوشت دلیل آسودگی است. اگر برکه بین مو باشد دلیل قلت اولاد است و یک کعب خرد و یکی بزرگ، دلیل اکثر مسجون گشتن است و یکی خرد و دیگری گول نشانی دولت است و یکی بلند و یکی کج، دلیل غمناکی و افلاس است.

پاشنه ها

پاشنه ها خرد و ملایم، دلیل توانگری و بزرگ و کج، دلیل سختی و پاشنه پرگوشت و در وقت حرکت پنهان داشتن دلیل بردزدی اوست.

پشت پا

پشت پای بلند و کم مو نشانه نیکی و سعادت و مبارکی است.

کف پا

کف پای زرد و سیاه دلیل بر قلت اولاد و فسق و فجور است و کف پای خالی از خط دلیل بر محرومی از سواری اوست و کف پای سرخ دلیل عقل و دولت است و نشان بیرق و ناقوس در کف پا دلیل دولت و دبدبه است.

ناخن ها

اگر ناخن های پازرد وسیاه باشد دلیل بیماری است و سرخ و صاف دلیل هنر ودانائی .

اقتباس از : خزائن الاسرار حاج میرزا ایوب صادقی نژاد

جهش اعضا و پیش بینی حوادث براین اساس

(از قول امام صادق (ع) ودانیال پیامبر (ع)، نقل از: جنات الخلود)

* جهش در سر

مراد ، جستن تمام سر است دلالت کند بر پیدا شدن شادی و طرب و رفع غم و یا تازه شدن دوستی با کسی است که نگران باشد و به قول اسکندر دال است بر عزت و بزرگی و به قول حکما، حکومت است .

* در بالای سر

دلیل است بر توسعه رزق وآسانی معیشت و یا شرف و بلندی است و یا غنیمت یافتن از سفر به قول حکما فرس و به قول حکمای روم گویند به طلب امری بزرگ خواهد رفت.

* در جمجمه

مراد کله سر است که مشتمل بر هفت استخوان است ، سوای فک اسفل و اسنان و جستن آن دلالت کند براین که اندک فکری خواهد دید و یا آزاری از دیگری به او خواهد رسید ونجات خواهد یافت و به قولی سعادت و شرفی عظیم به مشقت به دست او آید .

* پیشانی

پیشانی است جستن آن موجب شهرت کردن به نیکی و یا رسیدن به شرف بزرگی وعزت بین الناس و یا بلند شدن رتبه است نزد سلطان و یا شادی به وی روی دهد و بعضی گویند حکومت یابد .

* در طرف راست سر

روزی وسیع نزد سلطانی روی به وی کند و یا نجات یابد از ترسی که در دل او باشد و یا به سفری رود وسود بسیار از آن یابد و یا از غم نجات یابد و از سفر غنیمت یابد .

* در طرف چپ سر

ترقی عظیم در هر مراتب خواهد یافت و یا روزی وی فراخ گردد و یا برکت یابد از هر چه بیند و به قول بعضی حکما تنگی سینه به هم رساند و بعضی گویند نفعی به هم رساند در مال بسیار و....

* شقیقه راست

شقیقه راست است دال بر آنکه بعضی از اقربای او بمیرند و یا غم او زیاد شود و اسکندر گوید دلگیری به هم رساند و به قولی مصیبتی به وی روی کند و یا مکروهی به وی رسد.

* در بازوی چپ

نشان صحت بدن است و یا به هم رسیدن شادی و خرمی تازه و نزد اسکندر مردن یکی از خویشان است که از آن خوشحال گردد و یا مالی از وی به او رسد و نزد برخی از ظفر بردشمن است و یا شادی از چیزی تازه که به وی رسد.

* در گوش راست

نشانه فکر فاسد است و یا خبری شنود که از آن دلگیر شود و اسکندر گوید که تنگی به وی روی کند و زود برطرف شود و یا نعمتی یابد بعد از تنگدستی و نزد حاکمان روم نشان خرمی است بعد از ترس.

* در گوش چپ

از شنیدن خبری یا واقع شدن آن شاد گردد و یا غایب او رسد و یا توسعه معیشت یابد بعد از تنگدستی و حاکمان روم گویند خرمی یابد بعد از غم و ایمنی یابد بعد از خوف.

* میان ابروها

جستن میان دو ابرو نشان سرزدن عمل زشت است یا شنیدن حرفی که از آن به خشم آید و بعضی گویند مکروهی یابد و حاکمان روم گویند به او خبری رسد که از آن ترسناک باشد.

* در ابروی راست

دلیل بر شادی و چشم روشنی است و یا خرمی و صرفه است و به قول اسکندر: خیر و نیک است و به قول حکما بهره عظیم از مال و نیک نامی و خیر بسیار است.

* در ابروی چپ

دلیل است بر چشم روشنی و خرمی و صرفه یافتن و نزد اسکندر شادی احوال است و حکمای روم بشارت دادند و حکمای عجم گویند چیزی بسیار به وی رسد.

* پلک بالای چشم

جستن پلک بالای چشم از راست علامت خوشحالی بعد از تنگدستی و از چپ نشان رسیدن غایب است و از راست غم و از چپ رسیدن خبری است که در آرزوی آن باشد و یا از راست بیماری و از چپ خوشحالی است.

*** در پلک زیرین**

جستن پلک زیرین راست رسیدن مکروه است و از چپ نشان سفر دور ویا از راست علامت گریه واز چپ غم واندوه و به قولی دور شدن است واز چیزی که دوست دارد واز چپ خبر هولناک ویا از راست ضعف در وجود واز چپ کم کردن چیز محبوب .

*** در گوشه چشم**

مراد گوشه چشم است از طرف بینی که جستن آن از راست نیکویی کردن است یا به اصلاح آمدن حال یا برطرف شدن یا ظفر بر دشمن واز چپ آمدن کسی است که از آن شاد گردد . یا تازه شدن خوشحالی یا رو دادن سعادت سلطان یا صرفه یافتن است.

*** انتهای دو چشم**

از راست علامت رسیدن غایب است یا مذکور شدن به نیک نامی یا صحت از مرض یا بیرون آمدن از درویشی یا سعادت واز چپ خوشحالی وشفای مرض یا دفع مکروه یا سعادت مند شدن یا گشایش است.

*** در کل چشم**

مراد تمامی چشم است. پس اگر دیده راست جهد ؛ بعد از زحمت یا صحت بعد از مرض یا برطرف شدن شر و دیدن خیر ویا بلند شدن مرتبه است واز چپ شکوهمند شدن و برطرف گردیدن بیم وزوال یا بشارت و سلامتی صرفه .

*** در طرف راست بینی**

جستن طرف راست بینی دلالت کند بر دیدن خبری که از آن شاد گردد ویا دلگیر شدن به نحوی که مشغول آن گردد ویا واقع شدن چیزی در او که فعل او نباشد ویا فرقت یافتن زیر حرف دشمنان

*** طرف چپ بینی**

دال است بر دیدن چیزی مگر که طبع از آن نفرت کند یا رسیدن چیزی که دوست داشته باشد ویا یافتن سعادت تازه ویا ظفر بر دشمنان ویا صرفه یافتن از حصول چیزی که در آرزوی آن باشد .

*** در بینی**

جستن تمامی بینی دال است بر آنکه مال بسیار یابد و فایده عظیم به وی رسد به تعب بسیار و به قول اسکندر نزد بعضی ملوک تقدم و پیشی یابد و نزد بعضی حکما نشان سعی است در تحصیل معاش.

*** در دو طرف صورت**

مراد گونه است وجستن آن از راست ، گفته شدن چیزی است در حق او نالایق ویا دفع سخنان است که گفته باشند ویا دشمنی ویا بیماری ویا مردن شخصی است که متألم شود واز چپ شادمانی ویا وقوع شرکتی یا فایده رسیدن یا خوشحالی .

*** دو طرف رو**

دو طرف روست که خط اول از آنجا می روید که آن را عارض گویند وجستن آن از راست طلب دنیا ووفای دین ورسیدن غایت وعارض شدن مرضی سبک وزود شفا یافتن واز چپ مال وتندرستی وشفا از مرض نجات از غم وآزار است.

*** لب بالا**

جستن لب بالا ، دال بر تعب وآزار ویا شرّ ونفرت است ویا چیزها در حق او گفته شود وجستن لب پایین دلیل است بر دشمنی ویا بیم وخوف ویا عارض شدن یا حاصل شدن گفت وشنید وتشویق واضطراب بر دشمن فایق آید .

*** در زاویه شفه**

از راست نشان خوشحالی است از تولد مولودی ویا روی دادن عمل تازه ویا مردن بعضی از خویشان ویا اداء دین وراحت خاطر واز چپ برطرف شدن خوف وایم ویا شاد شدن از رسیدن چیزی به او که چشمش بدان روشن گردد.

*** در زبان**

هر جایی که زبان به جهدی باعث تعب ودشواری است ویا وقوع امر خطرناک ودیدن چیزی است که از آن غمگین شود وعاقبت به فرج انجامد ویا غایبی او رابرسد .

*** در دهان**

مراد مجموع دهان است دلالت کند بر معانقه کردن یا غایبی که مطلوب او باشد ویا دیدن چیزی که موجب خوشحالی باشد ونزد حکما دلیل است برسفر نزدیک ویا رسیدن به جاه ومنزلت عالی .

*** در چانه**

در فارسی آن را نخ و زنخدانی گویند علامت بر طرف شدن علت وحاصل شدن عافیت است بعد از مرگ و به گفته اسکندر ، علامت شادمانی است ونزد حکما تعب کشیدن است به فایده ویا مرض اندکی است.

*** در سمت راست گردن**

جستن طرف راست گردن پناه بر خدا از شرّ آنکه بسیار بد است امام علیه السلام می فرماید که از خدا طلب مرحمت کنید از برای آن ودیگران گفته اند توکل بر خدا از بدی های آن که دلیل بر پستی وآزار است.

*** در سمت چپ گردن**

وجستن چپ گردن نیکی بسیار دارد و ضد طرف راست چه دلیل بر خوشحالی از رسیدن خبر خوش است ویا توسعه رزق و شادی تازه یا بشارت که خُرمی دردل بیفزاید .

*** در شانه راست**

از راست علامت خوف و خطر و حزن و آزار و تنگی معیشت و بستگی کارها و واجب است محافظت از شر آن که موجب شر است و دانیال نبی علیه السلام پناه برده به خدا از وقوع آن.

*** در شانه چپ**

دلیل است بر واقع شدن کارها که آخرش پشیمانی داشته باشد ، یا رسیدن به حکومت و سروری است که به سبب آن مرتکب گناهان عظیمه شوند ویا پیدا کردن مالی که خیر نداشته باشد و نزد بعضی ملامت و سرزنش است .

*** در کتف راست**

پس دوش است یعنی شانه اختلاج آن دلیل بر تازه شدن ذکر خیر است و یا پوشیدن جامه نو و اسکندرگوید : زیادی در متاع او به هم رسید و بعضی گفته اند که با زنی به زور اختلاط کند .

*** در کتف چپ**

دلیل است بر خُرمی و فرح ویا صرفه بردن از چیزی که امیدوار برآن است و بعضی گویند علامت تازه شدن خوشحالی است به وصول مطلب عظیم .

*** در بازوی راست**

مراد مجموع با دو دست از سر دوش تا مرفق، جستن هر جزوی از آن دلیل بر بیماری و شفا و به قولی رسیدن درد اندکی و عارض شدن علتی و برطرف شدن آن و رسیدن درد اندک که دوا نداشته باشد.

*** در بازوی چپ**

علامت خوشحالی و جمعیت است یا اختلاط است نافع و یا خُرمی و صرفه است ویا دیدن نفعی است از کسی که صاحب اوست و نزد حکمای روم ، وقوع شرکتی است بر کسی.

*** در مرفق راست**

مراد ، ملتفای عظم است از عضد و ساعد اختلاج آن دلیل است بر بیماری و شفا از مرض اندک ویا نجات از مکروه و نزد بعضی سرزنش دشمنان است به نقل و سخنان قبیح و آخر بر دشمنان غالب گردد و دشمن خجل گردد.

*** در مرفق چپ**

دلیل است بر تعجیل خیر و یا رسیدن خرمی و چشم روشنی و یا خوشحالی به سبب حصول مقصود از مردم نسبت و به او و به قول حکمای روم رتبه اش بلند شود و بزرگ خلایق گردد.

*** در ذراع راست**

ساعد است از بند دست تا مرفق، جستن هر چیزی از آن دلیل است بر زیاد کردن منکوحات و به قولی خوشحالی است در فراش و جمع شدن با محبوب از روی خواهش.

*** در ذراع چپ**

علامت رزق بسیار است و یا خوشحالی های تازه و یا سعادت تازه و نزد حکما پیدا شدن سربلندی است میان مردم و تفوق است میان مردم و تفوق بر همگنان.

*** وسط کف راست**

مراد وسط است غیر از انگشتان که آن را راحت و هر دو را راحتین گویند. اختلاج است علامت ظفر یافتن بر دشمن است یا نزاعی به سبب چیز سهلی که برگردد به او بعد از منازعه و شادی بعد از هم و یا صلح.

*** کف چپ**

موجب فراخی رزق است و یا صلاح و به قولی موجب زیاد شدن وجه معیشت است و به او گفت و شنیده است و به سبب دنیا و به قول حکمای روم به هم رسیدن فایده بسیار است.

*** در انگشت ابهام راست**

در هر یک از دو بند انگشت مبهم دست راست که نشانه عشرت یافتن است نزد صاحبان جاه و یافتن شفقت از سلطان و شرفی به او متوجه شود به زودی و قدر و منزلت است.

*** در انگشت چپ**

نشانه روی کردن خرقی است و باعث بزرگی و جاه و کرامت و قدر است و ییافتن و نزد حکماء رسیدن به جاه و منزلت است و روی کردن خلایق به اوست.

*** در سبابه راست**

در هر یک از انایب ثلثه اختلاج آن علامت گفته شدن سخنان بد است در حق او و اسکندر گوید: در خللی خواهد افتاد به سبب جرمی که از او صادر گردد.

*** در سبابه چپ**

علامت آن است که در حق خود خواهد گفت سخنانی که مکروه وی باشد و یا فاش گردد سخنانی که در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود به او افعالی که بد باشد .

*** در انگشت وسط دست راست**

نشانه رسیدن رزق است به سعی بسیار و یا به ظاهر دشمنی است و به قول بعض حکما عزت است میان خلق عالم و شهوت کردن بد نیکی .

*** در انگشت وسط دست چپ**

علامت ظفر یافتن است بر دشمن دیرینه و بنابر قول حکما غلبه صلح است بعد از جنگ و قهر و جنگ و شادی است بعد از غم .

*** در انگشت چهارم هر دو دست**

انگشت چهارم است از هر دست جستن آن اشاره است به هم رسیدن رزق و توسعه اسباب معیشت و مذکور شدن به نیکی در السنه وافواه خلائق و حکام .

*** در انگشت آخر هر دو دست**

انگشت کوچکین آخر است از هر دو دست اختلاج آن دلیل است بر آمدن مهمان تازه و نعمت و فراخ و روی نمودن تازه و خوشحالی بی اندازه و از دست چپ تاثیرش بیشتر است.

*** زیر بغل**

مراد زیر بغل است جستن آن خواه از راست و خواه از چپ دلالت کند بر شادمانی و خوشحالی و چون بسیار جهد ، مویی که در آنجاست بکند تسکین یابد و کندن موی زیر بغل و تراشیدن سنت مؤکد است.

*** در دو پهلوی**

اگر در پهلوی راست باشد دلیل است بر آنکه اندک همی به وی رسد و زود زایل گردد و اگر در پهلوی چپ باشد ، از غم و بلا امنیت یابد ، به اذن الله تعالی .

*** در خاصره**

مفردش خاصره است یعنی تهی گاه . جستن آن از هر طرف ، دلیل بر شادمانی و خرمی است و بهره یافتن از زر و سیم دنیا و کام یافتن از هر چه اراده کند .

*** در قلب**

خرم شدن از آمدن غایبی و از چپ کار مکروه است و از راست دال است بر اندک همی که زود برطرف شود و در پستان ها از راست به دلیل رسیدن مکروه باشد که به سرپستان نرود و از چپ برسد و به دولت عظیم که دراز روی آن باشد .

*** در ران راست**

ران راست جستن آن علامت مذکور شدن به نیکی و اعتقاد مردم به خوبی او به نهجی که هر چه گوید راست دانند و از سخن وی بیرون نروند .

*** در ران چپ**

دلالت کند بر این که اندک غمی او را عارض گردد و یا برطرف غم و دلگیری است و غایبی هم به وی رسد و از جایی که گمان داشته باشد .

*** در زانوی راست**

دلیل است بر خوشحال شدن به سبب آن چیزی که او را تعب دانسته باشد و یا فرح و مطلق صرفه و خرمی است به سبب رسیدن خیری و کفایت شر دشمن است.

*** در زانوی چپ**

نشان سروری یافتن به زر و سیم دنیا و متاع آن و رسیدن بهره بزرگ از مال و ملک و حیوانات و غیره به اذن الله تعالی .

*** در دو ساق پا**

مراد ساق های پاست . جستن از راست دلیل است بر آنکه غیبت او کنند و از چپ دشمنان او بمیرند و از راست یافتن مال و خرمی است و از چپ دلالت مند که از جود منعمی خوشحال گردد.

*** در پاشنه پا**

پاشنه پای جستن آن از راست شادی و خرمی است و از چپ دلیل است بر اندک همی که به وی رو کند و زود برطرف شود .

*** در کعبین**

نزد بعضی برآمدگی روی پاست و نزد دیگران دو برآمدگی پهلو ست و اصح بند پاست ، یعنی موضع ایصال پا به استخوان ساق جستن آن از راست عزت و بوقاست و از چپ توانگری و از طرفین سفر است.

*** در دو پشت پا**

مراد ، مجموعه پشت است از راست علامت آن است که مردمان از وی شاد شوند و از چپ ، سفر کردن و نکاح تازه است به زن صاحب جمال

*** در دو کف پا**

مراد ، مجموع بطن پاها است ، خواه اجزای آنکه به زمین رسد در راه رفتن یا نرسد جستن آن از راست روی دادن اندکی نگرانی و از چپ نشانه سعی و غنیمت است.

*** در انگشتان پا**

در انگشت مهین پای راست آمدن غایب واز چپ رسیدن به دولت ودر سبابه از راست اندک تکسر واز چپ سعادت وبلندی در وسط راست خصومت کردن وچپ شادی ودر انگشت کوچک از راست خوشحالی واز چپ دولت است .

*** در ناخن های پا**

در هر یک از ناخن های پای راست دست دادن آشوب وافتنه ودر ناخن های پای چپ هر یک خرمی و خوشحالی ورسیدن به کام و دست دادن سعادت است والله تعالی یعلم.

*** تتمه**

عضوی که اختلاجش خوب نباشد مخنلج گردد یا خواب پریشان یا چیزی ببیند که به فال خوب نباشد بگوید : **اَللّٰهُمَّ**

لَا طَيْرَ اِلَّا طَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ اِلَّا خَيْرُكَ وَلَا اِلَهَ غَيْرُكَ

دعای دیگر : **(اِعْتَصَمْتُ يَا الله يا ربِّ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ فِيْ نَفْسِيْ فَاعْصِمْنِيْ مِنْ ذٰلِكَ)**

(اقتباس از « دانش های عرشی درمان های بهشتی » (چاپ جدید جنات الخلود) / نشر فراگفت 1380)

فال نامه شیخ بهائی (ره)

(نقل از کتاب دو هزار دستورالعمل مجرب)

فالنامه منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی از فالنامه های مشهور و دارای نسخ متعدد است . موضوعات این فالنامه و کیفیت استخراج مطالب جواب هائی که هر کدام تشکیل شده از 36 حرف و هر مصراعی دارای 18 حرف که مجموعاً 288 مصرع که حدوداً 5184 حرف را تشکیل می دهد ... تمامی نشانگر قوت علمی و ذوق سرشار آن مولف فرزانه در علوم اجتماعی و ریاضی و شعر و دیگر علوم اسلامی است .

تطبیق دادن حروف داخل جدول با اشعاری که در ذیل آنهاست توسط بعضی از محققین ؛ ساعت ها زمان برده و روی آن کار شده است بسیاری از بزرگان بعد از بررسی کلی؛ صحت آن را تائید کرده و الحق والانصاف ؛ دستی غیبی در پس آن وجود دارد.

* طریق استفاده از جدول

طریق استفاده از جدول این فالنامه به اینگونه است.

- 1- ابتداء موضوع مورد نظر را پیدا کنید .
 - 2- حمد و سوره ای به نیت هدیه کردن ثواب آن به روح شیخ بهاءالدین بخوانید.
 - 3- دو بیت شعر بالای جدول را بخوانید .
 - 4- چشم ها را بسته و بدون انتخاب ؛ انگشت یا مداد را بر روی یکی از خانه های جدول بگذارید.
- برای سهولت در بدست آوردن جواب چنانچه حرفی که در ابتداء انتخاب کرده اید به بالا بیریدبه شماره هایی خواهد رسید که در بالای جدول نوشته ایم (این شماره ها در اصل نسخه موجود نبود)

این شماره ها را با شماره پائین جدول که در کنار اشعار گذاشته ایم تطبیق دهید . جواب شما نیز همان شعر به دست می آید.

*زندگانی ام چه عاقبت دارد؟

ای عاقبت کار همه خلق جهان پیدابر تو چه آشکار و چه نهان
بنمای ز روی لطف فالی که شود بر صاحب این عاقبت کار عیان

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ش	ب	خ	ص	ع	ع	ک	ک	ک	ب	خ	م	ا	ف	ر	ا	ا	ز
ه	ه	ت	خ	ی	ب	د	ر	م	ح	ق	ی	ت	ب	ر	د	ر	د
ش	ا	ی	ب	ب	ز	ر	و	ا	ا	ک	ل	و	غ	ه	ف	ت	ا
ا	د	ع	ع	ن	ب	ا	ت	ا	ا	ک	ش	ع	ع	ا	ا	د	ص
ی	ه	ب	ل	ا	و	ا	ا	ق	ق	خ	د	ع	م	ک	ز	ر	د
ق	ق	ب	ب	ی	خ	ز	ه	ن	م	ت	ک	ب	ب	ت	ت	ر	ی
ی	د	د	ن	و	ا	ت	ت	ب	ت	ک	ر	ز	م	گ	ب	ا	ر
ن	ک	س	خ	ن	و	و	ب	ر	ش	ی	ت	ک	ا	ی	ی	د	ص
ه	ا	ا	ن	ش	و	و	ر	ن	ر	ک	د	ی	ش	ی	و	ه	ع
س	ت	ی	ن	ر	ع	چ	ب	د	ر	ر	ا	ت	و	ک	م	د	ا

م	س	و	ا	ی	ق	ن	خ	و	ا	گ	ف	گ	ی	س	س	ا	ب
ک	ی	س	س	ا	ی	و	ر	ت	ت	ر	ت	و	ر	ت	ت	ر	ت

(1) شادشوی عزیزهیچ نگو که توراعابت نکوست نکو

(2) بفراغت همه دم باش بسیر که بودعابت کارتوخیر

(3) خرمی ها بکن دیگرای دوست که توراعابت بس نیکوست

(4) صاحب فال بشنوازمن راست بخداعابت خیرنماست

(5) عاقبت کارتوای شهریار خیرکندخیرکندکردگار

(6) عزیزاشودکارتوعابت مبدل شودخیروصدعافیت

2* درحاجتم چه کنم؟

ای کاربرآرنده هر حاجت مند وی رافع مشکل ورهاننده زبند

سررشته مطلبم زهم بگسسته بنمافالی که رشته یابدپیوند

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ب	ع	ص	ن	ب	م	ح	ح	م	ز	ک	ک	ه	ر	ب	ه	ی	ز
ا	م	ق	ب	ذ	گ	ر	و	ر	ا	ا	ن	ج	ی	ص	ع	ر	ر
ح	س	ب	ل	ز	د	ت	ع	د	د	ز	د	ا	م	ا	ص	ی	م
ت	ح	ص	ص	ی	ی	ج	ط	ش	ب	ن	ا	م	ا	ا	ب	ن	م
ت	ل	د	ر	م	ز	ی	ج	ب	ر	آ	ک	م	ب	ک	م	د	ی
ش	ت	ر	ر	ر	د	ش	ت	ل	ق	ع	ن	و	ت	ا	ا	ز	ر
و	ا	ی	ص	ا	ح	د	ب	ن	ح	و	ا	م	ز	د	د	ق	ا
ر	ی	ب	ت	ف	ز	ش	د	ه	آ	ط	ج	و	ش	ر	آ	ک	ی
د	ر	ر	و	ع	ت	ا	ک	آ	و	ر	ن	غ	د	م	ر	ن	ب
ب	ب	ی	ر	د	ر	م	ر	ق	د	ظ	ی	ی	ر	د	د	گ	ه
گ	آ	ص	ب	ر	ا	ق	آ	ز	ب	ر	گ	ی	ی	و	ا	ک	ث
ی	ی	د	ا	ک	ذ	ن	د	د	ر	ن	ر	ن	د	د	ر	ن	ر

(1) بهر حاجت مشومشو غمگین حاجت می شود دوا به یقین

(2) عروس مطلب از در در آید جمیع حاجت بی شک بر آید

(3) صبر باشد کلید هر مقصود مقصد صابران بر آید زود

(4) نهال صبر مقصد آورد بار ز بعد صبر راحت آورد بار

(5) بیازینم دعا قطع نظر کن گذر زین آرزو فکر دیگر کن

(6) مزن دم از این حاجت بی اثر که گردی مکر از این رهگذر

*3 حکم عقدونکاح کن معلوم

ای عقده گشای مردمان سرتاسر ظاهریت و حال جمله جن و شر
یارب تواز این صفحه بظاهر ساز کین عقدونکاح خیر باشد یا شر

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ی	ی	ی	ی	ی	ر	ز	ز	ا	ب	ز	ش	ا	ا	ا	ا	ا	گ
ه	ن	ا	ر	ه	د	ن	ن	ن	ن	ن	د	ن	ی	م	ی	ن	ا
ق	ق	ق	ق	ق	ی	ا	ع	ن	و	ا	م	ع	ع	ع	ع	ع	ا
ک	د	چ	خ	ک	ن	د	د	د	د	د	ع	ر	ق	ه	ن	ر	ا
و	و	گ	ن	ب	د	خ	م	ن	و	س	ا	ب	ب	ا	و	م	ق
ی	ا	ن	ی	ی	ح	د	د	ر	ک	ا	ه	و	ث	ا	ش	ع	ز
س	ل	ه	ح	ک	ک	ش	ل	ک	ش	ک	د	ب	م	چ	ا	ر	ر
ا	ی	گ	ح	د	ث	ی	ا	ن	ب	س	ه	ر	ت	ه	ز	ن	ی
ل	ا	ک	ن	ب	ی	م	ر	و	د	ر	آ	د	ل	ی	د	ت	م
ا	گ	ی	ب	ن	گ	آ	ن	ن	ب	س	گ	ی	ب	ی	ن	ی	ن
ا	ی	و	ش	ا	د	ز	ر	ش	ا	ک	ر	ز	گ	ب	ا	ی	ر
ر	ز	د	د	ر	د	ر	ز	د	د	ر	د	ا	ی	ب	ش	ا	د

(1) گرداین عقدهرکه می گردد شادمان از حدیث آن گردد

(2) این عقدمبارک است بسیار زینهارکه سعی کن دراین کار

(3) این عقدونکاح بدنباشد بیرون خویشش زحد نباشد

(4) این عقداگرچه نیک نبود امانه چنان که گوئیش بد

(5) این عقد بود ملال انگیز زین عقد مثال شیربگریز

(6) این عقد بود بسی دل آزار زینهار که خویش رامیازار

*4 آیا کنم نقل مکان؟

ای نقل مکان همه ذرات جهان بی امر تو عقل را نباید بگمان

چون نیست این نقل مکان در دلهاست مارا خبری نماز نیک و بد آن

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ج	ا	ا	ه	ب	ا	ک	ب	ه	ن	م	ت	ه	گ	ی	ر	ج	گ
س	ر	ر	ب	ک	ر	ت	ر	ص	ک	ا	ر	ن	و	ج	و	ن	ا
ن	م	ا	ب	ی	ن	ش	ب	ا	د	ن	گ	ق	ی	ح	ی	ی	ق
د	ی	ک	ه	ق	ر	ل	ل	ب	ص	ک	ل	ش	ت	ت	ی	ل	د
م	د	ف	ب	ن	م	ا	ا	ز	چ	ا	ن	ک	ا	ا	ر	ی	ک
د	م	ا	ز	ز	و	ا	ر	ل	ک	ک	ا	ک	ل	س	م	م	ا

ن	ی	ن	ن	و	ن	ب	ک	ت	ا	ن	ه	ص	ک	ص	د	ن	آ
ی	خ	م	ن	ن	ل	ب	ج	ر	ن	ب	ر	ص	و	ی	ش	ص	ع
ر	ا	ت	ق	ا	ی	ب	ش	ل	ا	ی	ق	خ	ی	ا	ل	ش	ب
ر	د	ب	و	ح	ل	و	ی	س	م	د	خ	ن	ل	ش	و	ت	م
ش	ر	ب	ک	م	ا	ش	ش	ت	ر	ش	ن	س	و	ا	ا	ر	ط
س	و	ا	ا	ن	ک	ت	ی	ب	ن	و	ر	ت	ی	ب	ن	و	ر

(1) جهت نقی مکان خیرخوش ست کس نشدکه بی صبربدست

(2) اگر میل داری که جائی روی بروبی تامل که خوش دل شوی

(3) ای صاحب فال نصرت اسباب هر جاکه تورا ست میل بشتاب

(4) هر که بی صبر کند نقل مکان نبود هیچ زمان شادروان

(5) بجائیکه نیکو نباشد مرو مکن نقل از من نصیحت شنو

(6) اگر نقل مکان آری بخاطر ترا کردند اهل عقل منکر

5* دیر یازود آید این غالب

ای خالق جمله خلق وای رب ودود ظاهر بتو حال هر کس از بود و نبود

خواهیم که آگاه نمائی مارا کاین غایب ما دیر یازود

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ف	ت	ش	ت	آ	چ	ز	ک	ک	م	ب	ن	ا	و	ا	ح	ن	و
و	ه	ه	س	ا	ب	ل	ش	د	م	ک	م	د	م	م	ا	ز	و
ت	ن	م	ل	ا	س	م	س	س	ف	ک	د	و	و	ا	ک	ز	ا
ی	ا	ا	ر	ش	ش	ب	ا	ن	ن	خ	ف	آ	ف	ف	ز	ت	ب
ه	ز	گ	ب	ا	ر	ی	ر	ر	و	ش	ا	ر	م	ر	ر	ن	ز
د	ز	ه	د	ب	ز	آ	ن	ش	و	ه	خ	ا	گ	م	م	و	گ
ن	و	و	ا	ب	ا	ن	ر	ی	ی	و	ش	م	م	ی	ی	س	ن
م	د	ن	آ	د	ت	س	ش	د	م	ت	ه	س	ر	ز	ی	و	خ
ا	و	م	ر	ر	ر	ا	ا	م	د	ر	ا	ف	ن	ی	د	خ	ف
ف	ه	ا	ب	و	ن	ر	و	ش	ع	ت	ت	ر	ر	ن	م	ز	ه
ه	م	ا	ر	س	ب	م	س	آ	ن	د	د	س	ی	ی	ق	ف	د
س	ی	ی	ز	گ	گ	ت	د	د	ل	ر	ر	ت	د	د	ل	ر	ر

(1) فال تو بهر آن مسافرهست زود یازود آن مسافرهست

(2) توشنوا زن و مشونومید که مسافریا د آن مسافرهست

(3) شادمان گرشوی دمی شاید که مسافرهمین الان آید

(4) تحمل کن بروای مرد عاقل مسافرزودمی آید به منزل

(5) آنک از خانه بسته رخت سفر بازگشتش بود دوروز دگر

(6) چومسافرز خانه رفت بدر نبودش بازگشت خانه دگر

*6 حال غایب چگونه خواهد بود؟

ای بدرقه لطف تو باماهمراه باماست رفیق نام تو درهمه راه

داریم امید آنکه زین فال کنی مارا زکرم ز حال غایب آگاه

1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6

ه	ز	ش	ن	ی	ا	ب	ک	ک	غ	ک	د	س	غ	ا	د	ک	ی
ج	ه	ه	م	ه	و	ت	ا	د	ا	ن	ن	ه	ا	ز	د	چ	ر
غ	ی	ب	ر	ف	م	ا	ز	غ	ی	ر	ا	ا	ب	ا	د	س	س
ن	د	م	گ	ا	ز	ی	خ	ش	ذ	ن	ا	ن	ل	ه	ر	د	ش
ب	ب	ا	ر	ی	ف	ی	م	ا	ب	و	ه	ب	ر	ز	ه	س	ر
س	ل	ی	ج	ر	ر	د	ه	م	غ	ت	ب	ت	ا	د	ز	ز	خ
ر	ا	م	ا	م	س	ی	ل	ه	ه	ی	و	د	ی	ر	ی	س	ی
ک	ف	ر	ج	ا	ی	م	ن	غ	ب	ا	ا	ز	ر	گ	ر	ر	ش
ح	ی	ا	ب	ف	ل	م	ا	ش	ع	ا	غ	ن	ک	ی	د	ر	م
ا	ق	ت	ز	ن	م	ت	د	ب	و	ب	د	ن	ش	آ	ی	خ	د

و	ر	ش	ر	ی	ا	خ	ب	ز	ز	و	ا	غ	س	ا	ا	غ	ر
ر	ر	ا	ا	د	ر	م	د	د	ن	م	د	م	و	و	ن	م	د

(1) هست غایب بدردمحنت وغم به جهان نیست یک زمان خرم

(2) زغایب خبرهای نیکورسد که از دل ملال فراق بر د

(3) شادباش از مهر غایب شاد که زغمهای دهر گشت آزاد

(4) ندارد ذره غایب بدوران غم دیگر بجز هجر عزیزان

(5) یک نفس نیست مسافری غم که چرادر زیاران خودم

(6) این مسافری الم دارد دور از شهر خویش غم دارد

*7 یک باید بود مرا این کار؟

ای واقف حال جمله از نیک و بد آگاه زهر عمل چه مقبول و چه رد

ما غافل چند را گراز روی کرم زین عمل کی شود پشیمانی

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ن	ع	ا	ص	ص	د	ص	ک	ز	ز	م	ک	د	ک	ا	ی	ب	س	ب

ه	ی	ن	ط	ب	ر	ن	م	ن	ر	ت	ر	پ	ن	ه	ل	و	ه
ی	ل	ا	د	ب	ه	ش	ع	ا	ق	د	م	ا	م	ر	ک	ر	ر
ل	ی	م	ی	ا	س	ا	ک	س	غ	ع	م	ا	م	ب	ن	ر	ک
ن	ی	ع	ی	م	ر	ی	ن	ا	ع	ا	ه	ی	ک	ی	ر	ل	ا
ن	ل	ر	م	ز	د	آ	ش	ک	ص	ز	و	ع	ط	ک	ل	ع	ر
و	د	ن	ب	ی	ن	م	ف	س	ب	م	ع	ر	پ	د	ر	ا	ه
ل	س	ت	و	ل	م	د	ش	ر	غ	ن	ب	ز	ب	ب	د	ز	ل
ب	ی	ی	ی	ب	ی	ن	ح	س	ن	ن	و	س	م	ن	ر	س	ن
ه	ا	ی	ی	ه	ر	ی	ا	ک	م	ی	د	ا	ن	ا	ک	ا	ز
ا	ن	ا	ج	ا	ب	ر	ی	ر	و	ر	د	ر	ی	ر	و	ر	د

(1) نکن میل این عمل زنهار زنهار یک سعی کن در این کار

(2) عامل از یمن لطف سبحانی واقف تواز این عمل نمائی چه شود

(3) این امر مبارکت بسیار که پشیمانی آورد بسیار

(4) صبر در این عمل بودنیکو مطلق از غیر صبر هیچ مجو

(5) دست بگذار از عمل زنهار که بود در عمل زیان بسیار

(6) صبر هر کس که در عمل ورزد درهمه عمر او نبیند

* ۱۸ این عمارت بناکنم یا نه؟

ای ساخته جامهر تواند دل ما پرورده رحمت تو آب و گل ما
خواهیم که مارا کنی از لطف و کرم آگاه که معمور شود منزل ما

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

ص	ا	ب	ا	ب	ب	ک	ن	س	ن	ل	ب	ب	ی	ی	ص	ی	ن
ه	ی	م	ی	و	و	ر	د	ن	ب	ن	ا	ن	ک	ی	ا	ک	ق
ب	و	ر	ع	ی	ی	ی	و	ک	ی	ا	ت	ا	س	م	ا	م	ع
ا	س	ی	ی	د	د	ش	ت	ا	ر	ا	م	ی	ت	س	د	ن	گ
د	ب	ب	ر	ا	ا	د	ب	ع	ر	د	ر	م	ر	ت	ن	ت	ر
ب	ن	ا	م	آ	آ	ص	ا	ب	ا	ش	ت	غ	ا	ک	ن	م	ن
ا	ی	ی	و	م	م	ی	ی	ن	س	ک	ب	ل	ع	د	ع	د	ک
ر	ا	ا	ن	ن	ن	ح	ی	ن	م	ب	ن	ص	ی	ز	ل	ش	ا
ا	ش	ا	س	ز	ز	ب	ن	ی	ه	ر	ر	ی	و	و	ر	ی	ی
ر	ع	ا	و	ا	ا	ن	ر	م	ت	ن	ن	ب	م	م	خ	ع	گ
ک	ا	ک	ی	ه	ه	ک	ا	گ	ر	د	ذ	ا	ح	ظ	ن	ک	ا
ا	ر	م	ر	ا	ا	ر	ت	ر	ی	و	ر	ر	ت	ر	ی	و	ر

(۱) صبر باشد مثال درین کار کا نیاید به غیر صبر بکار

(۲) ای دوست برای عیش و راحت نیکوست بنای این عمارت

(۳) این عمارت بود نکو منظر سعی کن سعی کن وزا و نگذر

(۴) بصبر از بنای عمارت کنی بنمائی در آن سالها خرمی

(5) این عمارت شود بسی نیکو لیک ایندم مکن شروع درو

(6) بنای عمارت مکن زینهار بوقت دگر آن بناراگذار

*9 رسم آیابه کعبه مقصود؟

ای واقف مدعای حاجتمندان آگاه زاسرار همه پیرو جوان
خواهیم کزین فال نمائی مارا آگاه که مدعا شود حاصل از آن

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

د	ر	گ	ر	د	ا	ک	ک	ز	ک	ک	ص	ش	ب	م	ب	ب	ی
ا	ا	ق	ا	ی	ر	ا	و	ر	و	ا	ب	ح	ح	ف	ح	ب	و
ا	ا	ب	ا	ص	آ	ص	ص	ر	ص	ش	ت	ز	ص	ص	ص	ن	د
ن	ن	ز	ش	ب	ن	ی	ح	ر	ح	ا	ن	ل	ل	و	ل	ک	ا
ت	ف	ن	ا	ب	د	م	ح	ت	و	ر	ت	ن	ب	ا	ب	ح	م
گ	ا	و	م	ی	ا	ف	ا	ج	ی	ف	ع	ی	و	ش	د	آ	ظ
ل	و	م	ت	ل	م	ر	ه	ی	د	د	م	ا	ل	ا	ن	ا	ا

و	ت	ع	ش	د	د	گ	ص	ف	ک	ب	م	گ	و	ا	ا	ش	د
ر	ا	ا	ا	ش	ش	ر	ر	ب	ن	د	آ	م	د	ل	ر	ن	خ
و	ا	ی	ک	ن	ن	ق	ب	ش	و	ص	د	م	گ	س	م	م	م
ب	ب	د	د	ز	ب	س	د	م	ر	د	د	ع	ن	ا	ه	م	م
ع	ع	ا	ه	ع	د	ا	د	ن	د	ا	ا	د	ا	ن	د	ا	ا

(1) یابدان مدعا مکن من بعد صورت انتظام رود و سعد

(2) بدان صاحب فال حاذق بنا که بی شک بر آید تو را مدعا

(3) برو صاحب فال حاذق بنا که حاصل شود مدعا بی گمان

(4) مگر صبر انجام کارت دهد ز فقرو تشویش آنکس رهد

(5) برو صاحب فال و بشنوز ما که حاصل نخواهد شدن مدعا

(6) شد از این تفال مشخص بما که حاصل نمی گردد آن مدعا

10* این سفر مصلحت یود یانه؟

ای فاطر کون و خالق جن و بشر هستی به جهان تو بیگسان را رهبر
خواهم که نه روی خود اندر سفری آگاه کنم که خیر باشد یا شر

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

س	س	س	گ	س	ا	ز	س	ک	د	ک	ح	ک	ف	ف	ر	ف	ی	ی
ف	س	و	ت	ض	د	ر	ر	ک	ر	ن	ن	ر	ی	س	ا	ر	ر	ر
ک	ک	ن	ن	ح	ه	ک	ک	ه	ک	ا	ی	ن	ن	ی	ی	ک	ا	ا
ن	د	ر	ا	ز	ن	س	ک	ص	ک	ا	ر	ک	س	و	م	ا	و	و
ف	م	ب	س	ی	ا	ب	ف	ز	و	ی	ق	ر	ق	ر	ت	ت	ز	ز
س	ر	ی	م	ن	ت	ک	ص	پ	ا	ز	س	ی	ک	د	ر	س	ن	ن
ن	و	ی	م	م	ف	ا	ر	گ	ا	ف	ی	س	د	ش	ا	ن	ر	ر
ر	د	ر	د	ر	ک	ف	ح	ه	ص	ب	ن	ی	ع	ب	ت	ب	ن	ن
ر	ا	ب	ب	ک	ا	ا	و	و	و	ی	ک	ص	ر	ن	ا	ا	ا	ا
ب	ق	د	ب	د	س	ن	ل	ر	ب	ب	ی	ی	ل	ب	ر	ب	ت	ت
س	ش	س	ا	ا	ح	ظ	ش	ه	آ	ه	س	ف	و	ف	ی	و	د	د
ف	و	ت	ی	ت	ف	ر	د	ر	ر	ر	ر	ر	د	ر	د	ر	ر	ر

(1) سفر کن سفر کن سفر کن

(2) سفر کن که مقصود حال شود کسی کو سفر کرد عاقل شود

(3) گر کنی صبر بیش بهر سفر دوسه روز دیگر بود بهتر

(4) سفر نیکوست اما صبر باید که ناکام و مراد تو بر آید

(5) این حکایت زمن بکن باور حضرا ز این سفر بود بهتر

(6) زینهار از این سفر تو بنمای حذر که در این وقت نیک نیست سفر

11* قرض کردن چگونه خواهد بود؟

ای از کرم تو قرضها گذشته ادا در ددل مقروض نمائی تودوا
این قرض که می کنم اگر خیر بود از لطف خودای کریم معلوم نما

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ر	ا	ا	ا	ب	ز	ک	د	ص	ب	م	ز	ه	ی	ی	ی	ه	ی
ک	ر	ب	ی	ی	ن	م	ن	ک	ن	ر	ن	س	و	ر	چ	ش	ه
ب	ق	د	ق	ا	ق	ا	ع	ب	و	و	ا	ر	ر	ا	ر	ی	ر
ز	د	ن	ن	د	ر	ه	ض	ر	ض	ن	ض	ق	ه	م	و	خ	ب
ر	م	ی	ا	ق	ب	ر	ا	ا	چ	و	گ	ک	ب	ا	د	ر	س
ض	د	و	ر	د	ر	ق	ا	ر	ا	ض	ی	ه	ا	پ	ا	ا	د
ر	ر	ا	ش	ص	م	ی	ش	س	ب	د	ا	ض	ک	د	و	ب	ل
چ	و	ب	ر	ا	ی	ک	س	ه	د	ر	ا	خ	د	د	و	ب	ن
ر	ت	ا	ز	گ	ل	ی	ب	ه	ر	ه	م	د	ب	ی	ح	ر	ی
ر	ی	ا	م	م	گ	ک	س	ن	ق	د	ا	ن	ک	ن	و	و	ر
ن	ی	و	ز	ا	ب	د	ب	ج	ع	ا	د	ی	ا	ا	و	ر	ی
ی	ا	ا	و	ر	ی	د	ر	م	د	ی	د	و	ر	م	د	ی	د

(1) ره مبره که قرض کرد و کند که کس از قرض هیچ خیر ندید

- (2) این قرض مبارکست بسیار در وعده اداش ردبیک بار
 (3) ای که دارای اراده این کار صبر بنما و پسبده انجام
 (4) این قرض ادا شود زحق زود بی چون و چرا بروزموعود
 (5) بهر این قرض صبر گرداری می شود خود ادا بهمواری
 (6) زین قرض بسی ملال یابید ز نهار بگرد این مگردید

12* در تجارت چه سود خواهیم کرد؟

ای بود و جود ماهمه از کرمات اجناس نقود ماهمه از کرمات
 خواهیم کزین تجارت آگاه شویم ای مایه سود ماهمه از کرمات

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ا	ر	ا	ی	ی	ج	ا	م	ز	ی	ش	ک	ت	د	م	ن	ا	ت
ن	ا	ن	ب	د	ز	ج	ی	ی	ک	ن	ا	ی	ب	ا	ا	ا	ا
ا	و	ص	ت	ج	ت	خ	د	ک	ی	م	ص	ر	ن	ه	س	ت	ر

ب	ی	ت	ب	ا	ر	ب	ا	ب	ب	ق	م	ر	گ	و	ا	ب	ی
و	ر	غ	ر	ت	ر	ی	ر	ا	ز	غ	د	د	ت	ا	ب	ح	و
ا	د	ز	ر	ا	و	ن	ب	ی	ه	ر	ز	ب	ی	ی	ب	ر	ف
ی	و	ت	ت	ف	ت	د	ا	ن	و	ت	ر	ک	د	ا	ر	ت	ر
ص	ی	ب	د	ش	و	ا	ب	ی	ا	ج	ک	د	ع	س	ه	و	ش
م	س	ن	س	ا	س	ف	ز	ی	ز	د	ف	ا	ی	ت	ت	ر	و
ر	ی	ک	ا	ر	ر	ب	ن	ج	ا	ت	د	ا	ز	ف	ر	و	د
ص	ی	ا	ز	م	ا	ب	ا	ا	خ	ب	ا	ب	ک	ر	ز	گ	ک
ب	ز	ی	ط	ر	ک	ر	و	ت	ر	و	ن	ر	و	ت	ر	و	ن

(1) تجارت بودنیک اما بصیر که از صبر یا بی‌صدق‌قرار به زر

(2) این تجارت بود بسی نیکو شادمی گرددای عزیز از او

(3) نیکوست به فالت این تجارت یابی توازین بسی کفایت

(4) مایه صبر بهتراست از زر زانکه باز بود هزار خطر

(5) در این وقت حرف تجارت مگو مبادا به کارت شود روبرو

(6) تاجر امروز ترک سواد کن این خرید و فروش فردا کن

13* سودمند است شرکت می‌یانه؟

ای واقف سود ضرر خلق جهان عاری ز شریک رب فرد و منان

خواهم که شراکتی کنم از ره لطف سود و ضرر کار بفرمای عیان

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ا	ی	ش	س	ی	ا	ک	ب	ن	م	ا	گ	ن	ن	ب	ه	ن	ث
ن	ذ	ی	ذ	د	ش	م	س	ر	ت	ک	ن	ه	گ	ب	گ	ی	ر
ر	م	ت	ی	س	ش	م	ر	ن	ر	و	ر	ش	ت	ک	ب	و	ی
ی	ز	ز	ص	ت	ک	ک	ط	ا	چ	ت	ر	ا	ا	و	ا	س	ی
م	ق	ر	ن	ش	ت	د	ا	ش	ل	ب	ص	ت	ل	گ	و	م	ک
ر	و	ک	ع	ا	ر	ب	م	ص	م	ا	ن	ت	و	ر	ا	ر	ب
م	ا	ر	ا	ک	ا	ا	ا	ت	ز	ی	ب	ر	ش	ب	ش	ر	ب
ر	م	س	ز	و	ش	ب	ر	ی	ر	ت	ش	ش	ز	ک	ی	ر	ا
ز	ت	ر	ت	ی	م	ی	ن	ی	م	ز	ی	ر	ک	ا	ک	ب	د
آ	ف	ی	ا	ا	ج	ن	ن	ی	ن	ا	ط	ک	ا	ه	ن	گ	م
ا	ک	ن	ک	ا	ق	ز	ع	چ	ز	ر	م	ه	ی	ک	ی	ر	ل
ر	و	د	و	ن	ا	ر	و	د	و	ن	ا	ا	ا	ب	ا	ا	ل

(1) ثانی شرکت نباشد مطلقا گرشریک صبر باشی مجملا

(2) نیکوست مشارکت بیاران ای دوست برای روزگاران

(3) هست بی چون مشارکت نیکو مگذرا صلا عزیز من از او

(4) شرکت اگر صبریاری کند نبینید ز شرکت کسی هیچ بد

(5) نیست مطلق مشارکت نیکو بگذرا از او از منافع او

(6) نام شرکت مبرم بر زنهار که نماید ترا شریک آزار

***14 درسودا یا بود در این سودا؟**

ای کامده و کارگشای همه کس بنده همه و توئی خدای همه کس
از غایت این بیع بده آگاهی ای باخبر از بیع و شرای همه کس

1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6

ا	ز	ه	گ	ز	د	ک	ا	ن	ک	ک	ن	ن	ی	س	ر	و	ر
ه	ق	ف	د	ه	ب	د	ن	ت	ا	د	ی	ب	د	ع	ر	ب	ا
ر	ب	ب	ز	ا	ن	و	ا	ه	ی	و	ش	ی	ی	ی	ن	س	س
د	م	ا	ن	د	د	ن	ع	ع	ن	د	و	ص	ن	ب	ب	ف	ح
ب	ه	ی	ب	ر	د	ب	م	خ	ی	ر	ا	ی	م	م	ی	م	ا
ر	ا	ش	ع	ص	ص	ع	ی	ب	ع	ع	ب	ن	ی	د	ن	ت	ل
ص	ر	ا	ب	ا	غ	ا	ا	ت	ی	چ	ی	ب	س	ر	گ	م	ی
ف	ن	ز	س	ن	ا	ر	د	ک	ذ	ل	ر	ع	د	ح	ت	ی	ل
م	ت	و	ر	ر	غ	ا	ر	د	غ	ن	ل	ی	ر	م	ی	ب	ص

ل	ا	ب	ی	ک	ه	ف	ا	ی	ب	ش	ه	س	ن	ی	ر	م	ا
ر	س	م	ه	ت	و	و	ز	ر	ض	ی	ع	م	و	و	ت	ا	غ
د	و	و	ر	ا	ل	ا	د	ن	ر	ب	م	ا	د	ن	ر	ب	م

(1) اندرین بیع صبری فرما که بود صبر نافع و سودا

(2) زین بیع رسده می توراسود اقدام نمای اندر آن زود

(3) هست این بیع مبارک و میمون منفعت هابخشدت زحدیرون

(4) گرا زاین بیع گذری بهتر که درین بیع نیست غیر ضرر

(5) زوداندر معامله بشتاب که بود فرصتی چنین کمیاب

(6) درین سودا بغیر غصه و غم نباشد حاصلی والله اعلم

15* هست آیا صلاح سیروشکار

ای داده به خلق دوجهان سیرودام هستندهمه به امرونهی تومدام

بنمای بما که سیر صحراوشکار امروز رویم یا که گیریم مقام

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

و	ه	ه	ا	ب	ا	گ	ه	ن	ز	ذ	ز	ق	س	ر	گ	گ	م
ر	ر	ی	م	ر	ن	ت	ت	ک	ر	ذ	ر	ش	ک	س	ا	ک	ه
ش	س	ه	م	ر	و	ک	ه	ت	ن	ا	ا	د	ی	س	ی	ز	ز
ا	گ	ش	د	خ	ر	و	ر	ی	ل	ش	ش	ر	و	ک	گ	ن	م
ق	و	ر	س	ک	ک	ی	ی	گ	ر	ش	ر	ت	ش	و	ی	ا	ا
ن	د	ر	ر	ی	و	ت	ک	ش	ر	ر	ر	ش	م	ب	و	ن	ک
ا	ا	ک	و	و	و	د	ر	چ	ک	و	ه	ش	ر	ا	ش	س	س
چ	و	ر	ه	آ	ب	ک	ه	ر	ک	ی	ی	ک	ج	خ	ب	ت	د
ا	ر	ب	ا	ر	ر	ا	و	ن	ه	ش	ز	ر	د	ا	ر	ا	ب
ر	ا	ا	ت	ا	ح	ک	و	ز	ت	م	د	ک	ب	ز	ر	ف	د
ن	ن	ک	ش	ر	ه	ن	ب	ک	ب	ر	ه	ی	ک	ن	و	و	س
ی	گ	ن	و	و	س	د	و	د	د	ز	ت	د	و	د	د	ز	ت

(1) وقت شد وقت تا شکار کنید گر شکاری نشد چکار کنید

(2) هست سیر و شکار هر دو نکو هر که گوید مرو جواب بگو

(3) هر که سیر و شکار باز کند نیست شک گر بچرخ ناز کند

(4) اگر میل سیر و شکار شود زمان دیگر رو که بهتر بود

(5) بگذر ز شکار و سیر امروز در کاخ نشین و آتش افروز

(6) امروز شکار و سیر بد هست زینهار مرو که بد ز حد است

16* حاصل کشت و کار چون باشد؟

ای رازق خلق وای خداوند کریم یک جو کرم تو باعث نفع عظیم
گر خیز بود عیان بنماتا بامید تخمی دوسه اندرین زمین افشانیم

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ز	ص	ا	ب	ا	ا	ش	ک	ش	ب	ج	د	ر	ا	گ	ی	ی	ی
و	ز	و	ج	م	ر	ا	ح	ر	ا	ن	ن	د	ر	د	ا	ل	ب
ع	ب	ص	ب	ز	ز	ح	ا	ح	ی	ه	د	ت	ف	ب	ی	ر	ر
ا	ع	ا	ت	س	ی	ک	ا	ر	گ	ا	ا	ص	ت	ص	خ	ع	ه
ن	ل	د	ر	ع	ع	ل	ن	ل	م	ی	ا	ک	ر	ا	ب	ت	ت
ز	م	ت	ز	ت	ف	ن	ا	ر	ص	ن	م	ت	ا	ا	ر	ه	ز
ف	ب	ی	د	م	ک	ک	ز	ز	گ	م	و	ع	گ	ز	ق	ی	ن
ث	ی	ت	ر	ی	ن	ب	و	ک	د	ش	ک	ی	ا	ص	ص	ش	ز
ی	ا	ش	ل	و	ب	ر	د	و	ب	و	ح	ن	ی	ت	ب	د	د
ز	ه	ر	ر	د	د	ه	ن	م	ک	ح	ب	ر	ز	ز	د	ب	ب
ا	ب	ر	ا	ا	ا	ا	پ	ی	ا	ا	ا	ی	ا	ا	ر	ط	ش
ع	ا	ا	ر	ر	ط	ش	ت	ر	د	ی	ل	د	ت	ر	د	ی	ل

(1) زراعت کن که نفع بی نهایت شود حاصل ز تکثیر زراعت

(2) صاحب فال را بگواین بار که زراعت نما؛ زیاد؛ زیاد؛

(3) اگر صبر داری ز کشت مراد شود حاصلت از تصور زیاد

- (4) بیابی گربصدق دل بکاری بجای تخم زرگر صبری داری
 (5) این زراعت نمی شود حاصل جمله سعیت همی شود باطل
 (6) این زراعت مکن که بد باشد در بدی ها فزون ز حد باشد

*17 زن زن آبا عیان شود فرزند؟

وی قادر ذوالجلال و دارای جهان آگه ز ضمیر خلق از پیرو جوان
 گر هست دگر نیست نعیم فرزند این راز نهفته را بفرمای عیان

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ب	ب	ش	ا	ش	ا	د	ا	ک	د	ز	ح	ت	ه	ا	ی	ا	ی
ر	ز	ه	ر	ی	ق	و	خ	د	ک	د	ک	خ	ع	خ	چ	ن	م
ف	د	ش	ه	م	ف	ت	ط	د	ن	ص	ر	ی	ا	و	ف	ا	ر
ا	ا	ا	ی	د	ا	ق	ب	ا	ر	ن	ز	م	ی	ی	ن	ف	د
ب	ن	ی	ز	ش	ن	ی	خ	ت	ح	گ	ت	خ	د	ج	ن	و	د

د	د	د	ا	و	د	ش	ا	و	د	ع	ا	ت	ا	ه	ل	ه	ه
ن	ی	ا	خ	ز	ز	ش	ک	د	م	ر	د	د	ع	ن	ی	ی	خ
و	ه	خ	ح	ی	ب	ه	ز	ب	ا	ز	د	د	ش	ل	ا	ش	د
ک	ی	ا	ل	ا	ا	ب	د	ف	ل	و	ل	ر	ز	ت	ت	ز	خ
ا	ن	ب	ت	د	خ	د	ا	م	و	ق	و	ر	و	ی	و	ظ	و
ک	م	ک	ب	ا	ا	د	م	ق	ب	ا	ا	ا	ی	ی	و	د	ه
ا	ی	ی	و	ه	ه	ر	د	ن	د	ر	ی	ر	د	ن	د	ر	ی

(1) بتوفیق بخشنده کردگار درخت امیدت شود باردار

(2) به خداوندای عزیز؛ امید از عطای خدا که شدنومید

(3) شادشوای جوان باتمکین که خدایت دهد خلف بیقین

(4) ای که فرزنده خیال توبود درچنین حال محال توبود

(5) شادمان شو عزیز از قادر زین صدف گوهری شود ظاهر

(6) ای که فرزندان خدا خواهی حق مرادت دهد بدل خواهی

***18 نطفه باشد پسرو یا دختر؟**

ای ذره از ضیای توشمس و قمر آگه ز وجود و عدم نوع بشر

خواهیم که آگاه نمائی مارا کاین نطفه ما پسربود یا دختر

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ح	د	د	ب	م	ب	ک	ب	پ	ک	د	ک	ا	ر	ر	ر	ی	ا
پ	ی	س	آ	خ	ه	م	ص	ر	و	ن	ش	س	ق	ر	ی	ت	ت
ل	د	ح	ص	م	د	ر	ی	س	د	ر	ر	ن	ف	م	ا	ا	ا
ب	ن	ت	ت	ی	ا	ط	آ	چ	ح	ی	ی	ر	د	ا	ر	ن	د
ف	ن	ی	ب	د	م	ک	ا	ی	ا	ی	خ	ه	ک	س	ف	ک	ت
ن	ن	پ	د	ک	ت	ر	چ	ت	ا	ا	ا	و	ا	ک	س	خ	ب
ا	و	ا	ل	ی	خ	ر	ا	ر	ت	خ	آ	ب	ن	ی	و	ن	ر
خ	و	ک	ر	ت	م	ش	گ	ک	ش	ب	م	و	پ	ه	ی	خ	د
ا	ه	ه	ا	و	خ	ی	س	م	خ	و	س	ر	ر	م	د	د	و
ش	ر	ی	و	ش	ت	ت	ب	ی	ی	د	ش	ن	ب	ز	ش	م	ب
ب	ا	آ	ن	خ	ح	ه	ا	ا	ل	ن	ف	ا	ش	ی	م	ت	ا
ا	ش	ی	ق	ظ	ا	د	د	د	ا	ر	ل	د	د	ا	ر	ل	ل

(1) حامل نطفه را بشارت باد که پسردر کنار خویش نهاد

(2) در صدف انک چون گهر باشد بیقین دان که او پسرباشد

(3) در رحم چیست ای که می آید پسرت این پسر که می زاید

(4) برو صاحب فال و شادی نما کاید ترا دختری خوش لقا

(5) می نماید کاین بود دختر دختری نیک بخت و خوش منظر

(6) باش دایم تو خرم و خوش حال که ترا دختر آمدست بفال

19* از طبیبم امید عافیت است؟

ای خالق بی‌زوال وای قادر فرد درمان ده هر چه هست در عالم درد
روبر در این طبیب باید آورد یاروی بسوی دگری باید کرد

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ز	ا	ز	ن	ط	ا	ن	د	ب	ز	ا	ی	ی	ط	ب	ب	ی
ا	ر	ا	د	ز	ز	ن	ن	ب	ا	ی	ن	م	ت	ز	ی	ط
ح	ط	ی	ش	ب	ح	ش	و	گ	گ	ب	ب	ک	ب	د	ت	ک
ا	ب	ر	ر	ه	ی	ی	ی	ط	و	ی	ز	ا	د	ک	ن	ب
م	ب	ن	ب	ب	م	ل	ق	ا	س	ب	ا	ت	س	م	ی	ت
و	ی	ن	ت	ا	ن	ش	ت	ی	ب	ش	ن	ح	ن	ر	س	د
ف	م	ر	ت	د	ک	د	گ	ه	و	د	گ	ا	ب	س	م	ن
ل	ذ	ر	د	ب	ر	ا	د	س	س	د	م	ا	ج	ب	ر	خ
س	ر	چ	ی	ی	د	ف	ر	و	ا	ا	و	د	ک	و	ح	ر
ر	د	ع	ش	ی	ا	ب	ق	ن	ا	ا	د	م	ا	ب	د	ه

و	ف	م	ی	م	ش	ش	و	ه	غ	ل	ا	د	ن	د	خ	د	ی
ا	س	ی	ر	ی	ک	ا	س	ی	ر	ی	ک	ف	ک	م	ی	م	ح

(1) زین حکیمت سفارسدبی شک نامش از لوح دل مفرماحک

(2) این طبیب ست مبارک قدمی درتوباقی نگذاردالمی

(3) زطیبی نمی رسد چون خیر بازگردد آنره رجوع بغیر

(4) نباشد طبیبیت مسیحادمی باز دیگر کست؛ سود باشد

(5) طبیب تو باشد مسیحانفس ازوبه نباشد برای توکس

(6) این حکیمت نکند درد دوا از طبیبان دگر خواه شفا

20* حال بیمار ماچه خواهد شد؟

ای محنت و دردهمه را کرده دوا لطف تو مریض را شده عین شفا

از حال مریض مابده آگاهی وین عقده کار بسته مابگشا

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ب	م	ب	ب	گ	ص	غ	ب	غ	ب	ل	ک	و	ی	ا	ا	ر	ح
م	ه	م	پ	ی	ه	د	ش	ش	ن	چ	ت	ب	ب	و	ر	ک	ب
ب	و	خ	د	ه	خ	س	ت	د	ه	پ	و	ی	د	ر	ک	آ	س
ی	و	ر	ی	ر	د	م	ا	م	ز	خ	ت	ا	ف	د	ز	ه	ج
ا	ی	ب	م	ر	ه	ر	ی	ش	گ	ی	م	ر	م	د	ا	ن	ا
و	ق	ن	ر	ز	ل	ی	ر	ا	ن	ک	ز	د	ک	ص	ص	ب	ه
ا	ی	ز	ی	و	خ	ر	ر	ی	ا	ا	ر	و	ض	م	م	ش	د
د	د	ب	ح	ی	ا	د	ت	ر	ر	و	ا	ب	گ	د	ب	د	ا
ر	و	ی	ض	د	خ	ی	ا	ش	ش	ش	ز	ب	خ	ض	ب	ب	و
ن	ر	م	ب	ب	و	د	ن	ت	ه	ی	ا	ه	ج	ن	گ	س	ا
ا	د	گ	ش	م	ه	ا	ه	گ	ر	ی	م	ی	ا	ش	و	ا	ی
ی	ا	ش	و	ا	ی	ت	ن	ت	د	ر	د	ت	ن	ت	د	ر	د

(1) بود بیماری اوراد بدایت غم بسیار و در دبی نهایت

(2) می شود این مریض خندان به توفیق کردگار جهان

(3) باش خرم از مریضت به گشت غم و در دش نصیب دشمن گشت

(4) باندک زمانی مرض به شود پرهیز گر صاحبش بگردد

(5) گرچه آخر نکوشود بیمار لیک پرهیز بایدش بسیار

(6) صحت خسته از خدا خواهید که بود جمله راز او امید

21* حبسی آیارها شود از بند؟

ای جود تو سود بخش هر حاجتمند لطف تو دوا ی درد و درمان گزند
خواهیم که مارا کنی از بندی ما کاین بندی ما کی شود آزاد ز بند

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ط	ا	ت	ب	گ	د	ک	ز	ک	ص	م	ص	ل	ی	و	ی	ی	ر
ت	ی	ه	ب	ی	ب	ب	ن	ز	گ	ر	د	ا	ن	ب	ر	ش	ر
ک	ش	ب	ن	د	م	ز	ق	ز	ش	و	گ	ن	خ	ن	ا	ا	ن
و	ی	و	ا	د	ر	خ	ص	د	ه	ز	د	د	و	د	ز	م	ک
ل	ز	ی	ی	ص	ی	آ	خ	ی	ب	ی	ر	ا	ی	ت	ب	ب	ا
ی	ل	ش	ن	ش	د	ص	م	ب	ب	ر	گ	و	ا	و	د	و	م
ی	ن	ا	ن	گ	ر	خ	ص	د	م	د	ی	ب	ل	ش	د	ر	ف
ل	م	ز	ی	خ	ش	ن	ط	خ	گ	م	ت	ا	ی	ب	ک	ل	و
د	ف	ر	ر	ق	ا	ص	ش	ن	ن	ا	د	ی	م	م	ا	ی	و
ی	و	د	د	ص	خ	ع	و	ف	د	ب	ب	د	آ	آ	ز	ر	ر
و	ب	ش	ت	پ	ب	پ	ز	ز	ز	ب	س	ی	و	ا	ا	ن	ن
ی	و	ا	ا	ن	ن	ش	د	د	د	د	د	ش	د	د	د	د	د

(1) طلب کن خلاص بندی خویش که تا زود آید خلاص پیش

(2) این شخص زیمن لطف معبود زین قید خلاص می شود زود

(3) تو ز بندیت باش خرم و شاد که بزودی شود ز بند آزاد

(4) بیگناهی ببند گرافتاد جرمش از بندی می کند آزاد

(5) گیرد از صبر گر مقید پند می شود می شود خلاص زبند

(6) در دمندی اگر افتاد ببند صبر گر کرد می شود خرسند

*22 چیره بر خصم می شوم یانه؟

ای برده ز آئینه دل مهر تو زنگ در دامن لطف؛ دل مازده چنگ

خیریت این فال بما روشن ساز با خصم بود صلح نیکوتر یا جنگ

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

م	ج	ج	ص	ص	ج	ب	د	د	ب	ک	ک	ک	ن	ن	ل	ل	ن
ن	ر	و	ه	ه	ه	ن	گ	گ	گ	ح	ح	گ	ز	د	ز	ب	پ
ج	ب	ب	ب	ب	ن	ع	ب	ب	ا	ج	و	ش	ا	ا	ا	ه	ب
د	ا	ز	ن	د	ی	گ	خ	خ	خ	خ	ت	و	ن	ت	گ	ج	م
ب	ص	ص	ص	ر	د	ر	ه	ه	و	آ	ن	ا	م	م	م	ب	ن
س	ا	ش	ی	گ	ن	د	ک	ک	ک	ا	و	ک	ب	ک	د	ر	ی

ش	ن	ن	گ	د	و	ز	د	د	س	ت	ا	آ	ک	ک	ر	ب	م
ق	ه	ت	ز	ب	و	ن	ه	ه	ف	ک	س	ک	ر	ز	ی	س	ر
ج	ف	ت	ن	ی	ن	ب	م	م	ا	ا	ی	د	ت	ح	ی	ا	ز
ا	د	ن	ن	ن	ب	ن	ح	ح	و	ب	ز	ن	ح	ل	و	ی	س
خ	ب	ظ	ه	ج	ه	خ	ب	ب	ش	ض	ر	ی	و	ف	ت	ن	ا
و	و	گ	ر	ن	ا	د	د	د	ر	ر	گ	ر	د	ر	ر	گ	ر

(1) ممکن جنگ بادشمن جان خود نبوغ دگرسازقربان خود

(2) جنگ باخصم کن که فتح بود درزبان ها بدهرمدح بود

(3) جنگ باخصم کن که فتح وظفر بودازتوشکست زان لشکر

(4) صلح باخصم اگرکنی بهتر که زجنگ آیدت زیان وضرر

(5) صلح بهتربودبسی ازجنگ که بودجنگ را بسی نیرنگ

(6) جنگ نبودنکومکن زنهار که پشیمانی اوردبسیار

*23 این خبر راست است یا که دروغ؟

این واقف صدق خبر و کذب خبر از نیک و بد و خیر و شر و نفع و ضرر

از صدق و کذب این خبر از ره لطف یا رب چه شود کنی مرا واقف اگر

1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6 1 2 3 4 5 6

خ	ب	ن	ز	خ	ا	ب	چ	ک	خ	ص	ز	ب	س	ب	ی	ب	ی
خ	ر	ه	ب	د	ا	ر	م	و	ن	ر	ن	د	ا	ب	ر	ق	ن
ی	ع	د	خ	ص	خ	ا	غ	گ	ر	ر	ک	ک	ت	ا	ب	د	ب
ا	ک	و	ا	ا	ب	و	گ	ی	ر	ق	ر	ی	ذ	ی	س	ح	س
ز	ر	ن	ب	ر	ا	ع	ب	د	ت	ا	ی	ص	ر	خ	و	ا	ص
ز	ر	خ	ا	ل	ا	د	س	ب	ی	ن	ل	ی	ا	ل	ی	و	ر
ق	د	ر	ک	ه	ا	ز	ن	ا	ن	ح	ب	ب	ح	چ	ذ	ا	و
ک	ب	ف	چ	ا	ی	ه	ر	ن	ب	ی	د	ا	و	ا	ن	ل	ف
ر	ف	ا	ک	ن	ر	ی	د	ی	ی	ت	ر	ه	د	ن	ذ	ا	و
خ	ف	ن	ن	د	و	و	ر	خ	ب	ث	غ	ب	ر	د	ن	گ	غ
ر	و	ب	آ	ر	ب	ر	و	گ	ا	ر	ب	س	غ	ر	ی	س	و
س	غ	ر	ی	س	و	ت	ی	ی	د	ت	د	ت	ی	ی	د	ت	د

(1) خبری کوز صدق بهره ورست بخدای عزیز کین خبرست

(2) بسمعت گرسد حرف دروغی چراغ کذب را نبود فروغی

(3) نبود این خبر چنان خبری که بگوید خلاف این دگری

(4) زین خبر روی کذب آید خبر راست؛ این چنین ناید

(5) خبر صدق رنه این اثرست صدق را حال و حال دیگرست

(6) این خبر اصل او دروغ بود زانک بسیاری بی فروغ بود

24* آنچه مفقود شد شود پیدا؟

ای واقف گنجهای بیرون ز عدد آگاه زهرگمشده چه نیک و چه بد

خواهیم که ازگمشده و برده خویش گردیم خبردار که پیدا گردد

6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1 6 5 4 3 2 1

ر	ی	ی	ی	ه	ن	ب	ن	ل	ی	ک	ل	ه	چ	ا	م	ج	ا
ذ	ی	ک	ف	ب	ک	چ	ز	ن	ش	ت	چ	گ	ا	ی	ا	ه	ی
ر	ک	م	د	م	ر	ر	د	ن	ت	د	ص	ه	ی	گ	و	گ	ه
ز	د	و	ی	ت	ر	ا	ه	ش	ا	ش	ا	ا	ب	د	ب	س	ب
ز	د	ه	ن	ه	ز	آ	و	س	چ	ت	و	د	ز	د	ی	د	د
ک	د	ر	م	د	ک	د	س	ز	ز	غ	د	ن	ص	ه	ش	و	س
ر	ر	ت	س	گ	ر	م	ه	و	ز	ر	و	ب	ت	ی	د	م	ب
ل	ا	ص	م	ی	ه	د	ف	و	ت	ی	د	ا	ز	ز	خ	آ	ن
ا	ب	ا	ر	م	ا	م	ر	ب	ی	د	م	ی	ت	ب	د	ن	ب
د	ف	ب	ل	ی	ب	گ	ی	ز	ر	ن	ز	ر	ا	ر	ا	ب	ی
ش	و	ی	ت	ی	ی	م	س	ا	ب	ق	ا	م	ر	آ	ف	ش	آ

ی	ی	ت	ی	و	ش	د	ن	ه	د	ن	د	د	ن	ه	د	ن	د

(1) آنچه را دزدبرد؛ باز آید لیک صبر و سکون همی باید

(2) جهت گمشده غمگین منشین که بدست تو در آید بییقین

(3) می شود این زدست در درفته یافت بی چشم زخمی البته

(4) این گمشده زی تو باز آید لیکن دوسه روز صبر باید

(5) چیزی کزدست رفت بیرون ناید بدو صد هزار افسون

(6) هر چه را دزد بردی اگم شد بگذارز آن کمال مردم شد

در انستنی هایی پیرامون فرشتگان

به نقل از کتاب انوار الحکمه ملا محسن فیض کاشانی

فرشتگان برتر

از اصناف فرشتگان ، چهار فرشته بزرگ و مشهور هستند به نام های : **جبرئیل و میکائیل** ، که نام آنها در قرآن مجید مکرر آمده است و **اسرافیل و عزرائیل** که نام آنها در احادیث فراوان مذکور شده است اما **جبرئیل (ع)** او صاحب **وحي و روح القدس و روح الامین** است. اولیا خدا را یاری می کند و دشمنان خدا مقهور می سازد خداوند عزّ و جلّ در شان او می فرماید : قرآن کلام فرستاده بزرگواری است که صاحب قدرت است و نزد خداوند صاحب عرش ، مقام والایی دارد در آسمانها مورد اطاعت فرشتگان و امین است . رسالت جبرئیل (ع) این است که فرستاده خداوند بسوی همه انبیاء الهی است پس همه انبیاء از امت جبرئیل (ع) محسوب می شوند . بزرگواری او تا بدان حدّ است که خداوند او را واسطه بین خود و اشرف بندگان خود قرار داده است و قوّت او تا بدان حدّ است که شهرها و آبادی های قوم لوط را به آسمان بلند کرد و آنها را زیر و رو کرد و جایگاه او تا آنجاست که خداوند او را در ردیف خود قرار داده و می فرماید : خداوند یار و یاور اوست و همچنین جبرئیل (سوره تحریم آیه 4)

اینکه خداوند جبرئیل (ع) را مطاع می خواند به این معنی است که او امام فرشتگان و پیشوای آنهاست. و امین بودن او نیز یعنی آنکه خداوند او را برای رسالت و پیامبران او را بر آنچه نازل میکند امین دانسته اند . عمل ویژه و اختصاص جبرئیل (ع) را وحی و تعلیم و ادای کلام خداوند سبحان به سوی بندگان است و دیگر افعال او در سایه این عمل و ناشی از

این عمل وناشی از این فعل خاص اند . جبرئیل (ع) با قوه نطقیه ارتباط ویژه دارد. چون در غیر این صورت احدی معانی اداء شده با قول و بیان را در نمی یافت و قلب هیچ کس راه به هزار توی الهام حقّ والقائات روحانی او نمی برد.

واما میکائیل (ع) او صاحب ارزاق و غذاهاست. فعل خاص میکائیل (ع) اعطاء روزی است که آن را از طریق تغذیه ورشد ونمّو ، آن هم به میزان لائق ومشخص هر فرد ، عطا می کند . این فرشتگان

فرشتگان برتر

از اصناف فرشتگان ، چهار فرشته بزرگ ومشهور هستند به نام های : جبرئیل ومیکائیل ، که نام آنها در قرآن مجید مکرر آمده است و اسرافیل و عزرائیل که نام آنها در احادیث فراوان مذکور شده است اما جبرئیل (ع) او صاحب وحی وروح القدس وروح الامین است. اولیا خدا را یاری می کند ودشمنان خدا مقهور می سازد خداوند عزّ وجلّ در شان او می فرماید : قرآن کلام فرستاده بزرگواری است که صاحب قدرت است ونزد خداوند صاحب عرش ، مقام والایی دارد در آسمانها مورد اطاعت فرشتگان وامین است . رسالت جبرئیل (ع) این است که فرستاده خداوند بسوی همه انبیاء الهی است پس همه انبیاء از اُمّت جبرئیل (ع) محسوب می شوند . بزرگواری او تا بدان حدّ است که خداوند او را واسطه بین خود واشرف بندگان خود قرار داده است وقوّت او تا بدان حدّ است که شهرها وآبادی های قوم لوط را به آسمان بلند کرد وآنها را زیر ورو کرد وجایگاه او تا آنجاست که خداوند او را در ردیف خود قرار داده و می فرماید : خداوند یار ویاور اوست وهمچنین جبرئیل (سوره تحریم آیه 4)

اینکه خداوند جبرئیل (ع) را مطاع می خواند به این معنی است که او امام فرشتگان وپیشوای آنهاست. وامین بودن او نیز یعنی آنکه خداوند او را برای رسالت و پیامبران او را برآنچه نازل میکند امین دانسته اند . عمل ویژه واختصاص جبرئیل (ع) را وحی وتعلیم وادای کلام خداوند سبحان به سوی بندگان است ودیگر افعال او در سایه این عمل وناشی از این عمل وناشی از این فعل خاص اند . جبرئیل (ع) با قوه نطقیه ارتباط ویژه دارد. چون در غیر این صورت احدی معانی اداء شده با قول و بیان را در نمی یافت و قلب هیچ کس راه به هزار توی الهام حقّ والقائات روحانی او نمی برد.

واما میکائیل (ع) او صاحب ارزاق و غذاهاست. فعل خاص میکائیل (ع) اعطاء روزی است که آن را از طریق تغذیه ورشد ونمّو ، آن هم به میزان لائق ومشخص هر فرد ، عطا می کند . این فرشته با قوه حفظ وامساک در رابطه است . زیرا در غیر اینصورت نشو ونمایی در بدن ها و تحوّلی در گونه های ملکوت موجود در ارواح، وتغییری در ارزاق حسّی خلق ، دگرگونی در علوم بسیار وفراوان نهفته در فطرت حاصل نمی شد.

و اما اسرافیل (ع) صاحب صوّر است. خداوند متعال می فرماید : « و نفخ فی الصّور » در صور دمیده شد. (سوره کهف آیه 99)

در حدیث آمده است « اسرافیل ، صاحب شاخ است »

فعل ویژه اسرافیل (ع) دمیدن روح در کالبدها و جسدها و اعطاء حیات و نیروی حس و حرکت به آنهاست. تا شوق و طلب را در ایشان برانگیزد. اسرافیل با قوه مفکره (قوه ای که کار آن ترکیب تجزیه امور ذخیره شده در خیال و وهم است)

و اما عزرائیل او فرشته مرگ است. خداوند عزوجل می فرماید: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده جانتان را می ستاند. (سوره سجده آیه 11)

فعل ویژه عزرائیل (ع) برکندن صور (صورت ها، نفس و روح انسان) از مواد و جداسازی ارواح از اجساد و خارج ساختن نفس ناطقه از بدن ها و انتقال آن از سرای دنیا به دار آخرت است. عزرائیل (ع) با قوه مصوره در ارتباط است و اگر این ارتباط نبود انقلاب و دگرگونی در اجسام پدید نمی آمد و کمال و انتقال فکری در جان ها حاصل نمی گشت و خروج از دنیا و صف بندی ارواح در پیشگاه خداوند صورت نمی بست و بلکه می توان گفت: همه اشیاء در منزلی و مقام واحد متوقف بودند. هریک از این چهار فرشته دارای لشکریان و یاورانی هستند که شمار آنها را جز خداوند نمی داند. همانطور که خداوند می فرماید: «شماره سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند» (سوره مدثر آیه 31)

حاملان عرش

و از اصناف فرشتگان، حاملان عرش و ازدحام کنندگان پیرامون آن اند. خداوند عزوجل می فرماید: هشت تن از آنها عرش پروردگارت را برفراز سرشان حمل می کنند. (سوره حاقه آیه 17) و می فرماید: «فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش اند. (وتری الملائكة حافین من حول العرش)

حاملان عرش در دنیا چهار فرشته اند، چرا که آنها مبادی و پیشگام در حمل برای چهار فرشته آسمانی اند که در تنوع عناصر به عناصر چهارگانه دخالت دارند و قوام و قیام همه خلایق یا همان عرش به ایشان وابسته است. همان گونه که در حدیث از عرش تعبیر به همه خلایق شده و آمده عرش به یک معنی، همه خلقت اوست.»

(معانی الاخبار ص 29)

و شاید علت چهار حامل بودن در دنیا و چهار دیگر در آخرت از آن جهت باشد که هر آنچه در سلسله آغاز است، نظیر ومانندی در سلسله بازگشت دارد که در حرکت سعودی بازگشت به آن منتهی می شود و تفصیل این مطلب گذاشت.

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: «همانا حاملین عرش هشت اند: یکی بصورت آدمیزاد است که از خداوند برای فرزندان آدم (ع) درخواست روزی می کند، دومی به شکل خروس است و از خداوند برای پرندگان روزی درخواست می کند و سومی مانند شیر است که برای درندگان از خدا روزی می خواهد و چهارمی هم چون گاو است که برای چهارپایان از خدا روزی می طلبد. از روزی که بنی اسرائیل گوساله پرست شدند این گاو سر بزیر و خجل است و چون روز قیامت فرارسد حاملین عرش هشت می شوند.»

(خصال ، ج 2 ، ص 407)

و از طریق اهل سنت نقل شده : حاملان عرش ، هشت صف اند که شماره آنها را جز خداوند نمی داند هر فرشته ای از آنها چهار چهره دارد . آنها شاخ هایی مانند شاخ های گوزن دارند که از بیخشان تا نوکشان پانصد سال راه است و عرش بر سر شاخ های آنهاست و پاهایشان در زمین پائین و سرهایشان آسمان بالاست وزیر عرش هفتاد پرده از نور است .
(تفسیر دُر المنثور ج 6 ص 261)

توصیف فرشتگان از بیان نورانی حضرت علی (ع)

در کتاب نهج البلاغه از مولایمان امیرالمومنین (ع) روایت است که ایشان در برخی از خطبه های خود در وصف فرشتگان می فرماید : پس خدای سبحان برای جای دادن در آسمان ها و عمارت کردن برترین آسمان از ملکوت اعلا فرشتگانی آفرید، آفریده های نو پدید، شکاف راه های گشاده آسمان ها را بدانها پر کرد و رخنه شکاف ها را به آنان آکنده ساخت و میان شکاف ها بانگ تسبیح خوانانی است که در فردوس بلند رفعت اند و پس پرده های حجاب و سرپرده های مجد و عظمت و پس این لرزه و بانگی که کر کننده گوش هاست ، انوار جلال کبریاست که چشم ها نگریستن بدان نتوانند و ناچار خیره برجای مانند. این فرشتگان را بصورت های گونه گون و اندازه هایی نه چون یکدیگر آفرید. فرشتگانی با پروبال، تسبیح گوین عزت ذوالجلال، نه آنچه را که صنع اوست به خود نسبت دهند و نه آفرینش چیزی را که خاص اوست مدعی شوند، بلکه بندگانی بزرگوارند که در گفتار بدو پیشی نمی گیرند فرمانش را کار بندند و بپذیرند. آنان را در مقام ها که دارند امین وحی خود ساخت و رساندن امر مخفیش را به پیامبران به گردن ایشان انداخت . از دودلی و ناباوری نگاهشان داشت و گامی جز در آنچه رضای اوست نتوانند گذاشت. آنان را به زیارت یاری مدد کرد و دل هایشان را در پوششی از تواضع ، خشوع و آرامش درآورده و آسان درهایی به روی شان گشود تا راه ستودن او را به بزرگی دانند و نشانه هایی روشن گمارد تا خود را به سرمنز توحیدش رسانند نه سنگین بار گناهانشان از پا نشاند و نه گذشت شبان و روزان آنان را دگرگون گرداند. نه تیر ناباوری از کمان دودلی ، ایمان استوارشان را شانه ساخت و نه سپاه بدگمانی براردوی ایمان آنان تاخت ، نه بیماری کینه ورشک در آنان رخنه نمود و نه دست سرگستگی، نور معرفتی را که در دل داشتند از ایشان ربود و نه هیبت و عظمت و بزرگی وی را از سینه هاشان زدود ، دیوید اندیشی طمع نسبت تا قرعه گمراهی به نام آنان زدند و پرده سیاه گناه برروزنه فکرتهایشان تند.

گروهی از آنان درون ابرهای گرانباراند و دسته ای فراز کوه های تناور سرکشیده و گروهی در تاریکی های خاموش شب به سر می برند و از آنان دسته ای است که گام هاشان حد فرودین زمین را بریده و همچون پرچم های سفید از سوی درون هوارفته و از سوی دیگر به عمق زمین رسیده و زیر آنها بادی خوش و آرام وزان است که آن پرچم ها رانگاه می دارد و از حدی که دارند آن سورفتن نگذارد.

اشتغال به عبارت پروردگار، فرشتگان را از دیگر کارها بازداشته و حقیقت ایمان میان آنها و معرفت حق پیوند لازم ایجاد کرد. نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانید که به غیر خدا هیچ علاقه ای ندارند. شیرینی معرفت خدا را چشیده و از جام محبت پروردگار سیراب شدند. ترس و خوف الهی در ژرفای جان فرشتگان راه یافته و از فراوانی عبارت، قامتشان خمیده و شوق و رغبت فراوان از زاری کردن و گریه شان نکاسته است. مقام والای فرشتگان از خشوع و فروتنی آنان کم نکرد و غرور و خودبینی دامنگیرشان نگردید تا اعمال نیکوی گذشته را شماره کنند و سهمی از بزرگی و بزرگواری برای خود تصور نمایند. گذشت زمان آنان را از انجام وظائف پیاپی نرنجاند و از شوق و رغبتشان نکاسته تا از پروردگار خویش ناامید گردند.

از مناجات های طولانی خسته نشده و اشتغال به غیر خدا آنها را تحت تسلط خود در نیآورده است و از فریاد استغاثه و زاری آنها نکاسته است و ایشان در مقام عبادت و نیایش دوش به دوش هم همواره ایستاده اند. راحت طلبی آنها را به کوتاهی در انجام دستوراتش وادار نساخته و کودنی و غفلت و فراموشی و تلاش و کوشش و عزم راسخ فرشتگان راه نمی یابد و پیکان های فریب شهوت، همت های بلند شان را آماج خود نمی سازند. فرشتگان، ایمان به خدا صاحب عرش را ذخیره روزی نوایی خود قرار داده و آن هنگام که خلق به غیر خدا روی می آورد آنها تنها متوجه پروردگار خویش اند. هیچ گاه عبادت خدا را پایان نمی دهند و شوق و علاقه خود را از انجام اوامر الهی و اطاعت پروردگار است نمی کنند. آنچه آنان را شیفته اطاعت خدا کرده بذریع محبت است که در دل می پروراند و هیچ گاه دل از بیم و امید او بر نمی دارند. عوامل ترس آنها را از مسئولیت باز نمی دارد تا در انجام وظیفه سستی ورزند طمع ها به آنان شبیخون نزده تا تلاش دنیا را بر کار آخرت مقدم دارند. اعمال گذشته خود را بزرگ نمی شمارند و اگر بزرگ بشمارند امیدوارند و امید فراوان نمی گذارد تا از پروردگار ترسی در دل داشته باشند.

فرشتگان درباره پروردگار خویش به جهت وسوسه های شیطانی اختلاف نکرده اند و برخوردهای بد با هم نداشته و راه جدایی نگیرند. کینه ها و حسادت ها در دلشان راه نداشته و عوامل شک و تردید و خواهش های نفسانی آنها را از هم جدا نساخته و افکار گوناگونی آنان را به تفرقه نکشاند است. فرشتگان بندگان ایمان اند و طوق بندگی به گردن افکنده و هیچ گاه با شک و تردید و سستی آن بر زمین نمی گذارند. در تمام آسمان ها جای پوستینی خالی نمی توان یافت مگر آن که فرشته ای به سجده افتاد یا در کار و تلاش است. اطاعت فراوان آنها بر یقین و معرفتشان نسبت به پروردگار می افزاید و عزت خداوند عظمت او را در قلبشان بیشتر می نماید.

فرشته ای به شکل خروس و فرشته ای از برف و آتش

در کتاب توحید صدوق از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل است که حضرتش فرمود: خداوند متعال خروسی دارد که پاهایش در انتهای زمین هفتم و سرش نزد عرش است در حالی که گردن خود را زیر عرش خم کرده است.

و نیز فرشته ای از فرشتگان وجود دارد که خداوند متعال آن را آفریده و پاهای این فرشته نیز در انتهای زمین هفتم است . این پاها در امتداد زمین بالا آمده تا آنکه از زمین خارج شده و به افق آسمان کشیده شد و از آن هم فراتر رفته تا آنکه از زمین خارج شده و به افق آسمان کشیده شد و از آن هم فراتر رفته تا آنکه سر به عرش ساییده است و این فرشته می گوید: خدای من ، چه پاکی تو !

آن خروس دوبال دارد که چون بگشاید از مشرق و مغرب فراتر رود و چون آخر شب و اوائل صبح برسد بال و پر خود را برهم می زند و بانگ تسبیح برمی کشد و می گوید: پاک است خداوند ، شاهنشاه پاک. پاک است بزرگ بلند مرتبه پاک، خدایی جز او نیست ، خدایی زنده و پاینده.

و چون این کار را بکند همه خروس های زمین نیز تسبیح می گویند و بال و پر برهم می زنند و بانگ بر می کشند و چون آن خروس ساکت شود خروس های زمین نیز ساکت می شوند و در برخی از سحرها آن خروس بال های خود را به وسعتی فراتر از مشرق و مغرب می گشاید و آنها را برهم می زند و به این تسبیح بانگ بر می دارد . پاک است خداوند بزرگ ، پاک است خداوند عزیز چیره گر پاک است خداوند صاحب عرش ستوده شده. پاک است خداوند پروردگار عرش بلند مرتبه.

و چون این ذکر را بگوید خروس های زمین نیز همین تسبیح را می گویند و چونان خروس به هیجان آید خروس های زمین نیز هیجان زده می گردند و با تسبیح و تقدیس خداوند عزوجل پاسخ آن خروس را می گویند. آن خروس ، پری در نهایت سفیدی دارد که هیچگاه مانند آن را ندیده ام و آن خروس خرده پرهایی در نهایت سبزی به زیر پره های سفید خود دارد که هیچگاه مانند آن ندیده ام و همواره مشتاق آنم که به پره های آن خروس بنگریم.

(توحید صدوق ، ص 279 و تفسیر قمی ج 2 ص 10 و المیزان ، ج 13 ص 14)

گلچینی از کتاب «هدیه های معنوی»

اثر محمد رضا صادقی سوادکوهی

دعای عهد

عهد صبحگاهی با امام زمان (عج)

دعای شریف عهد، پیمان نامه شیعه با امام خود است که هر صبح بوسیله آن، آمادگی خود را در محضرا و اعلام می کند. امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس چهل صبح، خدا را با این عهد، بخواند از انصار قائم (عج) خواهد بود و اگر قبل از ظهور او بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون خواهد آورد تا در رکاب مولایش خدمت کند، و در برابر هر کلمه هزار حسنه بنویسد و هزار گناه از او محو نماید.....»

(بحار الانوار، ج 53، ص 95)

چگونگی تشریف به محضر امام عصر (عج)

عارف عامل مرحوم شیخ رجبعلی خیاط فرمودند: که برای تشریف به محضر امام زمان (عج) در بیداری، آیه 80 سوره اسراء را شبی 100 مرتبه و تا 40 شب قرائت نمائید:

«قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»

(سلوک مهدوی، ص 168)

از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: «هر کس قبل از اینکه بخوابد سوره های مُسَبِّحات (حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن) را قرائت کند نمی میرد مگر آنکه قائم (عج) را درک می کند و اگر بمیرد، در همسایگی محمد (ص) پیامبر خدا خواهد بود.

(کافی، ج 2، ص 630)

خدا کند که بیایی...

الا که راز خدائی خدا کند که بیائی	تو نورغیب نمائی، خدا کند که بیائی
شب فراق تو جانا، خدا کند که سرآید	سرآید و تو بیائی، خدا کند که بیائی
به هر دعا که تو انم، تو را همیشه بخوانم	الا که روح دعائی، خدا کند که بیائی
دمی که بی تو برآید، خدا کند که نباشد	الا که هستی مایی، خدا کند که بیائی
تو مشعری عرفاتی، تو زمزمی تو فراتی	تو رمز آب بقائی، خدا کند که بیائی
دل مدینه شکسته، حرم به راه نشسته	تو مروه ای تو صفایی، خدا کند که بیائی
قسم به عصمت زهرا، بیا ز غیبت کبری	دگر بس است جدائی، خدا کند که بیائی

از: سیدرضا مؤید

در کفاره گناهان روز

امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ بِيَدِهِ الْخَيْرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

کفاره گناهان آن روزش گردد.»

(اصول کافی، ج 4، کتاب دعا، ص 285)

دعای سفره

مرسوم است پس از جلسات و مراسم ها که با پذیرایی همراه است و در پایان مهمانی ها، دعایی خوانده شده و فاتحه ای نثار می گردد. دعای زیر از جمله این دعاهاست که از علماء رسیده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، زَادَ اللَّهُ النِّعَمَ، دَفَعَ اللَّهُ النَّقَمَ بِحَقِّ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، هَنِيئاً لِلْكَالِينَ، بَرَكَهً لِلْبَازِلِينَ، مَغْفِرَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، صِحَّةً لِلْجَالِسِينَ، اللَّهُمَّ وَابْعَثْ وَأَوْصِلْ ثَوَابَ هَذِهِ الْأَطْعَمَةِ وَالْأَشْرَبَةِ بَعْدَ الْقَبُولِ مِنَّا إِلَى أَرْوَاحِ الْأَنْبِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصُّلَحَاءِ وَالْأَمْوَاتِ الْبَائِسِينَ الْمُجَالِسِينَ الْحَاضِرِينَ سَيِّئِهَا الْمَنْظُورِينَ بِحُرْمَةِ سُورَةِ الْمَبَارَكَةِ الْفَاتِحَةِ وَالْإِخْلَاصِ مَعَ الصَّلَوَاتِ».

قدم اول در سیر و سلوک

برادر! قدم اول در سیر و سلوک، توبه و پاکی از گناه و دوری از گفتار ناپاک و کردار و اندیشه های ناشایسته و خوی های نکوهیده است. در کلام خدای غفور و رحیم نیکو تدبر کن که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (سوره بقره 223)

خدا دوست دارد توبه کنندگان را، دوست دارد پاک شوندگان را، سعی کن تا محبوب کردگار شوی.

(دستور العمل های اخلاقی و سیر و سلوک علامه حسن زاده آملی، ص 65)

فضیلت ترک گناه

از مرحوم آیت الله بهجت (ره) نقل است که فرمودند: «ترک گناه مثل چشمه ای است که همه چیز را به دنبال دارد، شما گناه را ترک کنید، دستورات بعدی و عبادات دیگر خود به خود به سمت شما می آید»

نیز نقل است که ایشان در بسیاری از موارد به افرادی که طلب موعظه می کردند می فرمود: «بروید و گناه نکنید» و این (ترک گناه) را رمز سعادت می دانستند.

(فریادگر توحید، ص 217)

پای بندی به الزامات ذکر

باید به الزامات هر ذکر، پای بند بود. مثلاً شرط گفتن ذکر «السُّبُوحُ الْقُدُّوسُ»، کم خوردن و کم خوابیدن و اجتناب از خلق است. شرط ذکر «الصَّبْرُ» آن است که ذاکر در کارهای روزمره شتاب نکند و هر بلا و شدت و سختی که به وی رسیده را از خدا بداند. شرط ذکر «الِسْتِغَاثَةُ» آن است که بر بندگان خدا رحم آورد و گناهان و عیوب آن ها را بپوشاند تا

خداوند به او رحم کند و یا شرط ذکر «الغفور» این است که فرد، خودش اشتباهات و ستم دیگران را نسبت به خود ببخشد تا خدا گناهانش را بپامزد.

(بحر الغرائب)

از جمله آداب دعا

1. توبه از گناهان و به خصوص گناهان کبیره چون گناه، سد راه و مانع اجابت دعاست.
2. ادای حق الناس و پرداخت حقوق دیگران و اگر در تنگناست و امکان پرداخت ندارد... اراده و عزم و نیت داشتن برای پرداخت و راضی نگه داشتن صاحبان دیون و نیز راضی نگه داشتن والدین.
3. دقت در اوقات استجابت دعا و شناخت ساعات و ماه ها و زمان های پرفضیلت.
4. زاری و تضرع و خشوع داشتن در دعا.
5. حضور دل و توجه کامل به دعا و تمرکز در هنگامی که خواسته اش را از خدا مطرح می کند.
6. پافشاری در دعا و مأیوس نشدن از انتظار و پیوسته مشغول بودن به نماز و دعا.
7. ذره ای در لطف خداوند در اجابت دعای خود تردید نکردن، چرا که رسول اکرم (ص) فرموده: «خدا ی را بخوانید در حالی که باور دارید که پاسخ خواهد بود» (کیمیای سعادت، ج 1، ص 261)
8. قبل از دعا، تسبیح و تمجید خداوند کردن و بسیار صلوات فرستادن.
9. در وقت دعا، دست ها را به آسمان بلند کردن.
10. جمعیت در دعا و اجابت آن، اثر فراوانی دارد در روایات بر این امر تأکید شده، سعی شود حاجات در جایی خواسته شود که تعداد دعا کنندگان حداقل 4 نفر برسد.

سه صفت همنشین

از حضرت عیسی (ع) سؤال شد که ای روح خدا! با چه کسی مجالست کنیم؟ فرمود: مجالست کنید با کسی که:

1. دیدن او، شما را به یاد خدا آورد.
 2. سخن او، بر دانش شما بیافزاید.
 3. عمل او، شما را به یاد آخرت علاقمند کند.
- (اصول کافی، ج 1، ص 49)

الهی...!!

الهی! در شگفتم از کسی که غصه خودش را نمی خورد و غصه ی روزی اش را می خورد.

الهی! تن به سوی کعبه داشتن چه سودی دهد آن را که دل به سوی خداوند کعبه ندارد؟

الهی! شکر که فهمیدم که نفهمیدم و رسیدم که نرسیدم.

از الهی نامه استادعلامه حسن زاده آملی

شکر گرفتار شدن به مصیبت

سعدی گوید:

«پارسایی را دیدم برکنار دریا که زخم پلنگ داشت و به هیچ دارو، خوب نمی شد. مدت ها در آن رنجور بود و شکر خدای عزوجل علی الدوام (دائم) گفتی!! پرسیدندش که چه شکر می گوئی؟ گفت: شکر آنکه به مصیبتی گرفتارم نه معصیتی!»

(گلستان، ص 11)

درون و بیرون

عارفی گفت: «چون درون و بیرون انسان، برابر باشد انصاف است، چون درونش نیک تر از بیرون باشد فضل است، چون بیرونش نیکوتر از درون باشد، هلاک است.»

(هزارویک تحفه، ص 98)

فکر گناه

وقتی «فکر» گناه به ذهن انسان بیاید ابتدا یک «فکر» است اما به تدریج «فکر» به «شوق» تبدیل می شود. انسان در مرحله ی فکر، ممکن است به راحتی نجات یابد اما اگر فکرهای آلوده روی هم انباشته شوند و به شوق تبدیل گردند، از آن پس، انسان بی طاقت می شود و ممکن است به گناه رو آورد...

امام علی (ع) می فرماید: «کسی که بسیار در فکر گناه باشد، به آن گناه کشیده می شود.» (غررالحکم، ج 5، ص 321)

اهل معنا، چون به مراحل و خطرهای مذکور واقفند هیچگاه فکر گناه را به سر راه نمی دهند تا مبدا مرتکب آن شوند.

(روزنه ای به سوی اسرار الهی، استاد آیت الله رحیم توکل، ص 50=51)

پر خوری و پر گویی

پر خوری، قلب را می میراند و به سرکشی نفس می انجامد و از بهترین خصوصیات مؤمن، گرسنگی است.

نه چندان بخور کز دهانت برآید

نه چندان که از ضعف جانت برآید

همان گونه که پر خوری قلب را می میراند، پر گوئی هم از قلب قسی بر می خیزد (نیز قساوت قلب می آورد). از رسول خدا

(ص) روایت است: «از زیاد حرف زدن در غیر از ذکر خدا، بپرهیزید، که پر گوئی در غیر ذکر خدا قساوت قلب می آورد و

دورترین مردم از خداوند، سنگدل است.»

(وسائل الشیعه، ج 12، ص 194)

برقراری آشتی

در کتاب شریف مصباح کفعمی آمده است که اگر کسی ذکر شریف «الودود» را هزار مرتبه بر غذا بخواند و بدمد به دو نفر که با هم قهر و بی علاقه اند بخوراند سبب ایجاد محبت و دوستی میان آن دو خواهد شد. ان شاء الله.

ذکر دست یافتن به گنجی از علم یا مال

در مصباح کفعمی آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس به مدت دوماه پی در پی، هر روز چهارصدبار این ذکر را بگوید، گنجی از علم یا گنجی از مال به او داده می شود».

«استَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَ جُرْمِي وَ اسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»

(مصباح کفعمی، ص 63)

جارو کردن جلوی درب منزل

حسین بن عثمان گوید: امام رضا (ع) را دیدم که فرمود:

«جارو کردن جلوی درب منزل، روزی می آورد».

محمد بن مروان گوید: امام صادق (ع) فرمود: «شستن ظرف ها و جارو کردن جلوی درب منزل، روزی می آورد».

(محاسن برقی، ج 2، ص 463)

فایده خوردن آنچه که از سفره می ریزد

رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر کس آنچه غذای ریخته را بخورد، زندگی او با گشایش روزی همراه خواهد بود و فرزندان و نوه هایش از جذام در امان خواهند بود».

شیخ صدوق از سعید بن علاقه از علی (ع) روایت کرده که فرمودند:

«خوردن غذاهای ریخته شده از سفره روزی را زیاد می کند».

(مکارم اخلاق)

دعای برای ادای قرض

آیت الله کشمیری قرائت این دعا را برای ادای قرض، توصیه فرمودند:

«يَا قَاضِيَ الدُّيُونِ مِنْ خَزَائِنِكَ الْمَكْنُونِ اللَّتِي هِيَ الْكَافِرِ وَالنُّونِ إِقْضِ دَيْنِي وَدَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ»

و نیز جناب ایشان، برای ادای قرض، نماز عبدالرحیم قصیر را که در مفاتیح الجنان نقل شده است دستور فرمودند.

(آفتاب خویان، ص 83)

درمان بودن از چشم زخم

برای محافظت در برابر چشم زخم و درمان ماندن از آسیب های آن توجه به نکات زیر توصیه می شود:

1. مداومت بر آیه الكرسي، چهار قُل (سوره های ناس، فلق، توحید، کافرون) و آیه «وان یکاد».
2. در صورت امکان، همراه داشتن آیات و سوره مذکور.
3. هر صبح به هنگام خارج شدن از منزل، معوذتین (ناس و فلق) را بخوانید و برکف دست بدمید و با آن سر و صورت خود را دست بکشید.
4. دود دادن اسفند و گندُر.
5. دادن صدقه، قربانی و عقیقه کردن.
6. پنهان کردن نعمت ها و علوم خود از چشم دیگران.
7. در دست کردن انگشترهای حرز دارونگین های عقیق و یاقوت

هدیه ای از بی بی فاطمه زهرا(س)

مرحوم عارف کامل سیدعلی آقا شوشتری فرمودند:

«حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا «سلام الله علیها» این ختم را تعلیم فرمودند و بسیار مجرب است. چون به شدت و بلیه ای مبتلا شدی با حضور قلب 1001 (هزار و یک مرتبه) آیه کریمه:

«رَبِّ اِنِّیْ مَسْنِیَ الضُّرِّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ» (انبیا/83)

را باخضوع و خشوع و تضرع بخوانی نجات خواهی یافت.»

(هزارویک ختم، ص 405)

تاثیرلقمه حرام

مرحوم آیت الله کوهستانی(ره) می فرمودند: «غذای حرام، دودمان انسان را بریاد می دهد»

(برقله پارسائی، ص 289)

پندی از مرحوم آیت الله العظمی صالحی مازندرانی(ره)

انسان باید روی لسان خودش مراقبت داشته باشد سخنی که به زبان می آورد، باید حجت و سلطان مبین (یعنی برهان روشن) بر این سخن داشته باشد که بتواند در قیامت و در آن محشری که همه نهان ها آشکاری شود پاسخ بدهد... قلم نیز مانند زبان است که نویسنده آن را به کار می اندازد (قلم سیال است، بعضی قلمدار و قلمزنند و در قلم قوی هستند و قلمشان، سحر می کند) باید یادش باشد این قلم را که به حرکت در می آورد جمله ای را که می نویسد، برهان روشن، حجت قاطع و حجت شرعی و عقلی برای پاسخگوئی در پیشگاه خدا داشته باشد.

(سفارش های اخلاقی فقیه صالح، ص 160)

کلمات فرج

از جمله ی اذکار عالیقدر، «کلمات فرج» است. که توصیه شده در قنوت خوانده شود یا بر بالین محتضر در وقت جان کندن که موجب می شود شیطان دست از سر محتضر بردارد، این کلمات شریف، باعث تقویت ایمان و در امان ماندن از شک و ریب درباره خداوند می گردد:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

آیت الله اراکی وحل مشکلات علمی

مرحوم آیت الله العظمی اراکی (ره) می فرمودند: «من هرگاه مشکلی پیدا می کنم، یک دور تسبیح صلوات می فرستم (صدتا) و ثواب آن را نثار چهارده معصوم (ع) می کنم. آنگاه مشکل من به آسانی حل می شود، البته این کار را بیشتر در مورد مشکلات علمی انجام می دهم.»

(روزنه هایی از عالم غیب، ص 58)

مورد شفاعت قرار گرفتن شیعه

مرحوم آیت الله کوهستانی (رض) فرمودند:

«فردای قیامت آنقدر علماء رحمهم الله شفاعت می کنند که نوبت به ائمه (ع) نمی رسد.. آنقدر علی اکبر (ع) شفاعت می کند که نوبت به امام حسین (ع) نمی رسد... ما لنگ ها...!! آنجا باشیم، شیعه علی را به جهنم ببرند؟! من که تحمل نمی کنم!! (و شفاعت می کنم).»

(برقله های پارسائی، ص 292)

فضیلت بیداری بین الطلوعین

حضرت امام صادق (ع) فرمود:

«خواب بامدادان شوم است، رزق و روزی را بر می گرداند، رنگ چهره را زرد، زشت و دگرگون می سازد و آن خواب هر فرد شومی است. به راستی که خداوند رزق و روزی فرزندان آدم را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند پس مبادا در آن ساعت بخوابید» و نیز فرمودند: «کسی که نماز صبح را بخواند آن گاه تا طلوع آفتاب بنشیند، موفق تر و پیروزمند تر از کسی است که در طلب رزق و روزی یک ماه روی زمین مسافرت می کند.

(عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 194)

از حضرت رسول اکرم (ص) نیز نقل است که فرمودند:

«سحر خیزی مبارک است و همه نعمت ها به ویژه روزی را می افزاید»
 همچنین می فرماید: «صبحگاهان در پی نیازمندی هایتان بروید چرا که آسان به دست می آیند»
 (مفاتیح الحیاء، ص 92)

علامه یازی و سفارش به دودگر

مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (ره) فرمودند:
 «برای توفیق در کارها و حل شدن مشکل ها توسل می یابیم (ودعامی کنیم) و شما اگر طالب پیشرفت معنوی هستید، این دو ذکر را مد نظرتان قرار دهید:
 1. اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.
 2. يَا اللهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.
 (فخر العلماء علامه ایازی، ص 30)

استغفار، کلید روزی

در آیات 10 تا 12 سوره نوح می خوانیم: «به آنها گفتیم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فروان کمک کند و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار دهد»
 از این آیات و آیات دیگری از قرآن به روشنی فهمیده می شود که بین استغفار و وفور نعمت و آبادی و خرمی و از بین رفتن مصائب و مشکلات، رابطه ی خاصی وجود دارد؛ همچنین بین ظلم و فساد و از بین رفتن نعمات و پدیداری مشکلات نیز رابطه ی مستقیمی وجود دارد.
 در روایات نیز روی این معنا تکیه شده است. امام علی (ع) فرمودند: «زیاد استغفار کن تا روزی را به سوی خود جلب کنی»
 (تفسیر نمونه، ج 25، ص 71)

همواره "ان شاء الله" بگویند

گفتن «ان شاء الله» در مورد اخبار آینده و هنگام بیان تصمیم برای انجام کارها، امری ضروری است که از آیه 24 سوره کهف تفسیر می شود. برای این که ثابت کنیم خواست و قدرت ما وابسته به خواست و قدرت خداست، شایسته است جمله ی «ان شاء الله» را به سخنان خود اضافه کنیم. از طرفی خبر دادن قطعی برای انسانی که قدرتش محدود است و احتمال پدیدار شدن موانع مختلف در انجام کارهایشان را می دهد، صحیح و منطقی نیست مگر اینکه کارهایش را با

جمله ی «ان شاءالله» همراه کند. از پاره ای روایات استفاده می شود که اگر کسی سخنی را درمورد آینده بدون «ان شاءالله» بگوید، خدا او را به خودش وا می گذارد و از زیر چتر حمایت خود بیرون می برد. در احادیث مختلفی که در تفسیر آیه 24 سوره کهف از اهل بیت (ع) نقل شده، بر این نکته تأکید گردیده که حتی اگر پس از گذشتن یک سال به خاطرتان آمده که «ان شاءالله» نگفته اید جبران کنید و «ان شاءالله» بگویید.

(تفسیر نمونه، ج 12، ص 389 و 390)

به آمرزش خداوند بدبین نباشید چون خداوند نزد گمان بندگان است.

بنده ی مؤمن باید به خداوند، گمان نیکو داشته باشد. در آیه 23 سوره فصلت، خداوند به سرنوشت گروهی از کفار اشاره می فرماید که به خاطر سؤطن به خداوند، شاهد خسران و هلاکت خود شدند:

«آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردید و سرانجام از زیانکاران شدید.»

آری، مؤمن باید به خدا، گمان نیکو داشته باشد چرا که خداوند نزد گمان او خواهد بود. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کردند که آن حضرت فرمودند: «هیچ بنده ای نیست که به خداوند متعال گمان خیر ببرد مگر اینکه خدا نزد گمان وی خواهد بود...»

و نیز امام صادق (ع) فرمودند: «سزوار است بنده ی مؤمن چنان از خدا بترسد که گویی در کنار دوزخ قرار گرفته و مشرف بر آتش است و چنان به او امیدوار باشد که گویی اهل بهشت است. خداوند متعال می فرماید: این گمانی است که شما به خدا پیدا کردید و سبب هلاکتتان شد. (بدانید) خداوند نزد گمان بنده خویش است. اگر گمان نیک ببرد، نتیجه اش نیک و اگر گمان بد ببرد، نتیجه اش بد است.»

(تفسیر نمونه، ج 20، ص 253)

...و خداوند همه گناهان را می آمرزد

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. زمر/آیه 53»

«بگو ای بندگان من که برخود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خداوند همه گناهان را می آمرزد زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»

دقت در تعبیرات این آیه نشان می دهد که از امید بخش ترین آیات قرآن برای گناهکاران است. شمول این آیه به حدی است که در روایتی از امیرمؤمنان علی (ع) می خوانیم: «در تمام قرآن آیه ای فراگیرتر از یا عبادی الذین اسرفوا... نیست»، به طور کلی یکی از مشکلات مهمی که بر سر راه کار تربیتی وجود دارد، احساس گناهکاری بر اثر اعمال بد گذشته است به ویژه زمانی که گناهان سنگین باشد. این فکر پیوسته نظر انسان مجسم می شود که اگر بخواند مسیر خود را تغییر دهد، چگونه می تواند خود را از مسئولیت سنگین گذشته برهاند.

خداوند در این آیه مجرمان و گناهکاران را به سوی خود دعوت می کند و به آنها قول می دهد که می توانند خود را از زندگی گذشته جدا سازند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: «کسی که از گناه توبه کند، همانند کسی است که گناه نکرده است.»

بر این اساس خداوند راه را بر هرگونه بدگمانی و احتمال عدم آموزش می بندد و شرایط را به گونه ای فراهم می آورد که اگر کسی واقعاً از گذشته اش پشیمان باشد، خداوند گناهانش را هر چند هم بزرگ باشد ببامرزد و توبه او را بپذیرد زیرا که گناه بندگان هرچه بزرگ باشد، عفو و قدرت و رحمت و لطف خداوند بزرگتر است. (تفسیر نمونه، ج 19، ص 499)

حقیقت توکل

توکل از ماده ی وکالت به معنای انتخاب وکیل است. توکل بر خدا به این معنا نیست که انسان تنها در برابر مشکلات و حوادث زندگی و دشمنی ها و سرسختی های مخالفان و بن بست هایی که در زندگی دارد و نمی تواند آنها را برطرف کند باید خدا را وکیل خود برگزیند و به او تکیه کند بلکه در آنجا که توانایی بر انجام کاری دارد هم باز باید مؤثر اصلی را خدا بداند زیرا از دریچه چشم یک موحد، سرچشمه تمام قدرت ها و نیروها خداست. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «از پیک وحی خدا، جبرئیل پرسیدم: توکل چیست؟ گفت آگاهی از این که مخلوقات زیان و سودی نمی رسانند و قدرت بخشیدن و مانع شدن ندارند و قطع امید از مخلوقات، هنگامی که بنده ی خدا چنین شد، جز برای خدا کار نمی کند و به غیر او امید ندارد، حقیقت توکل این است.»

(تفسیر نمونه، ج 10، ص 298)

آیاتی برای هدیه به پدر و مادر

آیات زیر برای رفع مشکلات، آسان شدن امور دنیا، در امان ماندن از ستمگران و ادای قرض توصیه شده. نیز اهل حقیقت می گویند اسرار و معنای پوشیده ای در این آیات است. در کتاب جواهر القرآن از حضرت رضا (ع) نقل است: «هرکس که این آیات را بخواند و ثواب آنها را به روح پدر و مادر خود هدیه نماید، ایشان را هیچ حقی در گردن آن فرزندان نماند.»

بسم الله الرحمن الرحيم

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.
فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَهُ الْعِزَّةُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ
الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَهُ الْفَضْلُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ
رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَهُ الْمُلْكُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»
(بحر الغرائب، ص 195)

تسبیح حضرت فاطمه (س)

حضرت صادق (ع) فرمودند: «هرکس پس از نماز واجب تسبیح حضرت فاطمه زهرا (س) 34 مرتبه الله اکبر، 33 مرتبه الحمد لله و 33 مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ - را بخواند و بعد از اتمام تسبیح، فوراً یک مرتبه «لا اله الا الله» بگوید، خداوند متعال او را بیامرزد.»

(حاشیه مفاتیح الجنان)

نیز آن امام همام (ع)، کسی را که این تسبیح را پس از نماز و قبل از آنکه پاهای او از حالت نماز برگردد، بگوید نزد خود برتر از کسی می داند که هر روز هزار رکعت نماز می خواند و او را به آمرزش و واجب شدن بهشت، بشارت می دهد.
نیز در فضیلت تسبیح حضرت زهرا (س) قبل از خواب هم بسیار سخن گفته شده و در آداب آن هم سفارش شده اولاً تسبیح قبل از اینکه نمازگزار پاهای خود را از حات نماز خارج کند و به اصطلاح بگویند که او دیگر در حال نماز نیست، گفته شود. ثانياً در تسبیح رعایت موالات و ترتیب ضروری است هم در ترتیب، ابتدا الله اکبر، سپس الحمد لله و بعد سبحان الله گفته شود و هم اینکه بین اذکار نباید صحبت و کلامی دیگر بر زبان جاری شود.
(حاشیه مفاتیح الجنان)

فضیلت نماز شب

از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ» یعنی کسی که نماز شب به جا نیاورد از شیعیان ما نیست و نیز فرمود: «مبغوض ترین مردم در نزد خداوند، آن کسی است که [در شب] همچون مرداری گندیده [بی حرکت افتاده] است و روز را به بطالت سپری می کند.»
از علامه ی بزرگ طباطبائی، صاحب تفسیر عظیم الشان المیزان نقل است که فرمودند:

«چون به نجف اشرف، برای تحصیلات مشرف شدم، از نقطه نظر قرابت و خویشاوندی و رحمت، گاه گاهی به محضر مرحوم قاضی (ره) شرفیاب می شدم، تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی -رضوان الله تعالی علیه- از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: ای فرزندم، دنیا می خواهی نماز شب بخوان، و آخرت را می خواهی نماز شب بخوان.»
(اسرار الصلوه، ملکی تبریزی، ص 289)

جبرئیل و نماز شب

پیامبر اکرم (ص) به جبرئیل فرمود: من را موعظه کن، عرض کرد: «یا رسول الله، هرگونه می خواهی، زندگی کنی اما بدان که آخر کار مرگ است، به هر چیزی می خواهی، علاقمند باش ولی روزی می آید که میان تو و آنها جدائی می اندازند. هر کاری می خواهی انجام بده اما روزی تو را با کارهای ملاقات می دهند. شرافت مؤمن به نماز شب و عزت او در آن است که از مردم اظهار بی نیازی کند.»
(من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 470)

دعای تربت امام حسین (ع)

از اسرار بزرگ خلقت، قرار داده شدن شفاء در تربت مطهر حسینی (ع) است و علماء دینی و عرفا همواره بر شفا بخش بودن این تربت مقدسه تأکید فرمودند. گفته شد برای رفع ناخوشی ها و امراض قدری تربت کربلا تهیه و بگویند:

«بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ وَ رَبِّ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَ رَبِّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقِّمْ...» (به جای نقطه چین، آن بیماری را نام ببرید) و سپس به اندازه یک نخود از آن تربت بخورید و آنگاه، آب نوشیده و بگویند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقِّمْ» که ان شاء الله شفا خواهید یافت.
(خزائن ملا احمد نراقی، ص 368)

آیه الکرسی و نور چشم

از جمله سفارش های وارد شده برای زیاد شدن نور و درمان درد چشم، آن است که پس از نماز، آیه الکرسی خوانده شود و پس از آن صلوات فرستاده و دودست را روی چشم ها بگذارید و چند مرتبه بگویند: «اللَّهُمَّ احْفَظْ حَدَقَتَيَّ بِحَقِّ حَدَقَتَيَّ

آمیر المؤمنین» (خداوندا به حق دو حدقه چشم امیر المؤمنان علی(ع) دو حدقه ی چشم مرا حفظ فرما)، بعدهم صلوات بفرستید.

(ورق های آسمانی، پرسش های شما، پاسخ های آیت الله العظمی بهجت(ره)، ص 90)

توصیه های مرحوم آیت الله بهجت(ره) برای شفا

عارف کامل مرحوم آیت الله العظمی بهجت (ره) برای شفا از بیماری، توصیه های زیر را ارائه فرمودند:

1. مقدار کمی از خاک پاک مدفن سیدالشهدا (ع) را در آب زمزم مخلوط کرده و 70 مرتبه سوره حمد بر آن بخوانید و در نوبت های متعدد هر روز به بیمار بخوارانید تا شفاء یابد.
2. به فقیران متعدد، صدقه بدهید، گرچه صدقه ای که به هر کدام می دهید کم باشد.
3. روزی هفت مرتبه سوره حمد را به نیت شفای او بخوانید.
4. هر کس نزد بیماری رود برای شفایش سوره حمد بخواند.
5. بیمار را به مشاهد مشرفه (مزار معصومان، امامزادگان و...) ببرید.
6. در حضور بیمار، مرثیه بخوانید به طوری که او منقلب و متأثر شود.
7. حدیث کساء را (مکرراً) برای شفای او بخوانید.
8. گوسفند نذر فقیران کنید.
9. بیمار پس از نماز صبح، 2 رکعت نماز حاجت بخواند و پس از آن 3 بار بگوید:

«اللَّهُ اِسْغِنِي بِشَفَائِكَ وَ دَوَانِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي بِعَافِيَّتِكَ مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ»

(خداوندا مرا با شفای خودت، شفا ده و با داروی خودت درمان کن و از گرفتاری ات، نجات و رهایی بخش چرا که من بنده تو و فرزند بنده توأم) و پس از آن، یک بار هم بگوید «بُحْرَمِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ (ع)». [به حرمت و آبروی امام کاظم(ع)].
(ذکرهای آسمانی، 90 و 91)

اینگونه در امان بمانید

امام صادق(ع) می فرماید: «در شگفتم از کسی که از چهار چیز بیم دارد، چگونه به چهار چیز پناه نمی برد، در شگفتم از کسی که ترسی بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» پناه نمی برد... و در شگفتم از کسی که اندوهگین است چگونه (برای نجات از اندوه) به ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» پناه نمی برد... و در شگفتم از کسی که مورد مکر و حيله واقع شده چگونه به ذکر... أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، پناه نمی برد... و در شگفتم از کسی که طالب دنیا و زیبایی های دنیاست چگونه به ذکر «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» پناه نمی برد..

(ذکرهای شگفت انگیز معصومین، 98 و 99)

پناهنگی به زره الهی

از عارف واصل مرحوم آیت الله سیدعلی آقا قاضی (ره) نقل است که توصیه فرمودند در مواقع اضطرار و گرفتاری، چه در امور دنیوی و چه در امور اخروی و در بن بست کارها، پس از پنج بار صلوات و قرائت آیه الکرسی، در دل خود (بدون آوردن به زبان) بسیار بگویید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرَجَةِ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تَشَاءُ» تا گشایش حاصل شود.

(ترجمه: بار پروردگارا، مرا در حصن و پناهگاه خود و در جوشن و زره محکمی قرار بده که هرکس را بخواهی، در آن قرار می دهی.) (آب حیات، ص 17)

نیز از امام صادق (ع) نقل است که هر که این دعا را 3 مرتبه در صبح و 3 مرتبه در وقت شام بخواند هرگز محزون و غمگین نخواهد شد.
(کافی، ج 2، ص 534)

ذکر نادعلی

از جمله ذکرهای ولایت، ذکر نادعلی است که به صورت های مختلف کبیر و صغیر در کتاب ها آمده است. استاد مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری این نادعلی را توصیه می فرمودند:

«نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَنْجِلِي بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيَّ يَا أَبَا الْغَوْثِ أَغْنِنِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَدْرِ كُنِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

می فرمودند اگر «یا علی» در این ذکر 100 بار گفته شود خوب است و می فرمودند که عدد آن در قرآن 110 مرتبه است و لکن وقتی 1000 بار نادعلی را در یک اربعین می خواندم، آثار عجیبی داشت.
(روح وریحان، ص 82)

ذکر دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْ نِي بِنُورِ الْفَهْمِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(مفاتیح الجنان)

از سائل بخواهید برایتان دعا کند

وقتی که انفاقی صورت می پذیرد، بهتر آن است که از سائل خواسته شود که در حق انفاق کننده دعا کند چرا که امام سجاد (ع) فرمودند: «دعای درخواست کننده ی تهیدست رد نمی شود.» از این رو امام (ع) به خادمش فرمود: هرگاه به سائل چیزی دادی از او دعای خیر بخواه. و نیز امام صادق (ع) فرمود: «مستحب است بیمار، با دست خود به سائل بدهد و از او بخواهد تا برایش دعا کند.»

(مفاتیح الحیاء، آیت الله جوادی آملی، ص 410 و 419)

درمان بداخلاقی و بدزبانی

امام صادق (ع) فرمود: «اگر سوره زخرف را بنویسند و با آب بشویند و آن آب را بر زن سلیطه و بد زبان بدهند آن زن شیرین زبان و شیرین سخن می گردد.»

(خواص آیات، ص 149)

خدایی که از ابلیس تشکر کرد

در علل الشرائع شیخ صدوق (ج 2 ص 677) از فردی به نام حسن بن عطیه نقل شده که وی گفت: «محضر مبارک حضرت ابی عبدالله امام صادق (ع) عرض کردم: بفرمایید چرا خداوند عزوجل به ابلیس فرمود: تواز مهلت داده شدگانی تاوقت معلوم؟ حضرت فرمود: برای چیزی که خداوند خواست از آن تشکر به جا آورد. عرض کردم: آن چه بود؟ حضرت فرمود: دو رکعت نماز بود که ابلیس آن را در آسمان بجا آورد و دو یا چهار هزار سال طول کشید.»

آری، خدایی که از ابلیس هم بابت نمازش تشکر می کند با مؤمنان واقعی و مخلصان درگاه خود چه معامله ای خواهد کرد؟

فضیلت تلاوت قرآن در خانه ها

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آنها را گورستان نسازید همانگونه که یهودیان و مسیحیان چنین کردند (زیرا فقط در معابد نماز خوانده) و خانه های خویش را از عبادت تهی ساختند. هر خانه ای که در آن قرآن زیاد تلاوت شود خیر و برکت آن افزون گردد و اهل آن در وسعت قرار می گیرند و آن خانه برای اهل آسمان نور افشانی می کند، آن گونه که ستارگان آسمان بر اهل دنیا نور می دهند.

(اصول کافی، ج 2 ص 446)

نگاه کردن به قرآن

امام صادق (ع) فرمود: «هرکس قرآن را از روی آن بخواند از دیدگان خود بهره مند می شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش اگر چه کافر باشند می شود.»

اسحاق گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: قربانت کردم من قرآن را حفظ کردم آیا آنها را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی آن؟ فرمود: «قرآن را بخوان و نگاه به آن کن، از روی بخوانی بهتر است، مگر نمی دانی نگاه کردن در قرآن، عبادت است؟»

(اصول کافی، ج 4، ص 417)

فوائد اسفند

پیامبر (ص) فرمودند: «از بوته ی اسفند، درخت یا برگ یا میوه ای نمی روید مگر آنکه فرشته ای بر آن گماشته است تا آن را به آنکه شایسته است برساند و یا خشک شود و در ریشه و ساقه اش برای پراکندن شیاطین و شور چشم ها و در دانه آن داروی هفتاد و دو بیماری است.»

پیامبری از ترسی که امتش داشتند به خدا شکایت کرد خداوند به وی وحی کرد که به امت بگو تا اسفند بخورند که شجاعت را زیاد می کند.

نیز در کلام امام صادق (ع) آمده که «شیطان تا هفتاد خانه از خانه ای که در آن اسفند است، می گریزد و اسفند دوی هفتاد درد است که کمترین آنها جذام است.»

(مکارم الاخلاق، ج 1، ص 354)

بعد از صدقه بردستان خود بوسه زنید

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «چون به سائل چیزی دادید دست خود را نزد دهان ببرید و آن را ببوسید، چون خداوند گیرنده صدقات است.»

امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند می فرماید: هیچ چیز نیست مگر دیگری را می گمارم که آن را بگیرد غیر از صدقات که خودم به دستم می گیرم.»

(جامع السعادات نراقی، ج 2، ص 133)

انگشتی به دست کردن

از سفارش های مکرر معصومین به پیروان خود، انگشتی در دست کردن و به خصوص استفاده از نگین «عقیق» بوده است. امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند دوست دارد دستی که انگشت عقیق دارد و به طرف او بالا رود.»

(وسائل الشیعه، ج 5، ص 91)

نیز فرمودند: «عقیق» مرز و نگهدارنده از هر بلائی است و باز فرمود: «عقیق نمی گذارد صاحبش نیازمند شود»

(وسائل الشیعه ج 5، ص 91)

نیز در کلام آن امام همام (ع)، به دست کردن عقیق (سرخ، زرد و سفید) سبب نیکی، عاقبت به خیری، وسعت و زیادی مال، سلامتی و در امان ماندن از هر بلا و سلامتی از سلطان ستمگر و هر چیزی است که ترس از خطر در آن وجود دارد. (وسائل الشیعه ج 5، ص 88)

نماز توبه

نخستین گام برای کسی که می خواهد قدم در مسیر معرفت خداوند و سلوک بگذارد، توبه از گناهان است که سه شرط دارد: 1. پشیمانی از گناهان گذشته، 2. تصمیم به طاعت و بندگی در آینده، 3. جبران و اصلاح خراب کاری های گذشته تا هر مقدار ممکن باشد. پس از این سه شرط، نماز توبه طبق این دستور به جا آورده شود:

روز یکشنبه از هرماه که باشد غسل توبه کند، وضو گیرد و دو رکعت نماز توبه نیت کند. در هر رکعتی یک حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره فلق و یک مرتبه سوره ناس را بخواند. پس از اتمام دو رکعت اول، دو رکعت دیگر به همان شکل نیت کند که جمعاً 4 رکعت شود. سپس 70 مرتبه استغفار کند و در انتهای استغفار بگوید:

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

سپس یک مرتبه این دعا را بخواند:

«يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر که این نماز را بخواند، توبه اش قبول می شود و گناهانش آمرزیده شود و طلب کاران از او راضی شوند.

(مفاتیح الجنان، اعمال ماه ذیقعد، نقل از غم عشق، ص 30 و 31)

سوره والعادیات و روزی حلال

حضرت آیت الحق سید عبدالکریم کشمیری از عرفای واصل می فرمودند: «سوره والعادیات» روزی 110 مرتبه خوانده شود، روزی حلال فراوانی به انسان خواهد رسید»

(ذکرهای آسمانی، ص 82)

سوره واقعه و بی نیازی

مرحوم آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی (ره) می فرمایند: «در حدیث آمده است زنان خود را سوره واقعه تعلیم کنید، زیرا که قرائت آن موجب غناء و بی نیازی می شود.»

(نشان از بی نشان ها، ص 366)

البته معمول است و توصیه شده که مومنین صبح ها پس از نماز، سوره ی یس و شب ها پس از نماز مغرب و عشاء سوره ی واقعه بخوانند تا از برکات بی شمار این دو سوره ی عظیم الشان بهره مند شوند.

همراه داشتن سوره حجر

اگر کسی از اهل بازار، سوره مبارکه «حجر» را با نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بنویسد و در کیسه ی خود نهد نقد کیسه و منافع او بسیار شود و مردم معامله با او را دوست بدارند.

(خواص آیات قرآن کریم، ص 98)

ختم آیه "ومن يتق الله"

یکی از کلیدهای نجات و رهایی از فقر و نیل به فتوحات و گشایش، آیه شریفه ی 3 و 4 سوره طلاق است که به آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» معروف است و از پیامبر (ص) نقل است که فرمود: من آیه ای را در قرآن سراغ ندارم که اگر مردم آن را فراگیرند و به کار بندند همه چیز آنها را کفایت کند بعد چند بار این آیه را تلاوت فرمودند. به جهت مطالب و فتوحات و وسعت و جمیع اسباب و سامان دنیوی، مدت چهل روز جمعاً شش هزار و سیصد و هفتاد و نه مرتبه بخواند. از دوشنبه شروع نماید و به جمعه تمام کند. روز اول، قبل از قرائت غسل کند و وضو بسازد و دو رکعت نماز بخواند و پس از نماز، صدمرتبه سوره ی حمد، صدمرتبه سوره «الم نشرح» و صد مرتبه صلوات بفرستد و پس از آن ختم چهل روزه ی خود را شروع کند و تا روز چهارم، هر روز 180 مرتبه این آیه شریف را بخواند اگر در این مدت یک روز ترک شود باید از سرگیرد در روز چهارم پس از اتمام ختم، صدمرتبه حمد و صد مرتبه الم نشرح بخواند و صد صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و هفتاد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي قَرَجًا وَمَخْرَجًا»

در بین ختم انشاء الله اثر اجابت ظاهر شود و گشایش حاصل شود و اگر در چهل روز اثر ظاهر نشود ختم را از سرگیرد که ان شاء الله در اربعین دوم، مطلب حاصل شود.

نیز نقل است برای رزق و روزی، مرحوم آیت الله نخودکی اصفهانی، 3 مرتبه خواندن این آیات را پس از هر نماز توصیه فرمودند.

(خزائن، ص 347)

ختم نماز من يتق الله

برای کفایت مهمات و رسیدن به حاجات و دفع فقر و صاحب ثروت شدن، این نماز از عجائب است و زیاد خواندن آن باعث خبرهای خوشحالی و سرور از عالم غیب می شود:

دو رکعت نماز، در رکعت اول پس از سوره حمد 70 مرتبه آیه و من یتق الله بخوانید:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.» و در رکعت دوم پس از حمد، 70 مرتبه این آیه را بخوانید: وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» پس از تمام شدن نماز 100 مرتبه استغفار، 100 مرتبه الحمد لله رب العالمین خوانده و 100 مرتبه صلوات فرستاده شود. بعد به سجده رفته 70 مرتبه بگوید «ایاک نعبد و ایاک نستعین» این نماز بی نهایت مجرب است.

(چهل طلوع، ص 92 و 93)

سوره یس و برکت در غذا

گویند در خبر است که هرگاه کسی از کم بودن غذایی، هراس داشته باشد، سوره مبارکه «یس» را بر آن غذا بخواند، انشاءالله که فراوان شود.

این روش توسط برخی از بزرگان معاصر نیز، عملی شده است و به تجربه رسیده و در کتاب ها، داستان های متعددی از آن، موجود است.

(نیز گوهر شب چراغ، ج 1، ص 248)

دعای جهت گرفتن طلب

حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود: هرگاه از گروهی طلب داشتی که گرفتنش برای تو سخت و مشکل باشد این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ لِحَظَّتِكَ تُبَسِّرُ غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءُ وَ تُبَسِّرُ لِي بِهَا مِنْهُمْ الْإِقْتِضَاءُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»
(کافی، ج 2، ص 554)

برای رفع گرفتاری و مشکلات

مرحوم کوهستانی (ره) برای رفع مشکلات و گرفتارها به یکی از دوستان خویش فرموده بود این ذکر را هفتاد مرتبه و حداقل هفت مرتبه بخوان که مجرب است:

«يَا مُسَبِّبُ سَبَبٍ، يَا مُفَرِّجُ فَرْجٍ، يَا مُفْتَحُ فَتْحٍ، يَا مُدَبِّرُ دَبَرٍ، يَا مُسَهِّلُ سَهْلٍ، يَا مُيسِّرُ يَسْرٍ، يَا مُتَمِّمُ تَمَمٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.»

(برقله پارسائی، ص 280)

برای سهولت در کارها

برای این که کارها به آسانی صورت پذیرد و دشواری ها و مشکلات از پیش رو برداشته شود به توصیه حضرت امام صادق (ع) خواندن یکصد مرتبه این دعا و همراه داشتن آن، مؤثر است بزرگان و عرفا این دعا را مؤثر و آزموده و مجرب دانسته اند:

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَهْلًا بِفَضْلِكَ يَا عَزِيزُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. »

(کشکول سیاح، ج 2، ص 397)

ختم عجیب سوره یاسین

یکی از بزرگان می گوید: بسیار سوره یاسین را که قلب قرآن می باشد می خواندم و هر حاجتی که داشتم (از مشکلات مادی و معنوی) به تلاوت این سوره به این شکل مداومت می نمودم کار به جایی رسید که در اثر مداومت به این ختم، در بعضی از اشیاء، تصرف می کردم. اگر به آب روان می خواندم که بایست، می ایستاد. آن ختم مبارک این چنین است:

د رسوره یس، هفت مبین وجود دارد به هر مبین که رسیدی این دعا را 3 مرتبه بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الْمُنْفَسِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ، سُبْحَانَ النَّاصِرِ عَنْ كُلِّ مَظْلُومٍ، سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوْنِ سُبْحَانَ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ سُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

(چهل طلوع ص 79 و 80)

نجات از ورطه با بسم الله الرحمن الرحيم

از بزرگان و مشایخ نقل است که هر کس در ورطه و بلیه ای گرفتار شود و راه نجات، و خلاص شدن از هر طرف بر او بسته باشد، 19 مرتبه بگوید: «نَجَاةً مِنْكَ يَا سَيِّدَ الْكَرِيمِ، نَجِّنِي وَ خَلِّصْنِي بِحَقِّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، و اگر به عدد حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» که همان 786 بار است بخواند، کامل تر و قوی تر خواهد بود. البته برخی از بزرگان قبل و پس از این ذکر، 3 صلوات را هم ذکر کرده اند که ان شاء الله مداومت بر این ذکر مبارکه، باعث نجات از جمیع بلاها و آفات است و موجب ایمنی می گردد و به تجربه رسیده است.

(خواص القرآن، ص 9)

برآورده شدن حاجت

مرحوم سید ابن طاووس در مهج الدعوات آورده است: هرکس حاجتی دارد این کلمات را 70 مرتبه بخواند که مجرب است به شرط آنکه با وضو و رو به قبله بوده و کلامش را قطع نکند:

«یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطمهُ یا صاحبَ الزَّمانِ ادرِکُونی و لا تُهْلِکُونی»

بعضی از علما آثار کلی استجابت دعا را در موقع خواندن این اذکار دیده اند.
(منتخب الختوم، ص 73)

اجابت دعا

گویند هرکس خداوند را به این نحو، 3 مرتبه قسم دهد «أُنْشِدْکَ بِدَمِ الْمَظْلُومِ» بالقطع اجابت خواهد شد به تجربه (ان شاء الله). البته بهتر است این دعا را در مسجد بخوانند و به خصوص پس از نماز ظهر.
(گوهر شب چراغ، ج 1، ص 187)

ختم عجیب اسم ادریسیه

از مرحوم بهائی نقل شده است: هرکس این اذکار «یا حَمیدُ الْفِعالِ ذَا الْمَنْ عَلَی جَمیعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ» را بخواند دعای او مستجاب می شود. اگر کسی این اسماء را بخواند، هرچقدر در نزد مردم بی قدر و ارزش باشد، محترم و مکرم می گردد و خدای تعالی چندان نعمت ظاهری و باطنی به او عنایت فرماید که از حساب آن عاجز ماند.
(چهل طلوع ص 63 و 64 نقل از مهج الدعوات سید ابن طاووس)

راه نجات

گفته شده است اگر کسی درکاری درمانده شده باشد که هیچ کس به فریاد اونرسد، یا کسی در دست ظالمی گرفتار باشد که به هیچ وجه راه نجاتی نداشته باشد، 99 مرتبه این دعا را بخواند نجات یابد ان شاء الله.
«یا غِیاثی عِندَ کُلِّ کَرْبٍ وَ مَعادِی عِندَ کُلِّ شِدَّةٍ وَ مُجِیبِی عِندَ کُلِّ دَعْوَةٍ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَمَاناً مِنْ عَقُوباتِ الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ»
(آب حیات، ص 125)

ابلیس و هفت اسم الهی

از رسول گرامی اسلام نقل شده که فرمودند: «ابلیس گفت: هفت اسم را می دانم که هر وقت بخوانم به درجه خودم می رسم. اما چون می خواهد بخواند، خداوند از یاد او می برد. بعد حضرت فرمود: بله هرکس این کلمات را بگوید هر چه از خدا طلب کند خداوند به او عطا فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا إِلَهَ الْبَشَرِ وَيَا عَظِيمَ الْخَطَرِ وَيَا مَعْرُوفَ الْأَثَرِ وَيَا سَرِيعَ الظَّفَرِ وَيَا عَزِيزَ الْمَنِّ وَيَا وَاسِعَ الْمَغْفَرِ وَيَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ أَيَاكَ نَعْبُدُ وَأَيَاكَ نَسْتَعِينُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»
(مفاتیح الجنان، ص 257)

صلوات بر فاطمه زهرا (س)

در بین خواص (عرفا) مشهور است که صلوات بر حضرت صدیقه طاهره (س) به این صورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آبِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ» به تعداد 550 مرتبه، باعث دفع بلا و فتح ابواب حوائج است.
(آب حیات، ص 226)

ختم اکسیر و کیمیای اعظم

در روایات معتبر و احادیث متعدد وارد شده است که برای جمیع حوائج و مطالب، متوسل به حضرت سیدالشهدا (ع) بشوید و 128 مرتبه این ذکر شریف را بگویید که عرفا و علمای بزرگوار آن را کیمیا و اکسیر اعظم می دانند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِلَهِي بِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَأَخِيهِ وَجَدِّهِ وَآبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ شِيعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ قَبْرِهِ وَ زَائِرِيهِ وَ سَكَّانِهِ وَ مُجَاوِرِيهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آخِرِ جَنِّي مِنَ الْهَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ وَمِنَ الْغَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»
انشاء الله حاجات برآورده و هم و غم ها برطرف می شود.
(نقل از چهل طلوع، ص 75 و 76)

از ادعیه هر روز

حضرت امام رضا (ع) فرمودند: «پیامبر خدا (ص) فرمودند: هر کس خواهد که او را بیشتر از مجاهدین در ملأ اعلی ثنا گویند پس هر روز این دعا را بخواند اگر حاجتی داشته باشد بر آورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او غالب گردد و اگر قرض و دینی داشته باشد ادا شود و اگر غمی و همی داشته باشد زایل و برطرف گردد. این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او ثبت گردد:

«سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَجَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ»

(مفاتیح الجنان، ادعیه هر روز)

در امان ماندن از بلاها

بزرگان فرموده اند: هر که بعد از نماز صبح و مغرب، هفت بار «بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» و سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید از جمیع آفات و بلیات، در امان خدای تعالی است.

(نامه ها برنامه ها، استاد علامه حسن زاده آملی، ص 62)

دعای جامع قبل از خواب

مفضل بن عمر گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: اگر بتوانی هیچ شب خواب تا (زمانی که) به یازده کلمه خود را در پناه خداوند قرار بدهی، عرض کردم: مرا از آن یازده کلمه آگاه فرما. فرمود: بگو: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَبَرَأَ وَذَرَأَ» (اصول کافی، کتاب دعا باب الدعاء عند النوم والانتباه)

در امان ماندن از بلاها

از رسول خدا نقل است که فرمود: هر کس این کلمات را هنگام صبح بخواند، تا شب به او بلائی نرسد و هر که در شب بخواند، تا صبح بلائی به او نرسد:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ إَعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (ختوم واذکار، ج 2، ص 276)

ذکر گشایش

روایت است که مردی به خدمت امام موسی کاظم (ع) شکایت کرد که کار بر من بسته شده است و به هر کاری که متوجه می شوم، سود نمی یابم و به هر حاجت که رو می نهم بر آورده نمی شود. حضرت فرمودند: پس از نماز صبح، ده مرتبه بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»

(کافی، ج 5، ص 315)

ندیدن امور ناخوشایند در روز

به سند معتبر از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «هر کس صدمرتبه بعد از نماز صبح بگوید:

«مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

در آن روز امری که مکروه او باشد نمی بیند.»

(اصول کافی، ج 2، ص 530 و 531)

هدیه ای از رسول اکرم (ص)

در بلدالامین از حضرت رسول اکرم (ص) روایت کرده: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامرزد و او را از سکرات مرگ و فشار قبر و صدهزار هول قیامت نجات دهد و از شر شیطان و لشگرهای او محفوظ گرداند و قرضش ادا شود و هم و غمش زایل گردد:

«أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِعُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَّرَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»

(حاشیه مفاتیح، ص 373)

دعای قربانی

هنگام قربانی کردن گوسفند، گاو یا شتر، رو به قبله بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ... (اسم قربانی کننده)»

دعای عقیقه

روایت است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ (به جای فلان نام فرزند را بگوید) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِّأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَام.»

بیداری در ساعتی خاص

برای برخاستن از خواب در ساعت مقرر، مشهور است و روایت شده که در هنگام خواب، آیه آخر سوره کهف تلاوت شده و هم زمان با تلاوت، ساعت مورد نظر، نیت شود:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»
(آب حیات، ص 45)

چند دعای پراکنده

* چون خواهی کاری را ابتدا (شروع) کنی بگو:

«رَبَّنَا إِنَّا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَ هَيَّئْ لَنَا مِن أَمْرِنَا رَشَدًا»

* چون خواهی دشمن تورا نبیند بگو:

«وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِن خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ»

* چون اندوهی رسد، بگو:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْحَكِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»

* چون خبر مرگ کسی را شنیدی بگو:

«سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

* چون صدقه می دهی، بگو:

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

* چون وارد بازار و محل کسب می شوی، بگو:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

* چون خواهی زبان کسی را که بدگوئی می کند ببندی، بگو:

«صُمُّ بَكْمَ عُمَىٰ فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ»

صُمُّ بَكْمَ عُمَىٰ فَهَمْ لَا يَرِجْعُونَ»

* چون خواهی از گناه توبه کنی بسیار در سجده بگو:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

* برای شوهر دادن دختر بسیار بگو:

«يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»

* چون خواهی از مکر دشمنان در امان باشی و کارهایت را به خدا واگذار کنی بگو:

«أَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»

* برای برآمدن حاجات و نیازها در شرایط سخت، بگو:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»

از خواص سوره جن

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس سوره جن را زیاد بخواند، هیچ گاه دچار چشم زخم، سحر و جادو و مکر جن نخواهد شد. همراه با حضرت محمد (ص) خواهد بود و خواهد گفت: پروردگار من جز همراهی با حضرت رسول اکرم (ص) چیزی دیگر نخواهم. هر که این سوره را بخواند، بشوید، و آن آب را بنوشد، هر چه بشنود فرا گیرد و با هر کس مناظره کند غالب گردد. اگر قرض دارد این سوره را به نیت ادای قرضش بخواند قرضش ادا شود. اگر صاحب حزن و اندوه بخواند، اندوهش به شادی مبدل گردد، اگر محبوسی این سوره را بخواند، به زودی از حبس آزاد گردد و هر جا این سوره خوانده شود اجنه از آنجا فرار می کنند.

(درمان با قرآن، ص 129)

ابطال سحر

مرحوم آیت الله العظمی بهجت (ره) برای ابطال سحر و یا چشم زخم چند سفارش ویژه داشته اند:

1. هنگام اذان، درجائی که زندگی می کند، با صدای بلند و آشکار اذان بگوید.
 2. پس از نماز صبح، 50 آیه از قرآن را با صدای آشکار تلاوت کند.
 3. دو سوره فلق و ناس را زیاد بخواند
 4. پیش از خواب، چهارقل (کافرون، توحید، فلق و ناس) را بخواند.
 5. همراه خود قرآن داشته باشد.
 6. آیه الکرسی را فراوان بخواند و آن را نوشته در خانه نصب نماید.
 7. حرز امام جواد را همراه داشته باشد (به صورت بازوبند یا در انگشتر)
- (ذکرهای آسمانی، ص 91)

نگهداری از حیوانات برای دور کردن اجنه

مشهور است که نگهداری برخی حیوانات مانند کبوتر، خروس سفید و اسب اصیل در محل زندگی (خصوصاً اگر کبوترها دو رنگ یا سفید باشند)، سبب دور شدن اجنه می شود. از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: «بال و پر زدن کبوتر باعث گریختن و دور شدن شیاطین و اجنه است.»

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 350)

نیز مرغ و خروس، بره و بزغاله نیز اگر در خانه ای باشند، هروقت جن بیاید با آنها بازی می کند و دیگر، اطفال را اذیت نمی کند.

(کلیدهای اسرار، ص 51)

مجموعه کامل ادعیه السّر

«31 دعای ویژه و اهدائی خداوند به حضرت محمد(ص)»

از جمله ادعیه باشکوه و مستجاب که در نظر اهل فن، مستند و مجرب و به واقع، فوق العاده و عظیم الشان است، 31 بند دعاست که حضرت رسول اکرم(ص) از خداوند متعال نقل فرمودند:

قطعاتی از این ادعیه شریعت را مرحوم سید ابن طاووس و کفعمی در کتب ادعیه خود

از جمله «بلد الامین» و «مصباح» ذکر کرده اند و مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار خود بابی را تحت عنوان «ادعیه السّر» ذکر کرده و تمامی احادیث (31 بند) را که در موضوعات مختلف است، آورده است. نکته ای که باید در این بخش یادآوری شود این است که شما عزیزان از اینکه این چند دعا را در اختیار دیگران قرار دهید، بپرهیزید و صرفاً به افرادی بدهید که به ایمان و اعتقاد آنها یقین دارید زیرا امام باقر(ع) از حضرت علی(ع) نقل فرموده که فرمودند: «برای پیامبر اکرم(ص) سَرّی بود که آن را به افراد اندکی تعلیم داد و فرمود: من (علی(ع)) نیز می گویم - لعنت خدا و پیامبران و انبیاء و صالحان در گاهش بر کسی باد که این سرّ فرستاده شده از جانب خداوند متعال را به غیر از افراد راستگو و ثقه، افشا کند. سر او را کتمان کنید. من از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: ای علی قسم به خدا هر آنچه که می گویم (ادعیه السّر) خود با دو گوش و قلبم شنیدم و با چشمانم دیدم. اگر کلام خدا نبود، کلام فرستاده ی او یعنی جبرئیل بود، بپرهز از آنکه سرّ من را ضایع کنی (و به غیر اهلش تعلیم نمایی) من از خدا خواستم که هر که سرّ من را ضایع کرد، عذاب جهنم را بر او بچشاند. آگاه و هوشیار باش، بسیاری از مردم اگرچه عبادتشان اندک است اما اگر بدانند من به تو چه آموخته ام (و بخوانند) از برترین عبادت کنندگان و مجتهدین خواهند بود، اگر نبود طغیان کنندگان این امت، این سر را (برای همه) نشر میدادم اما تو نمی دانی که دین در آن هنگام (طاغیان هستند) تغییع خواهد شد. دوستدارم فقط آنرا به راستگویان برسانی....

امیدواریم که عزیزانی که این مجموعه ادعیه مقدس را در اختیار گرفتند، حتی الامکان از افشای آن نزد دیگران که اعتماد به ایمان و اعتقاد آنها برای استفاده از این کلمات نورانی ندارند، پرهیزند. و اما 31 بند از ادعیه السر:

1 جهت آمرزش گناه بزرگ

یا محمد! بگو به کسی که یک گناه بزرگی از امت کرده از بین رفتن آن و پاکی از آن را خواهد، باید بدن و جامه اش را برای من طاهر کند و به بیابان (نه غصبی) بیرون رود رو به قبله کسی اور نبیند دستها را به سویم بر دارد که بین من و او پرده ای نباشد و بگوید:

«بَا وَاسِعًا بِحُسْنِ عَائِدَتِهِ، وَيَا مُلْبِسًا فَضْلَ رَحْمَتِهِ، وَيَا مُهَيِّبًا لِسِدَّةِ سُلْطَانِهِ، وَيَا رَاحِمًا بِكُلِّ مَكَانٍ ضَرِيرًا أَصَابَهُ الضَّرُّ فَخَرَجَ إِلَيْكَ مُسْتَغِيثًا بِكَ آيِبًا إِلَيْكَ هَائِبًا لَكَ يَقُولُ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَلِمَغْفِرَتِكَ خَرَجْتُ إِلَيْكَ أَسْتَجِيرُ بِكَ فِي خُرُوجِي مِنَ النَّارِ وَبِعِزِّ جَلَالِكَ تَجَاوَزْتُ فَتَجَاوِزْ يَا كَرِيمٌ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَسَمَّيْتَ بِهِ وَجَعَلْتَهُ فِي كُلِّ عَظْمَتِكَ وَمَعَ كُلِّ قُدْرَتِكَ وَفِي كُلِّ سُلْطَانِكَ وَصَيَّرْتَهُ فِي قَبْضَتِكَ وَنُورَتَهُ بِكِتَابِكَ وَالْبَسْتَهُ وَقَارًا مِنْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَطْلُبُ إِلَيْكَ (أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) أَنْ تَمْحُو عَنِّي مَا أَتَيْتَكَ بِهِ (بیدی) وَانْزِعْ بَدَنِي عَنْ مِثْلِهِ فَإِنِّي بِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعْتَصِمُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ الْأُمُورِ كُلِّهَا مُؤْمِنٌ هَذَا اعْتِرَافِي لَكَ فَلَا تَخْذُلْنِي وَهَبْ لِي عَافِيَةً وَأَنْجِنِي مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ (الَّذِي) هَلَكْتُ (فِيهِ) فَتَلَاَفْتِي بِحَقِّ حُقُوقِكَ كُلِّهَا يَا كَرِيمٌ».

پس حق این است که اگر به آنچه تو را به آن امر کردم غیر مرا نخواهد اورا از این کبیره اش خالص نمایم حتی آن را بیمارزم و او را همیشه از آن پاک کنم به جهت این که تو اسمائی آموختم که با آنها خوانده را پاسخ دهم.

2 جهت آمرزش گناهان غیر کبیره

یا محمد! هرکس از امت گناه غیر کبیره اش زیاد شد حتی به زیادی شهرت یافت و بر آوردن دوباره ناراحت بود پس هنگام طلوع فجر (اذان صبح) یا قبل از غروب باید با اعتماد رو به سوی من کند و بگوید:

«یا رَبِّ یا رَبَّ فَلانُ بَنِ فلان (نام خود و پدر را بگوید) عَبْدُکَ شَدیدٌ حَیائُهُ لِتَعَرُّضِهِ لِرَحْمَتِکَ، لا صِرارَهُ عَلَی ما نَهَيْتَ عَنْهُ مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ یا عَظِيمُ إِنَّ عَظِيمَ ما آتَيْتَ بِهِ لا یَعْلَمُهُ غَیْرُکَ قَدْ شَمَتَ بَی فیهِ الْقَرِیبُ وَالْبَعیدُ وَاسْلِمْنِی فیهِ الْعَدُوَّ وَالْحَبِیبُ وَالْقَیْتُ بِیَدِی إِلَیکَ طَمَعاً لِأَمْرِ وَاحِدٍ وَطَمَعِی ذَلِکَ فی رَحْمَتِکَ فَارْحَمْنِی یا ذالْ رَحْمَةٍ الْوَاسِعَةِ وَتَلَفِنی بِالْمَغْفِرَةِ وَالْعِصْمَةِ مِنَ الذُّنُوبِ إِنِّی إِلَیکَ مُتَضَرِّعٌ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُرْسِلُ أَقْدامَ حَمَلَةٍ عَرْشِکَ ذِکْرُهُ وَتَرْعُدُ لِسَماعِهِ أَرْکانُ الْعَرْشِ إلی أَسْفَلِ النُّحُومِ اِنِّی أَسْأَلُکَ بِعِزِّ ذَلِکَ الْاسْمِ الَّذِی مَلَأَ کُلَّ شَیْءٍ دُونِکَ إِلَّا رَحْمَتِی (یا رَبِّ) بِاسْتِجارَتِی إِلَیکَ بِاسْمِکَ هَذا یا عَظِيمُ اَتِیْتُکَ بِکِذا وَکِذا، (وَأَنْ گناهی که کرده نام برد) فَاعْفِرْ لی تَبِعْتَهُ وَعافِنی مِنْ إِسْاعَتِهِ (اتباعه) بَعْدَ مَقامِی هَذا یا رَحِیمُ»

پس زمانی که آن را گفت گناهانش را به نیکی بدل کنم و دعایش را مستجاب کنم و خواهش او را برآورم.

3 جهت اسلام آوردن کافر

یا محمد! هر کس کافر باشد و قصد توبه و ایمان نماید باید بدن و جامه اش را برای من پاک کند و رو به قبله نماید و پیشانیش را برایم به سجده نهد زیرا بین من و او پرده نیست آنگاه این دعا را بگوید:

«یا مَنْ تَغَشَّى لِباسَ النُّورِ السَّاطِعِ الَّذِی اسْتِضاءَ بِهِ أَهْلُ سَمَواتِهِ (وَأَرْضِهِ) وَیا مَنْ خَزَنَ رُؤِیْتَهُ عَنْ کُلِّ مَنْ هُوَ دُونُهُ وَ کَذَلِکَ یَنْبَغِی لِوَجْهِهِ الَّذِی عَنَّتْ وَجُوهُ الْمَلَائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ لَهُ إِنَّ الَّذِی کُنْتُ لَکَ فیهِ مِنْ عَظَمَتِکَ جَاهِداً أَشَدُّ (أَشْرُ) مِنْ کُلِّ نِفاقٍ فَاعْفِرْ لی جُحُودِی فَإِنِّی اَتِیْتُکَ تائِباً وَها اَنَا ذَا أَعْتَرَفْتُ لَکَ عَلَی نَفْسِی بِالْفِرِیَةِ عَلَیکَ فَادِّیا أَمَهَلْتَ لی فی الْکُفْرِ ثُمَّ خَلَصْتَنی مِنْهُ فَطَوَّقْنِی حُبَّ الْإِیمانِ الَّذِی أَطْلَبُهُ مِنْکَ بِحَقِّ مالِکٍ مِنَ الْأَسْماءِ الَّتِی مَنَعْتَ مِنْ دُونِکَ عِلْمَها بِعَظَمِ شَأْنِها وَ شِدَّةِ جَلالِها وَ بِالْإِسمِ الْواحِدِ الَّذِی لا یَبْلُغُ أَحَدٌ صِفَةً کُنْهِهِ وَ بِحَقِّها کُلُّها أَجِرْنی أَنْ أَعُودَ أَلِی الْکُفْرِ بِکَ سَبْحانَکَ لا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ غُفْرانَکَ إِنِّی مِنْ الظَّالِمِینَ»

4 ختم دعا جهت هم وغم بزرگ

یا محمد! هر کس از امت اندوهش زیاد شد پنهان باید مرا بخواند و بگوید:

«یا جالیَ الْأَحْزَانِ ویا مُوسِعَ الضِّيقِ ویا اُولی بَخْلِهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ویا فاطِرَ تِلْکِ النُّفُوسِ وَمُلْهُمَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا نَزَلَ بِي یا فَارِجَ أَلَمِ ضُقَّتْ بِهِ دِرْعاً وَصَدْرًا حَتَّى خَشِيتُ أَوْ أَكُونُ غَرَضَ فِتْنَةٍ یا اللَّهُ وَبِذِکْرِ تَطْمِئِنَّ الْقُلُوبُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ (والابصار) قَلْبَ قَلْبِی مِنْ الِهُمُومِ اِلَى الرُّوحِ وَالِدَّعَةِ وَلَا تَشْغَلْنِی عَنْ ذِکْرِکَ بِتَرْکِ بِي مَا الِلهُمُومِ اَنْتَ الْيَکَ مُتَضَرِّعُ اسئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی لَا یُوصَفُ اِلَّا بِالْمَعْنٰی لِكِتْمَانِکَ هُوَ فِی غِیُوبِکَ ذَاتِ النُّورِ اَجَلِ بِحَقِّهِ اِحْزَانِی وَاشْرَحْ صَدْرِی بِکَشُوطِ مَا بِي الِهِمِّ یا کَرِیْمُ.»

پس حق این است که چون آن را گوید متولی او می‌شوم اندوهایش را بردارم پس هرگز به آن بر نگردد.

5 جهت چاره فقر بسیار سخت

یا محمد! هر کس از امت قفر کوبنده در دنیا به او رسد واز آن عافیت خواهد به سوی من آید و بگوید:

«یا مَحَلَّ کُنُوزٍ بِالْعَائِدَةِ اِلَیْهِمْ وَالنَّظَرِ لَهِمْ یا اللَّهُ لَا یَمْسِیْ غَیْرَکَ اِلَیْهَا اِنَّمَا اِلَهِهُ کُلُّهَا مَعْبُودَةٌ دُونَکَ بِالْفَرِیَةِ وَالْکَذْبِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ یا سَادَّ الْفَقْرِ ویا جَابِرَ (الکسیر ویا کاشف) الضَّرِّ ویا عَالِمَ السَّرَائِرِ (صل علی محمد و آله و) اَرْحَمَ هَرَبِی الْیَکَ مِنْ فَقْرِی اسئَلُکَ بِاسْمِکَ الْحَالِ فِی غِنَاکَ الَّذِی لَا یَفْتَقِرُ ذَاکِرُهُ اَبَدًا اِنْ تَعِیْذَنِی مِنْ لَزُومِ فَقْرِ اَنْسِیْ بِهِ الدِّینَ اَوْ بِسُوءِ غِنَیِّ افْتَتَنَ بِهِ عَنِ الطَّاعَةِ بِحَقِّ نُورِ اَسْمَائِکَ کُلِّهَا اَطْلُبْ اَیْکَ مِنْ رِزْقِکَ کَفًا فَاللدنیا تعصم به الدین لا اجدلی غیرک مقادیر الارزاق عندک فانفعی من قدر تک فیها بما تنزع به ما نزل بی من الفقر یا غنی (یا مجیب)».

زمانی که آن را بگوید فقر از دلش کنده شود و او را به توانگری بپوشانم و او را از اهل قناعت گردانم.

6 برای رفع مصائب شدید

یا محمد! هر کس از امت در نفس یا دینش یا دنیايش یا اهلش یا مالش مصیبت رسید پس فراخی آن را دوست دارد باید آن را به من فرود آورد و بگوید:

«یا مُمْتَنًّا عَلٰی اَهْلِ الصَّبْرِ بِتَطْوِيقِكُمْ بِالذَّعَةِ الَّتِي ادْخَلْتَهَا عَلَيْهِمْ بِطَاعَتِكَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ فَدَحْتَنِيْ مُصِيبَةً فَتَنَّتْنِيْ وَاعَيْتَنِي الْمَسَالِكُ لِلْخُرُوجِ مِنْهَا وَاضْطَرَّنِي الْيَكَّ الطَّمَعُ فِيْهَا مَعَ حَسَنِ الرَّجَاءِ لَكَ فِيْهَا فَهَرَبْتُ الْيَكَّ بِنَفْسِيْ وَانْقَطَعْتُ الْيَكَّ لِضَرِيْ وَرَجَوْتُكَ لِدُعَائِيْ قَدْ هَلَكْتُ فَاعْثِنِيْ وَاجْبُرْ مُصِيبَتِيْ بِجَلَاءِ كَرِبِهَا وَادْخَالَكَ الصَّبْرَ عَلَيَّ فِيْهَا فَانْكَرَ اَنْ خَلَيْتَ بَيْنِيْ وَبَيْنَ مَا اَنَا فِيْهِ هَلَكْتُ فَلَا صَبْرَ لِيْ يَا ذَا الْاِسْمِ الْجَامِعِ (الَّذِي) فِيْهِ عَظِيْمُ الشُّوْنِ كُلُّهَا بِحَقِّكَ وَاعْثِنِيْ بِتَفْرِيجِ مُصِيبَتِيْ عَنِّيْ يَا كَرِيْمُ»

پس زمانی که این ها را گفت صبر را به او الهام کنم و شکر را به گردن او اندازم و از مصیبت با جبران آن فرج دهم.

7 جهت ترس از ظالم و سلطان و خصم دزد

یا محمد! و کسی که از چیزی غیر من از مکر دشمنان و دزد بترسد باید در مکانی که می ترسد بگوید:

«يَا اخِذَا بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَ السَّافِعِ بِهَا اِلَى قَدَرِهِ وَ الْمُنْفِذِ فِيْهَا حُكْمَهُ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا غَالِبًا وَ كُلُّهُمْ ضَعِيفٌ عِنْدَ غَلَبَتِهِ وَ ثِقَتٌ بِكَ يَا سَيِّدِيْ عِنْدَ قُوَّتِهِمْ اَنِيْ مَكِيُوْدٌ لِضَعْفِيْ لِقُوَّتِكَ عَلٰى مَنْ كَادَتْنِي تَعَرَّضْتُ لَكَ فَاسَلَّمْنِي مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ فَاِنْ حُلْتُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنِيْ فَذَلِكْ اَرْجُوهُ مِنْكَ وَ اِنْ اَسَلَمْتَنِيْ اَلَيْهِمْ غَيِّرُوا مَا بِيْ مِنْ نِعْمِكَ يَا خَيْرَ الْمُنْعَمِيْنَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ تَغْيِيْرَ نِعْمَتِكَ عَلٰى يَدِ اَحَدٍ سِوَاكَ وَلَا تَغْيِرْهَا اَنْتَ بِيْ فَقَدْ تَرٰى الَّذِيْنَ يُرَادُّ بِيْ فَحُلْ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا بِيْ تَسْتَجِيبُ الدَّعَا يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ»

پس چون اینها را گفت او را بر دشمنانش یاری کنم و او را حفظ نمایم.

8 جهت ترس از درنده و گزنده

یا محمد! و کسی که ترسد از چیزی از آن چه در زمین است از درنده یا گزنده باید در جایی که می ترسد بگوید:

«یا ذاری ما فی الارض کُلُّها بِعِلْمِهِ بِعِلْمِکَ یَکُونُ ما نَکُونُ مِمَّا ذَرَاتُ لَکَ السُّلْطَانُ عَلٰی ما ذَرَاتٌ و لَکَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلٰی کُلِّ شَیْ (مَنْ) دُونَکَ یا عَزِیزُ یا مَنِیعُ اَنْتَی اَعُوذُ بِقَدْرَتِکَ عَلٰی کُلِّ شَیْ مِنْ کُلِّ شَیْ بِضَرٍّ مِنْ سُبُعٍ اَوْ هَامِئٍ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ یا خَالِقِها بِفَطْرِتِہ (صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) اِدَارِها غَنّٰی و اَحْزَها و لا تَسْلُطْها عَلٰی و عافٰنِی مِنْ شَرِّها و باسِها یا اَللّٰہُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِیمِ اَحْفَظْنِی بِحَفِظِکَ مِنْ مَخَافِی یا رَحِیم.»

پس چون این را بگوید اورا جنبندگان زمین که دیده شوند و دیده نشوند ضرر نمیزنند.

9 چاره آجنه و شیاطین

یا محمد! و هر کس از آن چه در زمین است بترسد از جن و شیطان هنگامی که ترس بر او داخل شود بگوید:

«یا اَللّٰہُ الا لَہُ الْاَکْبَرُ الْقَاهِرُ بِقَدْرَتِہ جَمِیعَ عِبَادِہ و الْمَطَاعُ لِعَظَمَتِہ عِنْدَ کُلِّ خَلِیقَتِہِ وَالْمَمْضٰی مَشِیتَہ لِسَابِقِ قَدْرَتِہ اَنْتَ تَکَلِّلُا ما خَلَقْتَ بِاللَّیْلِ وَ النَّہَارِ و لا یَمْتَنِعُ مِنْ اَرَدْتُ بِہ سَوءٌ بِشِی دُونَکَ مِنْ ذَلِکَ السَّوءِ و لا یَحُولُ اَحَدٌ دُونَکَ بَیْنَ اَحَدٍ و ما تُزِیدُ بِہ مِنْ الْخَیْرِ کُلِّ ما یَری و ما یُری فِی قَبْضَتِکَ وَ جَعَلْتَ قَبائِلَ الْجَنِّ وَ الشَّیْطَانِ یَروُنَا و لا نَراهُم و انا لَکِیدِہِم خائِفٌ (صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) فَاَمْنِی مِنْ شَرِّہِم و بِأَسِہِم بِحَقِّ سُلْطَانِکَ الْعَزِیزِ یا عَزِیزُ»

پس چون این را بگوید به او از جن و شیاطین بدی هرگز نرسد.

10 جهت رفع ترسی از سلطان و طلب حاجت از او

یا محمد! هر کس از سلطنتی ترسد یا به سوی او طلب حاجت خواهد هنگامی که بر او وارد می شود بگوید:

«یا ممکن هذا مما فی یدیه و مسلطه علی کل من دونه و معرضه فی ذلک لامتحان دینه علی کلی من دونه انه یسطو بمرجه فیما اتیتہ من الملک و یجوز فینا یتجبر بافتخاره بالذی ابتلیتہ به من التعظیم عند عبادک اسئلك ان تسلبه ما هو فیہ انت بقوة لا امتناع له منها عند ارادتک فیہا انی امتنع من شر هذا بخیرک و اعوذ من قوته بقدرتک اللہم (صل علی مُحَمَّد وَاٰلِهٖ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ) و اذفعه عنی و آمنی من حذاری منه بحق وجهک و عظمتک یا عظیم (یا مُحَمَّد)» و زمانی که از او بخواهد حاجت بطلبد بگوید: «یا من هو اولی بهذا من نفسه و یا اقرب الیه من قبله و یا اعلم به من غیره و یا رازقه مما هو فی یدیه مما احتاج الیه الیک اطلب و بک اتشفع لنجاح حاجتی فخذلی حین اکلمه بقلبه فاغلبه لی حتی ابتز منه حوائجی کلها عن درى بلا قضاء الحاجه و اقض لی طلبی فی الذی قلبه و خذه لی فی ذلک اخذ عزیز مقتدر بحق قدرتک الّتی غلبت بها العالمین»

پس چون این را گوید حاجتش را بر آورم و اگر چه در نفس کسی باشد که از او طلب کرده.

11 جهت رضای خدا

یا محمد! و کسی که بدو کار همت کند و دوست بدارد آنچه را که خوشنودی من در آن است پس او را به آن ملزم کنم. هنگامی که قصد می کند این را بخواند:

«اللّٰهُمَّ اختر لی بعلمک و وفقنی بعلمک لرضاک و مَحَبَّتِکَ اللّٰهُمَّ اختری بقدرتک و جنینیبعزتک (و قدرتک من) مقتیک و سخطک اللّٰهُمَّ اختری فیما ارید من هذین الامرین (نام آن دورا بگوید) احبما الیک و ارضا هما لک و اقربهما منک اللّٰهُمَّ انی اسئلك بالقدرة الّتی زویت بها علم الاشیاء عن جمیع خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و اُغلب بالی و هوای و سریرتی و علانیتی باخذک و اسفع بناصیتی الی ما تراہ لک رضی ولی صلاحا فیما استخیرک فیہ حتی تلزمنی من ذلک امرأ ارضی فیہ بحکمک و اتل فیہ علی قضائک و اکتفی فیہ بقدرتک و لا تقلبنی و هوای لہواک مخالف و ما ارید لما ترید لی بجانب اُغلب بقدرتک الّتی تقضی بها ما احببت لہواک هوای و یسرنی للیسری الّتی ترضی بها عن صاحبها و لا تخذلنی بعد تقویضی الیک امری برحمتک الّتی وسعت کل شی اللّٰهُمَّ اوقع خیرتک فی قلبی و افتح قلبی للزومها یا کریم آمین»

12 برای رفع امراض

یا محمد! به کسی که عارضه ای از بلا و مرض به او برسد باید به سوی من بیاید و بگوید:

«یا مُصَحِّحِ اَبْدَانِ مَلَأْتَكْتِهْ ویا مفرغِ تِلْكَ الْاَبْدَانِ لِطَاعَتِهْ ویا خَالِقِ الْاَدَمِيَّيْنِ صَحِيحاً وَ مُبْتَلَى ویا معرَضَ اهلِ السَّقَمِ واهلِ الصَّحَّةِ لِلْاَجْرِ وَالْبَلِيَّةِ ویا مداوِیَ الْمَرْضَى وَشَافِيَهُمْ (و یا مصحح اهل السقم بالباسِهم عافيتُهُ) بِطَبِّهِ ویا مفرجَ عَنْ اهلِ الْبَلَاءِ بِلَايَهُمْ بِتَحْلِيلِ رَحْمَتِهْ قَدْ نَزَلَ بِي مِنَ الْاَمْرِ مَا رَفَضَنِي فِيهِ اقَارِبِي وَ اهلِ الصَّدِيقِ وَ الْبَعِيدِ وَ مَا شَمُتَ بِي فِيهِ اَعْدَائِي حَتَّى صَرْتُ مَذْكُوراً بِبَلَائِي فِي افْوَاحِ الْمَخْلُوقِينَ وَ اَعِيتَنِي اِقَاوِيلُ اهلِ الْاَرْضِ لِقَلَّةِ عِلْمِهِمْ بِدَاوَاءِ دَائِي وَ طِبِّ دَوَائِي فِي عِلْمِكَ عِنْدَكَ مُثَبَّتٌ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِي بِطَلِبِكَ فَلَا طَيِّبَ اَرْجَى عِنْدِي مِنْكَ وَلَا حَمِيمَ اَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْكَ عَلَيَّ قَدْ غَيَّرْتَ بِلَيْتِكَ نَعْمَكَ عَلَيَّ فَحَوَّلَ ذَلِكَ عَنِّي اِلَى الْفَرْجِ وَالرَّخَاءِ فَانْكَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ اَرْجِهْ مِنْ غَيْرِكَ مَا نَفَعْنِي بِطَلِبِكَ وَ دَاوَنِي بِدَوَائِكَ يَا رَحِيمٌ»

پس زمانی که آنرا بگوید از اوزیانش را برگردانم و از آن عافیت بخشم.

13 جهت چاره قحطی

یا محمد! هرگاه قحطی برای امتت فرود آید باید همگی به سویم نعره زنند و ناله کنند و جور کننده ی آنها هم باید نعره کشد و بگوید:

«یا معیننا عَلَی دیننا باحیائه انْفُسَنَا بِالذِّی نَشَرَ عَلَیْنَا مِنْ رِزْقِهْ نَزَلَ بِنَا اَمْرٌ عَظِیمٌ لَا یَقْدِرُ عَلَی تَفْرِیجِهْ غَنَّا غَیْرَ مُنْزَلِهْ یا مَنْزِلَهْ عَجَزَ الْعِبَادُ عَنْ فَرْجِهْ فَقَدْ اَشْرَفَتْ الْاَبْدَانُ عَلَی الْهَلَاكِ وَاِذَا هَلَكَ الْاَبْدَانُ هَلَكَ الدِّینُ یا دَبَانَ الْعِبَادِ مُدَبِّرَ اُمُورِهِمْ بِتَقْدِیرِ اَرْزَاقِهِمْ لَا تَحُولَنَّ (بشی) بَیْنَنَا وَبَیْنَ رِزْقِكَ وَهَنُنَا مَا اَصْبَحْنَا فِيهِ مِنْ كِرَامَتِكَ لَكَ مُعْتَرِضِينَ قَدْ اَصِيبَ مِنْ لَا ذَنْبَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ بِذُنُوبِنَا (فصل) عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (وَ اَرْحَمَنَا بِمَنْ جَعَلْتَهُ اَهْلاً لِذَلِكَ حَیْنَ تَسْأَلُ بِهِ یا رَحِیمُ لَا تَحْبِسْ عَنْ اهلِ الْاَرْضِ مَا فِی السَّمَاءِ وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَكَ وَ ابْسُطْ عَلَیْنَا بِقَبُولِكَ وَ عَافِنَا مِنَ الْفِتْنَةِ فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ شَمَاتَةَ الْقَوْمِ الْكَافِرِیْنَ

يَا ذَالْنَفْعِ وَالضَّرَائِكَ إِن أَنْجَيْتَنَا قَبْلَ تَقْدِيمِ مَنَّا لِأَعْمَالِ حَسَنَةٍ وَلَكِنْ لَا تَمَامَ مَا بِنَا مِنَ الرَّحْمَةِ (وَالنِّعْمَةِ) وَ
إِنْ رَدَدْتَنَا قَبْلَ ظَلَمٍ (مِنْكَ) لَنَا وَلَكِنْ بَجَانِيتِنَا فَاعْفُ عَنَّا قَبْلَ أَنْصَرَفِنَا وَاقْلِبْنَا بِإِنجَاحِ الْحَاجَةِ يَا عَظِيمُ»

پس حق آن است اگر (گوینده) کسی را غیر از من از آن چه تورا امر کرده اراده نکرده باشد برای اهل
آن شهر سختی را به آسایش تبدیل کنم و ترس را به ایمنی و سختی را به توانگری و این برای آن است
که تورا دعای بزرگی تعلیم کردم.

14 جهت سلامتی سفرو طلب حاجت

یا محمد! هر کس قصد خروج از اهلش برای حاجتی (مکه و کربلا و غیره) یا سفری دارد و دوست بدارد که
اورا سالم با برآمدن حاجتش برگردانم باید هنگام خروج از خانه اش بگوید:

« بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجِي وَبِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَقَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرَجَ خُرُوجِي وَقَدْ أَحْصَى عِلْمُهُ مَا فِي مَخْرَجِي وَ
مَرَجَعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْكَبِيرِ تَوَكَّلْتُ مَفُوضٌ إِلَيْهِ أَمْرُهُ وَمُسْتَعِينٌ بِهِ عَلَى شَوْنِهِ مُسْتَزِيدٌ مِنْ فَضْلِهِ
مُبْرِي نَفْسُهُ مِنْ كُلِّ حَوْلٍ وَمِنْ كُلِّ قُوَّةٍ إِلَّا بِهِ خُرُوجَ ضَرِيرٍ (ضَعِيفٍ) خَرَجَ بَضْرِهِ إِلَى مَنْ يَكْشِفُهُ وَخُرُوجَ
فَقِيرٍ خَرَجَ بِقَرِهِ إِلَى مَنْ سَدَهُ وَخُرُوجَ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَيْلَتِهِ إِلَى مَنْ يُغْنِيهَا وَخُرُوجَ مَنْ رُبَّهُ أَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَاعْظَمُ
رَجَائِهِ وَأَفْضَلُ أَمْنِيَّتِهِ اللَّهُ ثِقَتِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا بِهِ فِيهَا جَمِيعاً اسْتَعِينُ وَلَا شَيْءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي
عِلْمِهِ اسْأَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمُخْرَجِ وَالْمُدْخِلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»

پس زمانی که این را بگوید در هر جا داخل شود و بیرون آید با شادی به او روی می آورم و او را سالم
برگردانم.

15 استجابت دعا و رفع مانع

یا محمد! هر کس از امتت بخواهد که بین دعای او و بین من حائلی نباشد و او را برای هر امری که خواهد اجابت نمایم چه بزرگ و یا کوچک باشد در نهان و آشکار به سوی من یا به سوی غیر من باید آخر دعایش بگوید:

«یا الله بِقُدْرَتِهِ خَلَقَهُ وَالْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانُهُ وَالْمُتَسَلِّطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ (وَالْمَمْسِكُ بِهَا مَا فِي يَدَيْهِ) كُلُّ مَرْجُو دُونَكَ يَخِيبُ رَجَاءُ رَاحِيَةٍ وَ رَاحِيَكُ مَسْرُورٌ لَا يَخِيبُ اسْئَلُكَ بِكُلِّ رَضَى لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ تَحِبُّ أَنْ تُذَكَّرَ بِهِ وَ بِكَ يَا اللهُ فَلَيْسَ يَعْدُ لَكَ شَيْءٌ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَنْ تَخُوْطُنِي وَ وَالِدِي وَوَالِدِي وَآخَوَاتِي وَمَالِي بِحِفْظِكَ وَ تَقْضِي حَاجَتِي فِي كَذَا وَكَذَا»

(حاجت را بگوید پس زمانی که آن را گفت حاجتش را بر آورم پیش از برخاستن از جایش)

16 دعای تقرب به خداوند متعال

یا محمد! و هر کس بخواهد طلب کند چیزی را که بندگان به سویم تقرب می جویند (مانند حج یا کارهای عام المنفعه) باید هنگامی که آن را قصد می کند بگوید:

«يَا دَالِّنَا عَلَى الْمَنَافِعِ لِأَنفُسِنَا مِنْ لُزُومِ طَاعَتِهِ وَبِأَهَادِينَا لِعِبَادَتِهِ الَّتِي جَعَلَهَا سَبِيلًا إِلَى دَرَكِ رِضَاهُ إِنَّمَا يَفْتَحُ الْخَيْرَ وَلِيَّهُ يَا وَلِيَّ الْخَيْرِ قَدْرَاتُ كَذَا وَكَذَا (نام آن کار را ببرد)، وَلَمْ أَجِدْ إِلَيْهِ بَابَ سَبِيلٍ مَفْتُوحًا وَلَا نَا هِجَ طَرِيقٍ وَاضِحٍ وَلَا تَهِيئَةَ سَبَبٍ تَيْسِّرُ (يسير) اَعِيتَنِي فِيهِ جَمِيعَ أُمُورِي كُلِّهَا فِي الْمَوَارِدِ وَالْمَوَادِرِ وَأَنْتَ وَلِيَّ الْفَتْحِ لِي بِذَلِكَ لِأَنَّكَ دَلَلْتَنِي عَلَيْهِ فَلَا تَحْظَرُهُ عَنِّي وَلَا تَجْبِهْنِي عَنْهُ بَرْدٍ فَلَيْسَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرُكَ وَ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا عِنْدَكَ اسْئَلُكَ بِمِفَاتِحِ غِيُوبِكَ كُلِّهَا وَ جَلَالِ عَمَلِكَ كُلِّهِ وَعَظِيمِ شَأْنِكَ كُلِّهِ اِقْرَارِ عَيْنٍ وَافْرَاحِ قَلْبِي وَتَهْنِيتِكَ أَيَّامِي (باسباغ) نِعْمَكَ عَلَيَّ بِتَسْيِيرِ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَنَسْخِكِهَا فِي حَوَائِجِ مَنْ يَسْخَتْ حَاجَتُهُ مَقْضِيَةً لَا تَقْبَلُنِي بِحَقِّكَ عَنْ اعْتِمَادِي لَكَ إِلَّا بِهَا فَأَنْتَ أَنْتَ الْفَتْاحُ بِالْخَيْرَاتِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَيَا فَتَاحُ يَا مَدْبِرُ (صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) هَيِّئْ لِي تَيْسِيرَ سَبَبِهَا وَسَهْلَ عَلَى بَابِ طَرِيقِهَا وَافْتَحْ لِي مِنْ عِنَاكَ بَابَ مَدْخُلِهَا وَلِيَنْفَعْنِي جَارِي بِكَ فِيهَا يَا رَحِيمُ»

پس زمانی که این را گفت برایش باب خیر را با رضایت از او باز کنم و او را دوست خود گردانم.

17 برای پاک شدن از صفات رذیله حسد و کینه

یا محمد! و هر کس خواهد از امت تو که او را از اینکه وحسد و ریاء و پرده دری عافیت بخشم باید هنگامی که اذان می شنود بگوید:

«یا مُطْفِی الْاَنْوَارِ بِنُورِهِ وِیا مَانِعِ الْاَبْصَارِ مِنْ رُؤْیَتِهِ وِیا مُحِیْرَ الْقُلُوبِ فِی شَأْنِهِ اِنَّكَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ یَطْهَرُ یَطْهَرُكَ مَنْ طَهَّرْتَهُ بِهَا وَلَیْسَ مِنْ دُونِكَ اَحَدٌ اَحْوَجُ اِلَى تَطْهِیرِكَ اِیَّاهُ مِنْی لِدِیْنِی وَبَدَنِی وَقَلْبِی فَاِیَّهٗ حَالٌ كُنْتُ فِیْهَا مُجَانِباً لَكَ فِی الطَّاعَةِ الْهَوٰی وَالْهَوٰی فَالْزَمْنِی وَاِنْ كَرِهْتَ حَبَّ طَاعَتِكَ بِحَقِّ مَحَلِّ جَلَالِكَ مِنْكَ حَتّٰی اِنَالَ فَضِیْلَةَ الطَّهَرَةِ مِنْكَ لِجَمِیْعِ شِئُوْنِی رَبِّ (صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ) وَاجْعَلْ مَا طَهَّرْتُ مِنْ طَهْرَتِكَ عَلٰی بَدَنِی طَهْرَةً خَیْرَ حَتّٰی تَطْهَرَ بِهٖ مِنْی وَاَكُنْ فِی صَدْرِی وَاخْفِیْهِ فِی نَفْسِی وَاجْعَلْنِی عَلٰی ذٰلِكَ اَحْبَبْتُ اَمْ كَرِهْتُ وَاجْعَلْ مُحَبَّتِی تَابِعَةً لِمُحَبَّتِكَ وَاشْغَلْنِی بِنَفْسِی عَنْ كُلِّ مَنْ دُونَكَ شُغْلًا یَدُومُ فِیْهِ الْعَمَلُ بِطَاعَتِكَ وَاشْغَلْ غَیْرِی عَنِّی لِّلْمَعَاْفَةِ مِنْ نَفْسِی وَمِنْ جَمِیْعِ الْمَخْلُوْقِیْنَ.»

پس زمانی که این را بگوید حب اولیائهم را با بغض دشمنانم به او لازم نمایم و او را کفایت کنم آن چیزی که بندگان صالح را کفایت می کنم.

18 برای برآمدن حاجات درونی

یا محمد! کسی که برایش راز درونی باشد در دل شب مرا تنها بخواند و با طهارت بگوید:

«یا اللهُ مَا اَجِدُ اَحَدًا اِلَّا اَنْتَ وَ اَنْتَ رَجَائُهُ وَ مِنْ اَرْجٰی خَلْقِكَ لَكَ اَنَا یا اللهُ وَ لَیْسَ شَیْ مِنْ خَلْقِكَ اِلَّا وَ هُوَ وَ اِثْقَوٰمِنْ اَوْثَقِ خَلْقِكَ بِكَ اَنَا یا اللهُ وَلَیْسَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اِلَّا وَ هُوَ لَكَ فِی حَاجَتِهِ مُعْتَمِدٌ وَ فِی طَلِبَتِهِ سَائِلٌ وَ مِنْ الْحَفِیْهِمْ سَئُوْالًا لَكَ اَنَا وَ مِنْ اَشَدِّهِمْ اِعْتِمَادًا لَكَ اَنَا لِاَنْیْ اَمْسِیْتُ شَدِیْدًا اَثَقْتُ فِی طَلِبَتِی اِلَیْكَ وَ هِیْ كَذَا وَ كَذَا (و حاجت را بگو) فَاَنْكَ اِنْ قَضِیْتَهَا قَضِیْتُ وَ اِنْ لَمْ تَقْضِهَا لَمْ تَقْضِ اَبَدًا وَ قَدْ لَزَمْنِی مِنَ الْاَمْرِ مَا لَا بَدْلٰی وَ لِذٰلِكَ طَلَبْتُ اِلَیْكَ یا مُنْفِذَ اَحْكَامِهِ بِاَمْضَائِهَا (صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ) وَ اَمْضِ قَضَاءَ حَاجَتِی هَذِهِ بِاِثْبَاتِهَا فِی غُیُوبِ الْاِجَابَةِ حَتّٰی تَقْلِبْنِی حَتّٰی تَقْلِبْنِی بِهَا مُنْجِجًا حِیْثُ كَانَتْ تُغْلِبُ لِی

فِيهَا اِهْوَاءَ جَمِيعِ عِبَادِكَ وَ اَمْنٌ عَلَى اِمَاضَائِهَا وَ تَيْسِيرُهَا (واکفنی مؤنّه تر داده‌ها) وَ نَجَاحِهَا قَيْسِرِهَا لِي
فَإِنِّي مُضْطَرٌّ اِلَى قَضَائِهَا وَقَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ فَاكْشِفْ مَا بِي مِنَ الضَّرِّ بِحَقِّكَ الَّذِي تَقْضِي بِهِ مَا تُرِيدُ.»

زمانی که این را بگویند حاجتش را برآورم پیش از آنکه حرکت کند پس بلید به این کار خود را پاک
سازد.

20 جهت کسب رحمت و ولایت خداوند

یا محمد! همانا علم من رساتر است به بنده از علم به رضای با طاعتم و برای خواهش او را به سوی
محبتم غالب می کنم هر کس خواهد محبت خدا را دریابد پس بگوید:

«يَا مُزِيلَ قُلُوبِ الْمَخْلُوقِينَ عَنْ هَوَاهُمْ اِلَى هَوَاةٍ وَيَا قَاصِرًا افْتَدَةَ الْعِبَادِ لِامْضَاءِ الْقَضَاءِ بِنَافِذِ الْقَدَرِ (اثبت
لي من قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ وَازَالَتِكَ وَقَصْرِكَ عَمَلِي وَبَدَنِي وَاهْلِي) ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ مَعْرِفَتِكَ
وَرَبُوبِيَّتِكَ وَاثْبَتْ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ الْبَرَكَهَ فِي نَفْسِي وَ اَهْلِي وَمَالِي فِي لَوْحِ الْحِفْظِ الْمَحْفُوظِ بِحِفْظِكَ
يَا حَفِيزَ الْحَافِظِ حَفْظُهُ احْفَظْنِي بِالْحِفْظِ الَّذِي جَعَلْتَ مِنْ حَفْظَتِهِ بِهٍ مَحْفُوظًا وَصِيرْ شُؤْنِي كُلِّهَا
بِمَشِيَّتِكَ فِي الطَّاعَةِ لَكَ مِنِّي مَوَاتِيَةٌ وَحُبُّ اِلَى حُبِّ اِلَى حُبِّ مَا تُحِبُّ مِنْ مَحَبَّتِكَ اِلَى فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا
وَ اَحْيِنِي عَلَى ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا وَتُوفِنِي عَلَيْهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اَحْبَبْتُ اِمَّ كَرِهْتُ يَا رَحِيمُ.»
پس زمانی که این را بگویند در دینش فتنه ای نبیند و طاعت من و رضایت من هرگز بر او ناگوار نیاید.

21 جهت تأمین حفاظت خداوند و کمک او

یا محمد! هر کس از امت تو رحمت و برکات و رضوان تعطف و قبولی و ولایت و اجابت مرا دوست دارد باید
هنگام زوال شمس (ظهر) یا زوال شب (نزدیک به اذان صبح) بگوید:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ جُمْلَتُهُ وَتَفْصِيلُهُ كَمَا اسْتَحْمَدْتَ بِهِ اِلَى اَهْلِهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا كَمَا يَحْمَدُكَ مَنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِيُشْكِرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمِكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا

رضیت به لنفسک و قضیت به علی عبادک حمداً مرغوباً فيه عند اهل الخوف منک لمهابتک ومرهوباً عند اهل العزه بک لسطواتک ومشهوداً (مشکوراً) عند اهل الانعام منک للنعمایک سبحانک متکبراً فی منزله تذبذبت ابصار الناظرین وتحیرت عقولهم عن بلوغ علم جلالها تبارکت فی منازلک العلی کلها وتقدست فی الالاء التي انت فيها اهل الکبرياء لا اله الا انت الکبير الاکبر للفتاء خلقتنا وانت الکائن للبقاء فلا تفنی ولا نبقي وانت العالم بنا ونحن اله العزه بک والعظمه عن شأنک وانت الذی لا تغفل بسنه ولا نوم بحقک یا سیدی اجرنی من تحویل ما انعمت علی به فی الدین والدنیا فی ایام الدنیا یا کریم»

پس این ها را گفت او را کفایت کنم از هر چیزی که بندگان صالح حمد کننده ی شاکرم را کفایت می کنم.

22 جهت ابطال سحر بزرگ

یا محمد! هر کس از امت تو حفاظت و نگهبانی و کمک هزینه ی مرا بخواند نزد بامداد و شبانگاه و خوابش بگوید: «انت ربی وهو الله الذی لا اله الا هو اله کل شی ومنتهی کل علم ووارثه رب کلشی واشهد الله علی نفسی بالعبودیه والذل والصغار واعترف بحسن صنائع الله الی وابوء علی نفسی بقله الشکر واسئل الله فی یومی هذا وفی لیلتی هذه بحق ما یراه له حقاً علی ما یراه منی له رضی وایماناً واخلصاً وورزقاً واسعاً ویقیناً خالصاً بلاشک ولا ارتیاب حسبی الهی من کلشی من هو دونه والله وکیل من کل من سواه آمنت بر علم الا له کله وعلانیته واعوذ بما فی علم الله کله من کل سوء ومن کل شر سبحان العالم بما خلق اللصیف فی المحصی له القادر علیه ما شاء الله لا قوه الا بالله استتغفر والیه المصیر»

پس زمانی که این را بگوید برایش در خلقم جهتی قرار دهم و برای او دلپایشان مهربان کنم و او را در دینش محفوظ گردانم.

23 جهت قبولی نماز و نوافل

یا محمد! براستی که جادو همیشه از قدیم بوده و چنان نیست که به چیزی ضرر زند جز اجازه من پس هر کس دوست دارد از اهل عافیت از جادو باشد (با ضرر نزند) باید بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبِّ مُوسَى وَخَاصَّةً بِكَلَامِهِ وَهَازِمٍ مَنْ كَادَهُ بِسِحْرِهِ بِعَصَاهُ وَمُعِيدَهَا بِهَذَا الْعُودِ ثُعْبَاناً وَمُلْقِفَهَا أَفَكَ أَهْلِ الْإِفْكَ وَمُفْسِدَ عَمَلِ السَّاحِرِينَ وَ مُبْطِلَ كَيْدِ أَهْلِ الْفِسَادِ مَنْ كَادَنِي بِسِحْرِ أَوْ بِضِرِّ عَامِداً أَوْ غَيْرِ عَامِداً أَعْلَمُهُ أَوْ لَا أَعْلَمُهُ وَخَافُهُ أَوْ لَا أَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَوَاتِ عَمَلَهُ حَتَّى تُرْجِعَهُ عَنِّي غَيْرَ نَافِذٍ وَلَا ضَارِّ لِي وَلَا شَامِتٍ بِي إِنِّي أَدْرَأُ بِعَظَمَتِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَاءِ فَكُنْ لِي مِنْهُمْ مُدَافِعاً أَحْسَنَ مُدَافِعَةٍ وَ أَتَمَّهَا يَا كَرِيمُ»

پس زمانی که او این ها را بگوید او را سحر جادوگر جتنی وانسی هرگز زیان نزند.

24 جهت اداء قرض مهم

یا محمد! هر کس از امت تو بخواهد فرائض و نوافل از او قبول شود باید در پی هر نماز واجب و مستحب بگوید:

«يَا شَارِعاً لِمَلَائِكَةِ الدِّينِ الْقِيَمَ دِيناً رَاضِياً بِهِ مِنْهُمْ لِنَفْسِهِ وَيَا خَالِقاً مِنْ سِوَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ خَلْقِهِ لِلْإِبْتِدَاءِ بِدِينِهِ وَيَا مُسْتَخَصَّاً مِنْ خَلْقِهِ لِدِينِهِ رُسْلاً إِلَى مَنْ دُونَهُمْ وَيَا مُجَازِىَ أَهْلِ الدِّينِ بِمَا عَمِلُوا فِي الدِّينِ اجْعَلْنِي بِحَقِّ إِسْمِكَ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَنْسُوبٌ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ دِينِكَ الْمُؤَثِّرِ بِهِ بِالزَّمَانِ حَقَّهُ وَ تَفْرِغِكَ قُلُوبِهِمْ لِلرَّغْبَةِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ فِيهِ إِلَيْكَ لَا تَجْعَلْ بِحَقِّ إِسْمِكَ الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ الْأُمُورِ كُلِّهَا شَيْئاً سِوَى دِينِكَ عِنْدِي أَبِينُ فَضْلاً وَلَا إِلَى أَشَدِّ تَحَبُّباً وَلَا بِي لَا صِقْاً وَلَا أَنَا إِلَيْهِ مُنْقَطِعاً وَ أَغْلِبَ بِالِي وَ هَوَايَ وَ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ اسْفَعْ بِنَا صِيَّتِي إِلَى كُلِّ مَا تَرَاهُ لَكَ مِنْبِي رَضَى مِنْ طَاعَتِكَ فِي الدِّينِ»

پس زمانی که آن را بگوید نوافل و فرائض را از او قبول نمایم و او را در آنها از عجب نگهدارم و به سوی او طاعت و ذکر مرا دوست نمایم.

25 جهت اتمام نعمت و جلب کرامت

یا محمد! برای هر کس از امت تو اندوه بدهی فرا گرفت باید به من فرود آید و بگوید:

«یا مُبْتَلَى الْفَرِيقَيْنِ أَهْلَ الْفَقْرِ وَأَهْلَ الْغِنَى وَجَازِيهِمْ بِالصَّبْرِ فِي الَّذِي ابْتَلَيْتَهُمْ بِهِ يَا مُزَيْنَ حُبِّ الْمَالِ عِنْدَ عِبَادِهِ وَمَلِهِمُ الْإِنْفُسِ الشَّحَّ وَالسَّخَاءَ وَبَا فَاطِرَ الْخَلْقِ عَلَى الْفَظَاظَةِ وَاللَّيْنِ غَمْنِي دِينَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (نام بدهی و طلبکار را ببرد) وَفَضَحْنِي بِمَنِّهِ عَلَيَّ بِهِ وَأَعْيَانِي بَابُ طَلْبَتُهُ أَلَّا مِنْكَ يَا خَيْرَ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ يَا مُفَرِّجَ الْهَوَايِلِ فَرِّجْ هَمِّي وَأَهَاوِيلِي فِي الَّذِي لَزَمَنِي مِنْ دِينَ فُلَانٍ بِتَيْسِيرِكَهُ لِي مِنْ رِزْقِكَ فَاقْضِهِ يَا قَدِيرٌ وَلَا تُهِنِّي بِتَاخِيرِ آدَائِهِ وَلَا بَتَضْيِيقِهِ عَلَيَّ وَيَسِّرْ لِي آدَائَهُ فَإِنِّي بِهِ مُسْتَرْقٍ فَافْكُ رَقِي مِنْ سَعَتِكَ الَّتِي لَا تَبِيدُ وَلَا تَغِيضُ أَبَدًا»

پس او زمانی که این را خواند از او طلبکار را برگردانم و از جانبش به سوی او دین را ادا کنم.

25 جهت اتمام نعمت و جلب کرامت

یا محمد! هر کس دوست دارد که بر او نعمت را تمام کنم و کرامت را گوارا نمایم و او را نزدم آبرومند گردانم باید بگوید:

«يَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبِ أَهْلِ التَّقْوَى وَيَا مُتَوَلِّيهُمْ بِحُسْنِ سِرَائِرِهِمْ وَيَا مُؤْمِنَهُمْ بِحُسْنِ تَعْبُدِهِمْ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا قَدْ أَبْرَمْتَهُ إِحْصَاءً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَدْ آتَقَنْتَهُ عِلْمًا أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي بِتَثْبِيتِ قَلْبِي عَلَى الطَّمَانِينَةِ وَالْإِيمَانِ وَأَنْ تُؤَلِّينِي مِنْ قَبُولِكَ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شِدَّةَ الرَّغْبَةِ فِي طَاعَتِكَ حَتَّى لَا أَبَالِيَ أَحَدَ اسْوَاكَ وَلَا أَخَافُ شَيْئًا مِنْ دُونِكَ يَا رَحِيمٌ»

پس او زمانی که این را بگوید او را از ترسهای که در نفس و دینش و نعمتش حادث شده ایمن گردانم.

26 بهترین اسباب تقرب به خدا

یا محمد! بگو به کسانی که تقرب بسوی مرا می خواهند بعد از نمازهای واجب با این کلمات مرا بخوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يَمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ أَحْسَنَ إِلَيَّ صَنِيعًا مَنَى وَلَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَةً وَلَا عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلًا وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرَفُّقًا وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيَاطَةً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّقًا مِنْكَ عَلَى وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعِدُّونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بِأَنِّي أَشْهَدُكَ بِنَبِيِّهِ صَدَقَ بِأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ فِي

إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَقَلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَتِهِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ طَوَّقْنِي أَمَاناً مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ فِيهِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ (الرَّحْمَةِ) انْظُرْنِي خَيْرَكَ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُقَايِسْنِي بِسَرِيرَتِي وَ امْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصاً وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً أَوْ فَخْرٍ أَوْ ثَاءٍ أَوْ كِبَرِيَا كَرِيمٍ»

پس او زمانی که این را بگوید اورا اهل آسمان هایم دوست بدارند و اورا شکور بنامند.

27 جهت ایمن شدن از سلطان

یا محمد! اگر کسی از امت تو بخواهد که سلطانی برای او نباشد و شرّ او را از او کفایت کنم باید بگوید:

«يَا قَابِضاً عَلَى الْمُلْكِ لِمَادُونَهُ وَ مَانِعاً مِنْ دُونِهِ نَيْلَ شَيْ مِنْ مُلْكِهِ يَا مُغْنِي (مُعِين) أَهْلِ التَّقْوَى بِمَا طَاطَهُ الْأَذَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ لَا تَجْعَلْ وَلَايَتِي فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَ اسْفَحْ بِنَوَاصِي أَهْلِ الْخَيْرِ كُلِّهِمْ إِلَى حَتَّى أَنَالَ مِنْ خَيْرِهِمْ خَيْرَةً وَ كُنْ لِي عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مُعِيناً وَ خُذْ لِي بِنَوَاحِي أَهْلِ الشَّرِّ كُلِّهِمْ (حَتَّى أَعَافِيَ مِنْ شَرِّهِمْ كُلِّهِمْ) وَ كُنْ لِي مِنْهُمْ فِي ذَلِكَ حَافِظاً وَ عَنِّي مُدَافِعاً وَ لِي مَانِعاً حَتَّى أَكُونَ أَمْنًا بِأَمَانِكَ لِي بِوَلَايَتِكَ لِي مِنْ شَرِّ مَنْ لَا يُؤْمِنُ (شَرَّهُ) إِلَّا بِأَمَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

پس زمانی که آنرا بگوید هرگز نیرنگ زننده به او ضرر نزنند.

28 جهت آغاز کار تجارت

یا محمد! کسی که از امت تو بخواهد تجارتش پرسود باشد باید هنگام آغاز به کار بگوید:

«يَا مُرَبِّي نَفَقَاتِ التَّقْوَى وَ مُضَاعِفِهَا وَيَا سَائِقَ الْأَرْزَاقِ سَخَاً إِلَى الْمَخْلُوقِينَ وَ يَا مُفْضِلَنَا بِمَا لَا رَازِقَ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ سُقْنِي وَ وَجْهَتِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنَى عَاصِمٍ شِكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لَتَفْعَنِي بِهِ وَ تَنْفَعَنِي بِهِ مَنِّي يَا مُرَبِّحَ تِجَارَاتِ الْعَالَمِينَ بِطَاعَتِهِ (صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدَ) سُقْ لِي فِي تِجَارَتِي رِزْقاً تَرِزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ الصَّنْعِ فِيمَا ابْتَلَيْتَنِي بِهِ وَ تَمْنَعْنِي فِيهِ (فِي تِجَارَتِي هَذِهِ) مِنَ الطَّغْيَانِ وَ الْقُنُوطِ يَا

خَيْرَنَا شِرْ رِزْقَهُ لَا تَشْمِتْ (عَدُوِّي) بِرَدِّكَ عَلَيَّ دُعَائِي بِالْخُسْرَانِ عَدُوَّ أَلِيَّ وَاسْعِدْنِي بِطَلَبَتِي مِنْكَ وَ
بِدُعَائِي إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ طَيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ) الْاِخْيَارِ وَ اسْمَعْ دُعَائِي
وَ اسْتَجِبْ نِدَائِي إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»

پس زمانی که او این را گفت تجارتش را پرسود نمایم و آنرا برایش زیاد کنم.

29 جهت امان از بلیات

یا محمد! کسی که از امت تو امان از بلاهایم را خواهد استجاب دعا برای دعایش باید هنگامی که اذان
مغرب را می شنود بگوید:

«يَا مُسَلِّطَ نِقْمِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ بِالْخِذْلَانِ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْعَذَابِ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ يَا مُوسِعاً فَضْلَهُ عَلَى أَوْلِيَاءِ
بِعِصْمَتِهِ آيَاتِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَ حُسْنِ عَائِدَتِهِ وَ يَا شَدِيدَ النَّكَالِ بِالْإِنْتِقَامِ وَيَا حَسَنَ الْمُجَازَةِ بِالثَّوَابِ وَيَا
بَارِيَّ خَلْقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَ مُلْزِمِ أَهْلِيهِمَا عَمَلَهُمَا وَالْعَالِمِ بِمَنْ يَصِيرُ إِلَى جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ يَا هَادِيَ يَا مُضِلَّ يَا
كَافِيَ يَا مُعَافِيَ يَا مُعَاقِبُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاهْدِنِي بِهَذَاكَ وَعَافِنِي بِمُعَافَاتِكَ مِنْ سُكْنَى
جَهَنَّمَ مَعَ الشَّيَاطِينِ وَ اِرْحَمْنِي فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ اِعْذِنِي مِنَ الْخُسْرَانِ بِدُخُولِ
النَّارِ وَ حِرْمَانِ الْجَنَّةِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

پس زمانی که آن را بگوید او در این مقام که می گفته برحمتم فراگیرم.

30 جهت سالم برگشتن به وطن

یا محمد! هر کس غائب (در سفر) باشد و دوست بدارد که او را سالم با بر آوردن حاجتش برگردانم باید در
غربتش بگوید:

«يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأْلَفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَ شِدَّةٍ تَوَاجُدٍ فِي الْمُحَبَّةِ وَيَا جَامِعاً بَيْنَ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ
خَلَقَهُ لَهَا وَ يَا مُفْرِجاً عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُؤْنِلَ (مُنْهَلٍ) كُلِّ غَرِيبٍ وَيَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ

الْكَلَاءَةُ وَالْمَعُونَةُ يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَالْحَزَنِ بِالْجَمْعِ بَيْنِي بَيْنَ أَحَبَّتِي وَ يَا مُؤَلِّفًا بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ (صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) لَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ أَوْبَتِهِ (رَوِيَّةٌ) أَهْلِي وَ وَلَدِي عَنِّي وَلَا تَفْجَعِ أَهْلِي بِانْقِطَاعِ أَوْبَتِي (رَوِيَّتِي) عَنْهُمْ بِكُلِّ مَسْأَلَةٍ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي فَذَلِكَ دَعَائِي إِيَّاكَ فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

پس زمانی که او این را گفت اورادر غربتش انس دهم و او را در وابستگیانش حفظ کنم و او را سالم با بر آوردن حاجت برگردانم.

31 جهت بالا رفتن نماز

یا محمد! کسی که از امت بخواهد نمازش را مضاعف نمایم باید در پی هر نمازی که بر او واجب کردم بگوید:

«يَا مُبْدِي الْأَسْرَارِ وَ مُبَيِّنَ الْكُتْمَانِ وَ شَارِعَ الْأَحْكَامِ وَ دَارِيَ الْأَنْعَامِ وَ خَالِقِ الْأَنْامِ وَ فَارِضَ الطَّاعَةِ وَ مُلْزِمَ الدِّينِ وَ مُوجِبَ التَّعَبُّدِ اسْأَلُكَ بِحَقِّ تَزْكِيَةٍ كُلِّ صَلَاةٍ لَهُ وَ زَكِيَّتِهَا وَ بِحَقِّ مَنْ زَكِيَّتِهَا بِهِ أَنْ تَجْعَلَ صَلَوَتِي هَذِهِ زَاكِيَّةً مُتَقَبِّلُكُهَا وَ رَفْعُكُهَا وَ تُصِيرَكَ بِهَا دِينِي زَاكِيًّا وَ الْهَامِكَ قَلْبِي حَسْنَ الْمَحَافِظَةِ عَلَيْهَا حَتَّى تَجْعَلَنِي مِنْ أَهْلِهَا الَّذِينَ ذَكَرَ تَهُمُ بِالْخُشُوعِ فِيهَا أَنْتَ وَلِيُّ الْمَحْمَدِ كُلُّهُ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ بِكُلِّ حَمْدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وَأَنْتَ وَلِيُّ التَّوْحِيدِ كُلُّهُ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّوْحِيدُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَوْحِيدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وَأَنْتَ وَلِيُّ التَّهْلِيلِ كُلُّهُ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّهْلِيلُ بِكُلِّ تَهْلِيلٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ التَّسْبِيحُ كُلُّهُ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّسْبِيحُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَسْبِيحٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وَأَنْتَ وَلِيُّ التَّكْبِيرِ كُلُّهُ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَكَ التَّكْبِيرُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَكْبِيرٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ رَبِّ عَدَّ عَلَى فِي صَلَوَاتِي هَذِهِ يَرْفَعُهَا زَاكِيَّةً مُتَقَبِّلَةً إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

پس زمانی که او این را بگوید نمازش چند برابر در لوح محفوظ بالا می رود.

آشنایی با فوائد و فضیلت برخی ادعیه و زیارات دیگر

فضیلت زیارت عاشورا

سند زیارت

* امام باقر (ع) و زیارت عاشورا

علقمه بن محمد حضرمی می گوید: به امام باقر (ع) گفتم: به من دعایی تعلیم بده که با آن دعا در روز (عاشورا) هنگامی که امام حسین (ع) را زیارت می کنم آن را بخوانم و دعایی تعلیم بده که با آن دعا؛ هنگامی که او را از راه نزدیک یا از راه دور اشاره می کنم آن را بخوانم.

امام محمد باقر (ع) فرمود: ای علقمه! پس از آن که به امام حسین (ع) توجه کردی دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن این زیارت (متن زیارت عاشورا) را می خوانی. پس هنگامی که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به زیارتی خوانده ای که هر کدام از ملائکه که می خواهد آن حضرت را زیارت کند با آن زیارت می کند و خداوند

برای تو هزار هزار حسنه می نویسد و از تو هزار هزار سیئه محو می کند؛ تو را هزار هزار درجه بالا می برد؛ جزء کسانی می باشی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده اند؛ حتی در درجات آن ها هم شریک می شوی و برای تو ثواب هر پیامبر و رسول و هر کس که امام حسین (ع) را از زمان شهادتش تا به حال زیارت کرده را می نویسد. می گویی: السلام عليك يا ابا عبدالله ...

پس از نقل زیارت عاشورا امام باقر (ع) می فرماید:

«یا علقمه ان استطعت ان تزوره فی کل یوم بهذه الزیارة من دهرک فافعل فلک ثواب جمیع ذلک ان شاءالله؛ ای علقمه! اگر توانستی هر روز از عمرت آن حضرت را با این زیارت؛ زیارت کنی؛ این کار را انجام بده؛ پس برای تو ثواب تمام این زیارت است»

(کامل الزیارات: ص 74)

* زیارت عاشورا تضمین شده است

امام صادق (ع) به صفوان می فرمایند: زیارت عاشورا و دعای آن را بخوان و برآن مواظبت کن به درستی که من چند چیز را برای خواننده آن تضمین می کنم:

1. زیارتش قبول شود.

2. سعی و کوشش مشکور باشد.

3. حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند متعال برآورده شود؛ و ناامید از درگاه خدا برنگردد.

ای صفوان! این زیارت را به این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش علی بن الحسین (ع) و او از حسین (ع) و حسین (ع) از برادرش حسن (ع) و حسن (ع) از پدرش امیر مومنان علی (ع) و امیر مومنان (ع) از رسول خدا (ص) و رسول خدا (ص) از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال و هر کدام این زیارت را به این ضمان تضمین کرده و از خداوند متعال نقل فرموده اند و خداوند عز وجل به ذات اقدس خود قسم خورده که هر کس زیارت کند امام حسین (ع) را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا؛ زیارت و دعای او را قبول می کنم و

خواسته اش هر چه باشد برآورده می سازم و از درگاه من با نا امیدی باز نمی گردد و او را به برآمدن حاجاتش و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ خرسند می کنم و شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند بپذیرم.

(بحارالانوار: ج 98 ص 300)

آری! به سفارش بسیاری از بزرگان؛ هر کس حاجت مهم و بزرگی داشته باشد باید چهل روز بر خواندن زیارت عاشورا مداومت داشته باشد که ان شاءالله حاجت او برآورده می شود. البته این مطلب بسیار تجربه شده است و حکایاتی که بعدا نقل خواهد شد؛ نمونه هایی از این تجربه ها را نشان می دهد.

وسعت رزق و روزی

عالم جلیل شیخ عبدالجواد حائری مازندرانی فرموده که روزی کسی خدمت شیخ زین العابدین مازندرانی (ره) آمد و شکایت از تنگی معاش خود کرد. شیخ به او فرمود: برو حرم حضرت ابا عبدالله (ع) زیارت عاشورا بخوان؛ رزق و روزی به تو خواهد رسید؛ اگر نرسید بیا نزد من؛ من تو را تامین خواهم کرد.

آن شخص رفت؛ بعد از مدتی او را ملاقات کردم؛ پس خودش گفت: در حرم مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم که کسی آمد و وجهی به من داد؛ پس از آن پول در زندگی من گشایش عجیبی ایجاد شد.

(تذکره الزائرین ص 8)

امام زمان (ع) سفارش به زیارت عاشورا می کنند

خاتم المحدثین مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در کتاب ارزشمند « مفاتیح الجنان » از قول محدث بزرگوار مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره) می نویسد که یکی از تجار معروف و مومن رشت عازم سفر حج تمتع بود که در بین راه رفقای هم سفر خود را گم می کند (ادامه نقل داستان از قول سید احمد رشتی این گونه است)... من تنها ماندم؛ پس از اسب پیاده شده؛ در کنار راه نشستم و به غایت مضطرب بودم؛ چون قریب ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم.

بعد از تامل و تفکر بنا براین گذاشتم که در همین موضع بمانم تا صبح شود و به آن منزل که از آن جا بیرون آمدم مراجعت کنم و از آن جا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق گردم.

در آن حال در مقابل خود باغی دیدم و در آن باغ باغبانی بود که در دست بیلی داشت و بر درختان می زد تا برف از آن ها بریزد ؛ پس پیش من آمد و به مقدار فاصله اندکی ایستاد و فرمود : تو کیستی ؟

عرض کردم : رفقا رفته اند و من ماندم راه را نمی دانم ؛ راه را گم کرده ام ؛ پس به زبان فارسی فرمود : نافله بخوان ؛ تا راه را پیدا کنی .

من مشغول نافله شدم بعد از فراغ از تهجد ؛ باز آمد و فرمود : نرفتی ؟

گفتم : والله راه را نمی دانم .

فرمود : جامعه بخوان .

من جامعه را تا کنون حفظ نداشتم ؛ با آن که مکرر به زیارت عتبات مشرف شده بودم ؛ پس از جای برخاستم و جامعه را به طور کامل از حفظ خواندم .

دوباره آن شخص نمایان شد و فرمود : نرفتی ؟ پس بی اختیار گریه ام گرفت ؛ گفتم : راه را نمی دانم .

فرمود : عاشورا بخوان و عاشورا را نیز حفظ نداشتم و تا کنون حفظ ندارم ؛ پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم از حفظ همه آن را با لعن و سلام و دعای علقمه خواندم .

دیدم باز آمد و فرمود : نرفتی ؟ گفتم : نه ؛ هستم تا صبح فرمود : من اکنون تو را به قافله می رسانم ؛ پس رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و آمد و به من فرمود : ردیف من بر الاغ سوار شو ؛ سوار شدم ؛ پس عنان اسب خود را کشیدم و تمکین کرد و حرکت ننمود .

فرمود : جلو اسب را به من بده ؛ پس دادم ؛ لذا بیل را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد . اسب در نهایت تمکین متابعت کرد .

پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود :

« شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله؛ نافله؛ نافله » بعد فرمود : « شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا؛

عاشورا؛ عاشورا » و بعد فرمود : « شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه؛ جامعه؛ جامعه »

مدت اندکی طی مسافت کردیم که ناگهان برگشت و فرمود : آن ها رفقای شما هستند ؛ که در لب نهر آبی فرود آمده و مشغول وضو گرفتن برای نماز صبح هستند ؛ پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم ؛

نتوانستم پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد؛ و مرا سوار نمود و سر اسب را به سمت رفقاء برگردانید.

در آن حال؛ من به این خیال افتادم که این شخص که بود که به زبان فارسی حرف می زد؟ و حال آن که زبانی جز ترکی و مذهبی غیر از مسیحیت در آن منطقه نبود و چگونه به این سرعت مرا به رفقای خود رسانید؟ پس به عقب برگشتم ولی دیگر کسی را ندیدم و از آن شخص اثری هم پیدا نکردم؛ پس به رفقای خود ملحق شدم.

(نجم الثاقب: ص 342-344-مفاتیح الجنان ص 550 بعد از زیارت جامعه کبیره)

آیت الله بهجت و زیارت عاشورا

آیت الله العظمی بهجت (ره) می فرمودند: متن زیارت عاشورا شاهد و گواه است بر عظمت آن خصوصا با ملاحظه آن چه در سند او رسیده است که حضرت صادق (ع) به صفوان می فرمایند. (متن روایت صفوان از نظرتان گذشت)، از سند آن استفاده می شود که زیارت عاشورا از احادیث قدسیه است و همین مطالب سبب شده که علمای بزرگ و اساتید ما - با آن مشاغل علمی و مراجعاتی که برای آن ها بود - مفید بودند به خواندن زیارت عاشورا تا جایی که:

1. آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) صاحب تالیفات و دیوان و استاد ما از خدا خواسته بودند که آخر عمرشان زیارت عاشورا بخوانند و بعد قبض روحشان بشود و دعا ایشان مستجاب شد. بعد از اتمام زیارت عاشورا از این عالم در گذشتند.

2. آیت الله شیخ صدرای باد کوبه ای با تبحرش در علوم عقلیه و نقلیه آن چنان مقید به زیارت عاشورا بود که به هیچ عنوان ترک نکرد و کسی باورش نمی آمد که ایشان این چنین پای بند به عبادت و زیارت عاشورا باشد.

(زیارت عاشورا و آثار شگفت آن ص 57)

مرحوم آیت الله سید علی آقا قاضی و زیارت عاشورا

منقول است که کسی از نزدیکان مرحوم عارف بزرگ حضرت آیت الله سید علی آقا قاضی؛ ایشان را بعد از رحلتشان در عالم رویا دید و از ایشان سوال می کند: چه عملی در آن جهان از همه مهم تر است؟ ایشان می

فرمایند: زیارت عاشورا؛ آنگاه اضافه می کنند که من پشیمانم که چرا در دنیا روزی یک بار زیارت عاشورا خواندم و دو بار آن را نخواندم.

فضیلت و آداب ختم حدیث کساء

فضیلت حدیث شریف کساء به نقل از رسول خدا

در قسمت پایانی حدیث شریف کساء که راوی آن حضرت فاطمه زهرا (ع) هستند آمده است که حضرت علی (ع) از رسول خدا (ص) پرسیدند: چه فضیلتی برای این واقعه از جانب خداوند قرار داده شده است؟ رسول خدا (ع) در پاسخ فرمودند: «قسم به آن که به حق مرا به پیامبری مبعوث کرد؛ این حدیث در مجلسی از مجالس اهل زمین که جمعی از دوستان و شیعیان ما در آن باشند؛ نقل نمی شود؛ مگر این که از جانب پروردگار عالم بر آنها رحمت نازل می شود. ملائکه؛ آن جمع را احاطه نموده و برای آن ها طلب مغفرت می کنند و اگر در بین آن ها اندوهناک و غمگینی باشد؛ اندوه و غمش برطرف می شود؛ و اگر در بین آن ها حاجتمندی باشد حاجتش برآورده می گردد» امیر مومنان علی (ع) پس از شنیدن این آثار و فضایل فرمودند: «به خدا سوگند! ما و شیعیان مان در دنیا و آخرت رستگار و سعادتمند شدیم».

(قسمت پایانی حدیث کساء)

نظر برخی از علما و مراجع درباره توسل به حدیث شریف کساء

(نقل از کتاب «ذکرهای آسمانی»، حمزه کریمخانی)

یکی از راه های توسل به حضرت فاطمه (ع) و بهره گیری از خوان پرنعمت ایشان؛ توسل به حدیث شریف کساء است. لذا شایسته دیدیم در این قسمت نظر برخی علما و مراجع در باره توسل به این حدیث شریف را بیان کنیم:

* سفارش آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به خواندن حدیث کساء

به نقل از برخی نزدیکان آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) وقتی مشکلی برای این عالم بزرگوار پیش

می آمد؛ ایشان به حدیث کساء متوسل می شدند و در مواقعی هم که کسی نزد ایشان می آمد و صحبت از مشکلات خود می کرد؛ ایشان یک جزوه حدیث کساء به او داده و می فرمودند: «از طریق توسل به حدیث کساء مشکل خود را برطرف کنید». حتی زمانی که جمعی از مسئولان مملکتی نزد ایشان رفتند و در باره مشکلات جنگ تحمیلی با ایشان صحبت کردند؛ ایشان در جواب فرمودند: «به حدیث کساء متوسل شوید»

* آیت الله بهاءالدینی (ره) و حدیث کساء

یکی از شخصیت های مهم مملکتی نقل می کرد: هنگامی که رژیم بعثی صدام بمباران شهر قم را آغاز کرد و مردم این شهر را نگران ساخت به منزل آیت الله بهاءالدینی (ره) رفتم و از ایشان راهنمایی خواستم. ایشان در جواب درخواست من این نکته را بیان داشتند که: وقتی حمله هوایی به شهر دورود آغاز شد؛ مردم بسیار مضطرب شدند و نزد من آمدند و راهنمایی خواستند. من هم توسلی به حضرات معصومین (ع) پیدا کردم و به آن ها عرضه داشتم که مردم بیچاره اند و شما خودتان برای رفع این نگرانی ها؛ آن ها را راهنمایی بفرمایید. این توسل ادامه داشت تا این که از طرف حضرت زهرا (ع) اشاره شد که به حدیث کساء متوسل شوید.

من از مردم دورود خواستم که در تمام مساجد؛ مجلس حدیث کساء برپا کنند و مردم هم این برنامه را با توجه خاص اجرا کردند و در نتیجه بمباران این شهر متوقف شد.

عجیب تر آن که نقل می کنند وقتی با یکی از خلبان های هواپیمایی که در آن منطقه سقوط کرده بود مصاحبه کردند می گفت: وقتی هواپیما به این منطقه می رسید؛ به نظر می آمد که همه جا را آب احاطه کرده و ما بمب ها را بی هدف در اطراف می ریختیم.

* سفارش آیت الله قاضی (ره) به خواندن حدیث کساء

یکی از مراجع بزرگوار نقل می فرمودند: آیت الله آقا سید علی قاضی (ره) استاد عرفان و اخلاق آیت الله بهجت؛ علامه طباطبایی (ره) و... به حدیث کساء بسیار معتقد بودند و اگر کسی به ایشان مراجعه می کرد و از مشکلات و گرفتاری های خود برای ایشان می گفت؛ او را به خواندن حدیث کساء سفارش می کردند. همچنین آیت الله قاضی (ره) به رعایت آداب خاصی برای جلسات حدیث کساء اشاره می نمودند؛ برای مثال می فرمودند: در جلسات حدیث کساء چوب عود آتش بزنید.

* سفارش آیت الله طیب زاده (ره) به خواندن حدیث کساء

آیت الله حاج میرزا محمد طیب زاده (ره) برای برآورده شدن حاجات؛ به خواندن حدیث کساء سفارش می کردند. حتی افرادی که با مشکلی بسیار بزرگ روبرو می شدند؛ یا حاجت مهمی پیدا می کردند؛ نزد ایشان می رفتند و خواهش می کردند که ایشان حدیث کساء را به نیابت از آنان بخوانند. تاثیر حدیث کساء خواندن ایشان در رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات؛ زبانزد مردم اصفهان بود.

* آیت الله العظمی حاج سید مهدی شیرازی (ره) و حدیث کساء

آیت الله العظمی سید مهدی شیرازی (ره) که به سندیت حدیث کساء اعتقاد داشتند؛ هر روز این حدیث شریف را می خواندند و اگر موفق به خواندن روزانه این حدیث نمی شدند؛ در هفته؛ دو یا سه مرتبه حتما آن را می خواندند.

* التزام آیت الله فاضل (ره) به خواندن حدیث کساء

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی پیرامون تقیّد پدر بزرگوارشان به حدیث شریف کساء می فرمودند: «پدرم خیلی به حدیث کساء معتقد و هر روز ملتزم به خواندن آن بودند».

* تقیّد آیت الله موحد ابطحی (ره) به خواندن حدیث کساء

آیت الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (ره) از دوران جوانی به خواندن زیارت عاشورا؛ دعای عهد و حدیث شریف کساء اهتمام داشتند. عنایت خاص ایشان به خواندن زیارت عاشورا؛ دعای عهد و حدیث کساء موجب شده

بود که در هر فرصتی؛ در بین راه و مواقع فراغت؛ آن را از حفظ بخوانند. این توجه ویژه به حدیث کساء حتی پس از رحلت ایشان نیز منشا اثر شد؛ به طوری که ایشان به شخصی در خواب دستور می دهند برای درمان لکنت زبان فرزندش؛ ده جلسه حدیث کساء بخواند؛ آن شخص نیز با انجام این دستور؛ شفای فرزند خود را از خدا می گیرد.

* نظر آیت الله قزوینی در باره حدیث کساء

آیت الله سید محمد کاظم قزوینی در ارتباط با آثار و برکات حدیث شریف کساء می نویسند:

خواندن حدیث شریف کساء در محافل و مجالس به منظور طلب خیر و برکت و با هدف به اجابت رسیدن دعاها و نزول رحمت خدا همواره در طول قرون و اعصار در میان پیروان مذهب خاندان وحی و رسالت جریان داشته است؛ تا آن جا که جلب رحمت الهی به وسیله خواندن آن در میان شیعه به صورت یک سیره شایسته درآمده و آثار شگفت انگیزی نیز چون شفا یافتن بیماران؛ برآمدن خواسته ها و رفع سختی ها و ناگواری ها به برکت خواندن آن ظاهر شده است.

آداب مجلس حدیث کساء

هر چند در روایات معصومان (ع) شرایط و آداب خاصی برای خواندن حدیث شریف کساء بیان نشده؛ اما در نظر داشتن شرایط عام جلسات دعا و توسل که همان حالت تضرع و خشوع و انقطاع از همه کس و همه چیز به سوی خداست؛ می تواند بر تاثیر این توسل بیفزاید. اگر به شرایطی که برخی از علما و بزرگان برای خواندن این حدیث بیان کرده اند توجه کنیم در می یابیم که این شرایط از جمله آداب عمومی خواندن دعاها و توسلات است و این احتمال دارد که تجربیات آن عالم یا الهامات خاصی که به برخی شده؛ دلیل سفارش به بعضی از آداب خواندن حدیث کساء باشد.

برای مثال آیت الله بهاء الدینی (رح) سفارش می کردند برای خواندن حدیث کساء چند نفر بعد از نماز مغرب و عشاء دور هم جمع شوند و چهارده هزار صلوات بفرستند و حدیث کساء را بخوانند و حاضران در جلسه را اطعام کنند.

جناب محمد جواد یزدی شیبانی نیز در مقدمه کتاب خود می نویسد: چون ذکر حدیث کساء جهت رفع بلیات و قضای حاجات و کسب مثنوبات و فیوضات از جمله مجربات است و تمام این آثار به برکت واسطه های فیض الهی برای حدیث کساء وجود دارد؛ سزاوار است که افراد علاقه مند به شرکت در جلسات حدیث کساء به نحوی در این مجالس شرکت کنند که گویا آن بزرگواران را در جلسه حاضر و ناظر می بینند. رو به قبله نشستن و مودب به آداب اسلامی بودن و ... از آدابی است که می توان به آن ها اهتمام داشت.

(تذکره المصائب: ص 1)

از دیگر آداب جلسات حدیث کساء؛ چنان که پیشتر به آن اشاره شد؛ سفارش آیت الله سید علی قاضی (ره) به سوزاندن چوب عود در جلسه حدیث کساء است.

(ر. ک حدیث کساء و آثار شگفت آن: ص 65)

فوائد دعای عشرات

این دعا را شیخ طوسی در «مصباح المتجهد» و کفعمی در «البلد الامین» و سید بن طاووس در «مہج الدعوات» و شیخ عباس قمی در «مفاتیح الجنان» نقل کرده اند. ما فواید و فضائل این دعا را که سید بن طاووس در مہج الدعوات آورده است، ذکر می کنیم. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: نزد ما حرزهایی است که آن را پنهان نگه داشته ایم و به دیگران نمی آموزیم. پدرم از پدرش و او از جدش امام حسین (ع) مرا آگاه ساخته است و فرمود: امیر المؤمنین علی بن ابیطالب به من فرمود:

1. هر که این دعا را در هر بامداد و شامگاه بخواند، هزار هزار فرشته برایش طلب مغفرت می نمایند.

2. بهشت مزد خواننده این دعا است.

3. در پل صراط لغزشی نخواهد داشت.

4. عذاب جهنم از او برداشته می شود.

5. موجب برآورده شدن حوائج دنیا و آخرت می گردد.

6. به درجه شهادت می رسد.
 7. خوشبختی در زندگی را به ارمغان می آورد.
 8. هرگز به تهیدستی و دیوانگی و پریشانی مبتلا نخواهد شد.
 9. برای هر نفس هزار هزار حسنه نوشته می شود و هزار هزار بدی از او محو می گردد.
 10. آسمان و زمین برایش طلب مغفرت می کنند.
- و ثواب دیگری نیز برای این دعای ارزشمند ذکر شده است. متن دعا را می توانید از مفاتیح الجنان بخوانید.

آثار و برکات دعای مجیر

دعایی است گراسنگ و ارزشمند که از رسول خدا (ص) روایت شده است. به روایتی این دعا را جبرئیل بر پیامبر (ص) که در مقام ابراهیم (ع) مشغول نماز بود، فرود آورد و در فضیلت آن گفت: هر کس این دعا را در ایام البیض (روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم) ماه رمضان بخواند، گناهانش اگر چه به تعداد دانه های باران و برگ های درختان و ریگ های بیابان باشند، آمرزیده شدند. با این دعا رحمت خداوند بر زمین فرود آید و نیکی های بندگان به آسمان بالا رود. این دعا بر سنگ ها و دیوارهای خانه های بهشتی نوشته شده است، و هر کس بر خواندن آن مداومت ورزد، از هر زیان و آسیبی در امان ماند. دعای مجیر در بهشت و هنگامه ی حشر، با رویی به زیبایی ماه تمام، باقر (پیامبر) همنشین گردد. هر کس سه روز روزه بدارد و این دعا را هفت مرتبه بخواند، آنگاه شب را پشت بخوابد، تو را در خواب خود مشاهده کند. هر کس آنرا ده مرتبه بخواند، خداوند او را بر مرکبی از نور که روی آن تختی از یاقوت سبز قرار داده شده است، برنشاند و به سوی خویش بالا برد. پس چون به درگاه خدا نزدیک شود، حاضران پندارند که وی از پیامبران بزرگ خداست، ثواب خواندن این دعا را جز خدای متعال شماره نتواند کرد. اگر دریاها مرکب و درختان قلم گردند، و انسانها و جن ها و فرشتگان به نوشتن بپردازند، ثوابی را که برای خواننده این دعا مقرر گردیده، محاسبه نتواند کرد. این دعا، به اذن خداوند، بیماری را بهبود بخشد، سبب پرداختن وام شود، بینوا را توانگر سازد، بندگان را آزادی بخشد، اندوه را ببرد، و انسان را از ستم شاهان و حیلۀ شیطان در امان دارد. هرگاه کسی که چیزی را گم کرده یا آنرا از او دزدیده اند، چهار رکعت نماز بجای آورده و در هر رکعت یکبار

سوره حمد و یازده بار سوره توحید را بخواند، آنگاه این دعا را قرائت کند و هنگام خواب آن را زیر سر بگذارد، آنچه از دستش رفته است به او بازگردانده شود. جبرئیل (ع) پس از برشمردن این فضایل گفت: برعهده می گیرم که هر کس ده بار این دعا را بخواند، خداوند او را به آتش نسوزاند، و نیازش برآورده شود، و چون این دعا را بر دشمنانش بخواند، دشمنی آنها از او برگردد.

اسم اعظم در این دعا است. پس ای محمد، آن را جز درستکاران مورد اعتماد، میاموز. تمام نام های خدا که پروردگار بد آنها آفریده ها را پدید آورد، در این دعا است. مؤمنین می توانند دعای مجیر را از مفاتیح الجنان بخوانند.

دعایی جهت حفظ از شر جن

امام صادق (ع) فرمود: هر کس این کلمات را صبح و شام بخواند از شر جنیان محفوظ و در امان خواهد بود:

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ لَا سُلْطَانَ لَكُمْ عَلَىَّ وَلَا عَلَى دَارِيَّ وَلَا عَلَى أَهْلِيَّ وَلَا عَلَى وَلَدِيَّ يَا سَكَانَ الْهَوَاءِ وَيَا سَكَانَ الْأَرْضِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بَعْزِيْمَةَ اللَّهِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَلَى جِنِّ وَادِي الْبَصْرَةِ لَا سَبِيلَ لَكُمْ عَلَىَّ وَلَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَهْلِ حُزَانَتِي يَا صَالِحِي الْجِنِّ يَا مُؤْمِنِي الْجِنِّ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الْمِيثَاقِ بِالطَّاعَةِ لِفُلَانٍ (مولا علي) حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَالْخَلِيفَةِ (نام همراه خود را هر کس هست بگو) أَنْ تَمْنَعُوا عَنِّي شَرَّ فَسَقَتِكُمْ حَتَّى لَا يَصْلُوا إِلَيَّ بِسُوءٍ أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ عَلَى أَسْمَاعِكُمْ وَبَعَيْنِ اللَّهِ عَلَى أَعْيُنِكُمْ وَامْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ عَلَى حَبَائِلِكُمْ وَمَكْرِكُمْ أَنْ تَمَكُّرُوا يَمَكُرُ اللَّهُ بِكُمْ وَهُوَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ وَجَعَلْتُ نَفْسِي وَأَهْلِيَّ وَلَدِيَّ وَجَمِيعَ حُزَانَتِي فِي كَنْفِ اللَّهِ وَسِتْرِهِ وَكَنْفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَنْفِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اسْتَتَرْتُ بِاللَّهِ وَبِهِمَا وَامْتَنَعْتُ مِنْ شَرِّ فَسَقَتِكُمْ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْإِنْسِ وَالْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (سوره توبه، آیه 129) «لَا سَبِيلَ لَكُمْ وَلَا سُلْطَانَ قَهَرْتُ سُلْطَانَكُمْ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَبَطَشْتُكُمْ بِبَطْشِ اللَّهِ وَقَهَرْتُ مَكْرَكُمْ وَحَبَائِلَكُمْ وَكَيْدَكُمْ وَرَجَلَكُمْ وَخَيْلَكُمْ وَسُلْطَانَكُمْ وَبَطَشْتُكُمْ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَعِزَّهُ وَمُلْكِهِ وَعَظَمَتِهِ وَ

عَزِيْمَتِهِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلٰى جَنِّ وَادِي الْبَصْرَةِ لَمَّا طَغَوْا وَ بَغَوْا وَ تَمَرَّدُوْا
فَاَذَعْنُوْا لَهُ صَاغِرِيْنَ مِّنْ بَعْدِ قُوَّتِهِمْ فَلَا سُلْطٰنَ لَكُمْ وَ لَا سَبِيْلَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ.

(ختوم اذکار ج 2، ص 287)

فضائل دعای جوشن کبیر و دستور خواندن آن

این دعا از امام سجاد (ع) واو از پدرش واو نیز از جدبزرگوارش حضرت رسول (ص) نقل نموده که آن حضرت فرمود این دعا را جبرئیل در یکی از غزوات آورد در حالی که برتن آن حضرت جوشن گرانی بود که سنگینی آن بدن مبارکش را به درد آورده بود. جبرئیل عرض کرد یا محمد! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید که این جوشن را بکن و بخوان این دعا را که آن،

1- از برای تو و امت تو امان است،

2- هر کس آن را هنگام خروج از منزلش (جهت سفر) بخواند یا آن را باخود دارد خداوند او را حفظ کند،

3- و بر او بهشت را واجب کند،

4- و او را با اعمال صالح موفق دارد.

5- و گویا کتب اربعه (تورات و انجیل و زبور و قرآن) را خوانده باشد.

6- و به هر حرفی در بهشت دو زوجه بخشد و با دوخانه از خانه های بهشت.

7- و مانند ثواب ابراهیم و موسی و عیسی و ثواب خلق خدا در زمین بیضاء پشت مغرب که خدای تعالی را می پرستند و او را یک لحظه حتی یک چشم به هم زدن گناه نمی کنند به حقیقت پوستهایشان را گریه از ترس از خدا متغیر کرد، و جز خدا عدد آنها را کسی نداند و سیر شمس در بلاد آنان چهل روز است.

8- یا محمد! همانا بیت المعمور در آسمان هفتم است که روزی هفتاد هزار ملک داخل آن میشود و از آن بیرون شوند که تا روز قیامت به آن بر نمی گردند و همانا خدای تعالی برای کسی که این دعا را بخواند ثواب این ملائکه را دارد.

9- و به ثواب مؤمنین و مؤمنات بخشد از خلق خدا تا روز قیامت.

- 10- وهرکس آن را بنویسد ودر منزلش بنهد دزد نزند و آتش نگیرد.
- 11- وهرکس در پوست آهو یا کاغذ آن را بنویسد وبا خود دارد از هر چیزی ایمن باشد.
- 12- وهرکس آن را بخواند و بمیرد شهید می میرد وبرایش خداوند ثواب نهصد هزار شهید از شهیدان بدر نوشته شود.
- 13- و خداوند به او نظر دارد و به او می بخشد هر چه بخواهد.
- 14- وهرکس هفتاد بار بخواند با نیت خالص بر هر مرضی باشد هر آینه برطرف شود از جنون یا جذام یا برص (در یک مجلس نشد در چند مجلس بخواند یا هفتاد نفر با هم بخوانند).
- 15- وهرکس در جامی با کافور یا مشک بنویسد بعد آنرا بشوید و بر کفنی میت باشد خدای تعالی در قبر او هزاران نور نازل کند.
- 16- و او را از هول منکر و نکیر ایمن کند.
- 17- و از او عذاب قبر را بردارد.
- 18- و هفتاد هزار ملک به قبر او فرستد که او را به بهشت بشارت دهند و یا او مانوس باشند.
- 19- و برای او دری به سوی بهشت باز شود.
- 20- و قبر او به قدر مدبصرش فراخ میشود.
- 21- وهرکس آن را بر کفنش نویسد خداوند تعالی شرم فرماید که او را به آتش عذاب کند و همانا خدای تعالی این دعا را پنجاه هزار سال پیش از آنکه دنیا را بیافریند بر قائمه های عرش نوشته.
- 22- وهرکس آن را با نیت اخلاص در اول ماه رمضان بخواند حق تعالی (مزد) شب قدر به او ببخشد.
- 23- و برایش هفتاد هزار فرشته آفریند تا تسبیح و تقدیس کنند و ثواب آنها قرار دهد برای کسی که این دعا را بخواند.
- 24- یا محمد! هرکس آن را بخواند بین او و خداوند تعالی حجابی نباشد.
- 25- و از خدای تعالی چیزی نطلبد جز این که به او بخشد.

26- وهنگام خارج شدن از قبرش فرشته فرستد که دست هر فرشته مهار شتری نجیبی از نور باشد بطن آن از لولوء و ظاهر آن از زبر جد وقوائم آن از یاقوت بر پشت هر نجیبی قبه از نور برای آن چهارصد در باشد بر هر دری پرده از سندس از آنها بوی مشک اذفر ساطعست همه اینها به او عطا شود بعد خداوند به سوی او هفتاد هزار ملک فرستد با هرملکی کاسه ای از لولوء درخشان در آنها شراب بهشتی است بر هر کاسه از آنها نوشته «لا اله الا الله وحده لا شریک له» هدیه است از باری عزوجل برای فلان بن فلان واو را خدای تعالی ندا کند «یا عبدی ادخل الجنة بغير حساب» بنده من بی حساب داخل بهشت شو.

27- یا محمد! هرکس آن را در ماه رمضان سه مرتبه بخواند خداوند جسد او را از گناهان نکه دارد و در طول حیات خود در امان خدا باشد. یا محمد آن را جز به مومن پرهیزکار نیاموز و آن را به مشرک نیاموز که با آن خواهش می کند و عطا می شود، امام حسین (ع) فرمود: پدرم علیه السلام در حفظ و تعلیم این دعا مرا سفارش نمود و این که بر کفنش بنویسم و این که آن را به اهل خود آموزم و آنها را به آن هزار و یک اسم است.

*دستور خواندن دعای جوشن کبیر

جوشن کبیر صد فصل است هر فصلی ده اسم و در اول هر فصلی از آن بسم الله می گویی و در آخر آن می گویی «سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ» و اگر وقت نداشتی بدون اینها بخوان. متن دعای جوشن کبیر در مفاتیح الجنان آمده است که مؤمنین به آنجا مراجعه کنند.

دعای عظیم نبوی جهت حل تمام مشکلات

این دعا عظیم از سوی رسول خدا (ص) نقل شده و خواننده خدا را به تمام اسماء حسنی تسبیح می گوید. پس دعایش بی شک مستجاب است و خواننده باید با توجه باشد و در پایان حوائج خود را در نظر گیرد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّلَامُ الْمُؤْمَنُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْمُهِيمُنُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُصَوِّرُ الْحَكِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَصِيرُ الصَّادِقُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاسِعُ اللَّطِيفُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَدِيعُ الْآخِذُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَفُورُ الْودُودُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الشَّكُورُ الْحَلِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْآخِذُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ السَّيِّدُ الصَّمَدُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَفُورُ الْغَفَّارُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَكِيلُ الْكَافِي، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُغِيثُ الدَّائِمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُتَعَالَى الْحَقُّ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْبَاقِي الرَّؤُفُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الشَّهِيدُ الْمُنْعِمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَاهِرُ الرَّزَّاقُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَسِيبُ الْبَارِئُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَنِيُّ الْوَفِيُّ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ التَّوَّابُ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْخَنَّانُ الْمَنَّانُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَدِيمُ الْفَعَّالُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْقَوِيُّ الْقَائِمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَفِيُّ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْفَاطِرُ الْخَالِقُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْفَتَّاحُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الدَّيَّانُ الشَّكُورُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الصَّادِقُ الْعَدْلُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الطَّاهِرُ الطَّهْرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّفِيعُ الْبَاقِي، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَتَرُ الْهَادِي، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَلِيُّ النَّصِيرُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْكَفِيلُ الْمُسْتَعَانُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَالِبُ الْمُعْطَى، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَالِمُ الْمُعْظَمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمَلُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُنْعِمُ الْمُفْضَلُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْفَاضِلُ الصَّادِقُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْهَادِي، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْفَاضِلِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْبَاقِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الْفَاطِرِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّاغِبِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجِبْنَاهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.»

حاجات خود را هر چه خواهی از خداوند طلب کن انشاءالله برآورده می شود.

(مهج الدعوات، ص 321-323)

دعای استغفار توبه نصوح

هر که این استغفار را بخواند خدای رؤف از آن بنده بگذرد و از حق خود صرف فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ
أَذْنَبْتُهُ عَمْدًا وَخَطَاءً سَرًّا أَوْ عَلَانِيَةً قَوْلًا أَوْ فِعْلًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا مِنَ الزَّنا وَاللَّوْاطِ وَالسَّرْقَةِ وَالنَّمِيمَةِ وَالْغِيْبَةِ
وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتَانِ وَالرِّيَا وَالرِّبَا وَالْخِيَانَةِ وَالْمَكْرِ وَالنَّظَرِ إِلَى غَيْرِ مَحَارِمٍ وَسَائِرِ الْمُحَرَّمَاتِ وَالْمَنْهِيَّاتِ
مَا أَعْلَمُ مِنْهَا وَمَا لَا أَعْلَمُ مِنْهَا وَمَا لَا أَعْلَمُ مِنْهَا وَمَا لَا أَعْلَمُ وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَانْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ وَجَمِيعَ
خَلْقِهِ بِأَنِّي نَادِمٌ عَلَى مَا سَلَفَ مِنِّي مِنَ الذُّنُوبِ وَعَازِمٌ عَلَى أَنْ لَا أَعُودَ إِلَيْهَا كَمَا لَا يَعُودُ اللَّبَنُ إِلَى الضَّرْعِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ جَمِيعِ مَا كَرِهَ اللَّهُ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ جَمِيعِ مَا أَسْخَطَ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

و نیز در بحار و لثالی از رسول اکرم (ص) منقول است که فرمود: اگر بعد از نماز عصر یک مرتبه این استغفار را بگوید
امر می شود و به مَوَكَّل سیئات او که صحیفه عمل سوء او را پاره کند.

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ
يَتُوبَ عَلَيَّ عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ فَقِيرٌ يَأْسِي مِسْكِينَ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا
مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.»

آثار ختم دعای احتجاب ازایت الله کشمیری

این دعا بسیار ممتاز و دارای خواص بسیار است و هفت بار خواندنش بدون فاصله آثار بیشتری دارد و برای نورانیت قلب خوب است این دعا را محمد حنیفه از پدرش امیر المؤمنین (ع) و آن حضرت نیز از رسول خدا (ص) نقل کرده است. بخاطر فضائی که پیامبر (ص) برای این دعا نقل نمودند، جناب سلمان به پیامبر عرضه داشت: این دعا را به مردم تعلیم دهیم؟ فرمود: این دعا را به همه کس تعلیم کن که مردم ترک نماز می کنند و مرتکب گناه می شوند، بخاطر آنکه خواننده این دعا آمرزیده می شود. تعلیم ده اهل بیت و همسایه و اهل مسجد و همشهری ها را هرگاه از تو درخواست نمایند.

سید بن طاووس می گوید: وقتی به من الهام شد که برای سلامتی هنگام بلائی بخوانم روز سه شنبه خداوند دعایم را مستجاب نمود، به مقصودم رسیدم و از شرّ حاسدان مرا حفظ نمود.

(مهج الدعوات، ص 77 به نقل از روح وریحان، ص 96)

می فرمود: پدرم این دعا را می خواند، نقل شده آقا سید هاشم حداد در قنوت و موقع خوابیدن آن را می خواند. (روح وریحان، ص 96)

پیامبر اکرم (ص) در فضائل این دعا فرمودند:

1. هر کس خدا را به این اسماء بخواند خدا دعایش را مستجاب می کند.
2. هرگاه بر ورق آهن بخوانند به اذن خدا گداخته و ذوب شود.
3. به خدائی که مرا پیغمبری فرستاد اگر مردی را گرسنگی و تشنگی رسد بعد از آنکه این دعا را بخواند، گرسنگی و تشنگی او ساکن شود.
4. اگر این دعا بر کوهی که میان او و آن محل که قصد دارد برود بخواند، هرآینه آن کوه سوراخ شود و آن کس از آنجا بگذرد.
5. اگر نزد دیوانه ای بخوانند بهبود یابد.
6. اگر زنی زائیدن بر اودشوار شده باشد و آنرا بخواند زایمان آسان گردد.
7. اگر در شهری بخوانند که آن شهر در آتش می سوزد و منزل اودر میان آن شهر باشد منزل آواز آتش در امان خواهد ماند.

8. اگر کسی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه با مادرش گناه کند.

9. اگر او را غمی باشد خداوند غمش را در دنیا و آخرت با رحمتش برطرف سازد.

10. اگر نزد پادشاه ظالم رود قبل از ملاقات بخواند خداوند تعالی، آن پادشاه را مطیع اوسازد.

آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ احْتَجَبَ بِشُعَاعِ نُورِهِ عَنِ نَوَاطِرِ خَلْقِهِ، يَا مَنْ تَسَرَّبَلَ بِالْجَلَالِ وَالْكَبرِيَاءِ وَاشْتَهَرَ
بِالتَّجَبُّرِ فِي قُدْسِهِ، يَا مَنْ تَعَالَى بِالْجَلَالِ وَالْكَبرِيَاءِ فِي تَفَرُّدِ مَجْدِهِ، يَا مَنْ انْقَادَتِ الْأُمُورُ بِأَزْمَتِهَا طَوْعاً
لِأَمْرِهِ، يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ مُجِيبَاتٍ لِدَعْوَتِهِ، يَا مَنْ زَيْنَ السَّمَاءِ بِالنُّجُومِ الطَّالِعَةِ وَجَعَلَهَا
هَادِيَةً لِخَلْقِهِ، يَا مَنْ أَنَارَ الْقَمَرَ الْمُنِيرَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ أَنَارَ الشَّمْسَ الْمَنِيرَةَ وَجَعَلَهَا
مَعَاشاً لِخَلْقِهِ، وَجَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِعَظَمَتِهِ، يَا مَنْ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَابِ نِعَمِهِ
أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكُلِّ إِسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ
اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَبِكُلِّ إِسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَثَبَّتَهُ فِي قُلُوبِ الصَّافِينَ
الْحَاقِقِينَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتَرَاجَعَتِ الْقُلُوبُ إِلَى الصُّدُورِ عَنِ الْبَيَانِ بِإِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّةِ وَتَحَقُّقِ الْفَرْدَانِيَّةِ
مُقَرَّةً لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
تَجَلَّيْتَ بِهَا لِلْكَلِيمِ عَلَى الْجَبَلِ الْعَظِيمِ فَلَمَّا بَدَأَ شُعَاعُ نُورِ الْحُجُبِ مِنْ بَهَاءِ الْعَظَمَةِ خَرَّتِ الْجِبَالُ
مُتَدَكِّكَةً لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَهُيْبَتِكَ وَخَوْفاً مِنْ سَطَوَتِكَ رَاهِبَةً مِنْكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ
أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي فَتَقْتَ بِهِ رَتَقُ عَظِيمِ جُفُونِ عِيُونِ النَّاطِرِينَ الَّذِي بِهِ تَدْبِيرُ حِكْمَتِكَ وَشَوَاهِدُ
حُجَجِ أَنْبِيَائِكَ يَعْرِفُونَكَ بِفُطْنِ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ فِي غَوَامِضِ مَسِيرَاتِ سَرَائِرِ الْغُيُوبِ أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ ذَلِكَ
الْأَسْمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصَرِّفَ عَنِّي وَعَنْ أَهْلِ حُزَانَتِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ جَمِيعَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ وَالشُّكَّ وَالشَّرَّ وَالْكَفْرَ
وَالشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالضَّلَالَةَ وَالْجَهْلَ وَالْمَقْتِ وَالْغَضَبَ وَالْعُسْرَ وَالضِّيقَ وَفَسَادِ الضَّمِيرِ وَخُلُولِ النِّقْمَةِ وَ
شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

این اذکار گنجینه کلماتند

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: بنده ای که هنگام صبح قبل از طلوع آفتاب این کلمات را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» فرشته ای آن کلمات را دریابد و در درون بال خود قرار دهد و به آسمان دنیا بالا میبرد، فرشتگان به او گویند: چه چیز همراه تو است؟ گویند: بامن کلماتی است که یکی از مؤمنین گفته و آن ها چنین و چنانند، پس فرشتگان گویند: خدا رحمت کنند آن کس که این کلمات را گفته و او را بیمارزد، و به هر آسمانی که بالا رود و به اصل آن آسمان مانند ما حرف را بزند، و آنها نیز گویند: بامن کلماتی است که یکی از مومنین بدان تکلم کرده و آن کلمات این ها هستند، سپس آنها گویند: خدا رحمت کند این بنده را و او را بیمارزد، آن کلمات نزد نگهبانان گنج های گفتار مؤمنان می برند، زیرا اینها گنجینه های کلماتند تا آن ها را در دفتر گنج ها بنویسند.

(اصول کافی، ج 4، کتاب الدعاء، ح 3278)

دعای سریع الاجابه دیگر

معاویه بن عمار گویند: امام صادق(ع) بدون سخن و پرسشی به من فرمود: ای معاویه! مردی خدمت امیرالمؤمنین(ع) آمد و از اینکه اجابت دعایش دیر شده بود و به آن حضرت شکایت کرد، آن حضرت به او فرمود: چرا دعای سریع الاجابه را نمی خوانی؟ آن مرد عرض کرد: آن دعا کدام است؟ فرمود: بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ، وَنُورٌ فِي نُورٍ، وَنُورٌ عَلَى نُورٍ، وَنُورٌ، فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ يَضِيئُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ، وَيَكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ، وَكُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَكُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، لَا تَقِرُّ بِهِ أَرْضٌ وَلَا تُقُومُ بِهِ سَمَاءٌ، وَيَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ، وَيَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ، وَبَغْيُ كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ، وَيَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ، وَيَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلَكُ، فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ، وَهُوَ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُّ الْأَكْبَرُ النُّورُ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ، وَآتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ، وَآن تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» (بجای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کن).

(اصول کافی، ج 4، کتاب الدعاء، ح 3440)

دعای قدح

جبرئیل فضیلت های زیادی برای این دعا روایت کرده که من به علت ضرورت، به اختصار آن را مثال می زنم، زمانی که نیت خود دعاست و آن دعای قدح است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاسْمِهِ الْمُبْتَدِئِ رَبِّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لَا غَايَةَ لَهُ وَلَا مُنْتَهَى رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى وَإِنْ تَجهر بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى، اللَّهُ عَظِيمُ الْآلَاءِ دَائِمُ النِّعَمِ قَاهِرُ الْأَعْدَاءِ [رَحِيمٌ بِخَلْقِهِ خ ل] عَاطِفٌ بِرِزْقِهِ مَعْرُوفٌ بِلُطْفِهِ عَادِلٌ فِي حُكْمِهِ عَالِمٌ فِي مُلْكِهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ رَحِيمُ الرَّحْمَاءِ عَالِمُ الْعُلَمَاءِ صَاحِبُ الْأَنْبِيَاءِ غَفُورُ الْغَفَرَاءِ قَادِرٌ عَلَى مَا يَشَاءُ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْوَاحِدِ الْحَمِيدِ ذِي الْعَرْشِ الْمَجِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَمُسَبِّبِ الْأَسْبَابِ وَسَابِقِ الْأَسْبَاقِ وَرَازِقِ الْأَرْزَاقِ وَخَالِقِ الْأَخْلَاقِ قَادِرٌ عَلَى مَا يَشَاءُ مُقَدِّرُ الْمَقْدُورِ وَقَاهِرُ الْقَاهِرِينَ وَعَادِلٌ فِي يَوْمِ النُّشُورِ إِلَهُ الْآلِهَةِ يَوْمَ الْوَاقِعَةِ رَحِيمٌ غَفُورٌ حَلِيمٌ شَكُورٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الرَّحِيمِ الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ خَالِقِ الْعَرْشِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قَابِلُ التَّوْبَةِ شَكُورٌ حَلِيمٌ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الدَّائِمُ الْقَائِمُ رَازِقُ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ صَاحِبُ الْعَطَايَا وَمَانِعُ الْبَلَايَا يَشْفِي السَّقِيمَ وَيَغْفِرُ لِلخَاطِئِينَ وَيَعْفُو عَنِ النَّادِمِينَ وَيُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَيُؤْوِي الْهَارِبِينَ وَيَسْتُرُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ وَيُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ تَغْفِرُ الْخَطَايَا وَتَسْتُرُ الْغُيُوبَ شَكُورٌ حَلِيمٌ عَالِمٌ بِالْحُدُودِ مُنْبِتُ الزَّرْعِ وَالْأَشْجَارِ فَالِقُ الْخُبُوبِ صَاحِبُ الْجَبَرُوتِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلْقِ قَاسِمُ الْأَرْزَاقِ عَلَامُ الْغُيُوبِ أَنْتَ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ أَنْتَ الَّذِي تَعْفُو عَنِ الْعَاصِي بَعْدَ أَنْ يَغْرَقَ فِي الدُّنُوبِ أَنْتَ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ يَنْصَرِفُ إِلَيْكَ بِالْمَنْسُوبِ إِغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي كَمَا قُلْتَ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَأَنْتَ بِوَعْدِكَ صَدُوقٌ نَجِّنِي مِنَ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَالْكَرُوبِ أَنْتَ غِيَاثُ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَأَنْتَ الَّذِي قُلْتَ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَتِي وَأَنْتَ بِقَوْلِكَ لَيْسَ بِكَذُوبٍ إِحْفَظْنِي مِنَ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُوَ يَوْمَ اللَّحُودِ وَلَا تَفْضَحْنِي سَيِّدِي عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ فِي الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا ضِدَّ لَهُ وَلَا نِدْلَهُ وَلَا صَاحِبَةَ لَهُ وَلَا وَالِدَ وَلَا وَلَدَ لَهُ وَلَا حَدَّ لَهُ وَلَا حُدُودَ لَهُ وَلَا مِثَالَ لَهُ وَلَا كُفُوَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ لَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ فِي مُلْكِهِ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ أَنْ تُرِينِي فِي مَنَامِي مَا رَجَوْتُ مِنْكَ وَأَنْ تُكْرِمَنِي بِمَغْفِرَةِ خَطِيئَتِي إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سُبْحَانَ يَا غُفْرَانُ يَا بَرَهَانَ يَا سُلْطَانَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

أَشْهَدُ أَنْ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ غَيْرَ وَجْهِكَ [الدائم خ ل] الْكَرِيمِ الْمَعْبُودِ [الْقَدِيمِ خ ل] وَأَمَنْتُ بِكَ وَاسْتَعَنْتُ بِكَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَغْنِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

فوائد و آثار شگفت حرز امام جواد(ع)

(به همراه داستان این حرز و نحوه استفاده از آن)

شیخ علی بن عبدالصمد از عموی پدرش، شیخ فقیه ابو جعفر محمد بن علی بن عبدالصمد از ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد بن عباس درویشی از پدرش از شیخ فقیه ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی و همچنین (شیخ علی بن محمد بن علی) از نیایش (علی بن علی بن عبدالصمد) از پدرش، فقیه ابوالحسن از گروهی یارانش؛ از جمله سید بزرگوار ابوالبرکات و شیخ ابوالقاسم علی بن محمد معاذی و ابوبکر محمد بن علی معمدی و ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبدالله مدائنی همگی ایشان گفتند از ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی از پدرش نیز از علی بن ابراهیم بن هاشم از نیایش ابونصر همدانی نقل کرده اند:

حکیمه خاتون دختر امام جواد(ع) و عمه ی امام حسن عسگری(ع) برایم نقل کرد: زمانی که امام محمد تقی(ع) در گذشت، نزد همسرش امّ عیسی دختر مأمون آدم و به ایشان تسلیت گفتم. ایشان را بسیار اندوهناک و بی تاب بر مرگ حضرتش یافتم. ایشان با گریه و زاری شدید قصد نابودی خود داشت، برای او ترسیدم که از این رنج پریشان گردد.

ما در در مورد صفات و خوش اخلاقی و بخشش آن حضرت و آنچه را که خداوند از بزرگی، اخلاص و بخشش به ایشان عطا کرده، در گفتگو بودیم. در این هنگام امّ عیسی گفت: آیا می خواهی چیزی عجیب و امر بزرگ، بالای وصف و تعریف از او نقل کنم؟ گفتم: چه چیزی؟ گفت: من نزدیک او بودم و همیشه مواظب ایشان بودم، گاهی اوقات سخنی از او می شنیدم نزد پدرم از ایشان شکایت می کردم. پدرم می گفت: ای دخترم! صبر کن ایشان پاره تن رسول خدا(ص) است. روزی در آن مکان نشسته بودم. در آن هنگام زن جوانی (دوشیزه ی) بر من وارد شد. سلام

کرد. گفتم: تو کیستی؟ گفت: من دختری از فرزندان عمار یاسر و زن ابوجعفر جواد (ع) همسرش هستم. غیرت بر من وارد شد تا جائیکه قادر بر تحمل آن نبودم. تصمیم گرفتم خارج شوم و به گردش و سیاحت در کشورها بپردازم.

نزدیک بود شیطان مرا به بی حرمتی نسبت به آن زن بکشانده، لیکن خشم خود را فرو نشاندم و با خوش اخلاقی با وی رفتار نمودم. زمانی که زن از نزد من رفت، برخاستم و با حالت خشم نزد پدرم رفتم و خبر را به او رساندم، در حالت مستی بود و فکر نمی کردم. غلامش را صدا زد و گفت: شمشیرم را بیاور، آورد. سوار شد و گفت: به خدا او را می کشم! زمانی که او را دیدم، گفتم: انا الله وانا الیه راجعون! با خود و همسر چه کار کردم؟ سیلی محکمی بر صورت زدم. پدرم براو وارد شد و چندان با شمشیر براو زد تا اینکه بدنش بریده شد.

آنگاه از کنارش به حالت گریزان از پشت سرش رفتم. در آن شب نخواهیدم، زمانی که خورشید طلوع کرد نزد پدرم رفتم و گفتم: می دانی که دیشب چه کاری کردی؟ گفت: چه کاری کردم؟ گفتم: ابن رضا (ع) را کشتی. چشمانش برقی زد و بی هوش شد. بعد از مدتی بیدار شد و گفت: وای بر تو چه می گویی؟ گفتم: آری به خدا قسم ای پدر، بر ایشان وارد شدی و آن قدر بر او شمشیر زدی تا اینکه کشته شد.

نگران شد و سخت هولناک گردید و گفت: یاسر خادم را صدا کنید. یاسر آمد مأمون نگاهی به او کرد و گفت: وای بر تو یاسر! دخترم چه می گوید؟ گفت: ای پیشوای مؤمنان راست می گوید! مأمون با دستانش بر سینه و صورتش زد و گفت: انا الله و انا الیه راجعون! به خدا قسم هلاک شدیم و تا پایان عمر خوار و رسوا شدیم. ای یاسر! عجله کن و ببین از ایشان چه خبری داری؟ نزدیک است نفسم از سینه خارج شود.

یاسر خارج شد در حالی که من بر صورت می زدم، پس از مدتی یاسر با شتاب زیاد بازگشت.

گفت: بشارت ده ای پیشوای مؤمنان! مأمون گفت: بشارت بر تو باد! نزد تو چه خبریست؟ یاسر گفت: بر او وارد شدم در حالی که نشسته بود و ایشان پیراهن و عبایی بردوش انداخته، در حال مسواک زدن بود.

برایشان سلام کردم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! دوست دارم پیراهنتان را به من ببخشی تا به قصد تبرک با آن نماز بجا آورم. لیکن با این تصمیم می خواستم بدن ایشان را ببینم که آیا اثر ضربت شمشیر بر آن هست یا نه؟ به خدا قسم مانند عاج سپید که به رنگ زردی تمایل داشت اثری از هیچ شمشیر نبود.

مأمون گریه طولانی کرد و گفت: همراه این، چیزی باقی نمی ماند و این سر مشقی برای اولین و آخرین است.

گفت: ای یاسر! بر روی مرکب سوار شدی و شمشیرم را گرفتی و بر او وارد شدی، من آن را بیاد دارم، لیکن چیزی غیر از خارج شدن از آنجا به یاد ندارم، همچنین دور شدن از خانه ام را به یاد ندارم، آن امر و رفتنم به سوی او چگونه بود؟ خداوند این دختر را نفرین سخت کند! به سوی او برو و بگو: پدرت به تو می گوید:

به خدا قسم! اگر بعد از این روز خواستی از شوهرت شکایتی کنی یا بدون اجازه او از خانه خارج شوی، کیفیت خواهم کرد.

سپس به سوی ابن رضا (ع) برگرد و سلام مرا به او برسان و بیست هزار دینار واسبی که شب گذشته بر آن سوار بودم به ایشان تقدیم کن. بعد از آن به سوی بنی هاشم حرکت کن، تا اینکه به سوی حضرتش رفته برایشان سلام و درود بفرستند.

یاسر گوید: ایشان (هاشمیان) دستور دادم من هم نیز همراه ایشان رفتم، برایشان سلام کردم و سلام شمارا رساندم، پول واسب را تقدیمشان کردم.

ساعتی به سوی آن نگاه کرد تبسمی زد و فرمود: ای یاسر! آیا پیمان بین من و بین او (خلیفه) چنین بود، تا اینکه با شمشیر بر من حمله کند؟ آیا نمی داند که یاور و نگهبانی برایم هست که مرا حفظ می کند؟ گفتم: آقای من، ای پسر رسول خدا! از این سرزنش و ملامت بگذر.

به خدا قسم و به حق جدّ شما رسول خدا، به کارهایش فکر نکرده و نمی دانست کجاست؟

او صادقانه نذر کرده و سوگند خورده بعد از آن هرگز مستی نکند که آن مکر شیطان است. ای پسر رسول خدا اگر زمانی نزد او رفتید به یادش نیاورید از آنچه که گذشته، سرزنشش نکنید.

حضرت فرمود: به خدا قسم اراده و فکرم این چنین بوده است. جامه اش را خواست و پوشید و برخاست. همراه ایشان جماعتی از مردم برخاستند، بر مأمون وارد شوند.

زمانی که مأمون امام (ع) را دید، نزد ایشان برخاست و در آغوش خویش جای داد و خوش آمد گفت و اذن دخول به کسی را نداد. او مدام سخن می گفت و منتظر دستور بود. پس از پایان رساندن ملاقات، حضرت جواد (ع) فرمود: ای پیشوای مؤمنان! گفت: بله، بفرمایید. فرمود: «نزد من، برایت پندی هست، آن را پذیرا باش»

مأمون باشکر و سپاس گفت: ای پسر رسول خدا آن کدامست؟

فرمود: «دوست دارم در هنگام شب خارج نشوی که من برایت از شرّ این مردم نگوں سار امنیتی نمی بینم. در نزد من نوشته ای است که خویشتن تورا از بلایا در امان نگه می دارم و از بدیها و بلاها و مکروهات (ناپسندها) و بیماری ها و آفتها دور نگه می دارد. چنانچه که خداوند مرا از خطر تونجات داد، اگر به وسیله آن سربازان رومی و ترک برخورد کنی و علیه تو جمع شوند و همه اهل زمین بر تو غلبه کنند، با توکل به خداوند توانا، از طرف آنها آسیبی به تو نمی رسد. اگر به آن علاقه داری برای شما بفرستم، تا از آنچه که ذکر شده بر حذر دارم!»

گفت: بله، آن را با خط خود بنویسید و به سوی من بفرستید. فرمود البته.

یاسر گوید: هنگام صبح ابو جعفر (ع) در پی من فرستاد، زمانی که به سوی اورفتم و نزدیک ایشان نشستم، پوست آهوی را از سرزمین تهامه خواست سپس با خط خود این دعا را نوشت.

فرمود: یاسر، این را نزد امیر المؤمنین ببر و به او بگو برای آن صندوقچه ای نقره ای نقش درست کند و بر روی آن آنچه را که بعداً ذکر میکنم بنگارد. (نقش ببندد)

اگر زمانی خواست بر بازویش محکم ببندد، آنرا بر بازوی راستش ببندد و وضوی نیکویی بگیرد و چهار رکعت نماز بجا آورد؛ در هر رکعت یک مرتبه (حمد) و 7 بار (آیه الكرسي) و 7 بار (شهد الله) و 7 بار سوره (والشمس وضحاها) و 7 بار (واللیل إذا یغشی) و 7 بار (قل هو الله أحد) را بخواند.

بعد از خواندن نماز، در هنگام سختی ها و گرفتاری ها آن را بر بازوی راست محکم ببندد به اذن خداوند از هر بیم و خطری در امان نگه داشته می شود، شایسته است طلوع ماه در برج عقرب نباشد. اگرچه با رومیان و پادشاه ایشان بجنگند، به اذن خداوند و به برکت این دعا پیروز خواهد شد.

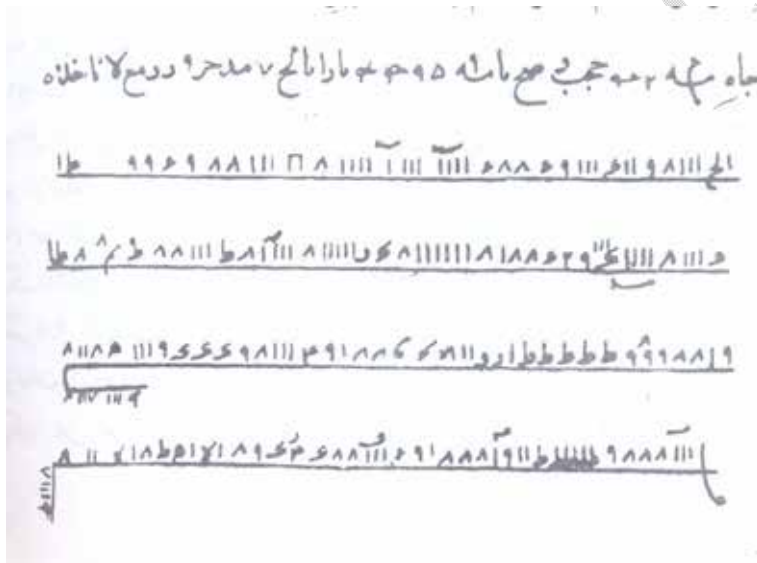
روایت شده زمانی مأمون از امام جواد (ع) در مورد اهمیت این دعا و خصوصیاتش شنید، با رومیان جنگید و خداوند او را بر رومیان پیروز ساخت و غنائم فراوان نصیب او ساخت. مأمون این دعا را در هر جنگ از خود دور نمی ساخت و خداوند به فضل و کرمش او را پیروز می ساخت و درهای پیروزی را با قدرتش روزی اقرار می داد و با حول و قوای خویش عهده دار آنهاست.

حرز این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى آخِرِهَا أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُكَّ تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ

أَنْتَ الْوَاحِدُ الْمَلِكُ الدَّيَّانُ يَوْمَ الدِّينِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلاَ مَغَالِبَةٍ وَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ بِلاَ مَنْ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ وَ تُدَاوِلُ الْأَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ وَ تُرَكِّبُهُمْ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ النَّصِيرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ وَالْعَرْشِ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ وَ أَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ بِالْحَيَاةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَ بِالْإِسْمِ الْأَكْبَرِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي هُوَ مُحِيطٌ بِمَمْلُوكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ سَجَرَتْ بِهِ الْبُحُورُ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ الْكُرْسِيُّ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ وَ بِالْإِسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعَظَمَةِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ وَ بِاسْمِكَ الْعَزِيزِ وَ بِأَسْمَاءِكَ الْمُقَدَّسَاتِ الْمُكْرَّمَاتِ الْمَخْزُنَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ خَيْراً مِمَّا أَرْجُو وَ أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُو وَمَا لَا أَحْذَرُ يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ حُنَيْنِيَا صَاحِبَ عَلِيٍّ يَوْمَ صِفِّينَ أَنْتَ يَا رَبَّ مَبِيرَ الْجَبَّارِينَ وَ قَاصِمُ الْمُتَكَبِّرِينَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ طِهِ وَ يَاسِينَ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ الْفُرْقَانِ الْحَكِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَشُدَّ بِهِ عَضْدَ صَاحِبِ هَذَا الْعَقْدِ وَ أَدْرَأْبِكَ فِي نَحْرِ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ عَدُوٍّ شَدِيدٍ عَدُوٍّ مُنْكَرِ الْأَخْلَاقِ وَ اجْعَلْهُ مِمَّنْ أَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ وَ قَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ وَ أَلْجَأَ إِلَيْكَ ظَهْرَهُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي ذَكَرْتَهَا وَ قَرَأْتَهَا وَ أَنْتَ أَعْرَفُ بِحَقِّهَا مِنِّي وَ أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْمَنِّ الْعَظِيمِ وَ الْجُودِ الْكَرِيمِ وَلِيَّ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ وَ الْكَلِمَاتِ النَّامَاتِ وَ الْأَسْمَاءِ النَّافِذَاتِ وَ أَسْأَلُكَ يَا نُورَ النَّهَارِ وَ يَا نُورَ اللَّيْلِ وَ يَا نُورَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ نُورَ النُّورِ وَ نُوراً يُضِيءُ بِهِ كُلُّ نُورٍ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ كُلِّهَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ وَ الْجِبَالِ وَ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا يَنْفِي وَ لَا يَبِيدُ وَ لَا يَزُولُ وَ لَا لَهُ شَيْءٌ مَوْصُوفٌ وَ لَا إِلَيْهِ حَدٌّ مَنْسُوبٌ وَ لَا مَعَهُ إِلَهٌ وَ لَا إِلَهٌ سِوَاهُ وَ لَا لَهُ فِي مُلْكِهِ شَرِيكَ وَ لَا تُضَافُ الْعِزَّةُ إِلَّا إِلَيْهِ لَمْ يَزَلْ بِالْعُلُومِ عَالِماً وَ عَلَى الْعُلُومِ وَاقِفاً وَ لِلْأُمُورِ نَازِماً وَ بِالْكَيْنُونِيَّةِ عَالِماً وَ لِلتَّدْبِيرِ مُحْكِماً وَ بِالْخَلْقِ بَصِيراً وَ بِالْأُمُورِ خَبِيراً أَنْتَ الَّذِي خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ وَ ضَلَّتْ فِيكَ الْأَحْلَامُ وَ ضَاقَتْ دُونَكَ الْأَسْبَابُ وَ مَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ نُورَكَ وَ وَجَلَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ وَ هَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ وَ أَنْتَ الْعَظِيمُ فِي قُدْرَتِكَ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْعَظِيمُ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ قَاضِي الْحَاجَاتِ مُفَرِّجُ الْكُرْبَاتِ وَلِيُّ النَّعْمَاتِ يَا مَنْ هُوَ فِي غُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِي دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ وَ فِي مُلْكِهِ عَزِيزٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْرُسْ صَاحِبَ هَذَا الْعَقْدِ

وَهَذَا الْحِرْزُ وَهَذَا الْكِتَابُ بَعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَكَتِفُهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَارْحَمَهُ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ
مَرْرُؤُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ لَا صَاحِبَةَ لَهُ وَلَا وَلَدَ بِسْمِ اللَّهِ قُوَى الشَّانِ عَظِيمِ
الْبُرْهَانِ شَدِيدِ السُّلْطَانِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ نُوْحًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ اِبْرَاهِيمَ
خَلِيلُ اللَّهِ وَأَنَّ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ وَنَجِيُّهُ أَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ كَلِمَتُهُ وَ
رُوحُهُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّاعَةِ الَّتِي يُؤْتَى فِيهَا
بِإِبْلِيسَ اللَّعِينِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَقُولُ اللَّعِينُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَاللَّهُ مَا أَنَا إِلَّا مُهَيَّجٌ مَرْدَدَةٌ، اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْقَاهِرُ وَهُوَ الْغَالِبُ لَهُ الْقُدْرَةُ السَّابِقَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ
الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا وَصِفَاتِهَا وَصُورِهَا وَهِيَ»



«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْعَرْشَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ اسْتَوَى عَلَيْهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِ صَاحِبِ كِتَابِي هَذَا كُلَّ سُوءٍ
وَمَحْذُورٍ فَهُوَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمْتِكَ وَأَنْتَ مُوَلَاةُ فَقِيهِ اَللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْأَسْوَاءِ كُلِّهَا وَاقْمَعْ عَنْهُ
أَبْصَارَ الظَّالِمِينَ وَ أَلْسِنَةَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُرِيدِينَ لَهُ السُّوءَ وَ الضَّرَّ وَ ادْفَعْ عَنْهُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَ مَخُوفٍ وَ أَيْ
عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ أَوْ سُلْطَانٍ مَارِدٍ أَوْ شَيْطَانٍ أَوْ شَيْطَانَةٍ أَوْ جِنِّي أَوْ جِنِّيَّةٍ أَوْ غُولٍ أَوْ غَوْلَةٍ
أَرَادَ صَاحِبِ كِتَابِي هَذَا بِظُلْمٍ أَوْ ضَرْأٍ أَوْ مَكْرٍ أَوْ مَكْرُوهِ أَوْ كَيْدٍ أَوْ خَدِيعَةٍ أَوْ نِكَايَةٍ أَوْ سِعَايَةٍ أَوْ فِسَادٍ أَوْ غَرَقٍ
أَوْ اصْطِلَامٍ أَوْ عَطَبٍ أَوْ مُغَالَبَةٍ أَوْ غَدَرٍ أَوْ قَهْرٍ أَوْ هَتَكِ سِتْرِ أَوْ اقْتِدَارٍ أَوْ آفَةٍ أَوْ عَاهَةِ أَوْ قَتْلِ أَوْ حَرْقٍ أَوْ
انْتِقَامٍ أَوْ قَطْعٍ أَوْ سِحْرِ أَوْ مَسْخٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ سَقَمٍ أَوْ بَرَصٍ أَوْ جُذَامٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ آفَةٍ أَوْ فَاقَةٍ أَوْ سَغَبٍ أَوْ
عَطَشٍ أَوْ وَسْوَسةٍ وَ أَوْ نَقْصٍ فِي دِينٍ أَوْ مَعْشِيَةٍ فَاكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنِّي شِئْتُ إِنَّكَ عَلَى

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

آنچه را که شایسته است را بر روی صندوقچه از نقره خالص نوشته شود:

«يَا مَشْهُورًا فِي السَّمَاوَاتِ يَا مَشْهُورًا فِي الْأَرْضِينَ يَا مَشْهُورًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ جَهَدْتَ الْجَبَابِرَةَ وَ الْمُلُوكَ عَلَى اطْفَاءِ نُورِكَ وَ إِخْمَادِ ذِكْرِكَ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُكَ يَبُوحَ بِذِكْرِكَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

دعای پیامبر (ص) جهت خلاصی از مشکلات

ابن عباس (که خداوند از او خشنود باد) روایت کرد: خدمت رسول اکرم (ص) رسیدم ایشان را خندان و شاداب دیدم. گفتم: پدر و مادرم فدایتان، رسول خدا! چه خبر است؟ فرمود:

ای فرزند عباس! جبرئیل (ع) بر من فرود آمد و در دست های او صحیفه ای بود که در آن برای من به ویژه امتم کرامت و بزرگی داشتنی است.

برایم گفت: یا محمد! این را بگیر و آنچه در آن است بخوان و بزرگ دار. آن گنجی از گنج های آخرت است. این دعای است که خداوند به کرم و بزرگی به تو و امتت هدیه داده است. گفتم: جبرئیل! آن دعا چیست؟ گفت: سلام و درود خدا بر او و بر همه ملائکین درگاه او سبحان الله العظیم و بحمده و آن دعایی است که ذکر آن جلوتر فرستاده شده تا سبحان الله هو الله العظیم. گفتم: یا جبرئیل! ثواب کسی که این دعا را می خواند چیست؟ پاسخ داد یا محمد! از ثواب چیزی پرسیدی که جز خدا آگاه نیست. اگرچه دریاها دگرگون شوند و درختان قلم و فرشتگان آسمانها کاتب و به اندازه هزار برابر دنیا نویسند، مرکب

ها تمام می شوند و قلم ها می شکنند و ده و یک دهم از آن نمی توان نوشت. ای محمد قسم به خداوندی که تورا بحق به پیامبری فرستاد، هیچ بنده و کنیزی نیست که این دعا را بخواند مگر اینکه خداوند برای او چهار برابر پاداش انبیاء و چهار برابر پاداش ملائکه می نویسد!

پس از پاداش پیامبران یا رسول الله پاداش عیسی و موسی و ابراهیم (ع). و از فرشتگان، اولاً پاداش من اسرافیل و میکائیل و عزرائیل.

یا محمد! هر مرد وزنی این دعا را در زندگیش بیست مرتبه بخواند، خداوند تبارک و تعالی او را به آتش جهنم عذاب نمی کند اگر برای گناهای مانند موجی از دریا قطره های باران و شمارستارگان به اندازه سنگینی آسمان و زمین، لوح، قلم، ریگ ها، درختان، موی ها، پشم ها و آفرینش بهشت و جهنم باشند خداوند به آن (سما) آنها را می آمرزد و برای همه گناهان خداوند هزار حسنه برایش می نویسد. ای محمد! اگر برای اندوهی، ناراحتی، بیماری مرضی عارضه ی، تشنگی یا ترسی موجود می باشد، این دعا را سه مرتبه بخواند، خداوند بزرگ حاجتش را برآورده می کند.

اگر در مکانی باشد که شیر و گرگ می ترسد و زمانی که خواست نزد فرمانروائی ستمگر رود، خداوند تبارک و تعالی همه بدیها و ناخواسته ها و آفت ها را با قدرت و نیرویش از وی دورنگه می دارد.

هر کسی در جنگ، یک بار این دعا را بخواند خداوند بلند مرتبه نیروی هفتاد نفر از مردان جنگجو را به او می دهد. و هر کسی آن دعا را بر درد سر، صورت، شکم، چشم زخم، نیش مار و عقرب بخواند خداوند تمای آنها را از او دور می کند. یا محمد! هر که به این دعا ایمان نداشته باشد پس از من دوری جسته و هر که آن را انکار کند، نیرو برکت از او می رود.

حسن بصری گفته است: پیامبر خدا (ص) بعد از کتاب خداوند بلند مرتبه چیزی برتر از این دعا برای امتش جانشین قرار نداد. سفیان گفته است: هر کسی که حرمت این دعا را نداند محققاً در خطر هلاکت است.

پیامبر (ص) فرمودند: «جبرئیل برای چه این دعا بر سایر دعاها برتر شمرده شده است؟» جبرئیل پاسخ داد: «زیرا در آن اسم اعظم خداوند است و هر که آن را بخواند حافظه او و ذهنش، علمش، عمرش

وسلامتی بدنش زیاد وچندین برابر می شود، و خداوند بلند مرتبه هفتاد بلا از آفت های دنیایی و هفتصد آفت اخروی را از او دور می کند. ابتدا این پاداش نخست دعاست، خداوند را زیاد دعا کنید.»

* ویژگی های پاداش این دعا

از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) که از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان فرمود: زمانی که من پشت مقام ابراهیم نماز می خواندم، جبرئیل فرود آمد، زمانی که از نماز فارغ شدم از خداوند بلندمرتبه برای ائمتم طلب آمرزش کردم. جبرئیل (ع) گفت: یا محمد! تورا نگران امت می بینم. به خدا قسم، خداوند بزرگ بر بندگانش مهربان و رؤوف است. پیامبر (ص) به جبرئیل (ع) فرمود: برادرم، تو دوست من و دوست ائمتم هستی، دعایی به من بیاموز تا ائمتم بعد از من به آن (دعا) مرا یاد کنند.

جبرئیل (ع) گفت: یا محمد، به تو سفارش میکنم که به ائمت دستور بفرمایی، سه روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هرماه ایام البیض گفته می شود، روزه نگه دارند.

یا محمد! تورا سفارش می کنم همانا به ائمت دستور دهی که این دعای شریف را بخوانند، که عرش پروردگار به این دعا نگه داشته می شود. من نیز به برکت آن دعاست که بر زمین فرود می آیم و به سوی آسمان بالا می روم. این دعا بر درهای بهشت و حجره ها بر ایوانها و بر خانه های آن نوشته است. و با این دعا درهای بهشت باز میشود و با این دعا در روز رستاخیز به دستور خداوند بلند مرتبه آفریدگان محشور می شوند.

هر که از ائمت این دعا را بخواند، خداوند فشار گور را از او دور می کند و به برکت آن از هراس بزرگ و آفت های دنیوی و اخروی در امان نگه می دارد. هر کسی این دعا را بخواند، خداوند او را از عذاب جهنم نجات می دهد.

رسول خدا (ص) از جبرئیل (ع)، پاداش و اجر این دعا سؤال کرد. جبرئیل (ص) پاسخ داد: یا محمد! از چیزی که قادر به شرح آن نیستم، سؤال کردی و کسی جز خداوند ارزش آن را نمی داند. یا محمد! اگر درختان

دنیا قلم و دریاها مرگب و همه آفریدگان نویسنده باشند، قادر نیست ثواب خواننده این دعا را بنویسند.

هیچ بنده ای نیست که این دعا را نخوانده و آزادی خویش را نخواستہ باشد جز اینکه خداوند تبارک و تعالی او را از بندگی و غلامی آزاد کرده باشد. هر غم دیده ای آن را بخواند خداوند اندوه و ناراحتی او را باز خواهد کرد. و هر حاجتمندی آنرا بخواند، خداوند آنچه را که در دنیا و آخرت ان شاء الله خواستار بوده، برآورده خواهد کرد. و خداوند مرگ بی هنگام و ترس در قبر و دنیا را از او دور خواهد کرد. و خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت به صورتی خندان به شفاعتش می بخشد. خداوند عزوجل به برکت این دعا، او را در بهشت داخل می کند و در خانه های بهشتی ساکن می کند و خداوند بر تن او لباسهای بهشتی فرسوده نشدنی خواهد پوشاند.

و هر که روزه دارد و این دعا را بخواند، خداوند عزوجل برای او پاداش جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل، ابراهیم خلیل، موسی کلیم الله، عیسی و پیامبر خاتم (ص) خواهد نوشت. رسول خدا (ص) فرمود: من از زیادی ثوابی که جبرئیل (ع) از خواننده این دعا ذکر نمود، در شگفت شدم. جبرئیل (ع) پاسخ داد: ای محمد! از پیروان تو در زندگی خود تنها یکبار این دعا را بخواند، خداوند در روز قیامت صورت او را مانند ماه شب چهارده نورانی محشور خواهد کرد.

سپس سلام خواهند گفت: این کیست؟ آیا پیامبر است؟ ملائکه به ایشان خواهند گفت: او نه پیامبر و نه فرشته است، بلکه او بنده ای، از بندگان خدای متعال و از فرزندان آدم که در زندگی خود تنها یکبار این دعا را خوانده است. خداوند عزوجل این کرامت را به او بخشید. سپس جبرئیل (ع) به پیامبر (ص) گفت: یا محمد! هر که این دعا را پنج بار بخواند، در روز قیامت در حالی که من بر روی قبرش ایستاده ام و همراهم اسبی از بهشت ایستاده خواهم بود تا زمانی که بر آن اسب سوار شود و جز در بهشت دارالنعم (جاوید جاویدان) فرود نخواهد آمد و در کنار ابراهیم (ع) و محمد (ص) برای او حسابی نیست.

من برای خواننده این دعا از مرد وزن و کیل هستم خداوند تعالی او را عذاب نمی کند اگر گناهانش بیشتر از کف های دریا و قطره های باران و برگ درختان و تعداد آفریدگان از اهل بهشت و دوزخیان

باشد. خداوند متعال فرمان می دهد کسی که این را بخواند پاداش حج نیکو و یک عمره پذیرفته شده بنویسند.

یا محمد! کسی که این دعا را با طهارت در هنگام خواب پنج مرتبه بخواند، تورا در خوابش می بیند که بهشت وعده اش می دهی و هر که گرسنه یا تشنه باشد، چیزی برای خوردن و آشامیدن نیابد یا مریض باشد و این دعا را بخواند خداوند متعال به برکت این دعا مشکلش را آسان می سازد طعام و آب به او می دهد و حوائج دنیا و آخرتش را بر می آورد. و هر که چیزی از اوسرقت رفته یا برده ای که گریخته، برخیزد وضو بسازد دو یا چهار رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت فاتحه الکتاب را یکبار و سوره اخلاص را دوبار بخواند و پس از سلام نماز، این دعا را بخواند و نوشته ی را بین دستها یا زیر سرش قرار بدهد، خداوند متعال به برکت این دعا ان شاءالله تعالی مشرق و غرب را به هم می پیوندد و بنده ی گریخته را باز می گرداند و اگر از دشمن می ترسد، این دعا را بر خویش بخواند خداوند متعال او را در حصاری محکم قرار می دهد و احدی از دشمنانش قادر به دسترسی او نیستند. هر بنده ای که بر او قرضی ست این دعا را بخواند، خداوند عزوجل قرض او را ادا می کند و پرداختن وام (قرض) برای او آسان خواهد شد ان شاءالله تعالی. اگر بنده با ایمان خالص به خداوند بزرگ، این دعا بر کوهی بخواند، به دستور خداوند متعال آن کوه به حرکت خواهد آمد و هر که با نیت پاک بر آب بخواند، آب منجمد خواهد شد. از این همه فضل که برای این ذکر کردم، تعجبی نیست که اسم اعظم خداوند در آن وجود دارد و زمانی که خواننده ای این دعا را بخواند و فرشتگان از جن و انس آنرا بشنوند برای خواننده آن، دعا می کنند و خداوند متعال دعای ایشان را اجابت خواهد کرد و همه اینها به برکت خداوند متعال و به برکت این دعاست. هر که به خدا و رسولش ایمان آورد، دعایش اجابت میشود و باید به آنچه در این دعا ذکر شده، قلبش را صاف کند. محققاً خداوند به هر کسی که بخواند بی حد و حساب روزی عطا می کند و هر که آنرا بخواند یا حفظ یا بنویسد بر هیچ مسلمانی دریغ نرزد.

رسول اکرم (ص) فرمود: در هر نبردی که این دعا را خواندم، مگر اینکه به برکت آن، بر دشمنانم پیروز شدم. نیز فرمود: هر که این دعا را بخواند خداوند نور اولیاء را در صورتش خواهد بخشید، و همه سختی ها را برایش آسان و آسان شدنی خواهد گردید.

حسن بصری گوید: من در نقل این دعا چیزهایی شنیده‌ام که قادر به شرح آن نیستم، اگر کسی آن را بخواند و پایش را بر زمین کوبد، زمین حرکت خواهد کرد. سفیان ثوری گوید: وای بر کسی که حرمت و ارزش این دعا را نمی‌داند، هر که ارزش و احترام این دعا را بداند به برکت این دعا خداوند عزوجل همه ناهمواری‌ها و سختی‌ها و آفت و بیماری و اندوه از او خواهد زدود. آن را بیاموزید و به دیگران یاد دهید که به برکت و خیر زیاد دنیا و آخرت در آن است ان شاء الله تعالی

«سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ (سه بار می‌گوییم) سُبْحَانَهُ مِنْ إِلَهٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِكٍ مَا أَقْدَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيرٍ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَجَلَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَلِيلٍ مَا أَمَجَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاجِدٍ مَا أَرْعَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَوْفٍ مَا أَعَزَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَزِيزٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَقْدَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيمٍ مَا أَعْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَالٍ مَا أَسْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَنِيٍّ مَا أَبْهَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَهِيٍّ مَا أُنُورَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنِيرٍ مَا أَظْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ مَا أَخْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَفِيٍّ مَا أَعْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَلِيمٍ مَا أَخْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَبِيرٍ مَا أَكْرَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا أَلْطَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْمَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا أَحْفَظَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَفِيزٍ مَا أَمْلَأَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا أَوْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا أَغْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيٍّ مَا أَعْطَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا أَوْسَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا أَجْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أَفْضَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَفْضِلٍ مَا أَنْعَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعِمٍ مَا أَسِيدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَشَدَّهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَقْوَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَشَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا أَقْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَدْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَفْرَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا أَوْحَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاحِدٍ مَا أَصَمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَوْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَتَمَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍ مَا أَعْجَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَخِيرٍ مَا أَبْعَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ مَا أَحْسَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَمِيلٍ مَا أَقْبَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَبَّارٍ مَا أَدِينَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ذِيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا أَنْفَذَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ

خالقِ ما أَقْهَرُهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاهِرٍ ما أَمْلَكُهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِكٍ ما أَدْرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَادِرٍ ما أَرْفَعُهُ وَ سُبْحَانَهُ رَفِيعٍ ما أَشْرَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ ما أَرْزَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَازِقٍ ما أَقْبَضَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِضٍ ما أَبْسَطَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاسِطٍ ما أَهْدَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ هَادٍ ما أَصْدَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ ما أَبَدَنَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَادٍ ما أَقْدَسَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قُدُوسٍ ما أَظْهَرَهُ [ما أَطْهَرَهُ خ ل] وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ [مِنْ ظَاهِرٍ خ ل] ما أَزْكَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ ما أَبْقَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ ما أَعْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَوَادٍ ما أَفْطَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاطِرٍ ما أَرْعَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَاعٍ ما أَعُونَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعِينٍ ما أَوْهَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَهَّابٍ ما أَتَوَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ ما أَسْخَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَخِيٍّ ما أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ ما أَسْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَلِيمٍ ما أَشْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ ما أَنْجَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجٍ ما أَبْرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍ ما أَطْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ ما أَدْرَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مُدْرِكٍ ما أَشَدَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ ما أَعْطَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَعَطِّفٍ ما أَعْدَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَادِلٍ ما أَتَقَنَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَقِنٍ ما أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ ما أَكْفَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ ما أَشْهَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَهِيدٍ ما أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَ بِحَمْدِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَافِعٍ كُلِّ بَلِيٍّ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»

دعایی ارزشمند از امیرالمؤمنین علی (ع)

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن غالب از عبد الله بی ابی حبیبه از خلیل بن سالم از حارث بن عمیر از امام جعفر صادق (ع) از پدرش و آن حضرت از جدش از آن حضرت از امیرالمؤمنین (ع)

فرمود: رسول الله (ص) این دعا را به من و اهل بیتش آموخت و به من دستور داد در هر ساعتی برای هر سختی و سستی آنرا حفظ کنم و به جانشین بعد از خود آن را بیاموزم و تا پایان عمر خویش آن را از خود دور نسازم تا فردا روز خداوند بزرگ را با این دعا ملاقات کنم. همچنین گفت: این دعا را در هر بامداد و شامگاه بخوان، آن گنجی از گنجهای آسمانی است. گفتم: چه بگویم؟ فرمود: این دعا را بگو، که من آنرا یاد می کنم بعد از اینکه ثواب آن تفسیر شد. زمانی که پیامبر (ص) از خواندن دعا فارغ شد، ابی بن کعب انصاری به ایشان گفت:

هر کسی که این دعا را می خواند، پادشی نیست؟ رسول خدا (ص) فرمود: آرام باش، ابی بن کعب انصاری! عالمان زبان منطق صاحب دعا را نزد خداوند بزرگ از افزودنی و کرامت نمی دانند. گفت: پدر و مادرم فدای شما! از ثواب این دعا ما را خبر بده.

رسول خدا (ص) خندید و فرمود: فرزند آدم بر آنچه منع شده، حریص است. شما را به بعضی از ثواب این دعا خبر می دهم. وقتی خواننده این دعا آن را در پیشگاه خداوند بزرگ می خواند، نیکی از کرانه های آسمانی تا زمین بر فرق سرش می ریزد؛ خداوند بزرگ آرامش را برای او می فرستد و با رحمتش او را می پوشاند، این دعا انتهای جز عرش پروردگار جهانیان ندارد.

زمزمه ای چونان صدای زنبور عسل دارد. خداوند بزرگ به هر کسی که این دعا را بخواند نگاه می کند، هر که سه بار آن را بخواند خداوند بزرگ چیزی از خیر دنیا و آخرت بخواهد بنده خویش را به وسیله آن دعا از تنگی سینه (پس از مرگ) دور می کند. زمانی که روز رستاخیز شد صاحب این دعا سوار بر مرکبی از مروارید سفید در برابر پروردگار جهانیان می ایستد و خداوند بزرگ همه کرامت‌ها را برایش دستور می دهد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ای بنده من! از بهشت هر آنچه و همراه مال در نزد خداوند افزونی و کرامت می خواهی، انتخاب کن. نه چشم کسی آن را دیده نه گوشی آنرا شنیده، نه منزلتی بر قلبهای آفرینده ها و نه بر زبان توصیف کننده ای جاری است.

سلمان فارسی (ره) به ایشان عرض کرد که از ثواب این دعا بیشتر بگویند و خداوند مرا خدای یتیمان قرار دهد. پیامبر فرمود: ابا عبدالله! سوگند به خداوندی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر این دعا را بر دیوانه خوانند، از دیوانگی در طی یک ساعت هوشیار خواهد شد. اگر برزنی که زائیدنش سخت است، خوانده شود، خداوند تولد فرزندش را در یک چشم بستن سرعت بخشیده و آسان خواهد کرد. اگر والدین این دعا را بر فرزندش که نفرین (عاق) کرده اند، بخواند، خداوند در یک ساعت او را اصلاح خواهد کرد. آری، سلمان؛ سوگند به خدای که مرا به پیامبری برانگیخت، هر بنده ای خداوند بزرگ را با این دعا چهل شب، از شبهای جمعه بخواند جز این نیست که خداوند همه گناهان بین خویش و بین انسانها و بین بنده و پروردگارش را خواهد بخشید.

سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری فرستاد، ای سلمان! هرکسی خداوند بزرگ را با این دعا بخواند، جز این نیست که خداوند قلبش را از تمام غمهای دنیا و اندوه های بسیاری دور خواهد کرد. آری، ای سلمان! هرکس خداوند بزرگ را با این دعا درست یا نادرست خوانده باشد در بسترش به امید پاداشش بخوابد. خداوند بزرگ به حرفی از این دعا هزار فرشته خواهد فرستاد؛ با چهره هایی که از خورشید نیکوتر و ماه شب بدر روشن تر خواهد بود.

سلمان گفت: آیا خداوند بزرگ با این دعا این همه ثواب به بنده اش می بخشد؟ فرمود: ای سلمان! به مردم خبر ندهید تا اینکه تورا به خبر بزرگتر از آن آگاه سازم. سلمان گفت: یا رسول الله! چرا به پنهان کردن آن فرمان می دهید؟ رسول خدا (ص) فرمود: می ترسم بندگی را رها کرده و به دعا مشغول شوند. سلمان گفت: ای رسول الله! مرا از آن آگاه ساز. فرمود: آری، ای سلمان! تو را از آن آگاه می سازم، هر که این دعا را بخواند و در زندگی خود مرتکب گناهان بزرگ باشد، در همان شب یا روز، خداوند بزرگ را با این دعا بخواند و بمیرد شهید مرده است. ای سلمان! اگر بدون توبه بمیرد، خداوند همه گناهانش را به بزرگی خود و بخشش می آمرزد. این دعا را می گویم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْمُبِينُ الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ وَلَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ الْأَوَّلُ غَيْرَ مَصْرُوفٍ وَالْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ الْعَظِيمِ الرَّبُّوْبِيَّةِ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَ فَاطِرُ هُمَا وَمُبدِئُهُمَا بِغَيْرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا وَ فَتَقَهُمَا فَتَقًا فَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ وَ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةً وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةً وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ وَلَا بَحْرٌ لَجِيٌّ وَلَا جَبَلٌ رَاسٍ وَلَا نَجْمٌ سَارٍ وَلَا قَمَرٌ مُنِيرٌ وَلَا رِيحٌ تَهْبُتٌ وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ وَلَا رَعْدٌ يُسَبِّحُ وَلَا رُوحٌ تَنْفَسُ وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ وَلَا مَاءٌ يَطْرُدُ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَكَوْنْتَ كُلِّ شَيْءٍ وَ قَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ ابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَغْنَيْتَ وَ أَفْقَرْتَ وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ وَ أَضْحَكْتَ وَ أَبْكَيْتَ وَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ فَتَبَارَكْتَ يَا اللَّهُ وَ تَعَالَيْتَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّاقُ الْمُعِينُ أَمْرُكَ غَالِبٌ وَ عِلْمُكَ نَافِذٌ وَ كَيْدُكَ غَرِيبٌ وَ وَعْدُكَ صَادِقٌ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ حُكْمُكَ عَدْلٌ وَ كَلَامُكَ هُدًى وَ وَحْيُكَ نُورٌ وَ رَحْمَتُكَ وَاسِعَةٌ وَ عَفْوُكَ عَظِيمٌ وَ فَضْلُكَ كَثِيرٌ وَ

عَطَائِكَ جَزِيلٌ وَ حَبْلُكَ مَتِينٌ وَ إِمكَانُكَ عَتِيدٌ وَ جَارُكَ عَزِيزٌ وَ بَأْسُكَ شَدِيدٌ وَ مَكْرُكَ مَكِيدٌ أَنْتَ يَا رَبِّ
 مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى حَاضِرٌ كُلِّ مَلَأٌ وَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ مُفَرِّجٌ كُلِّ حُزْنٍ غِنَى كُلِّ مَشْكِينٍ
 حِصْنٌ كُلِّ هَارِبٍ أَمَانٌ كُلِّ خَائِفٍ حُرُزُ الضَّعِيفِ كِنزُ الْفُقَرَاءِ مُفَرِّجُ الْغَمِّاءِ مُعِينُ الصَّالِحِينَ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَكْفَى مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ جَارٌ مَنْ لَدَيْكَ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ عِصْمَةٌ مَنْ اعْتَصَمَ
 بِكَ نَاصِرٌ مَنْ انْتَصَرَ بِكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ أَسْتَغْفَرَكَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ سَيِّدُ
 السَّادَاتِ مَوْلَى الْمَوَالِي صَرِيحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ مُنْقَسٌ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ أَسْمَعُ
 السَّامِعِينَ أَبْصِرُ النَّاصِرِينَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ قَاضِي حَوَائِجِ
 الْمُؤْمِنِينَ مُغِيثُ الصَّالِحِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ
 أَنَا الْمَمْلُوكُ وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ أَنْتَ الْمُعْطَى وَ أَنْتَ الْمُعْطَى أَنَا السَّائِلُ وَ
 أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ
 أَنْتَ السَّيِّدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الْغَافِرُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ وَ أَنَا وَ أَنَا الْجَاهِلُ وَ أَنْتَ الْحَلِيمُ وَ أَنَا
 الْعَجُولُ وَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ وَ أَنْتَ الْمُعَافَى وَ أَنَا الْمُبْتَلَى وَ أَنْتَ الْمُجِيبُ وَ أَنَا الْمَضْطَرُّ وَ أَنَا أَشْهَدُ
 بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُعْطَى عِبَادَكَ بِلا سَوْأَلٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ
 الْفَرْدُ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ اسْتُرْ
 عَلَيَّ عَيْبِي وَ افْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ رِزْقاً وَاسِعاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
 حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

دعای مظلوم علیه ظالم

طبق اسنادی از شیخ ابوجعفر ابن بابویه در کتاب «عیون اخبار الرضا (ع)» روایت شده است:

مردی به سوی امام صادق (ع) آمد و از ستم مردی شکایت کرد. امام (ع) فرمود: چرا تو از آن دعای
 مظلومی که پیامبر (ع) به امیر المؤمنین (ع) تعلیم داده، نمی خوانی؟ هیچ مظلومی بر ظالمی نخوانده مگر
 اینکه خداوند متعال او را یاری کرده و شرش را دور نگه می دارد.

دعا این است:

«اللَّهُمَّ طُمِّهِ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَ غَمِّهِ بِالْبَلَاءِ غَمًّا وَ قَمِّهِ بِالْأَذَى قَمًّا وَ أَرْمِهِ بِيَوْمٍ لَا مَعَادَ لَهُ وَ سَاعَةً لَا مَرَدَّ لَهَا وَ أَبْحِ حَرِيمَهُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ قِنِي شَرَّهُ وَ اكْفِنِي أَمْرَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ أخرج قَلْبَهُ وَ سُدَّ فَاهُ عَنِّي وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ حَمَلَ ظُلْمًا اخْسَئُوا فِيهَا وَ لَا تَكَلِّمُونِ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ»

دعای حضرت ابراهیم (ع) جهت خلاصی از آتش

این دعا را جلوتر از دعای پیامبر (ص) در روز أحد، روایت کردیم. روایت دیگری از دعای حضرت ابراهیم (ع) زمانی که در آتش گسترده شد دیدیم که خداوند او را نجات بخشید. راویان این را از رازهای بزرگ که دارای ارزش بزرگ خداوند پاک و منزّه است، ذکر نموده اند.

دعا این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الْمَرْهُوبُ يَرْهَبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّفِيعُ عَرْشُكَ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ وَأَنْتَ الْمُظِلُّ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لَا يُظِلُّ شَيْءٌ عَلَيْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا يَصِلُ أَحَدٌ عَظَمَتِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا نُورَ النُّورِ قَدْ اسْتَضَاءَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَيْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ وَ تَكَبَّرْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ يَا نُورَ النُّورِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ لَا خَامِدَ لِنُورِكَ يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكَ تَبْقَى وَ يَفْنَى غَيْرُكَ يَا نُورَ النُّورِ يَا مَنْ مَلَأَ أَرْكَانَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِعَظَمَتِهِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ كَهَوِّ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ أَغْنِنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ يَا مَنْ أَمْرُهُ كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا إِهْيَا أَشْرًا إِهْيَا أَذُنِي أَصْبَاوْتُ آلَ شَدَائِي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ وَ مَنْتَهَاهُ.»

دعای شش قفل

روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند هر کس که دعای شش قفل را بخواند و یا نزد خود نگهدارد خداوند او را در مورد رحمت خود قرار داده و از تمام آفات حفظ می نماید و دعایش همیشه مستجاب است و در دنیا با عزت و احترام زندگی می نماید انشاء الله.

قفل اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ»

قفل دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ الْخَالِقِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

قفل سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْغَنِيُّ الْقَدِيرُ»

قفل چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْكَرِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

قفل پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

قفل ششم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ قَالَهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

دعای معراج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يَا سَيِّدُ يَا سَنَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَهُ الْمَسْتَنَدُ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ اكْفِنِي فِيهِ وَاعْوِذُ بِكَ بِسْمِ اللَّهِ التَّامَاتِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا بَارِي يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا مَالِكُ يَا قَادِرُ يَا وَاهِبُ وَهَابُ يَا تَوَّابُ يَا حَكِيمُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا غَافِرُ يَا شَكُورُ يَا عَالِمُ يَا عَادِلُ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا وَدُودُ يَا غَفُورُ يَا رَوْفُ يَا وَتَرُ يَا مُغِيثُ يَا مُجِيبُ يَا حَبِيبُ يَا مُنِيبُ يَا رَقِيبُ يَا مُعِيدُ يَا حَافِظُ يَا قَابِضُ يَا حَيُّ يَا مَالِكُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا رَحِيمُ يَا رَاحِمُ يَا فَاتِحُ يَا فَارِجُ يَا فَاحِرُ يَا مُعِزُّ يَا مُدِلُّ يَا مُعِينُ يَا مُبِينُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا جَبَّارُ يَا غَفَّارُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا غَفْرَانُ يَا بَرَهَانُ يَا سُبْحَانَ يَا مُسْتَعَانَ يَا سُلْطَانَ يَا أَمِينَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا شَكُورُ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا زَكِيُّ يَا قَوِيُّ يَا غَنِيُّ يَا مُحِقُّ يَا مُعْطِيُ يَا آخِرُ يَا أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا نُورَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا هَادِيَ الْمُضْلِينَ يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا هَادِيَ الْمُضْلِينَ يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ السَّبَابِ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ

یا غافِرَ الْخَطِيئَاتِ یا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ یا ضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ یا دافعَ الْأَمْوَاتِ یا ضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ یا دافعَ
 الْبَلِيَّاتِ اللَّهُمَّ احْفَظْ صَاحِبَ هَذَا الدُّعَاءِ مِنَ الطَّاعُونَِ وَ الزَّلَّالَةِ وَ الْفُجَاءِ وَ الْوَبَاءِ وَ مِنْ شَرِّ السُّلْطَانِ الْجَابِرِ
 وَ شَرِّ الْعَيْنِ السُّوءِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِحَقِّ كَهَيْعِصِ
 وَ بِحَقِّ حَمْعِشَقِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ بِحَقِّ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَى وَ بِحَقِّ اللَّوْحِ وَ الْقَلَمِ وَ
 الْكَرْسِيِّ وَ الْعَرْشِ وَ بِحَقِّ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ احْفَظْ صَاحِبَ هَذَا الدُّعَاءِ مِنْ شَرِّ
 كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ طَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ
 مِنْهَا وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ احْفَظْ صَاحِبَ هَذَا الدُّعَاءِ مِنْ شَرِّ الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ الْمِحَنَةِ وَ الدَّاءِ وَ
 مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ يَا رَبِّ بَعِّزْ عَنَّا بَلْطَفِكَ وَ الرَّحْمَةَ رَحْمَتِكَ
 يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا دافعَ الْبَلَايَا يَا غافِرَ الْخَطَايَا يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ يَا نُورَ الْقُلُوبِ يَا حَبِيبَ
 الْقُلُوبِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ اللَّهُمَّ
 أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ رُوحِي وَ مَالِي وَ أَوْلَادِي وَ جَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنَّهُ لَا
 يُضْعُ صَانِيكَ يَصُونُوكَ وَ مَحْفُوظُكَ وَ مَأْمُوكَ وَ لَا يُجِيرُنِي أَحَدٌ مِنْكَ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِداً اللَّهُمَّ
 رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ عَذَابَ الْقَبْرِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ وَ الْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً
 كَثِيراً»

دعای عکاشه

به اسناد معتبره از حضرت رسول مروریست که خواندن دعای عکاشه و داشتن آن همراه خود از برای
 وسعت رزق و روزی و زیادتى حافظه و فهم و ایمنى از عذاب قبر و قضای حوائج و کفایت مهمات و حفظ از
 جمیع بلیات ارضی و سمائی بسیار مجرب است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ يَا كَثِيرَ النُّوَالِ يَا حَسَنَ الْفِعَالِ يَا رَازِقَ الْعِبَادِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِن
 دَخَلَ الشُّبْهَةُ فِي مَعْرِفَتِي إِيَّاكَ وَ لَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثُبْتُ عَنْهُ أَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ

اللَّهُمَّ إِن دَخَلَ النِّفَاقُ فِي قَلْبِي مِنْ ذُنُوبِي الْكَبَائِرِ وَالصَّغَائِرِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِن جَرَى الْكِذْبُ وَالْغَيْبَةُ وَالنَّمِيمَةُ عَلَى لِسَانِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَرَدْتُ لِي مِنْ خَيْرٍ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَوْ لَيْتَنِي مِنْ نِعَمَائِكَ فَعَفَلْتُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ اللَّهُمَّ مَا أَوْ لَيْتَنِي مِنَ الْآثِمِ فَلَمْ أَوْ دَحَقَّهُ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنَ الْحُسْنَى فَلَمْ أَحْمَدَكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَعْرِضْهُ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِ اعْتَمَدْتُ مِنْ سَوَالٍ فِي الشَّدَائِدِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تُبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَعَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ»

طریقه ختم نادعلی کبیر

طریقه ختم نادعلی کبیر آن است که اگر کسی را مهمی عظیم پیش آمد نادعلی را هفت بار بخواند به نیت آن مهم البته برآورده شود اگر به نیت فرزند بخوانی حقتعالی به تو فرزند کرامت کند اگر خواهی شخصی را مسخر خود گردانی در شب جمعه چهارده مرتبه به اسم او بخوان و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرست البته مسخر تو گردد و هرچه گوئی از سخن و صلاح تو بیرون نشود و اگر بعد از نماز صبح به نیت توانگری نه بار بخوانی غنی شوی و اگر جهت ادای قرض پانزده روز، روزی بیست و دو مرتبه بخوانی ادا شود و اگر کسی این دعا را با خود دارد از شر حیوانات و جن و انس محفوظ باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«نَادَعَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ لِي أَلِيَّ اللَّهِ حَاجَتِي وَ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي كُلَّمَا أَمَرْتُهُ وَ رَمَيْتُ مَنْقُضِي فِي ضِلِّ اللَّهِ وَ يُظِلُّ لِي أَدْعُوكَ كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَنْجِلِي بِعَظَمَتِكَ يَا اللَّهُ بِنُبُوتِكَ يَا مُحَمَّدُ بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ أَدْرِ كُنِي بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ اللَّهُ أَكْبَرُ أَنَا مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ بَرِيَّ اللَّهُ صَمَدِي مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي وَ عَلَيْكَ مُعْتَمَدِي بِحَقِّ آيَاكَ نَعْبُدُ وَ آيَاكَ نَسْتَعِينُ يَا أَبَا الْغَيْثِ أَغْنِنِي يَا أَبَا الْحَسَنِينِ أَدْرِ كُنِي يَا سَيِّفَ اللَّهِ أَدْرِ كُنِي يَا بَابَ اللَّهِ أَدْرِ كُنِي يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْرِ كُنِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَدْرِ كُنِي بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ يَا قَهَّارُ تَقَهَّرْتَ بِالْقَهْرِ وَ الْقَهْرُ فِي قَهْرِكَ يَا قَهَّارُ يَا قَاهِرَ الْعَدُوِّ يَا وَالِيَّ الْوَلِيِّ يَا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ يَا مُرْتَضَى عَلِيٍّ رَمَيْتَ مَنْ بَغَى عَلَيَّ بِسَهْمِ اللَّهِ وَ سَيْفِ الْقَاتِلِ أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ وَ الْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَدْرِ كُنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا ذَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا مُعِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

دعای هفت هیكل

از جمله ادعیه شریفه ای است که هر که آن را بخواند و یا نزد خود نگاهدارد خداوند تبارک و تعالی او را از غیبت و بدگوئی مردمان نگاه دارد و دشمنان او را مغلوب نماید. دعا این است:

هیكل اول:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ إِلَهًا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

هیكل دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ سُنَّهٌ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْانِ الْفَجْرِ أَنْ قُرْانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»

هیكل سوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَنْ الرُّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤْخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ اعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

هیكل چهارم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَذَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَنُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَابِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»

هیكل پنجم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيقًا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ أَنْشَاءَ اللَّهُ أَمِينِينَ مُخْلِقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا»

هیكل ششم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا.»

هیكل هفتم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَإِنْ يَكَاذُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَـزُ لِقَوْنِكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»

دعای اُم الصَّبَّیان در دفع جنیان از نوزادان و کودکان

این دعا را در یکی از روز های یکشنبه، پنج شنبه و یا جمعه در ساعات شمس، مشتری یا زهره نوشته و یا کپی کنید و آن را به نوزاد یا کودک آویخته یا زیر بالین آن ها قرار دهید. این دعای عظیم القدر بخصوص برای چهل روز نخست تولد نوزاد بسیار تاکید می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله و بالله و من الله و الى الله و لا غالب الا الله و هذا كتاب من الله العلي العظيم ومن نقش خاتم سليمان بن داود و هو ملك الجن والانس والشیاطین وكل بناء و عواص الى جميع ما فی الارض باذنه كان او يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل و التوابع والغيلان و ام الصبيان من الدهش والارمن و جميع الارواح المخبئه الخبيئه عزمت عليكم يا معشر الجن و يا معاشر الارواح ان كنتم من الارواح اليهوديين من معشر الجن بربكم و هو الواحد القهار الكبير المتعال و بنبيكم موسى عليه السلام بكتابكم التورايه وان كنتم من الارواح المجوسيين بربكم و هو الواحد القهار و بنبيكم داود صلوات الله عليه و بكتابكم الزبور فتبارك الله احسن الخالقين و ان كنتم من الارواح النصرانيين فاني عزمت

علیکم بر بکم و هو الله الحافظ الجبار و بنیکم عیسی علیه السلام و بکتابکم الانجیل و انتم ان کنتم من الارواح المسلمین فانی عزمت علیکم بر بکم و هو الرحمن الرحیم الملك القدوس السلام له الاسماء الحسنی و بنیکم محمد المصطفی صل الله علیه واله و بکتابکم الفرقان العظیم بایه و ایتین و حروف فانی عزمت علیکم بمعاشرا الارواح فتبارک الله احفظ الحافظین وانتم ایها الجاهلون ان کنتم من الارواح المجوسیین فانی عزمت علیکم بایه و حرف و حروف الا تقربوا صاحب هذا الكتاب لا فی اللیل و لا فی النهار ولا فی سفر و لا فی حضر و اعیذه بحق التورایه والانجیل و الزبور و بایات القرآن و کتابتها لا اله الا الله وحده لا شریک له اله واحد و ملیکا و عزیزا نصیرا متفردا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذاک ننجی المومنین لا اله الا الله الغنی المغنی العلی العظیم الکبیر المتعال الحی القیوم الحنان المنان الاحد الصمد الواحد الفرد المعز المذل الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد الله لا اله الا الله هو الحی القیوم لا تاخذه سنه و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء و سع کرسیه السموات والارض و لا یوده حفظهما و هو العلی العظیم الجبار القدیم الستار العلیم القهار القوی شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام ختمت هذا التعویذ بسم الله العظیم العالی تعالی عما یصفون و باسم محمد صل الله علیه و اله و سلم تسلیما کثیرا لمن علق علیه صغیرا او کبیرا ذکرا او انثی حرا و عبدا و بحق الله تعالی و بخاتم سلیمان بن داود علیه السلام و بخاتم اصف بن برخیا و بخاتم شعیب النبی و بخاتم یوشع بن نون و بخاتم یعقوب و یوسف و بخاتم یحیی و زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا و بخاتم عیسی بن مریم و بخاتم محمد صل الله علیه واله و سلم و بحق مائه و اربع عشرة سورة و حروفها و کلامها و امر و نهی یا ذا الجلال و الاکرام و الجمال و البهاء احفظ عبدک الضعیف من هذه الالفه الصعبه ام الصبیان و من کل ذی شر و من شر کل هامة و من شر افات الدنیا و الاخرة عن جبلها و سهلها و خرابها و عمرانها یا غیاث المستغیثین یا جار المستجیرین یا جبار المتجبرین یا دیان یوم الدین و شریعة المسلمین و بحق انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین لا اله الا انت الکریم الدیان یا اله الاولین و الاخرین رب السموات السبع و الارضین السبع یا اله العالمین بحق طه و یس و کهیعص و حمعسق و بحق الواحد الاحد الصمد الفرد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد

بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا هو الحي القيوم العلي العظيم سبحان الله تعالى عما يصفون رب
العرش الكريم الحمد لله رب العالمين كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل
يهلك الا القوم الفاسقون كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشيّة او ضحيتها يا مخلص عيسى بن مريم
خلص من علق عليه هذا بسم الله الرحمن الرحيم ففتحن ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عيونا
فالتقى الماء على امر قد قدر ويوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا الملك يومئذ الحق
للرحمن و كان يوما على الكافرين عسيرا انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فيها حبا و
قضبا و زيتونا ونخلا و حدائق غلبا و فاكهة و ابا متاعا لكم و لانعامكم فاذا جاءت الصاخة بسم الله
الرحمن الرحيم انافتحن لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تاخر و يتم نعمته عليك و
يهديك صراطا مستقيما و ينصر ك الله نصرا عزيزا و لم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا
ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون اذا السماء انشقت واذنت لربها و حقت و اذا
الارض مدت و القت ما فيها و تخلت و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناك الا مبشرا و نذيرا ان ولى
الله الذى نزل الكتاب و هو يتولى الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب
العرش العظيم بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله رب ابراهيم واسماعيل و اسحق ويعقوب والاسباط و
رب جبرئيل و ميكائيل واسرافيل و اعيذ من علق عليه كتابي هذا باسمك الاكبر و بكلماتك التامات
التي لا يجاوزهن بر و لافاجر و بالاسماء الحسنی و بعزة الله و جبروته وعظمته من شر ما خلق و ذره و
برء من شر الصامت والناطق و الظاهر والباطن و الشاهد والغائب والغادى والرايح و من شر كل دابة فى
البر و البحر و الشجر والنخيل و الهواء و الثرى عربى او اعجمى او فصيح قائما او قاعدا او نائما او يقظانا
او ساكن السحاب الظلة و اعيذ من شر علق عليه كتابي هذا و هو حرز الله حيث ما كان معه و بحيث ما
كان او كائن ما كان والله معزه و وليه وحافظه و حارثه وعافيته من عز او يعرض هما به من عين او نفث
او لمس اولمس او مس بما شاء الله لاقوه الا بالله و باذن الله والله ختمت و بالله فتحت و اعيذ بالله الاحد
الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن كفوا احد و اعيذه بالله رب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق
اذا وقب و من شر النفاثات فى العقد و من شر حاسد اذا حسد و اعيذه بالله رب الناس ملك الناس من
شر الوسواس الخناس الذى يوسوس فى صدور الناس من الجنة والناس اللهم احفظ عبدك صاحب هذا
التعويذ بحق محمد عبدك الكريم و اله وكلامك المجيد و صل الله على محمد و اله اجمعين الطيبين
الطاهرين والحمد لله رب العالمين

نقد و بررسی عرفان های کاذب و فرقه های نوظهور

(نقل از کتاب « پاسخ به پرسش های روز» نوشته محمد رضا صادقی سوادکوهی)

شیطان پرستی

یکی از دغدغه های جوامع دینی، ظهور و بروز گروه ها و فرقه های نوین مذهبی و فکری است که به ویژه در سده اخیر و دهه های منتهی به هزاره سوم میلادی نمایان شده اند.

این فرقه ها که پیروان خود را از بین افرادی با آرمان های والای فکری و جوانان جویای جذابیت عبادی و آرامش های درونی و مهارت ها و نیروهای طبیعی فوق العاده بر می گزینند، تحت تبلیغاتی چون «آموزش مدیتیشن و یوگا، انرژی درمانی و ... به جذب افراد می پردازند و مدعی هستند که می توانند مجموعه ای از پاسخ های مورد نیاز بشر به سوالات غایی و نهایی و رسیدن به خداوند و وصل به منبع حیات و انرژی را ارائه نمایند و با وعده هایی چون «تسکین آلام روحی، بهبود امراض مزمن یا صعب العلاج، قرار گرفتن در محیطی صمیمی، زندگی در کنار دوستانی همدل و همراه، حل مسائل شغلی و دغدغه های مادی، نیل به موفقیت مطلق و ...» پیروان خود را شستشوی مغزی داده و فعالیت می نمایند.

در این بین، شیطان پرستی نوین نیز یکی از فرقه های نوپائی است که متأسفانه در کشور عزیزمان به سرعت در حال گسترش و توسعه بوده و ادعا دارد که می تواند مشکلات فردی و اجتماعی افراد را حل نماید و متأسفانه بسیاری از جوانان و نوجوانان ما را با استفاده از جذابیت هایی مثل موسیقی متالیکا، نمادهای رمزگونه، آموزه های جادوگری و ... به طرف خود جذب می نماید.

* مفهوم شیطان پرستی

شیطان پرستی، یک حرکت مکتبی است به معنای «پرستش شیطان» به عنوان قدرتی بسیار قوی تر و موثرتر از نیروهای خیر همچون خدا». در شیطان پرستی، شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین و برترین قدرت در جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد. در شیطان پرستی، غیر از استفاده از شیطان به عنوان قدرت تاریکی و قدرت مطلق، از نیروها، جنیان و روح های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف استفاده می شود؛

در نهایت، معنای «شیطان پرستی» پرستش قدرت پلیدی است. در این فرقه، دنیایی ترسیم می شود که هیچ روزنه ی امیدی برای آن قابل تصور نیست. به همین جهت شیطان پرستی را «جهان تاریک» می گویند.

* سیر پیدایش شیطان پرستی

شیطان پرستی سه دوره تاریخی دارد:

شیطان پرستی بدوی، شیطان پرستی قرون وسطی و شیطان پرستی مدرن.

در شیطان پرستی بدوی که به مدت ها قبل از مسیحیت و حتی زمان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) بر می گردد، شیطان به عنوان یک قدرت ماورائی بر سر زبان ها بوده و مردم از او وحشت و ترس داشتند و چون خود را قادر به مقابله با او نمی دانستند و از درکش عاجز بودند، تسلیم می شدند و سجد می کردند و در کنار رسوم مذهبی و آیینی، برخی رسوم شیطانی و خلاف اخلاق را نیز ترویج دادند. اما در قرون وسطی که کلیسا، رفتن به سمت علم و دانش را ضد دین و شیطانی می پنداشت، شیطان به صورت مظهر خرد و دانایی و راهنمایی بشر به سوی درخت معرفت درآمد و از این رو بود که مردم معتقد بودند از طریق شیطان (که نماد علم و خرد شده بود)، خیر و برکت زیادی به انسان رسیده است. گروهی از یهودیان در طول قرون وسطی، علوم و اندیشه های به جا مانده از یونان و متون اسلامی را به خوبی فرا گرفتند و این در حالی بود که کتاب مقدس و تحریف شده ی آن ها، پیگیری دانش را عصیان در برابر خدا معرفی کرد و همین منع را عده ای دلیل اصلی ماندگاری شیطان پرستی می دانند.

شیطان پرستی مدرن نیز از نیمه قرن شانزدهم شروع شد که به اعتقاد بعضی، از سوی اشراف انگلستان و در قالب گروه های سری، رهبری می شد.

در قرن نوزدهم برای ترویج و ایجاد مقبولیت شیطان پرستی، کوشش هایی صورت پذیرفت و گروه ها و محافل شیطان پرست تلاش بی شائبه ای صورت دادند تا اصول اخلاقی و مقبول جامعه را براندازند. در آغاز قرن بیستم این فعالیت ها، شکل مدرن تری به خود گرفت و پایگاه های دائمی و مراسم و اعمال ویژه ای نیز ابداع گردید که از جمله آنها مراسم «شیطان پرستی مدرن» است که حول محور «اعمال جنسی» بوده و اعضاء را به لذت بردن کامل از این غریزه طبیعی فرا می خواند.

* اصول شیطان پرستی

اصول مشترک میان گروه ها و جریانات مختلف «شیطان پرست» عبارتند از:

- آتھ الیسم: یعنی خدایی وجود ندارد. (این عقیده را ترویج می کند چون اگر کسی معتقد به خدا باشد، به خود اجازه نمی دهد اعمال شنیع و زشت مد نظر این فرقه را انجام دهد).

- دوگانگی منفی: یعنی روح و جسم غیرقابل دیدن هستند و هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.

- اتودیسیم (خودپرستی): یعنی خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی، خود، یک خداست.

- ماتریالیسم: یا همان اعتقاد به اصالت ماده و اینکه تنها شیء موجود در عالم، ماده است و هیچ امر ماورایی وجود ندارد.

- آنتی رلیژن (ضد مذهب): خصومت با مذهب، خصوصاً مذاهبی که اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ دارند از اصول این فرقه به شمار می رود و مبارزه با مذاهب الهی، زمینه ای مناسب برای پیدایش این فرقه فاسد می باشد.

هندونیسم (لذت گرایی): اعتقاد به استفاده از لذت در حد بالای آن زیرا تمام لذات در خوشی دنیایی است و این خوشی ها به ویژه لذات جنسی، انگیزه لازم را برای کارهای روزانه فراهم می کند و به هر شکلی انجام آنها لازم و ضروری است.

سیاه نمایی: شیطان پرستی، دنیایی را ترسیم می کند که هیچ روزنه امیدی برای آن متصور نیست. در چنین دنیایی، افراد هیچ امید به سعادت ندارند و هیچ خیری را برای خود تصور نمی کنند. در نتیجه افراد تمایل به خودکشی، خودزنی و استفاده از مواد مخدر و ... پیدا می کنند.

* برخی از قوانین و دستورهای حاکم بر گروه های شیطان پرست

- شیطان، بیانگر استفاده از حکمت و عقل است به جای ریاکاری و تزویر.

- اگر کسی ستم کرد، انتقام بگیر به جای این که صورت خود را برگردانی.

- ضربه را با ضربه و تمسخر را با تمسخر و بدرفتاری را با بدرفتاری فرو ریز و خود را برای کشتن و ترور مخالف، مهیا ساز.

- نباید اعتقادات خود را به دیگران بگویی مگر آن که از تو بپرسند.

- قدرت جادو را تصدیق کن، اگر آن را درست استفاده کنی به خواسته هایت دست خواهی یافت.

- از افسوس و ترحم بگریز زیرا اینانند که نیرومند را از پای در می آورند.

- شادی را در پیروزی بجوئید نه در صلح.

- یک دروگر باشید، بدین سان دانه خواهید کاشت.

- هرگز به چیزی آن مقدار عشق نورزید که نتوانید شاهد مرگش باشید.

- بمیرید به جای این که تسلیم شوید.

- هیچ چیز زیبا نیست در جهان به جز انسان ولی زن، زیباترین چیز در جهان است.

- اگر مهمانی با دروغ تو را اذیت می کند، بی رحمانه و بدون شفقت به او حمله کن.

* اسرائیل، محور شیطان پرستی

رژیم اشغالگر قدس، پشتوانه اصلی و اشاعه دهنده عمده شیطان پرستی در جامعه جهانی و به ویژه در کشورهای اسلامی و از جمله ایران اسلامی بوده و نقش ویژه ای در سازماندهی گروه های شیطان پرست ایفا می نماید. به عنوان نمونه بودجه، نظارت و پشتیبانی شیطان پرستی در ایران به طور مستقیم از سوی سازمان موساد تأمین شده و رژیم صهیونیستی از اعضای گروه ها برای مقاصد شوم سیاسی و جاسوسی نیز بهره می برد به گونه ای که انجام خشونت بارترین اعمال به این گروه ها واگذار می گردد.

* موسیقی متال و شیطان پرستی

شیطان پرستان با استفاده از موسیقی توانستند به نفوذ خود در افقی نقاط جهان بیفزایند که بیشتر این اقدامات در فضای تأسیس و فعالیت گروه متالیکا دنبال شده است.

* ارزش های القایی متالیکا

متالیک در حقیقت ضد ارزش هایی را ارائه می کند که شامل بازگشت به تاریکی (محور اصلی تفکرات شیطان پرستان)، بی رحمی و تجاوزات جنسی، فحاشی، هجوم و حمله به جامعه و فرهنگ عمومی آن است. خوانندگان این گروه، روی صحنه و در کلیپ های خیابانی دست به خوردن و آشامیدن میوه های فاسد، ادرار، مدفوع، خون

و مردار می زنند و از کثیف ترین گروه های موسیقی جهان به شمار می آیند. متالیکا از انحراف های جنسی مانند هم جنسی بازی هم دفاع می نماید.

* نمادهای شیطان پرستی چیست؟

اعضای فرقه ی ضاله شیطان پرستی، از نمادها و علائم مختلفی برای معرفی و تبلیغ مسلک و اهداف خود استفاده می کنند که مشاهده ی هر کدام از این نماد ها می تواند زنگ خطری باشد برای این که دریابیم این فرقه چقدر به ما نزدیک شده و عن قریب است که فرزندان ما به سوی آن دعوت شوند. پس باید به هوش بود و در دامن غفلت گرفتار نشد چرا که همین نمادهایی که از کنار آن ها رد می شویم از تاثیرگذارترین عوامل بر فرهنگ هاست و از نظر هنری دارای ظرفیت هایی است که قابلیت جذب بالای را در بین جوانان دارد.



اگر نوشته وسط نماد یعنی (Satanism) به معنای شیطان گزایی به همراه دایره حذف کنیم ، آن وقت یک ستاره پنج ضلعی بر جای می ماند که همان نشانه ستاره صبح یا پنتاگرام (pentagram) باقی می ماند .



این سمبل نیز همان پنتاگرام است .



یک سمبل با عنوان « شماره تلفن شیطان » توسط گروه های هوی متال وارد ایران اسلامی شده اما در حقیقت علامت انسان و نشانه جانور در میان شیطان پرستان تلقی می شود.

صلیب وارونه (upside down cross):

این نماد، حکایت از « وارونه شدن مسیحیت » دارد و عمدتاً استهزا و سخره گرفتن این دین است . صلیب وارونه در گردن بندهای بسیاری مشاهده شده و خواننده های راک انواع مختلف آن را به همراه دارند .



نماد صلیب شکسته یا چرخ خورشید (swastika or sun wheel):

چرخ خورشید یک نماد باستانی است که در برخی فرهنگ های دینی همچون کتیبه های بر جای مانده از بودایی ها و مقبره های سلتی و یونانی دیده شده است .

لازم به توضیح است این علامت سال ها بعد توسط هیتلر به کار رفت ، لکن برخی با هدف به سخره گرفتن مسیحیت این سمبل را وارد شیطان پرستی کردند .

چشمی در حال نگاه به همه جا (All seeing Eye):

نمادهای روشنفکری نیز به کار می رود . اما شیطان پرست ها اعتقاد دارند چشم در بالای هرم « چشم شیطان » است و « بر همه جا نظارت و اشراف دارد » .

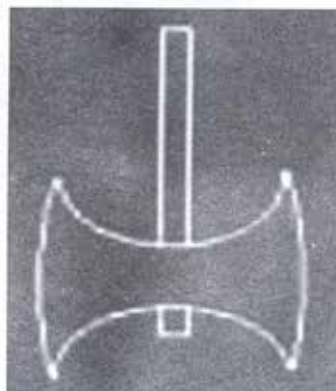
این علامت در پیشگویی ، جادوگری ، نفرین گری و کنترل های مخصوص جادوگری مورد استفاده قرار می گیرد . گفتنی است این نماد بر روی دلار آمریکایی به کار رفته است .





این نمادها به انگلیسی (Ankh)
انشاء می شود و سمبل شهوترانی و
باروری است .

ضد عدالت (Anti justice) : با
توجه به اینکه تبر رو به بالا نماد عدالت
در روم باستان به شمار می آمده است
شیطان پرستان تبر رو به پایین را با
عنوان نماد ضد عدالت در راه پیمودن
مسیر تاریک انتخاب کرده اند .
همچنین گفتنی است که فمینیست ها از
دو تبر رو به بالا به معنی مادرسالاری
باستانی استفاده می نمودند.



سر بز (Goat Head) : بز
شاخدار ، بز مندس mendes
(همان ba»al بعل خدای
باروی مصر باستان) ، بافومت
، خدای جادو ، scapegoat
(بز طلّیعه یا قربانی) این یکی
از راه های شیطان پرستان برای
مسخره کردن مسیح است زیرا
گفته می شود که مسیح مانند

بره ای برای گناهان بشر کشته شد . همانطور که در توضیح نمادهای اول
اشاره شد ، این نماد تصویر کاملی است از بز قرار گرفته در نماد پنتاگرام

هرج و مرج (Anarchy) : این نماد به معنای از بین بردن تمام قوانین است و دلالت بر این امر دارد که « هر چه تخریب کننده است تو انجام بده » این نماد عمدتاً مورد استفاده گروه‌های هوی‌متال است.



ستاره ۵ پروانه : در جادوگری استفاده می‌شود و برای آنها نشانگر عناصر آب، خاک، آتش و روح اطراف آنهاست.

ستاره ۵ پر



با فومت



ستاره ۶ پر



آدجت



ستاره ۵ پر وارونه



بافومت : این خدای شیطانی و علامت شیطانی اش که به عنوان شناسه روی ماشین هواداران زده می‌شود، در جواهر فروشی‌ها هم زیاد است. رسم شده سنگ تراشان بر دل سنگ آن را بتراشند تا خانه‌ی مریدان بی علامت نماند.

ستاره ۶ پر : این ستاره داوود نیست بلکه یکی از رایج‌ترین علائمی است که در نیروهای شیطانی و جادو از آن استفاده می‌شود.

آدجت : این هم علامت لوسیفر (پادشاه جهنم)، اشک زیر چشم هم نماد محیط محزون و افسرده‌ی اطرافش است.

ستاره ۵ پر وارونه : در مراسم مخفیانه جادوگران برای احضار ارواح شیطانی استفاده می‌شود. شکل ظاهری این ستاره برای شیطان پرستان به صورتی است که ۲ راس ستاره به طرف بالا است. در این نشانه شیطان مهم نیست دایره‌ای دورش باشد یا نه.



چشم horus



alvadosadegh.ir

سمبل کنونی زن
ankh



صورت صحیح این حرکت فقط با دست چپ است و باید انگشت شست را بر روی انگشت سبابه قرار دارد. این حرکت یکی از معروف ترین حرکات شیطان پرستان است. این حرکت با اسم حرکت دست شاخ دار ماسونی نیز معروف است.



کرانادو (دست شیطان): از دیگر نمادهای شیطان پرستی نماد کرانادو دست خفاش یا دست شیطان است. در این نماد، همانطور که در تصویر مشهود است، انگشت کوچک و انگشت نشانه باز بوده و سایر انگشتان به ترتیب خاصی بسته یا باز می باشند. البته بسته به نوع فرق و آئین های شیطانی، نماد ها تغییر می کنند که در تصاویر به وضوح آشکار است.



نماد جمجمه: یکی دیگر از علائم شیطان پرستی نماد جمجمه و گرز است این نماد که بیشتر مورد استفاده گروه متالیکا قرار می گیرد، خشونت ذاتی و هدف اصلی گروه های شیطان پرستی را آشکار می سازد.



پنج ضلعی وارونه (نشانه ستاره): شیطان صبح، نامی که به شیطان تعلق دارد. این علامت در مراسم مخفیانه کابالا و جادوگری برای احضار ارواح شیطانی استفاده می شود. این علامت را شیطان پرستان با دو ضلع در بالا و ملحدان با یک ضلع در بالا استفاده میکنند. در هر حال این علامت نشانه شیطان است و مهم نیست که یک نوک ضلع آن بالا باشد یا هر دوی آنها و یا دور آن دایره ای کشیده شده باشد یا خیر در هر حال این علامت شیطان است.



چشم horus



alvadosadegh.ir

سمبل کنونی زن
ankh



صورت صحیح این حرکت فقط با دست چپ است و باید انگشت شست را بر روی انگشت سبابه قرار دارد. این حرکت یکی از معروف ترین حرکات شیطان پرستان است. این حرکت با اسم حرکت دست شاخ دار ماسونی نیز معروف است.

معرفی برخی از عرفان های کاذب و نوظهور

همان گونه که گفته شد، عرفان های کاذب و نو ظهور، ابزار استعاره‌ی جدید و جبهه‌ی جدیدی است که فراماسونری جدید به رهبری اسرائیل و آمریکا گشوده است و می‌خواهد از این طریق در کشورهای اسلامی و از جمله ایران نفوذ و اعتقادات مردم را از درون تهی کند. دشمن فهمیده است که تا اعتقادات و باورهای درخشان این مردم وجود دارد، هیچ راهی برای نفوذ وجود ندارد و لذا می‌کوشد تا از همین جبهه وارد شود و از طریق باورهای مردم وارد قلب هایشان شود و نیات پلید خود را عملی سازد. دشمن نیک می‌داند که مسلمان، در فکر ارتباط با خداست. می‌داند که مسلمان همواره دنبال مسیری است که اعتقادات و باورهای دینی خود را تقویت و به خدا نزدیک شود لذا با ساختن و پرداختن عرفان های دروغین و کاذب و رنگ و لعاب زیبا بخشیدن به آن، ابتدا تلاش می‌کند افراد و به ویژه جوانان را جذب و سپس کم کم از طریق اباحه‌گری و مباح شمردن برخی محرمات (حرام ها)، لذت گناه و نافرمانی الهی را در ذائقه شان شیرین جلوه نماید و از آن ها به عنوان بازوان خود بهره ببرد.

عمده ترین فرقه ها، عرفان ها و تشکیلات معنوی که در سال های اخیر در کشورمان فعالیت نموده و همچنان مشغول هستند را در این بخش معرفی می‌کنیم البته نه از این جهت که به تبلیغ آن ها پرداخته باشیم بلکه از این بابت که خانواده ها با آگاهی از این جریان های نو ظهور، مراقبت بیشتری نسبت به جوانان و نوجوانان خود به عمل آورده و از پیوستن آن ها به این فرقه ها جلوگیری به عمل آورند نکته اصلی که در این عرفان ها وجود دارد اعتقاد نداشتن به خداست در واقع این عرفان ها با توجه به نیاز انسان خسته عصر حاضر، به سه شاخص اصلی «آرامش»، «روحیه» و «شادی» توجه می‌کند بی آن که روح معنویت در آن جاری باشد.

رام الله

فرقه ضاله رام الله به هند بر می‌گردد و سعی دارد تفسیری مسیحی و هندی از اسلام ارائه دهد و به دنبال تجویز هر گونه ارتباط زن و مرد است مؤسس این فرقه «شیخ کبیر پانتیس» است که در سال 1440 متولد و در سال 1518 از دنیا رفت. وی ترکیبی از خدای اسلام و خدای ویشنو را فراهم کرد. خدای اسلام، «الله» و خدای ویشنو، «رام» است و از این جا، جریانی به نام «رام الله» پدید آمد. پیام این نامگذاری این است که «رام» همان «الله» است و «الله» همان «رام».

این فرقه که عقایدش تا حدی شبیه به آیین «سیک» می‌باشد مدتی است که در ایران شروع به فعالیت کرده اما سر دسته آن به نام «پ.ف» در سال 1386 توسط مراجع قضایی، شناسایی و زندانی شد. ظهور این فرقه از

سال 1377 و با چاپ کتاب «جریان هدایت الهی» شروع شد که به اندیشه ها و تعالیم «الیاس رام الله» می پردازد.

رام الله کاملاً به مبانی آیین های هندی به خصوص یوگا پای بند است و به جریان انرژی در چاکراهای بدن اعتقاد دارد. این فرقه همه ادیان را برابر دانسته و هیچ دینی را بر دین دیگر ترجیح نمی دهد. رام الله انحصار حقانیت را از اسلام در آورده و آن را میان تمام ادیان از جمله آیین یهود و مسیحیت که قطعاً تحریف شده اند تقسیم کرد چنان که آئین هایی شبیه بودا را هم دین تلقی می کند و بر آن ها مهر تأیید می زند.

اکنکار (اک)

اکنکار یکی از عرفان های نو پدید است که در سال 1965 توسط شخصی به نام «پال تونیچل» ایجاد شد. با بررسی تعالیم این فرقه، می توان آن را معجونی از تمامی ادیان و عرفان ها بر شمرد که مبتنی بر سفر روح و طریقتی معنوی، سری و انفرادی برای رسیدن به خداست و ابزار آن هم «رؤیا و سفر روح» است. نامی که «پال» برای شبه آیین خود انتخاب کرد، نامی بود که بسیاری از صوفیان و راهبان برای خود بر می گزینند. او با استفاده از زبان سانسکریت، نام اکنکار را بر شبه آیین خود نهاد. «اک» در زبان سانسکریت به معنای حق و خدا می باشد. اکنکار نیز درمعانی ای چون اهل حق، پیروان خدا و رهروان حقیقت به کار می رود. به همین خاطر، برخی از پیروان این شبه آیین در ایران خود را به نام «اهل حق» معرفی می کنند تا از آماج غربی بودن و آمریکایی بودن رهایی یابند. در بین سال های 1374 تا 1384 بیشتر کتاب های بنیانگذار این شبه آیین به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد حداقل بیش از 30 عنوان کتاب از این فرقه منتشر شده است.

برخی از اعتقادات این شبه آیین عبارتند از:

1- تقسیم عالم به 12 طبقه و در نظر گرفتن یک خدا برای هر طبقه. در طبقه 12 که آخرین طبقه است سوگماد (خدای خدایان) قرار دارد. سوگماد در این آیین مانند دیگر خدایان، خطاپذیر بوده و می تواند گناه کند. او به خواب می رود و هنگامی که از خواب بر می خیزد، دنیایش را ویران می بیند و آن گاه تصمیم به عذاب مخلوقات می گیرد. او دوباره به خواب می رود و آن گاه از خواب برون می شود، هوس خلقتی دیگر کرده و بار دیگر ... و این خواب و بیداری و نگرانی و غفلت و یادآوری سوگماد است که ادوار کنکار و دوره های بشری را رقم می زند.

2- تناسخ روح. در این باور، روح انسان بعد از جدایی از جسم، به جسم‌های دیگر راه یافته و به حیات زمینی خود ادامه می‌دهد در حالی که بطلان تناسخ از جمله اموری است که در علوم عقلی به اثبات رسیده است.

3- سفر روح از مهم‌ترین اهداف این فرقه است. آن‌ها برای آرامش درونی به سفر روح معتمدند تمامی روش‌هایی که در این شبه عرفان وجود دارد برای رسیدن به این هدف طراحی شده‌اند. ناگفته نماند تمامی روش‌هایی که ارائه شده نوعی تصور خیال‌انگیز بیش نیست.

پال توئیچل به صراحت اعلام می‌دارد که این فرقه نه یک سیستم مذهبی و نه یک نظام فلسفی است بلکه روشی برای کسب آرامش و سعادت است. اما در عمل اکنکار به صورت تلویحی و غیر آشکار مدعی دین بودن است.¹

عرفان سرخپوستی

عرفان سرخپوستی از نوع عرفان‌های طبیعت‌گراست که وحدت روح طبیعت و فنای نهایی سالک در نیروی طبیعت، هدف است.

طبیعت‌گرایی از آن‌جا آغاز شد که انسان دعوت انبیاء را فراموش و به اندیشه منهای وحی و این جهانی خود تکیه کرد و کوشید تا نیاز خود را به قدسیت و پرستش ارضا کند. از این رو چون روزی، نعمت و نیز بلا و محنت زندگی خویش را در طبیعت دید، ایمان آورد و پنداشت که طبیعت دارای نیروی برتر، ناشناخته، رمز آلود و مستقل است که می‌توان با آن معنویت‌گرایی و خداخواهی قطری را پاسخ گفت.

در واقع عرفان طبیعت‌گرا یعنی عرفان و شناخت قدرت و اسرار طبیعت که با سپردن خود بر آن یا فانی شدن در آن می‌توان از آن نیروها برخوردار شد. اعتقاد به خدایان، پرستش ارواح نیاکان، مناسکی در مددجویی از نیروهای طبیعی، عقیده به مانا (Mana) (اشیایی که منبع نیرو هستند) و جامندانگاری (Animism) مظاهر طبیعی از اصول عقاید آن‌هاست.²

بومیان آمریکا به طور سنتی به یک رشته قدرت‌های طبیعی و فوق طبیعی اعتقاد داشتند و این باور در فضا و محیطی وجود داشته است که پر از خدایان و ارواح گوناگون است.

وقتی اعتقاد به طبیعت و قدرت و شعور و سلطه آن مبنا قرار گیرد، با این که در اصل یک قدرت برتر است اما به جهت تکثر نمودهای طبیعی، الهه های متعدد به وجود می آیند و خدای آب و خاک و آسمان، متفاوت می شود، در صورتی که همه در اراده یک قدرت فراتر قرار دارند.

عرفان بومیان آمریکا با آثار «کارلوس کاستاندا» دانشجوی جوان رشته مردم شناسی به جهان معرفی شد. او در طی تحقیقاتی با پیر مردی سرخپوست که خود را «خوان» می نامید آشنا شد و به فراگیری عرفان او همت گمارد و یادداشت های دقیقی از لحظه لحظه زندگی با «دون خوان» و تعلیمات او جمع آوری کرد.

دون خوان عارف مشهور قبیله «یاکی» به عنوان نماینده عرفان بومیان آمریکا و اندیشه های «لائوتز» و بنیانگذار «تائوئیسم» است.

* مبانی اصلی عرفان سرخپوستی دو چیز است: بصیرت و اقتدار

بصیرت و دیدن حقایق پنهان دنیا و طبیعت، مرحله ای است که اگر کسی به آن دست یابد راه استفاده از نیروی طبیعت به رویش گشوده می شود. برای رسیدن به بصیرت نیز باید وضعیت عادی نگاه کردن را کنار گذاشت و مهارت یا آمادگی دیدن را به دست آورد. این دیدن که همانا «رؤیاه» است طی مقدمات و روش هایی به دست می آید که برخی از آنها عبارتند از: «خود را از هیچ چیز برتر ندیدن و تعرض به کسی را نمودن، رفع وابستگی از همه تعلقات از نام و نسب گرفته تا نان و کار و اندوختن، تمرین رؤیا دیدن (زیرا از دیدگاه عرفان سرخپوستی واقعیت عبارت است از تصویری که ما از واقعیت داریم) و در انتها وقتی مقدمات شکستن قالب معمولی جهان فراهم شد، «مسکالیتویا» «پیوتل» (نوعی گیاه توهم زا و مخدر را که در آمریکا می روید) را استفاده کردن.

اقتدار، احساسی است که انسان نسبت به برخی چیزها دارد. اقتدار، شخصی است، اقتدار هر شخصی فقط متعلق به خود اوست اقتدار این گونه ای که به تو فرمان می دهد در حالی که از تو اطاعت می کند.

دقت در عرفان سرخپوستی (شامانیسم) به روشنی نشان می دهد که معرفت موردنظر آن ها چیزی بیش از وهم نیست که انسان را به حالتی از روان پریشی و توهم زدگی می رساند به همین علت شامان ها و جادوگران سرخ پوست معمولاً بیماران روانی هستند که بسیار دچار غش می شوند.

استفاده از داروهای توهم زا برای این است که شخص با دیدن توهمات و صورتهای وهمی به چهره عادی جهان تردید کرده بتواند از آن بگذرد تا به نیروی جهانی متصل شود و این نقص بزرگی است که این فرقه عرفانی دارد. زیرا در صورت وجود مرجع برتر از طبیعت و توجه به آن دیگر نیازی به این توهمات نبود.³

مطلب دیگر این که در عرفان طبیعت گرا که غایت آن پیوستن و ارتباط گرفتن از نیروهای طبیعت به منظور حفظ حیات است، جنایت و کشتار و شیطنت با فضیلت، رحمت و مروت تفاوتی ندارد چنان که «دون خوان» می گوید استادام خیلی ها را با نیروی خود کشته است.⁴

شعور کیهانی

شعور کیهانی از نظر کسانی که مدعی رسیدن به آن هستند، مقوله ای است که انسان می تواند با ارتباط مستقیم با خداوند، صاحب لایه محافظی شود که با استفاده از این لایه ها، افراد را درمان کند.

روش فرادرمانی، شعور درمانی و انرژی درمانی، یکی از روش های پر درآمدی است که در سال های اخیر بسیاری از کلاهبرداران و شیادان با جعل عناوینی چون «دکتر» و «مهندس» با استفاده از آن، افراد متعددی را به سمت خود جلب نموده و مرید خود ساخته اند و بعضاً حساب های بانکی خود را پر کرده اند.

پیروان این روش درمانی معتقدند انسان یک موجود پیچیده است و درمان او بسیار بسیار پیچیده تر که نیاز به یک نیروی فوق العاده و یک هوشمندی برتر دارد که نام این هوشمندی را «شبکه شعور کیهانی» گذاشتند.

مدعیان کشف شعور کیهانی معتقدند با فراگیری شیوه های فرادرمانی با تکیه بر شعور کیهانی، می توان حتی مرده ها را نیز زنده کرد و مدعی هستند که حضرت عیسی (ع) نیز با بهره گیری از شعور کیهانی، مرده ها را زنده می کرد.⁵ پیروان این فرقه با عنوان «حلقه» در کنار هم گرد می آیند و در اینترنت حضوری فعال دارند نیز تعدادی از اعضای «حلقه» که بخشی از آن ها خانم ها و دختران بدحجاب هستند با حضور در سایت های دوست یابی، تلاش می کنند با نشان دادن رفتاری متفاوت از خود، طرف مقابل را جذب کرده و وارد بازی «حلقه» کنند. این طیف از اعضای فرقه، هیچ گاه به صورت مستقیم مخاطب خود را به عضویت در فرقه دعوت نمی کنند بلکه به بهانه دوستی و ارتباط، مخاطب را به دام حلقه می کشانند.

تصوف یهودی (کابالا)

کابالا یا همان تصوف یهودی، آیینی است که به نوع خاصی از ریاضت های شیطانی یهودیت دلالت دارد. طبق نظر کارشناسان ملل و نحل، این فرقه تحت تأثیر عرفان و تصوف اسلامی و بر اثر همنشینی مسلمان اندلس با برخی یهودیان تشکیل شده است. کابالا، بخش رمز آلود و بسیار سری دین یهود در 500 سال اخیر به شمار می آید⁶ و عمده تحولات جهان از سوی کابالیست ها دنبال می شود.

کابالا که سر آغاز آن به اوائل قرن سیزدهم میلادی نمی رسد، عمیقاً بر برخی باورهای خرافی همچون جادوگری استوار است و رسماً آن را مقدس می داند.

هم اکنون اصل کابالا، وصف کننده تمرین آیین و دانش محرمانه یهود است و پیروان آیین کابالا یا کابالیست ها این مکتب را دانش سری خاخام های یهودی می دانند. این فرقه نقاط مشترک فراوانی با «شیطان پرستی» دارد که از جمله آن نقاط می توان به دیدگاه «جنسی» این دو فرقه اشاره نمود که در هر دو آن ها، لذت جنسی در اولویت قرار دارد. بنیانگذاران کابالا، همان افرادی هستند که نهضتی را به عنوان «پرستش زنان» تشکیل دادند که می توان به صراحت آن را یکجریان «شهوت محور» خطاب کرد.

این گروه رابطه جنسی را نه برای تداوم نسل که خود هدفی برای زندگی انسان می دانند آن ها ذائقه جنسی مردان و زنان را در سراسر جهان دستخوش تغییر و تحول کرده اند و به سمت توحش برده اند که تغییر جنسیت «مایکل جکسون» خواننده معروف آمریکایی از این جمله است.⁷

اُشو

اُشو OSHO که نام اصلی او «بهانگوان شری راجنیش» Bhagwanshree Rajneesh است، عارفی هندی است که هم اکنون در هندوستان و بسیاری از کشورها، آثار وی در دسترس می باشد. در ایران اسلامی نیز به ویژه در سال های 1376 تا 1384 نزدیک به یکصد عنوان از آثار او در قالب های مختلف سخنرانی، پرسش و پاسخ، مراقبه و نصایح و رهنمودها به چاپ رسیده است. اُشو به آزادی های جنسی و عدم تشکیل خانواده معتقد بود و تعالیم وی در امریکا باعث شد تا دولت آمریکا وی را از آن جا بیرون کند. گفته می شود که وی به دلیل ابتلا به بیماری ایدز از دنیا رفته است.⁸ آنچه در کتاب ها و آثار اُشو به چشم می خورد، اهمیت و ارزش مراقبه است و او با مراقبه هایش سعی دارد طرفداران خود را به آرامش هدایت کند.

او همواره مخالفان خود را از سراسر جهان، به باد انتقاد می گرفت و خود نیز معترف بود که مخالفان فراوانی دارد و می گفت «بهاگوان، کشوری ندارد که هیچ، همه دولت ها علیه او هستند. تمام ادیان مخالف او می باشند و این مردمی که این جا جمع شده اند شهادت کافی برای مقابله با ادیان و دولت ها را ندارند. ...»⁹

أشو، عبادت را تنها از طریق مراقبه می پذیرد و معتقد است که کسانی که بدون مراقبه به عبادت خداوند پردازند مانند کسانی هستند که گل های پلاستیکی در دست دارند و آن ها را گل های واقعی می پندارند.¹⁰ وی می گوید: «من عبادت را آموزش نمی دهم. من خدمت به خلق را آموزش نمی دهم، زیرا می دانم مراقبه تنها چیز لازم است. آن گاه که مراقبه باشد تمام چیزهای دیگر در زمان مناسب خود از پی خواهند آمد.»¹¹

أشو مراقبه را برای رسیدن به «سکوت» تجویز می کند و می گوید: «عبادت پیامد حتمی سکوت و شکوفایی سکوت است. تو به برپایی سکوت اقدام می کنی و وقتی سکوت بر پا شود عبادت سر بر می آورد. چنان که گویی بهار از راه می رسد و درختان پر از شکوفه می شوند.»¹²

آری، أشو، آرامش و شادی «رقص عرفانی» خود را در سکوت و مراقبه خلاصه می کند آیا تبلیغ مراقبه ها و عبادت های این چنینی، هیچ سنخیت و تعامل و نقطه اشتراکی با آن چه که خداوند در ادیان توحیدی از مخلوق خود خواسته است دارد؟

* چند نکته در نقد أشو:

1 - معنویت از منظر اسلام و ادیان الهی، فعلیت بخشیدن به استعدادهای انسان است تا کامل شود، اما انسان کامل از نظر أشو یک انسانی است که آرامش دارد، البته آرامشی که از مسائل جنسی به دست آید. حُب این آرامش را حیوانات هم دارند و نهایتاً انسان به یک حیوان مبدل می شود.

2 - انسان ها در سایر ادیان نیز به دنبال آرامش هستند و تمامی ادیان الهی، راه رسیدن به این آرامش را به او آموخته اند. آن چه در قرآن کریم، در متن آیه شریفه «إلا بذكر الله تطمئن القلوب» آمده است، اشاره به همین رسالت ادیان الهی و اسلام است که با «یاد خدا» انسان را به آرامش برسانند. حال باید پرسید آرامش حاصل در عرفان أشو چه ترجیحی بر آرامش معنوی حاصل از یاد خدا و آن چه در ادیان الهی به آن پرداخته شده دارد؟

3 - در عرفان اسلامی، آن کس که با ایمان است همواره خدا را همراه خود می بیند و آرام و مطمئن است. بر او توکل دارد و برای هر مصیبتی که بر او وارد می شود، اجر و پاداش وجود دارد در حالی که در عرفان آشویی، انسان مذهبی را انسانی سراسر ترسان و با دلهره و پر دغدغه می دانند. آشو می گوید: «بر زندگی هر فرد مذهبی، پیوسته اضطراب حاکم است اما یک فرد لامذهب به دنیایش دل خوش است و مسرور، او به دنبال کلوپ شبانه، بازار و انواع سرگرمی ها می رود ولی یک فرد مذهبی خودش را از تمام این ها رها می کند».

آشو ابتدا مذهب را در ذهن مخاطبان خود، مساوی با دلهره و اضطراب و یأس و نگرانی معرفی می نماید تا به آن ها بگوید اگر دنبال آرامش هستید، بیایید از «آشو» بگیرید. او هم چیزی ندارد جز سکوت و در خود فرو رفتن، از او می خواهد که بخندد، گریه نکند و پیوسته خوش باشد.¹³

4 - در عرفان آشویی کسی که می اندیشد و با ذهن سر و کار دارد به خدا نمی رسد زیرا فکر انسان نمی تواند خدا را بشناسد و هر چه درباره ی خدا گوید مجموعه ای از خلق افکار بشری است و تمامی عقاید و پیش فرض های انسان، ناشی از فکر اوست تنها می توان وقتی خدا را ملاقات کرد که فکر نباشد در حالی که عرفان اسلامی انسان دارای دو شناخت در مورد حقیقت عالم است. یکی عقلانی و ظاهری و دیگری شناخت عقلانی.

5 - در عرفان آشویی، انسان پیوسته سرگردان است. زیرا آشو معتقد است شیطان قدرت گمراه کردن انسان را ندارد و خداوند هم قدرت هدایت انسان را ندارد.¹⁴ در حالی که در ادیان ابراهیمی، شیطان دشمن انسان است و اگر انسان از شیطان بگریزد بلافاصله می تواند به خدای قدرتمند پناه ببرد.

عرفان «پائولو کوئیلو»

پائولو کوئیلو که محققان، وی را مروج عرفان های سرخپوستی و صاحب تفکرات عمیق کفرآلود می دانند، نامی آشنا در میان جوانان ایرانی است که با آثار خود که در قالب مفاهیم عرفانی زیبا و جذاب به نگارش در آمده است، معروف شده است وی مدتی عضو انجمن های جادویی و شیطان پرستی به رهبری «الیستر کرولی» پدر «شیطان پرستی مدرن» و شدیداً مسحور وی بوده و او را انسانی فوق العاده می داند.

پائولو کوئیلو برای نفوذ در بین جوانان ایران، هم در مسافرتش به ایران و هم در بعضی از مصاحبه هایش به ویژه در ایران گفته است شاعرانی بالاتر از شاعران ایرانی نداریم و ادعا کرده مایه اصلی آثارم را از ادبیات کهن ایران

زمین گرفته ام. این شعار باعث شده پاره ای از خواننده های آثار وی در ایران تصور کنند آثا او ترجمان ادبیات فارسی و نسخه به روز شده از متون کهن ادب فارسی است.

آثار «کوئیلو» که از بنیان گذاران معنویت های اومانیستی در جهان است، با رنگ و بوی عشق ورزی با تأکید بر شریعت گریزی و فرار از مذهب به صحنه آمده است. شعاری که تمامی مروجین جریان های معنویت گرا فعالیت خود را با آن (عشق) معرفی کرده اند در حالی که عشق مورد نظر آنان با عشق به خدا شروع می شود و در نهایت از عشق زمینی فراتر نمی رود و لذا ابزاری برای سست کردن پایه های «دین مداری» است.

«ساتیاسای بابا»

فرقه ای دیگر، تحت نام «ساتیاسای بابا» فعالیت می کنند.

پندها و نصایح «ساتیاسای بابا» که به اعتقاد ناشر آثار وی، معلم مشهور و بین المللی علوم معنوی است، تحت عنوان «تعالیم معنوی» (شامل چند جلد به چاپ رسیده است) تعالیم او نیز همانند بسیاری از عرفان های جدید، هر چند در کلام خود، نام و عناوین «خدا» و «عبادت» را به همراه دارند تا ضد دین تلقی نشوند، اما در حقیقت سرشار از مفاهیم الحادی و ضد دینی است. به عنوان نمونه او در جایی می گوید:

«بشر به تنهایی می تواند تا مرحله الوهیت تعالی یابد زیرا توانایی لازم را برای نیل به این مهم داراست.»¹⁵

این سخن، شاهی بر انسان محور بودن این مکتب است، همانند آشو که می گفت «اجباری است برای این که به سهم خود خدایی کوچک باشید. فقط با خلق یک چیز احساس تکامل می کنید.»¹⁶

یا در جایی وقتی صحبتی از عبادت می کند، از عبادت خدا به عبادت انسان می رسد چرا که انسان، تجسم زنده الوهیت است و شایسته عبادت است.

«عبادت نباید به چهار دیواری معابد یا به چند دقیقه تمرکز محدود شود. عبادت تلاش برای کسب معنویت در تمام لحظات است عبادت، پرستش انسان ها به منزله تجسم زنده الوهیت است. خداوند را در همگان ببینید حتی در کسانی که دشمن خویش می پندارید. چنین عشق فراگیری را تجربه کنید.»¹⁷

هر چند در میان تعالیم و نصایح ساتیاسای بابا، به خاطر اقتباس بعضی از آن ها از کتب مقدس اسلام و هندوها سخنان زیبا و جذابی در خصوص معنویت و اخلاق و عبودیت آمده است اما چون در متن این سخنان، خط

انحرافی ویژه ای وجود دارد که نهایتاً به «عشق مادی» و «دین گریزی» منجر می شود. هیچ کارشناس مذهبی و دینی مطالعه چنین آثاری را به جوانان مسلمان توصیه نخواهد کرد.

عرفان «دالایی لاما»

تبتی ها معتقدند پس از در گذشت یک دالایی لاما (به معنی اقیانوس خرد) دالایی لامای بعدی تجسم اوست و همه آن ها تجسم یافته و تناسخ های بودای مهر (بودای بزرگ) هستند. از این رو برای دالایی لاما قداست ویژه ای قائلند و درک حضور او را فیضی بزرگ می دانند. دالایی لامای چهاردهم (تنزین کیاتسو) در خانواده ای کشاورز در استان «آمدو» در شمال شرقی «تبت» متولد شد و از 4 سالگی شایسته مقام دالایی لامایی شناخته شد تاکنون این منصب را داراست. هنگامی که در سال 1949 چین به تبت حمله کرد، دالایی لاما با صدها تن از مریدان خود به هند گریخت و دولت تبت را در تبعید تشکیل داد و بعداً توانست غیر از زعامت و رهبری دینی، رهبری سیاسی را هم به دست گیرد. او مسافرت های فراوانی به کشورهای دیگر داشته و بیش از 60 مسافرت رسمی در کارنامه وی ثبت شده و در همین مسافرت ها، در دانشگاه ها و مؤسسات بین المللی به سخنرانی پرداخته و بیش از 50 دکترای افتخاری هم گرفته است دالایی لاما در سال 1989 برنده صلح نوبل شد.

دالایی لاما، دین را نه یک مسیر واقعی و راهی حقیقی که یک سرگرمی شخصی آرامبخش می داند و معتقد است که به تعداد انسان ها، نیاز به دین هست که در اصطلاح از آن به کثرت گرایی دینی یا «پلورالیزم دینی» یاد می شود. دین از نظر او مسأله ای فردی قلمداد می شود و انسان برای فقط به آرامش نیاز به خدا ندارد. شاید کسی با پذیرش خدا آرامش یابد و دیگری با انکار خدا، هر کس باید دنبال داروی مناسب خود باشد.

دالایی لاما چون بشر را غرق در رنج می داند و رنج را نامطلوب می بیند. او را به چیزی دعوت می کند که ضد رنج است و به شادی دعوت می کند و می گوید از نظر من بالاترین شادی هنگامی است که انسان به مرحله آزادی و آزادگی برسد. در آن زمان هیچ رنج و عذابی وجود ندارد و آن شادی، ابدی است.

ریکی

ریکی یا انرژی کیهانی یک تکنیک ژاپنی برای کاهش استرس و آرامش است که ادعا می شود سب بهبود بیماران می شود. بر این اساس اگر «انرژی نیروی زندگی» در افراد کم باشد، انسان به مرض یا احساس استرس مبتلا می شود و اگر بالا باشد، قادر است شاد و سالم تر زندگی کند

ریکی یکی از مکتب های درمانی جایگزین است که در سال 1922 توسط «میکائو اوسوی» ابداع شد. او بعد از سه هفته روزه داری و مدیتیشن در کوهستان کوراما ادعا کرد توانایی شفا بدون تخلیه انرژی را کسب کرده است. در بخشی از این روش ادعا می شود که در آن انرژی شفابخشی از طریق دست های فردی که انرژی اش با انرژی حیاتی کیهانی همسو شده است به بدن شخص گیرنده انرژی منتقل می شود. در واقع شفا دهنده تنها به عنوان یک کانال و واسطه برای انتقال انرژی کی Ki عمل می کند.

مدعیان ریکی معتقدند ریکی کمک می کند که خودتان را باور کنید. با آموزش صحیح، هر کس می تواند پیام های بدن خود را درک کند و عیوب خود را برطرف سازد.

هنوز هیچ یافته علمی مبنی بر وجود انرژی کی K و انرژی درمانی وجود ندارد و هیچ مرجع پزشکی و علمی تأثیر این نوع انرژی ها را بر درمان افراد تأیید ننمودند.

ریکی از جمله رشته هایی است که در ایران طرفداران زیادی داشته و کتاب های فراوان و جلسات و کارگاه های آموزشی زیادی در این رابطه برگزار شده و همچنان فعال می باشد. جلسات سخنرانی و کارگاه های آموزشی مدیتیشن، یوگا و ریکی، یکی از جلسات و همایش های پر درآمد محسوب می شود و استقبال جوانان و به ویژه بانوان از آن ها که ذاتاً در پی آرامش و کسب انرژی های لازم برای رسیدن به آن هستند چشمگیر می باشد. و این در حالی است که هنوز نظارت مؤثری بر این گونه فعالیت ها صورت نمی گیرد و هر از چند گاهی در صفحه حوادث روزنامه ها و مجلات اعمال وقیح خلاف عرف و اخلاق و بعضاً تجاوز و هتک حرمت از طرف مدعیان این رشته ها از سوی کسانی که اغفال شده اند، علنی و افشاء می گردد.

قبلاً هم گفته شد که آن چه در این فرقه ها و جریان ها و کلاس ها مورد نظر است، رسیدن به آرامش جسمی و دنیایی است و این عرفان های دنیوی، هیچ تعهدی نسبت به حفظ ارزش های اخلاقی ما ندارند و اغفال زنان و دختران و سوء استفاده از حیثیت آن ها امری عادی در آن ها محسوب می شود.

یوگا

یوگا Yoga از طرفی به عنوان ورزش و از طرفی به عنوان «راه حقیقت» معرفی می گردد و هر چند در کشور ما نوظهور است اما به اعتقاد هندوها سابقه ای دو هزار ساله دارد.

اساتید یوگا معتقدند «برای رسیدن به تعالی می بایست جسم و روح انسان یکی شود و در صورت یکی شدن است که شخص به کمالات انسانی، تهذیب اخلاق و سلامت جسم و ذهن نائل می شود.» در یوگا ادعا می شود که انسان به خود آگاهی رسیده و به خویشتن خویش پی می برد و قادر به شناخت و دیدن حقیقت می شود.¹⁸

برخلاف آن چه مدعیان یوگا می گویند یوگا نه مکتبی روان محور و نه مکتبی روح گرا بلکه مسلکی است که اساساً «تن محور» است چرا که این مبنا را یوگا از آیین «تانترا» گرفته و بدنمای این آیین چنان شهره است که ضرب المثل گردیده که یکی از علل آن و علت اصلی ناشناخته ماندن و بی توجهی محققان هندی به این آیین، نگاه ویژه منحصر به فرد آن به جسم و تن انسان و مسائل جنسی و آیین و رسوم آن می باشد در نگاه «تانترا» چون انسان در عصر تاریکی، آلوده به گمراهی ها و پلیدی هاست و در لجن زار مادیات غوطه ور است. ناچار باید آزادی خود را در همین منجلاب جستجو کند.¹⁹

آن چه تحت عنوان «کندالینی» در یوگا مطرح است در حقیقت می خواهد این نیروی خفته انسان را از اولین چاکراهای انسان که مرکز آن، بین مقعد و اندام تناسلی اوست، بیدار سازد و این میسر نمی شود مگر به بی بند و باری و انواع روابط ناسالم.

در نگاه اسلام، هر چند به جسم توجه ویژه ای شده و نظافت و پاکی و سلامت و شادابی تن به صورت برجسته ای لحاظ گردیده است اما همه این ها بر این مبناست که بزرگان دین، جسم را مرکب روح معرفی کرده اند و اصالت را به روح انسان داده اند و جسم از این نظر که پایگاه روح و حامل آن است کرامت یافته است.

در یوگا از یک طرف عنوان گردیده که رسیدن به کمال و رستگاری فقط با بیداری کندالینی امکان پذیر است و از طرف دیگر اعتراف کرده اند که پیروان دیگر ادیان هم ممکن است با انجام مناسک

عبادی دین خود به بیداری کندالینی دست یابند و این رستگاری با انجام دستورات خالصانه ادیان دیگر هم محقق گردد.

در کتاب های یوگا از آن به عنوان عرفان یاد شده در حالی که ریاضت های آن اگر به کاهش استرس ها و تنش های روانی هم منتهی شود باز هم تضمینی ندارد که با رضایت خداوند همراه باشد در حالی که عرفان اصیل، آداب و ریاضیت هایی است در جهت و همسو با رضایت و قرب حق.

برخی گمان می برند شباهت برخی از تکنیک های یوگا با رکوع و سجده و تشهد و قیام نشانه یکی بودن عرفان اسلامی و معنویت یوگاست و آن را مرامی برآمده از متن اسلام و حتی عرفان اصیل اسلامی معرفی می نمایند در حالی که یوگا موضعی نسبت به «با خدا بودن» یا «کافر بودن» ندارد و همه کس را می پذیرد حتی کسانی را که منکر خدا باشند.

یکی از اصولی که یوگا تبلیغ می کند، تناسخ روح می باشد که در اسلام مردود است. تناسخ به معنی حلول روح انسان در جسم جدید در همین دنیا. یعنی پس از مرگ، روح انسان به عالم برزخ یا قیامت یا عوالم دیگر منتقل نمی شود بلکه در همین دنیا در قالب جسمی جدید وارد می شود و یک زندگی جدید را تجربه می کند و همین طور روح در زندگی های مکرر و پی در پی به حیات خود ادامه می دهد. در کتاب کندالینی ترجمه خسرو شریف پور ص 49 می خوانیم:

« در بطن حالات، ممکن است فرد مشتاق به پیشرفت باشد که نتیجه تولدهای قبلی است اما اگر جسم ضعیف باشد و نتواند فشار کندالینی را تحمل کند لازم است که شخص منتظر تولد دیگری باشد تا شاید دارای جسمی قابل انعطاف گردد.»

پس چگونه یک مسلمان می تواند هم زمان، یوگا را قبول داشته باشد که تناسخ روح جزء باورهای آن است و هم معتقد به معاد و جهان آخرت باشد؟

به هر حال به نظر می رسد یوگا نمی تواند انسان را برای رساندن به کمالی که مطلوب خالق هستی است کمک کند بلکه خدمت اصلی یوگا برای جهان بینی معاصر غرب بوده که توانست تنش ها و اضطراب های بشر را تا حدودی بکاهد و با فرو بردن آن ها در لاک لذت خواهی و رسیدن به تن و دلخوش ساختن آن ها به این که راهی برای درد خداجوئی آن ها پیدا شده، مرهمی برای او باشد.

یوگا تنها می تواند بخشی از استرس ها و نگرانی های بشر را بکاهد در حالی که آرامش واقعی در عرفان اسلامی یافت می شود.

*** دلیل گرایش جوانان به عرفان های نوظهور و وارداتی چیست و راه حل واقعی حل بحران معنوی انسان چیست؟**

به چند دلیل، جوانان، گرایش بیشتری به این عرفان ها دارند:

1 - آسان بودن این عرفان ها به این معنا که چندان قید و بند ندارند و عارف شدن با این نوع عرفان ها، به مراتب راحت تر است مثلاً در عرفان اسلامی باید قیدهایی را بپذیرد و تکایفی را عمل کند و از گناه و معصیت دوری کند که شیطان این راه را برای او سخت می نمایاند ولی عرفان های نو ظهور، به مریدان خود آسان می گیرند.

2 - برخورداری از لذت های متنوع

جوان وقتی حس می کند عرفانی پیدا شده که نیازهای جوانی و جاذبه های جنسی او را بها می دهد و کاری به او ندارد و عملاً برای این امور آزادش می گذارد و از سویی از سایر لذت های دنیا هم می تواند راحت تر استفاده کند بیشتر به آن گرایش پیدا می نماید.

3 - ادبیات جذاب و زیبا

عرفان های نو ظهور با سرانگشت هنرمندانه ی نویسندگان کتاب ها شکل و ظاهری زیبا و دلپذیر پیدا می کنند که هر کس را به خود جلب می نماید.

4 - قائل نبودن به دین و مذهب خاص

*** پاورقی ها**

1-مقاله ی اکنکار در سراب دین/عبدالحسین مشکانی/محمد تقی فعالی

2- کژراهه، ص 343، مقاله ی حجت الاسلام مظاهری سیف

3- کژراهه، ص 363

4- سفر به دیگر سو

5- کژراهه، ص 99

6- کژراهه، ص 290

7- کژراهه، ص 294

8- کژراهه، ص 562

9- مزه ای از ملکوت، ص 44

10- مجموعه ی مراقبت های آشو، ج 2، ص 73

11- همان، ص 69

12- بگو آری، ص 77

13- راز بزرگ از آشو، ص 80

14- راز بزرگ، ص 187

15- تعلیمات معنوی 6، ص 180

16- مزه ای از ملکوت

17- تعلیمات معنوی 6، ص 44 و 45

18- یوگای پیشرفته، پی دی شادما، ص 14، ترجمه ی موحدی نایینی

19- ادیان و مکاتب فلسفی هند، داریوش شایگان، ج 2، ص 711

www.inapply.com